اطلاعات

چهارشنبه ۱۷ آبان ۱۳۹۱ ـ ۲۲ ذی‌الحجه ۱۴۳۳ ـ ۷ نوامبر ۲۰۱۲ ـ شماره ۲۵۴۵۰ ـ ۲۰ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – ۲۰۰ تومان

لایحه بودجه سال ۹۲ بموقع تقدیم مجلس می‌شود

* معاون رئیس جمهوری: بودجه امسال کشور با کسری مواجه شده است
* توسعه زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عمرانی، کاهش وابستگی به درآمد نفتی از مهمترین ویژگی‌های لایحه بودجه سال ۹۲ است

صفحه ٤

اخضر ابراهیمی: خطر فروپاشی سوریه را تهدید می‌کند

* فرستاده سازمان ملل نسبت به روی‌کار آمدن شبه‌نظامیان در سوریه هشدار داد
* نخست وزیر انگلیس: سازمان ملل در حل بحران سوریه شکست خورد
* برادر رئیس پارلمان سوریه ترور شد

صفحه ١٦

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی:

راه ایجاد وحدت، تجمیع سلایق مختلف زیر چتر نظام است

* خودی و غیرخودی کردن نیروهای وفادار به نظام مخلّ وحدت ملی است
* چشم طمع دشمنان را با برگزاری انتخاباتی عادلانه و قانونی کور کنیم
* باید زمینه حضور عادلانه همه سلایق و گروه‌ها در انتخابات فراهم شود
* تحزب و احترام به شخصیت حزبی افراد از الزامات پویایی فضای سیاسی جامعه است
* با عقلانیت و پرهیز از افراط‌گری از حقوق ملتمان دفاع کنیم
* ملت مسلمان ایران ملتزم به اصول بین‌المللی است
* اگر از فرصت افزایش درآمدهای عظیم ارزی چند سال اخیر در جهت خود اتکایی و حمایت از تولید پایدار بهره مناسب می‌بردیم، در شرایط تحریم و تهدیدهای کنونی بهتر می‌توانستیم تهدیدها را به فرصت‌ها تبدیل کنیم
* باید از تمامی کسانی که با همه فشارها و تضییقات در چارچوب قانون اساسی به فعالیت و مشارکت جمعی ادامه می‌دهند و عِرق دین، ملت و منافع نظام و مردم را دارند قدردانی کرد

صفحه ۲

عکس از محسن وزیری

گشایش نمایشگاه آثار جشنواره عکس ایران شناسی با حضور دکتر حسن حبیبی

صفحه ۳

انتقاد ایران از بی توجهی آژانس هسته‌ای به زرادخانه‌های رژیم صهیونیستی

* نماینده کشورمان در سازمان ملل برخورد تبعیض‌آمیز برخی قدرت‌های غربی در موضوع هسته‌ای را تأسفبار خواند
* رعایت اصل بی‌طرفی و رفتار حرفه‌ای توسط آژانس ضرورت دارد
* آمانو: آژانس به انجام گفتگو با ایران متعهد است

نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل با اشاره به گزارش دیروز یوکیا آمانو مدیرکل آژانس در مجمع عمومی سازمان ملل، از بی اعتنایی آژانس به زرادخانه هسته ای خطرناک رژیم صهیونیستی به شدت انتقاد کرد.

به گزارش ایرنا محمد خزاعی در نشست مجمع عمومی سازمان‌ملل که به ارائه گزارش سالانه فعالیت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اختصاص داشت، به گزارش آمانو که توسط یکی از کارشناسان قرائت شد، اشاره کرد و برخورد تبعیض‌آمیز برخی قدرت‌های غربی در موضوع هسته‌ای و کمک آنها به رژیم صهیونیستی به‌رغم تداوم بی اعتنائی این رژیم به ان‌پی‌تی را تأسفبار خواند.

وی ضمن تاکید بر لزوم رعایت اصل بی طرفی و رفتار حرفه‌ای از سوی آژانس بین المللی انرژی اتمی، اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران همراه با سایر کشورهای عضو جنبش عدم‌تعهد، تلاش برخی کشورها برای سیاسی کردن فعالیتهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از جمله برنامه همکاریهای فنی آن را رد می کند و خواستار پایان هرگونه مداخله در کار آژانس است.

خزاعی تاکید کرد: این گونه اقدامات می تواند اقتدار، کارآمدی و اعتبار آژانس بین المللی انرژی اتمی را در معرض خطر قرار دهد و اعتبار ان پی تی و حق مسلم

بقیه در صفحه ۲

حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیدعلی خمینی:

پاسخگویی به شبهه‌ها درباره اندیشه امام (ره) ضروری است

* درخصوص اندیشه‌های امام (س) باید سؤال‌ها و پاسخ‌های جدید خلق شود
* غفلت از ابعاد شخصیتی امام (س) ما را به بن‌بست می‌رساند

پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران تصمیم دارد با راه اندازی سرویس ویژه‌ای نگاه تازه و جامع تری به موضوع حوزه، دانشگاه و اندیشه های امام راحل بپردازد، نخستین مطلب ویژه در این خصوص یادداشتی از حجت الاسلام والمسلمین حاج سید علی خمینی است که در زیر از نظرتان می گذرد:

برای فعالیت در حوزه افکار و اندیشه‌های حضرت امام(س) در زمینه حوزه و دانشگاه نکاتی را که گاهی بدان‌ها اندیشیده‌ام با شما در میان می گذارم تا همه با هم در مورد آنها بیندیشیم:

بقیه در صفحه ۲

۷۷ کشته و زخمی در انفجار بغداد

* انفجار انتحاری مقابل یک پایگاه ارتش عراق در منطقه «التاجی» بغداد ۲۷ کشته و ۵۰ زخمی برجا گذاشت

صفحه ١٦

محک

خوش بود گر محک تجربه آید به میان...

ابوالقاسم - قاسم زاده

انتخابات در آمریکا

آمریکایی‌ها برای تعیین ساکن کاخ سفید در چهار سال آتی پای صندوق‌های رای رفتند. مدیریت سیاسی در آمریکا را دو حزب جمهوریخواه و دمکرات اداره می کنند. احزاب دیگر هر چند در صحنه سیاسی حضور دارند، اما در مدیریت کلان جامعه آمریکا نقش تعیین کننده ندارند. در دوران انتخابات ریاست جمهوری اعتراض احزاب کوچک شنیده می‌شود که سیستم حاکمیت دو حزبی در آمریکا را نقد می کنند و آنرا نوعی استبداد از سوی دو حزب جمهوریخواه و دمکرات می‌خوانند و معتقدند هر دو حزب متعهد به نظام سرمایه‌داری هستند و قدرت آنها متصل به سرمایه‌داران بزرگ در آمریکا است. در این انتخابات رامنی از حزب جمهوریخواه و اوباما از حزب دمکرات نامزدهای اصلی و مطرح هستند. آخرین نظر سنجی‌ها نشان می‌دهد که اوباما چند درصدی، حدود ٤ تا ٦ درصد از رقیب خود، رامنی جلوتراست، اما هنوز پیروزی اوباما در این انتخابات از سوی برخی محافل سیاسی در آمریکا حتمی و پایان یافته خوانده نمی‌شود. رقابت نزدیک و بقول رسانه‌ها غربی شانه به شانه رامنی با اوباما گمانه‌زنی‌های متفاوتی را در صحنه رسانه‌ها ظاهر کرده است. برخی تکرار تجربه تلخ دوران مبارزات انتخاباتی جرج بوش از حزب جمهوریخواه با «الگور» معاون اول کلینتون از حزب دمکرات را یادآوری می کنند که نتیجه نهایی انتخابات بجای شمارش آراء عمومی مردم به کسب تعداد کارت‌های الکترال در ۲ ایالت بستگی پیدا می کند و رئیس دیوان عالی قضایی آمریکا انتخاب رئیس جمهور آینده آمریکا را با قضاوت چند کارت الکترال اعلام رسمی می کند. در این سیستم انتخاباتی، دو میزان تعیین کننده است.

اول؛ تعداد آراء مستقیم مردم که به هر یک از نامزدهای انتخاباتی می‌دهند و دوم؛ تعداد کارت‌های الکترال که هر یک به نسبت ایالت‌ها در آمریکا بدست می‌آورند. الگور در رقابت با جرج بوش تعداد بیشتری از آراء عمومی را به دست آورد. اما با تفاوت چند عدد کارت الکترال بیشتر برای بوش، دیوان عالی قضایی آمریکا رأی به رئیس جمهوری جرج بوش و پیروزی او داد. از آن زمان، سیستم انتخاباتی آمریکا بسیار مورد مناقشه احزاب و گروههای سیاسی قرار گرفته‌است و انتخابات دیروز نیز با توجه به نزدیکی فاصله رامنی و اوباما موجب اعتراض اغلب محافل سیاسی و شخصیت‌های سیاسی در آمریکا شده است. گروهی پیش بینی می کنند که تجربه تلخ دوره انتخابات ریاست جمهوری الگور و بوش بار دیگر تکرار و در عمل آراء مستقیم مردم قربانی روش شمارش کارت‌های الکترال شود. این گروه، انتخاب رئیس جمهور آینده با احتساب کارت‌های الکترال را نشانه نفوذ سرمایه‌داران و شرکت‌های تجاری - صنعتی بزرگ در آمریکا ارزیابی می کنند که در عمل، آراء مستقیم مردم را قربانی و فرد مورد نظر خود را حاکم و رئیس جمهور می کنند. گروهی دیگر معتقدند آن تجربه تلخ تکرار نخواهد شد و در انتخابات کنونی، اوباما حدنصاب کارت‌های الکترال را همراه اکثریت آراء مردم بدست خواهد آورد.

رامنی در دوره مبارزات انتخاباتی که بیش از یکسال طول کشیده است، چرخش بسیار داشت. در ابتداء خود را نماینده ثروتمندان و سرمایه‌داران آمریکا معرفی کرد، در حالی که اوباما طبقات متوسط و کم درآمد آمریکایی را نمایندگی می کرد. رامنی خیلی زود دریافت که باید تغییراتی در شعارهای انتخاباتی خود بدهد. او اعلام کرد که اگر در این انتخابات پیروز شود، ۱۲ میلیون شغل جدید برای شهروندان آمریکا ایجاد خواهد کرد و مهمترین مشکل امروز جامعه آمریکا، یعنی بیکاری را برطرف می کند. اوباما در نشست‌های انتخاباتی، بارها این وعده رقیب خود، رامنی را نقد کرد و آنرا توخالی و بدور از واقعیت خواند. او گفت، رامنی فاقد هرگونه برنامه برای حل بحران مالی و اقتصادی امروز آمریکا است. محور دیگر در این انتخابات، موضوع دریافت مالیات‌ها از سوی دولت فدرال بود. اوباما خاطره دوران ریاست جمهوری کلینتون از حزب دمکرات را زنده کرد و گفت که اگر برای بار دوم به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شود، روش مالیاتی دوران کلینتون را اجرا خواهد کرد. در این روش، از سرمایه‌داران بزرگ مالیات مضاعف، گرفته و برای کمک به سیستم خدمات عمومی (از بیمه‌های درمانی تا بیمه بیکاری و آموزش و پرورش) استفاده می‌شد. مردم آمریکا از دوره ریاست جمهوری کلینتون، آسودگی نسبی مالی و اقتصادی را در خاطر دارند. رامنی در حالیکه درباره اخذ مالیات عمومی و مالیات‌های خاص، حرف‌های متفاوت و گاهی متناقض زده است، تفکر اقتصادی و مالیاتی اوباما را سوسیالیستی خواند و گفت که این شیوه، اساس نظام سرمایه‌داری آمریکا را بهم خواهد ریخت. او همچنان انگشت اتهام را به‌سوی چهار سال دوره اوباما نشانه گرفت و گفت که وی، هنوز بسیاری از وعده‌هایی را که به مردم آمریکا داده، عمل نکرده است. رامنی در هفته‌های پایانی، شعار جدید سیاسی را پیش کشید و اظهار داشت که اگر مردم آمریکا او را به ریاست جمهوری انتخاب کنند، به‌جای تشکیل دولت حزبی، دولتی ملی با همکاری هر دو حزب جمهوریخواه و دمکرات تشکیل خواهد داد و در عمل، مدیریت کلان کشور را فراجناحی و با همکاری هر دو حزب رقیب به پیش می‌برد.

در سیاست خارجی که در اغلب انتخابات‌ها ریاست جمهوری، موضوع روز یا مسأله اصلی مردم آمریکا نیست، هر دو رقیب شعارهای خود را بر محور قدرت آمریکا تنظیم کردند. رامنی در این مانور قدرت، درباره بحران در خاورمیانه، حمایت از اسرائیل و مقابله با جمهوری اسلامی ایران تا آنجا پیش رفت که اوباما به مردم آمریکا گفت اگر طالب جنگی دیگر هستید، رامنی را انتخاب کنید، چرا که او خانواده‌های آمریکایی را به جنگ و کشتار دعوت می کند. رامنی در مقابل این تاکتیک گفتاری اوباما قرار گرفت و به سرعت در سخنان خود درباره سیاست خارجی تجدید نظر کرد و راه اعتدال پیش گرفت. رامنی در این رقابت انتخاباتی متهم است که دانش و تجربه لازم برای اداره سیاست خارجی، آنهم توسط کشوری که خود را تک ابرقدرت جهان می‌داند، ندارد. دو رقیب سه بار مناظره انتخاباتی داشتند که بر اساس نظرسنجی‌ها، در نهایت اوباما پیروز این مناظره‌ها خوانده شده است.

در دایره برداشت‌ها از سوی اغلب محافل خبری و سیاسی در اروپا و آمریکا احتمال پیروزی اوباما افزونتر است، اما هنوز به‌طور قاطع، فرد پیروز در این انتخابات معرفی نشده است.

با پایان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، نتیجه هرچه باشد، دور جدیدی از مدیریت در داخل و ترمیم سیاست خارجی آمریکا کلید خواهد خورد.

انتقاد ایران از بی‌توجهی آژانس هسته‌ای به زرادخانه‌های رژیم صهیونیستی

بقیه از صفحه اول

اعضای آن برای توسعه تحقیقات ،تولید و استفاده از انرژی هسته ای با اهداف صلح امیز و بدون هرگونه تبعیض را با مشکل مواجه سازد .

نماینده دائم ایران در سازمان ملل از رویکرد تبعیض آمیز ، گزینشی ،محدود کننده و توام با انگیزه های سیاسی کشورهای توسعه یافته در همکاریهای هسته ای ابراز تاسف و اضافه کرد : در حالی که رژیمی مانند اسرائیل تاکنون به ان پی تی نپیوسته و دارای برنامه خارج از پادمانهای هسته ای است ،اما براساس اسناد متقن برخی از قدرتهای غربی مانند آمریکا،انگلیس و فرانسه به رژیم صهیونیستی کمک اتمی کرده اند و این رژیم اکنون دارای یکی از بزرگترین زردخانه های سلاح هسته ای در جهان است که به بسیار مایه نگرانی است، اما در گزارش مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی هیچ اشاره ای به آن نشده است .

وی اضافه کرد : ایران مفتخر به اعمال حق مسلم خود در استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای است و در عین حال کاملا به تعهدات حقوقی خود در این رابطه متعهد و فعالیتهای هسته ای ایران کاملا با اهداف صلح آمیز بوده و هست .

خزاعی در ادامه سخنان خود در خصوص مطالعات ادعائی در باره برنامه هسته ای ایران که در گزارش آژانس به آن اشاره شده است گفت : این ادعاها در واقع گزارشات و نمودارهای جعلی هستند که معتبر نبوده و به همین دلیل آژانس از در اختیار قرار دادن آنها به ایران خودداری می کند و با توجه به این که اکثر این اطلاعات توسط رژیم صهیونیستی ومتحدانش تهیه شده است، به راحتی می توان نتیجه گیری کرد که این گونه اطلاعات به همان اندازه کاریکاتور بچه گانه ای که توسط نخست وزیر رژیم صهیونیستی در اوایل مهر ماه گذشته در این مجمع نمایش داده شد،بی اعتبار است .

تاکید آمانو بر گفتگوی آژانس با ایران

یوکیا آمانو بار دیگر ضمن تاکید بر تعهد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به گفتگو با ایران مدعی شد که تهران همکاری لازم را با آژانس ندارد.

به گزارش ایسنا، خبرگزاری آسوشیتدپرس از سازمان ملل گزارش داد که مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز دوشنبه اعلام کرد که گفتگوها میان آژانس و ایران در سال جاری تشدید شده اما در عین حال «هیچ نتیجه ملموسی حاصل نشده است».

وی با تاکید بر این که آژانس همچنان به راستی‌آزمایی منحرف نشدن برنامه هسته ای ایران از اهداف صلح‌آمیز ادامه می‌دهد، مدعی شد: ایران همکاری لازم را ندارد که ما قادر شویم اطمینان موثقی درباره نبود مواد و فعالیت‌های هسته ای اعلام نشده ارائه دهیم.

وی ادامه داد: بنابراین نمی‌توانیم نتیجه بگیریم که همه مواد هسته ای در ایران برای اهداف صلح‌آمیز به کار گرفته می‌شود. در عین حال آژانس قاطعانه به تشدید گفتگو با ایران متعهد است.

آمانو گفت: ما به مذاکرات با ایران درباره یک رویکرد ساختاری ادامه خواهیم دادو امیدواریم بتوانیم بدون تاخیر بیشتر به توافق برسیم.

پایگاه اینترنتی آنتی‌وار هم درباره سخنان آمانو نوشت: آمانو در سخنانی که تاکید می‌کند متقاعد کردن آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره موضوعی تا چه اندازه غیرممکن است، اصرار کرد که حتی با وجودی که آژانس قادر به راستی‌آزمایی نبود ،انحراف مواد هسته ای ایران از برنامه غیرنظامی مشروع است ، اما ایران "همکاری لازم را ندارد".

این منبع افزود: بنابراین در حالی که اورانیوم غنی شده غیرنظامی ایران در هیچ جایی منحرف نشده است و برنامه غنی‌سازی غیرنظامی اساسی آن هیچ‌گونه ابعاد نظامی ندارد، آمانو نمی‌تواند این امکان را منتفی بداند که یک برنامه جداگانه با تجهیزاتی جداگانه و اورانیومی جداگانه وجود ندارد که او از آن مطلع نباشد.

در این گزارش ادعا شده است: بحث اینجاست که حتی با وجودی که ۱۰۰در صد ثابت شده است که برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است نمی‌توان ۱۰۰درصد ثابت کرد که یک برنامه دوم در جایی که هیچ‌کس اطلاعی از آن ندارد وجود نداشته باشد ، بنابراین آمانو می گوید ما نمی‌توانیم این طور نتیجه بگیریم که همه مواد هسته ای در ایران برای فعالیت‌های صلح‌آمیز به کار گرفته می‌شود.

تاکید روسیه بر حق ایران

بنابرخبردیگر،دیمیتری مدودیف، نخست وزیر روسیه بر حق ایران برای استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای تاکید کرد.

به گزارش ایرنا به نقل از ایتارتاس، وی گفت: روسیه بر این باور است که همه کشورهای جهان از جمله ایران حق استفاده از انرژی هسته ای برای اهداف غیرنظامی را دارند. در همین حال باید کنترل بین المللی بر این گونه فعالیت ها اعمال شود.

نخست وزیر روسیه با تاکید بر اهمیت ادامه مذاکرات هسته ای با ایران خاطرنشان کرد: ادامه گفتگوها در باره مساله هسته ای ایران حائز اهمیت است.

پاسخ ایران درباره حقوق بشر

در جریان نشست کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک ، جمهوری اسلامی ایران به گزارش دبیرکل این سازمان درباره وضع حقوق بشر در کشورمان پاسخ داد.

به گزارش ایسنا، یک عضو هیات نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در این نشست با اشاره به ماهیت قطعنامه‌های حقوق بشری صادره علیه جمهوری اسلامی ایران به عنوان مبنای چنین گزارشاتی که برآمده از اقدام کاملا سیاسی، مغرضانه، گزینشی و دوگانه معدودی از کشورهای غربی بشمار می‌رود، مفاد گزارش دبیرکل را غیرقابل قبول خواند و مطالب و اطلاعات مندرج در آن را غیرموثق، تحریف شده، نادرست و غیر معتبر دانست.

وی همچنین با انتقاد از انعکاس نیافتن و اعمال نشدن نقطه نظرات و پاسخ های ارائه شده از سوی کشورمان در گزارش دبیرکل و همچنین اشاره نکردن به اقدامات و تحولات و پیشرفت‌های مثبت حقوق بشری کشورمان در گزارش یادشده چنین رویکردی را نادرست، غیرمنطقی و غیرحرفه‌ای دانست و بر ضرورت اصلاح رویکرد مذکور تاکید کرد .

نماینده کشورمان تاکید کرد: چنین اقداماتی باعث کاهش اعتبار و مشروعیت سازوکارهای بین‌المللی حقوق بشر و تضعیف توان و ظرفیت کشورها برای حمایت و ارتقاء حقوق بشر خواهد شد.

وی در بخشی دیگر از سخنرانی خود با اشاره به ارتکاب موارد عدیده نقض حقوق بشر توسط بانیان اصلی قطعنامه حقوق بشر علیه جمهوری اسلامی ایران ، ادعاهای حقوق بشری کشورهای یادشده و همزمان درخواست کانادا برای لغو ماموریت گزارشگر ویژه نقض حقوق بشر در سرزمین های اشغالی فلسطین را مضحک و قابل تامل دانست.

نماینده کشورمان در ادامه با اشاره به سیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تلاش همه جانبه برای حمایت و ارتقای حقوق بشر در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بر اساس تعالیم و آموزه‌های عالیه دینی، قانون اساسی و تعهدات پذیرفته شده بین‌المللی بر استمرار این تعهد در حرف و عمل تاکید ورزید.

وی همچنین بر فعالیت همه جانبه کشورمان برای تحقق حقوق بشر و ایجاد جامعه‌ای پیشرفته بر اساس اصول عدالت، برابری، استقلال، آزادی‌های مشروع و توسعه اقتصادی و اجتماعی و نیز همکاری و تعامل سازنده با سازوکارهای حقوق بشری در چارچوب منشور ملل متحد در عین اجتناب از اعمال استانداردهای دوگانه، سیاست‌زدگی و تقابل تاکید کرد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: راه ایجاد وحدت، تجمیع سلایق مختلف زیر چتر نظام است

«ملت مسلمان ایران ریشه‌دار و ملتزم به‌اصول بین‌المللی است»

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در دیدار جمعی از احزاب و اصلاح‌طلبان، پیروزی انقلاب اسلامی، توفیقات دوران دفاع مقدس، سازندگی و توسعه و پیشرفت کشور از ابتدا تاکنون را با حضور تأثیرگذار مردم ممکن دانست و گفت: امام راحل عظیم‌الشأن بعد از پیروزی انقلاب اعلام کردند، مردم ولی‌نعمت ما هستند و همه چیز باید با رأی و خواست مردم به پیش برود.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، عبور از مراحل سخت تثبیت انقلاب، رفراندوم و تدوین قانون اساسی و سایر مراحل دشوار دهه اول انقلاب را فقط در سایه حمایت بی‌دریغ و مجدّانه مردم ممکن خواند و تصریح کرد: کدام انقلاب را در دنیا سراغ دارید که بعد از گذشت دو ماه از پیروزی، انتخاب نظام سیاسی را به رفراندوم بگذارد و به سرعت قانون اساسی کشور را تصویب کند و مجلس قانونگذاری و خبرگان را شکل دهد؟

عضو مجلس خبرگان رهبری، تلاش برای حذف یا کمرنگ کردن نقش روحانیت و دستاوردهای ۳۰ ساله انقلاب را اولین هدف جریان انحرافی خواند که به دلیل ملاحظاتی، دهه اول را نمی‌توانستند به طور مستقیم مورد حمله قرار دهند و بعدها با دستاویز قرار دادن ارزش‌ها و اعتقادات مقدسی چون امام زمان(عج) اهداف انحرافی خود را به ضرر منافع و پیشرفت کشور و نظام اجرا کردند.

هاشمی رفسنجانی با بیان این‌که انقلاب اسلامی همه موفقیت‌های خود را در عرصه‌های دفاع مقدس، سازندگی، توسعه و پیشرفت در سایه احکام اسلام، خرد و عقل جمعی و حضور همه‌جانبه مردم در صحنه‌های حساس به دست آورده است، گفت: اگر از امکانات مادی، منابع انسانی و موقعیت جغرافیایی کشور در چند سال اخیر به خوبی استفاده می‌شد و از فرصت افزایش درآمدهای عظیم ارزی چند سال اخیر در جهت خوداتکایی و حمایت از تولید پایدار بهره مناسب می‌بردیم، شرایط تحریم و تهدیدهای کنونی قدرت‌های جهانی را بهتر مدیریت کرده و تهدیدها را به فرصت‌ها تبدیل می‌کردیم.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی معرفی مردم و نظام اسلامی ایران از سوی دشمنان به عنوان غیرمتجانس با نظام و انضباط بین‌المللی و همچنین تهمت‌هایی نظیر تروریست و صادرکننده مواد مخدر را ظلم به مردم متمدن، متدین و دارای تمدن کهن چندین هزار ساله خواند و تصریح کرد: اذهان آزاده جهان و کسانی که عدل و انصاف را مدنظر قرار می‌دهند، اذعان می‌کنند که ملت ایران، ملتی ریشه‌دار، آشنا و ملتزم به اصول جهانی و بین‌المللی و معتقد به ارزش‌های والای اسلامی و انسانی و مکتب پربار اهل بیت(ع) است.

وی افزود: باید با عقلانیت و پرهیز از افراط‌گری، از حقوق ملتمان در قبال این حجم از تهمت‌ها، به درستی دفاع کنیم.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در تبیین ایجاد وحدت ملی در کشور گفت: وحدت ملی، یعنی در عین داشتن اختلافات سلیقه‌ای، در مورد منافع و مصالح نظام وحدت و هماهنگی ایجاد شود.آیت‌الله هاشمی رفسنجانی افزود: راه ایجاد هماهنگی و وحدت در کشور و مقابله با خطرات گزنده دشمنان، جمع سلایق مختلف زیر چتر منافع و مصالح نظام، حول محور اسلام و قانون اساسی است.

عضو مجلس خبرگان رهبری با تأکید بر لزوم حفظ و تقویت وحدت و انسجام ملی به منظور استحکام انقلاب و نظام اسلامی در داخل و عرصه بین‌المللی گفت: در حال حاضر، همه دلسوزان کشور از جناح‌ها و گروه‌های گوناگون، بر لزوم پذیرش اشتباه و اصلاح رفتارها و سیاست‌ها تأکید دارند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، خودی و غیرخودی کردن نیروهای دلسوز و وفادار به نظام اسلامی و قانون اساسی را مخلّ وحدت و همدلی ملی دانست و تأکید کرد: در زمان امام راحل(ره) که حزب جمهوری اسلامی در اوایل انقلاب، در اوج اقتدار و قدرت برای پیروزی در همه انتخابات بود امام درس بزرگی به مسئولان دادند و دستور فرمودند جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین در شهرستان‌ها نباید کاندیدا معرفی کنند و این نظر امام برای شکستن انحصار و انحصارگرایی در کشور بود.

وی افزود: باید زمینه را برای حضور عادلانه و باانگیزه همه سلایق و گروه‌های وفادار و ملتزم به قانون اساسی فراهم تا انتخاباتی پرشور، عادلانه و کاملاً قانونی برگزار و چشم طمع دشمنان کشور را کور کنیم.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تحزب و احترام به شخصیت حزبی افراد را از الزامات پویایی فضای سیاسی جامعه بیان کرد و گفت: باید از همه کسانی که با همه فشارها و تضییقات در چارچوب قانون اساسی به فعالیت و مشارکت جمعی ادامه داده و عِرق دین، ملت و منافع نظام و مردم را دارند، تشکر و قدردانی کرد.

در ابتدای این دیدار، آقای بهمن‌زاده دبیر شورای هماهنگی جبهه اصلاح‌طلبان با اشاره به مشکلات فعالیت احزاب اصلاح‌طلب در شرایط کنونی گفت: با همه موانع و مشکلات پیش روی فعالان اصلاح‌طلب، آنان خود را موظف و ملتزم به ادامه کار و فعالیت برای ایجاد فضایی مشارکت‌جویانه می‌دانند.

همچنین دکتر مصطفی کواکبیان، رئیس جبهه اصلاح‌طلبان، عنایت و توجه پدرانه آیت‌الله هاشمی به گروه‌های وفادار به نظام و کسانی که کار جمعی و حزبی می‌کنند را مورد تقدیر قرار داد و گفت: معتقدیم در انتخابات پیش رو جریان اصلاح‌طلب تنها با اجماع و مشارکت حداکثری و هم در سایه برگزاری انتخاباتی آزاد و قانونی، برقراری عدالت تبلیغاتی و نظارت بر عدم استفاده از امکانات دولتی توسط مجریان و ناظران انتخابات می‌تواند موفقیت‌های خوبی به دست آورد.

دکتر محتشمی، دبیرکل حزب آزادی هم با اشاره به کلام مولای متقیان که «مدارا را رأس سیاست‌ها» بیان کردند، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را سمبل مدارا در کشور خواند و گفت: در طول تاریخ نظام اسلامی تا زمانی که در صحنه داخلی و بین‌المللی با مدارا رفتار و عمل کرده‌ایم، پیشرفت و توسعه داشته‌ایم و زمانی که دست از مدارا برداشته‌ایم، فرصت‌ها را تبدیل به تهدید کرده‌ایم.همچنین در ادامه، دکتر حق‌شناس کارشناس رسانه‌ای با بیان تاریخچه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و بیان فرصت‌ها و تهدیدهای سه دهه گذشته، فرصت موجود تا انتخابات ریاست جمهوری آینده را مقطعی حساس برای زایش و تولدی مجدد برای تغییر و اصلاح وضع موجود و استفاده از پتانسیل اصلاح‌طلبان در آینده کشور خواند.

هیچ نگرانی برای تامین کالاهای اساسی وجود ندارد

وزارت صنعت، معدن و تجارت نسبت به تامین کامل نیاز کشور به مواد غذایی و کالاهای اساسی ابراز اطمینان کرد .

عباس قبادی معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت و مدیر عامل شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران در گفتگو با خبرنگاران ضمن اشاره به اینکه امسال میزان صادرات گندم حدود صفر بوده است، گفت: میزان ذخیره سازی استراتژیک کالاهای اساسی هم اکنون در شرایط بسیار خوبی قرار دارد به طوری که مرغ درجه یک با قیمت ٤٨٠٠ تومان و مرغ درجه ۲ با قیمت ٤٦٠٠ تومان از مرغداران خریداری و ذخیره سازی شده است وهم اکنون ٥١ هزار تن ذخیره مرغ وجود دارد.

وی افزود: ۲۵ هزار تن ذخیره گوشت قرمز هم اکنون موجود است و در مورد نهاده های دامی همچون ذرت، جو، کنجاله و سویا ذخیره سازی به اندازه یک سال و نیم تقویت شده است. به گفته وی حداقل ٤ قلم از ۹ قلم کالاهای اساسی برای یک سال و نیم آینده ذخیره سازی شده است.

نامبرده اظهار داشت: میزان موجودی روغن خام هم در کشور ۲/٥ برابر شده است که امیدواریم بتوان کشور را تا سال آینده از لحاظ تامین روغن بیمه کنیم. هر شرکتی که نیاز به خرید روغن خام داشته باشد می تواند به شرکت بازرگانی دولتی ایران مراجعه کند.

وی میزان ذخیره شکر را مناسب عنوان کرد و گفت: خرید برنج خارجی هم صورت گرفته و تا به حال حتی یک کیلو آن به دلیل حمایت از خرید داخلی برنج هنوز وارد نشده و به محض اتمام خرید تضمینی برنج این ذخایر وارد کشور خواهد شد.

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت همچنین از خرید گندم مازاد بر نیاز کشور خبر داد و گفت: امسال ۲میلیون و ٥٠ هزار تن خرید تضمینی گندم و هفت هزار تن خرید تضمینی برنج صورت گرفته است.

حسن راد مرد معاون بازرگانی داخلی وزارت صنعت، معدن و تجارت هم تاکید کرد که هم اکنون هیچ مشکلی برای تامین کالاهای اساسی وجود ندارد.

رادمرد در گفت‌وگو با ایسنا با بیان این که دولت با تدابیر اندیشیده شده ذخایر کافی از کالاهای اساسی در اختیار دارد، گفت: هر زمان که نیاز باشد، این ذخایر وارد بازار خواهد شد. البته ذخیره سازی یک امر شناور است.

وی در توضیح این موضوع گفت: هم اکنون به طور مرتب بخشی از کالاها ذخیره می‌شود و نمونه مشابه آن‌ها از ذخایر خارج و عرضه می‌شود تا در حفظ تازگی و به روز بودن کالاها مشکلی پیش نیاید. رادمرد با تاکید بر این که سایر کالاها هم به اندازه کافی در کشور وجود دارد افزود: هجوم مردم به بازار برای خریدن و ذخیره کردن خانگی برخی کالاها می تواند تنظیم بازار را به هم بریزد. اما دولت این اطمینان را به مردم می دهد که هیچ مشکلی برای تامین کالا وجود ندارد و نیازی به ذخیره سازی خانگی کالاها نیست.

مجلس به دو فوریت طرح اصلاح مدیریت صندوق توسعه ملی رأی داد

سرویس پارلمانی: طرح «اصلاح ماده ٨٤ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران»، با پیشنهاد دو فوریت در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی مطرح شد و این پیشنهاد به تصویب رسید.

علت درخواست دو فوریت این طرح، اقدام غیرقانونی دولت مبنی بر سلب اختیارات هیأت امنای صندوق توسعه ملی و واگذاری آن به هیأت عامل اعلام شده است.

در این ارتباط، یکی از پیشنهاددهندگان اظهار داشت: دولت، به طور غیرقانونی هیأت امنای صندوق را که از اعضای سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه و بخش خصوصی تشکیل شده است، منحل کرده و مجموع اختیارات آن را به هیأت عامل که یک هیأت دولتی است واگذار کرده است.

وی افزود: برای آنکه ورودی و خروجی ارز این صندوق به طور دقیق مشخص شود، دولت باید ملزم به اجرای ماده ٨٤ قانون برنامه پنجم توسعه شود، زیرا هیچ کس، جز دولت نمی‌داند که حجم این منابع چقدر است و در کجا هزینه می‌شود.

لازم به توضیح است: حداقل ۲۰ درصد از ارز حاصل از فروش نفت و میعانات گازی، باید به صندوق توسعه ملی واریز شود تا به مصرف تولید و سرمایه‌گذاری اساسی برسد.

اجرا نشدن معافیت مالیاتی مسکن مهر

در ادامه این جلسه سؤال عوض حیدرپور نماینده شهرضا، از شمس‌الدین حسینی، وزیر امور اقتصادی و دارایی، در مورد علت اجرا نشدن مصوبه دولت در معافیت مسکن مهر از پرداخت مالیات، مطرح و پاسخ وزیر، قانع کننده اعلام شد.

در پاسخ به این سئوال، حسینی، گفت: هیچ قانونی در مورد معافیت مسکن مهر از مالیات وجود ندارد.

وی افزود: هیأت وزیران در مورد نقل و انتقال مسکن مهر معافیتی را تصویب کرد که در پی مخالفت اداره تطبیق قوانین مجلس، مصوبه اصلاح شد و در نتیجه معافیت عملی نشد.

در ادامه نماینده شهرضا پرسید: هدف قانون ارائه تسهیلات به اقشار کم درآمد است، ولی چرا باید از ۲۰ میلیون تومان تسهیلاتی که به افراد داده می‌شود ۱۰ درصد مالیات کسر شود؟

وی افزود: این رقم بین یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان تا ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است که مالیات بر ارزش افزوده هم به آن اضافه می‌شود.

وزیر امور اقتصادی و دارایی، هم گفت: دریافت ٥ درصد مالیات از سازندگان مسکن مهر متوقف شده، ولی در این مصوبه قید نشده است که پیمانکاران و سازندگان از مالیات عملکرد معافند.

وی همچنین گفت: معافیت مورد نظر نمایندگان نیازمند اصلاح قانون است.

در پی این توضیحات، سئوال‌کننده، گفت: در صورتی که دولت معافیت مالیاتی مسکن مهر را در قانون اصلاح مالیات‌ها که در کمیسیون اقتصادی مجلس در دست بررسی است پیش‌بینی کند، نیاز به رأی‌گیری در این زمینه نیست.

موافقت با تحقیق و تفحص از دانشگاه آزاد

در ادامه این جلسه، درخواست تحقیق و تفحص گروهی از نمایندگان از عملکرد دانشگاه آزاد اسلامی مطرح شد و مورد تصویب قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار پارلمانی اطلاعات، پیش از شروع جلسه علنی دیروز، نمایندگان مخالف و موافق در یک جلسه غیرعلنی در مورد طرح سئوال از رئیس جمهوری به بحث و بررسی پرداختند.

همچنین لایحه اصلاح قانون دریایی ایران مصوب ۱۳٤۳ که در شورای نگهبان مردود اعلام شده بود، برای تأمین نظر آن شورا، اصلاح شد.

کدخدایی: مصوبات، نباید اختیارات شورای نگهبان را محدود کنند

سخنگوی شورای نگهبان با اشاره به طرح کمیسیون شوراهای مجلس برای انجام اصلاحاتی در قانون انتخابات ریاست جمهوری گفت: اگر قانونی وضع شود که اختیارات شورای نگهبان را محدود کند، با ایراد مواجه خواهد شد.

عباسعلی کدخدایی در گفت‌و با ایسنا در این باره ادامه داد: اصل ایجاد اصلاحات در قانون انتخابات امری مطلوب است ،اما اصلاحات عجولانه را توصیه نمی‌کنیم به ویژه در مواردی که تجربیاتی از گذشته داریم.

وی ادامه داد: در راستای برخی مصوبات ارسالی از ادوار گذشته به شورای نگهبان، نگاه اعضای شورا این است که شرایط اصل ۱۱٥ قانون اساسی حصری است و احراز آن ها توسط شورای نگهبان باید انجام شود، بر این اساس اگر قانونی بخواهد وضع شود که اختیارات شورای نگهبان را محدود کند ممکن است در آینده با ایراد مواجه شود.

عضو حقوقدان شورای نگهبان تصریح کرد: البته ما اکنون نمی‌توانیم اعلام نظری داشته باشیم و منتظر خواهیم بود که مصوبه در صحن علنی به تصویب برسد و پس از دریافت مصوبه اعلام نظر قطعی کنیم. وی در مورد تشکیل هیاتی ۱۱ نفره در طرح مذکور گفت: اگر به هر نوعی در حوزه نظارت و اجرا وارد شوند، یک ایراد است، البته باید دید که حوزه نظارتی و اجرایی که گفته شده، واقعی است یا خیر؛ زیرا ممکن است تفسیر دیگری باشد. به عنوان مثال مجلس مطرح کند که قصد ورود به حوزه نظارتی را ندارد و هدف هماهنگی است، بنابراین باید منتظر ماند و مشاهده کرد که مصوبه نهایی چه خواهد شد. کدخدایی در مورد ضرورت وجود نهاد دیگری برای نظارت در امر انتخابات خاطرنشان کرد: قطعاً اگر قصد ورود به حوزه نظارت باشد، شورای نگهبان به استناد اصل ۹۹ قانون اساسی ایراد خواهد گرفت. سخنگوی شورای نگهبان در مورد سن کاندیداهای ریاست جمهوری در طرح اخیر نیز یادآور شد: نمایندگی مجلس شرط سنی دارد در حالی که کار اجرایی دشواری را هم بر عهده ندارند. اکنون آقایان قیاس کردند که چون برای نمایندگی مجلس شرط سنی قرار داده شده، برای ریاست جمهوری باید به طریق اولی وجود داشته باشد. تاکید می‌کنم این مباحث کارشناسی است و اکنون نمی‌توان اعلام نظر قطعی داشت.

کدخدایی تاکید کرد: یکی از مشکلاتی که در قانون انتخابات وجود دارد، قانونگذار معیارهای عینی رجل سیاسی و مذهبی را بیان نکرده است، در طول سی و چند سال گذشته، شورای نگهبان براساس برآوردهای کلی اقدام به این کار کرده است، بدین معنی که کمبودی در اینجا وجود دارد اما این که این نقیصه با قانون مجلس رفع می‌شود یا خیر، محل تردید است.

استقرار ثبات و آرامش در سوریه برای همه کشورهای منطقه سودمند است

رئیس مجلس شورای اسلامی، گفت: استقرار صلح، ثبات و آرامش در سوریه برای تمام کشورهای منطقه مفید است.

دکتر علی لاریجانی دیروز در دیدار خداحافظی «حامد حسن» سفیر سوریه در تهران افزود: باید شرایطی فراهم شود که طی آن مقامات و مردم سوریه بتوانند بدون‌دخالت نیروهای خارجی به حل و فصل مشکلات داخلی خود اقدام کنند.به گزارش ایرنا وی در ادامه بر حمایت همه جانبه مجلس شورای اسلامی از توسعه مناسبات و همکاری‌های دوستانه جمهوری اسلامی ایران و سوریه در زمینه‌های مختلف تاکید کرد.وی با تقدیر از زحمات سفیر سوریه در طول ماموریت دیپلماتیک خود در تهران گفت: تلاش‌های فراوان ایشان توانست فضای جدیدی در مناسبات فیمابین بگشاید و دو کشور را وارد عرصه‌های جدیدی از همکاری و تعامل دوستانه کند.سفیر سوریه در تهران هم در این دیدار با ارائه گزارشی از آخرین تحولات کشورش، گفت: توطئه بزرگی بر علیه سوریه شکل گرفته است و طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در تلاش برای ایجاد ناآرامی‌ها در داخل خاک سوریه هستند.

حامد حسن افزود: تروریست‌ها با وارد کردن سلاح به داخل سوریه دست به جنایات بیشماری علیه مردم غیرنظامی در این کشور زده‌اند.

وی در ادامه از حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های گذشته از مردم سوریه قدردانی کرد.

آغاز ثبت نام برای دریافت وام فرشبافی در تهران

ثبت نام برای دریافت وام فرشبافی خانگی در تهران آغاز شد .

روابط عمومی سازمان صنعت، معدن‌وتجارت استان تهران اعلام کرد: با توجه به شروع ثبت نام به منظور تخصیص تسهیلات مشاغل خانگی برای تمامی رسته های مرتبط با فرش دستباف (بافنده خانگی، رنگ آمیزی نقشه فرش، رنگرزی، طراحی سنتی فرش، نخ ریسی) در استان تهران، متقاضیان می توانند با مراجعه به واحد فرش درسازمان صنعت، معدن وتجارت ودر شهرستانها به ادارات تابعه مراجعه و نسبت به تکمیل پرونده اقدام کنند.

شایان ذکر است: متقاضیان باید مراحل زیر را طی و مدارک موردنیاز را به شرح زیر تهیه کنند: ثبت نام در سایت وزارت تعاون، کار و رفاه امور اجتماعی به نشانی www.mashaghelkhanegi.ir، تکمیل فرمهای مربوط به متقاضیان مستقل و دریافت کد رهگیری (پرینت از تمامی صفحات ثبت نام الزامی است) ، کپی شناسنامه ، کپی کارت ملی ، کپی کارت شناسایی اتحادیه، کپی کارت پایان خدمت(برای آقایان) ، کپی آخرین مدرک تحصیلی و فنی حرفه ای، یک قطعه عکس ٤×۳، یک عدد پوشه مقوایی

حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیدعلی خمینی: پاسخگویی به شبهه‌ها درباره اندیشه امام(ره) ضروری است

بقیه از صفحه اول

هیچ گاه نباید از این نکته غفلت داشت که امام بزرگوار(س) دارای شخصیتی چند بعدی است، ابعادی که در کنار هم تشکیل دهنده یک کل واحد و یک ساختار منسجم‌اند و غفلت از هریک از این ابعاد موجب می‌شود که در شناخت او به بن‌بست برسیم یا با تناقض روبرو شویم.برای فعالیت در این حوزه باید ابعاد شخصیتی امام(س) به درستی شناخته شود، امامی که وقتی بر منبر فقه می‌نشیند غوغای ولایت فقیه را برپا می‌کند و وقتی بر سریر فلسفه و عرفان تکیه می‌زند کار به جایی می‌رسد که ظاهربینان ظرفش را تطهیر می‌کنند درعین آن که مقلدانش به حکم او احکام طهارت را جاری می‌سازند!

همو که گاهی در کمال رأفت فرمان هشت‌ماده‌ای صادر می‌فرماید و زمانی در اوج اقتدار فرمان هجوم می‌دهد تا غائله کردستان در طرفةالعینی خاموش شود و ناامنی منافقانه به درنگی پایان پذیرفته و کشتی کشور به وادی امنیت برسد.

غفلت از این ابعاد گوناگون که در عین رابطه تضاد در یک واحد با هم ملایم شده‌اند باعث شده است که دوستانی به دنبال شاخص شخصیت او راه را ناقص پیموده و دوستانی دیگر به دنبال رحمت علی‌الاطلاق وی چشم از جلوه‌های اشداء علی‌الکفار بر بندند و هر دو در این وادی به تناقض رسیده راه به سرگردانی بپیمایند.

او به حکم مخالفانش - چه رسد به دوستان بی‌شمارش - در تمام عمر پر فراز و نشیب مسیری عقلانی را طی کرد و ما در فهم او به تناقض می‌رسیم، چرا؟

بارها اندیشیده‌ام و این اندیشه را با شما هم در میان می‌گذارم که ما به عنوان کسانی که نام امام(س) را یدک می‌کشیم و نان امام(س) در سفره‌مان قرار دارد، تا چه میزان تلاش کرده‌ایم تا شاکله نظام‌مند معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی او را تبیین کنیم و با ساختار سیاسی مدنظر او تطبیق دهیم؟

آیا می‌دانیم هر پرسش، شبهه، انتقاد و ایرادی را باید در کدام پوشه(فایل) قرار دهیم و چگونه بدان پاسخ دهیم؟

در تبیین این گفتمان تا چه میزان در شخص امام(س) غرق بوده‌ایم و تا چه میزان توانسته‌ایم از این بحر فضائل بیرون زده به شخصیت او برسیم؟ شخصیتی که باید با گزاره‌های ملموس و روشن به صورتی مدون پیش روی پیروان، دوستداران، حتی دشمنان او باشد.

آیا روش بحث پیرامون اندیشه‌های او که رکن نظام جمهوری اسلامی و فراتر از آن است را توانسته‌ایم ترسیم کنیم یا باید هنوز هم با ارزش‌های غربی یا شرقی گفتمانی را داوری کنیم که مدعی نه این و نه آن بوده است؟

آیا به این نکته واقف شده‌ایم که هیچ اندیشه‌ای را نمی‌توان ورای پارادایم غالب بر آن و با جهان بینی غیر آن به نقد نشست؟ آیا می‌توانیم گزاره‌های مکتب مشاء را با سازمان فکری اشراق نقد کنیم؟ و یا حکم اخلاقی کانت را با جهان فلسفی پیش از او به نقد بنشینیم؟

پس روش بررسی گزاره‌های امام(س) چیست؟

اگر فقه است پس چرا آنان که در احکام فقهی و پوستین دین مانده‌اند هنوز در تحلیل تفسیر سوره حمد امام(س) یا مفاد نامه او به گورباچف مانده‌اند و از سر سیاست است اگر جرئت نمی‌کنند به تندی با آن گزاره‌ها روبرو شوند؟

اگر میزان عرفان و فلسفه -آن هم با تفسیر رایج- است پس چرا فیلسوفان و عرفا در تفسیر این شخصیت عاجزند و در تبیین کلمات کلیدی جملات امام(س) به بن بست می‌رسند؟

آیا نمی‌بیند و نمی‌بینیم کسانی را که با تمسک به جایگاه مجلس و مردم در اندیشه‌های امام(س) در تبیین ولایت مطلقه حیران شده‌اند؟ و یا کسانی را که با چنگ زدن به حبل ولایت مطلقه جمله میزان رای ملت است و همه باید به قانون برگردیم را نمی‌فهمند؟

این تناقضات از کجاست؟ و چراست؟ آیا امام(س) مجموعه‌ای از فقه، عرفان، فلسفه، اخلاق و سیاست است یا هیچ کدام از آن‌ها و ورای آن‌ها؟

این همه سوال‌ها از یک سو هجوم می‌آورند، در حالی که ما تا به حال نتوانسته‌ایم پاسخ جامعی بدان‌ها بدهیم، هر چند بی‌شک هر یک تلاش‌هایی داشته‌ایم.

از سوی دیگر هجمه ابهاماتی است که برخی دوستان و بسیاری دشمنان بارها و بارها و بارها بیان کرده‌اند به نحوی که تکرار، دلیل بر صحت‌شان تلقی شده و ما گاهی به واسطه فهم ناقص‌مان از اندیشه‌های امام(س) و یا شناخت ناقص‌مان از حوادث تاریخی و یا مصلحت اندیشی‌های گاه به جا و گاه نا به جا از کنار آنها گذشته‌ایم و البته در بسیاری از موارد پاسخ در خور داده‌ایم، اما به یک بار اکتفا کرده‌ایم و به حکم «درخانه اگر کس است یک حرف بس است» کم گویی و گزیده گویی را ترجیح داده‌ایم حال آن که اولاً: همان صدای اولیه ما هم به جایی نرسیده و ثانیاً: در مقابل تکرار بی‌نهایت اشکالات آن یک بار افاقه نکرده است.

به عنوان نمونه، ما چند بار با دلیل و برهان و شاهد و مؤید ثابت کرده‌ایم که فلان کلام، کلام امام(س) نیست، یا فلان نامه، نامه‌ی امام(س) هست؟ اما آیا نمی‌بینیم - با آن که از پاسخ ما سال‌ها می‌گذرد - هر روز همان اشکالات و همان تهمت‌ها از جانب دوست و دشمن تکرار می‌شود و جوان و غیرجوان در مواجهه با آن هستند، بدون این که بدانند که ما چگونه به این سخن پاسخ گفته‌ایم!

در این فضایی که می‌خواهید تأسیس کنید باید سوال‌ها و پاسخ‌های جدید خلق شود، همچنین باید جواب نقدهای تکراری مورد غفلت واقع نشده به دفعات و از زبان افراد مختلف و با ادبیات مختلف طرح شود.

بی تعارف می‌گویم ما بیشتر امام(س) را در قالب فقه دیده‌ایم چون تخصص‌مان بیشتر این بوده است، اما با اساتید فلسفه شرق و غرب بنشینید و ببینید که اینان اندیشه‌های فلسفی او را چگونه فهم کرده‌اند؟با اساتید جامعه‌شناسی و علم سیاسی بنشینید و ببینید که اینان چگونه توانسته‌اند نظام سیاسی مورد نظر امام(س) را در چارچوب روز و با زبانی دیگر تبیین کنند؟ وهم اساتید سایر رشته‌ها.

سخن بسیار است و مجال کم.

در پایان خاضعانه از خداوند می‌خواهم که به همه ما توفیق دهد که در مسیر نشر دینش موفق باشیم.

مهمانپرست: ضبط اموال ایران در کانادا با مقررات بین المللی مغایرت دارد

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران اقدام دولت کانادا برای ضبط اموال متعلق به دولت ایران در این کشور را خلاف اصول منشور ملل متحد و مغایر با نص صریح کنوانسیون های وین ۱۹٦۱ روابط دیپلماتیک و ۱۹٦۳ روابط کنسولی و در تناقض آشکار با مقررات حقوقی عرفی بین المللی و نیز شعار حاکمیت قانون در سطح بین المللی دانست .

رامین مهمانپرست در واکنش به حکم قاضی دادگاهی در انتاریوی کانادا تصریح کرد : مصونیت دولت و اموال آن به عنوان اصل تثبیت شده و دیرپای حقوق بین الملل ، رکن رکین و بنیادین روابط بین الدولی است و چنانچه اجازه داده شود که این اصل (مصونیت اموال دولت ها در خاک یکدیگر) بدین شکل و تحت تأثیر ملاحظات کاملا سیاسی خدشه دار شود، این به معنای فرو ریختن نظام بین المللی مبتنی بر برابری حاکمیت ها خواهد بود .

وی گفت: انگیزه های سیاسی در ورای این اقدام بر هیچ کس پوشیده نیست ، این که بلافاصله پس از تعلیق روابط سیاسی و بستن سفارت ایران در کانادا، دادگاه های کانادا بر روی اموال ملت ایران دست می گذارند ، به خوبی انگیزه های دولت کانادا را روشن می کند.

رامین مهمانپرست با تأکید بر این که جمهوری اسلامی ایران با رد اکید هر گونه مداخله در اقدامات تروریستی در هر نقطه از جهان و محکومیت شدید این اقدام سیاسی دادگاه کانادایی ، دولت کانادا را مسئول این نقض مقررات بین المللی می داند ، خواستار توقف فوری این روند شد و افزود : بدیهی است حق پیگیری سیاسی و حقوقی این اقدام برای دولت جمهوری اسلامی ایران محفوظ است .

پیام تسلیت سید محمد خاتمی به مناسبت درگذشت محمد اخوان

حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی با صدور پیامی پرپر شدن گل بوستان صفا و محبت و ایمان و خیرخواهی و آگاهی، محمد اخوان را به خانواده وی تسلیت گفت. متن پیام تسلیت آقای خاتمی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای مهدی اخوان فرد

باور نمی کنم گل بوستان صفا و محبت و ایمان و خیرخواهی و آگاهی محمد اخوان عزیز پر پر شده و از میان ما رفته است. چه خسارت سنگینی برای همه آنان که دین و ادب و بزرگی را پاس می دارند. ولی در برابر تقدیر حضرت پروردگار ان شاء‌الله همه ما تسلیم هستیم و می دانیم که روان پاک او اینک متنعم به نعمت های بیکران خداوندگاری است که اخوان عزیز بنده خوب و خالص او و خدمتگزار صدیق دیگر بندگانش بود.

من این مصیبت را به همه دوستان و علاقمندان فراوان آن عزیز، بخصوص خانواده محترم اخوان و بالاخص به بانوی والامنش همسر آن عزیز و مادر گرامی تان و به شخص جناب عالی و برادر ارجمند و خواهران گرانقدر تسلیت عرض می کنم و از درگاه حضرت پروردگار برای آن فقید سعید آمرزش و رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان معزز صبر و اجر و سلامتی مسالت می کنم.

سید محمد خاتمی

۱٤ آبان ۱۳۹۱

زنده یاد حاج محمد اخوان فرد، در شهریور ۱۳۳۳ در خانواده ای مذهبی در محله دارالشفای یزد متولد شد. او پس از تحصیل در دانشگاه پیشه معلمی را برگزید و دبیر ادبیات دبیرستان های شهر یزد شد. پیش از انقلاب و در جریان مبارزات مردم همپای دیگر مبارزان و به رهبری آیت الله صدوقی (ره) در تجمعات و راهپیمایی ها شرکت می کرد و همواره بیانیه های انقلاب در یزد توسط او قرائت می شد. ذوق و قریحه شاعری در او سبب شد اشعار و سروده های انقلابیش در بین انقلابیون یزد رواج یابد و مورد استفاده قرار گیرد. پس از انقلاب نیز محمد اخوان با دفتر آیت الله صدوقی امام جمعه یزد همکاری نزدیک داشت. پس از شهادت سومین شهید محراب ایشان در دفتر آیت الله سید روح الله خاتمی امام جمعه فقید یزد مسؤولیت امور فرهنگی را عهده دار شد و از جمله خدمات ماندگار مرحوم اخوان می توان به جمع آوری و تنظیم درس های اخلاق آیت الله خاتمی اشاره کرد که پس از رحلت این عالم ربانی در قالب کتاب از سوی سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحت عنوان «آینه مکارم، شرح آیت الله خاتمی بر دعای مکارم الاخلاق امام سجاد علیه السلام» چاپ و منتشر شد.

محمد اخوان فرد پس از رحلت آیت الله خاتمی از سال ۱۳٦۷ تا ۱۳۹۱ در دفتر مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد علی صدوقی امام جمعه فقید یزد و دفتر سومین شهید محراب، مشغول به خدمت بود. او همچنین مدتی در سمت مدیر دبیرستان رازی یزد و مدتی نیز در سمت مدیر کل تربیت بدنی استان یزد خدمات موثری را در این دو نهاد آموزشی و تربیتی و فرهنگی ارائه داد. محمد اخوان فرد با تخلص ادبی «دوست» شعر می سرود. وی عضو انجمن شعر حافظ و انجمن ادبی کتابخانه وزیری یزد بود. اشعار و سروده های او در نشریات محلی یزد به چاپ رسیده است. از این شاعر مجموعه شعری با عنوان «سرود سبز طبیعت» بر جای مانده است.

حاج محمد اخوان فرد پس از عمری تلاش و خدمت سرانجام در سحرگاه عید سعید غدیر، جهان فانی را وداع گفت و به دیدار معبود شتافت.

تجلیل از مقام علمی
دکتر علی شریعتمداری در سرای اهل قلم

مراسم تجلیل از مقام علمی آموزشگر شایسته استاد دانشمند فرزانه دکتر علی شریعتمداری به پاس سال‌ها تلاش وی در حوزه تعلیم و تربیت و فرهنگ غنی ایران اسلامی، امروز در سرای اهل قلم برگزار می‌شود.

همچنین ارج نامه دکتر علی شریعتمداری در قالب کتابی با عنوان «آموزشگر شایسته» به کوشش محمد حسین ساکت و به همت موسسه خانه کتاب در مراسم امروز رونمایی خواهد شد.

در این کتاب مطالبی از علی شجاعی صایین، نویسنده مقدمه، احمد احمدی، محمد اسفندیاری، نجفقلی حبیبی، رضا داوری اردکانی، سید حسین نصر و دیگر محققان و کارشناسان درباره اهمیت فعالیت های دکتر علی شریعتمداری آورده شده است.

این کتاب حاوی ۲۵ مقاله است که درباره شخصیت علمی دکتر شریعتمداری و آثارش نگاشته شده و یا نوشته هایی است که درحوزه علوم تربیتی به وی تقدیم شده است.

دکتر شریعتمداری مولف ۲۴ جلد کتاب، مترجم ٦ عنوان کتاب، مولف ۷۰ عنوان مقاله علمی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و مترجم ۱۸ مقاله و مجله علمی نیز هست.

مراسم مذکور از ساعت ۱۵ تا ۱۷ در سرای اهل قلم به نشانی خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ برگزار خواهد شد.

نامه‌ای برای دکتر شفیعی کدکنی
پنهان کردن ارادت؛ گناهی نابخشودنی

در پی انتشار فراخوان انجمن شاعران ایران با موضوع ارسال هزار نامه برای دکتر شفیعی کدکنی و چاپ آن در روزنامه اطلاعات، نویسندگان، شاعران و فرهیختگان بسیاری از داخل و خارج کشور به این حرکت فرهنگی پاسخ مثبت دادند؛ و نامه‌های خود را ارسال کردند که برخی از آن‌ها در روزنامه اطلاعات هم به چاپ رسید.

تازه‌ترین نوشته از سوی علی‌اکبر رضوی سالستانی متخلص به «ع. مشتاق» از رشت به دستمان رسیده است. البته ایشان گمان کرده‌اند که فراخوان از سوی روزنامه اطلاعات منتشر شده است.

با ذکر مجدد این توضیح که فراخوان مذکور از سوی انجمن شاعران ایران منتشر شده بود، متن نوشته ایشان را در ادامه به چاپ می‌رسانیم.

مدیریت محترم روزنامه وزین اطلاعات
سلام‌علیکم

با آرزوی سلامت و سعادت برای حضرتعالی و آرزوی توفیق روزافزون، در نشر معارف اسلامی و فرهنگی این مرز و بوم که تاکنون به نحو بسیار شایسته‌ای در آن کوشا بوده‌اید و نمونهٔ بارز و جدید آن هم فراخوان هزارنامه برای استاد بی‌بدیل جناب آقای دکتر شفیعی کدکنی بوده است که جای بسی قدردانی و تشکر دارد و ان‌شاء ا... عوض آن را از خداوند متعال دریافت خواهید فرمود. این حقیر را نیز بر آن داشت که با تقدیم این نوشته به محضر حضر تعالی و درج آن در روزنامه وزین اطلاعات که اینجانب از خوانندگان هر روزه آن می‌باشم. در حقیقت گمنام واقعی‌ای را که حتی همسایگان او ایشان را نمی‌شناسند، در ردیف مریدان و عاشقان و شیفتگان قلم بی‌نظیر استاد دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی که خداوند سلامتشان بدارد منظور فرمائید ـ چون معتقد هستم دوست داشتن و ارادت ورزیدن جرمی غیرقابل بخشش نیست و کسی را به جرم ارادت و عشق به بزرگان سرزنش نخواهند کرد ولی می‌دانم که.

(ای مگس عرصه سیمرغ نه جولانگه‌توست
عرض خود می‌بری و زحمت ماميداری)
و از طرفی نیز باور دارم
(آب دریا را اگر نتوان کشید
هم به قدر تشنگی باید چشید)

و اگر هم گناهی از ابراز این ارادت بر من وارد است، پنهان کردن آن را گناهی نابخشودنی تر می‌دانم و بر نمی‌تابم.

با تقدیم احترام ـ علی‌اکبر رضوی سالستانی ـ از رشت

کوتاه آموزشی

ثبت‌نام آزمون دکتری ۷ آذر ماه آغاز می‌شود

رییس سازمان سنجش با اشاره به برگزاری آزمون دکتری ۹۲ در ۱۸ اسفند ماه، گفت: ثبت‌نام آزمون دکتری ۹۲ از ۷ آذر ماه آغاز می‌شودو نتایج اولیه آن به صورت کارنامه فروردین ماه ۹۲ منتشر می‌شود.

به گزارش ایسنا، دکتر ابراهیم خدایی با بیان این که ۹۹ درصد از ضوابط و شرایط برگزاری سومین دوره آزمون دکتری همانند سال گذشته است، تصریح کرد: البته سهمیه مربیان بر اساس مصوبه مجلس تغییر کرده و از ۳۰ درصد به ۱۰ درصد ظرفیت مازاد کاهش یافته است.

خدایی درباره وزن نمره مصاحبه و آزمون کتبی در گزینش نهایی آزمون دکتری، گفت: در آزمون سال گذشته وزن مصاحبه دو سوم و آزمون کتبی یک سوم بود، اما از آنجاکه تاثیر آزمون کتبی بسیار بیشتر است، ممکن است وزن آزمون کتبی تغییر کند ولی باید در این باره تصمیم‌گیری لازم انجام شود.

نحوه ادامه تحصیل دانشجویان دانشگاه‌های منحل شده

مدیر کل دفتر آموزش های آزاد، غیردولتی و غیرانتفاعی وزارت علوم از انحلال موسسه های غیرانتفاعی آرادان سمنان، امام علی (ع) تهران، دز دزفول، سنایی اصفهان، صنایع و پژوهش قزوین خبر داد.

نادری با اعلام این مطلب و اشاره به این که موسسه های بزرگمهر اصفهان، معصومیه قم، دنا و گچساران نیز در شرایط خاص به سر می‌برند و در صورتی که استانداردهای لازم را رعایت نکنند منحل خواهند شد، گفت: با وجود اندک بودن شمار دانشجویان موسسات غیرانتفاعی درحال انحلال، ترتیبی داده شده که این افراد به نزدیک ترین موسسه غیرانتفاعی محل تحصیل منتقل شوند و در آنجا ادامه تحصیل دهند.

همچنین ابوالفضل حسنی، مدیر کل دفتر گسترش وزارت علوم، با بیان این که موسسات غیردولتی ضعیف با موسسات با کیفیت تر استان تجمیع می شوند، گفت: از آنجایی که اگر قرار باشد وزارت علوم در این باره تصمیم گیری کند که کدام موسسات با هم تجمیع شود بحث و اختلاف نظر پیش می آید، بهتر است ابتدا موسسات خودشان به توافق برسند و درخواستشان را به وزارت علوم اعلام کنند.

تصویب برنامه آموزشی ۸ رشته دانشگاهی در ۳ مقطع تحصیلی

برنامه آموزشی سه رشته تحصیلی دکتری، چهار رشته کارشناسی ارشد و یک رشته کارشناسی ناپیوسته به تصویب شورای برنامه ریزی آموزش عالی رسید.

به گزارش مهر، برنامه آموزشی رشته های تحصیلی مهندسی سیستم های انرژی در سه گرایش مدل سازی انرژی، فناوری های انرژی ، انرژی و محیط زیست، علوم شناختی –روان شناسی در دو گرایش روان شناختی، شناخت اجتماعی و زمین شناسی زیست محیطی در دوره دکتری در شورای برنامه ریزی آموزش عالی تصویب شد.

همچنین برنامه آموزشی رشته های تحصیلی علوم شناختی –ذهن، مغز و تربیت، مهندسی معدن –تونل و فضاهای زیرزمینی، زیست فناوری در گرایش صنعت و محیط زیست و زمین شیمی در دوره کارشناسی ارشد در این شورا تصویب شد.بر اساس این گزارش شورای برنامه ریزی آموزش عالی، برنامه بازنگری شده رشته تحصیلی زمین ساخت (تکتونیک) در دوره کارشناسی ارشد و برنامه آموزشی رشته مهندسی شهرسازی در دوره کارشناسی ناپیوسته را نیز تصویب کرد.

ثبت‌نام آزمون کارشناسی ارشد تا پنجشنبه تمدید شد

مشاور عالی سازمان سنجش از تمدید مهلت ثبت‌نام آزمون کارشناسی ارشد تا روز پنجشنبه ۱۸ آبان خبر داد.

حسین توکلی در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به تمدید مهلت ثبت‌نام آزمون کارشناسی ارشد تا ساعت ۲٤ روز پنجشنبه ۱۸ آبان ماه از طریق سایت سازمان سنجش به نشانی www.sanjesh.org، گفت: داوطلبانی که تاکنون نسبت به انجام ثبت‌نام اقدام نکرده‌اند، می‌توانند هر چه سریعتر در مهلت مذکور برای ثبت‌نام اقدام کنند.

توکلی گفت: داوطلبانی که نسبت به انجام ثبت‌نام اقدام کرده انددر این مدت می‌توانند برای اصلاح و ویرایش اطلاعات اقدام کنند.

گشایش نمایشگاه آثار جشنواره عکس ایران‌شناسی با حضور دکتر حسن حبیبی

عکس از: محسن وزیری

سرویس فرهنگی ـ هنری: دومین نمایشگاه «جشنواره عکس ایران‌شناسی» دیروز با حضور دکتر حسن حبیبی رئیس بنیاد ایران‌شناسی در محل این بنیاد گشایش یافت.

به گزارش خبرنگار ما، در مراسم گشایش این نمایشگاه که با موضوع «معماری ایران، قبل و بعد از اسلام» برگزار شده است، دکتر حسن حبیبی رئیس بنیاد ایران‌شناسی گفت: در این مراسم حاضر شدم تا هم از عکاسان هنرمندی که آثارشان را به این جشنواره عرضه کردند و هم از داوران این دوره جشنواره عکس ایران‌شناسی تشکر کنم و حضور شرکت‌کنندگان در این مراسم را خوش‌آمد گویم.

دکتر حبیبی با اشاره به اولین دوره این جشنواره گفت: دوره نخست این جشنواره عکس درباره معماری و طبیعت ایران بود، پس از برگزاری این دوره به این نتیجه رسیدیم که به جنبه تخصصی این جشنواره اهمیت بیشتری دهیم و در همین ارتباط تصمیم گرفتیم در دوره‌های بعدی آن به بخش‌های معماری و طبیعت ایران به طور مجزا نگاه کنیم و چون هنر معماری در ایران، قبل و بعد از اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است، معماری را موضوع اصلی قرار دادیم تا موارد و جزئیات دیگر را بعدها با توجه به این اصل تعیین و برنامه‌ریزی کنیم.

حبیبی گفت: تخصصی‌کردن جشنواره عکس ایران‌شناسی موجب می‌شود تا عکاسان به ویژه عکاسان آماتور به نکته‌های دیگری غیر از فنون عکاسی هم توجه کنند و نکته‌ها و مواردی که در معماری ایران وجود دارد مورد نظر ما بود.

رئیس بنیاد ایران‌شناسی در ادامه افزود: عکاسان حتی باید از ویرانه‌های تاریخی عمارت‌ها هم عکاسی کنند و این عکاسی را با ذکر اطلاعات زمان عکاسی در فواصل چند ساله از همان ویرانه دوباره تکرار کنند تا به این ترتیب تغییرات در آن طی این سال‌ها به ثبت برسد و تلنگری به مسئولان باشد برای رسیدگی بیشتر به آن بناها، چون بسیاری از عمارت‌های تاریخی، بدون رسیدگی و توجه رها شده‌اند و در شرف نابودی هستند.

حبیبی افزود: به این ترتیب است که عکاسی تبدیل به تاریخ می‌شود، تاریخ زنده‌ای که از کنار هم قرار گرفتن آثار یک عکاس از یک عمارت شکل می گیرد و اگر تخصصی به عکس‌ها نگاه کنیم و زوایای تاریخی ـ جغرافیایی آن‌ها را در نظر بگیریم این عکس‌ها از نظر ایران‌شناسی اهمیت می‌یابند.

وی ادامه داد: برخی از عکاسان از عنوان «بدون عنوان» در آثارشان استفاده می کنند، تخصصی کردن کار عکاسی خود به خود «عنوان» را هم برای عکس‌ها به همراه می‌آورد.

حبیبی در همین زمینه افزود: یکی از فکرهایی که برای عکس‌های دومین جشنواره ایران‌شناسی کرده‌ایم این است که از عکاسان تقاضا کردیم همراه با ارسال آثار خود اطلاعاتی را نیز درباره اثر همراه با عکس‌ها ارسال کنند تا عکس‌هایشان همراه با این توضیحات به چاپ برسد و اطلاعات کاملی در اختیار بیننده قرار دهد و جنبه ایران‌شناسی عکس‌ها هم تقویت شود.

او همچنین به داوری آثار این جشنواره اشاره کرد و گفت: داوری‌ها باید به گونه‌ای باشد که روز به روز عکس‌های بهتری را مشاهده کنیم و اگر داوری‌ها قوی و اظهارنظرها فنی باشد به تدریج به عکاسان آماتور کمک خواهد کرد تا آثار بهتری ارائه دهند.

حبیبی با یادآوری این که بنیاد ایران‌شناسی در حال تهیه آرشیوی قوی از عکس‌های نقاط مختلف ایران است، گفت: تصمیم داریم این آثار را به صورت سمعی و بصری هم ارائه کنیم اما اکنون متاسفانه یکی از کارهایی که در زمینه عکس‌های جمع‌آوری شده می‌کنیم به دست آوردن اطلاعاتی درباره این عکس‌ها است.

حبیبی با بیان این که جلد پنجم و ششم کتاب «شهرهای ایرانشهر» از سوی بنیاد ایران‌شناسی در حال انتشار است، گفت: طبق مصوبه‌ای که دولت تعیین کرده موظف شده‌ایم اطلاعات مربوط به شهرها را گردآوری کنیم و ما ناچار هستیم پس از کسب اطلاعاتی درباره شهرها، عکاس برای عکاسی از آن شهرها اعزام کنیم، برگزاری این جشنواره باعث شده است که بایگانی قابل ملاحظه‌ای در این زمینه داشته باشیم و اکنون پس از دو دوره برگزاری جشنواره عکس ایران‌شناسی عکس‌های آماده‌ای در این زمینه داریم.

او در پایان اظهار امیدواری کرد که جشنواره‌های عکس دیگری هم در زمینه ایران‌شناسی برگزار شود.

دومین جشنواره عکس ایران‌شناسی تا ٢٤ آبان ادامه خواهد داشت. در این جشنواره ٤٢١ عکاس از سراسر کشور ٥٨٢٩ عکس را در سه موضوع «بناهای عمومی و خصوصی»، «بناهای مذهبی» و «تزئینات معماری» ارسال کرده‌اند که از این میان با نظر هیأت داوران شامل سیف‌الله صمدیان، افشین بختیاری، فرهاد سلیمانی، محمدمهدی رحیمیان و دکتر مترجم‌زاده ١٦٠ عکس از ٩٩ عکاس بر دیوارهای دو سالن شماره ١ و ٢ بنیاد ایران‌شناسی نصب شد. از این میان ١٨ عکس نیز در بخش جنبی نمایشگاه به نمایش درآمده است، عکس‌های بخش جنبی توسط کارشناس بنیاد ایران‌شناسی انتخاب شده‌اند. از ویژگی‌های عکس‌های این دوره جشنواره ایران‌شناسی محدودیت عکاسی از بناهایی است که پس از سال ١٣٠٠ هجری شمسی عکاسی شده‌اند. در ذیل بیشتر عکس‌های این نمایشگاه علاوه بر ذکر عنوان کلی عکس و نام عکاس توضیحی درباره موضوع عکاسی شده آمده است.

بنیاد ایران‌شناسی در خیابان شیخ‌بهایی جنوبی، خیابان ایران‌شناسی (٦٤ غربی) قرار دارد.

«شرح اسم» باز هم در میان پرفروش‌ترین کتاب‌ها قرار گرفت

با انتشار فهرست پرفروش‌های فروشگاه مرکزی شهر کتاب، می‌توان عناوینی چون «بچه‌های کفیشه»، «شرح اسم» و «امپراتوری هالیوود» را در میان کتاب‌های پرفروش این مرکز فرهنگی دید.

به گزارش مهر، فروشگاه مرکزی شهر کتاب، فهرست عناوین پرفروش‌های خود را در حوزه‌های کتاب اعلام کرد.

در بخش کتاب‌های بزرگسال، پرفروش‌های داستانی به آثار ترجمه‌ای اختصاص پیدا کرده و داستان‌های فارسی از آثار ادبی دیگر کشورها عقب مانده‌اند. در بخش کودک و نوجوان هم غلبه با آثار ترجمه‌ای است و مخاطبان بیشتر از این کتاب‌ها استقبال کرده‌اند.

«جنایت و مکافات»، «خاطرات صددرصد واقعی یک سرخپوست پاره‌وقت»، «سرگیجه»، «اتحادیه ابلهان» و «تاوان» کتاب‌هایی هستند که در حوزه داستان بزرگسالان در نیمه اول آبان‌ماه امسال پرفروش شده‌اند. کتاب‌های پرفروش حوزه شعر در این مدت عبارت‌اند از: «عکسی از یازده سپتامبر»، «یاد شعرهای شیرین دبستان»، «زندگی واژه‌ها»، «مجموعه اشعار منوچهر آتشی» و «خمسه نظامی».

«دا» (خاطرات سیده زهرا حسینی)، «بچه‌های کفیشه»، «معارف انقلاب اسلامی» (مروری بر دیدگاه‌های رهبر انقلاب)، «دایره‌المعارف انقلاب اسلامی» و «شرح اسم» عناوین شاخص ژانر دفاع مقدس و انقلاب اسلامی هستند.

پرفروش‌های قفسه‌های تاریخ شهر کتاب عبارت‌اند از: «بحران مشروطیت در ایران»، «حیات مردان نامی»، «ایران در اسپانیا»، «روزشمار تاریخ معاصر ایران» و «مختارنامه». «درآمدی بر علم هرمنوتیک فلسفی»، «مفاتیح‌الحیات»، «استبداد شرقی» (بررسی تطبیقی قدرت تام)، «شهر خدا» و «تنوع تجربه دینی» پرفروش‌های حوزه فلسفه و دین این فروشگاه‌اند. «روان‌شناسی و کیمیاگری»، «درمان شوپنهاور»، «شفای زندگی»، «یک» (کوانتوم، عرفان و درمان) و «روان‌شناسی مثبت» عناوین پرفروش بخش روانشناسی هستند. کتاب‌های پرفروش حوزه هنر هم عبارت‌اند از: «هنر مدرن»، «کلاغ‌ها و درخت‌ها»، «امپراتوری هالیوود»، «فرانسیس بیکن: منطق احساس» و «طراحی حسی». در حوزه کتاب‌های علمی هم این کتاب‌ها در نیمه اول آبان پرفروش شده‌اند: «تاریخ علوم»، «کروکودیل نفسش را حبس می کند»، «راهنمای کاربران مغز»، «روش‌شناسی علوم تجربی» و «پیدایش انسان». در میان مجلات به فروش رفته در این فروشگاه هم عناوینی چون «حرفه هنرمند»، «بخارا» و «دانش‌نامه» (ویژه‌نامه تجربه) در میان لیست پرفروش‌ها دیده می‌شوند.

«مجموعه کتاب‌های در سفر» (آلمانی، انگلیسی، عربی و...)، «دستور زبان آلمانی»، Baby Einstein ۲&۱ (پرورش انفورماتیک)، «کتاب‌های تست آیلتس» و (Oxford picture dictionary (oxford هم از عناوین پرفروش کتاب‌های آموزشی در شهر کتاب مرکزی هستند

رونمایی از ساز جدید «یسنای» در همدان

موسیقدان، آهنگساز و پژوهشگر موسیقی اصیل ایرانی گفت: اختراع ساز یسنای و تشکیل گروه عبدالقادر مراغه ای۲ یک ظرفیت غیرقابل باور در استان همدان است.

به گزارش خبرنگار مهر، محمدرضا درویشی شامگاه دوشنبه در مراسم رونمایی از ساز یسنای ساخته توسط هنرمند توانای استان همدان بهروز بیگی با طرح این سئوال که چرا باید این دو اتفاق شگفت در همدان صورت گیرد، افزود: در تهران سالی چند ساز ساخته می شود که باید همه را در تنور ریخت و سوزاند.

ساز یسنای قابلیت ثبت در دنیا را دارد

وی با تأکید بر اینکه این ساز می تواند در دنیا ثبت شود، گفت: صدای یسنای شبیه به بالابان، سرنا، ابوا، ساکسیفون و دیگر سازها نیست و همچنین صدای ساز یسنای در جهان شبیه هیچ سازی نیست و صدای این ساز مخصوص خودش است.

درویشی همچنین درباره صدای این ساز عنوان کرد: یسنای امکان نواختن موسیقی دستگاهی و گام کروماتیک را نیز دارد.

وی بهروز بیگی را یک نابغه معرفی کرد و افزود: قطعات ساز از روی حساب و کتاب ساخته شده و تا قبل از این تنها ساز بادی کشور نی بود.

ساز یسنای فقر موسیقی بم را از بین می برد

این پژوهشگر موسیقی ایران اضافه کرد: در موسیقی دستگاهی، سازهای سنتور، تار، سه تار و نی دارای صدای تیزی هستند و ساز یسنای فقر موسیقی بم را از بین می برد.وی همچنین در رابطه با قابلیت های این ساز گفت: ساز یسنای در موسیقی نواحی به هیچ وجه قابل استفاده نیست، اما می تواند توسط آهنگسازان موسیقی ایران مورد استفاده قرار بگیرد چرا که این ساز صدای ایده آل و شگفت انگیزی دارد.درویشی درباره گروه عبدالقادر مراغه ای و پژوهش خود در رابطه با سبک عبدالقادر نیز گفت: عبدالقادر نابغه و نظریه پرداز موسیقی ایرانی است که متأسفانه کمترین اسنادی از سند سیاه ۳۰۰ ساله هنر موسیقی ایران در گذشته وجود دارد.

وی افزود: سبک عبدالقادر مراغه ای از زمان صفویه از بین رفت و در زمان سلاطین عثمانی رونق گرفت و مکتب آهنگسازی عبدالقادر مبنای آهنگسازی در عثمانی شد.

این پژوهشگر موسیقی عنوان کرد: ۲۵۰ اثر تصنیف از اواخر قرن نوزدهم هجری پیدا شده که ۳۰ تصنیف آن مربوط به سبک عبدالقادر است.

وزیر ارشاد: قرآن کریم توجه عمیقی به حقوق عمومی و خصوصی دارد

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: آیات قرآن کریم به طور مستقیم و غیر مستقیم به لزوم رعایت حقوق عمومی و خصوصی اشاره می کند.

به گزارش ایرنا، دکتر سید محمد حسینی در مراسم اختتامیه همایش حقوق عمومی در قرآن کریم افزود: در نظام اسلامی به حقوق عمومی عنایت ویژه ای شده است و اصلی ترین منبع حقوق عمومی در دین اسلام قرآن کریم است.

وی یادآور شد: در این کتاب آسمانی به تمام شاخه های حقوق توجه شده و آغاز قرآن با نام خدا و پایان این کتاب آسمانی با نام مردم دلیلی بر این مدعا است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تاکید کرد: استفاده از واژه امت و ده ها واژه دیگر نشان از دغدغه این کتاب به امنیت اجتماعی و انسان دینی دارد.

به گفته حسینی، اشاره صریح قرآن کریم به موضوع فلسفه بعثت پیامبر نشانی آشکار از پرداخت به مقوله حقوق عمومی در این کتاب آسمانی دارد.

وی ادامه داد: اشاره به موضوعاتی همچون ازدواج و طلاق در قالب آیات آسمانی در قرآن کریم نیز دلیلی بر دغدغه های این کتاب آسمانی به حقوق خصوصی است. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه توضیح داد: تاکید بر رعایت حقوق متقابل افراد جامعه نسبت به یکدیگر و حاکمیت نشان از این مهم دارد که همه آیات قرآن کریم به نوعی به مقوله حقوق عمومی تاکید دارد و این امر حتی در قصص قرآنی نیز قابل درک است.

حسینی، پرداخت به موضوعاتی همچون تساوی انسان ها، سعی و تلاش، جهاد، توجه به رابطه مردم با حاکمیت، مردم و پیوند با رهبری جامعه اسلامی و مسوولیت این دو نسبت به یکدیگر، توجه به حق اشتغال، حق مسکن، آزادی مشروع، مشورت مومنین با یکدیگر، توجه به مصونیت جان و آبرو و اقتصاد در روابط بین مسلمانان و مردم دیگر ادیان را از مصادیق توجه قرآن به حقوق عمومی قلمداد کرد.

وی در ادامه با یادآوری اینکه آیات قرآنی به مالیات های اسلامی اشاره می کنند؛ گفت: توجه به مالیات های اسلامی همچون ذکات و خمس و نحوه استفاده از این نوع مالیات ها نیز نشان از توجه قرآن به حقوق در اقتصاد دارد.

به گفته وزیر فرهنگ و ارشاداسلامی، توجه به حقوق کارمندان نیز در سوره حضرت یوسف (ع) مورد توجه قرار گرفته است.

حسینی ادامه داد: قرآن توجه عمیقی به حقوق بین المللی دارد و پرداختن به موضوع جنگ و صلح، مذاکره با ملت های غیر مسلمان دلیلی بر این ادعا است. وی توضیح داد: قرآن کریم همچنین به حقوق جزای عمومی نیز توجه کرده است که از جمله آن می توان به اشاره برخی آیات قرآن به جرایمی همچون سرقت، تهمت، قتل و مسائلی از این دست اشاره کرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: در آیات قرآن کریم همچنین به مقولاتی همچون اقامه شهادت در راه خدا و سوگند اشاره شده که این امر نشانه ای از اهمیت آیین دادرسی در این کتاب آسمانی دارد. حسینی مهمترین منبع حقوق اسلامی را قرآن کریم دانست و بر استفاده بیش از پیش از این کتاب آسمانی از سوی اندیشمندان و صاحبنظران تاکید کرد. مراسم اختتامیه همایش حقوق عمومی در قرآن کریم در دانشگاه شهید بهشتی برگزارشد.

اعلام برنامه‌های آیینی شهرداری تهران در ماه محرم

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: تجهیزات و اقلام مصرفی ١٦ هزار هیأت مذهبی در دهمین نمایشگاه فرهنگی عطر سیب تامین می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، این مطلب را سید محمدهادی ایازی سخنگوی شهرداری تهران دیروز در نشست خبری به مناسبت افتتاح این نمایشگاه اعلام کرد و توضیح داد: شهرداری تهران امسال برنامه فرهنگی و آیینی ایام سوگواری امام حسین(ع) را در بوستان ولایت در زمینی به وسعت ۲۰ هزار متر مربع برگزار می‌کند که در آن به هیات‌ها، تکایا، حسینیه‌ها و مساجد، بن کارت‌هایی با مبالغ مختلف تا سقف ٤٠٠ هزار تومان برای فعالیت‌های مذهبی اهدا می‌کند.

ایازی به برنامه‌های ویژه ماه محرم اشاره کرد و ادامه داد: برپایی خیمه‌های معرفت در مناطق بیست و دوگانه، توزیع محصولات فرهنگی متناسب با ایام سوگواری حضرت امام حسین(ع)، اجرای مراسم آیینی در روزهای هشتم، نهم و دهم محرم به طور گسترده در میدان امام حسین(ع) و اجرای نمایش‌های آیینی در سطح شهر از جمله فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران به این مناسبت است که روی هم رفته ۳۰۰ برنامه را در دستور کار داریم.

در ادامه این نشست، سخنگوی شهرداری تهران در پاسخ به پرسش خبرنگار ما درباره تمهیدات ایمنی پروژه صدر و نگرانی‌های شهروندان از تردد در این محدوده گفت: به شهروندان حق می‌دهیم که روزانه شاهد تردد تعداد زیادی جرثقیل‌ها و ماشین‌های سنگین در بزرگراه صدر هستند، اما شهرداری تهران اصول ایمنی و استاندارد HSE و استانداردهای ساخت و ساز را رعایت می‌کند و جای نگرانی نیست.

او ادامه داد: در پروژه‌هایی با این وسعت در هر کشوری خسارات و هزینه‌های بیشتری رخ می‌دهد اما در این پروژه فقط شاهد قربانی شدن یک شهروند بودیم که خودمان درباره آن اطلاع‌رسانی کردیم و امیدواریم این اتفاق‌ها دیگر رخ ندهد و پروژه صدر با حلاوت افتتاح شود.

ایازی درباره اعتراض برخی کسبه خیابان هفده شهریور به اجرای پیاده راه در این محدوده هم توضیح داد: به هر حال تا زمانی که پروژه به صورت کامل به بهره‌برداری نرسد، کسبه با مشکلات روبرو هستند و تاکنون هم صبر کرده‌اند؛ به آنان حق می‌دهیم چون حجم پروژه سنگین است، اما مطمئن باشند که با اتمام پروژه فروش آنها و قیمت املاکشان فوق‌العاده افزایش می‌یابد و منتفع خواهند شد. این مقام مسئول همچنین درباره کمک دولت به مترو تهران گفت: با گذشت هشت ماه از سال چه در بخش بهره‌برداری و چه در بخش عمرانی دولت کمک خاصی به مترو نکرده است و نگرانی‌هایی برای توسعه حمل و نقل ریلی تهران داریم.

نمایشگاهی از گلیم‌های سیرجان در «مس نگار»

نمایشگاه گلیم سیرجان با عنوان «بافته‌ای از هنر و عشق» جمعه ۱۹ آبان در «نگارخانه مس‌نگار» گشایش می‌یابد.

در این نمایشگاه مجموعه‌ای کم نظیر از گلیم سیرجان به همت بانوان بافنده به نمایش در می‌آید.

از قرن ۱۰ هجری قمری که مصادف با آغاز دوره صفوی است حرکتی نو در هنر بافندگی پدید آمد و در این دوره گلیم با همان نقش فرش و قالی های شاهانه بافته شد که سرآمد آنها گلیم افشار سیرجان است. در نمایشگاه نگارخانه مس‌نگار که از ۲۰ تا ۲۵ آبان برای دیدار عمومی مهیا خواهد بود، مجموعه ای از کم‌نظیر از گلیم سیرجان که به همت بانوان بافنده خلق شده اند به نمایش در می‌آید.این نمایشگاه از ساعت ۱۰ تا ۱۳ و ۱۶و ۳۰ دقیقه تا ساعت ۲۰ روزهای ۲۰ تا ۲۵ آبان پذیرای علاقه مندان است.نگارخانه مس نگار به نشانی میدان ونک، خیابان ملاصدرا، خیابان شیراز شمالی، خیابان زاینده رود، مجتمع پارک پرنس- بخش تجاری شماره ۵ واقع است.

دهه‌های ذی‌حجه و امامت امام علی (ع)

۱۱ ــــ **سیدرضا اکرمی**

۱ـ ماه ذی‌حجه سومین ماه حرام سال قمری (رجب، ذی قعده، ذی حجه، محرم) می‌باشد و ماههای حرام به طور مجموعه و به صورت فردی در کتاب دینی و اسلامی مسلمانان یعنی قرآن مجید، مورد بحث قرار گرفته‌اند: «**ان عده الشهور عند الله اثناعشر شهرا فی کتاب الله یوم خلق السموات و الارض، منها اربعه حرم**» (توبه،۳٦) و «**یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه**». (بقره، ۲۱۷)

ولی ماه ذی‌حجه به دلیل رویدادهای گوناگون، ماه مهمی است که حوادثی چون شهادت امام باقر علیه‌السلام در هفتم ماه و شهادت مسلم‌بن عقیل و هانی بن عروه و عید قربان و ولایت امام دهم در پانزدهم و موضوع غدیرخم درهیجدهم و حرکت امام حسین علیه‌السلام از مکه معظمه به سوی عراق نمونه‌ای از آن می‌باشند. بررسی تحلیلی این حوادث قطعاً مفید است .

۲ـ شاه‌بیت حوادث این ماه «عیدقربان» و «عید غدیر» است که هردو را باید مورد توجه قرار داد و « روز عرفه» نیز جایگاهی والا دارد، به ویژه «دعای عرفه» که خود یک منشور است. داستان میقات حضرت موسی علیه‌السلام که ۳۰ شب بود و به چهل شب تمدید شد و ده روز آن در دهه نخست این ماه واقع شده و در قران از آن یاد گردیده است:«**و واعدنا موسی ثلاثین لیله و اتممناها بعشر**»(اعراف،۱٤۳)و رویداد عبرت‌انگیزی است که چگونه حضرت موسی با آن مواجه شد.

عید قربان عید مسلمین است «الذی جعلته للمسلمین عیدا» و برای رسول اعظم اسلام صلی‌الله علیه‌وآله‌وسلم فخر و امتیاز و کرامت می‌باشد. در این عید نماز برگزار می‌شود و قربانی در منی و در داخل شهرهای اسلامی انجام می گیرد و خانواده‌های محروم از آن برخوردار می گردند. روز عید غدیر، وضع و شکوه خاصی دارد و با نامهای عید «ولایت، امامت، اکمال دین، اتمام نعمت و مرضی گشتن اسلام » از آن نام برده می‌شود که به حق باید آن را شناخت و این عید را که اکنون مسئولیت امامت بر عهده حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) می‌باشد، به ایشان تبریک گفت و در انتظار ظهور حضرتش قرار گرفت.

۳ـ حدود ۱٤۲۳ سال قمری از حادثه مبارک غدیرخم می گذرد و هر سال به نوعی گفتگو و بحث درباره آن از منظری ادامه دارد که به حق باید گفت هنوز زوایای ناشناخته‌ای از آن وجود دارد که تحلیل و تبیین‌شان مفید می‌باشد. ازجمله اینکه چرا صاحب آن روز (علی بن ابیطالب علیه‌السلام) دارای دوستان صمیمی و دشمنان جدّی و عمیق بود و خواهد بود و این موضوع همچنان ادامه دارد.

آن حضرت صفات و امتیازاتی دارد که هرگز نمی توان انکارشان نمود، همانند ولادت در خانه کعبه، شهادت در محراب عبادت، همسری با فاطمه اطهر و داشتن فرزندانی چون امام مجتبی که قهرمان صلح شد و بهانه قلع و قمع اسلام و شیعیان را از معاویه گرفت و پسری چون امام حسین که قهرمان آزادگی و آزادی و حافظ دین جدش شد، و چگونه می توان حضور پرشکوه حضرت را در جنگهای بدر، احد، خندق و خیبر نادیده گرفت.

بنابراین به قول استاد مرتضی مطهری در کتاب «جاذبه و دافعه علی(ع)» وی جاذبه دارد و از سوی دیگر حسادت حسودان (که در قرآن و روایات درباره این صفت رذیله، مطالب عمیق و دقیقی وجود دارد) آنان را بیکار نمی‌گذاشت، و به سمّ‌پاشی و انکار آفرینی و تحریف وادار می‌ساخت. باید به رهنمود قرآن از شر حسادت به خدا پناه برد: «**قل اعوذ برب الفلق... من شرّحاسد اذا حسد**». حسدی که قابیل را وادار به کشتن هابیل نمود و خونریزی باب و افتتاح شد.

٤ـ در قرآن مجید، ٥ بار از حسد به صورت «حسد ، تحسدوننا، یحسدون، حاسد» سخن به میان آمده است و هر مورد آن سرگذشتی شنیدنی دارد. در سوره « فلق» از جایگاه حسادت، هنگام اعمال آن سخن به میان آمده که در این صورت باید خود را در پناه خداوند قرار داد.

مورد دیگر مربوط به کسانی است که از حضور در میدان جهاد در زمان رسول خدا(ص) فاصله می گرفتند، ولی خواستار برخورداری از غنیمت بودند. آنان اظهار می کردند: شما نمی خواهید ما در جبهه حضور پیدا کنیم تا مبادا غنیمتی به ما برسد و شما حسادت می‌ورزید: «**سیقول المخلّفون اذا انطلقتم الی مغانم لتأخذوها ذرونا نتبعکم. فسیقولون بل تحسدوننا، بل کانوا لا یفقهون الا قلیلا**». (فتح،۱٥) در حالی که ضابطه و قاعده این است که باید در صحنه جهاد و دفاع حضور یابند، حال غنیمتی باشد یا نباشد. امان از مدعیّان حرف تا مجاهدان عمل!

٥ـ در سوره «بقره» می خوانیم که بسیاری از اهل کتاب از روی حسادت با اینکه حق و عدل و نبوت روشن بود، می خواستند مؤمنان از حق برگردند و به کفر و شرک روی آورند: «**ودّ کثیر من اهل کتاب لو یردّونکم من بعد ایمانکم کفارا. حسداً من عند انفسهم من بعد ماتبین لهم الحق**».(بقره، ۱۰۹) امان از حسادت!

در آیه دیگری می‌فرماید: همین اهل کتاب که در انتظار بعثت پیامبر «که وی را همانند فرزندان خود می‌شناختند»، بودند، اما پس از مبعوث شدن حضرت، به «جبت و طاعوت» گرویدند و ایمان مسلمانان را تخطئه نمودند تا مبادا به فضل خداوندی برسند: «**ام یحسدون الناس علی ما آتاهم الله من فضله؟**» (نساء،٥۳)

بخشی از مخالفت با حضرت امام علی علیه‌السلام ناشی از همین مقوله حسادت بود که چرا پس از پیغامبری فردی از بنی‌هاشم، دامادش و به عبارتی، فرد دیگری از همان خاندان به امامت برگزیده شود؟!

مشکلی برای جذب فارغ‌التحصیلان تربیت معلم وجود ندارد

معاون اول رئیس‌جمهور با اشاره به فشارهای موجود بر روی دولت در حوزه‌های گوناگون گفت: داخل را مهار کنید ما می‌توانیم تحریم‌ها را صدها بار دور بزنیم.

به گزارش فارس، محمدرضا رحیمی درنخستین همایش علمی توسعه آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش در افق ۱٤۰٤ با اشاره به اهمیت کار آموزش و پرورش در کشور، ایجاد بیش از ۱۲۰۰ هنرستان در یک سال را نشان دهنده تلاش دولت و مسئولان برای توسعه این بخش دانست.معاون اول رئیس‌جمهور با اشاره به این که با توجه به تحریم های موجود، دولت تمامی توان خود را به کار خواهد بست تا ۳۱ میلیارد تومان درخواستی وزیر آموزش و پرورش را به هنرستان‌های سراسر کشور اختصاص دهد، بر ضرورت آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در داخل کشور تأکید کرد.

وزیر آموزش و پرورش هم در این جلسه با بیان این که در گذشته جذب ۱۲ هزار مهندس موجب افزایش کیفی رشته‌های هنرستانی شده است، گفت: ۱۳۱ راهکار در سند تحول بنیادین پیش‌بینی شده است که یکی از مهم ترین راهکارهای سند، توسعه هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای است.

وی با بیان این که مقرر شده است تا پایان برنامه پنجم توسعه پوشش تحصیلی هنرستان‌ها به ٥۰ درصد افزایش یابد، گفت: اکنون پوشش تحصیلی هنرستان به ٤٥ درصد رسیده است و هدفگذاری اصلی آموزش و پرورش پوشش ۷۰ درصدی دانش‌آموزان در رشته‌های فنی وحرفه‌ای و کاردانش است.

تشکیل کمیته تعیین تکلیف ممنوعیت صادرات برخی کالاها

کمیته چهارنفره تعیین تکلیف و هماهنگی بیشتر برای اجرای دستورالعمل ممنوعیت صادرات برخی کالاها با سایر وزارتخانه‌ها، در وزارت صنعت، معدن و تجارت تشکیل شد.

کیومرث فتح اله کرمانشاهی در گفت وگو با ایرنا گفت: این کمیته که با هدف اجرای درست دستورالعمل ممنوعیت برخی اقلام صادراتی راه اندازی شده، متشکل از نماینده سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان، نماینده معاونت توسعه بازرگانی داخلی، نماینده سازمان توسعه تجارت و نماینده وزارتخانه مربوط به این کالاها خواهد بود.

وی گفت: ممکن است کــه ممنوعیت صادرات برخی کالاها با ابهام همراه باشد که با بررسی مصداق ها مشخص میشود که آیا صادرات این نوع کالاها ممنوع است یا خیر و طبق مصوبه اخیر ممنوعیت برخی از اقلام ممنوع است و امکان صادرات برخی دیگر با پرداخت عوارض امکان پذیر است. این گزارش حاکی است پس از ابلاغ بخشنامه ممنوعیت صادرات ۵۲ قلم کالا به گمرک، اشتباه برداشت دستورالعمل باعث شد تا گمرک مانع از صادرات تمامی کالاهایی که به نوعی به بخشنامه صادره مربوط است، شود.

در همین حال وزیر صنعت، معدن و تجارت در ششمین جشنواره ملی مدیران و تولید کنندگان جوان، توقف صادرات برخی کالاها در گمرکات را به دلیل، برداشت اشتباه گمرک از یک مصوبه دانست و گفت: طبق این مصوبه قرار شد کــه صادرات کالاهایی که ارز مرجع دریافت می کنند، ممنوع شود و کالاهای صادراتی که در تولید از ارز مرجع استفاده کرده اند باید مابه التفاوت پرداخت کنند که گمرک به اشتباه تصور کرد مخاطب این مصوبه خود او است.

وی عنوان کرد: به همین دلیل گمرک اجازه صادرات یک سری از کالاها را نداد و گفت که در باره آنها تصمیم گیری می شود، ما بلافاصله ابلاغ کردیم که نباید در صادرات توقف ایجاد کرد و از گمرک خواسته شد که اجازه صادرات را بدهد.

وزیر صنعت، معدن و تجارت با اشاره به نامه های دریافتی از بسیاری از صادر کنندگان در خصوص ممنوعیت های اخیر گفت: صادرات اقلام به جز کالاهای اساسی و برخی مواد پتروشیمی به خارج از کشور آزاد است و اشتباه برداشت گمرک تصحیح می شود.

در همین زمینه خبر دیگری حاکیست: درحالی که بعضی از مدیران تشکل ها و دستگاههای تولیدی و صادراتی از لغو ممنوعیت صادرات برخی محصولات داخلی خبر می دهند، گمرک دریافت مجوز لغو ممنوعیت صادرات این دسته از کالاها را تکذیب کرد.

احمد مهدوی دبیر کل انجمن صنفی کارفرمایان پتروشیمی به فارس گفت: ممنوعیت صادرات برخی اقلام پتروشیمی مانند بنزن، استایرن مونومر، سود کاستیک، LAB، کربنات ملامین، PVC، پلی اتیلن حذف شد که امروز به گمرک اعلام می شود. عبدالحسین بیات معاون وزیر و مدیر عامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی هم در مصاحبه خبری خود خبر از حذف ممنوعیت صادرات محصولات پتروشیمی داد و گفت: بخشنامه ممنوعیت صادرات محصولات پتروشیمی در جلسه اخیر وزیر نفت با مسوولان تنظیم بازار لغو شده است.

از سوی دیگر هدایت اصغری رییس اتحادیه مرغداران از لغو ممنوعیت صادرات تخم مرغ و صدور تخم مرغ خبر داد. بـا این حال عباس معمارنژاد رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد هنوز هیچ بخشنامه جدیدی برای لغو ممنوعیت صادرات اقلام مشــمول در لیســت کالاهای ۵۲ گانه به گمرکات ابلاغ نشده است.

رئیس کل گمرک ایران تاکید کرد: به جز ۵۲ ردیف کالایی هیچ کالایی ممنوعیت صادراتی ندارد.

لایحه بودجه سال ۹۲ بموقع تقدیم مجلس می‌شود

سرویس اقتصادی – لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور با توجه به تمهیدات ایجاد شده، آماده و به موقع توسط دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی خواهد شد.

دخل و خرج امسال کشور به چند دلیل با کسری مواجه شده که با کاستن از هزینه های جاری دستگاه های اجرایی، آنرا جبران می کنند اما رقم کسری بودجه مبلغ ۵۴ هزار میلیارد تومان اعلام شده نیست.

به گزارش خبرنگار اقتصادی اطلاعات، بهروز مرادی معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهوری در گفت و گو با خبرنگاران با تاکید بر اینکه لایحه بودجه ۹۲ در فرصت قانونی به مجلس تقدیم خواهد شد، گفت: این لایحه با ویژگی انقباضی و به صورت درآمدهای منطقی تنظیم شده است.

وی در مورد گفته یکی از نمایندگان مبنی بر ۵۴ هزار میلیارد تومان کسری بودجه سال جاری گفت: به هیچ وجه این رقم را تایید نمی کنم گرچه کسری بودجه به خاطر کاهش درآمد نفتی در سال جاری اتفاق افتاده است، اما با راه حل هایی مانند کاهش ۲۰ درصدی بودجه جاری دستگاه های اجرایی و اختصاص ۳۰ درصد از بودجه های عمرانی سعی در جبران کسری بودجه خواهد شد.

نامبرده تاکید کرد: دستگاه‌های اجرایی در سه قوه تا پایان سال به طور میانگین ۸۰ درصد بودجه جاری را دریافت خواهند کرد.

وی در مــورد لایحــه بودجــه ۹۲ گفــت: تدوین لایحه بودجه از شهریور گذشــته با امضای رئیس‌جمهوری به دســتگاه‌ها ارسال و چارچوب بودجه به آنها ابلاغ شــده و فضای روشــنی برای بودجه ســال آینده در نظر گرفته شــده که پس از تنظیم لایحه بودجه توسط معاونت برنامه‌ریزی و با همکاری دســتگاه‌ها به موقع به دولت ارائه شده و از سوی دولت در موعد قانونی به مجلس تقدیم می‌شود.

معــاون برنامه‌ریــزی و نظــارت راهبردی رئیس جمهوری مهمترین ویژگی لایحه بودجه ۹۲ را توسعه زیرساخت‌ها و سرمایه گذاری در پروژه‌های عمرانی ذکر کرد و گفت: کاهش وابستگی به درآمد نفتی و تمرکز بیشتر بر درآمد غیرنفتی از ویژگی لایحه بودجه ۹۲ است.

وی بـا بیان اینکه کاهش درآمد نفتی باعث کاهش حقوق ورودی گمرکی و کاهش درآمدهای مالیاتی می‌شــود، گفت: بخشــی از کسری بودجه سال جاری به خاطر تحقق نیافتن درآمدهای نفتی بود که در این زمینه اعتبارات جاری دستگاه‌ها ۲۰ درصد از تیرامسال کاهش یافته است.

مرادی در مورد بودجه‌ریزی عملیاتی گفت: این روش بر مبنای عملکرد، نتیجه و مبتنی بر قیمت تمام شــده اســت که از سال جاری در دستور قرار گرفته، البته تهیه بودجه عملیاتی ظرف یک سال قابل اجرا نیست و در قانون برنامه پنجم آمده است در سال سوم برنامه یعنی سال آینده بودجه عملیاتی تقدیم مجلس شود.

وی همچنین در مورد کاهش وابستگی بودجه به نفت گفت: از بودجه ۱۰۱ هزار میلیــارد تومانی جاری ٦٦ هزار میلیارد تومــان از ســایر درآمدها و فقــط ٣٤ هزار میلیارد تومان از درآمدهای نفتی به دســت آمده اســت که وقتی درآمدهای نفتی با کاهش مواجه شد، بنابراین طبیعی است که در لایحه بودجه ۹۲ کاهش بودجه جاری درآمد نفتی در دستور کار قرار گیرد.

معــاون برنامه‌ریزی و نظــارت راهبردی رئیس جمهــوری گفت: هدفمندی یارانه‌ها از نظر درآمد و هزینه در لایحه بودجه ۹۲ گنجانده شده و اعداد و ارقام آن براساس تجربه اجرای این قانون در نظر گرفته شده است و بودجه آماده ارائه در فرصت قانونی به مجلس خواهد بود.

وی تاکید کرد: لایحه بودجه ۹۲ بر مبنای واقعیت و پشتیبانی اهداف دنبال می‌شود که در این راستا بودجه بدون کسری تنظیم و به مجلس تقدیم می‌شود.

این مقام مسئول در مورد نرخ‌های تورمی که از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام می‌شود، گفت: در کشور دو مجموعه رسمی به نام مرکز آمار ایران و بانک مرکزی برای تهیه نرخ تورم وجود دارد که گزارش‌های رسمی آنها در تنظیم لایحه بودجه استفاده می‌شود و ارقامی که از غیر این دو مجموعه ارائه شده است، رسمیت ندارد.

وی با بیان اینکه کسری بودجه را نمی توان پنهان کرد، تصریح کرد: اعتبارات هزینه‌ای مانند آب‌برق، گاز، اجاره، حقوق و مزایا، خدمات نگهداری، مستمری و فعالیت‌های عمرانی به هیچ‌وجه کاهش نیافته و بخشی از کسری اتفاق افتاده است.

مرادی در مورد افزایش حقوق کارمندان در لایحه بودجه، نرخ ارز، قیمت نفت و نرخ دلار گفــت: هنوز خیلی زود اســت که در مورد این مسائل در لایحه بودجه صحبت شود. اما در وقت لازم این شــاخص‌های کلان بودجه اعلام خواهد شد.

معــاون برنامه‌ریــزی و نظــارت راهبردی رئیس‌جمهــوری همچنین در مــورد درآمد نفت گفت: براساس قانون آنچه از نفت فروخته می‌شود ۱٤٫٥ درصــد ســهم وزارت نفــت برای توســعه فعالیت میادین نفتی و گازی و ســایر ماموریت‌ها، ۲۳ درصد سهم صندوق توسعه ملی و در مجموع ۳۷٫٥ درصد از درآمد نفتی جدا شده و ٦۲٫٥ درصد درآمد نفت برای مصارف بودجه عمومی کشــور اختصــاص می‌یابــد که از آن رقم ۲ درصد ســهم مناطق محروم خواهد بود.



تهران، میزبان وزیران ۶۲ کشور عضو اسکاپ

سومین اجلاس وزیران اسکاپ (وزرای کشورهای عضو کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در آسیا و اقیانوسیه) از ۲۱ تا ۲۴ آبان در تهران برگزار خواهد شد.

معــاون برنامه ریزی و نظــارت راهبردی رییس جمهــوری با اعلام این خبر افزود: از ٦۲ کشــور عضو اســکاپ ،٥٨عضو آن از قاره آسیا و اقیانوســیه هســتند و تاکنون دو اجلاس آن در ســال ۲۰۰۷ در کره جنوبی و در ســال ۲۰۱۰ در اندونزی برگزار شده و تهران، میزبان اجلاس سوم است.

به گفته مرادی در نشست وزیران عضو اسکاپ استفاده از بخش خصوصی و دولتی در توسعه زیرساخت‌ها مانند راه‌آهن، حمل و نقل، نفت و نیرو، ارتباطات و سایر زیرساخت‌ها مورد بررســی قرار گرفته و بیانیه اجلاس کارشناسان اسکاپ که قبلا در بانکوک تهیه شده در اجلاس تهران به تصویب وزیران اسکاپ خواهد رسید.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۸۶/۶۵ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۰۹/۳۰ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۶۹۵ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۲۲۵۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۲۴۰۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)	۶۲۰۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۳۱۱۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۷۱۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۱۲۴۴۰۰ تومان
هر گرم نقره خام	۳۲۰۰ تومان
دلار آمریکا (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۲۲۶ تومان
دلار آمریکا (نرخ مبادله ای)	۲۴۶۵/۵ تومان
دلار آمریکا (نرخ غیر رسمی)	۳۳۳۰ تومان
یورو (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۵۶۸/۱ تومان
یورو (نرخ مبادله ای)	۳۱۹۳/۵ تومان
یورو (نرخ غیر رسمی)	۴۲۰۰ تومان
پوند انگلستان (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۹۶۰/۵ تومان
پوند انگلستان (نرخ مبادله ای)	۳۹۹۰/۳ تومان
پوند انگلستان (نرخ غیر رسمی)	۵۲۴۰ تومان
درهم امارات (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۳۳۴ تومان
درهم امارات (نرخ مبادله ای)	۶۷۹/۴ تومان
درهم امارات (نرخ غیر رسمی)	۸۹۵ تومان

بازپرداخت وام حساب ذخیره ارزی به نرخ مبادله‌ای

بانک مرکزی به تازگی بخشنامه‌ای را صادر کرده اســت که بــر مبنای آن، افرادی که از حســاب ذخیره ارزی وام دریافت کرده‌اند ،باید بازپرداخت را به نرخ مبادله‌ای انجام دهند.

به گــزارش مهر، بانک مرکزی به تازگی بخشــنامه‌ای را به شــعب ارزی بانک‌هــا ابلاغ کرده اســت که بر مبنای آن، آن دســته از تســهیلات گیرندگان از حســاب ذخیــره ارزی که هم‌اکنون سررسید اقساط آنها سرآمده است، باید به جای بازپرداخت تســهیلات به نرخ ارز در زمانی که تســهیلات گرفته‌اند، به نرخ مبادله‌ای بازپرداخت تسهیلات خود را صورت دهند.

ایــن امر اعتــراض بســیاری از تســهیلات گیرندگان را در بر داشــته اســت؛ به نحــوی که بســیاری از آنها ترجیــح داده‌انــد کــه بــه طــور کلی، بازپرداخت تســهیلات را متوقف کنند تا تعیین تکلیف لازم از ســوی مراجع ذیربط صورت گیرد.

این در شرایطی است که بسیاری از آنها تســهیلات ارزی را حتی به نرخ ۱۰۵۰ تومــان و کمتــر از آن دریافــت کــرده بودنــد و بر اســاس مقــررات، بعد از گذشــت پنج ســال، قرار بود که بازپرداخت آن آغاز شود، اما هم اکنون با نوسانات نرخ ارز، بانکها به آنها ابلاغ کرده‌اند که باید بازپرداخت تسهیلات را با نرخ ارز مبادله‌ای که هر روز در اتاق مبادلات ارزی از ســوی بانک مرکزی اعلام می‌شود، صورت دهند.

محمدحســین برخوردار رئیس مجمــع واردات کشــور در این رابطه گفت: شــهریور امســال بانک مرکزی بخشــنامه‌ای به بانک‌های عامل صادر کرده است که بر مبنای آن، بانکها هنگام دریافت مابقی مبلغ اعتبارات اسنادی و تسویه حســاب ارزی با واردکنندگان، بــا توجه به احتمال افزایــش نرخ ارز، اقدام به اخذ تعهد مبنی بر دریافت مابه التفاوت ریالی نرخ ارزی می کردند.

وی افــزود: همان زمان نســبت به صدور این بخشــنامه هشــدارهایی صورت گرفته بود و اعلام شــد که این بخشــنامه به معنای ســردرگمی تامین کنندگان کالا در تعیین هزینه تمام شده است.

عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران گفت: اگر نرخ ارز در انجام معاملات بین‌المللی و پرداخت تعهدات و اعتبارات مشخص، معین و قطعی نباشد و دائما احتمال افزایش آن وجود داشته باشد، جریان سالم و پایدار تولیــد و تجارت که مبتنی بر محاســبه قیمت تمام شده و تامین هزینه هااست ،با اخلال مواجه می‌شود.

رئیس اتاق بازرگانی ایران و عضو شــورای پول و اعتبارهــم با تائید خبر صدور بخشــنامه جدید بانک مرکزی برای بازپرداخت تســهیلات حســاب ذخیــره ارزی با نــرخ مبادله‌ای، گفت: این اقدام قانونی نیست و بر این اساس، مکاتباتی با بانک مرکزی صورت گرفته است.

محمــد نهاوندیان در گفت وگو بــا مهر تاکید کرد: در این رابطه فعالان اقتصادی اعتراضات بسیاری داشته‌اند و مراتب اعتراض خود را به اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران ارایه کرده‌اند.

وی افزود: تاکید ما بر این است که تعهدات قبلی باید میان بانک و تسهیلات گیرندگان محترم شــمرده شود؛ چراکه بر هم زدن یکطرفه قراردادهای سیستم بانکی با فعالان اقتصادی، به اعتماد فی مابین لطمه می‌زند.

نهاوندیان اظهار داشــت: در این رابطه اعتراض کرده‌ایم و امیدواریم که این فرآیند اصلاح شود. به هرحال، این موضوع در حال پیگیری است و نتیجه آن را اعلام خواهیم کرد.

از سوی دیگر رئیس هیات مدیره انجمن صنفی پــرورش دهندگان مرغ گوشــتی ایران بــا بیان اینکــه افزایش قیمــت ارز تاثیــر مســتقیمی بر قیمت مکمل‌ها، واکســن‌ها و داروهای دام و طیور دارد، خواســتار آن شد که دولت برای واردات اقــلام مذکور ارز مرجع اختصاص دهد.

اولین گروه تولید کنندگان بزودی از صندوق توسعه ملی وام دریافت می کنند

۱۰ درصد از منابع صندوق توســعه ملی برای سرمایه درگردش واحدهای تولیدی آماده پرداخت اســت و بزودی اولین گروه از متقاضیان از این صندوق وام می گیرند.

بــه گزارش شــاتا، دکتر مهدی غضنفری وزیر صنعــت، معدن و تجارت درحاشیه ششمین جشنواره ملی مدیران و تولید کنندگان جوان و چهارمین دوره معرفی چهره های ماندگار صنعت، معدن و تجارت ایران به خبرنگاران گفت: پرونده متقاضیان سرمایه درگردش با کمک خانه های صنعت، معدن و تجارت و سازمان های صنعت، معدن و تجارت استان ها مورد بررسی قرار گرفته است.

وی بــا بیــان اینکه مدت زمان بررســی پرونده ها توســط بانک های عامل مشــخص نیســت، گفت: بهر حال بانک عامل قرار است سپرده های نزد خود را وام دهــد و بنابراین برای بازپرداخت ممکن اســت تضامینی را بخواهد یا اینکه مقرراتی داشته باشد.

وی درعین حال گفت: امیدواریم که بانک های عامل کمک کنند تا هرچه زودتــر ایــن وام ها به واحدهای کوچک و متوســط درگیر ســرمایه در گردش اختصاص یابد واگرنه ممکن اســت که با مشــکل بیکاری های ناشی از تعطیلی برخی واحدهای تولیدی مواجه شویم.

دکتر غضنفری در مورد اولویت تخصیص وام به واحدهای تولیدی توضیح داد: تصمیــم گرفتیم واحدهای کوچک و متوســط دچار اضطرار را در اولویت تخصیــص وام قــرار دهیــم و وام هایی بــا کارمزد کمتر از ۱۰ درصــد را به آنها اختصاص دهیم. وی با بیان اینکه ممکن است که نداشتن سرمایه در گردش منجر به تعطیلی واحدها یا تعدیل کارگران شود، افزود: پس از آن به سراغ واحدهای بزرگ تولیدی می رویم.

اعلام قیمت جدید بلیت هواپیما در مسیرهای داخلی

لیست قیمت جدید بلیت هواپیما در مسیرهای داخلی با اعمال افزایش ٦٥ درصدی منتشر شد.

به گزارش مهر، شــورای عالــی هواپیمایی قیمت بلیت هواپیمــا در مســیرهای داخلی را به طور متوســط ٦٥ درصد افزایــش داده، ضمن اینکه ســازمان هواپیمایی کشــوری این مصوبه را برای اجرا ابلاغ کرده است.

قیمــت بلیت رفت و برگشــت در مســیرهای مختلف پــروازی حــدود ۲ برابر می‌شــود. البته نرخهای اعلام شــده مشــتمل بر ٥ درصد عوارض فرودگاهی و ٥ درصد عوارض شهرداری هستند.

در همین حال، رئیس انجمن شرکت‌های هواپیمایی خبر داد: ســازمان هواپیمایی کشــوری افزایش به طور میانگین ٦٥ درصــدی قیمت بلیت هواپیمــا را ابلاغ و قیمت‌های جدید از دیروز اعمال شد.

ســیدعبدالرضا موســوی در گفتگو با مهر درباره مصوبه افزایش ٦٥ درصدی قیمت بلیت هواپیما توسط شورای عالی هواپیمایی گفت: ســازمان هواپیمایی کشــوری این مصوبه را پریروز به شرکت‌های هواپیمایی ابلاغ و از دیروز قیمت‌های جدید اعمال شــد. وی افزود: باتوجه به اینکه هزینه‌های ارزی شــرکت‌های هواپیمایی تامین نشد، باید قیمت بلیت هواپیما ۱۰۰ درصــد افزایــش می‌یافت ،اما شــورای عالی هواپیمایی مجوز افزایش به طور میانگین ٦٥ درصدی را صادر کرد.

موســوی با تاکید بر اینکه شرکت های هواپیمایی ناچار به افزایش قیمت بلیت هواپیما هستند، اظهارداشت: با توجه به افزایش شــدید هزینه‌های ارزی شرکت های هواپیمایی، این شــرکت ها در حال حاضر به طور متوســط ۱٫٥ میلیارد تومان ضرر می‌دهند.

رئیس انجمن شــرکت‌های هواپیمایی مطرح کرد: چرا بانک مرکزی برای پرداخت دستمزد سرمربی تیم ملی فوتبال ایران ارز مبادله‌ای تخصیص می‌دهد اما شرکت‌های هواپیمایی نمی‌توانند از ارز مبادله‌ای استفاده کنند.

در همین زمینه رئیس سازمان هواپیمایی کشوری هم با تأییــد افزایش ٦۰ تا ۷۰ درصدی نرخ بلیت پروازهای داخلی گفت:این افزایش قیمت مشمول بلیت‌هایی که از قبل فروخته شــده، نمی‌شــود. کاپیتان حمیدرضا پهلوانــی در گفت‌وگو با فــارس در توضیح افزایش نرخ‌هــای بلیت هواپیما از ۱٦ آبان اظهار داشــت: به دنبال افزایش نرخ ســوخت و نوســانات در نرخ ارز، شــورای عالی هواپیمایی سازمان هواپیمایی کشوری کــه متولی تغییرات قیمت در بلیت پروازهای داخلی اســت، جلســات مختلفی تشکیل داده که پس از بررسی‌های گوناگون براساس برنامه‌ریزی‌های این جلسه، مصوبه‌ای از جلسه خارج شد که به استناد آن بلیت پروازهای داخلی بین ٦۰ تا ۷۰ درصد افزایش قیمت یافت.

وی تصریــح کــرد: ایــن نرخ‌هــای جدیــد از ۱٦ آبان لازم‌الاجراست و قطعاً بلیت‌هایی که قبل از این تاریخ فروخته شده ،مشمول افزایش قیمت نخواهدبود.

اخبار کوتاه اقتصادی

افزایش نرخ سود تسهیلات نوسازی در بافت‌های فرسوده تهران

معاون وزیر راه و شــهر ســازی با بیان اینکه نرخ سود تسهیلات نوسازی در محدوده بافت های فرسوده شهر تهران در سال جاری ۳ تا ۹ درصد افزایش یافته است، گفت:در سال جاری ۵۰ هزار فقره تسهیلات از محل مسکن مهر و ۳۰ هزار فقره از محل خط اعتباری مسکن مهر در نظر گرفته شده است.

مجید کیانپور در گفت و گو با فارس با بیان اینکه سقف تسهیلات نوسازی بافت فرســوده ۲۰ میلیون تومان اســت، گفت: کارگروه نمایندگان ویژه ریاســت جمهوری در مسکن ،سقف وام را به میزان ۳۰ میلیون تومان افزایش داده اند که در صورت تصویب در شورای پول اعتبارکشور اجرائی خواهد شد.

کارخانه ۱/۵ میلیون تنی آهن اسفنجی آماده افتتاح شد

کارخانه جدید آهن اســفنجی شرکت فولاد مبارکه اصفهان با ظرفیت تولید ۱/۵میلیون تن آماده افتتاح رسمی شد.

فریدون احمدی معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت و رییس هیات عامل سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران با اعلام این خبر اظهار داشت: این کارخانه از معدود تولیدکنندگان آهن اسفنجی محسوب می شود که از ظرفیت تولید بالای یک میلیون تن (مگا مدول) در سال برخوردار است.

مجوز فعالیت بانک خاورمیانه صادر شد

بانک مرکزی طی بخشنامه ای به بانک‌های دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پست بانک و موسسه اعتباری توسعه مجوز، صدور مجوز فعالیت بانک خاورمیانه را اعلام کرد.

بــه گزارش ایســنا ،مجوز فعالیــت بانک خاورمیانه به موجب نامه شــماره ۹۱/۲۱۲٦۹۷ مورخ یازدهم آبان سال جاری صادر شده و آن بانک می تواند بر اساس اساسنامه مصوب خود و در چارچوب قانون پولی و بانکی کشور، قانون عملیات بانکی بدون‌ربا، مصوبات شــورای پول و اعتبار، دســتورالعمل‌ها و بخشنامه‌های صادره بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین و مقررات ذی‌ربط، به عملیات مجاز بانکی مبادرت کند.

کاهش قیمت محصولات پتروشیمی در بورس کالا

در پــی جلســات و تعامــلات بورس کالای ایــران و واحدهــای تولیدی محصــولات پتروشــیمی، دیروز با افزایش حجم عرضــه و کاهش قیمت پایه از سوی عرضه کنندگان، قیمت اکثر محصولات پتروشیمی در بورس کالای ایران از ۵ تا ۱۰ درصد با کاهش مواجه شد.

بــه گزارش روابط عمومی بورس کالای ایران، در تالار فرآورده های نفت و پتروشیمی و در گروه مواد پلیمری ۷۳۴۹ تن انواع محصولات پتروشیمی به ارزش بیش از ۲٦۹ میلیارد ریال داد و ستد شد.

تحلیل وزارت اطلاعات از موانع حمله نظامی رژیم صهیونیستی به ایران

وزارت اطلاعات در گزارشی به تحلیل دلایل و موانع حمله نظامی رژیم صهیونیستی به ایران پرداخت و با مروری بر اختلافات رژیم صهیونیستی و کاخ سفید در این مساله اعلام کرد که آغاز جنگ و توسل به زور، چنان خطیر و سهمگین است که کم‌ترین غفلت از آن، گناهی نابخشودنی است.

به گزارش ایسنا، متن گزارش که در پایگاه اطلاع رسانی وزارت اطلاعات منتشر شده به این شرح است:

رژیم صهیونیستی در یکی دو دهه اخیر، همواره نسبت به جمهوری اسلامی ایران، مواضع تندی را اتخاذ کرده است، در این مدت گاه این مواضع تا حدی ملایم شده و لحن گفتار آرام شده و گاهی بسیار تند بوده است. در سال‌های اخیر، بعد از آشکار شدن فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران ، این رژیم لحن گفتار و مواضع خود نسبت به ایران را به تندترین حالت خود رسانده است تا جایی که تحلیل‌گران معتقدند امکان توسل به زور از طرف صهیونیست‌ها وجود دارد. حال با توجه به این چنین تحلیل و پیش‌بینی مهمی، باید به این سوال پاسخ داد که موانع انجام این اقدام چه خواهد بود و البته عوامل مهم تقویت امکان توسل به زور چیست؟

برای بررسی این موضوع و این‌که احتمال حمله نظامی تا چه میزان وجود دارد، باید به مسائلی همچون تحولات داخلی و سیاست خارجی آمریکا در برابر ایران، روابط رژیم صهیونیستی با ایالات متحده آمریکا، وضعیت سیاسی و نظامی ایران، برداشت سردمداران صهیونیست از فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی و تحولات داخلی و منطقه‌ای ایران توجه کرد.

تفکر متفاوت رژیم صهیونیستی

در ماه‌های اخیر، رفت و آمد مسئولان ارشد رژیم اشغالگر قدس و ایالات متحده برای بررسی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی و پیدا کردن راه‌های مقابله با آن در کنار اعتراض‌های اجتماعی و هشدارهای عمومی افراد برجسته داخلی و خارجی و بیان این موضوع که رژیم صهیونیستی برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران، شاید متوسل به زور گردد باعث شده است تا تحلیل‌گران و بازیگران بین المللی با پیگیری این موضوعات به این نتیجه برسند که گرایش صهیونیست‌ها و متحدش به استفاده از زور و انتخاب گزینه نظامی بسیار بیش‌تر شده است، اما در این میان با بررسی رفتارهای متقابل ایالات متحده و رژیم صهیونیستی می‌توان به موضوعی پی برد که با توجه به شرایط موجود مهم به نظر می‌رسد. این موضوع بروز اختلاف چندگانه میان این دو کشور در مورد فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای ایران و نوع برخورد با آن است. در مرداد ماه وزیر دفاع آمریکا، وزیر خارجه، مشاور امنیت ملی و نامزد جمهوری خواهان آمریکا در سال ۲۰۱۲ یعنی میت رامنی، به قدس اشغالی سفر کرده و حول این محور به مذاکره پرداختند.از سوی دیگر پایتخت آمریکا هم میزبان مقامات رژیم صهیونیستی جهت ادامه مذاکرات بود. به هر حال واضح است که با وجود مناسبات دیپلماتیک نزدیک و اتحاد استراتژیک ایالات متحده با رژیم غاصب، موضوع هسته‌ای ایران مشکلات زیادی را میان این دو کشور بوجود آورده است؛ در طول این مذکرات دو طرفه، ایالات متحده سعی کرده است تا نگرش خود را برای صهیونیست‌ها تشریح کرده و آن‌ها را نسبت به پیامدهای انتخاب سیاست گزینه نظامی علیه ایران آگاه سازند و هشدارهای لازم را بیان کنند.

ایالات متحده و دولت اوباما از یک سو به هیچ وجه به سمت حمله نظامی علیه ایران به دلیل زیان بار بودن آن متمایل نخواهند شد، اما از سوی مقابل برای این‌که به سران صهیونیست اطمینان بدهند که ایران هسته‌ای را نخواهند پذیرفت، تصمیم گرفت تا این رژیم را از طرح احتمالی حمله خود به تاسیسات اتمی ایران آگاه سازد و بدین ترتیب رژیم صهیونیستی را متقاعد سازد تا علیه جمهوری اسلامی به اقدامی یک جانبه دست نزند. این مسئولیت مهم بر دوش «دانیلون»، مشاور امنیت ملی اوباما، گذاشته شده بود.

موضوع اساسی که باعث آشکار شدن تفاوت اساسی نگرش ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی، در مورد برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران می‌شود، در واقع رسیدن به مرحله بحرانی است، یعنی زمانی که این فعالیت‌ها حالت تهدید را برای آن‌ها متصور سازد که طبق اصلاح خودشان، این وضع نقطه بی بازگشت نام دارد. رژیم صهیونیستی، جمهوری اسلامی را دشمن آشکار خود می‌داند، به همین دلیل رسیدن ایران به فناوری و دانش هسته‌ای را مساوی با استفاده مستقیم یا غیر مستقیم از آن، برای نابودی خود می‌پندارند. پس سران صهیونیست، برای این‌که بتوانند دست ایران را به طور همیشگی از تاسیسات هسته‌ای اش کوتاه سازد، این تهدید بالقوه را خنثی و توان غنی سازی اورانیوم را از ایران بگیرد، بهترین و موثرترین راه برای آن‌ها، از بین بردن تمامی توان ایران، آن هم در تمامی حوزه‌های هسته‌ای است.

ایالات متحده آمریکا، در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران، دیدگاهی کاملاً متفاوت با رژیم صهیونیستی دارد؛ از دیدگاه برخی صاحب نظران و تحلیل‌گران مطالعات استراتژیک و راهبردی، دست‌یابی جمهوری اسلامی به فناوری صلح آمیز هسته‌ای، می‌تواند به راحتی ثبات و صلح را به منطقه بازگرداند، آمریکایی‌ها حتی این نوع فعالیت‌های جمهوری اسلامی را به عنوان تهدید علیه خود نمی‌پندارند. اما ذکر این موضوع ضروری به نظر می‌رسد که موازنه منطقه، با دست‌یابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای، به ضرر رژیم غاصب برهم می‌خورد، و علاوه بر این‌که نوعی بازدارندگی شدید را برای ایران و حامیان منطقه‌ای‌اش پدید می‌آورد، می‌تواند باعث نوعی مسابقه تسلیحاتی در منطقه هم بشود. با توضیح تفاوت دو دیدگاه ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در مورد دست‌یابی ایران به فناوری هسته‌ای، می‌توان اذعان داشت که ایالات متحده با توجه به وضع موجود، این نوع فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران را تهدید تلقی نکرده و حتی در جهت غنی سازی با درصد پایین‌تر، حاضر به مذاکره با ایران شده است؛ به همین دلیل، دولت فعلی ایالات متحده و در راس آن، اوباما، امید دارد تا با استفاده از دیپلماسی و حل و فصل مسالمت آمیز، این موضوع را پشت سر بگذارد.

اما در طرف مقابل، متحد اصلی ایالات متحده نگرشی کاملا متفاوت به این موضوع داشته و غنی سازی ایران را تهدیدی شدید علیه امنیت ملی خود دانسته و به دنبال نابودی کامل تاسیسات اتمی ایران است. پس در جمع بندی تا این قسمت، به این نتیجه می‌رسیم که نقطه بی بازگشت مد نظر سران رژیم صهیونیستی و آمریکا، کاملا با یک‌دیگر در تضاد بوده و در هر کدام زمان تهدید و اقدام کاملا متفاوت است.

انتشار گزارشی از جامعه اطلاعاتی آمریکا، توسط روزنامه صهیونیستی هاآرتص، باعث شد تا تهدید این رژیم نسبت به حمله نظامی علیه ایران تشدید گردد، این گزارش، با این مضمون در اواخر مرداد ماه منتشر شد:

دستا وردهای ایران در برنامه هسته‌ای و اتمی‌اش، بسیار بیش‌تر از آن حدی است که کارشناسان اطلاعاتی آمریکا در جدیدترین ارزیابی‌هایشان گمان می‌کردند و آن را به رئیس جمهور ارائه داده بودند، اما در همین زمان، سخنگوی کاخ سفید، سعی کرد تا این موضوع را پوشش دهد و در سخنرانی خود اعلام کرد که آمریکا در برنامه هسته‌ای ایران، چشم‌هایی دارد که چنان‌چه ایران در ساخت سلاح هسته به موفقیتی دست یابد به سرعت از آن آگاه خواهد شد. البته باید اذعان داشت که این سخنان بیش‌تر در واکنش به سخنان وزیر دفاع رژیم صهیونیستی بود که گفته بود تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران، علیه این رژیم ، به مسئله‌ای مهم و فوری برای آن‌ها تبدیل شده است. «جی کارنی»، سخنگوی کاخ سفید در جایی دیگر و در یک کنفرانس خبری، بیان داشت که جمهوری اسلامی ایران، برای دست‌یابی به سلاح هسته‌ای هنوز هیچ تلاشی نداشته است و از منظر «اوباما» و دولت او «هنوز زمان و فضا برای به کارگیری گزینه دیپلماتیک وجود دارد که چنین رویکردی شامل تحریم‌های شدید و گزنده است». با بررسی دیدارهای متوالی مقامات آمریکا از فلسطین اشغالی، و تاکید بر تحریم‌ها، خبرگزاری فرانسه معتقد است که: واشنگتن درصدد است تا رژیم صهیونیستی را از یک حمله پیش‌گیرانه به ایران منصرف کند.

توسل به زور از سوی رژیم صهیونیستی

انتخاب گزینه اقدام نظامی از سوی رژیم صهیونیستی، بیش‌تر متاثر از مواضع و اقدامات آمریکا در برابر ایران و این رژیم است تا ماهیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران. در این میان، اوباما نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای ایران و تهدیدهای ناشی از این اقدامات و البته نوع برخورد با آن‌ها، کاملاً متفاوت است. وی معتقد است که اقدامات هسته‌ای ایران، تهدیدات فوری نیستند و این اقدامات را می‌توان با دیپلماسی فعال و البته اعمال تحریم‌های سخت‌گیرانه، کنترل کرد یا تغییر داد. سیاست مدنظر اوباما، کاملا با تفکرات مقام های صهیونیست در تعارض است، که همین تعارض، در نوع برخورد با فعالیت‌های هسته‌ای ایران، باعث ایجاد تنش در روابط دو طرفه ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی شده است، تا جایی که در این پروسه، هریک در تلاش هستند تا طرف مقابل را با استفاده از اهرم‌های فشاری که در اختیار دارند، نسبت به تغییر یا تجدید نظر در اقدام ها و سیاست‌های خود راضی کنند. در این زمینه، می‌توان ابزارهای خاص و توانمندی‌های هر یک را که با توجه به فرصت‌ها و محدودیت سیاست‌ها و گزینه‌های آمریکا و رژیم غاصب در برخورد با موضوع ایران هسته‌ای نشان می‌دهد را مشاهده نمود.

با توجه به این‌که هم اکنون ایالات متحده، در سال انتخابات خود قرار گرفته است، مبارزات انتخاباتی نامزدهای ریاست جمهوری، در دو حزب جمهوری خواه و دموکرات، مبارزات خود را جهت پیروزی در این انتخابات آغاز کرده‌اند و در این مدت سعی می‌کنند، تا با رصد دقیق رفتار، گفتار و عمل‌کرد رقیب خود، خطا یا اشتباهی را در این بین پر رنگ کرده و علیه آن‌ها در افکار عمومی استفاده کنند. به همین دلیل، دولت فعلی، تمام تلاش خود را به کارگرفته است تا بتواند نظر مثبت مردم آمریکا را جلب کند و در کاخ سفید ماندنی شود، اما در این میان، نباید منکر نقش لابی‌های موجود در ایالات متحده شد. یکی از قوی‌ترین لابی‌های فعال در ایالات متحده لابی صهیونیسم است، که همواره بیش‌ترین تاثیر را در انتخابات آمریکا داشته و به راحتی پیروزی یا شکست هر کدام از دو حزب را می‌تواند معین کند، این لابی با نفوذ بسیار زیاد خود در ساختارهای رسمی و غیر رسمی قدرت و با در اختیار داشتن ثروت بسیار زیاد در کنار رسانه‌های گروهی و حضور فعال در حوزه مدنی و مراکز فکری همواره نقش بسیار موثری در جریان انتخابات داشته است، به همین دلیل نامزد این دو حزب، در وضعیتی قرار گرفته‌اند که برای رسیدن به پیروزی در جریان انتخابات نمی‌توانند از کنار این لابی بی تفاوت عبور کنند و باید سعی کنند طبق نظر آن‌ها عمل کنند. در کل، لابی صهیونیسم با قدرت زیادی که دارد، در آمریکا به بازوی رژیم صهیونیستی تبدیل شده است و نامزدها و دولت‌شان را تحت فشار زیادی قرار می‌دهد تا سیاست‌های موجود برای هم‌سویی و هماهنگی با دولت غاصب اتخاذ گردد.

در این زمان، یعنی سال برگزاری انتخابات آمریکا از یک سو فشارهای زیادی بر روی دولت اوباما از سوی رژیم صهیونیستی وارد می‌شود، و از سوی دیگر دولت او مورد حمله جمهوری خواهان قرار گرفته است. جمهوری خواهان تلاش می‌کنند تا نشان دهند که با سیاست‌های رژیم صهیونیستی، هم‌سویی بیش‌تری دارند، و چون در راس قدرت نیستند، تلاشی هم برای انجام رفتار مسئولانه انجام نمی‌دهند. هم‌سویی جمهوری خواهان با لابی صهیونیسم باعث تضعیف اوباما در انتخابات شده و تبلیغات علیه او را شدت بخشیده است. آن‌ها در تبلیغات خود علیه اوباما، سیاست‌های او در منطقه خاورمیانه را به باد انتقاد گرفته و معتقدند که او در برخورد با جمهوری اسلامی ایران، منفعلانه عمل کرده است که این برخورد باعث شده تا منطقه به دست افراد تندرو بیفتد. حاصل این اتفاق، دست‌یابی ایران به سلاح هسته‌ای است و نتیجه آن نابودی هستی و امنیت رژیم صهیونیستی است.

نفوذ گسترده لابی صهیونیست و تاثیر گذاری آن‌ها بر نتایج انتخابات، ناشی از سیاست افراطی دولت غاصب صهیونیستی در برابر جمهوری اسلامی ایران است که باعث ایجاد فرصتی کلیدی در سال انتخابات ایالات متحده آمریکا شده است. عاملی که می‌تواند به شدت بر نتیجه انتخابات تاثیر بگذارد و روند عادی انتخابات را در آمریکا بر هم بزند، طرح حمله نظامی رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران است.

موانع اقدام نظامی رژیم صهیونیستی

واضح است که با توجه به قدرت نظامی جمهوری اسلامی، و توانایی دفاع ایران، رژیم اشغالگر قدس بدون حمایت کافی آمریکا نمی‌تواند آغازگر جنگ باشد و این جنگ می‌تواند برای این کشور بسیار پر هزینه بوده و منشای ضررهای فراوانی باشد. به همین دلیل، سران صهیونیستی که همواره در ترس از نابودی به سر می‌برد، آموخته‌اند که هر گونه اقدام بیهوده و نسنجیده، ممکن است به قیمت نابودی آنان تمام شده و همگی به بدنامان قوم خود بدل شوند. پس در واقع نامعلوم بودن عاقبت اقدام نظامی علیه ایران را می‌توان بزرگ‌ترین مانع شروع این جنگ دانست. آن‌ها به شدت از پیامدهای وحشتناک این اقدام هراس دارند.

در سوی مقابل، باید به این نکته اشاره کرد که اگر رژیم غاصب آغازگر جنگی علیه ایران باشد، ایران نیز به ناچار برای تامین امنیت و منافع ملی خود، با سیاست اتکا به قدرت به سمت تامین امنیت و منافع خود خواهد رفت. که این اتفاق، نشان خواهد داد، زور هم‌چنان می‌تواند برای رسیدن به اهداف در گستره جهان مورد استفاده قرار گیرد که این بدترین اتفاق برای جهان حاضر می‌باشد. از زاویه‌ای دیگر باید توجه کنیم که شروع اقدام نظامی توسط رژیم صهیونیستی، پایان همه گزینه‌های مسالمت آمیز در جهان خواهد بود که بازیگران مختلف نزدیک به یک دهه برای استقرار آن تلاش کرده‌اند و حتی جمهوری اسلامی ایران، با توجه به این‌که تحریم‌های زیادی علیه آن‌ها انجام شده اما برای نشان دادن حسن نیت خود به دیپلماسی چند جانبه در قالب مذاکره با گروه ۱+۵ پایبند بوده است. اصلی‌ترین موضوع و در واقع یکی دیگر از بزرگ‌ترین موانع اقدام نظامی برای رژیم صهیونیستی این است که، این اقدام به هیچ وجه تضمین کننده نابودی توان هسته‌ای ایران نخواهد بود و این اقدام فقط ممکن است بتواند وقفه‌ای در روند فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای ایران ایجاد کند.

نتیجه گیری

باید توجه داشته باشیم که، یکی از راه‌های مهم و اساسی بیمه شدن جمهوری اسلامی ایران، در برابر تهدیدهای خارجی، تهدیدهای نظامی رژیم صهیونیستی و اقدام های دشمنانه آن‌ها، کاهش شدید اختلافات داخلی و تقویت پایگاه‌های مردمی است. باید سعی کنیم تا نظام مدیریتی کشور را به روز نگه داریم و در زمانی که کشور با تحریم‌های فراوان بین‌المللی و نظامی روبروست کارآمدی دولت را افزایش دهیم. البته ذکر این موضوع بسیار مهم است که هرگونه حمله نظامی به تاسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، نمی‌تواند هیچ دستاوردی برای متجاوزان داشته باشد و بدیهی است که توان جمهوری اسلامی، به حدی زیاد است که می‌تواند پاسخ آن‌ها را با تمام توان داده و آن‌ها را از اقدام نسنجیده خود پشیمان سازد. اما واضح است که آغاز جنگ و توسل به زور، چنان خطیر و سهمگین است که کم‌ترین غفلت از آن، گناهی نابخشودنی است. به همین دلیل، برای جلوگیری از جنگ راه‌های متفاوتی وجود دارد. یکی از آن‌ها اتخاذ تدابیر دیپلماتیک و سیاسی، و بهره گیری از ظرفیت مجامع بین‌المللی است، که راهی ضروری و البته کم هزینه است. اما در طرف مقابل، آمادگی نظامی برای مقابله با این اقدام های خصمانه هم از اصلی‌ترین راه‌های جلوگیری از بروز جنگ است.

دسترسی ۴۷ درصد مردم به اینترنت

وزیــر ارتباطــات و فنــاوری اطلاعات ضریب نفــوذ تلفن همراه در ایران ۹۱.۲درصد خواند و گفت: ٤۷درصد مردم به اینترنت دسترسی دارند.

بــه گزارش فارس، رضا تقی پور در ششــمین ســمپوزیوم بین المللی مخابرات با بیان اینکه علیرغم تمامــی مخالفت‌های خارجی برای مقابله با توســعه دانــش در ایــران، خیــزش علمی عظیمی در کشــور آغاز شده اســت، اظهار داشت: همانطور که آمارهای خارجی نشــان می‌دهند، تولید دانش در ایران رشــد زیادی داشــته و این رشــد در حوزه ICTهم با تلاش متخصصان شکل گرفته است.

وی ادامــه داد: برگــزاری همایــش بین‌المللی مخابرات از سال ۲۰۰۱ توسط پژوهشکده ارتباطات و فناوری اطلاعات آغاز شده و هر سال با اقبال بیشتری از سوی متخصصان روبرو بوده است.

تقی‌پــور گفت: افزایش کیفیــت و تنوع مقالات همایش امســال نسبت به ســال گذشته، نشان از رشد سطح علمی همایش دارد.

وزیــر ارتباطــات و فناوری اطلاعات ادامه داد: به موازات توســعه علم و فناوری در کشور شرکت‌های دانش بنیان در هفت سال گذشته از نظر کیفیت و کمیت رشد داشته‌اند و در حال حاضر ایران از نظر محصولات نرم‌افزاری در جایگاه خوبی در منطقه قرار دارد.

تقی‌پور در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به برخی شــاخص‌های ارتباطی در ایران یادآور شــد: هم‌اکنون در ایران به ازای هر شهروند بیش از یک خط تلفن همراه وجود دارد

وی اظهار امیدواری کرد: با ایجاد و توسعه شبکه ملی اطلاعات، هزینه دسترسی به شبکه کاهش و امنیت کاربــران افزایش یابد و دو چالش هزینه و امنیت برای شهروندان از بین برود.

تقی‌پور افــزود:در حال حاضر ۳۰۰ هزار نیروی متخصص در حوزه ICTو ۷۰۰ هزار دانشــجوی در حال تحصیل دراین حوزه وجود دارد که در مجموع با یک میلیون نیروی متخصص ICT، ظرفیت بالقوه‌ای برای پیشبرد حوزه ICTدر کشور در اختیار داریم.

وزیر ارتباطــات و فناوری اطلاعات ادامه داد: با ایجاد شــبکه ملی اطلاعات و فراهم شدن شرایط ارائه خدمات دراین شبکه،این جمعیت متخصص می توانند موتور پیش برنده اقتصاد ICTدر کشور باشند.

وی خاطرنشــان کرد:اگــر دنیا تصمیم به تحریم غیرمنطقــی ایران دارد کــه البته مجامع جهانی و حتی سازمان ملل هم این تحریم را تایید نمی کنند، باید بدانند که این محدودیت‌های خارجی زمینه‌ساز تحرک بیشتر داخلی می‌شود.

در حاشیه سمپوزیوم بین‌المللی مخابرات، وزیر ارتباطات اولین نســخه مرکز بومی عملیات امنیت را رونمایی کرد.

مرکز عملیات امنیت، مرکزی اســت که با پایش هر ســاعته شــبکه، نمایی از وضع امنیتی شبکه را در اختیار قرار می‌دهد.

توسعه ترانزیت در گرو استفاده از حمل و نقل ترکیبی است

ســرویس اقتصادی:رئیــس کل گمــرک کشــور، یکــی از مهمتریــن مشــکلات توسعه ترانزیت در کشور را اســتفاده نکردن از حمل و نقل ترکیبی عنــوان کرد و گفت: هــم اکنون ۲۵۰۰ کامیون پشــت مرز ســرخس در انتظار به ســر می‌برند. معمارنژاد در نخستین همایش توسعه ترانزیت از بنادر کشور اظهار داشت: موقعیت ژئوپلتیک کشور ظرفیت‌های بالایی در امر ترانزیت شرق به غرب و شمال به جنوب ایجاد کرده و باید از این پتانسیل استفاده کنیم.

وی افــزود: در حــال حاضــر از حــدود ۱٤٥ گمــرک فعــال در قلمرو گمرک ایران، حدود یک سوم آن مجاز به فعالیت در امر ترانزیت هستند.رئیس کل گمرک ادامه داد: رتبه ایران از لحاظ شاخص زیر ساخت‌های تجاری در دنیا ۱۰۳ اســت که اگر سازمان‌های درگیر در امــر تجارت که ترانزیت هم یکی از آنهاست، در هماهنگی با یکدیگر عمل کننــد، ایران می‌تواند ۱٥ رتبه بهبود یابد و به ۸۷ برسد.

وی با اشــاره به اینکه همجواری خــاک کشــور بــا دو دریای خــزر و خلیج‌فارس موقعیت درخشــانی برای رقابــت در زمینه تجــارت خارجی به خصوص ترانزیت از طریق بنادر حمل و نقل دریایی ایجاد کرده اســت، یادآور شــد: در سال ۲۰۱۰ معادل ۹ میلیارد تن کالا در جهان مبادله شد که ۹۰درصد آن یعنی بیش از ۸۰ میلیارد تن آن از طریق حمل و نقل دریایی انجام شده است. در کشور ما هم ۹۰ درصد کالاهای ورودی و صدوری از طریق بنادر است.

معمــار نژاد با تاکید بــر اینکه در ٦ ماهــه اول امســال ۲٥ درصد رشــد ترانزیت داشــتیم، افــزود: بخش عمده کالاهای ترانزیتــی مواد نفتی و مصالح ساختمانی بوده است.وی بر راه‌اندازی سامانه هوشمند در گمرکات اشاره کرد و ادامه داد: تا قبل از این با ســه ســامانه در حــوزه ترانزیــت کار می‌کردیم که مشکلاتی ایجاد کرده بود و اکنون به این سمت می‌رویم که فقط یک سامانه کار ترانزیت را انجام دهد.رئیس کل گمرک یادآور شــد: کل کار به شــکل متمرکز و یکپارچه دیده شــده، بــه طوریکه از گمرک مبــدأ تا ورود به گمرک مقصد، تمامی اطلاعات در ســرور مرکزی در تهران ذخیره خواهد شد.

وی اضافه کــرد: اکنون ۹۰درصد این ســامانه در دو گمرک مهم ترانزیت داخلــی یعنی تهــران و بازرگان فعال و در ۸ گمــرک هم راه‌اندازی شــده، ولی هنوز به مرحله ثبات نرسیده است.وی ســپس با برشمردن چالش‌های گمرک ایــران در امــر ترانزیت اظهار داشــت: نبود تجهیــزات کنترلی مورد نیاز، نبود زیرســاخت‌ها و بسترهای مخابراتی و پهنای باند در مبادی و طول مسیر، نبود نظارت کامل در طول مسیرهای مجاز و اســتفاده‌نکردن از ظرفیت ناوگان ریلی از جمله این مشکلات است.

در ادامــه این همایش صدر رئیس سازمان بنادر و دریانوردی اظهار داشت، با توجه بــه اینکه ۹۰درصد ترانزیت از طریق دریا است و وجود همسایگان ما و بازار مصرفی که دارند، می توانــد برای کشور یک مزیت بسیار مهم تلقی شود.

وی ادامه داد: با اینکه در بخش‌های زیر ساختی و امکانات از ظرفیت خوبی برخورداریم، ولی هنوز ســهم بنادر در کل ترانزیت خارجی ٤٥ درصد اســت و در مجموع در سال گذشته ۱۱ میلیون تن کالا از کشــور ترانزیت شده است.

ســپس مهندس آدم‌نژاد معاون حمل و نقل ســازمان راهــداری و حمل و نقل جاده‌ای کشور گفت: ۱۱ بندر در کشور با ظرفیــت ۱۳٦ میلیون تن وجود دارد. در عین حــال دارای بزرگترین ناوگان دریایی در غرب آســیا هســتیم. بدین ترتیب ناوگان بازرگانی دریایی کشــور توانســته رتبــه ۲۰ جهــان و ممتاز در خاورمیانــه را اخذ کند.وی با اشــاره به رشد ۷۳ درصدی ترانزیت از سال ۸۷ تا ۹۰ در کشور اظهار داشت: از ۱۰ میلیون و ۱۳۹ هزارتن ترانزیت کشــور فقط ۹ درصــد از طریق راه‌آهن و بقیه از طریق جاده‌ای انجام می‌شود.

خودداری صنایع فلزی از فروش مواد اولیه به تولید کنندگان لوازم خانگی

دوازدهمین نمایشگاه بین‌المللی لوازم خانگی ایران هفته آینده در تهران برپا می‌شود.

حبیب‌اله انصاری دبیرکل انجمن صنایع لوازم خانگی ایران دیروز در جمع خبرنگاران با بیان این مطلب گفت: در این نمایشگاه که از ۲٤ تا ۲۷ آبان در تهران برگزار می‌شود، ۱٦٥ شرکت داخلی و خارجی از ایران، ترکیه، چین، ژاپن، هنگ‌کنگ، فرانسه، ایتالیا، هلند و امارات بیش از ۳۰۰۰ گونه لوازم خانگی جدید را در معرض بازدید علاقمندان به این صنعت قرار می‌دهند.

به گفته وی در این نمایشگاه انواع یخچال، یخچال‌فریزر، فریزر، کولر، ماشین لباسشویی، ظرفشویی، وسایل گازسوز، اجاق‌گاز، بخاری، سماور، آبگرمکن، پکیج، هود، شومینه، کباب‌پز، سینک ظرفشویی، هواکش، جاروبرقی، اتو، آبمیوه‌گیری، چرخ گوشت، پنکه، آسیاب، سرخ‌کن، چای‌ساز، چرخ‌خیاطی، ظروف چینی، بلور، کریستال، تفلون، ملامین و استیل، قاشق، چنگال، کارد، سرویس آشپزخانه، لوازم صوتی و تصویری، تلویزیون، ضبط صوت، دی‌وی‌دی، آبسردکن و صنایع و قطعات مربوطه به نمایش گذاشته می‌شود.

نامبرده ادامه داد: لوازم خانگی ایران به کشورهای ایتالیا، آلمان، آسیای میانه و عراق صادر می‌شود.

وی گفت: میزان تولید انواع یخچال در ایران در شش ماهه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل با ۷ درصد کاهش از ٥٤۲ هزار دستگاه به ٥۰۲ هزار دستگاه رسیده است. انصاری افزود: میزان تولید کولر آبی هم ۱۷ درصد کاهش یافته و از ۷۳۲ هزار دستگاه به ٦۰٦ هزار دستگاه رسیده است.

همچنین تولید تلویزیون در این مدت حدود ۳ درصد کاهش یافته و از ٦۸٤ هزار دستگاه به ٦٦۲ هزار دستگاه رسیده است. وی گفت: تعادل منطقی بین افزایش نرخ ارز با رشد قیمت مواد اولیه تولید داخل وجود ندارد. بطوری که هم‌اینک نرخ مواد اولیه تولید داخل این صنعت چندین برابر شده و تولیدکنندگان مس، فولاد و آلومینیوم حاضر به فروش مواد اولیه به صنایع لوازم خانگی نیستند. دبیرکل انجمن صنایع لوازم خانگی ایران در ادامه خواستار لغو قیمت‌گذاری مصنوعات لوازم خانگی از سوی سازمان حمایت شد و تعهد کرد در صورتی که قیمت‌ها بر مبنای عرضه و تقاضا در بازار تعیین شود، یقیناً قیمت لوازم خانگی از سطح فعلی کاهش خواهد یافت.

نیم نگاهی به مشکلات مادران شاغل

مهد کودک؛ خانه دوم بچه‌های امروز

* تا ۲ ماهگی هیچگونه وابستگی نوزاد به مادر در کار نیست. از ۲ تا ۷ ماهگی، دلبستگی به مادر آشکار می‌شود و مادر هم باید مراقبت‌گر باشد: به عبارت دیگر، نیازهای کودک را برطرف کند

*تأثیر دوره کودکی، پایداری در شخصیت دارد؛ ولی تحقیقات نشان می‌دهد که مغز انسان انعطاف‌پذیر است

هنوز سپیده نزده، در خانه‌ای باز می‌شود و زنی ساک به دوش، فرزند کوچکش را در آغوش گرفته و راهی خیابان می‌شود. کودک سرش را روی شانه مادر گذاشته و خواب خواب است. زن در طول مسیر، در حالی که کودکش را روی شانه‌هایش جا به جا می‌کند، به سوی مهد می‌رود؛ شاید پرستار، معلم یا کارمند هواپیمایی است. به هر حال نمونه‌ای از هزاران مادری است که ساعاتی در طول روز در کنار فرزند خود حضور ندارد و امروز این امری عادی است، چرا که شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موجب شده است که اشتغال زن در بیرون از خانه طبیعی، بدیهی و ضروری باشد. در واقع با پیشرفت تکنولوژی، فرصت‌های شغلی زیادی به وجود آمده و زنان را بر آن داشته است تا همپای مردان، به مهارت‌ها و تخصص‌های مختلف مجهز شوند.

در چنین شرایطی جنسیت افراد اهمیت خود را از دست داده و موجب شده است که زنان مسئولیت‌هایی نیز در بیرون از خانه داشته باشند و هر روز بر تعداد زنان شاغل اضافه شود.

اگر چه اشتغال و به دنبال آن تولید و نوآوری و استقلال اقتصادی باعث خودباوری بیشتر و اعتماد به نفس در زنان جامعه می‌شود، ولی از سوی دیگر، مشکلات و مسائل روحی و رفتاری برای فرزند یا فرزندان آنان ایجاد کرده است. وقتی پدر و مادر هر دو شاغل باشند، زندگی کودکان توام با تنهایی است و همین غیبت‌های چند ساعته مکرر روزانه، تأثیرات روحی و رفتاری مختلفی روی کودک می‌گذارد که خشم یکی از آن واکنش‌ها است، چرا که در چنین شرایطی، فرزندان بیشترین ضربه و آسیب را می‌بینند.

کودکان در سال‌های نخست زندگی خود، دلبسته مادرانشان هستند و امنیت و آرامش و شادی خود را در کنار آنان می‌جویند و می‌یابند، و وقتی مادری هر صبح برای رفتن به سر کار، فرزندش را به مهد می‌سپارد، درک و قبول این جدایی برای کودک بسیار دشوار است؛ زیرا وی قدرت تجزیه و تحلیل مسائل را ندارد و چه بسا با نبود مادر در کنارش، از خود رفتارهای ناهنجار نشان دهد و یا به شکل‌های مختلف خشمگین شود و بهانه‌گیری کند؛ زیرا برای او قبول این امر بسیار سخت است که کسی که دوستش دارد، ساعاتی طولانی در روز ترکش کند.

شکل‌گیری شخصیت کودکان

صاحب‌نظران علوم روان‌شناختی همواره برای نقش سال‌های اولیه مادران در رشد کودک، اهمیت فراوانی قایل‌اند و می‌گویند آنچه کودک در سنین کودکی تجربه می‌کند، تأثیر سرنوشت‌سازی در شکل‌گیری شخصیت‌اش در آینده دارد. اشتغال مادران در بیرون از خانه و نبود آنان در کنار فرزندان از یک‌طرف و گسترش مهدهای کودک‌که به شکلی جایگزین نقش مادران شده‌اند، از طرف دیگر، آثار و تبعاتی در شخصیت کودک بر جای می‌گذارد که می‌توان به اثرات عاطفی، شناختی و هوشی اشاره کرد.

کودکانی که از مادرانشان دور هستند و ساعاتی از روز را در مهدهای کودک‌سپری می‌کنند، دچار اختلال دلبستگی هستند و احساس ناایمنی بیشتری دارند تا کودکانی که از مادران خانه‌دار، برخوردارند.

همچنین کودکانی که به مهد می‌روند، موقعیت بهتری دارند تا کودکانی که درخانه هستند؛ که این هم نتیجه آموزش‌های مربیان مهد است و هم نتیجه بودن کودک در میان سایر کودکان. کودکانی که به مهد می‌روند دارای اختلال دلبستگی از نوع واکنش هستند. که این وضعیت در کودکانی که کنار مادرانشان در خانه به سر می‌برند، کمتر دیده می‌شود.

خانه دوم کودکان

کودکی دوران بسیار مهمی از زندگی هر فرد به شمار می‌رود که تک تک ما آن را تجربه کرده‌ایم. اگر چه ممکن است چیزهای زیادی از دوران کودکی در خاطرمان نباشد، اما محیط، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شخصیت کنونی ما داشته است، از این رو یکی از دغدغه‌های پدران و مادران، چگونگی تربیت فرزندانشان است که بتوانند در آینده فرد موفقی باشند، اما آیا چگونگی رشد در دوران کودکی می‌تواند تأثیری در موفقیت یک فرد در آینده بگذارد و اگر چنین است برای موفق‌تر شدن کودکان، چه کارهایی می‌توان انجام داد؟

امروزه والدین با مکانی به نام مهد کودک آشنا هستند، ولی باز می‌توان پرسید که مهد کودک چیست و چه تأثیری بر آینده کودکان دارد؟

مهد کودک پدیده‌ای تقریباً نوظهور است و تاریخ پیدایش آن نیز به دوره انقلاب صنعتی اروپا و اشتغال زنان در مراکز تولیدی بر می‌گردد.

والدین برای این که وقت انجام کارهای بیشتری در بیرون خانه داشته باشند، نیاز به مراکزی برای نگهداری کودکانشان داشتند و بر پایه این نیاز و تخصصی‌تر شدن کارها، مهدهای کودک به وجود آمد، البته امروزه مهد کودک، نه صرفاً محل نگهداری فرزندان، بلکه یک نهاد آموزشی برای فراگیری مهارت‌های اولیه زندگی است.

در گذشته نگهداری کودکان معمولاً به اعضای فامیل یا مادر بزرگ‌ها و حتی همسایه‌ها سپرده می‌شد، ولی امروز با افزایش زنان شاغل، نگهداری و تربیت کودکان، حالت جدی‌تری پیدا کرده و ایجاد مکان‌هایی برای کودکان ضروری شده است.

مربی مهد کودک در نقش مادر

از بدی‌های مهد کودک، گفته شد، از خوبی‌هایش هم بگوییم. واقعیت این است کودکانی که به مهد می‌روند به دلیل برخورداری از انواع بازی‌ها و داشتن همبازی‌ها، نسبت به سایر کودکان فعالتر و پر تحرک‌ترند و جست و خیز بیشتری دارند. ولی کودکانی که به مهد نمی‌روند، معمولاً تحرک کمتری دارندو بازی‌ها را نشسته انجام می‌دهند و وقت زیادی را به تماشای تلویزیون می‌گذرانند.

همچنین کودکانی که به مهد می‌روند، از خود خلاقیت‌های بیشتری نشان می‌دهند و دارای اعتماد به نفس بالایی هستند و از نظر هوشی و ذهنی نیز از رشد خوبی برخوردارند.

اما به گفتهٔ پوران افکاری، قبل از انتخاب مهد کودک، چندین خصوصیت قابل اهمیت است؛ وی می‌گوید: باید خانواده‌ها در نظر داشته باشند که ازدحام کودکان در یک مهد چقدر است و آیا به همان نسبت، تجهیز شده است و فضای آموزشی دارد و نحوه مراقبت از کودکان، بهداشتی و سالم است و کیفیت لازم را دارد و از همه مهمتر، تبحر و توانایی مربیان به اندازه قابل قبول هست؟

این کارشناس کودک‌یاری می‌افزاید: محیط وسیع با تجهیزات مخصوص بازی کودک و امکانات آموزشی که کودک را برای ورود به دبستان آماده کند، همچنین نقش مربیان حائز اهمیت است، چرا که مربی برای ساعاتی در روز نقش مادر را ایفا می‌کند و باید قادر باشد که از عهده این نقش به خوبی بر آید.

همه می‌دانند مهد کودکی را که برای فرزند خود انتخاب می‌کنند، نباید صرفاً محل نگهداری کودک باشد، بلکه باید برای سرگرمی، بازی، آموزش، تغذیه و استراحت کودک، برنامه مدون داشته باشد.

* پوران افکاری ـ کارشناس کودکیاری: باید خانواده‌ها در نظر داشته باشند که ازدحام کودکان در یک مهد چه قدر است و آیا مهد به همان نسبت مجهز شده است؟

* ترغیب کودکان برای رفتن به مهد باید تشویقی و به دور از هر نوع تنبیه باشد

* دکتر ابوالقاسم مهری‌نژاد ـ روان‌شناس: دلبستگی کودک شیرخوار به مادر یک نیاز روانی و ژنتیکی است که باید ارضا شود

ترغیب کودکان برای رفتن به مهد

افکاری معتقد است: یکی از موارد دیگر، ترغیب کودکان برای رفتن به مهد کودک است. کودکان گاهی برای ترک خانه، جایی که به آن الفتی دارند، از خود واکنش منفی نشان می‌دهند که برخاسته از هراسی است که به آنان دست می‌دهد.

ترغیب کودکان برای رفتن به مهد باید تشویقی و به دور از هر نوع تنبیه باشد. هرگاه که کودک به مهد می‌رود، باید پاداشی دریافت کند تا برایش عادی شود.

کودک هیچ شناختی از مهد ندارد و باید محیط آن به صورتی دلپذیر برایش تصور شود. ساعات ماندن کودک در مهد نیز نباید طولانی باشد، زیرا حتی بازی نیز خسته‌کننده خواهد شد و از سوی دیگر دلبستگی کودک از مادر به سوی مربی بیشتر خواهد شد که نتایج خوبی ندارد.

دیدگاه روانشناسی

طبق برآوردها نزدیک به ۱۰ ساعت در روز، کودکان شیرخوار ۱ تا ۲ سال از آغوش گرم و لبخند مادران شاغل خود محرومند.

حال این سئوال پیش می‌آید که تأثیر منفی این جدایی در این سن روی کودک و همچنین مادر چیست؟

دکتر ابوالقاسم مهری‌نژاد– عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا در جواب این سئوال می‌گوید: در این مورد نظریه‌های متفاوتی وجود دارد، اما نظریه قوی همان گفته «جان بالبی» انگلیسی است که دلبستگی شیرخوار به مادر را یک نیاز روانی و ژنتیکی معرفی کرده است که باید این دلبستگی شکل بگیرد و از سوی کودک ارضا شود.

از نظر «بالبی» تا ۲ ماهگی، هیچگونه دلبستگی در کار نیست و از ۲ تا ۷ ماهگی دلبستگی آشکار و بارز می‌شود و کودک دلبسته به مادر است و معمولاً بعد از ۲ سالگی، مشارکت هدفمند است و کودک با مادر خویش، تعقلی ارتباط برقرار می‌کند.

مهری‌نژاد در گفت و گو با گزارشگر روزنامه اطلاعات درباره آثار جدایی از فرزند بر روی مادر می‌گوید: در مجموع مادر باید مراقبت‌گر باشد و مادری به بچه‌اش دلبسته است که مادر مراقبتی باشد. یعنی نیازهای کودک را برطرف کند و به خواست‌هایش تن در دهد، در غیر این صورت، آن دلبستگی لازم شکل نمی‌گیرد.

آیا ممکن است این تأثیرات منفی پیامدهایی نیز در دوره‌های دیگر زندگی کودک داشته باشد، مثلاً نوجوان را رنجور و دل‌آزرده بار آورد؟

مهری‌نژاد در پاسخ می‌گوید: از نظر «بالبی» به عنوان روانکاو جدید و کلاسیک تأثیر دوره کودکی، پایداری در شخصیت دارد؛ ولی تحقیقات نشان می‌دهد که مغز انسان انعطاف‌پذیر است و تجربیات بعدی زندگی می‌تواند فرد را تا حد بالایی متحول کند، ولی البته نه به طور صد در صد. به خصوص در پایان نوجوانی، مغز انعطاف‌پذیر است. در دوره نوجوانی مغز برای آموزش و عواطف، من‌جمله افسردگی، آمادگی انعطاف دارد.

از مهری‌نژاد می‌پرسم که خودش در دوره‌ای که کودک خردسالی داشت، آیا همسرش شاغل بوده است و در این صورت با این مسئله چگونه کنار می‌آمدند؟ وی در جواب می‌گوید: علم و واقعیت زندگی فاصله زیادی از هم دارند.

نهادینه کردن تئوری‌ها در فرهنگ حتی به طور نسبی کار دشواری است، ولی اصولاً تحقیقات نشان می‌دهد که انسان انعطاف‌پذیر است و قابلیت سازگاری زیادی دارد. مهم این است که آن موقعیت، قاطعانه تحقق پیدا کند، نه با احساس گناه و نگرانی.

مثلاً بچه مهد کودک، اگر مربیان خوب داشته باشد، خوب آموزش ببیند و مادر هم با شادی با وی رفتار کند، نه با احساس گناه، تأثیر خوبی می‌گذارد و یا تأثیر منفی را کمرنگ می‌کند. باید با درک موقعیت خویش و با ظرفیت بالا و اعصاب سالم مسائل را دید و تحلیل کرد و با استحکام با مشکلات مواجه شد، چون پدر و مادر الگوی فرزند هستند و اگر پدر و مادر شاد باشند، کودک نیز شاد خواهد بود و اگر آنان مضطرب باشند، کودک هم مضطرب بار می‌آید.

تفاهم و تعامل

با توجه به مدارک علمی و مهارت و تخصص‌های بسیاری از زنان، طبیعی است که آنان نخواهند موقعیت‌ها و فرصت‌های کاری را از دست بدهند.

البته اگر بین طرفین (زن و شوهر) هماهنگی و هم‌نظری و همکاری وجود نداشته باشد، در صورت وجود یک کودک، کانون خانواده آسیب خواهد دید و در این بین، بیشترین ضربه متوجه کودک خواهد بود؛ و برعکس با تقسیم کار و مسئولیت‌ها زن و مرد می‌توانند با تفاهم، مشکلات در این زمینه را حل کنند.

بسیاری از زنان چنین تجربیاتی را پشت سر گذاشته‌اند و بسیاری دیگر در حال تجربه کردن آن هستند؛ یعنی فرزندی در خانه دارند که تنهاست و همزمان در بیرون خانه به هر دلیلی مجبورند کار کنند.

خانم توکلی، کارمند در این باره می‌گوید: البته زندگی زنان شاغل در مقایسه با زندگی زنان خانه‌دار، سخت‌تر است، چون با وجود خستگی کار روزانه، تازه باید به فکر انبوه کارهای خانه هم باشد.

نگهداری و رسیدگی کودک که جای خود دارد. ولی مثلاً خودم مجبورم در بیرون خانه کار کنم و با این حال همیشه از نظر مالی کم می‌آوریم، حال تصور کنید اگر کار نکنم چه پیش خواهد آمد، بنا بر این با همسرم در کارها مشارکت دارم.

در این باره خانم م ـ د ـ کارشناس روانشناسی و مشاور خانواده نیز معتقد است: اشتغال زنان مشکل‌زا نیست، بلکه آنچه باعث درگیری زن و مرد می‌شود، نبود درک صحیح از جانب همسر و نبود برنامه‌ریزی و همچنین فشارهای کاری است که سبب بروز اختلاف می‌شود.

الناز صبوری– کارشناس حسابداری نیز در این باره می‌گوید: همین که کودک به این درک برسد که نیاز به مادر دارد و مادر در کنارش نیست، تأثیر مخربش را می‌گذارد؛ چون هیچ کس حتی مهربان‌ترین مربیان نیز نمی‌توانند جایگزین مادر شوند. کودکانی هستند که کمی مضطرب و نگرانند، ولی همین که آغوش آشنای مادر را حس می‌کنند، آرام می‌گیرند.

بنا بر این می‌توان نتیجه گرفت که وقتی مادر کودکش را از مهد تحویل می‌گیرد، اگر از آن پس مدام در اختیار کودکش باشد، تأثیر مخرب چند ساعت دوری از بین می‌رود. چون اولاً کودک با نوازش‌های مکرر مادر بازسازی عاطفی می‌شود و دوم این که عادت می‌کند چند ساعتی در روز را با مربی بگذراند، به امید این که ساعاتی بعد دو باره به آغوش مادر خواهد رفت.

وی با تأکید بر این که کار در بیرون از خانه با دستور همسران شروع نشده که با دستور آنان پایان گیرد، اظهار می‌دارد: اگر روزی مادر به این نتیجه برسد که دیگر کار در بیرون خوب نیست، فشار اقتصادی وی را وا می‌دارد که بار دیگر فرزند را ساعاتی از خود دور کند و به جستجوی کار در بیرون از خانه بر آید. این واقعیت زندگی امروز است، ولی مادر می‌تواند به هنگام جدا شدن، به فرزندش اطمینان دهد که خیلی زود به سراغش خواهد آمد. یا با برنامه‌ریزی، یک بار در هفته وی را به پارک ببرد و نسبت به وی عشق بی شرط داشته باشد.

طاهره خلیلی کسمایی

جدول شرح در متن — شماره ۳۱۵۰

طراح: غلامحسین باغبان

حل جدول شماره ۳۱۴۹

جدول ۲۱۸۴۲

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:
۱ـ نوعی نان ـ عبوس ـ خروس صحرایی
۲ـ زانوی در! ـ ستاره ـ نوعی کلاه لبه‌دار
۳ـ پهن شده ـ پایتخت چین ـ نوعی زغال سنگ
٤ـ ثروتمند ـ خطاط شهیر قرن هشتم
٥ـ موی طلائی ـ قیمتی ـ اثر چربی
٦ـ ردیف ـ جانشین او ـ اسب اصیل و نجیب ـ نماد شکل‌پذیری
٧ـ اشغال کردن ـ از فرزندان حضرت آدم(ع) ـ آغوش
٨ـ پول روسیه ـ از هالوژن‌ها ـ شگرد ـ ارث برنده
٩ـ ضعیف و سست ـ بزرگداشت ـ خوشایند
١٠ـ مکعب شش وجهی بازی ـ فلکه شهری ـ سنگ آسیاب ـ عدد ورزشی
١١ـ ضمیر جمع ـ ترمینال ـ چوبهٔ اعدام
١٢ـ کشور «الجزیره» ـ ایالتی در آلمان با نام دیگر «بایرن»
١٣ـ یار سوزن ـ ستون ـ بیماری روحی اضطراب
١٤ـ شهرنشینی ـ بخشی از چاپگر ـ نامعلوم و پیچیده
١٥ـ تحریر دادن صدا در آواز ـ پوشاک سر ـ همکار قفل

عمودی:
١ـ فیلمی از «فرزاد اژدری» با بازی علیرضا خمسه
٢ـ دل آزار کهنه ـ بلندترین نقطه ـ دوستی و محبت ـ خون منعقد
٣ـ قسمتی از بدنه اتومبیل ـ علامت بیماری ـ سماجت کننده ـ قسمتی از دست
٤ـ پیاله ـ پیوند ـ رنجیده خاطر
٥ـ چاره‌اندیشی ـ مخفف جمشید ـ جوش صورت
٦ـ ناپسند داشتن ـ کشور «مانیل»
٧ـ مستبد ـ ملاقات کردن ـ تنها
٨ـ شهر زادگاه پیامبر(ص) ـ دکان مطبوعاتی ـ گل ته‌نشین شده در آب ـ ترس و بیم
٩ـ نوعی کاغذ ـ هامش نویسی ـ کور
١٠ـ معادل پارسی کادر ـ ناخالص
١١ـ سپاسگزاری ـ ساز چوپان! ـ عالم غیب
١٢ـ ماده معطر شیرینی ـ تجملی ـ پارچه روپوشی
١٣ـ سبکی در موسیقی غربی ـ دستور ـ غذای رقیق ـ اصطلاحی در فوتبال
١٤ـ از انواع مداد ـ جامعه‌شناس آلمانی نویسنده «اخلاق پروتستانی» ـ دیوار گلی ـ خطاب نزدیک
١٥ـ کارگردان «قصه‌های مجید»

حل جدول ۲۱۸۴۱

کوهها با هم‌اند و تنهایند

دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی
بخش ششم

رضاشاه وقتی در ۱۳۰۹ش/ ۱۹۳۰م از طریق مشهد و طبس و زاهدان و کهنوج خود را افتان و خیزان از میان ریگها به محمدآباد ریگان در نرماشیر رساند و در آنجا متوجه شد که غلامحسین خان سردار مجلل در باغی بزرگ پر از درختهای مرکبات و خرما، با یک تنگ بلور به‌لیمو منتظرش ایستاده، فریاد زد:

ـ غلامحسین خان، در میان جهنم، بهشتی ساخته‌ای!

و سردار مجلل جواب داد:

ـ قربان پیشکش.

شاه گفت: نه، این حق این بچه است که کنار تو ایستاده است.

و آن بچه، امان‌الله خان عامری پسرش بود که از رجال ثروتمند کرمان به شمار می‌رفت و تا مدتها بعد از انقلاب نیز زنده بود و داستان زندگی او را آقای آیت‌الله موسوی اردبیلی بهتر از من می‌دانند.

این را خواستم مخصوصاً بگویم که بعضی تصور می‌کنند کرمانیها بی حال و تنبل و باری به هر جهت زندگی می‌کنند، و حال آنکه درست خلاف آن است. مردمی که ۳۵ هزار کیلومتر از زیر زمین خاک را پنج من پنج من، هزار سال پیش به در آورده حلقه چاه کرده و از آن چاه، آب به مزرعه رسانده‌اند، مردمی باری به هر جهت نیستند.

آدم که به اروپا می‌رود، به قول یک بلوچ که به گرگان رفته بود، احترام درخت را فراموش می‌کند.[11] این همه جنگل و سبزه شعر سعدی را بی‌معنی می‌کند آنجا که فرمود:

برومند باد آن همایون درخت — که در سایه او توان برد رخت

گفتم از جمله طلایی وزیری در باب کوههای کرمان می‌گویم و آیمش از عهده برون. نباید فکر کرد که کار در کویر در حکم آب در هاون کوفتن است و روغن در ریگ ریختن، دویست و پنجاه هزار کیلومتر بیابانها و کوههای کرمان، در عین بی‌آبی، از پر ارز آورترین استانهای ایران می‌باشد. سالی بیش از ششصد هزار تن خرما از بم ـ کم باران‌ترین نقاط استان ـ و خبیص (= شهداد)، و جیرفت و کهنوج و حاجی‌آباد حاصل می‌شود که بیشتر آن کام شیخ نشین‌های دلارخیز را شیرین می‌کند.

هر کیلو حنای نرماشیر در بازار تاجیکستان و ازبکستان با دلارهایی معامله می‌شود که روسیه به هزار دنگ و فنگ از نقاط نفت‌خیز تلکه کرده است.

بهترین هندوانه و خربزه درست در فصلی که جای دیگر دانه‌ای از آن نیست، یعنی زمستان، به خروار به خرمن از جیرفت حاصل و صادر می‌شود. باغها همه میوه‌خیز است و یک دانه درخت بی‌میوه حتی سایه‌خوش و چنار بیهوده در جایی کاشته نمی‌شود؛ زیرا هر قطره باران با کوشش شبانه‌روزی آدمیزاد از قعر زمین بالا آورده شده است. همین کوهستان پاریز قبل از آنکه مس سرچشمه بدان حمله ببرد، تل زیره داشت که باعث شهرت کرمان به زیره‌اش، در ادب فارسی شده است. سالی چند هزار کیلو زیره از این کوه حاصل می‌آمد.

کتیرای همین کوهستان ـ قبل از هجوم مس گدازی ـ سالیانه هزاران دلار درآمد داشت، و اگر صاحب تاریخ سلاجقه کرمان می‌نویسد که: «در و دیوار خانه‌های یزد از درآمد راه کرمان سفید شده است»، مخلص پاریزی یک روز، خدمت مرحوم دکتر یحیی مهدوی و اصغرآقا مهدوی استادان دانشگاه و در مهمانخانه‌شان گفتم: «آجرهای مهمانخانه خانه حاج امین‌الضرب پدرتان در تهران، از چسب صمغ کتیرای کوهستان پاریز قوام گرفته است و چراغ برق حاج امین‌الضرب از برکت چراغو (شمعک کوهی) کوهستان‌های پاریز و به کبریت سیدرحیم معین‌التجار اصفهانی نماینده او در کرمان، روشن شده است.»[12]

نکته آخر را در باب مهمترین صادرات ارزآور کرمان هم بگویم و بگذریم. ما یک درخت لوکس مهمان‌پسند داشته‌ایم به اسم پسته که چوب آن را نادرشاه در ماوراءالنهر برای کوره توپ‌ریزی می‌سوخت، و میوه آن چون خندان بود، مورد علاقه بانوان و آقایان مهمانهای بزرگان ولایت بود. یکی از مردم آگاه کرمانی متوجه علاقه مردم دنیا به این آجیل برشته شدهٔ خندان شد، و کاشت آن را به همت اربابان دیگر توسعه داد، و گز مغز پسته‌ای اصفهان هم سوغات خوبی شد برای دنیا و یکمرتبه میزان برداشت محصول پسته از ده هزار تن در سال تبدیل شد به سالی ۲۵۰ هزار تن پسته. و در آینده نزدیک به پانصد هزار تن هم می‌رسد، و این درختی است باب کرمان که سالی دو سه بار بیشتر آب نمی‌خواهد و یک بار آن هم در زمستان آب می‌طلبد.

همین چند روز پیش بود که در «دان‌تون» تورنتو، برای تبدیل عینک خودم ـ که دیگر چشمها کم‌سو شده ـ به آنجا رفتم. در پشت ویترین یک آجیل‌فروشی متوجه شدم که پسته خندان هم دارد؛ اما قیمت آن در کنارش نوشته بود: هر صد گرم = ۲/۲ دلار یعنی تقریباً دو هزار و دویست تومان به نرخ سال پیش.

چون نوبت دکتر هنوز نرسیده بود، نشستم و حساب کردم، دیدم هر یک کیلو که هزار گرم باشد، ۲۲ دلار قیمت دارد و هر هزار کیلو یک تن است که طبعاً ۲۲ هزار دلار قیمتش می‌شود، و آن وقت ـ با اینکه ریاضیات من ضعیف است و در دانشسرای مقدماتی با یک نمره هشت از تجدید شدن معاف شده‌ام ـ حساب کردم، دیدم ۲۵۰ هزار تن، یک عدد ۵۵ که در طرف راستش ۸ تا صفر گذاشته باشند، قیمت دارد؛ یعنی پنج میلیارد و پانصد میلیون دلار، یعنی پنج هزار و پانصد میلیارد تومان خودمان، با ارز هر دلار هزار تومان پارسال و اینک دوهزار تومان قیمت امسال، یعنی آن رقم دو برابر می‌شود. پسته را «طلای سبز» هم می‌گویند و دلار هم پشت‌سبز است؛ پس جملهٔ طلایی وزیری در کتاب جغرافی کرمان حقیقتی هم دارد.

مسأله این است که این چند سانتی‌متر برف که در کوهستان آمده و مایه اصلی قناتهای کرمان است، قناتهایی که به اعتقاد من برای کوتاه کردن راه ادویه از دو طرف، یعنی از طرف آریایی‌های هندوستان، و از طرف آریایی‌های مقیم اطراف زاینده‌رود و فلات مرکزی ایران، شروع به حفر شده و طی سالیان متمادی و قرنهای دور و دراز تعداد آن به حدی رسیده که امروز تقریباً هر آبادی با شش فرسنگ فاصله (۳۶ کیلومتر فاصله = یک منزل) تقریباً تمام کویر را پوشش داده و قابل عبور شتر و مستعد سکونت آدمیزاد کرده است.

دلیل من در همکاری هندیها در این آبادانیها این است که در بسیاری از این آبادیها، در تلفظ اسم با آبادیهای شق شرقی کرمان مشترک‌اند؛ مثل بم و بمپور که لابد پسرعموهای بمبئی هستند و هنزای جیرفت که با قلعه هنسای هند لاف برابری می‌زند، و خود کرمان که با طوایف صاحب کارمای هندی هم‌ریشه و هم‌پیشه است، و شابهار (=چاه‌بهار) که لابد معبد بودائیان است و ما می‌دانیم که بودا سالهای طولانی دوران اعتکاف خود را در کرمان گذرانده است.[13]

دلیل دیگر، لهجه کرمانیهاست که با لهجه سَنسکریت و دراویدی نزدیک است و مردم بشاگرد (= ویشکارد) به لهجه دراویدی حرف می‌زنند، در حالی که ولایات غربی و شمال غربی کرمان و مآلاً یزد با لهجه اصفهان نزدیکترند. ده بهکری و اصلاً جبال بارز (= بهرز، وهرز) و ترکیب بهر آسمان (بهرزمان) از همین گونه است.[14]

به هر حال همه قناتهای کرمان، جیره‌خور همان دو من برف سالیانه هستند که بر سر رشته کوههای غربی ـ جنوب شرقی کرمان ذخیره می‌شود؛ کوهستانی که از یزد و شهر بابک شروع می‌شود و از پاریز و چارگنبد و جبال بارز و جیرفت و نرماشیر می‌گذرد، و حوالی تفتان نقطه پایان آن است. مهم این است که در تمام دشت کویر، این کوهستانها و دره‌ها منبع اصلی آب قنات را فراهم می‌آورند، و مسیری به نام رودخانه در هر دره هست که سالی دو سه ماه آب رو دارد، ولی اساس آبهای نهفته در زیرزمین آن است.

یک مثل از پاریز بزنم و به قول آسیابانها «یک من خود را در این گیرودار آرد کنم». همان طور که در هلند مردم به طعنه می‌گویند: «آبی که از رودخانه راین به دریای شمال می‌ریزد، شش بار از شکم آلمانیها گذشته است»، در پاریز هم از هر قطره آب، پنج شش بار استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، مثل سایر نقاط پرآب عالم، در کرمان، آب کالای یک بار مصرف نیست. برفی که در قله تافک و دالدان و ارچنو آب می‌شود و به زمین می‌رود، در سه چهار دره زیرزمین جریان پیدا می‌کند. رشته اصلی که رودخانه پاریز باشد، در خمبرو تو اول مورد استفاده آن است که به علت سرد بودن هوا و در سرگو (= رأس گاو، به روایت تذکره صفویه) چون گندم درو به کشت سال بعد نمی‌رسد، چندان قابل استفاده نیست و فقط گیاه سردسیری کاشته می‌شود و بوته آن نیز بیشتر زارچ = (زرشک وحشی) و خمبروت (= امرود، گلابی وحشی است).

ادامه دارد

پی‌نوشتها:

۱۱ ـ روایت دکتر صفت گل، همکار ما در گروه تاریخ

۱۲ ـ در مورد این کتیرا و شمعک کوهی، رجوع شود به مقاله نگارنده در یادواره ایرج افشار، مجله ایرانشناسی، چاپ تورنتو ـ سال ۲۷، شماره یک، ص ۷۲. زیرعنوان «یک شمعک کوهی بر مزار ایرج افشار».

۱۳ ـ بارگاه خانقاه، چاپ اول، ص

۱۴ ـ رجوع شود به مقاله نگارنده در کنگره فردوسی در هاروارد بستون تحت عنوان «جبال بارز = برزکوه در شاهنامه فردوسی» (شمعی در طوفان، ص ۲۰۸)

ذکر کشمیر در ادب فارسی

شمیم‌الحق صدیقی ـ استاد زبان فارسی کالج ذاکر حسین و جواهرلعل نهرو



اشاره: کشمیر را ایران کوچک گفته‌اند که از دیرباز پذیرندهٔ ایرانیان بسیار بوده و شباهت هایی با این دیار داشته است. آنچه در پی می‌آید، نوشته یکی از استادان هندی است که بدون تغییر و تصرف تقدیم می‌شود.

اگر فردوس بر روی زمین است
همین است و همین است و همین است

بله اگر فردوس بر روی زمین است، کشمیر است. جایی که مثل فردوس باشد، چطور می‌تواند از ادب فارسی دور بماند؟ به همین جهت ذکر کشمیر در ادب فارسی به ویژهٔ ادب فارسی هند ـ چه شعر باشد و چه نثر ـ بارها تکرار شده است. تذکار تمام اشعار و نوشته‌ها دربارهٔ کشمیر در این مختصر ممکن نیست. بنابراین به‌نقل برخی از آنها بسنده می‌کنیم.

یکی از معروفترین قصیده‌گویان، عرفی شیرازی است که در عهد جلال‌الدین اکبر به هند آمد و از کشمیر دیدن کرد، زیبایی و رعنایی کشمیر را دید و شیفته و مفتونش گردید. عرفی قصیده‌ای در شأن کشمیر گفت که هیچ شاعر دیگری به‌این خوبی نگفته است. وی این قصیده را تحت عنوان «در وصف کشمیر» سراییده و همهٔ جای کشمیر را توصیف می‌نماید. گاهی چگونگی آب و هوای کشمیر را می‌ستاید و گاهی سبزه و چشمه و لاله و گل را تعریف می‌کند و گاهی کشمیر را مثل طاووس رنگارنگ می‌بیند و گاهی زیبنده عروسی که هر دم به‌نظر خوشتر و شاداب‌تر می‌آید:

هر سوخته‌جانی که به‌کشمیر درآید
گر مرغ کباب است که با بال و پر آید
بنگر که ز فیضش بشود گوهر یکتا
جایی که خزف گر رود آنجا، گهر آید
و آنگه به‌چنین فصل که در ساحت گلزار
از لطف هوا چاشت نسیم سحر آید
از بلبل خاموش دل باغ گرفته‌ست
او را چه گنه؟ مخمل گل دیرتر آید
گل هم چه کند؟ باد صبا خواست که عرفی
آید سوی کشمیر و گلش بر اثر آید
گو هفته‌ای از شاهد گل حجله تهی باش
تا بلبل شیراز درین باغ درآید
نشکفته گل، اما به مثل بر رگ شاخی
گر پای نهم، خون گلم تا کمر آید
وقت است که گل بر فکند پرده ز رخسار
زان سان که ز فانوس چراغی به‌درآید
مهتاب گل از هم بشکافد قصب شاخ
وز لمحه او سیب قمر لعل تر آید
فردوس به دروازهٔ کشمیر رسیده‌ست
کو مدعیی؟ گر نگرنده‌ست، درآید
زیبایی کشمیر گرش باعث عشوه است
من می‌خرم ار زال فلک عشوه‌گر آید
این سبزه و این چشمه و این لاله و این گل
آن شاخ ندارد که به گفتار درآید
این چشمه که‌رضوان‌چورودتشنه‌به‌سویش
کوثر به سرش تیزتر و تشنه‌تر آید
آن لاله که هنگام تراشیدن خارا
از رخنه سنگ و دهن تیشه برآید

از تراکم اشجار و انبوهی سبزه و ریاحین بومش محسوس نمی‌شود. آبشاری عالی دارد و درختهای سر به هم آورده، نشیمن‌های دلکش ترتیب یافته، گویی قطعه‌ای است از بهشت عنبرسرشت

در چاشت که از شبنم گل گرد فشان‌ست
آن باد که در هند گر آید، جکر[1] آید
تا رنگ گلی نشکفد از تابش خورشید
حربا نکند میل که خورشید برآید
ازبس که کند جذب رطوبت، خطرش نیست
گر ساغر چینی ز هوا بر حجر آید
حاجت به دو زخم ارفتدش قطع محال است
گر سنگدلی مایل قطع شجر آید
ز آن کز مدد نشو و نما زخم نخستین
مصمت شده تا زخم دگر بر اثر آید
کشمیر بهشتی است فریبنده که شبلی
آید چو در او، صومعه بر وی سقر آید
طاووس مثالی که نیفشانده پر و بال
هر لمحه به‌رنگ دگر اندر نظر آید
زیبنده عروسی که نیفزوده جمالش
هر دم به‌نظر خوشتر و شاداب‌تر آید
هر لحظه که شاداب و ترش بینم، گویم
بگشای بغل بو که در آغوش درآید
یاد از روش خود کنم و بزم خداوند
هرگه که صبا از چمنش جلوه‌گر آید
چون بوی گل آید، کنم از انجمنش یاد
تا نکهت گل مایه صد درد سر آید
هرگه که به‌عزم سفر از شوق تو عرفی
آید به‌وداع وی و با چشم‌تر آید
زاری کند از شش جهت آغاز که مشتاب
کاین فصل و سه فصل دگرم بر اثر آید
لیک از همه خلدست که بی‌طوف جنانت
چندان نکند مکث که وقت ثمر آید
کشمیر بر او واله و او واله کشمیر
اما نه چنان کش به‌دل از دیده درآید
کارش همه انباشتن چشمهٔ گریه‌ست
هرگاه که سیمای تواش در نظر آید
ترسد که در این خاک چو از شوق تو گرید
خون جگرش گل شود آنگه به‌درآید
از بس که ملایم صف افتاده هوایش
بیم است که آه سحرش بی‌اثر آید
حکم تواش آورد به‌کشمیر، وگرنه
کی از سر آن خاک به خاک دگر آید
می‌آید و می‌سوزد از این رشک که کشمیر
چون یافت که آید به‌کجا بر اثر آید[2]

شاعر سرشناس شبه قارهٔ هند علامه اقبال لاهوری به‌وسیلهٔ شعرش تحت عنوان «کشمیر» دعوت به دیدار از کاشمیر (کشمیر) می‌دهد تا کوه و دمن، باد بهار و صلصل سار، لاله و برقع نسترن و دختر برهمن سمنبر را بنگرید:[3]

رخت به‌کاشمر کشا، کوه و تل و دمن نگر
سبزه جهان جهان ببین، لاله چمن چمن نگر
باد بهار موج موج، مرغ بهار فوج فوج
صلصل سار زوج زوج، بر سر نارون نگر
تا نه فتد به‌زینتش، چشم شهر فتنه باز
بسته به‌چهرهٔ زمین، برقع نسترن نگر
لاله ز خاک بردمید، موج به‌آب جو تپید
خاک شرر شرر ببین، آب شکن شکن نگر
زخمه به‌تار ساز زن، باده به‌ساتگین بریز
قافلهٔ بهار را انجمن انجمن نگر
دختر کی برهمنی، لاله رخی سمنبری
چشم به‌روی او گشا، باز به خویشتن نگر

تا جایی که مربوط به‌نثر است، ذکر کشمیر مخصوصاً در تاریخ و سفرنامه‌ها مانند تاریخ هند، واقعات کشمیر، جهانگیرنامه، سفرنامهٔ کشمیر و غیرهم در مواضع مختلف آمده است.

تاریخ کشمیر[4]

چنان که از اسمش پیداست، تاریخ کشمیر از زمان قدیم تا سال ۱۱۲۲ه/۱۱-۱۷۱۰م نوشتهٔ نارائن کاؤل عزیز است. نویسنده که در کشمیر متولد شده بود، خیلی پیش خود را با تاریخچهٔ وطنش آشنا ساخته بود. نجبای کشمیر اکثر به‌او اصرار می‌ورزیدند که تاریخ آن دیار را بنویسد. بالاخره در چهارمین سال حکومت شاه عالم یعنی ۱۱۲۲ه/ ۱۱ـ۱۷۱۰م فرصتی به دستش آمد. عارف‌خان که آن وقت نائب دیوان کشمیر بود، وقایع کشمیر به‌زبان سنسکریت را گردآورده بود و می‌خواست با محتویاتش آشنا گردد. نویسنده سپس ترجمهٔ آنها را توسط ملک حیدر به دست آورد که خیلی مفصل بود. و پس از مقایسهٔ آن با اصل سنسکریت و حذف بیانات مبالغه‌آمیز و غیرمعتبر، خلاصه‌اش نمود.

این عارف‌خان که نیز کشمیری بود و قبلاً در مقام نائب استاندار ابراهیم‌خان و بعداً علی‌مردان خان انجام وظیفه نموده بود، سپس در غیاب استاندار تازه نوازش‌خان برای یک سال ریاست حکومت را به‌عهده داشت.

تاریخ کشمیر محتوی دیباچه‌ای، اسم و اصل کشمیر، راجاهای هندو، پادشاهان مسلمان، فتح قاسم خان، ورود اکبر، استانداران از فتح تا سال ۱۱۲۲ه/۱۱ـ۱۷۱۰م، نقشه‌برداری و کالاهای مخصوص کشمیر و خاتمه‌ای است. نویسنده در سطرهای آخر می‌گوید: کلمات «احوال به ایجاز تمام کشمیر» عنوان اثر و تاریخ تألیف آن را می‌رساند. مادهٔ تاریخ، تقریبی است؛ زیرا آن ۱۱۲۱ را به‌جای ۱۱۲۲ هجری می‌دهد. زبان آن در آغاز، گزاف و سپس ساده می‌گردد؛ مثلاً بندی از آغاز:

«سپاس بیرون از مقیاس قیاس سزاوار جناب پادشاهی که پادشاهی بخش پادشاهان فلک رخش است که به‌حکم **تؤتی الملک من تشاء و شرع الملک من تشاء** ساخت، مملکت گردون‌رفعت کشمیر را با وجود قلاع جبال آسمان‌مثال که مرغ اوهام از فراز آن بال پرواز نمی‌تواند گشاد، به‌جهت روشنایی دیده متوطن این دیار ترتیب آثار و صیقل گری آینهٔ اقبال، سکنهٔ این سرزمین رشک بهشت برین جولانگاه یکران بندگان ممالک آرای عدل‌پیرای جهان‌بخش و جهاندار اولاد الامجاد نامدار کامگار صاحبقران گیتی‌ستان امیر تیمور گورگان نورالله مضجعه ساخت...»

و در وسط کتاب: «...بالجمله در هنگامی که لشکرخان صوبه‌دار کشمیر بود، بندگان ظل سبحانی، زینت‌بخش صاحبقرانی، محیی‌الدین محمد اورنگ‌زیب عالمگیر پادشاه غازی به‌قصد عیادت شاه‌جهان از بلاد دکن برخاسته، ارادهٔ بند و بست مملکت نموده، مرادبخش را که در گجرات و احمدآباد خروج کرده برای عفو تقصیرات، همراه گرفته، متوجهٔ هندوستان شده، داراشکوه که ولیعهد شاه‌جهان بوده، افواج قاهره فرستاده تا سد راه این شاه اقبال‌پناه شوند، در حدود نربدا جنگ اول وقوع یافت...»

واقعات کشمیر[5]

این هم تاریخ کشمیر است از دیرزمان تا ۱۱۶۰هـ برابر با ۱۷۴۷م به قلم محمد اعظم بن خیرالزمان خان. نویسنده متولد کشمیر و شاگرد شیخ پاکدامن محمد مراد نقشبندی کشمیری بود که در سال ۱۱۳۴ه/۲۲-۱۷۲۱م درگذشت. وی در مقدمه بیان می‌دارد تاریخ اصلی کشمیر، اثر چند نفر وقایع‌نگاران کشمیر توسط چندین نویسندگان مسلمان نظیر ملا حسین قادری، حیدر ملک و غیرهم ترجمه، و تا به‌زمانشان آورده شد. تقریباً همان زمان یک نفر هندو شاید نارائن کول خلاصه‌اش را نوشته بود. نظر به اینکه آن آثار محتوی اطلاعات کامل دربارهٔ اشخاص مقدس کشمیر نبودند و واقعات ازمنهٔ اخیر را ذکر نمی‌کردند، به خاطرش خطور کرد که آن کمبود را با اثر فعلی رفع بکند که بدان تاریخ سیاسی، اطلاعات راجع به‌عارفان و دانشوران هر عصر و نیز شاعران و نویسندگان با ذوق را افزود که در ازمنهٔ اخیر به‌منتهای درجه شهرت رسیده بودند.

او اثر کنونی را در ۱۱۴۸ه/ ۳۶ـ۱۷۳۵م شروع کرد؛ تاریخی که از عنوان اثر به دست می‌آید، اما آن را تا ۱۱۶۰ه/۱۷۴۷م تکمیل نکرده بود. تاریخ بعدی از مادهٔ تاریخ «زیب و زینت کشمیر افروز» یا «ترتیب ابواب الجنان» در پایان حاصل می‌گردد. نویسنده در خاتمه می‌گوید که منظورش در گردآوری آنها اظهار بزرگی معنوی اشخاص مقدس کشمیر در برابر انکار فضیلت‌شان از سوی یک نفر سید بسیار معروف به‌نام میر محمد یوسف از سلسله‌های نقشبندی و کبروی بود که در ۱۱۴۶ ه/۳۴ـ۱۷۳۳م از آن استان دیدن کرده بود. وی می‌افزاید بیماری طاقت فرسا نگذاشت که آنها را با اطلاعات دربارهٔ شیوخ معاصر به پایهٔ تکمیل برساند و در پایان تذکار آثار ذیل را می‌کند که در تألیفش به کار رفته‌اند.

تاریخ سید علی، تاریخ رشیدی به قلم میرزا حیدر، منتخب‌التواریخ از احسن بیگ، تاریخ حیدر ملک، ریشی‌نامه به قلم ملا نصیب، درجات‌السعادت از خواجه اسحاق، اسرارالابرار به قلم بابا داوود مشکوبی، تحفه‌الفقرا و رساله‌های دیگر از راهنمای روحانی نویسنده شیخ مراد، معاصر عالمگیری.

واقعات کشمیر مشتمل است بر مقدمه، سه قسمت و بخش آخر بدین قرار: پیشگفتار: توصیف کشمیر؛ قسمت اول: راجاهای هندو؛ قسمت دوم: پادشاهان مسلمان؛ قسمت سوم: فتح اکبر، دوره‌های سلطنت جهانگیر، شاه جهان، اورنگ‌زیب، بهادر شاه، فرخ‌سیر، محمد شاه و غرائب کشمیر. واقعات کشمیر به محمد شاه معنون است.

جهانگیرنامه[6]

نویسنده جهانگیرنامهٔ خواجه ابوالحسن ضمن تذکار واقعات دیگر در بارهٔ پادشاه جهانگیر در باب دیدار او از کشمیر می‌نویسد: «در این تاریخ خاطر اشرف به سیر و تماشای ویرناگ که سرچشمهٔ دریای بهت است و از شهر تا آنجا همه راه سیرگاه و چشمه‌های جانفزا در غایت عذوبت و لطافت واقع شده، رغبت فرمود. کشتی‌ها آراسته به سمت بالای آب شتافتند. روز سوم مقام بیج‌براره به نزول موکب جهان افروز آراستگی یافت. این موضع از سیرگاه‌های مقرری کشمیر است و جلگهٔ واقع شده در غایت صفا و نزاهت و هفت درخت چنار عالی در اوست. جلگه و جوی آبی بر دور آن گشته و این دیه به جاگیر شاهزادهٔ پرویز تنخواه است. وکلای ایشان عمارتی به موقع ساخته‌اند مشرف بر دریا به غایت دلنشین. از بیج براره به‌موضع آبنج تشریف فرمودند.

در دامن کوه چشمه‌ساری است جاری و بر فراز چشمه عمارات و حوضها به قرینهٔ یکدیگر ترتیب یافته. بی تکلف سیرگاهی است عالی. چون به جاگیر خان‌جهان بود، مشارٌالیه به لوازم ضیافت پرداخته پیش کشید. قلیلی به جهت خاطر او پذیرفتند. و از این چشمه نیم کروه پیشتر چشمهٔ مچهی‌بهون است. آب این چشمه از آن بیشتر است و درختهای کلان کهنسال از چنار و سفیدار و سیاه بید بر دور آن رسته. در این چشمه‌ها آنقدر ماهی درهم می‌جوشند که چشم خیره می‌شود و صفای آب به مثابه‌ای که اگر نخودی در آب افتد، محسوس می‌گردد. بیت:

در ته آبش ز صفا ریگ خرد
کور تواند به‌دل شب شمرد!

از مچهی‌بهون به‌اجهول منزل شد. آب این چشمه از آن افزون‌تر است. آبشاری عالی دارد و درختهای چنار و سفیدار و غیره سر به هم آورده، نشیمن‌های دلکش به‌موقع ترتیب یافته و در مدنظر باغچه به صفا و گلهای جعفری چمن چمن شگفته. گویی قطعه‌ای است از بهشت عنبر سرشت.

روز دیگر از اجهول به‌سرچشمهٔ ویرناگ بزم نشاط ترتیب یافت. این چنین منبع دریای بهت است در دامن کوه واقع شده که از تراکم اشجار و انبوهی سبزه و ریاحین بومش محسوس نمی‌شود. در زمان شاهزادگی حکم شده بود که برفراز این چشمه عمارت مناسب مقام اساس نهند. در این ولا به انجام رسیده، حوض مثمن چهل و دو ذرع در چهل و دو ذرع و عمقش چهارده ذرع و آبش از عکس سبزه و ریاحین که بر کوه رسته زنگاری رنگ می‌نماید و ماهی بسیار شناور و بر دو حوض ایوانهای طاق‌زده و باغی در پیش این عمارت ترتیب یافته و از لب حوض تا انتهای باغ، جوی چهار گز در عرض، یکصد و هشتاد و شش گز طول و دو گز در عمق و بر دو طرف آن خیابان سنگ بست. از صفای جوی و سبزه‌گیاهی که در زیر آب رسته، چه نویسد؟ بعضی سبز ملیح و برخی فستقی و سیبگی و اقسام سبزه سیر و نیم سیر درهم نمودار. از جمله بهته به نظر درآمد، بعینه مانند دم طاووس منقش و از موج آب متحرک و گلهای جابه‌جا شگفته. نفس‌الامر آنکه در تمام کشمیر به‌آن خوبی و دلفریبی سیرگاهی نیست.

چون ساعت کوچ قریب رسیده بود، رایت معاودت به‌صوب شهر ارتفاع یافته و سرچشمه «لوگابهون» محل نزول بارگاه اقبال گشت. سرچشمه نیز سیرگاه خوش است. اگر مناسب مقام عمارتی اساس یابد، جای خوبی خواهد شد. در اثنای راه بر چشمهٔ انده[7]ناگ عبور اتفاق افتاد. وجه تسمیهٔ انده‌ناگ این است که ماهی این چشمه اکثر نابینا می‌باشد. زمانی توقف فرموده، دام انداختند، دوازده ماهی گرفتار گشت. سه ماهی نابینا بود. و نه ماهی چشم داشت. ظاهراً آب این چشمه را تأثیری است که ماهی را کور می‌سازد و بنا بر غرابت ثبت شد.

به شرحی که رقم‌زدهٔ کلک بیان گشته، منزل به منزل مراجعت فرمودند... در این راه مکرر شکار ماهی مشاهده افتاد و در جایی که آب تا سینهٔ آدمی باشد، دو کشتی محاذی یکدیگر می‌برند، به دستوری که یکسر با هم پیوسته و سر دیگر از هم دور به فاصلهٔ چهارده پانزده ذرع و دو ملاح بر کنار طرف بیرون کشتی‌ها چوب دراز به دست گرفته می‌ایستند تا فاصله زیاده و کم نشود و برابر می‌رفته باشند و ده دوازده ملاح نیز در آب درآمده، سرهای کشتی‌ها را که با هم پیوسته است، به دست گرفته پاها را بر زمین کوفته، بگذرد به پای ملاحان می‌رسد و ملاح فی‌الفور غوطه خورده، خود را به قعر آب می‌رساند و ملاح دیگر بر پشت او حمل انداخته، به دو دست زور می‌کند تا آب او را به بالا بیارد و او ماهی را گرفته، برمی‌آرد و بعضی که در این فن مهارت تمام دارند، ماهی به دو دست گرفته می‌آرند. از جمله پیر ملاحی بود که در هر غوطه‌زدن، دو ماهی برمی‌آورد و این شکار مخصوص دریای بهت است و جای دیگر دیده و شنیده نشده و منحصر در موسم بهار است که آب، سرد و گزنده نباشد.

در شهر جشن دسهره[8] ترتیب یافت. اسپان و فیلان را آراسته به نظر همایون درآوردند... به قصد سیر خزان به‌جانب صفاپور و درهٔ لارکه پایان آب کشمیر واقع است، متوجه گردیدند. در صفاپور کول آب خوشی است و بر سمت شمال آن کوهی است پر درخت. با آنکه هنوز آغاز موسم خزان بود، غریب نمودی داشت. عکس اشجار الوان از زردآلو و غیر آن در میان آب به غایت خوش می‌نمود. و بی‌اغراق خوبیهای خزان از خوبیهای بهار هیچ کمی ندارد. بیت:

کشمیر همچون فردوس بر روی زمین است و جایی که مثل فردوس باشد، چطور می‌تواند از ادب فارسی دور بماند؟ به همین جهت ذکر کشمیر در ادب فارسی هند ـ چه شعر و چه نثر ـ بارها تکرار شده است

ذوق فنا نیافته‌ای، ورنه در نظر
رنگین‌تر بهار بود جلوهٔ خزان

چون ساعت کوچ نزدیک رسیده بود، سیر اجمالی فرموده رایت مراجعت برافراختند. بنابر آنکه زعفران گل کرده بود، از سواد شهر به موضع پانپور شتافتند. در تمام کشمیر زعفران غیر از این موضع جای دیگر نمی‌شود. چمن چمن صحرا صحرا چندان که نظر کار می‌کرد، شگفته بود. تنه‌اش به زمین پیوسته می‌باشد. گلش چهار برگ می‌دارد بنفشه رنگ و از میانش سه شاخ سرخ زعفران رسته و در سال کامل چهارصد من به وزن حال زعفران حاصل می‌شود که سه هزار و دوصد من به وزن خراسان باشد. نصف حصهٔ خالصه و نصف حصهٔ رعایا معمول است و سیری به ده روپیه خرید و فروخت می‌شود و رسم مقرر است که گل زعفران را وزن کرده، به اهل حرفه می‌دهند و آنها به خانه خود برده، زعفران را از میان گل چیده، برمی‌آرند و موافق رابعی که از قدیم بسته‌اند، به‌متصدیان این شغل می‌رسانند و هموزن آن، نمک در وجه اجوره می‌گیرند. نمک در کشمیر نمی‌باشد. به‌حدی که در حسن او هم نمک نیست. از هندوستان نمک می‌برند.

دیگر از تحفه‌های کشمیر، پر کلنگی است از جانور شکاری و در سالی تا دو هزار و هفتصد پر به هم می‌رسد از باز و جره تا دویست دست به‌دام می‌افتد. آشیان باشه هم دارد و باشهٔ آشیانی خوب می‌شود. در این دولت ابدقرین کارخانه قالی به‌هم رسید از پشم، شال کشمیر به‌غایت عالی شد...»

سفرنامهٔ کشمیر[9]

نویسندهٔ سفرنامهٔ کشمیر دکتر علیرضا قزوه که به قول خودش برای دیدن قبرهای شاعران ایرانی در کشمیر (چون کلیم کاشانی، سلیم تهرانی، قدسی مشهدی و طغرای مشهدی) به‌سرینگر کشمیر سفر کرده بود، در پایان سفرنامه‌اش کمی اطلاع دربارهٔ کشمیر می‌دهد: «... بالای مزار می‌توان رودخانه و کشتی‌های کوچک را دید که مردم کشمیر به قایق‌های تفریحی کوچک شیکارا می‌گویند و به قایقهای بزرگتر که ثابت‌اند و از آنها به‌عنوان رستوران و هتل استفاده می‌شود، هاوس بوت می‌گویند و به قایقهای بسیار کوچکتر ناو!

کمی جلوتر و در مسیر عبور از هتلها به سمت گوبکار می‌رویم که جایی است که رودخانه وسیع می‌شود و دریاچه‌ای خود را نشان می‌دهد و به موازات آن در دامنهٔ کوه سلیمان، معبد آچاریا و کمی جلوتر مسجد صاحب‌الزمان وجود دارد که بر تنهٔ درختی بزرگ عکسی بزرگ از مقام معظم رهبری زده‌اند و در مسجد مزار عارفی وجود دارد به نام سید مهدی الحسینی و قبل از ایشان نیز عارفی بزرگ در کشمیر بوده به نام میر شمس‌الدین عراقی و قبل از این دو نیز بزرگ‌عارفی از ایران به نام میر سید علی همدانی پا به این دیار گذاشته بود و از آنجا به سمت تاجیکستان امروزی رفته بود و در کولاب امروزی در شمال افغانستان و جنوب تاجیکستان مزاری با عظمت دارد که محل زیارت مردم است...»

پی‌نوشتها:

۱. جکر: واژهٔ هندی به‌معنی گرد و غبار و بادآلوده به‌خاک.
۲. کلیات عرفی شیرازی، ص۷ـ۳۶.
۳. پیام مشرق، ص۳ـ۱۰۲.
۴. ریو، ص ۲۹۸.
۵. ریو، ص۳۰۰ و ۹۶۵؛ در سال ۱۸۸۶م در لاهور چاپ شد.
۶. انتخاب جهانگیرنامه (حکیم ذکی احمد، نصاب جدید فارسی، دهلی ۱۹۶۱م، ص ۲۸ـ ۱۲۴).
۷. انده: واژهٔ هندی به‌معنی کور.
۸. جشنوارهٔ مقدس هندوان.
۹. قند پارسی «ویژه‌نامهٔ سفرنامه‌های هند»، شمارهٔ ۴۴ـ۴۳، زمستان ۱۳۸۷ ـ بهار ۱۳۸۸ش، ص ۵۰۱، ۵۰۴.

منابع:

۱. خواجه ابوالحسن: انتخاب جهانگیرنامه (حکیم ذکی احمد، نصاب جدید فارسی، دهلی ۱۹۶۱ م).
۲. عرفی شیرازی: کلیات عرفی (به‌کوشش غلام حسین جواهری) تهران.
۳. علامه اقبال لاهوری: پیام مشرق (کلیات اقبال) دهلی، ۱۹۶۲ م.
۴. قند پارسی «ویژه‌نامهٔ سفرنامه‌های هند»، شمارهٔ ۴۴-۴۳، زمستان ۱۳۸۷ ـ بهار ۱۳۸۸ش، مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو.
5. Charles Rieu: Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum London 1879-83.
6. Dr. Shmimul Haq Siddiqi's Thesis: "Indo-Persian Literature during the First Half of the Eighteenth Century A.D. (1707-48)" Delhi 1975.

ایران‌گردی

بروجرد

بروجرد چنان که از نامش پیداست، از شهرهای کهن ایران است؛ دیار عالمان بلندآوازه و شهر دانش. آنچه در پی می‌آید، گزیده‌ای از چند سفرنامه به بروجرد است.

«هنگام مغرب وارد بروجرد شدیم. در منزل میرزا حاجی محمد.. فردا در شهر گردش کردم. واقعاً بروجرد دارالسرور است: سراپا سبز و خرم، پرآب و باغ و صفا و گلستان.»

(حاج سیاح)

«به بروجرد وارد شدیم. شهر سبز حضرت سلیمان که جزو افسانه‌هاست، همین بروجرد است. شباهت بسیاری به شهر شیراز دارد. در کنار رود کوچکی که از مغرب به مشرق جاری است، شهر در میان تلال و جبال واقع شده و این تلال به درجه‌ای قشنگ و سبز و خرم و نمایان است که مافوق ندارد. چشم بیننده از نظارهٔ او سیر نمی‌شود.

اطراف شهر باغات بسیار دارد مشهور به تکایا.. بسیار قشنگ و با تماشاست.»

(خاطرات ظل السلطان)

«آبادی بروجرد در دامنهٔ هموار واقع است. شهر خوبی است... آنقدر باغات باصفا و تکایای خوب در اطراف این شهر هست که چشم از سیر آنها باز ماند.. در خارج شهر مرحوم حسام‌السلطنه باغ بسیار بزرگی موسوم به باغ شاه ساخته‌اند. در وسط باغ شاه عمارت مرتفع بسیار خوبی با حوضهای بزرگ، خیابانها و گلستانها دارد. واقع، باغی به این صفا کمتر دیده شده بود.

در این شهر رسم نیست اطراف باغات را دیوار بکشند. در عوض دیوار، نهری می‌کنند. دو سمت نهر را درختهای بسیار درهم با درختهای گل سرخ و نسترن می‌کارند. داخل شدن، سوای از دری که دارد، ممکن نیست؛ ولی از نبودن دیوار، همه باغات به تمام تجلی به نظر بیننده جلوه کند.

اطراف این شهر در فصل بهار قطعه‌ای از قطعات بهشت است. آنقدر بلبل در این باغات هست که از بانگ نوای آنها انقلاب در حالت شنونده به هم می‌رسد. همه قسم فواکه بسیار است، خاصه انگور...

مردمش از طوایف الوارند: خوشرو، خوش‌مو، شیرین زبان، به دل نزدیک، مهربان و... بر روی هم ولایت جامع خوبی است.»

(سلطان محمد سیف الدوله)

«از نشریه ادبی بروجرد لذت مخصوصی بردم. این نشریه رایحه کوهستان و صفای چیزهایی را داشت که بیشتر با آب و بلندی و پاکی و بی ریایی طبیعت و آفرینش سر و کار دارد.. یکی از علل اصلی علاقه من به شهر بروجرد، این است که پدر شهیدم سید جمال‌الدین واعظ در قبرستان آن شهر آرمیده است. ای کاش لطف فرموده در چند سطر وضع و احوال کنونی مزار پدرم را برای پسر هفتاد و چند ساله‌اش می‌نوشتید!»

(سید محمد علی جمالزاده)

حج

محمدبن فضل بلخی: عجب دارم از آنک به هوای خود به خانه وی شود و زیارت کند، چرا قدم بر هوا ننهد تا بدو رسد و با وی دیدار کند؟!

کشف المحجوب

شور وطن

اسماعیل دهقان

وطن تو جان منی، جان من مرو از دست
اگر که جان برود، گو برو که جانان هست
فنا شوند زن و مرد ملتی اولی است
از آنکه نزد ملل سرشکسته گردد و پست
گهی مسیر تو بوده‌ست روم و گه یونان
گهی به قله اهرام مصر جای نشست
وطن نباشد اگر، دین و زندگانی نیست
که زندگانی و دین با وطن بود پیوست
شمرده مهر تو از دین پیمبر اسلام
یقین بری است ز دین، هر که این علاقه گسست
هنوز کوچک‌خان‌ها، هنوز کلنل‌هاست
در این زوایا از ساغر وطن سرمست
غمین مباش تو «دهقان»، هنوز ایرانی
درون رگشان خون وطن‌پرستی هست

آشنایی با ایران‌شناسان

هرمان اته

کارل هرمان اته، ایران شناس آلمانی ۱۳ فوریه ۱۸۴۴ در آلمان متولد شد و در ۷ ژوئن ۱۹۱۷، در اثنای جنگ جهانی اول و در ایامی که هنوز ایران شناسی انگلستان امیدهای بسیار به او داشت، در شهر بریستول درگذشت.

اته پس از تحصیلات مقدماتی، در ۱۸۶۲ وارد دانشگاه گرایفسوالد شد و در رشته ادبیات کهن و فلسفه تحصیل کرد. سال بعد وارد دانشگاه لایپزیگ شد و زیر نظر هانریش فلایشر، شاگرد برجسته سیلوستر دوساسی، به تحصیل رشته زبان‌شناسی و مطالعات شرقی پرداخت. فلایشر که متخصص ادبیات عربی بود، با زبان فارسی هم آشنایی داشت و تتبعاتی که مرتبط با این زبان و دیگر زبانهای سامی بود، ارائه کرده بود.

اته در ۱۸۶۵ با ارائه رساله دکتری «شبستان خیال، فصل اول درباره ایمان و اسلام از منظر فتاحی نیشابوری»، از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شد و پس از آن اجازه یافت که در مقام استاد به تدریس بپردازد. فتاحی نیشابوری از شاعران و نویسندگان معروف قرن نهم ق، معاصر شاهرخ تیموری (۷۷۹ ـ ۸۵۰ق) بود و ظاهرا انگلیسی‌ها از اوایل قرن نوزدهم به ترجمه بعضی از آثار او پرداخته بودند.

اته در ایام اقامت در لایپزیگ، به ترجمه آثارالبلاد (۱۸۶۸م) زکریا قزوینی که خاورشناسان او را پلینی قرون وسطی خوانده‌اند و نیز به چاپ مطالعات شرق شناسی (۱۸۷۰م)، که در آن مباحثی از انوار سهیلی صوفی گری و تعزیه مطرح شده بود، همت گماشت.

او که در مونیخ هم به تحصیل و تکمیل فارسی، عربی، ترکی و سریانی می‌پرداخت، بخشی از اسکندرنامه نظامی را ترجمه و تفسیر کرد (۱۸۷۱) و تتبعات جدیدی، تحت عنوان فردوسی شاعر (۱۸۷۲) و اشعار کسایی (۱۸۷۴) و نیز ترجمه‌ای از رباعیات ابوسعید ابوالخیر (۱۸۷۵)، منتشر ساخت.

در سال ۱۸۷۲ مونیخ را ترک گفت و به انگلستان رفت تا به مطالعه نسخه‌های خطی فارسی، عربی و ترکی کتابخانه بادلیان آکسفرد بپردازد. در این کتابخانه به عنوان دستیار کتابدار مشغول به کار شد. اقامتش در این کشور مصادف با اقدام مسئولان آن برای فهرست نویسی نسخ شرقی و جستجو برای یافتن خبرگان کاردان بود. قبلا نیز شارل ریو و ادوارد زاخائو برای این کار دعوت به همکاری شده بودند.

در سال ۱۸۷۵ اته به استادی زبانهای شرقی دانشگاه ابریستویث منصوب شد و ظاهرا از همان ابتدا ادوارد ادواردز انگلیسی، که بعدها در فهرست نویسی نسخ شرقی نام‌آور شد، زیر نظر او به فراگیری زبانهای عبری، عربی، سریانی و سنسکریت پرداخت و برجسته‌ترین شاگردش شد.

از همین ایام، اته تدریس و تحقیق و فهرست نویسی را با هم به پیش برد و حاصل تحقیقاتش را در آلمان و انگلستان و گاه در اتریش منتشر کرد. بازتاب سریع آنها در دیگر مراکز خاورشناسی اروپا حاکی از توجه بسیار خاورشناسان این مراکز به این تحقیقات بود.

او ابن سینا را از منظر شعر و شاعری معرفی کرد، در حالی که تا آن زمان، غرب از او صرفا به عنوان یک پزشک بزرگ یاد می کرد. به علاوه به اسلاف و معاصران رودکی نظری عالمانه افکند؛ زندگی، افکار، اشعار و به ویژه قصاید ناصرخسرو را بررسی کرد.

مضامینی که اته برای تحقیق برگزید، انتخاب بکر و صرفا ادبی بود، مانند شعر درباری و رمانتیک ایران (۱۸۸۷) و شعر عرفانی و آموزشی و تغزلی و نوشته‌های متأخر ایرانیان (۱۸۸۸).

به عقیده کلمان هوار، جیمز دارمستتر برای نوشتن اثر معروف خود، مبادی شعر فارسی، از آثار اته استفاده کرده است.

در هر حال، همین مجموعه عظیم «تحقیقات ایرانی» بود که ویلهم گایگر ـ ایران‌شناس بزرگ آلمانی ـ و همکارانش را متوجه او کرد و آنها از او برای تألیف اثر وزین مبانی فقه‌اللغه ایرانی دعوت به همکاری کردند و او در مجلد دوم آن، ادبیات فارسی جدید را منتشر کرد؛ اثری که ارزشش از دید ادوارد براون، به دور نماند. ترجمه این اثر در سال ۱۳۳۷ش، تحت عنوان «تاریخ ادبیات فارسی»، به اهتمام صادق رضازاده شفق، شهرت و اعتبار او را در ایران تثبیت کرد و مباحثاتی در پی آورد.

اته با نوشتن چندین فهرست اشتهار بسیاری در نزد فهرست‌نویسان و مأخذشناسان جهان کسب کرد. زاخائو که برای تدوین فهرست نسخ خطی فارسی، ترکی، هندی و پشتو در کتابخانه بادلیان به کار پرداخته بود، به سبب تعهداتی که در حین این کار پذیرفت، از ادامه آن بازماند و اته آن را به اتمام رساند و به تدوین فهرست نسخ خطی فارسی در کتابخانه ایندیا آفیس و نیز فهرست نسخ خطی شرقی، فارسی، عربی و هندی کتابخانه ملی ویلز پرداخت.

او برای ششمین کنگره خاورشناسان که ۱۸۸۳ در لیدن برگزار شد، تحقیقاتی در باب حکیم ناصر خسرو قبادیانی و ترجمه‌های ترکی کتاب ارجمند کلیله و دمنه ارائه کرد.

آغاز جنگ جهانی اول مشکلات بسیاری برای او که ممتحن رسمی مدرسه مطالعات شرقی آکسفورد هم بود، به بار آورد؛ زیرا جو ضد آلمانی در انگلستان به قدری آزاردهنده بود که او ناگزیر با همسر انگلیسی‌اش، آن کشور را ترک گفت؛ اتفاقی نظیر آنچه برای ژول مول و همسر انگلیسی‌اش در پاریس روی داد. نام اته به سبب تألیف کتاب مهم او، تاریخ ادبیات فارسی و نیز به سبب تدوین فهرستهای متعدد همواره در تاریخ خاورشناسی اروپا زنده خواهد ماند. تحقیقات او همچنان مورد مداقه و بحث است.

اخبار کوتاه شهرستان

رفع بیکاری مهمترین خواست مردم دیر است

بندر دیر ـ خبرنگار اطلاعات: نماینده مردم کنگان، دیر و جم در مجلس شورای اسلامی در دیدار چهره به چهره با مردم گفت: مشکل اشتغال و بیکاری درخواست نخست مردم دیر است.

حجت‌الاسلام موسی احمدی افزود: مسکن و رفع امور اداری در اولویت بعدی مطالبات مردم از مسئولان است که باید به جدیت دنبال شود.

وی گفت: جوانان جویای کار باید در کلاس‌های فنی و حرفه‌ای شرکت فعال داشته باشند و با یادگیری مهارت موردنظر منطقه و یژه بتوانند در شرکت‌ها جذب شوند و از طرف دیگر مسئولان نیز در پیگیری نیروی بومی حرفی برای گفتن داشته باشند. در این دیدار مردمی بیشتر مشکلات و خواست‌های مردمی در رابطه با اشتغال، بنیاد مسکن، تسهیلات بانکی، مجوز صید و صیادی، اداری، شهرداری‌ها، بهزیستی و تولید بود که نماینده آنان قول پیگیری درخواست‌ها را داد.

انتشار کتاب راهنمای والدین در پرورش فرزند

شهرری ـ خبرنگار اطلاعات: کتاب راهنمای گام به گام والدین در پرورش فرزند نوشته دکتر محمدرضا سلمانی مدیر شبکه بهداشت و درمان شهرستان ری منتشر شد.

این کتاب با عنوان (پدر، مادر و پرورش فرزند) در ۱۵۹ صفحه و شامل ۹ فصل به زبانی ساده اطلاعات مفید و جامعی را در اختیار والدین قرار داده است تا آنان بتوانند آگاهی کافی را از مراحل رشد و نیازهای فرزندان خود داشته باشند.

تولد و نوزادی، واکسیناسیون، تغذیه با شیر مادر، رشد و تکامل، تغذیه، مسایل شایع در دوران شیرخوارگی و نوپایی، پیشگیری از حوادث در نوزادان و کودکان نوپا، بیماری‌های شایع در نوزادان و کودکان و نظریه‌های روانشناسی تکامل عناوین بخش‌های مختلف این کتاب است.

خرید بیمارستان صحرایی سیار برای قزوین

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل مدیریت بحران قزوین از خرید یک بیمارستان صحرایی با تمام امکانات برای مقابله با شرایط بحرانی در این استان خبرداد. علی محمد آهنی افزود: این بیمارستان دارای ۴۵ تختخواب است که با هزینه‌ای نزدیک به ۵۰ میلیارد ریال از محل اعتبارات سازمان مدیریت بحران کشور خریداری شده است.

وی افزود: این بیمارستان دارای تمام امکانات و تجهیزات مورد نیاز درمانی و بهداشتی بوده و در مواقع اضطراری به کار گرفته خواهد شد.

وی اضافه کرد: این بیمارستان به شکل سیار بوده و می‌تواند در مواقع ضروری در داخل یا خارج استان مورد استفاده قرار بگیرد.

عیادت اعضای شورای فرهنگ عمومی چناران از بیماران

چناران ـ خبرنگار اطلاعات: برای ترویج فرهنگ اکرام و نوعدوستی، اعضای شورای فرهنگ عمومی چناران به مناسبت روز فرهنگ عمومی با حضور در بیمارستان ثامن‌الائمه(ع) این شهر، از بیماران بستری در بخش‌های مختلف آن عیادت کردند.

همچنین برای تبیین جایگاه شورای فرهنگ و آشنایی دانش‌آموزان با نقش این شورا، زنگ فرهنگ عمومی در دبیرستان دخترانه طالقانی این شهر نواخته شد.

ارائه خدمات دندانپزشکی با تعرفه دولتی در استان مرکزی

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: با استقرار دانشکده دندانپزشکی و اعزام حدود ۲۰ متخصص و فوق تخصص دندانپزشکی به استان مرکزی خدمات بالینی مطلوبتر با تعرفه دولتی به شهروندان ارائه می‌شود.

دکتر مجید رمضانی رئیس دانشگاه علوم پزشکی اراک با بیان این مطلب افزود: برای این منظور کلینیک تخصصی امام‌رضا(ع) اراک به درمانگاه دندانپزشکی تبدیل شده است.

وی گفت: خدمات آزمایشگاهی تخصصی و فوق تخصصی کلینیک امام رضا(ع) متوقف نشده است بلکه تمام خدمات مورد به شهروندان و مراجعین ارائه می‌شود. او توضیح داد: به دلیل محدودیت‌های فیزیکی و ضرورت استقرار خدمات اولویت‌دار شهروندان در کلینیک، فضای فعلی تبدیل به درمانگاه دندانپزشکی شده است.

وی ادامه داد: با همپوشانی امکانات و تجهیزات آزمایشگاهی در یکی دیگر از آزمایشگاه‌های زیرپوشش دانشگاه این خدمات از آن طریق انجام می‌شود. او با بیان اینکه انجام نمونه‌گیری و ارائه پاسخ آزمایش‌ها طبق روال قبلی در پلی کلینیک امام رضا(ع) انجام می‌شود؛ اضافه کرد: هزینه تعرفه‌های دندانپزشکی، بالا و فاقد پوشش بیمه‌ای است که با استقرار درمانگاه دندانپزشکی، خدمات مطلوب با تعرفه دولتی ارائه خواهد شد.

اجرای ۱۴۰ پروژه عمران شهری در زنجان

زنجان ـ خبرنگار اطلاعات: امسال براساس بودجه عمرانی مصوب ۶۰ میلیارد تومان ۱۴۰ پروژه بزرگ و کوچک عمران شهری در زنجان اجرا می‌شود.

مهندس حبیب‌الله یگانه، شهردار زنجان با اعلام این خبر افزود: بیش از ۹۰ درصد این پروژه‌ها به مرحله عقد قرارداد و انتخاب پیمانکار رسیده و عملیات اجرایی آنها در سطح شهر آغاز شده است.

وی توسعه فضای سبز، بهبود عبور و مرور شهری، زیباسازی شهر، ایجاد پل عابر پیاده، جداسازی آب خام از آب آشامیدنی شهری، ساماندهی و ساخت فضای سبز در گرده داغ، ساماندهی سالن چندمنظوره مدیریت بحران، ساماندهی مجتمع تفریحی گاواز تگ و تکمیل فاز دوم پارک بانوان را از جمله این پروژه‌ها برشمرد.

او اضافه کرد: ساخت کمربندی شمالی دوم، بهسازی حاشیه بزرگراه ۲۲ بهمن، ساخت تونل شهری و تملکات طرح سبزه میدان، ساخت تقاطع غیرهمسطح حضرت سیدالشهدا(ع)، ساماندهی ورودی شرقی شهر نجان و پروژه زینبیه غربی از دیگر پروژه‌های بزرگ در دست اجرای شهرداری است.

مهندس یگانه لکه‌گیری و آسفالت معابر را با توجه به مشکلاتی که برای شهروندان ایجاد کرده بود یکی از پروژه‌های مهم و اولویت‌دار شهرداری اعلام کرد و گفت: امسال تاکنون ۸۰ هزارتن آسفالت، تولید و در سطح شهر پخش شده است که این میزان ۲/۵ برابر تولید و پخش آسفالت در سال گذشته است.

شهردار زنجان با تاکید بر اینکه تولید آسفالت در سال آینده نیز دو برابر بیشتر از امسال خواهد بود، افزود: براساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته سال آینده ۱۵۰هزارتن آسفالت در شهر زنجان تولید و پخش خواهد شد تا مشکلات شهروندان در این زمینه رفع شود.

وی پیشرفت فیزیکی پروژه تقاطع غیرهمسطح حضرت سیدالشهدا(ع) را ۳۶ درصد اعلام کرد و گفت: براساس منابع مالی که به پروژه اختصاص یافته کار در چهار جبهه در دست اجرا و قسمتی از کارهای فلزی و سازه پروژه نیز در شهر اصفهان در کارگاه پیمانکار در حال انجام است.

او با اشاره به اینکه بازگشایی محور زینبیه غربی یکی از پروژه‌های مهم شهرداری است و ۱۰۵ پلاک باید تملک شود که تاکنون یک میلیارد تومان اعتبار مصوب استانی برای تملک تعدادی از این پلاک‌ها هزینه شده است، یادآور شد: براساس هدفگذاری صورت گرفته این پروژه باید بهمن امسال بازگشایی می‌شد ولی به علت تخصیص نیافتن اعتبار از سوی وزارت راه و شهرسازی و شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی و نبود نقدینگی در شهرداری کار به کندی پیش می‌رود.

شهردار زنجان ایجاد شهر الکترونیک و شهرداری الکترونیک را اولویت شهرداری زنجان اعلام کرد و گفت: براساس قراردادی که با بخش خصوصی منعقد شده است طرح جامع اتوماسیون شهرسازی در شهرداری منطقه ۲ به صورت پایلوت اجرا خواهد شد.

یگانه از ارائه ۱۵ نوع خدمات الکترونیکی از طریق دفاتر پیشخوان دولت تا پایان امسال خبر داد و افزود: با راه‌اندازی اتوماسیون شهرسازی در شهرداری زنجان مراجعات مردم برای دریافت شناسنامه ساختمانی کاهش می‌یابد و بسیاری از خدمات شهرداری به صورت الکترونیکی ارائه خواهد شد. او بهره‌برداری از کارت بلیت اتوبوسرانی و توزیع ۵۰ هزار قطعه کارت بلیت بین شهروندان زنجانی را از اقدامات شهرداری در این راستا برشمرد و گفت: اجرای طرح کارت بلیت برای سازمان تاکسیرانی نیز در دستور کار شهرداری قرار دارد و براساس مصوبه کلیه خدمات الکترونیکی شهرداری فقط با کارت بلیت الکترونیک شهروندی صورت می‌گیرد.

شهردار زنجان از تشکیل ستاد سرمایه گذاری و جلب مشارکت‌های مردمی در شهرداری زنجان خبر داد و گفت: اداره امروز شهرداری‌ها با اتکا به منابع داخلی و وصول عوارض با توجه به افزایش مطالبات مردم غیرممکن است و اگر بخواهیم متکی به درآمدهای فعلی شهرداری باشیم قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد بنابر این جذب مشارکت‌های مردمی و سرمایه‌گذاران در پروژه‌های بزرگ و مهم شهری ضروری است.

او با بیان اینکه لایحه و اساسنامه سرمایه‌گذاری به شورای اسلامی شهر ارائه و در جلسه شورا مصوب شده است، افزود: پکیج‌هایی در رابطه با ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری در شهر زنجان آماده شده است و در نمایشگاه‌های مختلف عرضه و توزیع خواهد شد.

وی ارتقای سیما و منظر شهر را از راهبردهای شهرداری دانست و گفت: در این راستا در زمان بازگشایی مدارس حدود ۷۰۰۰ مترمربع از دیوارهای سطح شهر رنگ‌آمیزی و نقاشی شده است.

یگانه ایجاد محور گردشگری در شهر زنجان را از دیگر برنامه‌های در دست اقدام شهرداری بیان کرد و افزود: بولوار شیخ‌اشراق برای این طرح پیش‌بینی شده است تا گردشگران و مسافران با گشت و گذار در این محور از مجموعه صنایع دستی و فضای شاد ایجاد شده بهره‌مند شوند.

شهردار زنجان اصلاح و تهیه المان برای ۱۰ میدان شهری، ساخت پل عابر پیاده و راه‌اندازی پل‌های برقی را از دیگر برنامه‌های در دست اقدام شهرداری اعلام کرد و افزود: توسعه ۲۰هکتار فضای سبز نیز در دستور کار شهرداری قرار گرفته است که تاکنون ۱۵ هکتار آن انجام شده است و با تکمیل پروژه‌های در دست اجرا این میزان به ۱۸ هکتار افزایش می‌یابد.

آذربایجان شرقی؛ استانی موفق در معرفی روستاهای هدف گردشگری

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: آذربایجان شرقی از نظر معرفی روستاهای هدف و مناطق نمونه گردشگری استانی توانمند است و ثبت جهانی روستای کندوان نقطه عطف معرفی روستاهای هدف گردشگری کشور خواهد شد.

صفر اصغری مدیرکل امور روستایی استانداری آذربایجان شرقی در نخستین کارگاه آموزشی دهیاران روستاهای هدف گردشگری کشور، افزود: با تلاش‌های چند سال اخیر اکنون آذربایجان شرقی در بخش معرفی روستاهای هدف گردشگری حرفی برای گفتن دارد.

وی برگزاری دوره‌های آموزشی برای دهیاران و راهنماها و بلدچی‌های محلی بویژه در روستاهای هدف گردشگری را بسیار مؤثر ارزیابی کرد و گفت: پیشرفت چشمگیر استان در زمینه معرفی روستاهای دارای پتانسیل از طریق توجه جدی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان شرقی در چند سال اخیر مشهود بوده است.

وی ثبت روستای صخره‌ای کندوان در فهرست آثار جهانی یونسکو را موجب پررنگتر شدن صنعت گردشگری خارجی آذربایجان شرقی دانست و اظهار امیدواری کرد: با تکمیل هرچه سریعتر پرونده این اثر و تلاش‌های سازمان میراث فرهنگی استان تعداد آثار ثبت جهانی این استان به سه مورد برسد.

استان قم پیشرو در اجرای شبکه ملی سلامت

قم ـ خبرنگار اطلاعات: ۹۷ نقطه از مراکز مرتبط با حوزه سلامت، زیر پوشش شبکه ملی سلامت (شمس) قرار گرفته‌اند.

رئیس اداره آمار و فناوری اطلاعات دانشگاه علوم پزشکی قم با بیان اینکه ایجاد شبکه ملی سلامت از تکالیف برنامه پنجم توسعه کشور است، افزود: در فاز نخست اجرای این طرح نزدیک به ۵۰۰۰نقطه در سراسر کشور شامل بیمارستان‌ها، ستاد دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی به این شبکه متصل شده‌اند.

سعید کیال شبکه ملی سلامت را از زیرساخت‌های اصلی اجرای برنامه پزشک خانواده و نظام ارجاع و سامانه سپاس خواند و گفت: با توجه به زیرساخت‌های موجود استان در زمینه فناوری اطلاعات و ایجاد و گسترش زیرساخت‌های لازم، قم از استان‌های پیشتاز در شبکه ملی سلامت است.

وی با اشاره به اینکه در استان قم ۱۷۰ نقطه باید به شبکه ملی سلامت متصل شوند، افزود: ۱۸ نقطه با استفاده از فیبرنوری و بقیه نیز از طریق شبکه اینترنت به این شبکه متصل خواهند شد.

رئیس اداره آمار و فناوری اطلاعات دانشگاه علوم پزشکی قم با بیان اینکه تاکنون با همکاری شرکت مخابرات استان ۹۷ نقطه از مراکز مرتبط با حوزه سلامت با استفاده از فیبرنوری و اینترنت زیر پوشش شبکه ملی سلامت (شمس) قرار گرفته‌اند، اضافه کرد: طبق ارزیابی‌های وزارت بهداشت و با توجه به زیرساخت‌های ایجاد شده در استان، دانشگاه علوم پزشکی توانست رتبه چهارم را در ایجاد زیرساخت‌های لازم به منظور اتصال به شبکه ملی سلامت کسب کند.

کیال از اتصال ۱۸ پایگاه اورژانس، ۲۹ پایگاه بهداشتی، ۱۷ خانه بهداشت، ۲۱ مرکز بهداشتی و درمانی شهری و شش مرکز بهداشتی ـ درمانی روستایی، پنج مرکز تحقیقاتی و یک خوابگاه به این شبکه خبر داد و گفت: برای اجرای فاز نخست این طرح در استان قم تاکنون ۲ میلیارد ریال اعتبار در مدت حدود یکسال از منابع اعتباری وزارت بهداشت هزینه شده است.

وی با اشاره به اینکه با تعامل با شرکت مخابرات در حال تکمیل زیرساخت‌های مورد نیاز برای اتصال تمام مراکز مرتبط به شبکه ملی سلامت هستیم، افزود: برای توسعه این شبکه، اعتبارات مورد نیاز در فازهای بعدی از طریق وزارت بهداشت تامین می‌شود.

رئیس اداره آمار و فناوری اطلاعات دانشگاه علوم پزشکی قم گفت: عمده‌ترین مشکل در مسیر اجرای این طرح، روستاهایی هستند که به لحاظ گسترش فناوری اطلاعات زیرساخت‌های لازم را ندارند.

کیال با اشاره به خدمات الکترونیکی مختلفی که در حوزه سلامت روی این شبکه ملی قابل ارائه است، گفت: سامانه پرونده الکترونیکی سلامت، دوره‌های آموزش مجازی، کتابخانه الکترونیکی پزشکی، مشاوره پزشکی از راه دور و سامانه‌های علمی پژوهشی از جمله خدماتی است که در بستر شبکه ملی سلامت ارائه خواهد شد.

راه‌اندازی شبکه ملی سلامت یکی از تکالیف وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات براساس ماده ۴۶ قانون برنامه پنجم توسعه است که زیرساخت ارتباطی را میان مراکز بهداشتی، تشخیصی و درمانی سراسر کشور ممکن می‌کند.

همچنین تبادل اطلاعات به صورت الکترونیکی و ارائه خدمات الکترونیکی سلامت در کشور از طریق این شبکه فراهم می‌شود.

تاخیر در ساخت بزرگراه مشکین شهر ـ اهر

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: عملیات اجرایی بزرگراه مشکین شهر ـ اهر به کندی پیش می‌رود. یونس اسدی نماینده مشکین شهر در مجلس شورای اسلامی با بیان مطلب بالا، افزود: عملیات اجرایی این بزرگراه بیش از ۲ سال است شروع شده اما تاکنون به جایی نرسیده است.

وی افزود: مسئولان راه و شهرسازی باید عملیات اجرایی این پروژه را تسریع دهند و در افتتاح و راه‌اندازی آن اهمال نکنند چرا که این پروژه بعد از ۴ سال تلاش و پیگیری اجرا شده است و پارسال برای اختصاص بودجه موافقت لازم انجام شد و بیش از ۹۰ میلیون تومان اعتبار دارد.

اسدی درباره ساخت فرودگاه مشکین شهر گفت: مطالعات فرودگاه در حال انجام است و اگر مسئولان مربوطه پیشقدم شوند. بزودی شاهد ساخت فرودگاه در این شهرستان خواهیم بود. وی همچنین از اختصاص ۴ میلیارد تومان اعتبار برای بیمارستان ۱۷۶ تختخوابی خبرداد و گفت: برای ساخت این بیمارستان ۴ میلیارد تومان اعتبار اختصاص داده شده است. نماینده مشکین شهر در مجلس با اشاره به سرمایه‌گذاری در پارک جنگلی خیاو چایی گفت: این پارک آماده سرمایه‌گذاری است و در صورت مشارکت بخش خصوصی آبشاری به ارتفاع ۴۰۰ متر، هتل، شهربازی و چندین مجتمع تفریحی در این پارک ساخته خواهد شد. اسدی در بخش دیگری از سخنان خود از برگزاری همایش سرمایه گذاری در مشکین شهر خبرداد و گفت: این همایش به منظور معرفی پتاسیل‌های شهرستان و جذب سرمایه گذار برگزار خواهد شد.

بهره‌برداری از مجموعه فروشگاهی درخیابان فدائیان اسلام

شهرری ـ خبرنگار اطلاعات: یکی از بزرگترین مجموعه‌های فروشگاهی تهران در خیابان فدائیان اسلام به بهره‌برداری رسید.

عظیم بابایی شهردار منطقه ۲۰ با اشاره به این که این مجموعه براساس طرح تفصیلی شهر تهران به‌عنوان مرکز برج‌های تجارت جهانی و پهنه کار و فعالیت معرفی شده قرار گرفته است گفت: این فروشگاه تاثیر بسزایی در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان این منطقه خواهد داشت.

وی با اشاره به این که بخش‌های جانبی این مجموعه از جمله مرکز تفریحی، شهربازی و مهدکودک از نقاط قوتی است که موجب استقبال چشمگیر شهروندان می‌شود یادآور شد: با توجه به وجود پارکینگ با ظرفیت ۲۵۰۰ خودرو و اقدامات عمرانی شهرداری از جمله ساخت باند کندرو خیابان فدائیان اسلام از خیابان شهید مختاری تا خیابان شهید غیبی و تعریض خیابان شهید غیبی شهروندان می‌توانند به راحتی به این فروشگاه دسترسی یابند.

وی رونق اقتصادی و تولید کار و سرمایه درجنوب شهر را از اولویت‌های شهرداری تهران برشمرد و افزود: علاوه بر فروشگاه مورد اشاره و مجموعه فرهنگی ورزشی قمربنی هاشم(ع) که به‌عنوان دو مجموعه ملی و منحصر به فرد هستند ایجاد مراکز اقتصادی، پاساژ و هتل ۵ ستاره نیز در خیابان فدائیان اسلام در نظر گرفته شده است که به‌زودی وارد مرحله اجرا می‌شود. اجرای ۱۶۰۰ متر طول نهرسازی و جدول بندی و ساخت ۳۰۰۰ مترمربع فضای سبز از دیگر اقداماتی بوده است که از سوی شهرداری منطقه ۲۰ تهران به‌منظور رفاه حال شهروندان در ضلع جنوب و شرق این فروشگاه انجام شده است.

بزرگداشت روز ملی ایمنی و آتش‌نشانی در شرکت صنایع پتروشیمی کرمانشاه

سرویس خبر: آیین قدردانی از نفرات برتر ایمن شرکت صنایع پتروشیمی کرمانشاه با حضور جمعی از مدیران ارشد برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی شرکت صنایع پتروشیمی کرمانشاه، در این آیین پس از قرائت پیام وزیر نفت درباره بزرگداشت روز ملی ایمنی و آتش‌نشانی، محمدرضا میراحمدی مدیرعامل شرکت پتروشیمی کرمانشاه گفت: زمان در انجام پروژه‌های صنعتی نقش مهمی را ایفا می‌کند اما مهمتر از آن عامل ایمنی و سلامت کارکنان است.

او افزود: شرکت‌های صنعتی موفقی در دنیا وجود دارند که متأسفانه داغ حوادث تلخی که به دلیل رعایت نکردن یک موضوع ساده ایمنی که در آنها رخ داده است همیشه بر پیشانی آنها خواهد ماند.

وی اضافه کرد: شرکت صنایع پتروشیمی کرمانشاه به عنوان شرکتی موفق که بیش از ۵۰ درصد محصول آن به اقصی نقاط دنیا صادر می‌شود باید به موضوع ایمنی نگاه ویژه داشته باشد. همچنین به مناسبت روز ملی استاندارد از بازنشستگان اداره کل استاندارد، مسئولان نمونه کیفی واحدهای تولید قدردانی شد.

اخبار کوتاه شهرستان

بهره‌برداری از بزرگراه اهر ـ تبریز سال آینده

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: قطعه نخست و سوم پروژه بزرگراه اهر ـ تبریز سال ۹۲ به بهره‌برداری می‌رسد.

معاون عمرانی استاندار آذربایجان شرقی گفت: جاده اهر ـ تبریز که یکی از جاده‌های پرتردد و حادثه‌خیز استان به شماره می‌آید جزو پروژه‌های مهر ماندگار قرار گرفته است.

محمد اشرف‌نیا افزود: به علت وقوع زلزله در منطقه و بسیج ماشین‌آلات راهسازی برای آواربرداری، این پروژه از سرعت مطلوبی برخوردار نبود که با اتمام آواربرداری مناطق زلزله‌زده هم‌اکنون قطعات اول و سوم در حال اجراست.

اشرف‌نیا اظهار امیدواری کرد؛ فاز نخست و سوم این بزرگراه در فروردین یا اردیبهشت ۹۲ به بهره‌برداری برسد.

معرفی برگزیدگان جشنوارهٔ کارتون شهر و شهروند

* نفرات برتر سومین جشنواره بین‌المللی کارتون شهر و شهروند تبریز معرفی شدند.

در آیین پایانی این جشنواره از سه اثر برتر و پنج اثر برگزیده قدردانی به عمل آمد.

در این جشنواره، اولگ گوستول کارتونیست بلاروسی نفر اول، یوری کوسوبوکین و لادیمیر کازادوسکی هر دو از اوکراین مشترکاً نفرات دوم و سعید رحیمی از ایران به عنوان نفر سوم معرفی شدند.

همچنین آثار محسن ظریفیان و محسن اسدی هر دو از ایران، النا اوسپیناز از کلمبیا، موشاگومش و ماحمت قهرمان از ترکیه به عنوان آثار برگزیده این جشنواره معرفی شدند.

ضرورت فرهنگ‌سازی در زمینه اهدای عضو

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: فرهنگ‌سازی در زمینه اهدا و پیوند عضو بیماران مرگ مغزی در کرمان، با توجه به نوپا بودن آن ضروری است.

دکتر مهدی احمدی‌نژاد فوق تخصص ICU و بیهوشی بیمارستان شهید باهنر کرمان از این بیمارستان به عنوان کانون توجه اهدای عضو بیماران مرگ مغزی یاد کرد و گفت: در موارد مرگ مغزی ناشی از بروز تصادفات، کار مراقبت از بیمار مرگ مغزی، جلب رضایت و اهدای عضو در بیمارستان شهید باهنر کرمان انجام می‌شود.

به گفته وی شمار بیماران مرگ مغزی در استان کرمان بالا است، اما تعدادی که منجر به جلب رضایت و اهدای عضو می‌شو، مطلوب نیست.

وی نگهداری بیمار مرگ مغزی را سخت‌تر از دیگر بیماران دانست و گفت: پس از مرگ مغزی همه اعضای بدن بیمار رو به زوال می‌رود و کار فوق تخصص بیهوشی این است که با انجام مراقبت‌های لازم به جای مغز برای دیگر اعضای بدن تصمیم‌گیری کند.

احمدی‌نژاد تأکید کرد: اگر بتوان از خانواده‌های ۸۰ درصد بیماران مرگ مغزی رضایت گرفت آن زمان به حد مطلوب اهدای عضو رسیده‌ایم.

اجرای همزمان ۱۰ تقاطع غیرهمسطح در شیراز

شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: بیش از ۲۰ پروژه بزرگ و مهم عمرانی در شیراز در دست اجرا است که از این میان می‌توان به ۱۰ تقاطع غیرهمسطح در مناطق مختلف شهر اشاره کرد.

رضا خیراندیش، معاون فنی و عمرانی شهرداری شیراز با اعلام مطلب بالا افزود: ساخت همزمان سه پارکینگ طبقاتی از دیگر فعالیت‌های عمرانی است که با پیشرفت میانگین حدود ۳۳ درصد و ظرفیت ۱۵۵۵ خودرو پاره‌ای از مشکلات ترافیکی موجود در حوزه مرکزی شهر را رفع خواهد ساخت.

معاون فنی و عمرانی شهرداری شیراز با اشاره به این مطلب که تونل فضیلت و کوهسار مهدی (عج) نیز از جمله پروژه‌های در حال اجرا است که با اجرای تونل فضیلت امکان دسترسی آسان به شهرک سعدی فراهم و مشکلات اطراف آن رفع خواهد شد، افزود: این تونل با طول ۵۴۰ متر در چهار باند رفت و برگشت برای ایجاد راه مناسب به آرامستان احمدی و خارج کردن وضع بن‌بست شهرک سعدی همچنین تکمیل بخش جنوب به شمال رینگ درون شهری اجرا می‌شود.

او همچنین گفت: با اجرای این تونل مسیر جدیدی در شمال غرب شیراز ایجاد و با اتصال آن به تونل دوقلوی ایمان شمالی و بولوار آیین و جاده شیراز ـ سپیدان ترافیک در شمال غرب شیراز حذف خواهد شد.

بهره‌برداری از ۹۰۰ طرح مهرماندگار تا پایان دولت دهم

بناب ـ خبرنگار اطلاعات: شورای اداری بناب تشکیل جلسه داد.

در این نشست رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی اعلام کرد: دولت مصمم است تا پایان دوره مدیریت خود ۹۰۰ طرح از طرح‌های مهر ماندگار را در سطح کشور به بهره‌برداری برساند.

حجت‌الاسلام غلامرضا مصباحی مقدم، افزود: برای اجرای این طرح‌ها ۱۳۰۰ میلیارد تومان اعتبار اختصاص یافته است و این علاوه بر طرح‌هایی است که در وزارت نفت و نیرو اجرا می‌شوند.

وی با اشاره به شرایط اقتصادی کشور گفت: بودجه عمومی کشور امسال ۱٦٤ هزار میلیارد تومان بود که ۲۰ هزار میلیارد تومان آن مربوط به درآمدهای اختصاصی است و پیش‌بینی ما این است که با وضع موجود ۹۰ هزار میلیارد تومان از این مبلغ تحقق یابد.

رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس با اعلام این‌که تحریم صادرات گاز ایران توسط اتحادیه اروپا این مشکلات را قطعاً مضاعف خواهد کرد؛ یادآور شد: مسئولان کشور شبانه روز در حال برطرف کردن و کاهش این مشکلات هستند.

وی با اشاره به ۳۰ میلیارد دلار ذخیرهٔ ارزی ایران در کشور چین، افزود: از آغاز امسال تاکنون ۳۰ میلیارد دلار صادرات داشته‌ایم.

حجت‌الاسلام مصباحی مقدم از اختصاص ۳۷ هزار میلیارد تومان امسال برای بودجه عمرانی کشور خبرداد و تأکید کرد: تحقق آن قطعاً امکان‌پذیر نیست و از این مبلغ ۲۵۰۰ میلیارد تومان تحقق یافته و پیش‌بینی ما این است که تا پایان سال ۵۰۰۰ میلیارد تومان از کل بودجه عمرانی کشور تحقق یابد.

به گفته وی فروش نفت هم اکنون یک میلیون و ۳۰ هزار بشکه است که پیش‌بینی ما ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه بود.

رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی با اشاره به این‌که گرانی‌های اخیر نگرانی‌های مردم را افزایش داده است، تأکید کرد: مردم را باید برای مقابله با جنگ اقتصادی آماده کرده و کشور را به صورت مردمی اداره کنیم.او در پایان سخنان خود وضع شهرستان بناب را به‌ویژه از نظر عمران و آبادانی و اقتصادی مطلوب توصیف کرده و افزود: مسئولان باید از منطقه و مردمی که قابلیت، توانایی و استعداد رشد را دارند، حمایت کنند.

آبگرم قینرجه مشکین شهر نیاز به توسعه دارد

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: آبگرم قینرجه مشکین‌شهر به عنوان نگین گردشگری استان اردبیل نیازمند توسعه است.

اکبر نیکزاد استاندار اردبیل در بازدید از مجموعه بزرگ تجاری، تفریحی و خدماتی در حال ساخت در آبگرم قینرجه اظهار امیدواری کرد با بهره‌برداری از طرح‌های در حال اجرا رشد و شکوفایی بیش از پیش این شهرستان شتاب بگیرد.

وی بااشاره به برخی از مشکلات موجود در مشکین شهر گفت: مردم و مسئولان با وحدت و همدلی می‌توانند تحریم دشمن را به فرصتی گرانبها تبدیل کنند.

استاندار اردبیل با انتقاد از تناقض کارشناسان شرکت آب منطقه‌ای استان در بررسی و صدور مجوز طرح پرورش ماهی در سد سبلان بر دقت مطالعات بیشتر برای ارائه نظرات کارشناسی تأکید کرد.

نیکزاد همچنین در بازدید از مجتمع تفریحی ـ توریستی مشکین‌شهر که مجهز به استخرهای آبگرم ایلاندو است از مجری این پروژه قدردانی کرد.

یونس اسدی نماینده مردم مشکین‌شهر در مجلس شورای اسلامی نیز در این بازدید با بیان این که به زودی شرکت‌های آب و فاضلاب شهری و روستایی ادغام می‌شوند خواستار ارائه طرحی جامع برای اجرای طرح پرورش ماهی در قفس سد سبلان شد.

فضایل عزیزی سرپرست فرمانداری مشکین‌شهر هم در این بازدید گفت: ۳۱۵ پروژه عمرانی با صرف ۲۰۰ میلیارد ریال در مناطق مختلف این شهرستان در حال اجرا است که به طور میانگین از پیشرفت فیزیکی ٤۲ درصدی برخوردار هستند.

در این مراسم همچنین طرح گازرسانی به روستاهای میرکندی و آق بولاغ در شهرستان مشکین‌شهر به بهره‌برداری رسید.

برای گازرسانی به این دو روستا افزون بر ۹ میلیاردریال هزینه شده است و با ساخت ۲۲ کیلومتر شبکه انتقال ۵۳۲ خانوار روستایی از نعمت گاز بهره‌مند شدند.

افتتاح ۴ طرح هادی روستایی در لرستان

خرم‌آباد ـ خبرنگار اطلاعات: درمراسمی بهره‌برداری از طرح‌های هادی روستایی روستاهای ترشاب و برزان ازتوابع دورود و دارتوت و برده سره از توابع بروجرد با حضور معاون عمران روستایی بنیاد مسکن کشور و مدیرکل بنیاد مسکن لرستان مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی لرستان در حاشیه این مراسم در جمع خبرنگاران رابیان این که طرح هادی روستایی یک طرح اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی است افزود: امسال در مجموع بیش از ۱۵۰ کیلومتر شبکه معابر داخلی روستایی در استان لرستان بهسازی شده است.

فرهاد خاکی پور گفت: تاکنون از مجموع ۲۸۰۰ روستای استان برای ۱۱۰۰ روستا طرح هادی روستایی با هدف ایجاد توسعه و تغییر در وضع کاربری روستایی و ایجاد ساختار مناسب از طریق لحاظ کردن نیازهای فرهنگی و اقتصادی و چشم‌انداز بلندمدت روستاها تهیه شده که طرح هادی در ٤۱۰ روستای استان لرستان به بهره‌برداری رسیده است.

وی با بیان این که ۲۰۰ هزار واحد مسکونی روستایی کشور امسال نوسازی و مقاوم‌سازی می‌شود افزود: سهم استان لرستان ٤۰۰۰ واحد مسکونی روستایی است که امیدواریم جشن مقاوم‌سازی ۱۰۰ هزار مین واحد روستایی در لرستان را بر پا کنیم.

مدیرکل بنیاد مسکن لرستان با اشاره به این که طرح هادی روستایی مثل یک موجود زنده درحال رشد است،افزود: به دلیل این که روستاها در حال رشد و توسعه‌اند با ورود به یک روستا سعی داریم که ۷۰ تا ۸۰ درصد مشکلات روستا را بر طرف کنیم بقیهٔ کار را در فازهای بعدی و یا مشارکت اهالی آن روستا برطرف کنیم.

او با اشاره به این نکته که تا پایان برنامه پنجم توسعه باید برای همهٔ روستاهای بالای ۲۰ خانوار استان طرح هادی تهیه شود گفت پارسال ۱۷۰ طرح هادی روستایی در استان لرستان تهیه شد که امسال این رقم به ۲۷۰ طرح افزایش یافته است.

وی وجود فضولات حیوانی در روستاها را یکی از نگرانی‌های بنیاد مسکن برشمرد و افزود: برای اولین بار در کشور در حال انجام یک کار پژوهشی هستیم که در صورت همکاری دستگاه‌های مرتبط از جمله خدمات بهداشتی در محیط‌زیست و حمایت مدیریت ارشد استان، تهدید وجود فضولات حیوانی در روستاها را به یک فرصت تبدیل خواهیم کرد.

مدیرکل بنیاد مسکن لرستان وجود فضولات حیوانی را یکی از موانع توسعه روستایی دانست و گفت: ایجاد استغال، سلامت بهداشت محیط و ایجاد فرصت‌های بحث انرژی از مزایای این پژوهش است.

وی افزود: استان لرستان در زمینه اجرای مسکن مهر شهرهای زیر ۲۵ هزار نفر پارسال رتبه دوم کشور را به خود اختصاص داد.

بررسی مشکلات مردم روستاهای دیر

بندر دیر ـ خبرنگار اطلاعات: با حضور نماینده مردم دیر، بخشدار مرکزی، رئیس شورای اسلامی بخش مرکزی و مردم روستاهای خط میانی دیر مسائل و مشکلات مردم این روستاها بررسی شد.

یکی از اهالی روستای حسن‌آباد گفت: مشکل عمده و اساسی که مردم این روستا با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، نبود آب آشامیدنی سالم و بهداشتی است.

مختار عمرانی افزود: مردم روستا ماهانه بابت هر تانکر آب‌رسانی سیار ۳۰۰ هزار ریال پرداخت می‌کنند که این میزان آب نیز کفاف مصرف مردم را نمی‌دهد.

وی گفت: مشکل دیگر مردم این روستا، نبود راه ارتباطی مناسب تا جاده اصلی خط میانی است که هنگام زمستان در فصل بارندگی مردم به سختی در این مسیر تردد می‌کنند.

یکی از اهالی روستای باغ عالی نیز گفت: هم‌اکنون مردم این روستا با نبود آب لوله‌کشی در سختی زندگی می‌کنند و نیاز مبرم به آب آشامیدنی دارند.

عبدالرضا میرزایی افزود: اداره آب و فاضلاب روستایی طرح توسعه خط انتقال آب را آغاز کرده است اما به دلیل نبود اعتبار این طرح متوقف شده و به روستای ما نرسیده است که از مسئولان درخواست داریم امسال ادامه این طرح را در دستور کار خود قرار دهند.

نماینده مردم شهرستان‌های کنگان، دیر و جم در مجلس شورای اسلامی در این دیدار گفت: به برکت نظام مقدس اسلامی، مسئولان تلاشگر خدمت‌رسانی به مردم روستاها را در دستور کار خود دارند.

حجت‌الاسلام موسی احمدی افزود: اگر امکانات اولیه مانند آب، برق و جاده در روستاها ایجاد شود مردمی که به شهرها مهاجرت کرده‌اند به مرور زمان به آبادی و روستای خود باز خواهند گشت.

وی افزود: امسال ٤ میلیارد ریال برای ادامه جاده روستاهای خط میانی شهرستان دیر در کمیته برنامه‌ریزی این شهرستان مصوب شده است که با مشخص شدن پیمانکار امیدواریم شاهد اجرایی شدن هرچه زودتر این پروژه باشیم.

بخشدار مرکزی دیر نیز در این نشست گفت: توسعه خط انتقال آب آشامیدنی سالم برای روستاهای خط میانی دیر شامل باغ عالی، حسن‌آباد، باغ محمد صفر و جمرک شمالی جزو برنامه‌های این شهرستان است.

محمد فخرایی افزود: با تلاش مسئولان شهرستان برای برطرف شدن محرومیت روستائیان و آبادانی و عمران روستاها در تلاش هستیم.

همایش بین‌المللی «باران غدیر» در نیشابور برگزار شد

نیشابور ـ خبرنگار اطلاعات: مسئولین همایش بین‌المللی هنری و ادبی «باران غدیر» در تالار ادیب اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی نیشابور برگزار شد.

معاون سیاسی ـ اجتماعی فرمانداری نیشابور در این مراسم گفت: نیشابور نه فقط در زمان ظهور اسلام در ایران، بلکه در چند دوره تاریخی دیگر به عنوان پایتخت سیاسی کشور انتخاب شده است.

ابراهیم جدکاره افزود: توجه به ادب و فرهنگ غنی ایران اسلامی بدون توجه به شعرای نامی خطه نیشابور امکان پذیر نیست.

سید جواد رفایی، رئیس حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی خراسان رضوی نیز در این مراسم با اشاره به تلاش دشمن برای از بین بردن هویت شیعی و معارف اهل بیت (ع) گفت: اشاعه سیره اهل بیت (ع) و پرداختن به اشعار سایر قومیت‌ها که مضمونی با محوریت مدل اهل بیت (ع) دارند از رویکردهای برگزاری چنین همایش‌هایی است.

در ادامهٔ «عبدالخالق قادری» از پاکستان «بالرام شکلا»، استادیار زبان و ادبیات سانسکریت و شاعر هندو از هندوستان، شاهرخ اورامی از کردستان و محمدابراهیم لگزیان از نیشابور اشعاری در وصف امیرالمومنین علی (ع) قرائت کردند. در این مراسم گروه قوالی و موسیقی سنتی «عابد مهرعلی خان» از پاکستان به ارائه برنامه پرداخت.

برگزاری آیین پایانی نمایشگاه کتاب کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: نهمین نمایشگاه کتاب کرمان به کار خود پایان داد.

نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در آیین پایانی نمایشگاه کتاب کرمان، استقبال مردم از این نمایشگاه را در شرایط اقتصادی موجود، بیانگر تقاضای بالای جامعه از محصولات علمی و فرهنگی دانست.

محمدرضا پورابراهیمی افزود: به طور قطع یکی از اتفاقاتی که می‌تواند فضای تولید دانش را به سمت پویایی هدایت کند برگزاری برنامه‌هایی مانند نمایشگاه کتاب است.

وی با اشاره به روند روبه رشد علم و دانش در کشور، یادآور شد: براساس سند چشم‌انداز قرار بود در سال‌های آتی به رتبه نخست علمی در منطقه دست یابیم اما اینک با اقتدار اعلام می‌کنیم که در سال ۹۱ به این رتبه رسیده‌ایم. پورابراهیمی با قدردانی از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان، برای برگزاری نمایشگاه کتاب، گفت: استان کرمان در عرصه علم و دانش در کشور پیشتاز است.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان نیز نمایشگاه کتاب امسال را به دلیل افزودن بخش بین‌الملل و عرضه کتاب‌های خارجی متفاوت با نمایشگاه‌های پیشین دانست و گفت: براساس اطلاعات اولیه، آمار امیدوارکننده‌ای در این بخش شکل گرفته است.

احمدسعیدی بااشاره به حضور گستردهٔ مردم در نمایشگاه کتاب کرمان اعلام کرد: براساس برآوردهای اولیه میزان خرید از نمایشگاه کتاب نسبت به پارسال ۲۵ تا ۳۰ درصد رشد داشته است.

به گفته وی نمایشگاه بزرگ کتاب کرمان در گسترهٔ ۱۸ هزارمترمربع در قالب ۱٦ سالن، ٦۵۰ غرفه و باحضور بیش از ٦۰۰ ناشر برگزار شد.

تولیدکنندگان باید حمایت شوند

بناب ـ خبرنگار اطلاعات: بناب دومین شهر اقتصادی استان آذربایجان شرقی است.

نماینده مردم بناب در مجلس شورای اسلامی با بیان این مطلب، افزود: تولیدکنندگان جهادگران عرصه اقتصادی هستند و باید از آنها حمایت شود.

حجت‌الاسلام شیخ محمدباقری بنابی از حل موانع قانونی صنعتگران توسط دولت و مجلس خبر داد و افزود: برای حل مشکلات تولیدکنندگان باید بیش از پیش تلاش کنیم.

وی با اشاره به این‌که شهرک صنعتی شماره ۲ بناب در ۸۰۰ هکتار زمین در حال آماده‌سازی است، از سرمایه‌گذاران خواست با استفاده از تکنولوژی روز نسبت به ایجاد واحدهای تولیدی در این شهرک اهتمام کنند.

او اعلام کرد: مسئولان بناب آماده‌اند تا سرمایه‌گذاران محلی و سرمایه‌گذاران دیگر شهرستان‌ها را حمایت کنند.

نماینده مردم بناب در مجلس شورای اسلامی همچنین از دولتمردان خواست با عزم جدی برای حل مشکلات اقتصادی تلاش کنند.

سعید برقی فرماندار بناب نیز نبود سرمایه در گردش را از مشکلات اصلی واحدهای صنعتی دانست و از مدیران بانک‌ها خواست در حمایت از صنعتگران اهتمام کنند.

کارت پایان خدمت اینجانب میاد رسولی فرزند کیومرث متولد ۱۳۵۳ ش ش ۱۷۶۷ ترخیصی فرماندهی پشتیبانی لوج نزاجا تهران مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. ملکان عینالو

سند کمپانی خودرو پیکان دولوکس مدل ۱۳۶۱ به شماره انتظامی ۶۳۱ ص ۷۱ و ایران ۶۳ و به شماره موتور ۰۱۱۱۶۰۱۴۹۳۶ و به شماره شاسی ۱۵۴۴۲۶۴۴ به نام قادر سیاح کفری مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

پلاک کامیون باری فلزی ال پی ۳۶/۸۱۱ مدل ۱۹۷۱ آبی روغنی شماره انتظامی ۵۹-۱۲۲ ع ۳۲ شماره موتور ۱۰۷۸۰۷۷۱ شماره شاسی ۱۰۷۸۰۷۷۱ بنام حسین رضایی رودبارکی فرزند علی ش ش ۳۰۸۸۲ گرگان مفقود از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی پیکان مدل ۸۱ به شماره پلاک ۵۷-۱۳۷ د ۱۸ موتور ۱۱۱۲۸۱۴۷۰۲۲ و شاسی ۸۱۴۴۸۹۷۵ به نام معصومه رئیسی صفری مفقود و از اعتبار ساقط است. سنندج

اصل سند کمپانی کامیون باری ولووتیپ ان ۱۰ مدل ۱۳۶۳ به شماره انتظامی ۹۷۵ ع ۳۶ ایران ۴۶ شماره موتور ۰۰۶۰۸۴ شماره شاسی ۰۴۸۲۳۵ به نام مسعود جهانی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. اردبیل

آگهی مفقودی سند اتوبوس بیابانی مدل ۱۳۸۳ به شماره شهربانی ۱۱-۳۴۹ ع ۱۱ و شماره شاسی NAVA13B214IX00103 و شماره موتور 36503351 85B281 به‌نام عبداله خدابنده مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. یزد

کارت معافیت از خدمت دوره ضرورت موارد خاص به شماره سریال ۸۱۰۰۴۸۰۵۸۲۹ به تاریخ صدور ۱۳۸۹/۱۲/۴ به نام بابک ذاکی فرزند فیروز شماره شناسنامه ۲۹۶۰۱۳۵۵۶۳ صادره میاندوآب متولد ۱۳۷۰ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

نوبت دوم آگهی مفقودی مدرک فارغ التحصیلی به‌نام فرهاد حکیمی‌نیا فرزند قاسم به ش ش ۲۵۷۲ در مقطع کارشناسی رشته مهندسی عمران صادره از واحد دانشگاهی یزد مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. یزد

کارت پایان خدمت اینجانب محمد محمدی جونقانی فرزند یحیی به شماره شناسنامه ۲۵۱۳ متولد ۱۳۶۷ صادره از پادگان زرهی دزفول مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. (خرم آباد)

سند موتورسیکلت صحرا ۱۲۵ رنگ آبی مدل ۱۳۸۶ و با شماره پلاک ۸۷۶۴ یزد ۳۵ و با شماره موتور M08981 و تنه NFJxxx125S8631012 مفقود شده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. میبد

کارت هوشمند شماره ۱۹۸۱۰۴۲ خودرو خاور کاویان اتاقدار به شماره پلاک شهربانی ۴۸-۷۴۱ ع ۲۱ بنام عبداله هاشم‌زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. برازجان ـ عبداله هاشم‌زاده

شناسنامه و سند کارخانه خودرو پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۸ به شماره ۸۴۶ د ۱۷ ایران ۸۵ و شماره موتور ۱۲۴۸۸۱۱۱۱۷۱ و شماره شاسی ۱۰۲۲۷۵ به نام نسیمه شه‌بخش مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. زابل ـ مالک: احمد سارانی

مفقودی نوبت دوم کارت پایان خدمت اینجانب ابوالقاسم روحانی فرزند برات متولد ۱۳۶۸ به ش ش ۰۶۷۰۱۰۲۴۴۱ دریافتی از ناحیه نظام وظیفه سرخس خراسان رضوی مفقود فاقد اعتبار است.

کارت پایان خدمت احمد تاجری فرزند عیدمحمد متولد ۱۳۶۰/۱/۲۴ به شماره شناسنامه ۶۵ و شماره ملی ۰۷۵۹۷۲۰۱۹۳ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

سند کمپانی مینی‌بوس مدل ۱۳۶۵ شماره پلاک ۸۵-۶۹۳ ع ۲۲ شماره موتور ۳۳۴۹۱۱۱۰۱۰۲۰۶۱ شماره شاسی ۱۱۱۳۱۱۶۴۰۳۴۲۹۲ بنام محمدرضا معینی‌نیا مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

کارت معافیت پزشکی آقای هادی بازرگان فرزند احمد به شماره شناسنامه ۱۰۶ به تاریخ تولد ۱۳۴۴ صادره از شهرستان مریوان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (مریوان)

کارت پایان خدمت به‌نام مرتضی گرجی‌زاده فرزند بهمن به ش.ش ۴-۱۸۷۴-۰۰-۴۲۶ متولد ۱۳۶۸ صادره از گچساران مفقود از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سواری پراید ۱۴۱ آی مدل ۱۳۸۵ به شماره پلاک ۱۳-۵۸۳ م ۷۲ به شماره موتور ۱۵۱۸۹۶۹ و شماره شاسی S1482285155806 مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. اصفهان

نوبت اول کارت پایان خدمت متعلق به آقای محمدرضا چهارگنبدی بازمانده فرزند ولی ش ش ۱۰۱۰ متولد ۱۳۵۰ صادره از رفسنجان مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

سند واگذاری زمین شماره ۴۱۲۵ واقع در فاز ۱ شهر پرند خیابان سهند جنوبی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

نوبت سوم
مدرک پایان تحصیلات اینجانب محمدرضا زرنگی فرزند علیرضا دارای شناسنامه شماره ۶۳۶۱ صادره از تهران متولد سال ۵۷/۷/۱۵ فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی رشته مهندسی عمران ـ عمران صادره از دانشگاه آزاد اسلامی لارستان به شماره سریال ۲۴۶۹۳ ـ ۲ ـ ۲۵ ـ ۰۱ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد لارستان به نشانی: استان فارس ـ شهرستان لارستان ـ شهر جدید ـ جنب بیمارستان امام رضا(ع) مجتمع آموزشی کوثر دانشگاه آزاد اسلامی ـ حوزه معاونت دانشجویی ارسال نماید.

کارت پایان خدمت سربازی اینجانب علی محب‌علی فرزند جهاندار شمارهٔ شناسنامه ۵۹ متولد ۱۳۵۲ صادره از تربت‌حیدریه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی رنو مدل ۶۹ به شماره شهربانی ایران ۷۲-۷۳۹ ج ۸۸ و شماره موتور ۰۳۰۹۲۱ مفقود و اعتبار ندارد. (س)

نوبت دوم کارت معافیت پزشکی بنام امین ملائی‌کلفتی فرزند حسن به شماره ملی ۰۰۱۱۰۱۷۰۰۷ متولد ۱۳۶۸ گمشده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی پیکان وانت رنگ سفید مدل ۱۳۸۸ شماره انتظامی ۶۵-۶۱۳ س ۳۹ شماره موتور ۱۱۴۸۸۰۱۷۶۱۱ شماره شاسی NAAA36AA0G844046 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت و کارت ماشین وانت مزدا مدل ۱۳۶۹ به شماره شهربانی ایران ۶۲-۹۷۹ ج ۱۷ و شماره موتور ۱۸۷۷۷۸ و شماره شاسی ۶۹۶۰۴۷۹۵ مفقود و اعتبار ندارد. (س)

کارت پایان خدمت شعبانعلی فلاحتگر بخشایش فرزند طاهر ش.ش ۳۶۱ متولد ۱۳۵۳ صادره از لنگرود مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت ایثار رشادت و شجاعت در عملیات رزمی اینجانب محمدباقر وندیوسفی فرزند محمود شناسنامه ۱۴۳ صادره از میاندوآب متولد ۴۴ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

سند فروش خودرو نیسان پاترول ۲ درب به شماره شاسی PNK15Z617485 و شماره موتور Z24044277Z و شماره انتظامی ۱۷۴ د ۱۹ ـ ایران ۴۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت پایان خدمت اینجانب شهریار گلابی‌ملکی فرزند آصف ش ش ۰۳۷۹ ۵۰۷۰۰۱ متولد ۱۳۶۸ ترخیصی فرماندهی نیروی انتظامی تبریز مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. ملکان عینالو

سند کمپانی سواری پی‌کی مدل ۱۳۸۳ به شماره شهربانی ایران ۶۲-۲۶۵ ب ۱۵ و شماره موتور M1394793 و شماره شاسی ۳۰۳۹۸۹۸ مفقود و اعتبار ندارد. (س)

اینجانب داود شیرخدایی مالک خودرو سمند شماره انتظامی ۱۸۸ ب ۹۵ ایران ۲۲ مدل ۱۳۸۳ شماره بدنه ۸۳۲۳۰۱۰۴ شماره موتور ۱۲۴۸۳۰۸۹۹۷۱ به علت فقدان اسناد فروش سند کمپانی تقاضای رونوشت (المثنی) اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

کارت هوشمند راننده به شماره ۲۱۶۸۱۲۲ به نام آقای ایوب سپهری کهریزی نام پدر بهمن شماره شناسنامه ۴۲۵ متولد ۱۳۴۸ و کارت هوشمند ناوگان به شماره ۱۹۶۰۹۰۷ کامیون تانکر حمل مواد سوختی سیستم بنز ال [illegible]

نوبت دوم کارت معافیت از خدمت متعلق به محمدرضوانی فرزند عزت‌اله متولد ۱۳۶۵ ش ش ۴۲ ش ملی ۷-۲۳۶۸۸۸-۴۳۷ مفقود و اعتبار ندارد.

سند مالکیت و برگ سبز وانت نیسان دوکابین شماره شاسی ۸۸۴۴۲ شماره موتور ۰۱۱۵۷۰ شماره انتظامی ۳۴۹ ص ۱۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت و برگ سبز وانت نیسان تک‌کابین به شماره شاسی ۶۳۰۳۸ و شماره موتور ۳۸۲۵۶۱ و شماره پلاک ۴۷-۳۴۷ الف ۱۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت معافیت خدمت اینجانب محمدرضا قاسمی فرزند غلامرضا متولد ۱۳۶۸ صادره از اصفهان شماره ملی ۱۲۷۰۲۹۵۷۹۹ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. اصفهان

کارت پایان خدمت شماره سریال ۱۸۷۷۷۴۰ بنام محمود مقدم فرزند زریج شماره شناسنامه ۱۸۹۰۱۰۲۵۸۱ صادره شادگان متولد ۱۳۶۹ ـ اعزامی ۱۳۸۸/۱۰/۱۸ ترخیصی ۱۳۹۰/۳/۱۸ محل خدمت ناجا شهرستان چابهار مفقود گردیده و فاقد اعتبار است

... پلاک ۶۶-۲۴ ص ۷۶ به نام حمیدرضا احمدی وفس به شماره شناسنامه ۲۷۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مفقودی نوبت اول شناسنامه و کارت مالکیت پراید مدل ۱۳۸۸ به شماره پلاک ۷۱ ن ۵۴۱ ایران ۴۲ و شماره موتور ۲۹۱۵۷۳۷ شماره شاسی S1412288250009 مفقود گردیده فاقد اعتبار است.

... اشتغال به کار مهندسی و کارت تعهد نظارت اینجانب مهندس نیما محمدی نوکنده به شماره شناسنامه ۷۷، فرزند محمد به شماره ملی ۲۶۴۹۶۳۹۱۸۰ به تاریخ تولد ۱۳۶۱ مفقود شده است.

کارت معافیت اینجانب کیومرث پوررستمی نام پدر عزیزاله تاریخ تولد ۶۸/۱۲/۱۵ کدملی ۲۷۱۰۰۵۱۷۹۶ صادره لاهیجان مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

چون آقای رسول فلاح مالک کامیون مدل ۱۳۵۷ به شماره انتظامی ۳۱۴ ع ۳۵ ـ ایران ۱۶ با شماره شاسی ۱۴۴۲۵۵۳۶ و شماره موتور ۱۰۰۲۳۱۳۹ به علت فقدان سند تقاضای صدور المثنی نموده است. لذا چنانچه هرگونه ادعایی در مورد خودروی مذکور وجود دارد ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ نشر آگهی با در دست داشتن مدارک کافی به دفتر فروش شرکت ایران خودرو دیزل واقع در تهران خیابان آزادی کوچه شهید حبیب‌زادگان پلاک ۱ مراجعه نمایند. «قم»

کوتاه از چهار گوشه کشور

برپایی نمایشگاه بزرگ کتاب در بهبهان

بهبهان ـ خبرنگار اطلاعات: نمایشگاه بزرگ کتاب در نگارخانه میرزا شوقی بهبهان برپا شد.

سید عبدالله حسینی منفرد سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بهبهان با بیان مطلب بالا افزود: در این نمایشگاه بیش از ۵۰۰۰ عنوان کتاب با محوریت موضوعی دینی، مذهبی، تاریخی و اجتماعی با تخفیف ۲۰ درصد به مدت دو هفته در معرض دید علاقه‌مندان قرار می گیرد.

صدور یک میلیون تن سیمان از آذربایجان غربی به خارج

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: یک میلیون تن سیمان تولیدی استان آذربایجان غربی تا پایان امسال به خارج از کشور صادر می‌شود.

عبادالله اکبری رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت آذربایجان غربی این مطلب را اعلام کرد و افزود: از مجموع ٤میلیون تن سیمان تولیدی استان ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تن مصرف داخلی استان بوده و پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال ۸۰۰ هزار تا یک میلیون تن سیمان صادر شود.

وی همچنین از اجرای طرح توسعه کارخانه سیمان سردار بوکان خبر داد و با اعلام اینکه این طرح به زودی آماده بهره‌برداری می‌شود، گفت: طرح توسعه کارخانه سیمان بوکان توسط بخش خصوصی و با ۱۵۰۰ میلیارد ریال برآورد مالی در زمینی به وسعت ۷۰ هکتار شروع شده است.

به گفته اکبری ظرفیت تولید کارخانه سیمان بوکان در فاز نخست ۲۰۰۰ تن در روز بوده که با بهره‌برداری از فاز دوم به ٤۰۰۰ تن در روز افزایش می‌یابد. رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت آذربایجان غربی ادامه داد: با بهره‌برداری از طرح‌های در دست اجرای کارخانه‌های تولید سیمان در سال‌های آینده ظرفیت تولید سیمان در استان به ۹ میلیون تن خواهد رسید.

آذربایجان غربی از نظر تولید سیمان در رتبه هفتم کشوری قرار دارد.

برگزاری یادواره ۱۲ دانش‌آموز شهید بخش کاکی

کاکی ـ خبرنگار اطلاعات: یادواره ۱۲ دانش‌آموز شهید بخش کاکی با حضور گسترده دانش‌آموزان در سالن شهید توپال این بخش برگزار شد.

در این یادواره فتح‌الله کلهر از جانبازان ۸ سال دفاع مقدس گفت: تکریم شهدا به عنوان سرلوحه و چراغ زندگی جوانان در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی و فردی لازم و ضروری است.

وی افزود: هر یک از شهدای دفاع مقدس مردان بزرگی هستند که به خاطر دفاع و پشتیبانی از کیان و شرف ملت ایران از جان خود گذشتند و این آیین‌ها فرصت مغتنمی برای معرفی گوشه‌ای از سلحشوری‌ها و شهادت‌طلبی جوانان این مرز و بوم و نسل حاضر است.

وقوع ۱۲۹۴ مورد زلزله در استان کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: ۱۲۹٤ مورد زلزلهٔ بالای ۳ ریشتر در ۲/۵ سال گذشته در استان کرمان رخ داده است.

مدیریت بحران استانداری کرمان با اشاره به احتمال وقوع ۲۳ مورد از ٤۰ نوع بلایای طبیعی در استان کرمان، گفت: ۱۸ گسل فعال در استان کرمان وجود دارد که برخی از این گسل‌ها در سطح کشور شناخته شده‌اند.

محسن صالحی با اشاره به وقوع ۲۳ زمین لرزهٔ بزرگ و تاریخی در استان کرمان در ۱۰۰ سال اخیر، گفت: فرهنگ‌سازی برای مقاوم‌سازی بناها و ساختمان‌ها پس از زلزله بم مطلوب بوده است. به گفته وی ۱۲٤ هزار واحد مسکونی روستایی و شهری از سال ۸٤ تا پایان سال ۹۰ در استان کرمان بازسازی شده است. به گفته صالحی بنیاد مسکن آمادگی دارد تا تسهیلات مقاوم‌سازی و نوسازی را در اختیار شهرهای کوچک قرار دهد.

رونق گردشگری در شهداد

* بازدید گردشگران خارجی از جاذبه‌های تاریخی و گردشگری شهداد در چند ماه اخیر رونق گرفته است.

مسئول نمایندگی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان در شهداد با اعلام این خبر گفت: در دو ماه گذشته ۱٤۷ گردشگر خارجی از جاذبه‌های این منطقه به ویژه کلوتها دیدن کردند. به گفته حجت ابراهیمی‌زاده از این عده ۷۷ نفر مرد و ۷۰ نفر زن بودند. وی افزود: بیشترین آمار گردشگران مربوط به کشورهای آلمان، ایتالیا، هلند و لهستان بوده است.

او گفت: بقیه گردشگران از کشورهای بلغارستان، جمهوری چک، چین، بلژیک، اسپانیا، رومانی، هنگ‌کنگ، سوئیس، تایوان و انگلیس بوده‌اند. ابراهیمی‌زاده حضور این شمار گردشگر را در شهداد قابل توجه دانست و اعلام کرد: با توجه به نبود هماهنگی برخی تورها با میراث فرهنگی، احتمال این که آمار گردشگران خارجی منطقه شهداد در این مدت بیشتر باشد هم وجود دارد. به گفته وی در تیر و مرداد امسال نیز ۱۲۰ گردشگر خارجی از جاذبه‌های شهداد دیدن کردند.

جمهوری آذربایجان مخالف انتقال آب ارس به دریاچه ارومیه است

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: جمهوری آذربایجان با برداشت آب از رود ارس برای نجات دریاچه ارومیه از خشکسالی، مخالف است.

وحید جلال‌زاده استاندار آذربایجان غربی این مطلب را در جلسه هم‌اندیشی با مدیران مسئول مطبوعات محلی استان اعلام کرد و افزود: طیفی از مردم آذربایجان در سال‌های گذشته نسبت به خشک شدن دریاچه ارومیه اعتراضاتی داشتند این در حالی است که وقتی برداشت آب از ارس مطرح شد جمهوری آذربایجان با آن مخالفت کرد.

وی با بیان اینکه مدیریت استان در زمینه طرح‌های علاج‌بخش دریاچه ارومیه با دو چالش مواجه است، افزود: علاوه بر مخالفت جمهوری آذربایجان با برداشت آب از رود ارس، خود طرح انتقال آب از ارس به دریاچه ارومیه نیز با مشکلاتی مواجه است.

جلال‌زاده اضافه کرد: این طرح که پیشنهاددهنده آن استان آذربایجان شرقی بود، فقط اسم انتقال آب از ارس به دریاچه ارومیه را یدک می کشید و هدف اصلی آبیاری اراضی شرق دریاچه ارومیه بود که با مخالفت مدیریت آذربایجان غربی مواجه شد.

وی ادامه داد: ما به دنبال طرح واقعی برای انتقال آب از ارس به دریاچه ارومیه هستیم.

او گفت: برای نجات دادن این دریاچه علاوه بر انتقال آب از رود ارس، انتقال آب از سه نقطه چپرآباد، سیلوه و کانی سیب رودخانه‌زاب در دست اجرا است.

بررسی اساسنامهٔ خانهٔ مطبوعات استان سمنان

سمنان ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس شورای اطلاع‌رسانی استانداری سمنان بر لزوم همدلی، همیاری و ایجاد وحدت بیشتر خبرنگاران و برگزاری مناسب انتخابات خانه مطبوعات تأکید کرد.

دومین جلسه بررسی اساسنامه خانه مطبوعات استان و موضوع برگزاری انتخابات شورای مرکزی خانه مطبوعات، با حضور خلخالی معاون سیاسی ـ امنیتی استانداری و رئیس شورای اطلاع‌رسانی استان سمنان، سوقندی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی و کارخائی رئیس روابط عمومی استانداری و دبیر شورای اطلاع‌رسانی استان، جمعی از فعالان عرصه خبرنگاری و نمایندگان خبرگزاری‌های فعال در استان، در سالن کوثر استانداری تشکیل شد. در این جلسه، معاون سیاسی و امنیتی استانداری با اشاره به بررسی‌های انجام شده در جلسات قبل درباره اساسنامه خانه مطبوعات توضیحاتی ارائه و ابراز امیدواری کرد که انتخابات پیش روی خانه مطبوعات استان با نظارت و بازرسی مناسب و به نحو شایسته برگزار شود.

رئیس شورای اطلاع‌رسانی استان، با قدردانی از عملکرد مطبوعات استان سمنان اظهار داشت: اگر مطبوعات فعال و پرتوان باشند، بیشترین روشنگری را در سطح جامعه خواهیم داشت. در این باره همدلی و وفاق بیشتر بین خبرنگاران، موجب بالا رفتن توان مطبوعات و رسانه‌ها در عرصه اطلاع‌رسانی در استان می‌شود.

وی با بیان این که نباید مانع تشکیل و فعالیت قانونی تشکل‌های مرتبط دیگر شد بر انجام کامل مفاد اساسنامه و آیین‌نامه خانه مطبوعات استان تأکید کرد و خواستار رعایت کامل حقوق اعضای مجمع عمومی خانه مطبوعات شد و بر رعایت شرایط عضویت و نیز پرداخت حق عضویت از طرف اعضا نیز به عنوان شرایط احراز صلاحیت تأکید کرد.

معاون سیاسی امنیتی استانداری سمنان با توجه به تبصره ۱ بند ٤ شرایط هیأت‌مدیره که احراز صلاحیت نامزدها را برعهده اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گذاشته است، اشاره کرد و از مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خواست شرایط عضویت تمام اعضای قبلی و جدید را بررسی کند و نتیجه بررسی اعلام شود.

همچنین دو روز فرصت دفاع به آنها داده شود و در نهایت پس از بررسی اعتراض‌ها، نتیجه نهایی اعضای خانه مطبوعات را، روز یکشنبه ۲۱ آبان اعلام کند تا در تاریخ معین شده ۲٦ آبان انتخابات شورای مرکزی خانه مطبوعات استان با نظارت و هدایت اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، به نحو شایسته برگزار شود.

همچنین سوقندی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان سمنان با اشاره به لزوم نظارت و هدایت انتخابات خانه مطبوعات و ایجاد فضایی شفاف و عادلانه در این انتخابات، ابراز امیدواری کرد که این انتخابات با نظارت کمیته نظارت به نحو شایسته برگزار شود.

وی همچنین با اشاره به این که قانون مطبوعات شامل مطبوعات الکترونیکی مجوزدار هم می‌شود و با اشاره به این که برای فعالیت رسانه‌ای در فضاهای مجازی باید مجوز خبرگزاری گرفته شود و برای فعالیت مطبوعاتی نیز باید مجوز نشر الکترونیکی لازم است، اعلام کرد: عضویت افرادی که مجوز فعالیت در فضای مجازی را دارند نیز در خانه مطبوعات و نامزد شدن آن‌ها در انتخابات ما لحاظ شرایط مربوطه، بلامانع است، اما فعالیت در وبلاگ‌ها شامل این موضوع نمی‌شود.

کارخائی رئیس اداره روابط عمومی استانداری و دبیر شورای اطلاع‌رسانی استان نیز در این جلسه با اشاره به مصوبات جلسه قبل، اعلام کرد که انتخابات خانه مطبوعات استان سمنان با نظارت و هدایت اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی ٦ آبان در سالن تئاتر هر سمنان برگزار خواهد شد.

در این جلسه پس از بحث و تبادل نظر درباره ابهامات اساسنامه و مطرح کردن پیشنهادها، خلخالی معاون سیاسی امنیتی استانداری و سوقندی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، به حاضرین در جلسه پاسخ‌های لازم را ارائه کردند.

گشایش مرکز نگهداری اشیای تاریخی، فرهنگی و مطالعاتی استان قزوین

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان قزوین گفت: برای حفظ و نگهداری از اشیای به دست آمده غیرموزه‌ای استان، نخستین مرکز اشیای تاریخی، فرهنگی و مطالعاتی در مسجد جامع شهر قزوین افتتاح می‌شود.

اسدالله بیرانوند افزود: استان قزوین با برخورداری از غنای تاریخی و فرهنگی آثار بسیاری از دوره‌های مختلف را در خود جا داده که منحصر به فرد است.

وی با اشاره به اشیای به نمایش گذاشته شده در این مرکز ادامه داد: راه‌اندازی مرکز اشیای تاریخی و فرهنگی استان برای نمایش اشیای غیرموزه‌ای که عمدتاً در انبار موزه‌ها نگهداری می‌شوند، بوده و از بخش‌های مختلفی مثل سنگ مزارهای ادوار مختلف استان قزوین، اشیای مطالعاتی به دست آمده از محوطه‌های کاوش شده دشت قزوین، اشیای به دست آمده از ابنیه تاریخی قزوین، نامه‌های تجاری مکتوب دوره پهلوی و نیز آثار اهدایی تشکیل شده است.

بیرانوند محل این مرکز را شبستان غربی مسجد جامع اعلام کرد و افزود: این مرکز در شبستان ضلع غربی مسجد جامع عتیق قزوین با اعتبار ۳۰ میلیون تومان منطبق با فضای مجموعه و بدون آسیب به شالوده بنا و با نظارت و کارشناسان فنی طراحی و اجرا شد که امیدواریم با راه‌اندازی این مرکز بتوانیم محلی برای مطالعه و پژوهش در حوزه میراث فرهنگی فراهم کنیم.

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری قزوین در پایان از راه‌اندازی موزه ارسی در آینده نزدیک در یکی از شبستان‌های ضلع جنوب شرقی مسجد جامع قزوین خبر داد و هدف از راه‌اندازی این مراکز را فراهم کردن امکان بازدید دانشجویان و علاقه‌مندان فرهنگ و تاریخ کشور برای مطالعه اشیای فرهنگی و تاریخی غیرموزه‌ای اعلام کرد.

خط ارتباطی اطلاعات با مردم

۲ تا ۷ بعدازظهر بجز پنجشنبه و تعطیلات

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

از خوانندگان محترم شهرستانی تقاضا دارد در پیام های خود، نام شهرستان مربوطه را ذکر کنند

بقیه از صفحه ۱۳

برنامه‌های افزایش جمعیت اعلام شود

باتوجه به طرفداری دولت و از جمله وزارت بهداشت و درمان از افزایش جمعیت کشور، ضرورت دارد مسئولان ذی‌ربط طرح‌ها و برنامه‌هایشان را دراین زمینه اعلام کنند تا مردم بدانند که نسل‌های آینده از نظر رفاهی و معیشتی چه وضعی خواهند داشت آن هم در شرایطی که به دلیل کثرت جمعیت، خیابان‌های شهرها از همین حالا تبدیل به پارکینگ شده است!

بندر انزلی ـ یک شهروند

مشکلات معلولان مانه و سملقان

در شهرستان «مانه و سملقان» از توابع استان خراسان رضوی حدود ۲هزار و ۳۳٤ معلول زندگی می کنند که ۵درصد جمعیت این شهرستان را تشکیل می دهند و مشکلاتی به این شرح دارند: خیابان‌های ناهموار و سنگ فرش‌های شکسته و پله‌های بلند و کم عرض ساختمان‌های اداری و عمومی، ارتفاع بلند خود پرداز بانک‌ها عدم استخدام در ادارات و خوداشتغالی معلولان و رفت و آمد با وسایل نقلیه عمومی که امید می‌رود این مشکلات به کمک مسئولان ذی‌ربط حل شود.

مانه و سملقان ـ نوروزی

محیط زیست به داد حیوانات وحشی برسد!

به گفته برخی از ساکنان لواسانات، تعدادی از چرندگان وحشی مانند گوزن، کل و بز کوهی به دلیل نبود علوفه برای چرا، شبانه به باغ‌های این منطقه نزدیک می‌شوند که متأسفانه توسط برخی از اهالی به دام می‌افتند و ذبح می‌شوند. حتی عده‌ای از ساکنان منطقه به فکر تهیه «دام» افتاده‌اند تا این حیوانات بخت برگشته را شکار کنند و پس از ذبح گوشت‌هایشان را بخورند. از سازمان حفاظت محیط زیست استان تهران انتظار می رود با اتخاذ تدابیر لازم، از شکار حیوانات وحشی در لواسانات جلوگیری کند.

کیانمهر کرج ـ محمدهادی پریا زانی

مشکل کم آبی بخش جنگل

یکی از مشکلات اهالی بخش «جنگل» از توابع شهرستان رشتخوار خراسان رضوی کمبود آب است که برای رفع این مشکل، ضرورت دارد پروژه انتقال آب استان خراسان رضوی به طول ٦۰کیلومتر، با رفع کمبود اعتبارات مورد نیاز در اسرع وقت به اجرا درآید.

شهر جنگل ـ هادی شادفر، عضو شورای بخش

قیمت گوشت مرغ دلبخواه شده است

گوشت مرغ در هر نقطه تهران قیمتی دارد و به عنوان مثال در نارمک کیلویی ۳۹۰۰تومان، خیابان نیروی هوایی ٤۵۰۰تومان و بزرگراه شهید محلاتی ٤۸۹۰تومان است. چرا مسئولان امر نمی‌توانند قیمت مصوب گوشت مرغ را در سطح شهر اجرا کنند؟

فرخی پور

تأمین روشنایی شبانه خیابان

روشنایی شبانه خیابان ۱۷ شهریور جنوبی و بخصوص خیابان شهید رضایی و مقابل شیرخوارگاه کافی نیست و از اداره برق منطقه تقاضای تأمین روشنایی را داریم.

محمد کریمی

موزائیک‌های شکسته ترمیم شود

از شهرداری منطقه ۱٤ تقاضا می‌شود نسبت به ترمیم موزائیک‌های شکسته ایستگاه شهید مخبر شمالی در بزرگراه آهنگ اقدام کند.

الیاس قاسمی

پرداخت یارانه‌ها در اول هر ماه

پرداخت توأم با تأخیر یارانه‌های نقدی دولت مشکل ساز شده است و ضرورت دارد ابتدای هر ماه پرداخت شود.

رامتین عرب

تاریخ مصرف موادغذایی ناخوانا است

برروی بسته بندی موادغذایی و تنقلات مدت انقضا و تاریخ مصرف آن‌ها یا قید نشده و یا آنقدر با حروف ریز نوشته شده است که نمی‌توان آن‌ها را خواند. مسئولان امر تولیدکنندگان را موظف کنند تاریخ مصرف موادغذایی را طوری بنویسند که به راحتی قابل خواندن باشد.

سیدبهمن مهدوی

جرایم رانندگی کاهش یابد

جرایم رانندگی خیلی سنگین است و با درآمدهای حقوق‌بگیران تناسب ندارد و اگر هم در پرداخت آن تأخیر شود، به ۲ برابر افزایش می‌یابد که امید می‌رود در مبالغ جرایم تجدید نظر شود.

عرفان

گربه‌ها را از پارک جمع آوری کنند!

در یکی از شب‌ها به پارک نهج البلاغه رفته بودیم که هنگام خوردن شام، تعدادی از گربه‌ها امان ما را بریدند و اجازه ندادند غذا به راحتی از گلویمان پایین برود! در ضمن در مورد افزایش تعداد شیرهای آب در این پارک هم باید فکری شود.

محمدامین اردشیر

تقاضا از شهرداری گرگان

از شهرداری گرگان تقاضا می‌شود نسبت به نصب وسایل بازی جدید و پیشرفته در پارک این شهر اقدام کند.

گرگان ـ امیرهوشنگ باقری

کالا برگ دوباره برقرار شود

حالا که تورم و گرانی‌های بی حساب و کتاب همچنان به پیش می‌رانند، بهتر است دولت مانند سال‌های گذشته کالابرگ مایحتاج عمومی را اعلام کند تا عده‌ای سودجو نتوانند از نیازهای مردم سوءاستفاده و اجناس را روز به روز گرانتر کنند. در دوران ۸ سال جنگ تحمیلی چون مایحتاج مردم به وسیله کالا برگ توزیع می‌شد، هموطنان مان تورم و گرانی‌ها را کمتر احساس کردند.

سمنان ـ ابوطالب مداح، بازنشسته جهادکشاورزی

ناهماهنگی‌ها موجب سرگردانی خبرنگاران شد!

روز ٦ آبان ماه جاری به مناسبت سفر معاون اول رئیس‌جمهوری به زرند (استان کرمان) و افتتاح یک کارخانه دراین شهر از ۲۸ خبرنگار برای تهیه گزارش از این مراسم دعوت به عمل آوردند، اما به دلیل ناهماهنگی‌های مسئولان برگزارکننده مراسم، از ورود آنان با دوربین‌های عکاسی و تلفن‌های همراه جلوگیری به عمل آمد و پس از گذشت یک ساعت معطلی و بلاتکلیفی، بالأخره معلوم شد که بی‌برنامگی و عدم هماهنگی مسئولان ذی‌ربط موجب سرگردانی خبرنگاران شده است، که امید داریم این ماجرا دیگر تکرار نشود.

زرند (کرمان) ـ یک خبرنگار

جمشید روغن نباتی را هم احتکار کرد!

پس از آن که معاون اول رئیس‌جمهوری اعلام کرد شخصی به نام جمشید بسم الله موجب برهم خوردن بازار ارز و سکه شده است، نامبرده اخیراً به صورت مخفیانه وارد کرج شده و با احتکار روغن نباتی، قیمت یک حلب ٤/۵کیلوگرمی آن را به ۳۵ هزار تومان افزایش داده است!

کرج ـ علی حسینی

غیردولتی درست است نه غیرانتفاعی!

در یادداشت سردبیر تحت عنوان «ظرفیت»، از کلمات «دانشگاه غیرانتفاعی» استفاده شده بود. حال آن که هم اکنون وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و علوم هم پذیرفته‌اند که غیرانتفاعی به معنای مجانی است و به جای آن باید از مدارس و دانشگاه‌های غیردولتی استفاده شود، که امید است سردبیر محترم روزنامه هم به این موضوع توجه داشته باشد.

خوانند روزنامه اطلاعات

تلاش جهادگران در سرزمین نخل‌ها و مناره‌ها

کاروان خبرنگاران عکاسان و طراحان در سفری چهار روزه به شهرستان نیکشهر در استان سیستان و بلوچستان از فعالیت‌های قرارگاه جهادی شهید شوشتری که از چهار سال قبل برای رفع محرومیت در برخی از روستاهای این شهرستان تلاش می‌کند، دیدن کردند.

در آغاز این سفر و پس از ورود به شهرستان چابهار، گروه خبرنگاران برای ادای دین و تکریم شهدا با خانواده شهید حامد بزی دانشجویی که سه هفته قبل درجریان حادثه تروریستی و درمقابله با عامل تروریستی به شهادت رسید، دیدار کردند.

در این دیدار پدرو مادر شهید بزی از آرزوی فرزندشان برای شهادت گفتند. شهید حامد بزی دانشجوی رشته کامپیوتر دانشگاه آزاد چابهار و از نیروهای فعال جهادگر بسیجی بود. پدر شهید بزی درباره روز حادثه گفت: پسرم عضو بسیج پایگاه امام حسین(ع) بود و از نوجوانی در مسجد و بسیج فعالیت داشت. او در بیشتر فعالیت‌های مسجد حضور فعالی داشت و به صورت شبانه روز در مسجد بود. در روز حادثه نیز پس از بلند شدن از خواب غسل شهادت کرد و به من گفت که برای توجیه بچه‌ها زودتر به مسجد می‌رود. برادرش نیز همراه او به مسجد رفت. بعد از خواندن نماز ظهر بود که ظاهراً حامد به تردد فردی با لباس بسیجی ظنین شده و وقتی تردید او را در ورود به مسجد می‌بیند مشکوک شده و به سراغش می‌رود این فرد نیز با عقب کشیدن خود اقدام به ترک محل می‌کند که حامد به همراه یک مأمور انتظامی شروع به تعقیب او می‌کند و در همین هنگام نیز مرتضی آسوده دانش آموز بسیجی که درهمان مسجد فعال بود با موتور سیکلت جلو این عامل انتحاری پیچیده و با رسیدن حامد و مأمور انتظامی به این فرد او نیز اقدام به انفجار می‌کند.

پدر شهید افزود: مادرحال خواندن نماز بودیم که متوجه صدای انفجار شدیم و بعد فهمیدم که عامل انفجاری قصدداشته پس از نماز با خروج مردم از مسجد اقدام خود را عملی کند که با دخالت فرزندم نتوانسته بود.

وی که خود بازنشسته نیروی انتظامی است، اضافه کرد: حامد بسیجی جهادی نیز بود وعید امسال به همراه بچه‌های بسیجی در زابل در فعالیت‌های عمرانی شرکت داشت. علاقه زیادی نیز به مناطق عملیاتی داشت و بارها به همراه کاروان راهیان نور به این مناطق سفر کرده بود.

پدر شهید بااشاره به اینکه دشمنان نظامی اسلامی نمی‌توانند بااین اقدام‌های خود تفرقه‌ای بین اهل سنت و شیعه منطقه چابهار ایجاد کنند گفت: امام جمعه چابهار خارچشم دشمنان است زیرا او باعث وحدت گروه‌های دینی دراین منطقه است و آنها نمی‌توانند همبستگی ما را برهم بزنند. مادر شهید بزی که خود کارمند بیمارستان است نیز گفت: حامد همیشه می‌گفت که اگر جنگی بشود به جبهه می‌روم و شهید می‌شوم. عاشق شهادت بود و شوقی دیگری داشت و من خوشحالم که او با نثار جان خود از ریختن خون بی گناهان دیگر جلوگیری کرد. از مسئولان می‌خواهم که با اقدام‌های مؤثرتر و تامین امنیت بیشتر جلو دخالت‌ها و اقدام‌های تروریستی دشمنان کشور را بگیرند.

یکی از مسئولان سپاه چابهار نیزبااشاره به اینکه عامل انتحاری که خودنیز به هلاکت رسیده است، از منطقه دیگری به چابهار آمده بود افزود: با پیگیری‌های اطلاعاتی، چند نفردیگر از افراد مرتبط با عامل تروریستی بازداشت شده‌اند وتحقیقات از آنها ادامه دارد. دراین مراسم مسئولان بسیجی قرارگاه جهادی شهید شوشتری بااهدای لوح و چفیه‌ای که به دست رهبر معظم انقلاب متبرک شده بود، با آرمان‌های شهدای حادثه تروریستی تجدید پیمان کردند.

*** رونق اقتصادی چابهار**

قومیت ساکن در شهرستان چابهار بلوچی هستند واین شهرستان از شمال به شهرستان‌های ایرانشهر و نیکشهر و از جنوب به دریای عمان، پاکستان و استان‌های کرمان وهرمزگان محدود می‌شود. چابهار دارای سه بخش مرکزی، دشتیاری و پلان است. ساخت مراکز صنعتی و تجاری و خانه‌های چند طبقه و ویلایی در این منطقه آن را به محلی برای کسب و کار و درآمد وسکونت مهاجران تبدیل کرده است. ساخت مسکن مهر و اعطای وام برای ساخت و ساز و تبدیل کپرها به خانه‌های آجری سبب تغییر محسوس در ساختار شهری این منطقه شده است و دیگر کمتر خانه‌های کپری در آن دیده می‌شود.

چابهار دارای جاذبه‌های گردشگری نیز است که روستای تیس که براساس گفته محلی‌ها قدیمی‌ترین منطقه چابهار است و به واسطه گسترش این روستا، شهرستان چابهار به وجود آمده است یکی از دیدنی‌های این شهرستان است. چابهار تنها ناحیه‌ای از ایران است که می‌توان درآن به راحتی و در شرایط طبیعی همانند جزایر سوماترا، کائوچو و به مانند سرزمین هند درختان موز، خربزه درختی (پاپایا)، انبه، انجیر هندی و بسیاری از گیاهان گرمسیری را به عمل آورد. جاذبه دیگر شهرستان چابهار و دیگر شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان، پوشش محلی مردان و زنان آن است. مردان بلوچ لباسی ساده و بلندی دارند و دستاری عموماً سفید که هنگام خواندن اذان از آن به عنوان سجاده نیز استفاده می‌کنند به طوری که رانندگان همراه کاروان خبرنگاران در مواقع غروب خورشید در حال عبور از جاده با متوقف کردن خودروها با انداختن این دستار به زیرخود برروی آن نماز می‌خواندند. پوشاک زنان و دختران نیز تقریباً یک دوخت اما با تنوع رنگی و طرح دوخت‌های متفاوت است.

زنان بلوچ در شهرستان‌های چابهار و نیکشهرو ایرانشهر از فعال‌ترین زنان درعرصه کارهای صنایع‌دستی و تامین پوشاک محلی خود هستند. در طول سفر زنانی را دیدیم که درحال سوزن دوزی روی پارچه‌های طراحی شده با قالب‌های دستی بودند. برخی از آنها این پارچه‌هارا برای نیاز خود و برخی نیز برای عرضه در بازار تهیه و آماده می‌کردند. نکته جالب اینکه بر اساس سنتی دیرینه، مادر شوهرها برای عروس‌های خود دراین نقطه از کشورمان باید لباس‌های محلی با طرح‌های مختلف سوزن‌دوزی کرده و به عروس خود هدیه کنند که بسته به وسع خانواده داماد و توانایی مادر شوهر، این لباس‌ها بین ٤ تا ۳۰ دست لباس آماده و قبل از عروسی به خانواده عروس اهدا می‌شود. کودکان چه پسر و چه دختر نیز از همین لباس‌های محلی پوشیده بودند و کمتر لباس‌های شهرنشینان را می‌توان در تن افراد این منطقه دید. از یکی از زنان روستایی که درحال سوزن‌دوزی روی لباسی بود پرسیدم این لباس را چند می‌فروشی؟ گفت آن رادر بازار دو صد هزار می‌فروشند و متوجه شدم که قیمت لباس ۲۰۰هزار تومان است. مسئولان کشوری ما که به دنبال طراحی لباس متناسب با فرهنگ اسلامی هستند می‌توانند از این خلاقیت بالقوه و ایرانی و سنتی بهره بگیرند. لباس بومی بلوچی زیبایی‌ها و تنوعی جالبی دارد که می‌تواند در عرصه تهاجم فرهنگی و رواج بدپوشی الگویی مناسب باشد. پوشش روسری زنان بلوچی نیز بسیار زیبا بود و روی آنها نیز سوزن‌دوزی و منجوق‌دوزی کرده بودند. روسری زنان بلوچی چیزی کمتر از چادر ما نیست. این روسری نیز بخش زیادی از سر و بدن زنان را می‌پوشاند و با توجه به موقعیت کاری اکثر خانواده‌ها که کشاورزی و دامداری بود عاملی دست و پاگیر برای آنها نبود و نیست.

*** مردان بلوچ لباس ساده و بلندی دارند و دستاری عموماً سفید که هنگام خواندن اذان و نماز از آن به عنوان سجاده استفاده می‌کنند**

*** زنان بلوچ در شهرستان‌های چابهار، نیکشهر و ایرانشهر از فعال‌ترین زنان در عرصه کارهای صنایع‌دستی و تأمین پوشاک محلی هستند**

*** نیکشهر؛ سرزمین نخل‌ها و مناره‌ها**

وارد جاده‌ها و روستاها و بخش‌های شهرستان نیکشهر که می‌شوید قامت ایستاده نخل‌ها و مناره‌های زیبای مساجد آن شما را محوخود می‌کند. زیباترین بخش‌های روستاهایی که گروه کاروان خبرنگاران به آن سفرکردند مساجدی بودکه با مناره‌های زیبا ورنگ‌های آبی و سفیدش خودنمایی می‌کردند. در روستاهای محروم این منطقه نیز مساجد به زیبایی ساخته و رنگ‌آمیزی شده و از مناره‌های آن صدای اذان بلند بود. خانه‌ها خاکی رنگ و سیمانی و کپرهای ساخته شده با شاخه‌ها و برگ‌های درختان خرما در تلفیقی با مساجد سفید رنگ با مناره‌های آبی رنگ زیبای خاصی به این روستاها بخشیده‌است. نخلستان‌های شهرستان نیکشهر عمده درآمد کشاورزان این منطقه است. کشاورزان این منطقه علاوه بر داشتن نخل، اقدام به کشت برنج در پای این نخل‌ها نیز می‌کنند و همچنین درختان پرتقال و انبه نیز دارند اما عمده کار کشاورزی همان نگهداری از درختان خرما و برداشت محصول آن است. درخانه‌ای روستایی در روستای چانف در شهرستان نیکشهر، دبه‌های پلاستیکی پر از خرما دیدم و از صاحبخانه پرسیدم که مصارف آن چیست و او پاسخ داد که ما با برداشت محصول خرما و درآوردن دانه‌های آن، خرما را دراین ظرف‌ها ریخته و برای ماه سرد سال از آن به عنوان غذای مغذی استفاده می‌کنیم. پرسیدم آیا به خرماها چیزی نیز اضافه می‌شود و او گفت نه.

درسفر خود به شهرستان نیکشهر و مشاهده نخلستان‌های خرما این سوال برایم پیش آمد که آیا در شهرستان با این وسعت نخلستان کارخانه‌های فراوری محصول و بسته‌بندی و فروش آن را نیز دارندکه روستائیان گفتند ما محصولمان را به صورت دستی به فروش می‌رسانیم یا آن را برای مصرف خودمان نگهداری می‌کنیم و اگر امکان انتقال به شهر نیز نداشته باشیم، محصول از بین می‌رود.

عدم توسعه بخش صنعت و راه در شهرستان نیکشهر معضلی است که نیازمند توجه جدی مسئولان بومی و کشوری است. ساکنان روستاها و شهرها و بخش‌های کوچک این شهرستان از راه مناسب برای عبورو مرور برخوردار نیستند. هیچ کارخانه تولید وصنعتی ندارند و مشکل خشکسالی و کمبود آب و رکود کشاورزی نیز بسیاری از نیروهای کاری آن را به شهرهای دیگر کشانده است.

*** روستای شگیم: شیشه غم**

روستاهای نیکشهر اسامی بومی و جالبی دارند، هیچان، اوگینگ، تنگه سرحه، چانف و ... روستای شگیم بالا و پایین درفاصله ۲۸ کیلومتری شمال مرکزی شهرستان نیکشهر روستایی بود که ما با عبوراز جاده‌ای پر پیچ و خم به آن رسیدیم. وقتی از اهالی پرسیدم که معنی شگیم چیست؟ نمیدانستند چه معنی دارد اما یکی از مسئولان محلی گفت که شگیم به معنای «شیشه غم» است اما وجه تسمیه آن را نمی‌دانستند. این روستا نیز درکنار نخلستان‌های خود درحاشیه رودخانه به صورت پلکانی ساخته شده است. آبشارهای کلگان و تاسکان از جاذبه‌های منحصر به فرد این روستا است که درتابستان گردشگرانی را جذب می‌کند.

یکی دیگر از آثار دیدنی این روستا مجسمه سنگی است که به صورت تکه سنگ کاملاً شبیه انسان ایستاده است. این روستا۷شهید دفاع مقدس و۲شهید مقابله با اشرار به انقلاب اسلامی تقدیم کرده است که خانواده آنها زیر نظر بنیاد شهید نیکشهر قراردارند. به گفته حدادی رئیس بنیاد شهید نیکشهر، این شهرستان ۵۳شهید، پنج آزاده و ۳۲جانباز تقدیم نظام اسلامی کرده است و از ۵۳ شهید تقدیمی ۱۵نفراز آن‌ها شهدای دفاع مقدس هستند. وی افزود: روستای شگیم بالا و پایین با ۱۱۰ هکتار وسعت ۱۲۰۰ نفرجمعیت دارد و ۲۲۵خانوار درآن ساکن هستند. حدادی با بیان اینکه ۸۵درصد از اهالی روستاباسوادهستند، گفت:شغل اهالی کشاورزی و دامداری است. وی عمده مشکل این شهرستان را خشکسالی و نبود آب آشامیدنی سالم اعلام کردو افزود: در اکثر روستاها آبرسانی با تانکر صورت می‌گیرد و همین امر سبب بروز مشکلات بهداشتی برای اهالی شده است. رئیس بنیاد شهید نیکشهر که به همراه خانواده شهدای این روستا با کاروان خبرنگاران دیدن می‌کرد با بیان این که دراین روستا مدرسه ابتدایی و راهنمایی دایر است، افزود: از اهالی روستا شش نفر مدرک تحصیلی دارند که شاغل به تحصیل در مدرسه و شبکه بهداشت هستند.

گل افروز دختر ۱۹ ساله شگیمی، نبود دبیرستان، عدم ارتباط تلفن همراه ونبود آب آشامیدنی سالم و خانه بهداشت مناسب را از مشکلات روستایش می‌دانست. این دختر روستایی که خود نیز سوزن‌دوزی می‌کرد با هفت خواهر و برادر خود درخانه‌ای با دو اتاق زندگی می‌کرد و آشپزخانه آنها نیز کپری بود که کپسول گازی در بیرون آن به چشم می‌خورد. پدر گل‌افروز در چابهارکارگری می‌کرد و خود او نیز به مادرش در آشپزی کمک می‌کرد. وقتی از او پرسیدم آیا سرگرمی دیگری غیر از کار سوزن‌دوزی دارد فقط به من نگاه کرد. او تاکنون به پایتخت سفری نداشته و تنها شهری که دیده است نیکشهراست.

کودکان شگیمی، حتی یک پارک تفریحی ندارند، کتابخانه‌ای در روستا وجود نداشت و مدارس این کودکان کلاس درسی است که حتی حیاطی ندارد که در آن بتوان وسایل بازی گذاشت. کلاس‌های درس این کودکان یک معلم بیشتر ندارد و این معلم نیز هم به دخترها و هم پسرها آموزش می‌دهد.

*** رانندگی بدون گواهینامه**

وقتی از جوانان روستا پرسیدم که همگی شما موتورسیکلت دارید و برای رانندگی نیاز به گواهینامه دارید متوجه شدم که بسیاری از آنها بدون گرفتن گواهینامه در جاده‌های روستایی و شهری تردد می‌کنند و به واسطه نداشتن سواد و حرفه‌ای مجبور به کار در مراکز اداری نیز نیستند. نکته جالب درباره زنان روستاهای مورد بازدید زیورآلات و از جمله گوشواره‌های بزرگی بود که آنها به گوش‌های خود آویزان کرده بودند. براساس مراسم سنتی ازدواج در این منطقه مردان باید بین ۱۰۰تا ۲۰۰ مثقال طلا برای همسران خود بخرندکه این خرید نیز بر عهده پدر داماد است. گوشواره‌های خریداری شده برای زنان روستایی چنان سنگین است که آنها این گوشواره‌ها را با بندی به سر خود وصل کرده‌اند تا موجب پارگی گوش‌های آنها نشود. مهریه این زنان روستایی نیز طلا، خانه، زمین و درخت نخل است. بسیاری از اثاثه مورد نیاز زندگی که چندان هم تجملی نیست توسط والدین داماد خریداری می‌شود و خانواده عروس دراین منطقه از کشورمان کمتر متحمل هزینه سنگین هستند.

*** مسجدی برای مردان**

روستای چانف روستای دیگری بودکه ما برای دیدن اهالی و خواندن نماز درآنجا توقف کردیم. به خانه همسر شهید جاویدالاثر جلال نوکری رفتیم. او در جبهه دهلران به شهادت رسیده و تاکنون اثری از او به خانواده‌اش برنگشته است. همسر و دختر این شهید در حال حاضر به واسطه تحصیل تنها فرزند شهید در دانشگاه ساکن نیکشهر شده‌اند. کشاورزی روستائیان این روستا نیز پرورش درخت نخل و برداشت محصول بود و درخانه‌های آنها نیز خرماها برای مصارف فصل سرما ذخیره‌سازی شده‌بود. این روستادارای یک قلعه تاریخی است که زیر نظر میراث فرهنگی قراردارد.

*** تلویزیون نداریم**

درروستای کنارک و سرزد ما به دیدن اهالی رفتیم. روستائیانی که به واسطه پایبندی اعتقادی تلویزیون ندارند و به زنان خودنیز اجازه انداختن عکس نمی‌دهند. از یکی از جوانان روستا که به تازگی ازدواج کرده بود پرسیدم که آیا عکسی از نوعروس خود دارد که او گفت ما اجازه نداریم حتی در عروسی نیزاز عروسمان عکسی بگیریم. به گفته یکی از دخترکان روستای کنارک تنها در خانه آنها تلویزیون وجود داشت که البته بیشتر از چند کانال تلویویزن رانیز نمی‌گرفت. هنر زنان این روستا سوزن‌دوزی و همکاری با مردان در ساخت کپر و برداشت محصول بود و مردان روستا نیز یادر شهرستانی دیگری مشغول به کارگری بودند یا باپایان فصل برداشت محصول در روستا به دور هم نشسته و نظاره گر گذشت زمان بودند.

*** بزها تنها حیوان محلی**

نکته جالب در طول سفرچهارروزه ما به روستاهای نیکشهر این بود که در طول گذر از جاده‌ها و مناطق روستایی و دشت‌های این منطقه مابجز بزها حیوان دیگری ندیدیم.

بزها وتعداداندکی گوسفند جزو دامداری اهالی این منطقه هستند. وقتی از راننده همراه کاروان پرسیدم که چرا هیچ پرنده‌ای در طول مسیرمان در پرواز نبود گفت که خشکسالی چند سال اخیر بسیاری از حیوانات بومی منطقه را مجبور به کوچ به محل‌های آبادتر کرده‌است. تنها بزها که حیواناتی سازگارتر هستند و از همه چیز تغذیه می‌کنند درکنار اهالی مانده‌اند. براستی اگر برنامه‌ریزی مناسبی برای تامین آب در روستاها و بخش‌های این شهرستان نشود و روند خشکسالی نیز همچنان ادامه داشته باشد آیا روستائیان این منطقه نیز مجبور نخواهند شدکه مثل پرندگان منطقه کوچ کنند؟

*** جهادگران قرارگاه جهادی شهید شوشتری ۴ سال است برای رفع محرومیت از روستاهای شهرستان نیکشهر در تلاشند**

*** ساخت مراکز صنعتی و تجاری و خانه‌های چندطبقه و ویلایی در چابهار، این شهر را به محلی برای کسب و کار و سکونت مهاجران تبدیل کرده است**

*** زباله‌های پراکنده**

روستاهای محرومی که ما در طول مسیر به آنها سفر کردیم از سیستم‌های جمع آوری زباله بهره‌مند نبودند. زباله‌هادر هر گوشه و کنار به چشم می‌خورند و جالب این که بزها مصرف‌کنندگان اصلی این زباله‌ها بودند و روستائیان نیز مصرف‌کنندگان اصلی شیر این حیوانات. چرخه‌ای که جز بیماری درآن تعریفی نمی‌توان یافت. زنانی که به واسطه سفر همسرانشان برای کار در شهرهای دیگر برای فرزندان خود هم پدر و هم مادر بودند و تمام مسئولیت زندگی را به دوش می‌کشیدند و در این شرایط فشارها به صورت بیماری‌های عصبی به آنها رخ نشان می‌داد. البته کودکان بلوچی بسیار خونگرم و مهربان بودند به طوری که در طول ساعاتی که ما در روستای آنها بودیم ما را تنها نگذاشتند و همراهمان بودند. هرچند در برخی روستاها کودکان با دیدن دوربین عکاس وحشت می‌کردند ولی این امیدسازان نسل آینده منطقه نیکشهر نیازمند مراقبت و توجه بیش از بیش مخصوص درموضوع آموزش هستند تا زندگی بهتری از والدین خود داشته باشند.

*** سینما چیست؟**

فنوج، اسپکه وگوتیج سه بخشی بودند که کاروان خبرنگاران برای رسیدن به روستاها از آن عبور کردند نمی‌دانم به دلیل تعطیلات چند روزه بود یا ساختار این شهرها اقتضا می‌کند که پس از غروب خورشید این بخش‌ها که باید پاسخگوی نیازهای روستائیان نیز باشند کاملاً تعطیل شده و حتی پمپ بنزین‌های آنها تعطیل می‌شد به طوری که راننده‌ها برای زدن بنزین مجبور شدند مسئولان دو پمپ بنزین را بیدار کنند. در این شهرها در دو نقطه من چند وسیله بازی کودکان رادر محلی که شاید می‌شد آن را پارک نامید دیدم اما نه سینمایی دیدم و نه مرکز تفریحی.

بعد از غروب خورشید حتی نمی‌توان فردی درآنجا یافت که از او آدرسی پرسید و این شهرهای کوچک چنان تهی از جنب و جوش هستند که اگر نبود چراغ‌های روشن خانه‌ها بیشتر تصور می‌شد شبیه شهرهای خالی از سکنه هستند.

نمی‌دانم جوانان و نوجوانان این شهرهاوروستاها چه تفریحی دارندمن فقط جمع‌های کوچکی از آنها را دیدم که در کنار خیابان نشسته بودند و دیگر هیچ. مسئولان فرهنگی این شهرستان با توجه به آموزه‌های قومی و دینی ساکنان می‌توانند برنامه‌های متنوعی را طراحی و اجرا کنند. در روستای سرزد، ما به مدرسه قرآنی کودکان روستا رفتیم. یکی از اهالی گفت یک روحانی به کودکان و نوجوانان روستا قرآن می‌آموزد و آنها طی هفته از کلاس‌های قرآنی بهره‌مند می‌شوند ولی درباره اینکه آیا کودکان آنها به جز خواندن قرآن، بازی یا فعالیت دیگری نیز دارند چیزی نمی‌دانست و با تعجب نگاهم می‌کرد.

*** نتیجه ٤سال تلاش**

روستای چهارده معصوم(ع) زبرینگ نقطه عطف تلاش‌های بسیجیان جهادگری است که طی چهار سال گذشته با شناسایی این روستا در نزدیک مرز نیکشهر – ایرانشهر توانسته‌اند فعالیت‌های عمرانی، بهداشتی و فرهنگی خود را درآن ارائه دهند. یک جاده خاکی پراز پیچ و تاب با عبوراز بستر چهار رودخانه از جمله رودخانه خشک شده کاجو ما را به این روستا می‌رساند. روستائیان این روستا خانه‌های آجری دارند و دیگر کمتر از کپر استفاده می‌کنند. البته هنوز آشپزخانه و محل نگهداری دام‌های آنها کپری است. سرویس حمام و توالت این روستائیان نیز بهسازی شده و هر خانه سرویس مجزایی دارد. جهادگران بسیجی با انتقال آب و لوله‌کشی آن، آنها را از آب بهداشتی سالم نیز بهره‌مند کرده‌اند. کودکان این روستا تحت آموزش‌های فرهنگی جهادگران قرار گرفته‌اند و شعرخوانی می‌کنند و نقاشی‌های خود را به آنها نشان می‌دهند. فرشاد عالی مسئول قرارگاه جهادی شهید شوشتری که از ٤ سال گذشته زندگی خود را وقف تلاش برای آبادی و عمران این روستاها کرده است و به شرایط محیطی آشنا شده است می‌گوید ما وقتی به این محل رسیدیم برای اینکه فرقی بین اهالی شیعه و سنی نگذاشته باشیم اول برای یکی از بزرگان روستا که سنی بود خانه‌ای ساختیم تا شائبه‌ای به وجود نیاید. اهالی این روستا چنان با ما همراه شده‌اند که حتی خانه خود را دراختیار بچه‌های جهادی قرار می‌دهند تا ساکن آنجا شوند. وقتی به این روستا آمدیم زنان آن تنها یک نوع غذا می‌پختند ولی حال در سایه تلاش بسیجی‌های داوطلب وضع آشپزی آنها بهتر شده‌است. هنوز برخی از اهالی دوست ندارند از حمام شخصی استفاده کنند و برای شستشو به رودخانه کنار روستا می‌روند اما همین مسأله که کودکان آنها دیگر از حمام شخصی با آب لوله‌کشی استفاده کنند می‌تواند تامین کننده آینده باشد.

ما براساس منویات مقام معظم رهبری بیشتر سعی داریم در جریان رفع محرومیت‌ها، با کارهای آموزشی نسل کودک و نوجوان را تحت تعلیم و آموزش قرار دهیم و راندمان کارمان در آینده مطلوب‌تر و ثمر بخش‌تر باشد. از او پرسیدم آیا درکنار این کارها هسته‌هایی از خود نوجوانان و جوانان روستا را نیز برای یادگیری آموزش‌ها و فعالیت‌های عمرانی به کار گرفته‌اید افزود: گام اول در ورود به عرصه جلب مشارکت روستائیان است و اینکه آنها ما را به عنوان افرادی که برای کمک به آنها شتافته‌ایم بپذیرند و بومی کردن فرهنگ جهادی نزد جوانان منطقه است. درگام‌های بعدی نیز سعی داریم نخبگان بومی منطقه با به دست گرفتن کارهای اجرایی ادامه‌دهنده راه ما باشند.

***حضور دندانپزشکان داوطلب**

بخشی از فعالیت‌های گروه‌های جهادی مربوط به مسائل بهداشتی و پزشکی روستائیان است که درمیان پزشکان و دانپزشکان داوطلبی نیز به صورت داوطلبانه و جهادی در این عرصه همکاری دارند.

پایگاه بسیج روستای زبرینگ شاهد حضور دو دندانپزشک جوانی بودند که برای معاینه دهان و دندان‌های اهالی روستا و مخصوصاً کودکان خود نیز تجهیزات دندانپزشکی (یونیت) را به همراه آورده بودند. لقمان ابراهیمی و مهرداد کهریز فارغ‌التحصیلان رشته دندانپزشکی دانشگاه آزاد اسلامی تهران از چند سال قبل به صورت داوطلبان در چندین استان کشورمان اقدام به معاینه بیماران دهان و دندان به صورت رایگان کرده‌اند.

این دو دندانپزشک هدف خود از شرکت در فعالیت‌های جهادی را خدمت به محرومان و رضای خدا اعلام کردند لقمان درحالی که با معاینه دندان‌های کودکان روستای زبرینگ به آنها آینه مخصوص دندانپزشکی و مسواک می‌داد گفت: تاکنون به استان‌های ایلام، کردستان، کرمانشاه و سیستان و بلوچستان برای کمک‌های داوطلبانه سفر کرده‌ام. وی آموزش دادن به کودکان برای مراقبت از دندان‌هایشان را یکی از کارهای مهم در عرصه فعالیت‌های بهداشتی در روستاهای محروم اعلام کرد و گفت: با آموزش به کودکان می‌توانیم اهداف بهداشتی را ماندگارتر کنیم.

لقمان عمده مشکل کودکان روستایی را پوسیدگی دندان‌ها خواند و افزود: یاد دادن روش صحیح مسواک زدن و تاکید بر اینکه باید هر روز مسواک بزنند و دست و روی خود را بشویند سلامتی کودکان را تامین خواهد کرد. این دندانپزشک تاکید کرد: سعی داریم با جلب مشارکت سایر همکاران خود و ایجاد گروه‌های داوطلب بتوانیم خدمت بیشتری به مردم کشورمان داشته باشیم. مهرداد نیز کار در نقاط محروم و کمک به نیازمندان را تجربه‌ای دانست که با سال‌ها کار در کلانشهرها قابل مقایسه ندانست.

کودکان زبرینگ باوجودی که با ترس بر کار این دو دندانپزشک نظارت می‌کردند و با وحشت بر روی یونیت می‌خوابیدند تا معاینه شوند اما نحوه صحیح مسواک زدن را آموخته بودند و این نشان از به نتیجه نشستن تلاش‌های پزشکان داوطلب بود.

*** برق‌رسانی به روستای دراپ**

کمی دورتر از روستای زبرینگ؛ به روستای دراپ رفتیم که پیمانکار وزارت برق در حال نصب ترانس برق‌رسانی در محل بود و برق‌رسانی به این روستا به پایان راهش رسیده بود. البته به گفته مسئول برق‌رسانی، چند روستای دیگر منطقه نیز برق ندارند که در طول چند ماه آینده نیز به آنها برق‌رسانی خواهد شد.

روستائیان دراپ آب آشامیدنی خود را در فاصله یک کیلومتری از یک چشمه تأمین می‌کردند که با رسیدن برق به این روستا جهادگران قصد داشتند با استفاده از پمپ، آب را به محل زندگی آنها برسانند.

به گفته مسئول قرارگاه جهادی شهید شوشتری، به دلیل قرار گرفتن این روستا در مرز میان دو شهرستان نیکشهر و ایرانشهر مشکل برق‌رسانی به آن وجود داشت که با رفع این مشکل، اهالی این روستا نیز صاحب برق شدند و در گام بعدی نیز سعی داریم با احیای چاه آبی که در نزدیکی نخلستان‌های متعلق به اهالی قرار دارد زمینه گسترش کشاورزی برای آنها را فراهم سازیم.

*** مسئولان که در پی طراحی لباس مناسب با فرهنگ اسلامی هستند، می‌توانند از خلاقیت زنان بلوچ بهره گیرند چرا که لباس بومی آنان زیبایی و تنوع جالبی دارد**

*** مسئولان قرارگاه جهادی شهید شوشتری: گام بعدی سعی در به کارگیری نخبگان بومی است تا با انجام کارهای اجرایی، ادامه‌دهنده راه ما باشند**

وقتی از او پرسیدیم که بجز محصول خرما این روستائیان آیا از سبزی و میوه‌های دیگر نیز استفاده می‌کنند گفت: عمده محصول این روستائیان خرماست اما جهادگران با آموزش‌های لازم از روستائیان می‌خواهند که دیگر مصارف خود را نیز کشت کنند به طوری که درحال حاضر در روستای زبرینگ دو قطعه زمین کشاورزی توسط خود اهالی بهسازی شده است تا درآن سبزی بکارند و البته یکی از مزارع به بار هم نشسته است. دراین صورت آنها می‌توانند سیب زمینی، پیاز و گوجه فرنگی خود رانیز تامین کنند و به غذاهای خود نیز تنوع ببخشند.

نکته دیگری که درجریان این بازدید از روستاها به چشم می‌خورد نبود هیچ مغازه، تعمیرگاه، مکانیکی یا آهنگری در روستاها بود. روستائیان در این منطقه برای تهیه هر نوع مایحتاج خود باید به بخش‌ها یا روستاهای بزرگتر مراجعه کنند. در طول جاده خودروهای وانت باری که درحال حمل زنان و کودکان و خریدهای آنها بود به چشم می‌خورد.

فرشاد عالی درباره اینکه چرا هیچ کارخانه فرآوری خرما یا حتی یک مغازه و یا یک تعمیرگاه یا آهنگری با توجه به نیاز روستائیان وجود ندارد گفت: بخشی از نبود این نوع فعالیت‌ها به خود اهالی بستگی دارد ظاهراً شیوه زندگی آنها زندگی در کپر با حداقل امکانات بوده است و به همین دلیل این نوع خدمات در آنها دیده نشده است. آنها برای خرید مایحتاج خود سفر می‌کنند و این سفر می‌تواند هر دو ماه در سال یا بیشتر باشد و البته تامین پول برای این خریدها نیز عاملی است که سبب شد کسی به فکر دایر کردن مغازه‌ای نباشد. نیروهای کاری روستاها نیز در شهرهای دیگر مشغول به کار هستند و کسی به فکر یادگرفتن کارهای فنی و دایر کردن تعمیرگاهی نیست.

اینجا اگر یخچال و یا کولری خراب شود آنها منتظر می‌مانند تا زمان سفر به شهر و یا بخش برسد و بعد وسیله خود را برای تعمیر ببرند یا اگر موادغذایی نیاز داشته باشند صبر می‌کنند تا با تهیه پول به شهر دیگری بروند و مایحتاج خودرا بخرند و بر پشت وانت و موتورسیکلت و درجاده خاکی به روستا بیاورند و البته فروشندگی سیار نیز به واسطه نبود جاده ونبود وجه نقد نزد زنان این روستاها نمی‌ارزد.

رحم بی بی یکی ازساکنان روستای دراپ که همسرش در بوشهر کارگری می‌کرد وخودنیز با خشک کردن گل‌های چای ترش درآمدی برای دو فرزندش تامین می‌کرد، وقتی که گفت زندگی بهتر با فرزند کمتر می‌شود مارا شگفت زده کرد. زنی روستایی که سواد خواندن و نوشتن نداشت معتقد بود که وقتی پولی برای خرید لباس و تامین فرزند خود نداشته باشد آوردن فرزند دیگر خطاست. اونشان داد که حتی درروستای دور افتاده نیز با تامین ساختارها و زیرسازی‌ها می‌توان امید به زندگی را بیشتر کرد و نبود زیرساخت‌های بهداشتی و آموزشی سبب خواهد شدکه فرزندان این خطه در محرومیت از همه امکانات قرار گیرند و آسیب ببینند.

*** ۳ روز و ۳ شب عروسی**

رسم جالبی که در روستاهای نیکشهر برای مراسم عروسی وجود دارد دعوت همه اهالی به مراسم عروسی و برپایی سه روز جشن است که با مراسم حنابندان شروع می‌شود. زینب که نامزد پسرعموی خود بود و برای بچه‌های جهادی در روستا آشپزی می‌کرد ما را به خانه دختر عموی خود برد که قرار است این هفته لباس عروسی بپوشد و به خانه بخت برود.

لباسی عروسی این دختر نیز همانند لباس محلی زنان روستایی بود. جهیزیه او را خانواده همسرش تهیه کرده بودند. آنها درباره آداب و رسوم عروسی در روستا گفتند که مراسم عقد و عروسی در روستا با حضور اهالی برگزارمی شود و در برخی جاها خانواده عروس و داماد به صورت جداگانه و برخی جاها نیز به صورت مشترک با هم عروسی برپا می‌کنند. شام عروسی نیز معمولاً برنج و گوشت است و تعدادزیادی گوسفند نیز دراین مراسم قربانی می‌شود.

تمام فعالیت‌های صورت گرفته در عرصه سازندگی برای روستاها توسط جهادگران بسیجی آنقدر ارزشمند و بی ریاست که باید مبلغان راستین برای بیان آنها باشیم اما حضور مسئولان درکنار این جهادگران و جهاد داوطلبانه آنها درکنار این بسیجیان می‌تواند نقطه عطفی برای رفع محرومیت و جهش در توسعه همه جانبه نقطه نقطه کشورمان باشد. بایددرکنار فعالیت‌های جهادگران بسیجی، جامعه‌شناسان و استادان دانشگاه و نخبگان بومی و کشور وارد کار شوند و با شناسایی استعدادهای منطقه برنامه و نقشه راه روشن و کاربردی در مقابل این جوانان داوطلب که شبانه‌روز خود را وقف خدمت به مردم کرده‌اند قرار دهند.

باید جوانان داوطلب جهاد گرو بسیجی با جلب مشارکت جوانان بومی هر منطقه دست آنها را بگیرند و راهنمایی آنها باشد زیرا زمانی سرنوشت یک قوم تغییر خواهد کردکه خودشان بخواهند و این خواستن حالا به عرصه نشسته است.

تشکیل هسته‌های بومی درمناطق محروم برای اینکه کار جهادگران را برعهده بگیرند و ادامه دهند و نظارت و دخالت مسئولان محلی در رفع موانع کاری و اداری و تامین هزینه‌ها و تشویق‌های لازم مسلماً نتیجه‌ای به مراتب شگفت‌انگیزتر را به دنبال خواهد داشت.

گزارش: فاطمه یارمحمدی

برگزاری نمایشگاه یک هفته با کانون در استان همدان

همدان ـ خبرنگار اطلاعات: زهرا رضوی دبیر جشنواره و معاون فرهنگی کانون استان همدان از حضور بیش از ۱۸ هزار کودک و نوجوان در غرفه‌های نمایشگاه‌های سطح استان خبر داد و گفت: خوشبختانه در مدت چهار روز از برگزاری جشنواره یک هفته با کانون شاهد استقبال خوب دانش‌آموزان و معلمان از نمایشگاه بوده‌ایم.

وی افزود: در شهر همدان نمایشگاهی با هفت غرفه شامل انیمیشن، نمایش فیلم، سفالگری، معرفی فعالیت‌های کتابخانه سیار روستایی و پستی، کاردستی، فعالیت ادبی و عرضه محصولات فرهنگی در مرکز شماره یک همدان دایر شده است.

رضوی هدف از برگزاری این نمایشگاه را معرفی کانون و قابلیت‌های آن به کودکان و نوجوانان و معلمان و اولیای تربیتی، والدین و مسئولان اعلام کرد و افزود: امیدواریم کودکان و نوجوانان با حضور در این نمایشگاه‌ها در سراسر استان اوقات خوشی را در غرفه‌های کانون سپری کنند.

بهره‌برداری از ساختمان آموزشی دانشگاه پیام نور ری تا بهمن

شهرری ـ خبرنگار اطلاعات: دانشگاه پیام نور مرکز ری با دارا بودن ۱٤ هزار و ۵۰۰ دانشجو از نظر تنوع رشته‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد رتبه نخست و از نظر شمار دانشجو رتبه دوم را در کشور دارد.

رئیس دانشگاه پیام نور واحد شهرری با اعلام این خبر افزود: این دانشگاه همچنین دو ساختمان در اختیار دارد که برای مدیریت بر مسائل دانشگاه در جهت جلوگیری از مشکلات، ساختمان قبلی در ابن‌بابویه، روبروی برج طغرل از وضع اداری خارج و به ساختمان آموزشی تبدیل شده است.

دکتر تقی‌زاده گفت: برای این که آزمایشگاه در ساختمان ابن‌بابویه مستقر نیست، تمام رشته‌های علوم انسانی را به طور ضربتی مستقر کردیم و اتاق اعضای هیات علمی و سایر امکانات و مسئولان پاسخگو را در آنجا دایر کرده و در زمینه یک کار فرهنگی آن ساختمان را به نام ساختمان شیخ صدوق نامگذاری کردیم.

او یادآوری کرد: ساختمان دیگری را که قبلاً ساختمان آموزشی عباس آباد نام داشت به ساختمان شهید مصطفی چمران تغییرنام دادیم. وی اضافه کرد: تا شروع ترم آینده یک ساختمان آموزشی ۲۵کلاسه به دو ساختمان فعلی اضافه خواهد شد.

او با اشاره به داشتن چهار آزمایشگاه نسبتاً مجهز الکترونیک، کشاورزی، فیزیک و نرم‌افزار در این دانشگاه، گفت: در آینده نیز دو آزمایشگاه برای دانشجویان رشته‌های جغرافیا و روانشناسی به آن اضافه خواهیم کرد.

تقی‌زاده در پایان گفت: یکی از برنامه‌هایی که در دانشگاه پیام‌نور واحد ری دنبال می‌شود، حضور موظف ٤۰ ساعت اعضای هیات علمی در دانشگاه است که قبلاً مورد غفلت قرار گرفته و باعث نارضایتی برخی دانشجویان شده بود که ما قانون حضور ٤۰ ساعت اعضای هیات علمی در محل خدمت خود را با قاطعیت اجرا خواهیم کرد.

افتتاح پل کابلی امام حسین(ع) در مشهد

سرویس شهرستان‌ها: زائران حرم مطهر امام رضا(ع) در استان خراسان رضوی از این پس می‌توانند از طریق پل کابلی امام حسین(ع) در مشهد آسان‌تر و سریع‌تر به حرم امام هشتم(ع) رفت و آمد کنند.

مقدم، معاون اجرایی شهرداری مشهد با بیان این که مشابه این پل با چنین وسعتی تاکنون در کشور ساخته نشده است، افزود: پل مذکور با میلگردهای ۱٦ قطری توسط متخصصان داخلی ساخته شده است.

وی اضافه کرد: مجموع سرمایه گذاری پل کابلی ۳۷ میلیارد تومان است؛ همچنین برای فضای سبز آن اقدامات اساسی نظیر آماده سازی زمین‌های اطراف پل و کاشت درخت صورت گرفته است و این عملیات همچنان ادامه دارد.

معاون اجرایی شهرداری مشهد در باره اتصال نواحی شمالی و جنوبی استان خراسان رضوی به شهر مشهد گفت: این پل باعث دسترسی آسان شهرهای شمالی مانند قوچان و شهرهای جنوبی همچون نیشابور در استان خراسان رضوی به حرم مطهر امام رضا(ع) شده است.

نشست شورای امر به معروف و نهی از منکر فولادشهر

زرین شهر – خبرنگار اطلاعات: جلسه شورای امر به معروف و نهی از منکر فولاد شهر در دفتر امام جمعه فولادشهر برگزار شد. امام جمعه فولادشهر در سخنانی با اشاره به روایتی از امام جعفر صادق(ع) مبنی بر اینکه «گناه نادانان به دانایان شما نوشته می‌شود» بر لزوم دادن تذکر و پند و اندرز به افراد جاهل و ناآگاه تأکید کرد و به احادیثی از رسول مکرم اسلام(ص) و روایتی از مولای متقیان امام علی(ع) نیز در این باره اشاره نمود. حجت‌الاسلام محمودآبادی با تبریک عید فرخنده غدیر، خواستار برشمردن بیش از پیش فضایل و مناقب امیرالمؤمنین حضرت علی بن ابیطالب(ع) شد.

وی به دشمنی‌های دیرینه استکبار با شعائر و اعتقادات اسلامی و شیعی نیز تأکید و تصریح کرد: باید در برابر توطئه‌های دشمن برای ایجاد انحرافات اعتقادی بین جوانان به ویژه از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای آماده باشیم.

در این جلسه اسماعیلی مسئول روابط عمومی شهرداری فولادشهر گزارشی از اقدامات انجام گرفته در حوزه فرهنگ ارائه کرد و از تهیه نرم‌افزار ویژه عید غدیر برای توزیع بین شهروندان نیز خبر داد.

آمار ادارات فارس در خصوص کتاب و کتابخانه‌ها مورد تأیید نیست

شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: آماری که ادارات فارس در خصوص تعداد کتاب و کتابخانه‌ها ارائه می‌کنند مورد تأیید نیست و اداره‌کل امور کتابخانه‌ها در فارس همچنان با مشکلات مربوط به کتاب و کتابخانه در شیراز روبرو است.

حجت‌الاسلام محسن اسماعیل‌پور، مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان فارس با اعلام مطلب بالا افزود: دستگاه‌ها باید در حوزه کتاب و کتابخانه با نیت الهی کار کنند نه اینکه جنبه‌های اداری را در نظر بگیرند.

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان فارس در ادامه با اشاره به این مطلب که ۸۰ طرح مطالعاتی برای قشرهای مختلف برنامه‌ریزی و تا پایان سال در فارس تدوین خواهد شد، گفت: با اجرایی شدن این طرح‌ها حرکت مثبتی در راه افزایش سرانه کتابخوانی در فارس صورت خواهد گرفت.

او یادآور شد: ۲۰ تا ۲۷ آبان به عنوان هفته کتاب نامگذاری شده است که در این راستا ۳۰ دستگاه دولتی و غیردولتی کمیته‌های هفته کتاب را تشکیل داده‌اند و ۷۰ برنامه به مناسبت جشن کتاب اجرا خواهد شد.

اسماعیل‌پور در ادامه با بیان اینکه کتابداران جزو پرکارترین قشرهای جامعه هستند، اضافه کرد: مهمترین مشکلی که کتابداران مطرح می‌کنند فضای کتابخانه‌ای، تجهیزات و منابع است بنابراین این قشر با تمام توان به فکر خدمات‌رسانی و توسعه فرهنگ کتابخوانی است.

حجت‌الاسلام اسماعیل‌پور در پایان گفت: قدردانی از خادمین کتاب، خیران کتابخانه‌ساز و اهداکنندگان زمین و کتاب از جمله برنامه‌های این هفته محسوب می‌شود.

زنگ مبارزه با استکبار جهانی در مدارس کاکی طنین انداز شد

کاکی – خبرنگار اطلاعات: زنگ مبارزه با استکبار جهانی همزمان با روز دانش آموز با حضور امام جمعه و مسئولان بخش کاکی به صورت نمادین در مدرسه راهنمایی پروین اعتصامی روستای بادوله به صدا در آمد.

در این مراسم، حجت‌الاسلام محمدمحمدی امام جمعه کاکی به اهمیت ۱۳ آبان اشاره کرد و گفت: یوم‌الله ۱۳ آبان یادآور سه حادثه پر اهمیت در تاریخ انقلاب اسلامی ایران و نشانه بلوغ و نبوغ سیاسی دانش آموزان و دانشجویان و مردم مسلمان به رهبری امام خمینی(ره) است.

وی افزود: امیدواریم دانش آموزان به عنوان نسل جوان تحت ولایت امام عصر(عج) برای حفظ نظام اسلامی با درس خواندن و تبعیت ازولایت فقیه برای سربلندی و پیشرفت ایران اسلامی گام بردارند.

بررسی راهکارهای مبارزه با موادمخدر در بهبهان

بهبهان ـ خبرنگار اطلاعات: کمیته هماهنگی مبارزه با موادمخدر بهبهان تشکیل جلسه داد، در این جلسه باذلی محبوب فرماندار بهبهان گفت: در ۷ ماه گذشته بیش از ۳۹۳ کیلوگرم انواع موادمخدر توسط ماموران انتظامی در مبادی ورودی استان خوزستان کشف شده است.

وی تعداد پرونده‌های تشکیل شده در این مدت را ۱۹۲ فقره اعلام کرد و افزود: در این رابطه ۲۲۷ متهم دستگیر شده‌اند و ۱۲ شبکه قاچاق توزیع موادمخدر نیز متلاشی شده است. همچنین در این مدت ۱۰ طرح پاکسازی مناطق آلوده به مرحله اجرا درآمده است. فرماندار بهبهان با تأکید بر تقویت کمیته‌های تخصصی هماهنگی مبارزه با موادمخدر خواستار تدوین برنامه منظم کارشناسی در نیمه دوم امسال شد. محبوب پیشگیری از اعتیاد به ویژه در نسل جوان را یک ضرورت مهم دانست و بر اجرای برنامه‌های فرهنگی و برگزاری همایش‌های علمی تخصصی با محوریت پیشگیری از اعتیاد و موادمخدر تأکید کرد و از شهرداری بهبهان نیز خواست نسبت به پاکسازی ساختمان‌های مخروبه در بافت مسکونی شهر اقدام کنند. او با تبیین نقش ورزش در پیشگیری از اعتیاد به اهتمام مسئولان و حمایت از باشگاه‌های ورزشی و جلوگیری از تعطیلی آنان تأکید کرد.

آبادان؛ از حصر تا رهایی

بخش اول

اشاره: عملیات ثامن الائمه درست پنج روز پس از نخستین سال روز آغاز جنگ، با هدف شکست حصر آبادان آغاز شد. طی سال نخست دو تحول اساسی در روند جنگ پدید آمد که اولی زمینگیر شدن ارتش عراق و دگرگونی روند پیروزی به نفع نیروهای جمهوری اسلامی ایران و دیگری تحول در نیروهای مسلح ایران و نگرش حاکم بر استراتژی مقابله با عراق و آزادسازی سرزمین اشغالی بود. به این ترتیب؛ تفکر جنگ کلاسیک به تفکر انقلابی و به نفع نیروهای داوطلب مردمی و سپاه تغییر یافت. این دگرگونی ها همراه با تجربهٔ نیروها و فرماندهان سپاه طی یک سال جنگ در جبهه ها، به طراحی و اجرای عملیات موفقیت آمیز شکست حصر آبادان منجر شد. گزارش زیر روایتی عینی، دقیق و دست اول از تحولات قبل و محورهای مهم عملیات ثامن الائمه است که سردار رحیم صفوی، فرمانده سابق سپاه پاسداران، که خود در درون این تحولات و از فعال ترین شخصیتهای این دوره بود، این گونه بیان کرده است.

نیروهای ارتش بعثی عراق پس از گذشتن از رودخانهٔ کارون در ۱۹ مهرماه سال ۱۳۵۹، در مرحلهٔ بعد توانستند به قصد تصرف آبادان، از رودخانه بهمنشیر هم عبور و در مسیر جادهٔ خسروآباد تا آستانهٔ شهر آبادان پیشروی کنند، اما پس از آن، به طور ناباورانه ای با موج مقاومت مردمی روبرو شدند و ناچار، از منطقهٔ ذوالفقاری و از همان مسیری که نفوذ کرده بودند، عقب‌نشینی کردند و در حوالی جاده آبادان ـ ماهشهر، در حالی که چهار تا پنج کیلومتر از جاده را در اشغال خود داشتند، مستقر شدند.

استقرار و پدافند دشمن در این منطقه، عملاً، امکان تردد زمینی رزمندگان را به سمت آبادان ناممکن کرد؛ زیرا، آبادان به صورت ۲۷۰ درجه در محاصرهٔ عراقیها قرار گرفته بود؛ بنابراین، یگانه راه پشتیبانی نیروهای آبادان، از راه دریا و از بندر ماهشهر بود. به عبارت دیگر، باید رودخانهٔ بهمن‌شیر را تا اسکله چویبده با مصیبت و مشکلات خاص خود در مدت زمانی طولانی طی می کردند [که در این رفت و برگشت ها گاه دچار خسارات و تلفاتی هم می شدند]. البته، گاهی از راه هوا و با بالگرد پشتیبانی هایی صورت می گرفت.

تشکیل ستاد عملیات جنوب

با وجود مشکل مزبور، باید تمهیداتی برای سامان دادن به وضع جبهه های این محور و شکست حصر آبادان، انجام می شد. این مساله دغدغهٔ اصلی مسئولان سپاه خوزستان بود. باید یادآور شد که در آن زمان، فرماندهی سپاه خوزستان را برادر شمخانی برعهده داشت و بنده فرمانده عملیات جبهه های نبرد در منطقهٔ جنوب را عهده دار بودم.

در راستای سامان دادن به وضع جبهه ها و شکست حصر آبادان، ستاد مستقلی را به نام ستاد عملیات جنوب برای ادارهٔ جبهه ها در محل گلف ـ که شخصاً، آن را انتخاب کردم ـ تشکیل دادیم. امور این قرارگاه را سه نفر عهده‌دار بودند، یعنی بنده، برادر غلامعلی رشید ـ به عنوان جانشین ـ و برادر (شهید) حسن باقری که مسئولیت واحد اطلاعات عملیات را به عهده داشت. البته، پس از آن، به تدریج، برادران دیگر از جمله برادر (سردار) حجازی که مسئول اعزام نیرو بود، به جمع ما پیوستند و مسئولیت هایی را بر عهده گرفتند.

ما برای برنامه ریزی و رتق و فتق امور، بیشتر با ستاد مرکزی سپاه در تهران در تعامل بودیم تا سپاه خوزستان. در جلساتی هم که برای گزارش یا موارد دیگر در تهران برگزار می شد وحضرت آیت الله خامنه ای، نمایندهٔ وقت امام(ره) در شورای عالی دفاع یا بنی صدر در آن شرکت می کردند، اغلب، بنده یا حسن باقری حضور می یافتیم. در آن زمان، در منطقهٔ خوزستان، جبهه ها به صورت محوری فرماندهی می شد. هفته ای یک جلسه برگزار می شد و همهٔ مسئولان محورها گزارش آخرین وضع خودی و دشمن را ارائه می دادند. به طور مشخص، کلیات طرح مانور به صورت مانور دو طرفه (دارخوین، فیاضیه) و با تلاش پشتیبانی در سه محور ایستگاه ۷، ایستگاه ۱۲ و محور ماهشهر طرح ریزی شده بود. دیگر محورهای منطقهٔ جنوب عبارت بودند از: نورد، دب حردان، کرخهٔ نور، سوسنگرد، الله اکبر، پل نادری، شوش و فارسیات که برادر اسدی فرماندهی آن را به عهده داشت. در زمان فرماندهی من (ستاد عملیات جنوب)، سوسنگرد آزاد شده بود، اما نیروهای عراقی همچنان، در غرب این شهر حضور داشتند و آقایان عزیز جعفری، بشردوست و غلامپور در آنجا مسئولیت هایی را عهده دار بودند. این مجموعه محورهایی بود که فکر می کنم اسناد آن را بتوان پیدا کرد.

البته، در اطراف اهواز سه جبهه حساس وجود داشت: ۱ـ جبهه آبادان ۲ـ جبهه اهواز، جبهه طراح (عراقیها تا فاصله ۲۵ کیلومتری این شهر پیش آمده بودند ۳ـ جبهه دب حردان، که عراقی ها از این منطقه تا فلکه چهارشیر را زیر آتش داشتند؛ به این ترتیب، برای ما مهم بود که از سقوط اهواز جلوگیری کنیم. آبادان و سوسنگرد هم همین وضع را داشت. البته، از نظر من و از نظر نظامی، دسترسی عراق به شهر اهواز بسیار مشکل بود؛ زیرا، برای تصرف این شهر باید تا شمال آن پیشروی و مناطق اطراف آن را تصرف می‌کرد، یعنی شهر را به طور وسیعی دور می زد. به عبارت دیگر، باید از رودخانه های کارون و کرخه عبور می کرد؛ کاری که بسیار مشکل و پرمخاطره بود. افزون بر آن، عراقی ها به این نتیجه رسیده بودند که در اهواز، با یک جنگ شهری مانند آنچه در خرمشهر و سوسنگرد رخ داده بود، روبرو خواهند شد و به طور قطع، شکست خواهند خورد؛ از این‌رو، از حمله به اهواز و اشغال آن ناامید و منصرف شدند و تلاش خود را برای تصرف یک شهر، یعنی آبادان متمرکز کردند. به هر حال، از زمانی که مسئولیت ستاد عملیات جنوب را بر عهده گرفتم، مهم ترین مساله، حفظ اهواز، شکستن حصر آبادان و دفاع از سوسنگرد بود.

طرح ریزی برای شکستن حصر آبادان

مبنای طرح ریزی در ارتباط با شکستن حصر آبادان از زمانی که امام خمینی(ره) فرمان آن را صادر کردند، آغاز شد.

علت تأکید ایشان که شاید در تاریخ ثبت نشده باشد، این بود که بنی صدر به طور مکرر در جلسات بیان می کرد، اگر آبادان و اهواز سقوط کنند مهم نیست، ما به دزفول می رویم و از آنجا جنگ را ادامه می دهیم، یعنی زمین می دهیم تا زمان بگیریم. افزون بر تفکر غلط نظامی بنی صدر، مشکل دیگر این بود که ما را در جلسات شرکت نمی داد، در حالی که من فرماندهی عملیات جبهه های جنوب را عهده دار بودم؛ بنابراین، برای شرکت در جلسات به حضرت آیت ا...خامنه ای، متوسل شدیم. ایشان پیوسته در اهواز و خطوط مقدم حضور داشتند و از اوضاع و مشکلات ما مانند کمبود تسلیحات، تجهیزات و حتی پول برای پرداخت حقوق رزمندگان، مطلع بودند. در آن زمان، اطراف بنی صدر را نیروهای ارتشی گرفته بودند و تمام توجه وی به آنها معطوف بود.

در نتیجه، با نیروهای سپاهی و بسیجی برخورد مناسبی نداشت. البته، به تدریج و با گذشت زمان و کسب موفقیت های نیروی سپاه و بسیجی در انجام برخی از عملیات مانند الله اکبر، تغییراتی در رفتار او پدید آمد و در روزنامهٔ خود، موسوم به روزنامهٔ انقلاب اسلامی از سپاه تشکر و قدردانی کرد.

با این حال، ما از نظر سلسله مراتبی، خود را تحت فرمان امام(ره) و بعد سپاه می دانستیم و بنی صدر را قبول نداشتیم. به هر حال، سماجت و پافشاری رئیس جمهوری در طرح غیر معقولانهٔ خود ـ که به آن اشاره کردم ـ باعث شد تا امام(ره) در مقابل او ـ راجع به موضوع آبادان ـ با فرمان قاطعی مبنی بر این که باید حصر آبادان شکسته شود، واکنش نشان دهد. از نظر ما که مطیع فرمان ولایت و مقلد ایشان بودیم، کلمهٔ باید یک دستور قاطع محسوب می شد، یعنی انجام یک تکلیف و در حد واجب که باید به آن عمل کرد؛ بنابراین، فکر شکست حصر آبادان با فرمان حضرت امام(ره) در اوایل آبان‌ماه سال ۱۳۵۹ همزمان بود. این امر با شکست نیروهای عراقی در منطقهٔ ذوالفقاری که مجبور شدند مجدداً، به شمال بهمنشیر عقب‌نشینی کنند، مصادف شد. در پی فرمان امام(ره)، توجه ما به جبههٔ آبادان معطوف شد. بنده در مقام فرمانده عملیات جنوب بیشترین کمک ها را از نظر نیرو و امکانات، به آن منطقه اختصاص دادیم.

باید یادآور شد که آن روزها، اعزام نیروها به جبهه مانند اواسط یا اواخر جنگ درحد اعزام های یک صدهزار نفری نبود، بلکه به صورت گروه های ده یا بیست نفره یا حداکثر یک اتوبوس بود. البته، همین تعداد هم ما را خیلی خوشحال می کرد. در نتیجه، فوراً، اقدامات و امکانات لازم را برای عزیمت آنها به جبهه فراهم می کردیم.

آغاز طرح ریزی مانور عملیات

پس از انجام مقدمات، کار طرح‌ریزی شکستن حصر آبادان از بهمن ماه سال ۱۳۵۹ آغاز شد. در آن هنگام، از خط لجمن در منطقهٔ دارخوین تا خط پدافندی خود در فیاضیه ۱۷ کیلومتر فاصله داشتیم و قصدمان این بود که یک قدم به آبادان نزدیک تر شویم. البته، ارتش به این منظور، سه بار از جبههٔ جادهٔ ماهشهر ـ آبادان حمله کرده و در هر سه عملیات، با شکست روبرو شده بود. در آن زمان، بین (شهید) فلاحی و (مرحوم) ظهیرنژاد اختلاف نظر وجود داشت. همچنین، سرلشکر فلاحی، سرهنگ فروزان را به فرماندهی سپاه منطقهٔ آبادان منصوب کرده بود (در این مورد توضیح می دهم).

اما، ما (سپاه) در راستای این هدف، در خردادماه سال ۱۳۶۰ عملیات موفقی را موسوم به فرماندهی کل قوا همزمان با عزل بنی صدر در منطقهٔ دارخوین انجام دادیم و توانستیم چندین کیلومتر پیشروی کنیم. این عملیات باب‌الفتح عملیات ثامن الائمه(ع) بود. بدین ترتیب، باور کردم که می توانیم به تنهایی، در جبهه های جنوب، عملیات های بزرگ انجام دهیم.

در این عملیات، هیچ سازمان نظامی به ما کمک نکرد و فقط با دو یا سه گردان به لشکر ۳ زرهی عراق حمله کردیم و ۱۲ شبانه روز در مقابل آنها جنگیدیم.

عملیات مزبور که بعد از چند عملیات مانند حضرت مهدی(عج) و امام علی(ع) در سوسنگرد انجام شد، اعتبار و اطمینان را در ارتش ـ که اعتقادی به توان نظامی سپاه نداشتند ـ زنده کرد، به‌طوری که سرهنگ جوادی گفت: عملیات در این منطقه قوتی برای ما (ایران) بود. عملیات فرماندهی کل قوا در دیگر محورها و مجموعه نیروهای مستقر در منطقهٔ خوزستان هم چنین اثری داشت؛ زیرا، هیچ‌کس فکر نمی کرد که بتوانیم عملیات گسترده‌ای را علیه نیروهای عراقی انجام دهیم. در این عملیات، گردان صلاح‌الدین عراق را منهدم کردیم و برای نخستین‌بار، تانک عراقی را به غنیمت گرفتیم. باید یادآور شد که تا آن زمان، سپاه به تانک مجهز نبود. پس از عملیات فرماندهی کل قوا در خرداد ماه سال ۱۳۶۰، طرح‌ریزی مانور شکست حصر آبادان به فاز جدیدتری وارد شد.

در نتیجه، پیش نویس آن را به‌طور جدی‌تری تهیه کردیم. به این منظور، برادر غلامعلی رشید را برای تهیه گزارشی به آبادان فرستادم.

البته، نخستین طرحی که در ذهن من وجود داشت، پیش از عملیات فرماندهی کل قوا بود که آن را به صورت مکتوب در جلسه‌ای که در پایگاه‌هوایی دزفول با حضور بنی صدر تشکیل شد، ارائه کردم، اما با مخالفت بنی صدر روبرو شدم. وی در پاسخ به من گفت: باید ارتشیان نظر بدهند.

در آن طرح، نقش ارتش برای مشارکت در عملیات بسیار کم فروغ بود. حضرت آیت الله خامنه ای پس از مشاهدهٔ این وضع توصیه کردند که مشارکت ارتش باید جدی‌تر در نظر گرفته شود.

البته، علت مخالفت ارتش این بود که خود را مسئول دفاع سرزمینی می‌دانست؛ زیرا، در آن زمان، هنوز سپاه مانند ارتش یک سازمان گسترده نبود. از نظر آنها، منطقهٔ عملیات جزو منطقهٔ سرزمینی لشکر ۷۷ بود.

در نتیجه، به علت نداشتن مسئولیت سرزمینی، سپاه را به رسمیت نمی شناختند. فرماندهان ارتش معتقد بودند سپاه نیروی موقتی، مخلص و فداکاری است که فقط برای کمک آمده است و ماندگار نیست؛ بنابراین، ما را نیروی سازمان یافته ای در حد گردان و تیپ و لشکر محسوب نمی کردند، حتی برای آنان سخت بود که به سازمان های رزمی سپاه لفظ گردان را اطلاق کنند، هر چند بعد از عملیات فرمانده کل قوا و حضرت مهدی(عج) و امام علی(ع)، تا اندازه ای به ما اعتماد پیدا کردند. ناگفته نماند که حضرت امام(ره) بر مشارکت ارتش در عملیات تأکید می کردند. یکی از دلایل این امر آن بود که ما از نظر سلسله مراتب فرماندهی با ارتش در ارتباط بودیم.

در آن زمان، ارتش یک لشکر در منطقه داشت. پیش از این، بین ظهیرنژاد و تیمسار فلاحی در این زمینه اختلاف بود. مسئولیت آبادان را تیمسار فلاحی برعهده‌داشت و ظهیرنژاد در مورد وضع آبادان مسئولیتی احساس نمی کرد، اما هنگامی که مسئولیت به وی واگذار شد، لشکر ۷۷ را به منطقه آورد. این لشکر که از چند تیپ تشکیل شده بود، امکانات خوبی از جمله زرهی داشت.

به این ترتیب، استفاده از امکانات ارتش برای ما عقلایی بود؛ زیرا، ما هنوز از امکانات زیادی برخوردار نبودیم در آن مقطع زمانی، حتی یک قبضه (واحد) توپخانه نداشتیم و از واحد زرهی و نیروی گسترده محروم بودیم. البته، شاید هم هنوز به اهمیت آتش توپخانه و تانک پی نبرده بودیم و حجم آتش و تأثیر توپخانه و تانک برای ما روشن نبود؛ بنابراین، به نظرم برای رفع این مشکل و بهره‌مندی از برخی از تجهیزات، اصرار حضرت امام(ره) و آیت الله خامنه ای کاملا درست بود؛ زیرا، ترکیب توان در سازمان ارتش و سپاه، توان قویتری را ایجاد می کرد. به هرحال، پس از مخالفت های بنی‌صدر، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، خدمت امام(ره) رفتند و طرح سپاه را برای ایشان تشریح کردند و گفتند که اصول طرح‌ریزی معقول است، اما ارتش زیر بار نمی‌رود.

به دنبال آن، جلساتی بدون حضور بنی‌صدر برگزار شد و از طریق حضرت امام، آیت‌الله خامنه‌ای به ظهیرنژاد توصیه کردند که از طرح حمایت کنند. با این حال، برادران ارتشی گفتند باید کلیات طرح به تأیید فرماندهان لشکر ۷۷ برسد. در آن زمان، فرماندهی لشکر ۷۷ را که مقرش در ماهشهر بود، سرهنگ جوادی برعهده داشت. من و (شهید) باقری برای این منظور چندبار به ماهشهر سفر کردیم و در آنجا بود که طرح‌مان کامل شد. ناگفته نماند در جریان تهیه و تنظیم طرح مانور، از نظر مشورتی فرمانده سپاه آبادان هم استفاده کردیم.

البته در کلیات طرح مانور تغییری داده نشد، آنها فقط تیپ هایشان را اضافه و مشخص کردند که کدام تیپ در کدام محور مستقر شود. اما همین روند هماهنگی با ارتش بسیار وقتگیر بود و حدود دو ماه به‌طول انجامید.

یکی از دلایل این امر را می توان شکافی دانست که بنی‌صدر بین ما و ارتش ایجاد کرده بود؛ بنابراین، ارتشیان با ما برخورد می کردند، اما در نهایت، به این نتیجه رسیدیم که باید با هم همکاری کنیم؛ زیرا، آنها سه تیپ و تجهیزاتی چون تانک و توپخانه در اختیار داشتند، ضمن آنکه، بعد از عملیات فرمانده کل قوا احساس کردیم که باید توپخانه داشته باشیم؛ زیرا، در آن عملیات، عراقی ها تا خاکریزهای ما پیش آمدند و ما بدون توپخانه و آتش نتوانستیم آنها را دور کنیم.

هر چند تعدادی قبضهٔ خمپاره‌انداز در اختیارمان بود، اما حجم آتش و تانک نداشتیم. با توجه به کاستی هایی که سازمان سپاه با آنها روبرو بود، شاید این پرسش در اذهان تداعی شود که سپاه با چه جرات، جسارت و پشتوانه‌ای برای شکست حصر آبادان طرح‌ریزی کرد؟ پاسخ این پرسش کاملاً روشن است.

باید اعتراف کنم که ما از عراقی ها نمی ترسیدیم؛ زیرا، آنها را آزمایش کرده بودیم. در واقع، نیروهای سپاه، بسیج و ارتش از ارتش عراق نمی ترسیدند. ما از نظر روحی و رزمی خیلی از آنها بالاتر بودیم؛ زیرا در عملیات فرمانده کل قوا، به آنها ضربه زده؛ از آنها، اسیر گرفته؛ و تضعیفشان کرده بودیم. نکته دوم این که، فرمان امام(ره) مبنی بر شکستن حصر آبادان را امری واجب می دانستیم و ادای تکلیف برای ما بیش از هر موضوع دیگری اهمیت داشت.

امروز هم چنین است، یعنی اگر امروز هم آیت‌الله خامنه‌ای به ما بگویند که فلان ناو امریکا را، بزنید به طور قطع، این امر را اصل قرار می دهیم. حصر آبادان برای ما چنین حکمی داشت. منطقه در دست ما بود و شناخت خوبی از آن داشتیم، زمین و جو منطقه را می شناختیم، دشمن را به خوبی شناسایی کرده بودیم، نیروهایمان به شدت مشتاق انجام عملیات بودند و بارها به من اعتراض می کردند که چرا عملیات را آغاز نمی کنیم؟ برای نمونه، رزمندگان شهیدی چون عرب‌نژاد و قوچانی به من اعتراض می کردند که چرا دستور حمله نمی دهید؟ اما، دربارهٔ طرح‌ریزی مانور عملیات و ویژگی های آن باید به چند نکته اشاره کنم. نخست این که اساساً چرا در این عملیات، این همه تعدد محور وجود داشت و چرا از نهر شادگان تا محور ماهشهر هیچ جبهه ای تشکیل نشد؟

دربارهٔ پرسش نخست باید گفت این اولین عملیات گسترده ما به شمار می رفت. حتی عملیات الله اکبر هم از نظر سیاسی و استعداد نیرو در حد این عملیات نبود، یعنی بزرگ‌ترین پیروزی سیاسی نظامی ایران با شکست حصر آبادان آغاز شد؛ بنابراین، باید در طراحی مانور عملیات دقت می کردیم.

بدین ترتیب، باید گفت دلیل تعدد محور این بود که قصد استفاده از تمام توانمان را در جبهه ها داشته باشیم؛ توانهایی که خود به خود در جبهه های مختلف شکل گرفته بود و اکنون پس از مدتها، منتظر انجام عملیات بودند. حالا، در چنین شرایطی، اگر به نیروهایی که یک‌سال مثلاً در جبهه ایستگاه ۱۲ منطقه به امید روزی که از خط پدافندی شان به دشمن حمله کنند، مانده بودند، می گفتیم از این جبهه حمله ای صورت نمی گیرد، خیلی سخت بود.

آنان زمین منطقه را وجب به وجب، می شناختند، به طوری که هنگام عبور از زیر لوله های نفت می دانستند با عبور از چند تا لوله دیگر به موضع مورد نظر می رسیم. یک روز با برادر مرتضی قربانی از زیر لوله ها می رفتیم که کلاه کاسکتم به لوله خورد.

برادر قربانی فریاد زد صدای کلاه شما باعث می شود که خمپاره شلیک کنند و همین طور هم شد، یعنی نیروهای ما با منطقه پدافندیشان خو گرفته بودند و آرزو داشتند از آنجا حمله کنند و در این مورد اقدامات زیادی انجام داده بودند.

برای نمونه، در گرمای تابستان، با بیل و کلنگ کانالهای ارتباطی کنده بودند؛ بنابراین، با توجه به زحمات آنان و مدتی که در انتظار عملیات به سر بردند، نمی توانستیم به آنها بگوییم از این جبهه حمله‌ای صورت نمی گیرد و شما باید حمله را از محور دیگری آغاز کنید. نشاط روحی و عشق به تهاجم در بین رزمندگان و هم شناختشان از منطقه همه گواه بر انجام حمله بود. البته، باید نکته ای را در مورد اساس شکل گیری محورها یادآور شوم و آن، اینکه خطوط عملیاتی در این منطقه به صورت طبیعی شکل گرفته بود.

محور دارخوین نخستین محور در جنوب اهواز بود و بعد به ترتیب، محورهای تپه های مدن و ایستگاه ۷، ایستگاه ۱۲، فیاضیه، که مورد هجوم اولیه دشمن قرار گرفتند، در شکل گیری طبیعی خط پدافندی تأثیر داشتند. به عبارت دیگر، این محورها و محور ماهشهر به صورت طبیعی شکل گرفتند.

ادامه دارد



■ نوشته: دان راویو - یوسی ملمن ■ ترجمه: مرتضی میرمطهری | ۷۲

تحلیل گران اسرائیلی فعالیت‌های او را با اقدامات «جولیوس»[18] و «اتل روزنبرگ»[19] در آمریکا و «کلاوس فاخز»[20] در بریتانیا مقایسه کردند که اسرار اتمی کشورهای یاد شده را در اختیار بلوک شوروی قرار داده بودند.

«سیتا» به پنج سال حبس محکوم شد، امّا اسرائیل برای پیشگیری از هر گونه سرافکندگی به قید التزام او را آزاد کرد که به آلمان غربی برود و زندگی علمی نوینی را آغاز کند. مقامات ارشد اسرائیلی گفتند که آن مرد چک (سیتا) آدم مهمی نبوده و بطور سرسری دست به جاسوسی زده و «هارل» تأکید کرد که صدمه‌ای به اسرائیل وارد نشده است.

در ماه مارس ۱۹۶۱ شیوه «جستجو» باز هم مفید واقع شد. در این تاریخ مأمورین امنیتی متوجه شدند که «ویکتور سوکولف»[21] یک جاسوس ارشد شوروی تحت پوشش دیپلماتیک در تل آویو با یک شخص اسرائیلی ـ که مامورین فکر می کردند او را می شناسند ملاقات می کند. بعداً معلوم شد که آن شخص «اسرائیل بییر»[22] مشاور نزدیک نخست وزیر «بن گوریون» است.

«هارل» گفت که او مدتها به «بییر» که عضو جناح چپ حزب «ماپام» است مشکوک بوده است. بنظر «هارل» عجیب بود که «بییر» می کوشید با سازمان امنیتی آلمان «ب.ان.د» و رئیسش ژنرال «رینهارد گهلن»[23] طرح دوستی بریزد. «گهلن» که پیوسته دوست اسرائیل بود، در بطن مبارزات شرق و غرب بر سر اروپا قرار داشت. این ژنرال آلمانی در جریان جنگ دوم جهانی در اتحاد شوروی عملیات جاسوسی را اداره کرده بود و اکنون می خواست که شبکه جاسوسی اش را در روسیه مجدداً احیا کند. شورویها بشدت مایل بودند که بفهمند «گهلن» چه چیزهایی می داند و چه کار می کند. «بییر»، یک اسرائیلی عالی رتبه که می توانست از اعتماد آلمانها برخوردار باشد، کسی بود که این توانایی را داشت که برای اربابان واقعی اش در «کا.گ.ب» اطلاعاتی کسب کند.

«بییر» اتهام جاسوسی را که به او نسبت داده شده بود برای مدت چند روز با سرسختی انکار کرد. امّا بازجویان «شین‌بت» در مورد دروغ‌های کوچکی مچش را گرفتند که در نتیجه از تمام مطالب غیرواقعی که گفته بود پرده برداشته شد. «بییر» ادعا می کرد که آن شبی که مامورین امنیتی مدعی بودند که او با مأمور امنیتی شوروی (سوکولف) دیده‌اند، او در واقع از خانه بیرون رفته بود تا از اولین سوپرمارکت در اسرائیل، «سینزانو»[24]، یک نوع مشروب وارداتی را که بسیار دوست داشت بخرد. بازجویان اسرائیلی او را در مقابل این واقعیت قرار دادند که در سوپرمارکت یاد شده اصلاً مشروب «سینزانو» بفروش نمی‌رسد. «بییر» که از بیان آن اطلاعات ناچیز دستپاچه شده بود، روحیه‌اش در هم شکست.

در بازجویی و در دادگاه، «بییر» پذیرفت که مطالبی که درباره گذشته‌اش گفته بود، ساختگی بوده است. نه آنطور که لاف می‌زد، دکترای تاریخ داشته و نه در جنگ داخلی اسپانیا شرکت کرده است. سردرگمی درباره اینکه او واقعاً کی بود، بعداً بیشتر نیز شد، زیرا در زندان اعترافاتی را که در دادگاه کرده بود تکذیب کرد و مدعی شد که آنچه که شخصاً درباره زندگی‌نامه‌اش نوشته، حقیقت داشته است.

ادامه دارد

18-JULIUS
19- ETHEL ROSENBERG
20- KLAUS FUCHS
21- VIKTOR SOKOLOV
22- ISRAEL BE'ER
23- REINHARD GEHLEN
24- CINZANO

گزینه های جنگ و صلح در سوریه

بخش اول

*سرویس خارجی:

اهمیت رخدادهای سوریه و از آن مهمتر آینده و سمت و سوی این تحولات سبب شده تا مراکز و موسسات مطالعاتی تصمیم ساز غربی، سناریوپردازی در زمینه سرنوشت سوریه را به شکل ویژه در دستور کار خود قرار دهند.

از نقطه آغاز ناآرامی و بحران در سوریه که به اوایل سال گذشته میلادی باز می گردد، تاکنون این کشور صحنه تحولات زیادی بوده و بازیگران مختلفی در چهارچوب بحران این کشور به نقش آفرینی پرداخته اند. در حال حاضر سوریه به کانون توجهات جهانی تبدیل شده و به واسطه اهمیت تحولات این کشور، بسیاری از تحلیلگران و ناظران مسائل منطقه ای و جهانی مطالعات خود را بر این کانون متمرکز ساخته اند.

در این پیوند و براساس نوع بازی، منافع و دیدگاه های بازیگران عمده تحولات سوریه، بسیاری از مراکز و موسسات مطالعاتی و پژوهشی درصدد برآمده اند تا گمانه زنی های خود در خصوص آینده رویدادهای این کشور را به شکل سناریوهایی احتمالی سامان داده و منتشر سازند.

معرفی بازیگران سناریوها

بحران سوریه بازیگران متعددی در سه سطح داخلی، منطقه ای و بین المللی دارد. مهمترین بازیگران داخلی عبارتند از دولت و نهادهای نظامی و امنیتی وابسته به آن که سعی دارند به هر نحو ممکن پایه های نظام سیاسی متکی بر حاکمیت حزب بعث به رهبری بشار اسد را برقرار نگه دارند. در سوی دیگر میدان تحولات سوریه، می توان گروه های سیاسی، نظامی و قومی-مذهبی را مشاهده کرد که بر مبنای هدف مشترک سرنگونی اسد با یکدیگر اتفاق داشته و عمل می کنند.

البته شایان ذکر است که این گروه ها در کشاکش مبارزه برای سرنگونی اسد و به دست آوردن قدرت هرگز نتوانسته اند به یک تصمیم یا دیدگاه مشترک برای دوران پس از اسد دست یابند. از میان گروه های سیاسی مخالف بشار اسد می توان به «شورای ملی سوریه»، «کمیسیون عمومی انقلاب سوریه» و «کمیته هماهنگی ملی برای تغییرات دموکراتیک» اشاره کرد. علاوه بر این، بخش عمده فعالیت های نظامی علیه دولت مستقر در دمشق ازسوی سازمان نظامی موسوم به «ارتش آزاد سوریه» سامان یافته و پیگیری می شود. در جریان بحران سوریه، این کشور به مهمترین مقصد گروه های مسلح سلفی تبدیل شد و در حال حاضر گروه های سلفی که خود را نیروهای جهادی نامیده و بعضاً دارای کارنامه عملیات تروریستی و ارتباط با القاعده هستند، ازجمله نیروهای فعال علیه دولت دمشق به شمار می روند.

شماری از سازمان های سیاسی یا نظامی نیز وجود دارند که با وابستگی های قومی مانند کردها یا مذهبی مانند دروزیان سوریه علیه حکومت مرکزی وارد عمل شده اند. البته کردها با توافقی غیررسمی از جدال با دولت مرکزی کنار رفته اند. همچنین در سطح منطقه ای بازیگران متعددی بر تحولات سوریه اثرگذار هستند. از جمله ایران، ترکیه و کشورهای عرب همپیمان غرب چون عربستان و قطر.

جبهه منطقه ای شکل گرفته علیه سوریه را می توان با جبهه کشورهای محافظه کار و غرب گرای منطقه همپوشان دانست، با این تفاوت که ترکیه و مصر نیز در زمره دشمنان حکومت دمشق قرار گرفته اند. مهمترین انگیزه های کشورهای یاد شده برای حمایت از گروه های مخالف سوری به منظور سرنگونی حکومت اسد، عبارت است از: تضعیف محور مقاومت ضداسراییلی و ضدغربی در منطقه، ضربه زدن به جبهه کشورهای شیعی خاورمیانه، تضعیف قدرت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران و برقراری موازنه جدید در منطقه با محوریت قطب هایی چون آنکارا، ریاض یا قاهره.

رهبری کشورهای محافظه کار منطقه در جریان بحران سوریه برعهده عربستان سعودی و قطر بوده است.

این کشورها از ابتدای درگیری های داخلی با هدف سرنگونی دولت سوریه از هیچ کمک و پشتیبانی نسبت به گروه های سیاسی و نظامی معارض فروگذار نکرده اند. به دنبال فعالیت های گسترده دیپلماتیک مقامات و رهبران کشورهای ضدسوری، اتحادیه عرب در ۱۲ نوامبر ۲۰۱۲ اعلام کرد؛ تازمانی که سوریه طرح اعراب را برای توقف سرکوب مرگبار مخالفان سیاسی اجرا نکند، هیات سوری حق حضور در نشست های اتحادیه عرب را نخواهد داشت! این اتحادیه به سرکوب کامل آزادی های فردی و اجتماعی در کشورهایی مانند عربستان و قطر هرگز اشاره ای نکرده است. در مورد رژیم صهیونیستی باید گفت که هر چند رهبران رژیم صهیونیستی در زمره سرسخت ترین دشمنان حکومت بشار اسد قرار دارند، اما استراتژی و ژئوپلیتیک سوریه پس از اسد، از هم اکنون نگرانی امنیتی این رژیم را برانگیخته و موجب شده که به رغم مطلوبیت سرنگونی اسد برای صهیونیست ها، تل آویو در اتخاذ یک برنامه بازی مشخص در تحولات سوریه با مشکلاتی مواجه شود.

تلاش ترکیه برای گسترش حوزه نفوذ در سوریه پس از اسد و تبدیل سوریه از یک رقیب بالقوه منطقه ای به یک شریک نفوذپذیر و منعطف، تسری و تبلیغ الگوی ترکیه در منطقه به عنوان یک دموکراسی سکولار در کشورهای اسلامی و تحقق رویای بلندپروانه تجدید امپراتوری فروپاشیده عثمانی از طریق رهبری کشورهای خاورمیانه، شمال آفریقا و حتی آسیای مرکزی و قفقاز و در نهایت بهره برداری حداکثری از تحولات کشورهای خاورمیانه در راستای منافع ملی ازجمله دلایلی است که تحلیلگران در توجیه جبهه گیری اخیر ترکیه بدان اشاره کرده اند. اما مهمترین بازیگر منطقه ای حامی دولت بشار اسد، جمهوری اسلامی ایران است که از سال های ابتدایی پس از وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، سوریه را به عنوان دوستی نزدیک و شریکی مطمئن در کنار خود داشته است. در سال های اخیر، دمشق به عنوان یکی از نزدیک ترین شرکای استراتژیک و دوستان منطقه ای تهران، از کانون های تقویت محور مقاومت ضداسراییلی و ضد غربی در منطقه بوده است. مقامات ایرانی بارها در عمل و اعلان مواضع خود، حمایت گسترده شان را از مردم و دولت سوریه برای غلبه بر بحران کنونی اعلام داشته اند.

در معرفی بازیگران بین المللی بحران سوریه باید گفت که شکاف بین قدرت های جهانی بر سر بحران سوریه پس از وتوی قطعنامه شورای امنیت در فوریه ۲۰۱۲ نمود عینی یافت. از یک سو واشنگتن و متحدان اروپایی آمریکا به دنبال تعیین وضعیت قطعی سوریه و پایان دادن به بحران این کشور از طریق سرنگونی دولت بشار اسد بوده و از سوی دیگر چین و روسیه به عنوان دو کشور بزرگ حامی دمشق، از حکومت بشار اسد حمایت می کنند.

حاکمیت خاندان اسد بر سوریه که موجب تشدید دشمنی این کشور با رژیم صهیونیستی شده، اتهام نقض دموکراسی، آزادی های فردی و مدنی و حقوق بشر توسط دولت سوریه، تکثیر، تولید و نگهداری سلاح های کشتار جمعی ازجمله تجهیزات شیمیایی و میکروبی، همراهی با ایران در برهم زدن نظم مطلوب آمریکا و غرب در منطقه، حمایت از تروریسم و گروه های تروریستی و... از جمله دلایل ریز و درشتی هستند که ازسوی کشورهایی چون آمریکا، انگلیس و فرانسه در زمینه تلاش های اخیر این کشورها در جهت سرنگونی حکومت اسد عنوان شده است.

در سوی دیگر چین و روسیه قرار دارند که به واسطه تفاوت ساختاری در نگاه به پدیده ها و تصمیم گیری های بین المللی، رقبای اصلی جهانی آمریکا و متحدان اروپایی این کشور به شمار می روند.

در بحران سوریه نیز مسکو و پکن با نقش آفرینی فعال در برابر دیپلماسی کشورهای غربی برای براندازی دولت بشار اسد، به عنوان مهم ترین بازیگران بین المللی حامی دمشق در بحران سوریه به شمار می روند. علاوه بر این، سوریه از ابتدای حاکمیت حزب بعث در زمره دوستان مسکو در خاورمیانه قرار داشته و روابط راهبردی دمشق-مسکو به دوران پس از فروپاشی شوروی هم منتقل شده است. روسیه سال ها است که به عنوان یک حامی و شریک استراتژیک، پشتیبان خاندان اسد در قدرت بوده است و در مقابل از امتیازاتی چون پایگاه نظامی دریایی در بندر «طرطوس» سوریه بهره مند شده است.

سوریه در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه نیز از موقعیت محوری برخوردار بوده و سقوط رژیم بشار اسد به معنای از دست رفتن بخش قابل توجهی از نفوذ و منافع گوناگون روسیه در منطقه به شمار می رود. علاوه بر روسیه، چین نیز مجموعه‌ای از اهداف و منافع گسترده سیاسی- دیپلماتیک، اقتصادی- تجاری و امنیتی را در سوریه دنبال می کند که این موضوع بر دلایل راهبردی پکن در زمینه حمایت از دولت بشار اسد اضافه شده است.

به هر ترتیب در شرایط کنونی، بحران سوریه در رقابت های منطقه‌ای و راهبردی چین و روسیه با غرب به عنوان نقطه عطفی مهم جلوه گر شده و پکن و مسکو را به عنوان بازیگرانی مهم در بحران سوریه به پشتیبانی از دولت اسد واداشته است.

مهمترین سناریوها

باتوجه به اهمیت بحران سوریه برای بازیگران منطقه ای و بین المللی درگیر در این بحران، گمانه زنی در خصوص آینده تحولات سوریه یکی از مهمترین دستورکارها و موضوعات مطالعاتی موسسات و نهادهای پژوهشی معتبر به خصوص در کشورهای اروپایی و آمریکا بوده است. سناریوهای ذیل را می توان تلفیقی از طرح های پژوهشی مراکز مطالعاتی معتبر غربی دانست که در دوره دو ساله اخیر، رصد، موشکافی، تحلیل و آینده پژوهی تحولات سوریه را در دستور کار خود قرار داده اند.

ادامه دارد



* جبهه منطقه‌ای شکل گرفته علیه سوریه را می‌توان با جبهه کشورهای محافظه‌کار و غربگرای منطقه همپوشان دانست، با این تفاوت که ترکیه و مصر نیز در زمره دشمنان حکومت دمشق قرار گرفته‌اند و مهمترین انگیزه این کشورها برای سرنگونی حکومت اسد، تضعیف محور مقاومت ضداسرائیلی و ضدغربی در منطقه و ضربه زدن به جبهه کشورهای شیعی خاورمیانه است



■ نوشته: دانا پریست - ویلیام.ام.آرکین ■ ترجمه: هرمز همایون‌پور | ۴۹

یک دلال معاملات ملکی را به نام دنیس لین[205] پیدا کردم تا مرا دور آن ناحیه بگرداند. او پارک‌هایی ایمن تر که دولت اجاره کرده بود نشانم داد. همچنین در پیرامون ۱۲ ساختمان دیگر راندیم و چرخیدیم که یا خود برای کارهای محرمانه دولت اجاره کرده بود یا دلال‌های دیگری که می شناخت این کار را انجام داده بودند. بعضی از آن ساختمان‌ها نام‌های خسته‌کننده‌ای داشت که در واقع فاقد معنا بودند: مرکز ادغام سیستم‌های خارجی[206] یا برنامه‌های ویژه شرق DCMA[207]. آن نشانی‌ها را به آرکین دادم و او پس از جست و جو به نشانی‌های جالب دیگری در همان پارک اداری دست یافت حاکی از این که در آن حوالی سازمان‌های دولتی و شرکت‌های به مراتب بیشتری به کارهای محرمانه اشتغال دارند. پس از تبادل اطلاعات موجود در کامپیوترهای او و من، توانستم مجتمع‌های موجود در «گوگل ارت» را کنار هم قرار بدهم و آماده کاوش مجتمع بعدی شوم. هر گردشی در کامپیوتر، سرنخ‌های بیشتر و آدرس‌های بیشتری می‌داد که می‌شد در پایگاه داده‌ها یا در بخش جستجوگر اینترنت گذاشت و به کشف یک شرکت ناشناخته دیگر یا اداره‌ای دولتی که هرگز نامش را نشنیده بودیم ولی غالباً شبیه همان‌هایی بودند که قبلاً یافته بودیم، موفق شد.

ما تنهاکسانی نبودیم که به دامنه پهناور مجتمع تروریسم ـ صنعتی[208] و گسترش فوق‌العاده آن توجه پیدا کردیم. اشخاصی که درون آن مجتمع کار می‌کردند نیز چنین بودند. بسیاری از جدیدترین ساختمان‌ها، دست کم از بیرون شبیه هیچ‌چیز بجز مکان فعالیت‌های روزمره و کسالت‌آور اداری نبودند. ژنرال جان ام. کاسترسوم[209]، رئیس مدرسه اطلاعاتی ارتش که بعد از ۱۱ سپتامبر بیشتر اوقاتش را در مناطق جنگی گذرانده بود، اما بیش از یک فرمانده جنگی به درون ساختمان‌های اطلاعاتی ـ امنیتی رفت و آمد داشت، این بناها را در گفت‌وگو با من به همان ترتیب اهرام ثلاثه توصیف کرد. اما این سخن گویای نیمی از ماجرا هم نبود.

در ۲۰۱۰ در پنج مایلی جنوب شرقی کاخ سفید، وزارت نوپای امنیت داخلی برای ساختن واحدهای مرکزی خود گام پیش گذاشت. این وزارتخانه که بزرگترین نهاد دولتی همتراز کابینه در ایام پسا ۱۱ سپتامبر بود، نیروی کاری کلانی متشکل از ۲۳۰ هزار کارمند داشت که سومین تعداد کارمند پس از وزارتخانه‌های دفاع و امور جنگجویان قدیمی محسوب می‌شد. حال، این وزارتخانه درصدد بود بنای سه میلیارد دلاری خود را درمحل بیمارستان روانی تعطیل شده سنت الیزابت در جنوب شرقی واشنگتن بسازد. این بنا بعد از پنتاگون بزرگترین مجتمع ساختمانی دولتی، به شمار خواهد آمد و در جغرافیای جایگزین و دائمی آمریکای فوق سری نقطه عطفی متمایز خواهد بود.

طرح‌های بدیل جغرافیایی به طور متقاطع در سراسر مملکت به چشم می‌خورد. از دنور ـ آرورا[210] در لیولند، که بزرگترین محله رو به گسترش و ساختمان‌های دولتی را پس از واشنگتن در خوددارد و تامپا ـ سنت پترزبورگ[211] فلوریدا، که مراکز فرماندهی ارتش و عملیات ویژه در آنجا واقع است گرفته تا سان آنتونیو[212]، مقر سلاح‌های اطلاعاتی ارتش و دستگاه‌های اطلاعاتی نیروی هوایی و آرنولد[213] در میسوری، که سازمان ملی اطلاعات زمین ـ فضا در خیابانی در آنجا است بخشی از انبارهای محرمانه دولت[214] است. سازمان امنیت ملی (N.S.A) نیز برنامه‌ای برابر ساختن یک انبار ذخیره اطلاعاتی به مبلغ ۱/۷ میلیارد دلار در نزدیکی سالت لیک سیتی[215] دارد.

ادامه دارد

205. Dennis Lane
206. Foreign system Integration Center
207. DCMA Special Programs East
208. Terrorism - industrial complex
209. John M. Custer III
210. Denver - aurora
211. Tzmpa - st. Petersburg
212. San – Antonio
213. Arnold
214- Target and Home Depot
215- salt lake city

نماینده ولی فقیه در سپاه: جامعه بیش از هر موضوعی به ثبات و آرامش نیاز دارد

سرویس سیاسی - اجتماعی: نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران با اشاره به موضوع طرح سؤال از رئیس جمهوری در مجلس، گفت: بعید می‌دانم این موضوع مشکلی را حل کند و من معتقدم امروز جامعه بیش از هر چیز به ثبات و آرامش نیاز دارد.

به گزارش فارس حجت‌الاسلام و المسلمین علی سعیدی درباره اهمیت توجه مسئولان به حفظ ثبات و آرامش در کشور، تاکید کرد: امروز کشور ما و منطقه در یکی از حساس‌ترین مقاطع خود قرار دارد، خاورمیانه دچار تحولات چشمگیری است. وضع اروپا و آمریکا نیز به هم ریخته است و در این شرایط ما باید به فکر ثبات و آرامش در کشور باشیم.

وی ایجاد آرامش بین مردم را مهمترین موضوع برای عبور از مرحله حساس دانست و گفت: ایران با ثبات و آرامش و اقتدار می‌تواند تاثیر چشمگیری در خاورمیانه داشته باشد و مسئولان نباید موجب ایجاد تشنج و نگرانی در بین مردم شوند.

سعیدی این موضوع را از مهمترین وظایف قوای سه گانه دانست و افزود: کوچکترین مساله‌ای که موجب ایجاد ناآرامی و تشنج در جامعه شود، به اوضاع لطمه خواهد زد و این مهمترین وظیفه سران قواست که از تدابیر رهبری تبعیت کند و بداند هر کاری موجب ایجاد تحریک مردم شود، به اهداف نظام ضربه خواهد زد.

نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران همچنین درباره طرح سؤال از رئیس جمهوری، تاکید کرد: نگرانی مردم از مسائل دیگر مانند افزایش قیمت‌هاست. هر چند برخی از این افزایش‌ها طبیعی است اما مردم از بخش‌های دیگری که کنترل نشده است، ناراحت هستند و برایشان غیرقابل قبول است.

سعیدی انتخابات ریاست جمهوری سال آینده را مهم ارزیابی کرد و گفت: باید تدابیر برای برگزاری هر چه بهتر این انتخابات فراهم شود.

وی همچنین در همایش سیره علوی در عرصه دفاع و امنیت ملی، با بررسی تفاوت میان نگرش علوی در حوزه دفاع و امنیت با دیگر مکتب ها، گفت: امنیت و دفاع از ماموریت‌های رهبری است که از نگاه امام علی (ع) جزو کارهای اساسی حکومت محسوب می‌شود.

سعیدی با بیان این که ایستادگی رهبر انقلاب مقابل آمریکا منطبق بر نگرش علوی است، گفت: ممکن است دیدگاه رهبری در این زمینه با برخی آقایان روحانی با دهها سال سابقه متفاوت باشد و ایشان (رهبری) معتقدند که برای حفظ اسلام راهی جز ایستادگی در مقابل آمریکا نیست.

ثبت برخط تحولات جمعیتی در ۶۰۰ نمایندگی

معاون فناوری اطلاعات و آمار جمعیتی سازمان ثبت احوال ایران با اعلام فعالیت ۶۰۰ اداره و نمایندگی سازمان ثبت احوال در سراسر کشور، گفت: این ادارات در نقاط مختلف کشور به صورت برخط اقدام به ثبت اطلاعات وقایع حیاتی و مهاجرت در پایگاه اطلاعاتی جمعیت کشور می‌کنند.

به گزارش ایسنا، حمید پارسایی در مراسم افتتاح کارگاه آموزشی روش‌های تولید و تحلیل آمارهای جمعیتی براساس داده‌های ثبتی، خاطرنشان کرد: با این پایگاه امکان پایش تحولات جمعیتی کشور و تجزیه و تحلیل نتایج سیاست‌های جمعیتی فراهم شده است، به گونه‌ای که در دوره‌های زمانی دلخواه می‌توان عمده اطلاعات شاخص‌های مورد نیاز برای تحلیل و آینده‌نگری جمعیت را تولید کرد.

وی در ادامه گفت: انجام اقدامات موثر برای افزایش پوشش ثبت وقایع ولادت و فوت در سازمان ثبت‌احوال کشور، انجام بخشی از مطالعات و تحلیل‌های جمعیتی در این سازمان که به انجام تحقیقات در مورد شاخص‌های جمعیتی در کشورهای همسایه معطوف شده، از دیگر اقدامات سازمان ثبت احوال است.

معاون فناوری اطلاعات و آمار جمعیتی سازمان ثبت احوال همچنین گفت: حرکات جمعیتی و سیاست‌های جمعیتی کشورهای همسایه از یکدیگر تاثیر می‌پذیرند.

وی گفت: امروزه وجود مراکز علمی و تحقیقاتی در سطوح ملی و بین‌المللی در زمینه بررسی مباحث جمعیتی در حوزه‌های کیفیت تولید آمار وقایع حیاتی و همچنین تحلیل‌ها، مطالعات و پژوهش‌های هدفمند در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نشان‌دهنده اهمیت تحولات جمعیتی است.

وی اضافه کرد: در دسترس بودن آمار و اطلاعات وقایع حیاتی و آگاهی از آن برای سیاستگذاران و برنامه‌ریزان بسیار بااهمیت است، لذا کمتر پدیده اجتماعی را می‌توان یافت که با جمعیت و مباحث مرتبط با آن سر و کار نداشته باشد.

اخبار کوتاه

حمله به بارگاه حضرت زینب(س) تکرار تاریخ است

سرویس خبر - حوادث: عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با اشاره به اینکه حمله به حرم مطهر حضرت زینب(س) تکرار تاریخ است، گفت: این جنایات توسط گروه‌های تروریستی و تندرو وابسته به کشورهای استکباری رقم خورده است.

آیت‌الله عباس کعبی در گفت‌وگو با فارس، افزود: این گروه‌ها دنباله‌رو سیاست‌های استکباری هستند. وی با اشاره به تقدس بارگاه منور حضرت زینب(س) ادامه داد: این اقدام متحجرانه نشانه کینه‌توزی این گروه‌ها نسبت به خاندان پیامبر(ص) است. عضو مجلس خبرگان رهبری، بارگاه حضرت زینب(س) را کانون صبر و نورانیت و خاستگاه ناب‌ترین معارف اسلامی و نماد ایستادگی در برابر ظلم دانست و افزود: حمله به این بارگاه نورانی جنایت علیه بشریت است. کعبی این گونه اقدامات را نشانه استیصال دشمن در برابر مقاومت سوریه دانست و گفت: این اقدام‌های سخیف نشان می‌دهد که تلاش‌های دشمنان برای شکست جبهه مقاومت با یاس و ناامیدی همراه است.

اختصاص یک تا ۳ درصد بودجه جاری دستگاه ها به برنامه های زنان

رئیس مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری با اشاره به مباحث مطرح شده در کارگروه زنان و خانواده که دیروز برگزار شد، گفت: یک تا سه درصد بودجه جاری همه دستگاه‌ها به برنامه‌های زنان و خانواده اختصاص پیدا می‌کند. البته در برخی از دستگاه‌ها این بودجه تخصیص یافته است که امیدواریم تا پایان دولت دهم در کل دستگاه‌ها اجرایی شود. مریم مجتهدزاده در گفتگو با ایسنا، افزود: بر اساس تصمیمات این کارگروه قرار است در همه دستگاه‌ها مشاوران بانوان به شکل مستقل تشکیلات ساختاری داشته باشد. وی در پایان اظهار داشت: قرار است کارگروه‌هایی مانند کارگروه زنان سرپرست خانوار میان دستگاههایی که ماموریت‌های مشابه دارند، تشکیل شود.

بزرگترین حسینیه غرب پایتخت به بهره برداری می رسد

حسینیه شهدا به عنوان بزرگترین حسینیه غرب پایتخت در آستانه ماه محرم ساخته شد و آماده بهره برداری است.

به گزارش «تهران سما» سعید طلوعی شهردار این منطقه با اعلام این خبر گفت: در آستانه ماه محرم الحرام با هدف تقویت و توسعه فضاهای مذهبی ودینی بزرگترین حسینیه غرب تهران با ظرفیت بیش از ۲ هزار نفر به بهره برداری می رسد. وی افزود: حسینیه و مجتمع فرهنگی، ورزشی شهدای با بنایی بالغ بر یکهزار مترمربع در ۳ طبقه با کاربری های فرهنگی، ورزشی ومذهبی با طراحی شبستان، کتابخانه، دارالقرآن، مرکز رایانه، سالن ورزشی و.... در بلوار عدل احداث شد.

به گفته طلوعی با تکمیل عملیات عمرانی این مجموعه مذهبی وفرهنگی مراسم افتتاح وبهره برداری از حسینیه با حضور هیات های مذهبی غرب تهران وجمعی از خانواده‌های شهداوایثارگران انجام می شود. وی همچنین ازبرنامه‌های منطقه در توسعه واحداث مسجد درسطح منطقه خبرداد وگفت: با تشکیل کمیته ساماندهی مساجد درسطح منطقه بررسی ونحوه مشارکت دراحداث وتوسعه مساجد به صورت برنامه جدی دردستورکارقراردارد.

آزمایش رانندگان مشکوک به مصرف الکل بزودی آغاز می شود

رئیس اداره سلامت اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: شیوه نامه آزمایش رانندگان دارای رفتارهای پرخطر و مشکوک به مصرف الکل تدوین شده و به زودی در سراسر کشور اجرایی می شود.

دکترعباسعلی ناصحی در گفتگو با ایرنا افزود: با همکاری مشترک کارشناسان وزارت بهداشت و پلیس راهور نیروی انتظامی، رانندگان دارای رفتارهای پرخطر در جاده ها متوقف شده و موارد مشکوک مورد آزمایش قرار می گیرند و درصورت تایید مصرف الکل از سوی رانندگان، آنان به مراجع قضایی معرفی شده و مجازات می شوند. به گفته وی این آزمایشات شامل آزمایش علایم بالینی و آزمایش تست تنفسی با دستگاه های ویژه ای است.

ناصحی تصریح کرد شواهد نشان می دهد درصدی از تصادف ها به دلیل سوء مصرف مواد از جمله الکل است و امیدواریم با انجام این کار، آمار مصرف الکل در بین رانندگان کاهش یابد.

پیکر استاد برجسته خوشنویسی کشور در زادگاهش به خاک سپرده شد

اراک - پیکر مرحوم فتحعلی واشقانی فراهانی استاد برجسته خوشنویسی کشور در زادگاهش روستای واشقان فراهان در استان مرکزی به خاک سپرده شد.

به گزارش ایرنا، نماینده انجمن خوشنویسان کشور و استان مرکزی، مسئولان هیات‌های مذهبی و مردم شهرستان فراهان در این مراسم حضور داشتند. مرحوم واشقانی فراهانی سحرگاه یکشنبه به علت کهولت سن و بیماری در تهران دار فانی را وداع گفت و پیکر وی به فراهان در استان مرکزی منتقل شد.

این خوشنویس صاحب نام، اولین مدرس انجمن خوشنویسان ایران بود و در خط نستعلیق مهارتی ویژه داشت. استاد واشقانی فراهانی در سال ۱۳۰۹ هجری خورشیدی در روستای واشقان از توابع فراهان متولد شده بود.

برگزاری محفل شعر بزرگداشت آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره)

سرویس شهرستانها - محفل شعر ویژه کنگره بزرگداشت فقیه آگاه مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی سیدمحمدرضا گلپایگانی (ره) در گلپایگان برگزار شد.

به گزارش ایرنا؛ در این برنامه که تا شامگاه ادامه داشت؛ ۱۰ نفر از شاعران برگزیده اشعار خود را درباره ویژگی های بارز این فقیه آگاه قرائت کردند.

سعید حشمتی سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی گلپایگان در این آیین اظهار داشت: به مناسبت برگزاری کنگره بزرگداشت آیت‌الله العظمی گلپایگانی؛ ۲۰ اثر در قالب شعر؛ قطعه ادبی؛ خاطره؛ داستان کوتاه و مقاله از شهرستان‌های خرم‌آباد؛ آران و بیدگل؛ اصفهان؛ کاشان؛ گلپایگان و خوانسار مورد بررسی قرار گرفت که ۱۰ اثر انتخاب شد که تهیه‌کنندگان آثار خود را قرائت کردند. کنگره بزرگداشت مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی سیدمحمدرضا گلپایگانی (ره) با عنوان «فقیه آگاه» ۱۸ و ۱۹ آبان (پنجشنبه و جمعه این هفته) در قم و گلپایگان برگزار می‌شود.

در این محفل شعر که در تالار اجتماعات اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی گلپایگان برگزار شد؛ جمعی از مسؤلان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان، امام جمعه؛ فرماندار؛ مسؤلان و مردم گلپایگان حضور داشتند.

آیت‌الله العظمی سیدمحمدرضا گلپایگانی در سال ۱۳۱۶ هجری قمری در گوگد گلپایگان متولد شد و در ۱۸ آذر ۱۳۷۲ پس از سال‌ها تلاش علمی و انقلابی دعوت حق را لبیک گفت و در جوار بارگاه حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

شرایط معافیت تحصیلی دانشجویان مشمول

سرویس خبر: رئیس سازمان وظیفه عمومی نیروی انتظامی با اشاره به این که قانون جدید خدمت سربازی، سقفی برای تحصیل در مقاطع مختلف مشخص نکرده است، گفت: براین اساس وزارت علوم هرمقطعی را که به عنوان یک مقطع تحصیلی در داخل یا خارج از کشور تعریف کند امکان ادامه تحصیل و استفاده از معافیت تحصیلی برای مشمولان وجود دارد.

سردار سید حمیدرضا صدرالسادات درتشریح شرایط استفاده مشمولان از معافیت تحصیلی گفت: در قانون جدید خدمت سربازی که از ابتدای امسال اجرا شد، شرط قبولی مشمول از طریق کنکور و آزمون‌های ورودی در دانشگاه‌ها حذف شده است.

وی افزود: مشمولانی که قصد ادامه تحصیل در دوره‌های مختلف، مانند پودمانی، فراگیر، بین‌الملل و سایر مقاطع تحصیلی بدون آزمون را داشته باشند، به شرط نداشتن غیبت، می‌توانند از معافیت تحصیلی استفاده کنند.

صدرالسادات به دیگر ظرفیت‌های موجود در قانون برای استفاده از معافیت تحصیلی مشمولان اشاره کرد و افزود: فارغ‌التحصیلان مقاطع مختلف تحصیلی فرصت دارند تا یکسال پس از اتمام تحصیل، خود را برای اعزام به خدمت معرفی کنند که این فرصت در قانون قبلی شش ماه در نظر گرفته شده بود.

رئیس سازمان وظیفه عمومی ناجا تاکید کرد: فارغ‌التحصیلان دیپلم و پیش دانشگاهی نیز چنانچه در مدت یکسال از تاریخ فراغت از تحصیل، در دانشگاه پذیرفته شوند، با اخذ معافیت تحصیلی می‌توانند به تحصیل خود ادامه دهند.

وی درباره سقف تحصیلی و استفاده از این معافیت در مقاطع بالاتر علمی گفت: پیش از این ادامه تحصیل تا سطح دکتری تخصصی امکان‌پذیر بود که این مورد نیز در قانون جدید مورد بازنگری قرار گرفت و هم‌اکنون مشمولانی که قصد ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر را داشته باشند، می‌توانند از معافیت تحصیلی استفاده کنند.

صدرالسادات ادامه داد: با توجه به اجرای قانون جدید خدمت وظیفه تا هرمقطعی که وزارت علوم به عنوان یک مقطع تحصیلی در داخل یا خارج از کشور تعریف کند، استفاده از معافیت تحصیلی امکان‌پذیر است به شرطی که تمام فرجه‌های قانونی برای ادامه تحصیل رعایت شود و مشمول وارد غیبت نشده باشد.

رئیس سازمان وظیفه عمومی ناجا اضافه کرد: قانون جدید سربازی برای ادامه تحصیل مشمولان ظرفیت‌های بسیار مناسب و بالایی دارد البته به شرطی که قصد جوانان ادامه تحصیل باشد؛ چرا که برخی از افراد از این مورد به عنوان پوششی برای رها و معاف شدن از خدمت سربازی استفاده می‌کنند.

تولید تجهیزات درمانی مدرن در دانشگاه علوم پزشکی تهران

سرویس سیاسی - اجتماعی: در مراسم امضای تفاهمنامه دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی تهران برای احداث پژوهشگاه مشترک با حضور روسای این مراکز آموزشی امضا و طی آن بر گسترش پژوهش‌های بین رشته‌ای تأکید شد.

به گزارش خبرنگار ما، دکتر باقر لاریجانی، رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران در نشست مشترک رؤسای دو دانشگاه در مورد دستاوردهای پژوهشی با اشاره به رشد ۳۶ درصدی تولید مقالات علمی کشور، سهم دانشگاه علوم پزشکی تهران را ۱۰ درصد اعلام کرد و افزود: اکنون ۳ مجله علمی - پژوهشی در حال انتشار داریم که تا پایان سال به ۷۰ عنوان می‌رسد.

وی از اخذ موافقت اصولی تأسیس ۳۶ شرکت دانش‌بنیان وابسته به این دانشگاه خبر داد و افزود: تأسیس ۵ مرکز رشد و ٤ پژوهشگاه جدید در دست اقدام است.

دکتر لاریجانی همچنین به دستاوردهای علمی مراکز وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تهران اشاره کرد و از ساخت و تولید تجهیزات پزشکی مانند «گاماپروب تشخیصی»، «دوربین گاما دستی» «نویگیشن جراحی» و... خبر داد.

دکتر فرهاد رهبر، رئیس دانشگاه تهران در این نشست به ارائه آماری در مورد پیشرفت‌های علمی کشور و سهم دانشگاه تهران پرداخت، به گفته وی سهم تولید علم در کشورمان از ۰۱۵/ درصد در بیست سال پیش، به ۲ درصد افزایش یافته است و به این ترتیب ما شاهد رشد ۱۳۰ برابری تولید علم در این ۲۰ سال هستیم.

وی نرخ رشد تولید علم در کشورمان را ۱۱ برابر متوسط نرخ رشد تولید علمی دنیا اعلام کرد و گفت: «با یک شیب پر شتاب و سرعت زیاد برای رسیدن به قله‌های دانش تلاش می‌کنیم».

وی فتح قله‌های دانش را هدف اصلی جامعه علمی کشور خواند و با اشاره به سهم ۲۰ درصدی دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی تهران در تولید علم کشور، افزود: «این ارقام بدین معناست که دانشگاه تهران سهم ٠/٤ درصدی تولید علم در جهان را دارد و این رقم بزرگتر از میزان تولید علم در بسیاری از کشورهاست.»

دکتر رهبر همچنین با اشاره به برگزاری نمایشگاه دستاوردهای پژوهشی مشترک دو دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران در هفته آینده، از برگزاری دوسالانه دستاوردهای پژوهشی در آذر ماه خبر داد و افزود: در نمایشگاه مشترک، از ۱۵ دستاوردی که در ۲ سال گذشته به دست آمده، رونمایی خواهد شد. به گفته وی حاصل این ۱۵ دستاورد، ۱۰۰ محصول جدید است که به نمایش در خواهد آمد.

فرهاد رهبر در ادامه این نشست و پس از امضای تفاهمنامه با دکتر باقر لاریجانی برای تأسیس پژوهشگاه مشترک ابراز امیدواری کرد که این پژوهشگاه هزینه‌های پژوهشی را به حداقل برساند.

دکتر ابتکار: امنیت غذایی مردم باید تأمین شود

سرویس سیاسی - اجتماعی: شهروندان نگران آثار سوء سموم و کودهای شیمیایی بر محصولات کشاورزی هستند که باید نهادهای متولی با ورود مناسب به این موضوع امنیت غذایی مردم را تأمین کنند.

به گزارش خبرنگار ما این مطلب را معصومه ابتکار رئیس کمیته محیط زیست شورای اسلامی شهر تهران دیروز در جلسه علنی اعلام کرد و ادامه داد: ٤٦ سال از تصویب قانون پایش بقایای سموم در محصولات کشاورزی می‌گذرد، اما هنوز این قانون به صورت کامل اجرا نمی‌شود؛ با این حال شهرداری تهران خوشبختانه در اقدامی، پایش و ارزیابی محصولات کشاورزی را آغاز کرده است که این روند باید ادامه داشته باشد. این عضو شورای شهر با بیان اینکه سایر شهرها هم از پایتخت در این زمینه الگو گرفته‌اند، تاکید کرد، با تحول بنیادین در محصولات کشاورزی و دامپروری و استفاده درست از سموم و کودهای شیمیایی، می‌توان نگرانی شهروندان را از باقی ماندن اثر این مواد مضر در محصولات غذایی‌شان برطرف کرد.

ابتکار به برنامه‌های عملیاتی سازمان میادین میوه و تره‌بار اشاره کرد و افزود: شورای سوم باید به صورت جدی با شهرداری تهران در این زمینه همکاری کند، زیرا در روند اجرای این برنامه‌ها مقاومت‌هایی صورت می‌گیرد.

رئیس کمیته محیط زیست شورا ادامه داد: وزارتخانه‌های بهداشت و درمان، جهاد کشاورزی و بازرگانی با سازمان میادین همکاری تنگاتنگی دارند که این موضوع مانع از تقلب و سوء استفاده برخی افراد می‌شود.

به گفته او، علاوه بر پایش دقیق و نظارت بر استاندارد محصولات کشاورزی، باید در زمان شناسایی افراد متخلف، جریمه‌های مشخص پیش‌بینی شود تا آن دسته از افرادی که ادعای عرضه محصولات ارگانیک را دارند، بهای اقداماتشان را بپردازند.

او در عین حال تأکید کرد: تولید محصولات ارگانیک روند پیچیده‌ای دارد که به تازگی در کشور اجرایی شده است و شورای شهر باید از سازمان میادین حمایت جدی داشته باشد.

در ادامه جلسه دیروز به معصومه آباد رئیس کمیته سلامت شورا هم به واردات گوشت قرمز گرم از استرالیا اشاره کرد و درباره برخی اشکالات در روند توزیع این گوشت‌ها هشدار داد.

او گفت: این گوشت‌ها باید در مدت ۷۲ ساعت بسته‌بندی و به شهروندان عرضه شود که نگرانی‌هایی به دلیل وجود بیماری‌های مشترک دام و انسان در این زمینه وجود دارد.

آباد به چگونگی جابجایی این گوشت‌ها به وسیله هواپیما اشاره کرد و ادامه داد: متاسفانه کارگران توزیع این محصولات از لباس مناسب استفاده نمی‌کنند و احتمال آلودگی گوشت‌ها بسیار افزایش می‌یابد. این عضو شورای شهر همچنین به افزایش دوبرابری قیمت برخی محصولات سازمان میادین میوه و تره‌بار اشاره کرد و ادامه داد: درست است که به دلیل انجام آزمایش‌های مختلف قیمت محصولات میادین ۲۰ درصد افزایش یافته، اما افزایش دو برابری قیمت ۱۱ محصول غذایی میادین بسیار نگران‌کننده است.

افزایش محصولات ارگانیک

رئیس شورای شهر تهران با اشاره به اینکه افزایش محصولات ارگانیک منجر به کاهش قیمت‌ها می‌شود، گفت: یکی از علت‌هایی که افراد تمایلی برای استفاده و خرید محصولات ارگانیک ندارند قیمت بالای آن و عدم تعدد این محصولات است.

مهندس مهدی چمران در پانصد و پنجمین جلسه شورای اسلامی شهر تهران و در ادامه گزارش مدیرعامل سازمان میادین میوه و تره‌بار شهرداری تهران در خصوص مصوبه ساماندهی و ارتقای کیفیت محصولات قابل عرضه از طریق سازمان میادین اظهار داشت: یکی از علت‌هایی که از محصولات ارگانیک استقبال خوبی نشده قیمت بالا و تعداد کم این محصولات است.

وی تصریح کرد: دستگاه‌های فرهنگی هم باید با ارائه کارهای فرهنگی فضایی را فراهم کنند تا خانواده‌ها و شهروندان تمایل بیشتری را برای استفاده از محصولات ارگانیک پیدا کنند.

رئیس شورای شهر تهران بیان داشت: در حال حاضر نگاه شهروندان به محصولات ارگانیک یک نگاه بهداشتی نیست چرا که آنها به محصولات ارگانیک نگاه لوکس دارند.

چمران از سازمان میوه و تره‌بار شهرداری تهران خواست تا تعداد غرفه‌های خود را در سطح شهر تهران را برای توزیع محصولات ارگانیک و با کیفیت افزایش دهند.

در ادامه جلسه مرتضی طلایی رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران اظهار داشت: باید تلاش شود تا تمامی محصولات عرضه شده در میادین استانداردهای لازم را داشته باشند. وی اظهار امیدواری کرد که شناسنامه‌دار شدن محصولات تاثیر زیادی بر قیمت کالاها نداشته باشد و شهروندان بتوانند از این محصولات استفاده کنند.

در ادامه پانصد و پنجمین جلسه شورای شهر تهران، اعضای شورای شهر بررسی یک فوریت طرح اعتراض فرمانداری به مصوبه (ممنوعیت احداث ابنیه در عرصه بوستانها و فضای سبز شهر تهران) را بررسی کردند که در نهایت اعضای شورا شهر به نامه تهیه شده کمیسیون عمران شورای شهر رأی دادند.

رد پای موساد در قتل فرزند محسن رضایی

فارس: بازپرس ویژه قتل تهران گفت: اصل بر وقوع قتل احمد رضایی فرزند محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام است مگر آنکه در ادامه تحقیقات شواهدی خلاف این ادعا به دست آید.

بازپرس ویژه قتل تهران در سالروز مرگ احمد رضایی با اعلام این مطلب افزود: در آبان سال گذشته اطلاع داده شد که فرزند محسن رضایی به نام احمد رضایی به قتل رسیده و جسد وی از کشور امارات به ایران باز گردانده شده است.

وی افزود: به محض اعلام این خبر دستورات برای انجام تحقیقات و آزمایش‌های لازم صادر شد و محل سکونت این فرد در شهر دوبی مورد بررسی قرار گرفت.

این مسئول قضایی گفت: نخستین نکته مربوط به تغییر محل سکونت او بود که در تحقیقات مشخص شد مقتول از دو ماه قبل و به توصیه برخی از دوستانش مبنی بر امنیت بالای هتل «گلوریا» به این محل نقل مکان کرده بود. وی گفت: احمد رضایی بر اساس عادت هر روز با دوستان و اقوام خود تماس تلفنی داشت اما به یک باره سه شبانه روز این تماس‌ها قطع شد که همین امر سبب کشف جسد او شد.

بازپرس ویژه قتل تهران با اشاره به این مطلب که در پرونده‌های این چنینی اصل بر وقوع قتل است، گفت: جسد احمد رضایی در کف سوئیت به صورت درازکش پیدا شده بود و این در حالی بود که جسد در نزدیکی در ورودی قرار داشت. متاسفانه پلیس امارات جسد احمد رضایی را بدون محتویات داخلی شامل امحا و احشا تحویل داد و این امر کار نمونه برداری راغیر ممکن کرد. وی گفت: درکف دست راست احمد رضایی آثار یک مارک الکتریکی ناشی از برخورد شوکر وجود دارد و این در حالی است که در روی ساعد دست راست وی نیز چند بریدگی دیده می‌شود، اما به هیچ عنوان شوکر و چاقویی که با آن بریدگی‌ها ایجاد شده باشد در سوئیت وجود نداشت.

بازپرس این پرونده تاکید کرد دلایل موجود و همچنین ارائه ندادن اموال شخصی مقتول توسط پلیس امارات، کار را برای پیدا کردن متهم پرونده سخت کرده است و این در حالی است که می‌توان گفت: تعمداً برخی از دلایل و مدارک از بین رفته و یا حداقل به ما تحویل داده نمی‌شود. وی گفت: برای مثال لپ تاپ شخصی احمد رضایی، فیلم دوربین‌های موجود در راهروهای هتل و حتی پرینت تماس‌های او و چیزهایی است که از پلیس امارات درخواست شده اما به ما داده نشده است. بازپرس ویژه قتل اضافه کرد: به نظر ما نحوه برخورد با این پرونده از سوی اماراتی‌ها بیشتر صحنه سازی برای وقوع یک خودکشی است، در حالی که آنها دلیل خود را برای تحویل ندادن مدارک، امنیتی بودن این پرونده اعلام کردند.

بازپرس ویژه قتل افزود: بررسی ما از برخی از شاهدان و کسانی که با احمد رضایی در ارتباط بودند نشان می‌دهد که مقتول بارها مورد تهدید قرار گرفته و از این تهدیدها اظهار نگرانی کرده بود، و این در حالی است که ما می‌دانیم روحیه رضایی به گونه‌ای نبود که این فرد اقدام به خودکشی کند. بازپرس ویژه قتل تهران در پاسخ به این سؤال که چه انگیزه‌ای می‌توانست سبب قتل احمد رضایی شود گفت: به نظر می‌رسد بر اساس یافته‌های ما این فرد دارای اطلاعات کلیدی از برخی از موارد در خارج از کشور بوده است و این اطلاعات سبب شده تا او را از سر راه بردارند.

قاضی پرونده گفت: بر اساس یافته‌های ما رد پای سرویس جاسوسی اسرائیل موساد در این پرونده به چشم می‌خورد و این در حالی است که احمد رضایی در چندین مورد و در چند مورد قبل از این حادثه درخواست ملاقات با برخی از مقامات ایرانی را داشت تا بتواند اطلاعات خود را به آنها انتقال دهد.

وی بار دیگر به امنیت موجود در هتل گلوریا اشاره کرد و گفت: بر اساس قرار دادی که فیمابین رضایی و هتل منعقد شده بود قرار بوده است که اتاق این فرد هر دو روز یک بار تمیز شود، در حالی که زمانی جسد کشف شده که سه شبانه‌روز از وقوع قتل گذشته بود و همین امر نشان از آن دارد که احمد رضایی به قتل رسیده است.

این قاضی به یکی دیگر از دلایل و علائم وقوع قتل اشاره کرد و گفت: رضایی عادت داشته به گفته شهود همیشه زنجیر حفاظ در ورودی را وصل کند در حالی که در هنگام کشف جسد، زنجیره حفاظت برداشته شده بود. این بازپرس ویژه قتل تهران اضافه کرد: زمانی که یک فرد بخواهد خودکشی کند، هیچگاه از سه عامل قتل استفاده نمی‌کند، در حالی که در اتاق رضایی پوکه‌های مصرف شده قرص، بریدگی بر روی ساعد و شوکر الکتریکی وجود داشت و این در حالی است که جسد احمد رضایی در مقابل دریچه تهویه هوا قرار گرفته بود و درجه تهویه هوا نیز در سردترین درجه آن قرار داشت تا جسد دیرتر کشف شود.

وی بار دیگر بر به قتل رسیدن احمد رضایی تاکید کرد و گفت: همه عواملی که مورد بررسی قرار گرفتند تاکنون قتل او را تایید می‌کنند و این در حالی است که متاسفانه ما هنوز به وسائل شخصی احمد رضایی دسترسی پیدا نکرده‌ایم و پلیس امارات از دادن این وسائل دریغ می‌کند.

برگزاری همایش ملی «امامت؛ غدیر و مسائل عصر حاضر» در بابلسر

سرویس شهرستانها- همایش ملی «امامت؛ غدیر و مسائل عصر حاضر» دیروز با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دانشگاه مازندران واقع در بابلسر گشایش یافت.

به گزارش خبرنگار ایرنا، در این همایش که جمعی از مسئولان استان و شهرستان؛ محققان و پژوهشگران کشور حضور داشتند، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در سخنانی دستیابی به خوبی‌ها در جامعه را در سایه اطلاعات از فرامین ائمه اطهار(ع) میسر دانست و گفت رسیدن بشر به سعادت جز از طریق ترویج فرهنگ غدیر میسر نخواهد شد. دکتر سید محمد حسینی افزود: فرهنگ غدیر یعنی پیوند انسان‌ها با امامان معصوم(ع) و تبعیت از راه پیامبران و پیوند بین قرآن و اهل بیت(ع) پیوندی ناگسستنی است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود به شرایط کنونی جهان اشاره کرد و گفت: آمریکایی که خود نمی‌تواند رهایی از بند را برای خودش فراهم کند. به طور یقین نمی‌تواند راه سعادت بشریت را نشان دهد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان این که قرآن و عترت باید در کنار هم باشند، گفت: آمریکا نسخه شفابخشی برای انسان‌ها نیست و بشریت فقط با توسل به راه امامان و پیامبران و تبعیت از قرآن می‌توانند به سعادت و کمال ابدی دست یابند. وی از علامه امینی صاحب کتاب الغدیر به عنوان یکی از پژوهشگران بزرگ و مبلغ دین اسلام نام برد و افزود: این اندیشمند توانا مدت ٤٠ سال از عمر خود را برای تبیین جایگاه غدیر صرف و مشقت‌های زیادی را در این راه تحمل کرد.

حسینی با بیان این که الغدیر کتابی نیست که فقط در یک موضوع خاصی نوشته شده باشد، گفت: این کتاب در همه زمینه‌ها اعم از فلسفه، تاریخ، کلام، مناظره و دیگر موارد نوشته شده و در اختیار مردم قرار گرفته است که می‌توان از همه ظرفیت‌های آن برای پژوهش و تبیین جایگاه غدیر نهایت بهره را برد.

همایش «امامت، غدیر و مسائل عصر حاضر» عصر دیروز به کار خود پایان داد.

تشییع شهدای عملیات خنثی‌سازی مین در کرمانشاه

سرویس خبر_ حوادث: دونفر از شهدای عملیات خنثی سازی مین منطقه مرزی مریوان در کرمانشاه به خاک سپرده شدند.

مراسم تشییع شهیدان جعفر نامبردار و بهروز غلامی با حضور مردم همیشه در صحنه کرمانشاه و مسئولان از مقابل مسجد جامع تا میدان آزادی این شهر برگزار شد.

شش نفر از کارکنان مرکز مین‌زدایی کشور شنبه گذشته در عملیات پاکسازی و انهدام مهمات و مین‌های کشف شده در منطقه مرزی مریوان، به درجه رفیع شهادت نائل شدندکه سه نفر از آنان از استان کرمانشاه بودند. شهید صادق اسلامیان نیا در شهرستان سرپل ذهاب تشییع و به خاک سپرده شد.

معرفی استاندار جدید خراسان رضوی با حضور وزیر کشور

مشهد - خبرنگار اطلاعات: استاندار جدید خراسان رضوی در مراسمی با حضور وزیر کشور معرفی شد.

مصطفی محمدنجار در این مراسم با اشاره به راهبرد دولت مبنی بر استفاده بهینه از فرصت موجود برای خدمتگزاری به مردم، گفت: باید خداوند را به خاطر دادن فرصت خدمت در دولتی که مبتنی بر ارزش‌های ناب اسلامی و تحت زعامت ولی فقیه است، شاکر باشیم.

وی افزود: بر تمام مسئولان فرض است که از حداکثر توان خود برای توسعه همه جانبه اقصی نقاط کشور و اعتلای نظام مقدس جمهوری اسلامی تلاش کنند.

وزیر کشور مهمترین دلیل ستیز دشمنان با ایران اسلامی را ترس آنان از اقتدار روزافزون نظام و جلوگیری از تبدیل جمهوری اسلامی ایران به الگوی کشورهای منطقه اعلام کرد.

محمدنجار گفت: تحریم اقتصادی از جمله ابزارهایی است که دشمن برای کند کردن مسیر توسعه ایران از آن بهره می‌جوید.

وی گفت: سیاه‌نمایی وضع موجود و القای ناکارآمدی نظام از جمله حربه‌های دشمنان برای دلسرد کردن مردم و راه مقابله با آن معرفی خدمات ارائه شده در حوزه‌های مختلف عمرانی، بهداشتی، علمی، فرهنگی و غیره است.

وزیر کشور تاکید کرد: از استانداران به عنوان نمایندگان عالی دولت در استان‌ها انتظار می‌رود تا شعار سال که همان ارتقای سطح فرهنگ عمومی، کاهش نرخ بیکاری، توسعه بخش کشاورزی و توجه به نیازهای قشر جوانان است را به عنوان مهمترین اولویت‌های خود، مد نظر قرار دهند. محمد حسین فروزان‌مهر استاندار جدید خراسان رضوی نیز در سخنانی از این استان به عنوان استانی پیشرو در عرصه‌های مختلف یاد کرد و افزود: توجه ویژه به کلانشهر مشهد، رسیدگی به مناطق کم برخوردار و برنامه‌ریزی برای توسعه سرمایه‌گذاری از دیگر اولویت‌هایی است که با جدیت دنبال خواهد شد.

وی تاکید کرد: رسیدن به اهداف فوق مستلزم برنامه‌ریزی ویژه برای افزایش صادرات غیردولتی، کاستن از پیامدهای خشکسالی در استان و توجه به ظرفیت‌های صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدماتی است.

متهم به قتل فراری، سرکرده شبکه دزدان منازل و مطب بود

سرویس حوادث: رئیس پلیس آگاهی تهران از دستگیری اعضای یک شبکه سرقت مسلحانه منازل و مطب که به سرکردگی یک متهم به قتل فراری تشکیل شده بود خبر داد.

سرهنگ محمدیان دراین باره گفت: شاکی این پرونده اواخر فروردین امسال در شکایتی اعلام کرد: به همراه یکی از همکاران پزشکم در داخل مطبم در خیابان آیت الله کاشانی بودیم که دو نفر جوان تحت عنوان بیمار وارد مطب شدند. یکی از آنها به بهانه گرفتن سیگار و آب معدنی از مطب خارج شد و پس از ۵ دقیقه، به همراه دو نفر دیگر که مسلح به سلاح سرد و گرم بودند، وارد مطب شد و با تهدید سلاح و چاقو وضرب و شتم و بستن دست‌هایمان، ما را مجبور به خوابیدن بر روی زمین کرد و بعد با سرقت مبلغ ۷۰۰ هزار تومان وجه نقد، کارت عابر بانک و داروهای داخل مطب به ارزش تقریبی ۲ میلیون تومان گریختند.

وی افزود: با ارجاع پرونده از سوی بازپرسی جنایی تهران به اداره یکم پلیس آگاهی، کارآگاهان با بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته درمحل وقوع سرقت موفق به شناسایی خودرو پژو پرشیا سفید مورد استفاده دزدان شدند.

سرهنگ محمدیان اضافه کرد: باتوجه به این که خودرو به صورت قولنامه‌ای خرید و فروش شده بود دستور توقیف آن صادر شد و گشت پلیس آگاهی هفت روز پس از سرقت، خودرو را با یک سرنشین متوقف کرد، اما معلوم شد که خودرو به صورت قولنامه‌ای خریداری شده است.

رئیس پلیس آگاهی تهران گفت: با توجه به سرقت کارت عابر بانک متعلق به شاکی و اظهارات خریدار خودرو مبنی بر این که خریدار قسمتی از پول خودرو را با استفاده از سیستم بانکی به فروشنده پرداخت کرده است، کارآگاهان موفق به شناسایی حساب بانکی شدند که وجوه سرقت شده از حساب شاکی (صاحب مطب) و پول حاصل از فروش پرشیا به آن واریز شده بود. با شناسایی صاحب حساب به نام مریم، کارآگاهان با تحقیق در خصوص رابطه احتمالی وی با سارقان متوجه شدندکه برادر مریم به نام «علیرضا» یکی از مجرمان سابقه دار در زمینه سرقت بوده و دائما در مسیر غرب کشور به تهران و بالعکس تردد دارد.

وی ادامه داد: با شناسایی متهم از سوی شاکی به عنوان یکی از سارقان مطب، مخفیگاه او که خانه‌ای ویلایی در شهرک جعفریه در جاده ملارد بود شناسایی و معلوم شدکه این محل، مخفیگاه سارقان مسلح است و اعضای گروه در زمان سرقت‌های خود در آنجا تردد کرده و پس از انجام سرقت‌های خود تهران را به مقصد شهرهای غرب کشور ترک می‌کنند.

رئیس پلیس آگاهی تهران گفت: با تجمیع اطلاعات و ادامه تحقیقات، تمامی اعضای گروه سارقان شناسایی شدند و چند روز قبل در عملیاتی همزمان ابتدا علیرضا و محمد که با یک دستگاه خودرو زانتیا سفید رنگ از مخفیگاهشان خارج شده بودند، در محدوده شهرک جعفریه دستگیر شدند و سپس سه نفر دیگر از اعضای گروه به نام‌های محمد، یحیی و حسین که به صورت پیاده از مخفیگاه خارج شده بودند، تحت تعقیب قرار گرفتند و درحالی که قصد مقاومت داشتند بازداشت شدند که محمد از ناحیه پا هدف گلوله قرار گرفت.

محمدیان افزود: در بازرسی از مخفیگاه متهمان علاوه بر کشف انواع سلاح سرد، یک قبضه سلاح کمری به همراه ده‌ها تیر جنگی بدست آمد و در ادامه آخرین عضو گروه به نام سعید با اخذ نیابت قضایی در غرب کشور دستگیر و به تهران منتقل شد.

سرهنگ محمدیان با اشاره به این که شماری از شکات پرونده این شبکه شناسایی شده‌اند، افزود: با صدور قرار قانونی برای متهمان از سوی قاضی نصرتی بازپرس پرونده، تحقیقات همچنان ادامه دارد.

سلامی: سخت‌ترین تحریم‌های اقتصادی را پشت‌سر می گذاریم

سرویس خبر- حوادث: جانشین فرمانده کل سپاه، با اشاره به این که در طول هشت سال بزرگ‌ترین جنگ تاریخ معاصر را جوانان رشید این مرز و بوم اداره کردند، گفت: این برای ما مایه خوشبختی است که امروز نام ایران با عزت و اقتدار در همه میادین برده می‌شود.

به گزارش فارس، سردار حسین سلامی در یادواره شهدای عملیات والفجر ٤ که در حسینیه ثارالله اردبیل برگزار شد، افزود: امروز دشمن متفاوت‌تر از گذشته ظاهر شده است و به زعم خود می‌خواهد با تحریم اقتصادی، ایران را به زانو درآورد اما اعلام می‌کنیم ما عزت خود را به ارزانی نمی‌فروشیم.

او ادامه داد: شهدا نمی‌خواستند ماجرای تلخ تنها گذاشتن امامان در صدر اسلام تکرار شود چرا که آنان از ۲۱ رمضان و عاشورا و بی‌وفایی مردم نسبت به امامان خود خاطرات تلخی داشتند و اجازه ندادند این بار نیز در کشور ما و با خالی کردن پشت ولایت فقیه این خاطره تلخ تکرار شود.

جانشین فرمانده کل سپاه افزود: قدرت آمریکا و استکبار جهانی امروز در حال نزدیک شدن به غروب خویش است و این خفت را ایران با تمام نیرو و قوای خود به استکبار تحمیل کرده است.

سلامی همچنین به استمرار دشمنی‌ها از سوی استکبار جهانی اشاره کرد و افزود: در مقابل این دشمنی‌ها ما هر قدر پشت سر ولایت فقیه بایستیم توانسته‌ایم در آفرینش افتخارات برای کشور موفق و شایسته عمل کنیم و این همان چیزی است که استکبار از آن می‌ترسد.

او با اشاره به اینکه ما امروز نمود بارزی از یک ملت مقاوم را به نمایش گذاشته‌ایم، تصریح کرد: ما در عرصه‌های مختلف مبارزه اراده خود را به دشمن تحمیل کردیم و سخت‌ترین تحریم‌های اقتصادی را نیز پشت سر خواهیم گذاشت.

سلامی گرانی و تورم را بخشی از تاثیر تحریم اقتصادی دشمن علیه کشور اعلام کرد و گفت: این معضلات سبب نخواهد شد تا از در صلح و آشتی با دشمن وارد شویم، چرا که ما امروز یک قدرت فاخر و بزرگ در منطقه‌ایم که توانسته‌ایم به رهبری ولایت فقیه دانش‌های بزرگ و فناوری‌های نوین را به خدمت بگیریم و در این عرصه نیز دشمن را به زانو درآوریم.

خط ارتباطی اطلاعات با مردم
۲۲۲۲۶۰۹۰
۲ تا ۷ بعدازظهر بجز پنجشنبه و تعطیلات

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
* موضوعات پیامها جنبه خصوصی، حقوقی و قضایی نداشته باشد.
* از تکرار یک پیام روی پیامگیر اکیداً خودداری بفرمایید.
* پیام‌ها مختصر و مفید، شمرده و دقیق باشد.
* چاپ پیامها بر اساس نوبت است

باتشکر- سرویس ارتباطات مردمی

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

شرط بازنشستگی در وزارت نفت

برخلاف سایر وزارتخانه‌ها که شرط بازنشستگی کارکنان آن‌ها ۳۰ سال خدمت است، این شرط در وزارت نفت رسیدن به ۶۰ سالگی قید شده است و در نتیجه کارکنان این وزارتخانه به این بهانه که دارای تخصص‌های مورد نیاز هستند، اغلب تا ۳۷ و ۴۰ سال هم خدمت می‌کنند که جا دارد شرط بازنشستگی آنان هم ۳۰ سال خدمت باشد.

اصفهان - از کارکنان وزارت نفت

لزوم آموزش معارف اسلامی به دانش آموزان

دل دانش آموزان به مثابه زمین آماده کشت است و لازم است در تربیت و پرورش آینده سازان مملکت اسلامی نهایت تلاش به خرج داده شود و آنان را بیش از پیش با معارف اسلامی مأنوس کنند.

سلیمان بلغار

دوبرابر شدن بهای نوار تست قند خون!

بهای نوار تست قند خون که ۳ ماه پیش ۲۳ هزار تومان بود؛ ۳۵ تا ۴۲ هزار تومان شده است، وزارت بهداشت و درمان به داد بیماران دیابتی و دیگر بیماران خاص برسد.

ما که از بی‌توجهی مسئولان به گرانی‌های روز افزونی که در تاریخ کشور سابقه نداشته است، دست به دامن پروردگار شده‌ایم!

بیمار دیابتی

تعاونی مسکن کارکنان دانشگاه تهران

حدود هزار و ۶۰۰ خانوار از ۱۲ سال پیش در شرکت تعاونی مسکن شماره ۲ کارکنان دانشگاه تهران، ثبت نام کرده‌اند، ولی تاکنون فقط ۲۰۰ تا ۳۰۰ خانوار صاحب خانه شده‌اند و پیشرفت فیزیکی کار بسیار کند است، که جا دارد مسئولان تعاونی دلایل آن را اعلام کنند.

شریفی

مشکلات بازنشستگان آموزش و پرورش

یارانه مسکن و بسیاری از مزایای کارمندان وزارت آموزش و پرورش در چند سال اخیر حذف و باعث مشکلات فراوانی برای ما شده است؛ به طوری که از پس هزینه‌های زندگی و درمان برنمی‌آییم.

رشت - فردوس روحانی، معلم بازنشسته

لزوم بازگشایی خیابان پشت مجلس

سال‌ها است که رفت و آمد خودروها از سه‌راه امین حضور به سمت خیابان پشت ساختمان مجلس شورای اسلامی به دلیل راهبندان‌های سنگین، در اغلب اوقات روز و شب به سختی صورت می گیرد که شهرداری با خرید یکی - دو پلاک تجاری می‌تواند نسبت به بازگشایی خیابان شهید دیالمه اقدام و مشکل یادشده را حل کند.

طالعی - از کسبه سه‌راه امین حضور

لزوم قطع درخت مزاحم

وجود درختی در کوچه امینی سپهر منشعب از خیابان فجر شمالی موجب مشکلاتی در جابه‌جایی خودروهای ساکنان شده است، از شهرداری منطقه ١٤ تقاضا می‌شود در صورت صلاحدید، این درخت مزاحم را قطع کند.

رضا کاشفی

عیادت از بیماران بدون ملاقات کننده

برخی از بیماران به دلایلی متأسفانه ملاقات کننده‌ای ندارند که خوب است روزهای تعطیل یکی - دو ساعت از وقت‌مان را صرف عیادت از آنان کنیم.

علی از تهران

ترافیک سنگین خیابان ری

صبح‌ها از پل ری تا سه‌راه امین حضور ترافیک خیلی سنگین می‌شود که یکی از دلایل آن هم مسدود شدن میدان شهدا و تغییر مسیر برخی خودروها است و می‌طلبد که راهنمایی و رانندگی برای حل این مشکل اقدام کند.

خلیل انصاری

افزایش قیمت پرینت خلافی خودرو

هزینه صدور پرینت خلافی خودرو ظرف یک سال اخیر ۱۰ برابر شده و به ۲۰۰۰ تومان رسیده است، که معلوم نیست این افزایش نرخ چه دلیلی دارد.

محمد سروش سلامت

کمبود صندلی در ایستگاه مترو شهدا

تعداد صندلی‌ها در ایستگاه مترو شهدا کم است و اغلب مسافران ناچارند تا رسیدن قطار، سرپا بایستند.

پارسا رهبر

افزایش قیمت نان گردویی

قیمت یک بسته نان حجمی گردودار یکباره از ۱۵۰۰ به ۱۸۰۰ تومان افزایش یافته است و دلیل آن را هم گران شدن مغز گردو اعلام می‌کنند.

مگر در یک قطعه نان به اندازه سنگک کوچک، چه مقدار گردو مصرف می‌شود که بابت آن ۳۰۰ تومان دیگر به نرخ نان افزوده‌اند؟

مصرف کننده نان گردویی

شهرداری اجازه تخریب و نوسازی نمی‌دهد

در منطقه ۳ شهرداری خانه‌ای با قدمت ٤٠ ساله دارم که سند رسمی، جواز ساخت و پایان کار دارد، اما حالا که می‌خواهم آن را تخریب و بازسازی کنم، می‌گویند چون در طرح تفصیلی ۵ ساله تهران در فضای سبز واقع شده است، تا ۵ سال آینده نمی‌توانم به تخریب و بازسازی آن بپردازم و این در حالی است که من سالمند نه عمر نوح دارم، نه صبر ایوب و نه گنج قارون که مطابق طرح تفصیلی شهر تهران عمل کنم.

متقاضی تخریب و نوسازی منزل مسکونی

تنها سینمای رامهرمز تعطیل است

رامهرمز با ۱۰۲ هزار نفر جمعیت در ۹۰ کیلومتری اهواز قرار دارد و علیرغم استخراج مقادیر زیادی نفت و گاز از این منطقه، از امکانات رفاهی و تفریحی و از جمله سینما محروم است. زیرا تنها سینمای رامهرمز از مدت‌ها قبل تعطیل شده و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خوزستان هم تاکنون اقدامی درخصوص ساخت سینمای جدید به عمل نیاورده است.

رامهرمز - یوسفی

قدردانی از برخورد محترمانه کارکنان باشگاه

از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۹ حروف‌چین زبان‌های انگلیسی و فرانسوی نشریه‌های «تهران جورنال» و «جورنال دو تهران» مؤسسه اطلاعات بوده‌ام و به عنوان یکی از مراجعان باشگاه مهر ۷۸ بانک کشاورزی، از رفتار خوب و احترام‌آمیز مدیریت و کارکنان این باشگاه بخصوص با بازنشستگان، تشکر می‌کنم.

بهزاد بهمن

حاضریم کمک کنیم

پیام هموطن دزفولی و مبتلا به سرطان را در مورد تقاضای مساعدت یکی از مؤسسه‌های اعتباری در خصوص نحوه بازپرداخت وام دریافتی او را در خط ارتباطی خواندم، لطفاً نشانی او را چاپ کنید تا به کمک‌اش بشتابیم.

حصارک کرج - خزایی

خط ارتباطی: هدف از چاپ این قبیل پیام‌ها صرفاً جلب توجه و مساعدت بانک‌ها و سازمان‌های حمایتی است، نه جمع‌آوری کمک برای نیازمندان. چرا که اصولاً این کار از وظایف و مسئولیت‌های رسانه‌ها نیست و به آن هم عمل نمی‌شود.

حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی

به نظر من ابتدا باید مشکلات اجتماعی و اقتصادی کشور حل شود و سپس تشویق‌های مرتبط با افزایش جمعیت، به اجرا درآید.

تلفن به خط ارتباطی

بقیه در صفحه ۹

اخبار کوتاه ورزشی

قهرمانان دوومیدانی، ناجی غریق شدند!

مریم طوسی، سپیده توکلی و رضا قاسمی، سه ملی پوش دوومیدانی کار کشــورمان برای حضور در مسابقات جهانی غریق نجات به استرالیا سفر کردند!

این در حالی اســت که کمتر از یک ماه تا آغاز مســابقات دوومیدانی غرب آســیا باقــی مانده و حتی یــک مرحلــه از اردوی آمادگی تیم ملی دوومیدانی برگزار شده است، ولی آنان در مسابقاتی شرکت کرده‌اند که هیچ ارتباطی به ورزش حرفه ای آن‌ها ندارد! حال این سوال مطرح است که چرا این قهرمانان در آستانه حضور در رقابت‌های غرب آسیا، تصمیم گرفته‌اند به این مســابقات بروند؟ آیا مســئولان فدراســیون دوومیدانی با حضور ملی پوشان در این رقابت‌ها موافقند؟

ایران به مدال برنز رقابت‌های سرکل کبدی آسیا رسید

تیــم ملی ســرکل کبدی ایران با پیروزی مقابــل نپال در دومین دوره رقابت‌های سرکل کبدی آسیا به مدال برنز دست یافت .

به گزارش فدراســیون کبدی، دومین دوره رقابت‌های سرکل کبدی قهرمانی آســیا با برگزاری دیدارهای فینال و رده‌بندی در لاهور پاکســتان به پایان رســید که تیم کشــورمان در دیدار رده‌بندی، نپال را با نتیجه ۷۲ بر ۲۷ شکست داد و به مدال برنز دست یافت تا عنوان سال گذشته را تکرار کند. در دیدار فینال پاکستان با نتیجه ۴۰ بر ۳۱ هند را شکست داد تا عنوان قهرمانی این دوره از رقابت‌ها را از آن خود کند.

آغاز مسابقات شطرنج نوجوانان جهان از امروز

رقابت‌های شــطرنج قهرمانی نوجوانان جهان از امروز با حضور ۲۸ نماینده از ایران در اسلوونی برگزار می‌شود.

به گزارش سایت فدراسیون شطرنج، مسابقات شطرنج قهرمانی زیر ۱۸ سال جهان از امروز به میزبانی اسلوونی آغاز خواهد شد. این رقابت‌ها تا ۲۹ آبان ادامه خواهد داشــت. ایران با ۲۸ نماینده در دو بخش بانوان و مردان شــرکت می کند که اســامی شــطرنج‌بازان ایران به این شرح است: مطهــره اســدی، پویا محمدی، آناهیتا زاهدی فــر، صدیقه کلانتری، برنا درخشانی، آرین غلامی، درسا درخشانی، احمد عسگری زاده، سید خلیل موسوی، شاهین لرپری زنگنه، نیما جوانبخت، سارا سادات خادم‌الشریعه، مینو عسگری‌زاده، پویا ایدنی، جابر کوچکی پنجاه، سینا دخت میرزا حسن وحید، آرش طاهباز، محمدامین مولایی، پرهام مقصودلو، آرین خرسندی، بردیا شیخ حسنی، سیاوش وجدانی، امیر کوثری‌نیا، امیر سالار جاوید فرد، ملیکا نوروزی، پگاه قائم مقامی، رعنا حکیمی‌فرد و غزل حکیمی‌فرد.

مازندران، قهرمان لیگ برتر تیمی زورخانه‌ای کشور

تیم مازندران با کســب ۱۷۹ امتیاز به عنوان قهرمان لیگ برتر تیمی زورخانه‌ای کشور نائل آمد .

فینال لیگ برتر تیمی زورخانه‌ای، بین تیم‌های مازندران و سپاهان با حضور علیرضا صفارزاده رئیس فدراسیون پهلوانی و زورخانه‌ای، جمعی از پیشکســوتان و مردم علاقه‌مند به این رشــته در زورخانه شهید فهمیده برگزار شد. تیم مازندران متشکل از شش باستانی کار و یک میاندار، وارد گود شــد و به اجرای ورزش تیمی زورخانه‌ای پرداخت. این تیم با کسب ۱۷۹ امتیاز به عنوان قهرمانی لیگ برتر تیمی زورخانه‌ای دست یافت. تیم سپاهان نیز با کسب ۱۶۰ امتیاز به عنوان نایب قهرمانی رسید.

کاپیتان تیم ملی: ورزش زورخانه‌ای مظلوم است

کاپیتان تیم ملی زورخانه‌ای گفت: متأســفانه در کشــور به ورزش زورخانه‌ای توجه چندانی نمی‌شود و این ورزش مظلوم واقع شده است.

روح‌الله طور سوادکوهی، افزود: هنوز توجه لازم به رشته زورخانه‌ای نمی‌شود و این رشته مظلوم واقع شده است، در حالی که این ورزش ملی و مذهبی ماســت. در کشــور چین، بچه‌ها از مقطع ابتدایی رشته ووشو را یاد می گیرند. کاپیتان تیم ملی زورخانه‌ای با بیان اینکه با درایت مســئولان فدراســیون ملی زورخانه‌ای این رشــته به جایگاه واقعــی خود نزدیکتر می‌شود، تاکید کرد: به عنوان کاپیتان تیم ملی زورخانه‌ای با اطمینان می گویم که این ورزش در آینده به عنوان ورزش اول ایران انتخاب خواهد شد. چون تنها ورزش کشور است که در یونسکو به ثبت رسیده است.

با اخلاق‌ترین باستانی کار

تیم‌هــای مازنــدران و ســپاهان اصفهــان در فینال لیــگ برتر تیمی زورخانــه‌ای بــا یکدیگر به رقابت پرداختند که در پایــان تیم مازندران با کسب ۱۷۹ امتیاز به مقام قهرمانی رسید و تیم سپاهان اصفهان با کسب ۱۷۱ امتیاز نائب قهرمان شد. تیم‌های مقاومت بسیج و کرمان در دیدار رده‌بندی با هم به رقابت پرداختند که در پایان تیم مقاومت بسیج با کسب ۱۸۴ امتیاز سوم شد و کرمان با ۱۷۱ امتیاز به عنوان چهارمی بسنده کرد.

در پایــان ایــن رقابت‌ها، پژمان ســکونتی از تیم کردســتان با عنوان بااخلاق‌ترین باستانی کار لیگ برتر تیمی زورخانه‌ای انتخاب شد.

مسابقات کشتی پهلوانی غدیر از ۱۹ آبان برای تعیین پهلوان کشور در اصفهان برگزار خواهد شد.

یک امتیاز برای صعود تیم ملی فوتبال جوانان کافی است

تیــم ملی فوتبال جوانان ایران در دومیــن دیــدارش در مرحله گروهی رقابتهای قهرمانی جوانان آســیا ۲۰۱۲ امارات درحالی پیروزی مقابل میزبان را در ۷ دقیقه پایانی با تساوی عوض کرد که با این برد، می توانست نخستین تیم صعودکننده به مرحله حذفی باشد.

چهارمیــن دیــدار از روز ســوم ســی وهفتمین دوره مسابقات فوتبال قهرمانی جوانان آسیا ۲۰۱۲ –امارات، پریــروز بین تیم‌های ایــران و امارات برگزار شد و شــاگردان اکبر محمدی برتری یک بر صفر را در ۷ دقیقه پایانی با تساوی عوض کردند تا کار صعودشان به مرحله بعدی این مسابقات، به دیدار آخر مقابل کویت کشیده شود.

در ایــن مســابقه ، علیرضــا جهانبخــش(۶۸) برای تیــم ایران گل زد و یوســف ســعید(۸۲) گل تساوی تیم امــارات را به ثمر رســاند. محمد ناصری، یوســف وکیا، محمدحسین کنعانــی، احمــد عبــدالله‌زاده، امیــن جهان‌کهــن(۵۱–حســین فاضلــی)، فرشید اسماعیلی(۶۳–روزبه چشمی)، محمدعلــی فرامرزی، محمدحســین مرادمنــد، علیرضــا جهانبخش، بهنام برزای(۷۵–احســان پهلوان) و سردار آزمون بازیکنان تیم ایران در این مسابقه بودند. البته شاگردان اکبر محمدی با ۴ امتیاز صدرنشــینی خود در گروه Aرا حفــظ کردند. تیم های ژاپن با ۳ امتیاز، امارات با ۲ امتیاز و کویت با یک امتیاز در رده‌های دوم تا چهارم قرار گرفتند.

چهارشنبه ؛ روز سرنوشت

ســومین روز از مرحلــه گروهی مسابقات فوتبال قهرمانی جوانان آسیا با پیروزی عــراق، کره‌جنوبی و ژاپن، توقــف ایران مقابل امــارات و حذف چین به پایان رسید.

در گــروه یکم ،ژاپــن با تک گل ایوانامی تاکویــا(۲+۴۵) مقابل کویت پیروز شد تا شانس خود را برای صعود به مرحله بعدی مسابقات افزایش دهد.

در دیگــر دیــدار این گــروه ، امارات (میزبان مســابقات) در ۷ دقیقه پایانی شکســت مقابل ایــران را با تســاوی عوض کرد تا مانع صعود ایران به عنوان نخستین تیم جام سی و هفتم به مرحله حذفی شود.

با نتایجی کــه در گروه یکم رقم خورد، هر چهار تیم شــانس صعود به مرحله بعدی را دارند. بر این اســاس، دیدارهــای روز پایانی مرحله گروهی از حساسیت بالاتری برخوردار است، زیرا در صورت تساوی امارات با ژاپن، تیم میزبان (امارات) وداع زودهنگامی با جام خواهد داشت.

تیــم جوانان ایران هــم که برای صعود بــه یک امتیاز در بازی آخر نیاز دارد، به مصاف کویتی می‌رود که برای حذف نشدن باید در این مسابقه پیروز شود. در این شرایط ، تیم اکبر محمدی باید بیش از دو بازی گذشــته، منطقی بازی کند تا با کسب امتیاز از این بازی سرنوشــت ســاز به مرحله بعد صعود کنــد؛ صعودی که ناکامــی این مربی با تیــم نوجوانان در ســال ۲۰۱۰ را به فراموشی خواهد سپرد.

در گروه دوم، عراق با درخشــش «عبدالرحیم کرار» شکست مقابل چین را بــا پیــروزی عوض کرد تــا یکی از مدعیان این گروه برای صعود به مرحله حذفی لقب گیــرد. کره‌جنوبی هم در دیداری نزدیک و حساس با نتیجه ۲ بر یک از سد تایلند گذشت تا با این نتیجه، چین از دور مسابقات کنار برود.

کره‌جنوبــی ، امــروز در آخرین دیــدارش مقابــل چین حذف شــده بــه میدان می‌رود، ولــی دیدار عراق و تایلنــد ، بازی مرگ و زندگی اســت ؛ برنده این مسابقه به مرحله بعدی صعود خواهد کرد.

مصاف با کویت

تیــم ملی فوتبال جوانان ایران که از دو بــازی نخســت ۴ امتیاز اندوخته اســت، امروز در آخرین دیدار مرحله گروهی به مصاف کویت می‌رود.

جوانــان ایران که در نخســتین دیدار خود با برتری مقابل تیم قدرتمند ژاپن امیدوارکننده ظاهر شــده بودند، در دومین دیدار خود به مصاف امارات رفتنــد و نتیجــه ای بهتر از تســاوی یک‌بریک به دست نیاوردند. علیرضا جهانبخش در دقیقــه ۶۰ گلزنی کرد و یوســف سعید در دقیقه ۸۳ کار را به تساوی کشاند تا امتیازها تقسیم شود.

فوتبال تخریبی و عربی

سرمربی تیم ملی فوتبال جوانان گفــت: اماراتی‌هــا بــا یــک فوتبال ناجوانمردانــه، بازی تخریبی و عربی را به نمایش گذاشتند.

اکبــر محمدی درباره تســاوی ایــران مقابل امارات گفت: اماراتی ها میزبان رقابت ها هستند و ما پیش‌بینی می کردیم بازی ســختی داشته باشیم. امــارات، اگــر در ایــن بــازی امتیاز نمی گرفت از دور مســابقات کنار می رفت و در واقع یک امتیازی که از این بازی گرفت، حکم سه امتیاز را داشت. آنها به این امتیاز، احتیاج مبرم داشــتند و بــه همین دلیل هــر کاری کردند که نبازند.

سرمربی تیم ملی فوتبال جوانان، افزود: اماراتی ها بازی ناجوانمردانه‌ای را به نمایش گذاشتند و فوتبال عربی به تمام معنایی را ارائه کردند. با خطاهای متعدد، پشت محوطه جریمه، سرعت مــا را گرفتند و مهاجمان ما را عصبی کــرده بودنــد. می خواســتند تمرکز مهاجمــان را از بین ببرنــد و آنها را از بازی بیرون کنند ؛ حتی سردار آزمون، کارت زرد گرفــت. البته اماراتی ها در نیمه اول موفق بودند.

وی افزود: در نیمه دوم با تذکراتی کــه به بازیکنــان دادم ، اماراتی ها زیاد موفق نبودند و ما به گل رســیدیم. البته تصمیمــات داور هم به نفع اماراتی ها بود. در واقع با توجه به امتیاز میزبانی، این اتفاق طبیعی بود. چرا که اماراتی ها میلیون‌ها دلار خرج کرده‌اند که میزبانی بــازی ها را بگیرنــد. داور به صورت عجیبی خطاهــا را روی بازیکنان تیم ملی جوانان ایران نمی دید. تیم امارات، فوتبال تخریبــی و عربی را به نمایش گذاشت و این نحوه بازی، کیفیت بازی ایران را پایین آورد.

محمــدی با اشــاره بــه برتری محسوس ایران ، گفت: ۶–۷ موقعیت گل داشــتیم. مــا روی یــک صحنــه اشــتباه کردیم و در یک لحظه تمرکز و هوشــیاری را از دســت دادیم و گل خوردیم . پس از دریافت گل تساوی، جهانبخش می توانســت دو گل دیگر به ثمر برساند، ولی متاسفانه در این راه موفق نبودیم.

سرمربی تیم ملی فوتبال جوانان دربــاره بازی با کویــت، گفت: بازی امارات – ژاپن ، بازی سخت و مهمی خواهد بود. امارات می آید که ژاپن را ببــرد و این بازی گره می خورد. بازی کویت هم برای ما ســخت است، ولی نه به اندازه بازی با امارات. تیم کویت بدون آماده ســازی کافی به مسابقات آمــده اســت و توان فیزیکــی بالایی نــدارد. کویت هم بــرای صعود باید ما را شکســت دهد و این کار ایران را راحت‌تر می کنــد. اصلا نگران بازی مقابل کویت نیســتیم و برایمان فرقی نمی‌کنــد که پس از صعــود در بازی حذفی به عراق بخوریم یا کره جنوبی. ما به حضور در جام جهانی و قهرمانی آسیا فکر می کنیم.

دیــدار آخــر مرحلــه گروهی رقابت‌های جوانان آسیا، بین تیم‌های ایران و کویت، ســاعت ۲۰:۳۰ امروز بــه وقت تهران در ورزشــگاه شــهر فجیره برگزار می شود. دیدار تیم‌های ژاپــن و امــارات، همین ســاعت در ورزشــگاه امارات شهر راس الخیمه برگزار می‌شود.

تیم ملی فوتبال، تاجیکستان را ۶ تایی کرد

تیــم ملــی فوتبــال ایــران در دیداری تدارکاتی مقابل تاجیکستان به پیروزی پرگل ۶ بر یک رسید.

تیم ملی فوتبال ایران از ساعت ۱۶ و ۳۹ دقیقــه دیــروز در دیداری تدارکاتی به مصاف تیم تاجیکستان رفــت و با نتیجه ۶ بر یک به پیروزی رســید. قاســم دهنــوی در دقایــق ۹ و ۳۰ ، یعقــوب کریمــی در دقایق ۱۳ و ۳۲، احمد حســن‌زاده در دقیقه ۵۰ و علیرضا عباسفرد در دقیقه ۸۹ بــرای ایران گلزنــی کردند. تک گل تاجیکســتان را در دقیقه ۶۷ ســاوان کلوف به ثمر رساند.

از نکات جالب توجه این بازی حضور بازیکنــان ذخیره در ترکیب اصلی تیم ملی فوتبال ایران بود. علی کریمــی به عنوان کاپیتــان تیم ملی فوتبال وارد میدان شــد که در دقیقه ۴۲ به دلیل مصدومیت تعویض شد و جای خود را به آرش افشــین داد. پس از کریمــی، بازوبند کاپیتانی به محمد نصرتی رسید.

تاجیکستان در رده ۱۳۶ جهان و ۱۸ آسیا قرار دارد در حالیکه ایران در رده چهارم آسیا و ۵۸ جهان است. تاجیک‌هــا، حریف بســیار ضعیفی بودند و در واقع یک حریف تمرینی ساده برای ملی پوشان ایران محسوب شدند.

تیــم ملــی فوتبــال ایــران ، چهارشــنبه هفته آینــده در مرحله مقدماتی جــام جهانی ۲۰۱۴ برزیل در ورزشگاه آزادی تهران به مصاف ازبکســتان می‌رود. ایران با کسب ۷ امتیاز و تفاضل گل کمتر نســبت به کــره جنوبــی در رده دوم قرار دارد و ازبکســتان ۵ امتیازی در رده سوم است .

ترکیب تیم ملی ایران

رحمــان احمــدی(از دقیقــه ۴۶ سوشــا مکانی)، محمد نصرتی، شــجاع خلیل‌زاده، حسین ماهینی، احسان حاج صفی(از دقیقه ۴۶ احمد حسن‌زاده)، امید نظری، میلاد نوری، علــی کریمــی(از دقیقــه ۴۲ آرش افشــین)، یعقوب کریمــی(از دقیقه ۶۴ پژمان نوری)، جلال رافخایی(از دقیقه ۴۶ علیرضا عباســفرد) قاسم دهنــوی(از دقیقــه ۷۳ محمدرضــا خلعتبری)

صعود فوتسال ایران با یک تساوی مقابل پاناما

ســایت کنفدراســیون فوتبال آسیا درباره پیروزی ۲ بر یک تیم ملی فوتسال ایران مقابل مراکش، نوشت: تیم ملی فوتســال ایران بــا پیروزی ســخت مقابل مراکش به مرحله یک شانزدهم نهایی جام جهانی نزدیکتر شد.

در ایــن گــزارش با اشــاره به گل‌های بازی، نوشــته شــده است: قهرمان ۱۰ دوره جام ملت‌های آســیا برای رسیدن به مرحله حذفی در بازی پایانی مرحله گروهی نباید شکست بخــورد، چون با یک تســاوی راهی مرحله یک‌شانزدهم نهایی می‌شود.

بازگشت دانشور

پزشــکان تیــم ملی فوتســال برای بازگشــت مســعود دانشــور و رســاندن وی بــه بازی مقابــل پاناما تلاش می کنند.

مسعود دانشور، بازیکن ۲۴ ساله تیم ملی فوتسال ایران برای دومین بار در جام جهانی حاضر شده است. او، پــس از دیدار ایران مقابل اســپانیا در تمرینات دچار آســیب‌دیدگی شد و پزشکان تیم ملی در تلاش هستند ، او را برای بازی با پاناما آماده کنند .

بازیکنان تیم ملی فوتسال ایران، دیروز ریکاوری کردند و عصر امروز در ســالن نیمبوتر تمریــن خواهند کرد. ایران در ســومین دیدار مرحله گروهی خود از ســاعت ۱۵:۳۰ فردا در این سالن به مصاف پاناما می‌رود. ملی‌پوشــان ایران از دو بازی خود ۴ امتیاز گرفته‌اند و با یک تساوی مقابل پاناما به مرحله یک‌شــانزدهم نهایی صعود خواهند کرد.

چلسی – شاختار، بارسا – سلتیک مهمترین دیدارهای امشب لیگ اروپا

دومین شــب از دور برگشــت مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا، امشب با برگزاری هشت دیدار دیگر پیگیری می شود.

تیم فوتبال چلسی در یکی از مهمترین دیدارهای امشب در ورزشگاه «استمفوردبریج» میزبان شاختاردونتسک اوکراین خواهد بود. چلسی در آخرین دیدار خود در این رقابت‌ها با نتیجه ۲ بر یک مقابل این تیم شکست خورد ؛ نماینده اوکراین، نمایش بسیار خوبی در بازی رفت داشت.

«خوان ماتا» در ارتباط با این بازی به هم‌تیمی‌های خود اظهار داشت: جــوری بازی کنید که انگار دیدار فینال اســت. ما بایــد به عنوان تیم اول گروه پنجم ،راهی مرحله بعد شویم. شاختار در اوکراین ثابت کرد که تیم قدرتمندی است و هر تیمی را شکست می دهد. البته ما در استمفوردبریج از حمایت هواداران برخورداریم و شب‌های لیگ قهرمانان در این ورزشگاه همیشه ویژه است.

دیگر بازی مهم امشــب را تیم‌های سلتیک و بارسلونا در گروه هفتم برگزار می کنند. «تیتو ویلانووا» برای این دیدار «جرارد پیکه» را در اختیار خواهد داشت. سرمربی بارسلونا در این دیدار «آلکسیس سانچز»، مهاجم شیلیایی خود را به احتمال فراوان در خدمت دارد.

مــردان «نیل لنون» در بازی قبل تا واپســین لحظــات بازی، موفق به توقف بارســلونا شــده بودند و این تیم ســختکوش در دیدار امشب ، نیم نگاهی به شکست بارسا دارد. در دیگر بازی گروه پنجم، تیم های یوونتوس – نوردسیلاند به مصاف هم می روند .

یوونتوس در ۹ بازی اخیر خود در رقابت‌های اروپایی همواره با تساوی از میدان خارج شــده است. تورینی‌ها در دور گروهی لیگ قهرمانان اروپا در فصل ۲۰۱۱ – ۲۰۱۰ شش تساوی را به ثبت رساندند. یووه در استمفوردبریج شکســت ۲ بر صفر را با تســاوی ۲ بر ۲ عوض کرد. بیانکونری مقابل شاختار در نخســتین بازی اروپایی خود در ورزشــگاه جدیدش به تساوی یک بر یک بسنده کرد.

گروه ششم: والنسیا – باته بوریسف ، بایرن مونیخ – لیل

باته ، نتیجه هفت بازی خود با تیم‌های اسپانیایی را واگذار کرده و در شش مسابقه حتی یک گل هم به ثمر نرسانده است. این تیم بلاروسی ۱۷ بار دروازه خود را مقابل لیگایی‌ها ، گشوده دیده است . در بازی‌های خارج از خانه ، آمار گل‌های زده و خورده یک به ۱۰ اســت. تک گل زده بوریســف در دور نخست جام یوفا در فصل ۲۰۰۸ – ۲۰۰۷ به ثمر رسید ؛ زمانی که این تیم با ویارئال بازی داشت. هرچند آن بازی با نتیجه ۴ بر یک به سود قایق‌های زرد پایان یافت.

بایرن، دو بازی خانگی و هفت مســابقه از مجموع هشــت دیدار خانگی مقابل تیم‌های فرانسوی را با برد به پایان برده است. فقط یک شکست در این رقابت‌ها به چشــم می خورد. باواریایی‌ها در فصل گذشــته ، المپیک مارسی را در خانه شکست دادند و در بازی خارج از خانه با نتیجه ۲ بر صفر ، حریف را از پیش رو برداشتند. المپیک لیون دیگر حریف فرانسوی بایرن در نیمه نهایی لیگ قهرمانان اروپا در فصل ۲۰۱۰ – ۲۰۰۹ بود. رقابت‌هایی که با بردهای یک بر صفر و ۳ بر صفر مونیخی‌ها همراه شد.

گروه هفتم : بنفیکا – اسپارتاک مسکو، سلتیک – بارسلونا

ژورژ ژســوس ، ســرمربی تیم بنفیکا پس از شکســت در لیسبون مقابل بارسا در هفته دوم دور گروهی ، دو بازی خانگی پیاپی خود را در رقابت‌های اروپایی واگذار کرد. آن‌ها ســال گذشــته در دور یک چهارم نهایی با یک گل تسلیم چلسی شدند. پرتغالی ها هیچگاه سه شکست خانگی پیاپی را در رقابتی اروپایی نداشته‌اند. آن‌ها همه تلاش خود را انجام دادند تا مقابل شاگردان اونای امری این رکورد را حفظ کنند.

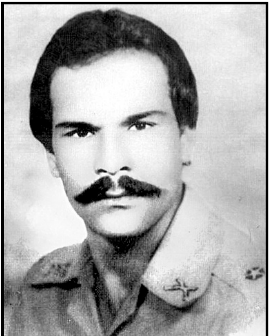
بارســا، پــس از برد ۲ بر صفر بنفیکا در ۲۵ بــازی خارج از خانه خود در لیگ قهرمانان اروپا ۱۲ برد را به ثبت رســانده اســت. آبی – اناری‌ها، فقط ۳ بار بازی‌های خارج از خانه اروپایی خود را واگذار کرده‌اند.

گروه هشتم : کلوژ – گالاتاسرای ، براگا – منچستریونایتد

گالاتاسرای، از سپتامبر ۲۰۰۲ در لیگ قهرمانان اروپا بردی نداشته است. ترکیه‌ای‌هــا مقابــل لوکوموتیو مســکو ۲ بر صفر پیروز شــده بودند. اما اکنون هشــت شکست در ۹ بازی گالاتاســرای در رقابت‌های اخیر اروپایی به چشم می‌خورد.

شــاگردان ژوزه پســیرو با وجود برتری ۲ بر صفر در اولدترافورد بازی را با نتیجه ۳ بر ۲ به شــیاطین ســرخ واگذار کردند. به این ترتیب در چهار بازی اخیــر خانگی مقابل تیم‌هایــی از انگلیس فقط یک برد برای پرتغالی‌ها به ثبت رسیده است. براگا ، آخرین بازی خود در ورزشگاه خانگی‌اش را در این فصل برگزار کرد. دیداری که در ماه ســپتامبر برگزار شــد و با برتری ۲ بر صفر کلوژ رومانی به پایان رسید.





نوزدهم آبان ۱۳۹۱ مصادف با سی و دومین سالگرد شهادت ستوان **علی احمدلو** جمعی تیپ قوچان لشگر ۷۷ پیروز خراسان در کوی ذوالفقاری آبادان و همچنین ششمین سالگرد درگذشت پدرشان مرحوم **غلامعلی احمدلو** می باشد.
به روح پاکشان درود می فرستیم و یادشان را گرامی می داریم.
از قم مادر ـ برادران ـ خواهران همیشه داغدار

ترحیم

بسمه تعالی
إذا مات المؤمن الفقیه ثلم فی الإسلام ثلمة لا یسدّها شیء
رحلت عالم ربانی و مجاهد عالیمقدار **حضرت آیت‌الله مرحوم آقای سید کرامت‌الله ملک حسینی رضوان‌الله علیه** که از بزرگان علماء شیراز و فارس بودند موجب کمال تأثر گردید، اینجانب این ضایعه را به پیشگاه حضرت ولی‌عصر ارواحنا فداه و جامعه روحانیت خاصه حضرات آیات و جامعه روحانیت شیراز و اهالی محترم شیراز و یاسوج و بازماندگان و آقازادگان ایشان خاصّه آقازاده معظم ایشان آقای سید شرف‌الدین ملک حسینی تسلیت عرض می نمایم. شادی روان ایشان و حشر با ائمه اطهار علیهم السلام و صبر جمیل و اجر جزیل را برای عموم بازماندگان از ذات مقدس الهی خواستارم. و به همین مناسبت مجلس بزرگداشتی در مؤسسه حضرت صاحب‌الزمان عجل‌الله فرجه منعقد می گردد.
شرکت حضرات آیات و جامعه روحانیت و اصناف محترم موجب تعظیم شعائر و مزید شادی روان آن مرحوم و تسلیت بازماندگان می گردد.
مشهد مقدس ـ سیّد محمد باقر شیرازی
زمان: چهارشنبه ۲۲ ذی‌الحجة ۱۴۳۳ مطابق با ۱۳۹۱/۸/۱۷ از ساعت ۹ تا ۱۱ قبل از ظهر
مکان: خیابان آیت‌الله شیرازی ـ شیرازی ۱۷

به نام اهورا مزدا

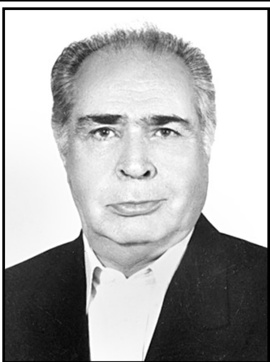


پرسه
با اندوه فراوان درگذشت روانشاد **خدارحم بلندیان (آمیغی)** را به آگاهی خویشاوندان، دوستان و آشنایان گرامی می رساند.
آئین پرسه آن بهشتی‌روان روز آسمان ایزد و آبان ماه ۳۷۵۰ دینی زرتشتی برابر با یکشنبه ۹۱/۸/۲۱ از ساعت ۴ الی ۶ پسین در تالار ایرج واقع در خیابان جمهوری اسلامی، خیابان میرزاکوچک‌خان، کوچه زرتشتیان، شماره ۶ برگزار می گردد.
فرزندان: جمشید، هوشنگ، شکربانو و خدارحم آمیغی
خانواده‌های: آمیغی ـ بلندیان ـ پیمانی‌فرد ـ هورمزدی ـ بلند ـ پیمان ـ هوشمند پارسی ـ ایرانی ـ مهرزیاد ـ فرهی ـ خانواده‌های وابسته و پیوسته

بازگشت همه بسوی اوست
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت آقای **دکتر مجتبی مدرسی**، مصدر امور قضا و وکیل دادگستری را به اطلاع همگان می رساند.
مجلس ترحیم آن فقید سعید به شرح زیر برگزار می گردد:
۱- تهران: روز چهارشنبه ۹۱/۸/۱۷ از ساعت ۱۳/۳۰ الی ۱۵ در مسجد جامع شهرک غرب واقع در میدان صنعت، بلوار فرحزادی، ابتدای خیابان شهید حسن سیف.
۲- اصفهان: روز جمعه ۹۱/۸/۱۹ از ساعت ۹ الی ۱۱ صبح در مسجد سیداصفهان، خیابان مسجد سید.
خانواده‌های: مدرسی ـ امامی ـ فرهمندرضوی ـ داگلاس ـ فریدی ـ شیرازی ـ حدادی.
وفامیلهای‌وابسته: مدرس ـ مدرس‌زاده ـ مدرسی‌اسفه ـ رضوی ـ حمیدی ـ بهرامی ـ رشتچی ـ فرزانه‌پور ـ عالمیان ـ فخرائی ـ هلاکوئی ـ کاظمی ـ اشرقی ـ نامنی ـ ناظم ـ امینی ـ بحرینی ـ همت ـ فریدی ـ چوبینه ـ سفید دشتی ـ بیدگلی ـ شفیعی ـ جوادی ـ انصاری ـ زعفرانی ـ سیفیانپور ـ سیف ـ کیانی ـ واثقی ـ یکدانه ـ بهنود ـ ملک‌نیا ـ سلطانی

اناللّه و انا الیه راجعون
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت آقای **جمشید مرادی شبستری** را به اطلاع بستگان، دوستان و همشهریان عزیز می رساند.
مراسم شب هفت آن مرحوم روز پنجشنبه ۱۳۹۱/۸/۱۸ از ساعت ۳ تا ۴/۳۰ بعدازظهر در مسجد نور واقع در خیابان دکتر فاطمی، میدان جهاد منعقد می‌باشد.
حضور سروران ارجمند در این مراسم موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: مرادی شبستری ـ طالب‌زاده
دامادها: اشرفی ـ عباسی ـ الماسی
و سایر بستگان سببی و نسبی.

بازگشت همه به سوی اوست
با نهایت تأسف درگذشت نابهنگام جوان ناکام شادروان **مهندس احمد جوکار** را به اطلاع بستگان و دوستان می رساند.
به همین مناسبت مجلس ختمی روز جمعه از ساعت ۳/۳۰ تا ۵ بعدازظهر در مسجد النبی(ص) واقع در انتهای کارگر شمالی ـ مقابل کوی دانشگاه برگزار می گردد.
حضور سروران عزیز موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهدبود.
خانواده‌های عزادار: رهگذر ـ جوکار ـ ابراهیمیان ـ غزنوی و سایر وابستگان



با نهایت تأسف و تأثر درگذشت ناگهانی شادروان **مهندس همایون همایونی** را به اطلاع اقوام، دوستان و آشنایان می رساند.
به همین مناسبت مجلس ترحیم آن فقید سعید روز جمعه ۹۱/۸/۱۹ در مسجد الزهراء(س) درشهرک غرب، فاز ۲ خیابان هرمزان روبروی برجهای تهران اول کوچه مهرگان از ساعت ۱۵ الی ۱۶/۳۰ برگزار می گردد.
شرکت سروران موجب تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: همایونی ـ حاجیان‌پور ـ هنجنی ـ هنجن ـ حیدری ـ سلطانی ـ نوابی ـ اخوی ـ ضرابی ـ بایگان ـ دکتر اسماعیل زاده ـ صالحی ـ دکتر اصالت ـ صیانتی ـ بهاری پور ـ شفیعی

هوالباقی
با نهایت تاثر و تاسف درگذشت ابوی گرامی **جناب آقای مهندس علی محمدی قایقچی** کارشناس محترم دادگستری رشته کشاورزی و منابع طبیعی راضمن عرض تسلیت باطلاع همکاران گرامی می رساند.
به‌همین مناسبت مجلس ترحیمی ازساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ روز پنجشنبه مورخ ۹۱/۸/۱۸ در مسجد حضرت امیر(ع) واقع در خیابان کارگر شمالی ـ مقابل پمپ‌بنزین منعقد می‌باشد. حضور سروران گرامی باعث تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.
کانون کارشناسان رسمی دادگستری و هیئت رئیسه گروه ۹ ـ کشاورزی و منابع طبیعی

هوالحی
یک هفته از درگذشت بانو **معصومه قادری (فرزین‌نیا)**، مادر بزرگوار دوستان گرامی‌مان آقایان علی و حسین فرزین‌نیا، می گذرد. همراه ایشان در مراسم هفتمین شب درگذشت آن بانوی ارجمند شرکت می‌کنیم تا تسلی بخش خاطر این عزیزان باشیم.
پنج‌شنبه ۱۸ آبان‌ماه، از ساعت ۱۹ تا ۲۱، مسجدنور، میدان‌فاطمی
یادش گرامی
موسسه فرهنگی نیکان
فارغ‌التحصیلان دوره ۶ دبیرستان نیکان
فارغ‌التحصیلان دوره ۹ دبیرستان نیکان

به نام اهورامزدا



پرسه
بااندوه فراوان درگذشت روانشاد **رستم کیخسرو کیانیان** را به آگاهی خویشاوندان، دوستان و آشنایان گرامی می رساند. آئین پرسه آن بهشتی روان روزدی‌بدین و آبانماه ۳۷۵۰ دینی زرتشتی برابر با چهارشنبه ۹۱/۸/۱۷ از ساعت ۴ الی ۶ پسین در تالار ایرج واقع در خیابان جمهوری اسلامی، خیابان میرزاکوچک‌خان، کوچه زرتشتیان، شماره ۶ برگزار می گردد.
همسر: ایران ماونداد(کیانیان)
فرزندان: کیخسرو و پریناز کیانیان
برادر: شاهرخ کیانیان
خواهران: سیمین دخت و کیاندخت کیانیان
داماد: کیانفر کیانیان
عروس: آتریا مزدیسنی
نوه‌ها: کورش ـ کیانا ـ رستم ـ دارین کیانیان
خانواده‌های: کیانیان ـ ماونداد ـ مزدیسنی ـ صداقت یزدی ـ غریب شاهی ـ کیانی ـ سروشیان ـ خدارحمی ـ زرتشتی ـ یگانگی ـ فیروزگری ـ جمشیدی ـ آذرگشسب ـ پورساسانیان ـ خورشیدیان ـ نامور و خانواده‌های وابسته و پیوسته

با نهایت تأثر و تأسف درگذشت مادر عزیزمان مرحومه **خانم اختر رهبری** (همسر مرحوم محمدرضا حسین‌زاده) را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و آشنایان میرساند.
مجلس ترحیم آن‌مرحومه‌روزچهارشنبه‌مورخ ۹۱/۸/۱۷ از ساعت ۱۵/۳۰ تا ۱۷ در مسجد حضرت‌ابوالفضل(ع) واقع در خیابان ستارخان نرسیده به خیابان پاتریس لومومبا نبش خیابان کوکب برگزار میگردد.
حضورشماسروران گرامی موجب تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود. هزینه مراسم شب هفتم و چهلم صرف امور خیریه خواهد شد.
از طرف خانواده‌های: حسین‌زاده ـ رهبری و سایر بستگان

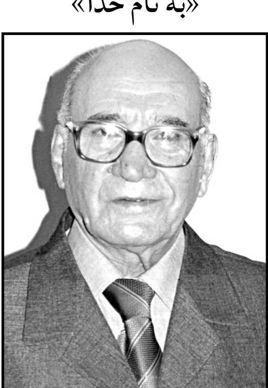
یادبود

برادر عزیزم، علیرضا محمودی
ده سال است که نبودنت را ناباورانه و با دیدگانی اشکبار تحمل می‌کنیم و هر روز تنها یادگارت را عاشقانه می‌بوییم. روحت شاد.
از طرف خانواده

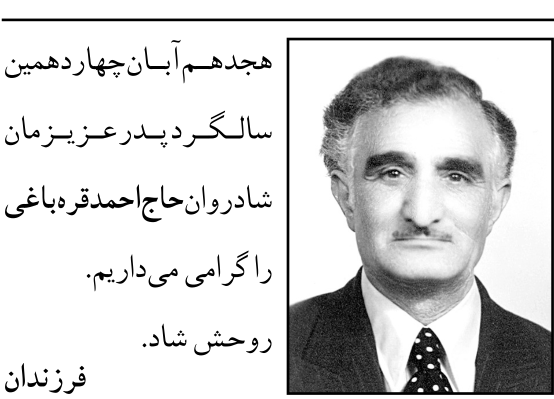
هوالباقی
در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم
بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم
به وقت صبح قیامت که سر ز خاک برآرم
به گفت‌وگوی تو خیزم به جستجوی تو باشم
بر هر شاخه گل یاس می‌نویسم
دوستت دارم
(مادر)

ـ ۳سال گذشت ـ
۳سالی که بدون تو برایمان ۳ قرن گذشت.
فقط توانستیم با یادت و خاطراتت سپری کنیم.
غمزده و اندوهگین هنوز نبودت را باور نکرده‌ایم.
تنها تسلی‌بخش دل شکسته‌مان، ذکر این آیه شریفه «الا بذکر الله تطمئن القلوب» بود.
به امید روزی که دوباره تو را در آغوش بگیریم.
به‌مناسبت سومین سالگرد عروج ملکوتی مرحومه مغفوره **«حاجیه خانم ام‌البنین سیار»** جمعه ۱۳۹۱/۸/۱۹، بر سر مزار پاکش واقع در بهشت زهرا(س) قطعه ۳۰۴ ردیف ۴۳ شماره ۲۱ «منزلگاه ابدی‌اش» گردهم می‌آئیم و با تلاوت آیاتی از قرآن مجید، روح پرفتوحش را عطرافشانی می‌کنیم.
از طرف همسر: احمد خطیبی
فرزند: مهران خطیبی
عروس: گلشنی
و نوه‌های آن مرحومه: کامران و کامیار خطیبی

«به نام خدا»

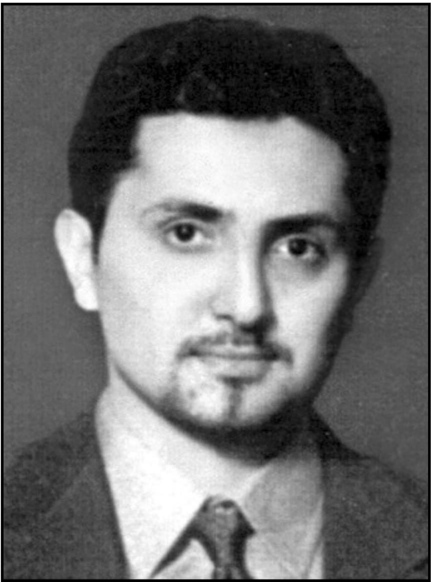


روز شنبه مورخ ۱۳۹۱/۸/۲۰ که مصادف است با اولین سالگرد عروج ملکوتی شادروان آقای **حاج حسینعلی قدس** (بزرگ خاندان قدس) همسر و پدر مهربان و بزرگوارمان را گرامی می‌داریم.
روحش شاد و یادش جاودانه باد.
ضمناً بنابه نیات خیرخواهانه آن مرحوم هزینه سالگرد صرف امور خیریه گردید.
خانواده: قدس
همسر: فخریه
فرزندان: دکتر فهیمه ـ دکتر فرزانه
دامادها: مهندس عزیزالدین ـ مهندس پی‌یر
«نوه‌ها و نتیجه‌ها»



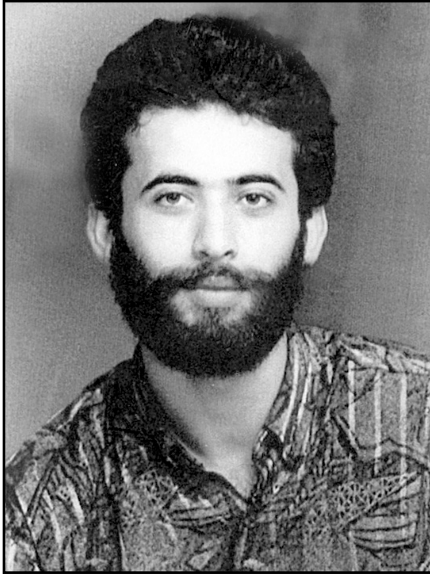
هجدهم آبان چهاردهمین سالگرد پدر عزیزمان شادروان **حاج احمد قره‌باغی** را گرامی می‌داریم.
روحش شاد.
فرزندان

یا لطیف
زندگی پرتو شمعی‌ست که در بزم وجود
به نسیم مژه برهم زدنی خاموش است



آبان ماه، یادآور تلخ‌ترین روز زندگی‌ماست.
روزی‌که فرزندعزیزمان **«مهندس علیرضا نژاد کریمی»** برای همیشه با ما وداع گفت.
در دهمین سالگرد درگذشت آن مهربان، یاد و خاطره‌اش را گرامی می‌داریم.
خانواده نژاد کریمی

«یا لطیف»



۲۰ آبان ماه دهمین سالگرد درگذشت غم‌انگیز عزیز از دست رفته‌مان مرحوم **شهرام شهیدی** می‌باشد.
بیاد روزگار خوش با او بودن و به یاد مهربانی‌هایش در روز جمعه ۹۱/۸/۱۹ از ساعت ۱۴ الی ۱۶ در قطعه ۴۳ بهشت‌زهرا(س) در کنار دوستدارانش یاد و خاطراتش را گرامی می‌داریم.
شهرام عزیز و مهربان
یادت تا ابد در قلبمان زنده است
شهیدی ـ صعوه

زین مرگ ناگهانیت ای نازنین پسر
بیگانه سوخت تا چه رسد آشنای تو
۱۹ آبان ماه مصادف است با چهارمین سالگرد پرواز ملکوتی فرزند و برادر عزیزمان زنده‌یاد **مهندس سید مسعود حنیفی یزدی** و ما هنوز رفتنش را باور نداریم.
به یادمهربانی‌ها و خوبی‌ها و به یادروزگارخوش با او بودن سالگرد او را گرامی داشته، هزینه مراسم سالگرد صرف امور خیریه می گردد.
روحش شاد و یادش گرامی
خانواده حنیفی یزدی

«یک سال در تاریکی گذشت»
گفته‌اند: تنها صداست که می‌ماند. اما این حقیقت ندارد. چون تمام نوشته‌ها، عکس‌ها و خاطرات تو در بند بند وجود من حک شده و تا زنده‌ام پاک نخواهند شد. بعد از مرگم هم خاک، باران و درختان به آنها عمری دوباره خواهند داد.
آبانماه یادآور روزی شوم است.
روزی که امید زندگی‌ام، **سیما یاسری** من را تنها گذاشت.
آن که بعد از او مرده متحرکی بیش نیست: ماندانا کریمی

تسلیت

خانواده‌های محترم معادی و فیروزنیا
رحلت دلخراش **جناب آقای معادی** که از شخصیتهای بارز صنعت کشور ایران عزیزمان بودند موجب تحیر و تأسف بسیار ما شد. خود را در غم شما شریک می‌دانیم و از خداوند تحمل و صبر برای همه خویشان و دوستان آن مرحوم آرزو می‌کنیم.
علی‌اکبر رفوگران و بانو

همکار گرامی جناب آقای دکتر فرشاد اخوتیان
با نهایت تأسف و تألم مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای جنابعالی و خانواده محترم صبر و سلامتی و طول عمر و برای آن مرحوم علودرجات مسئلت می‌نمائیم.
هیات مدیره ،پزشکان و پرسنل بیمارستان مهر

همکار گرامی جناب آقای دکتر فرشاد اخوتیان
با اندوه فراوان مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض نموده، از درگاه ذات مقدس باریتعالی برای جنابعالی و خانواده محترم سلامت و سعادت مسئلت می‌نماییم.
دکتر احد عاطف وحید و بانو

کوچ ناگهانی روزگاران دوران جوانی شادروان **مهندس همایون همایونی** موجب تأثر خاطر دوستان گردید. مصیبت وارده را به خانواده آن مرحوم و کلیه یاران ایشان تسلیت می گوئیم.
محسن آقازاده ـ علی اخوان لنگرودی ـ هاشم امینی ـ مجید بیانی ـ اصغر بخشایش ـ علی اکبرپاشا ـ پرویز جورابچی ـ نصرت‌اله خطیبی ـ پرویز دانش ـ هوشنگ دانش ـ علاءالدین زرین‌پور ـ منصور زرافشان ـ پرویز زاهدی ـ صادق علاقبند ـ حسین فلاحی ـ علی لشکری ـ ناصر ملک مطیعی ـ کامبیز مبینی ـ ابوالفضل ناجی ـ کورس وخشور ـ علیرضا هدایتی ـ محمود یمین ـ علی بیات ـ بهمن شادخو

همکار گرامی
سرکار خانم معصومه سلیمانی
با کمال تأسف و تأثر درگذشت نابهنگام شوهر خواهرگرامیتان را حضور جنابعالی و بستگان محترم تسلیت عرض می‌نمائیم.
برای آن مرحوم از درگاه ایزد منان رحمت الهی و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت می‌نماییم.
همکاران شما در قسمت تصحیح روزنامه و آگهی‌ها

جناب آقای دکتر عسگری
ریاست محترم سازمان مالیاتی کشور
باکمال تأسف مصیبت وارده را خدمت جنابعالی تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان آرزوی صبر و شکیبایی برای خانواده محترمتان مسئلت می‌نمائیم.
دکتر علیرضا زالی
معاون نظارت و برنامه‌ریزی سازمان نظام پزشکی

استاد ارجمند
جناب آقای دکتر پارسا
باکمال تأسف مصیبت وارده را خدمت جنابعالی و همسر گرامیتان تسلیت عرض نموده و آرزوی صبر و شکیبائی را برای خانواده محترمتان آرزومندیم.
دکتر علیرضا زالی و بانو

سپاسگزاری

بسمه تعالی
تشکر و اعتذار
به حکم ادب و حق شناسی از تمامی عزیزانی که با ابراز عنایت و همدردی با ارسال پیام و شرکت در مراسم تشییع و ختم، ما را در غم فقدان پدر عزیزمان **حضرت آیه‌ا... مروارید** تسلی دادند، بویژه از مردم وفادار استان ایلام، کلیه ارگانها و نهادهای استان حجت‌الاسلام والمسلمین لطفی امام جمعه محترم استان، استاندار محترم جناب آقای اعلایی، روحانیت محترم استان و همچنین از علما و بزرگان و مسئولین محترم کشوری خصوصاً حضرت آیه‌ا... هاشمی رفسنجانی، حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد خاتمی، جناب آقای دکتر علی لاریجانی، جناب آقای دکتر محسن رضایی، جناب آقای حسینی وزیر محترم ارشاد، جناب آقای دکتر قالیباف شهردار محترم تهران، آیه‌ا... دری نجف‌آبادی، آیه‌ا... حسینی بوشهری مدیریت حوزه‌های علمیه، دبیرخانه مجلس خبرگان، حضرت آیه‌ا... مقتدایی، بیت محترم آیه‌ا... العظمی منتظری، دفتر آیه‌ا... سیستانی در ایران، حضرت آیه‌ا... مدرسی و روحانیت کربلا، بیت محترم حضرت آیه‌ا... العظمی حسنعلی مروارید، بیت محترم آیه‌ا... شهید بهشتی، نمایندگان محترم ادوار و فعلی استان ایلام، استانداران ادوار مختلف ایلام، آقای آزاد استاندار محترم همدان، انجمن ایلامی‌های مقیم مرکز، جامعه پزشکان کشور، جامعه حمل و نقل کشور، مدیران، مسئولین و کارکنان شهرداری تهران و شرکتهای وابسته، وزارت خانه‌های جهاد کشاورزی کشور، راه و ترابری و سازمان حمل و نقل، دانشگاه امیرکبیر، بانک شهر و صندوق ذخیره کارکنان شهرداری و شرکتهای وابسته، مجموعه شرکتهای جهش، شرکت ایرسوتر، موسسه مولی‌الموحدین مجمع رزمندگان و ایثارگران استان ایلام، همیاران جهادکردستان، تدارکات پزشکی هلال‌احمر، انجمن‌های صنفی کارفرمایان و سایر عزیزانی که فرداً اظهار لطف نمودند کمال تشکر و قدردانی را داریم و از خداوند متعال سلامتی و عزت همگان را خواهانیم.
از طرف بیت آیه‌ا... مروارید
دکتر محمدجعفر مروارید

به نام خدا
*بدینوسیله از کلیه سروران گرامی که به هنگام درگذشت مادرعزیزمان شادروان **بانوا قدس شهیدی** در مراسم مختلف شرکت و با ما همدردی فرموده اند سپاسگزاریم و قدردان زحمات عزیزانی هستیم که با اهدای تابلو، تاج گل و آگهی تسلیت ما را مورد لطف قرار دادند.*
ازخداوند متعال سلامت و شادکامی همه را آرزومندیم.
خانواده شهیدی

بسمه‌تعالی
بدین وسیله مراتب تشکر و قدردانی خود را از اعضاء محترم دفتر مقام معظم رهبری، بیت مرحوم آیتا... العظمی گلپایگانی(ره)، روحانیون، علما، اعضاء محترم دولت، اعضاء محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام، نمایندگان محترم ادوار، بنیادها، نهادها، بانک‌ها و مؤسسات دولتی و غیردولتی و یکایک بزرگوارانی که با حضور در مجالس تشییع، تدفین و ترحیم زنده یاد حسین شهسواری و یا به طریق دیگر ابراز لطف نموده و تسلی بخش آلام درونی ما و شادی بخش روح ایشان شدند اعلام می‌داریم.
همسر و فرزندان آن شادروان

اطلاعات

سال هشتاد وهفتم

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت‌جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

تقویم اطلاعات

چهار شنبه ۱۷ آبان ۱۳۹۱
۲۲ ذی الحجه ۱۴۳۳ ـ ۷ نوامبر ۲۰۱۲

ظهر شرعی	۱۱ و ۴۸ دقیقه
غروب آفتاب	۱۷ و ۰۳ دقیقه
اذان مغرب	۱۷ و ۲۲ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۰۵ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۵ و ۰۸ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۳۳ دقیقه

«محمد بن نایف» وزیر کشور عربستان شد



سرویس خارجی: پادشاه عربستان طی دستوری احمد بن عبدالعزیز را از پستش به عنوان وزیر کشور برکنار و محمد بن نایف را به جای وی تعیین کرد. عبدالله بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان طی دستوری با درخواست احمد بن عبدالعزیز، وزیر کشور سابق عربستان در زمینه برکناری‌اش از این پست موافقت کرد. احمد بن عبدالعزیز در نامه‌ای به دفتر پادشاهی عربستان کناره گیری از پستش را خواستار شده بود. محمد بن نایف پیشتر در بخش خصوصی فعالیت می کرد تا اینکه در ۱۳ مه ۱۹۹۹ دستور پادشاهی صادر و وی به عنوان معاون وزیر کشور در امور امنیتی تعیین و در سپتامبر ۲۰۰۸ بر اساس دستور پادشاه وی در پستش ابقا شد. در ۲۷ اوت سال ۲۰۰۹ زمانی که یک مظنون تحت پیگرد قصد ترور محمد بن نایف را داشت وی از این تلاش ترور در منزلش واقع در جده جان سالم به در برد. شاهزاده محمد فرزند شاهزاده نایف است که تا زمان مرگ خود در ماه ژوئن چندین دهه وزیر کشور عربستان بود. پس از مرگ، شاهزاده احمد معاون نایف جانشین وی شد. خبر دیگر اینکه، شبکه اطلاعات حقوق بشر عربی برخورد رژیم سعودی با زنان تحصن کننده مقابل دادگاه شهر بریده را وحشیانه دانست و تاکید کرد که مسئولان سعودی باید همه بازداشت شدگان را آزاد کنند. شبکه اطلاعات حقوق بشر عربی اقدام نیروهای امنیتی در بازداشت ۱۱ زن و یک کودک مقابل دادگاه بریده را محکوم کرد.

***کویت**

امیر کویت طی سخنانی ضمن انتقاد از مخالفان گفت که آنها با تهدید و ایجاد چالش به اهداف خود نمی‌رسند. «شیخ صباح الاحمد الصباح» امیر کویت طی سخنانی از تظاهرات غیر قانونی که به خشونت در این کشور منتهی شد، انتقاد کرد و خواستار مذاکره برای حل اختلافات درباره تغییرات قانون انتخابات شد. سخنان وی که از تلویزیون منتشر می‌شد، گفت: همانند شما، به دلیل تحولات تاسف برانگیز احساس غم، اندوه، نگرانی و درد کردم. وی با اشاره به سه تظاهرات گسترده‌ای که طی روزهای پیش برگزار شد، گفت: خشونت، انحراف و هرج و مرج باعث ایجاد ترس و عصبانیت شده است. شیخ الصباح همچنین مخالفان را متهم به نقض قانون با تشکیل تظاهرات غیر قانونی کرد.

***بحرین**

مخالفان رژیم آل خلیفه انفجارهای روز دوشنبه گذشته در بحرین را ساختگی خواند و وزارت کشور را مسئول اصلی این مساله دانستند. مخالفان بحرینی ضمن محکوم کردن انفجارهای منامه، پایتخت بحرین اعلام کردند که انفجارهای روز دوشنبه گذشته ساختگی بوده و توسط وزارت کشور بحرین صورت گرفته است. مخالفان بحرینی افزودند: دو فردی که گفته می‌شود در انفجارهای روز دوشنبه گذشته کشته شده‌اند، در حقیقت در حادثه رانندگی و پس از برخورد با خودروی پلیس کشته شدند و سپس توسط وزارت کشور اعلام شد که این دو طرف که جسدشان به محل انفجار منتقل شده از قربانیان انفجار هستند.

***یمن**

«سلجوق اونال» سخنگوی وزارت امور خارجه ترکیه، کشف یک محموله بزرگ اسلحه قاچاق از یک کشتی این کشور در بندر عدن یمن را تکذیب کرد. اونال گفت: این محموله توسط یک شرکت ترکیه ای به یمن ارسال شده و بار آن بیسکویت بوده است. پایگاه اینترنتی روزنامه القدس العربی چاپ لندن به نقل از وزارت دفاع یمن گزارش کرده بود که یک محموله بزرگ اسلحه قاچاق را از یک کشتی کانتینربر ترکیه در بندر عدن این کشور توقیف کرده است.

فشرده‌ترین رقابت انتخاباتی تاریخ آمریکا در مرحله پایانی

سرویس خارجی: مردم ایالات‌متحده آمریکا دیروز به پای صندوق‌های رأی رفتند تا سکاندار کاخ سفید را تعیین کنند. بر اساس گزارش‌های رسیده، مردم روستاهای دیکسول‌نوچ و «هرت» ایالت «نیوهمپشایر» اولین افرادی بودند که در شروع رسمی انتخابات، رأی خود را به صندوق انداختند. از سویی، میت رامنی در شهر بلمونت ایالت ماساچوست و اوباما هم در شیکاگو آرای خود را به صندوق انداختند. این در حالی است که آمریکایی‌ها دیروز برای تعیین سرنوشت ۳۳ کرسی مجلس سنا، ۴۳۵ کرسی مجلس نمایندگان و ۱۱ کرسی فرمانداری و دیگر دفاتر محلی آمریکا نیز رأی دادند.

باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا و نامزد حزب دموکرات و میت رامنی، نامزد جمهوریخواهان اصلی‌ترین نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا محسوب می‌شوند. شایان گفتن است که دو نامزد حزب دموکرات و جمهوریخواه تا آخرین دقایق تبلیغات قانونی، پی‌درپی تلاش داشتند تا هواداران خود را منسجم و نظر کسانی را که هنوز تصمیم نگرفته‌اند، به نفع خود جلب کنند. در همین راستا میت رامنی ابتدا به ایالت فلوریدا رفت و سپس به ایالت‌های ویرجینیا، نیوهمپشایر و اوهایو سفر کرد.

در این حال، اوباما نیز تلاش کرد با سفر به ایالت‌های ویسکانسین، آیوا و اوهایو، آرای بیشتری را برای خود کسب کند. در این میان با توجه به اعلام نظرسنجی‌های انجام شده، آرای «اوهایو» نقشی حیاتی در میان دیگر ایالات آمریکا برای هر دو نامزد حزب جمهوریخواه و دموکرات دارد. براساس گزارش‌های منتشر شده، رقابت میان رامنی و اوباما در ایالت سرنوشت‌ساز اوهایو بسیار نزدیک است. در همین رابطه تارنمای بی‌بی‌سی نوشت، تاکنون هیچ نامزد جمهوریخواهی بدون پیروز شدن در اوهایو نتوانسته رئیس جمهوری آمریکا شود. در حالی که تیم تبلیغاتی رامنی اعلام کرده حتی در زمان رأی‌گیری هم تبلیغات ادامه خواهد داشت، خبرگزاری‌ها از تلاش مضاعف کمپین رامنی برای تشویق رأی‌دهندگان به انداختن رأی خود به نفع نامزد جمهوریخواه خبر داده‌اند. در این میان، هر دو نامزد به منظور راهیابی به کاخ سفید به شدت محتاج آرای الکترال هستند و باید دست‌کم ۲۷۰ رأی الکترال را برای پیروزی کسب کنند. در نظام انتخاباتی آمریکا اعضای الکترال کالج هر ایالت که به نسبت جمعیت شمار آن‌ها تغییر می‌کند، با توجه به رأی اکثریت مردم در آن ایالت رأی خود را به یک کاندیدا می‌دهند، از این رو در نهایت یک ایالت یا همه، رأی خود را به نامزد دموکرات می‌دهد یا به نامزد جمهوریخواه. لازم به یادآوری است که الکترال کالج آمریکا ۵۳۸ عضو دارد. از دیگر سو، رویترز نوشت، راه اوباما برای ماندن در کاخ سفید هموارتر از رقیب جمهوریخواهش است و اگر او موفق شود آرای ایالات ویسکانسین، اوهایو و آیوا را از آن خود کند، شانس بیشتری برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری خواهد داشت. شایان گفتن است که شماری از مردم آمریکا در انتخابات پیش از موعد این کشور شرکت کردند و آرای خود را به صورت غیرحضوری به صندوق‌های اخذ رأی انداختند. بر این اساس گزارش شده نامزد دموکرات‌ها در انتخابات پیش از موعد، پیشتاز است. رویترز هم در خبری کوتاه ضمن اشاره به هزینه بیش از ۲میلیارد دلاری انتخابات آمریکا اعلام کرد که پیش‌بینی می‌شود دست‌کم ۱۲۰میلیون آمریکایی در فرآیند انتخابات شرکت کنند. این خبرگزاری در حالی که رقابت میان نامزدهای دموکرات و جمهوریخواه را شانه‌به شانه توصیف کرد، انتخابات سال ۲۰۱۲ را از بسیاری جهات شبیه به انتخابات سال ۲۰۰۰ آمریکا دانست.

آخرین نظرسنجی‌ها

آخرین نظرسنجی‌های انجام شده پیش از آغاز رأی‌گیری به شرح زیر بود:

ـ ای‌بی‌سی ـ واشنگتن‌پست: اوباما ۵۰درصد، رامنی ۴۷ درصد

ـ گالوپ: اوباما ۴۹ درصد ـ رامنی ۵۰ درصد

ـ راسموسن: اوباما ۴۸ درصد ـ رامنی ۴۹ درصد

شایان گفتن است که مؤسسات نظرسنجی مونمات، سوروی «یو.اس.ای» و براون اعلام کرده‌اند که اوباما و رامنی با ۴۸درصد آرا با هم مساوی هستند. در این میان، ۹۶درصد رأی‌دهندگان جمهوریخواه از رامنی و ۹۳ درصد از دموکرات‌ها نیز از اوباما حمایت کرده‌اند.

انتخابات آمریکا در آئینه رسانه‌ها

ـ ایندیپندنت: بوی پیروزی اوباما می‌آید، اما آیا او به‌اندازه کافی تلاش کرده؟

ـ نیویورک تایمز: چه کسی صدای ایالت‌های آونگ را بلند خواهد کرد؟

ـ واشنگتن‌پست: دیگر روزی به نام روز انتخابات وجود ندارد.

ـ تایم: رامنی در فینال!

ـ بی‌بی‌سی: آمریکا برای رقابتی تنگاتنگ آماده می‌شود.

ـ لس‌آنجلس تایمز: رامنی با مشکلات فراوان همچنان خوش‌بین است.

حاشیه‌های انتخاباتی

* اوباما در جمع هوادارانش در ایالت آیووا در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود، گفت: من به اینجا بازگشتم تا از شما بخواهم به من کمک کنید تا آنچه که آغاز کردیم را به پایان برسانیم.

* هواداران رامنی پیش از آغاز به کار حوزه‌های اخذ رأی با مردم تماس گرفتند و به آن‌ها یادآوری کردند که روز انتخابات فرا رسیده است.

* سوپرپک‌ها (کمیته‌های سیاسی هستند که به هدف تأثیر بر انتخابات کمک‌های مالی از شرکت‌ها و اتحادیه‌ها دریافت می‌کنند) برای انتخاب اوباما حدود ۸۶۹میلیون دلار هزینه کردند.

* آمارهای منتشر شده نشان می‌دهد انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲ آمریکا، گرانترین انتخابات جهان بوده است.

*برگزاری انتخابات آمریکا بار دیگر آرامش را به بازارهای نفت بازگرداند.

* شورای ارتباطات مسلمانان و کمیته‌های آمریکایی‌های عرب‌تبار ضد تبعیض با ارسال میلیون‌ها پیامک به مسلمانان آمریکا آن‌ها را تشویق کردند تا در پای صندوق‌های رأی حضور یابند.

بسته شدن تمامی دفاتر جنبش حماس در دمشق

سرویس خارجی: نیروهای امنیتی سوریه تمامی دفاتر جنبش حماس را در دمشق بستند. در میان دفاتری که در سوریه بسته شد دفتر خالد مشعل، رئیس دفتر سیاسی حماس در منطقه المزه دمشق است.

همچنین حماس در واکنش به حملات صورت گرفته علیه اردوگاه فلسطینی نشین یرموک در دمشق و نیز اردوگاه‌های سبینه و الحسینیه در دمشق که به کشته و زخمی شدن ده‌ها فلسطینی انجامید، با صدور بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن این حملات خواهان مشخص شدن عوامل آن و ممانعت از کشتار ملت فلسطین در بحران سوریه شد.

حماس همچنین در بیانیه خود ضمن ابراز همدردی و نگرانی شدید نسبت به کشتار مردم سوریه خواهان متوقف شدن درگیری‌های خونین در این کشور شد. گفتنی است پیشتر اعضای دفتر سیاسی حماس و کادر این جنبش سوریه را ترک کردند.

خبر دیگر اینکه منابع فلسطینی از کمک ۴۰ میلیون یورویی ترکیه به حماس به منظور تقویت جایگاه حماس در نوار غزه خبر دادند. این مبلغ ژوئن امسال به حماس تحویل داده شد.

از سویی دیروز در ترکیه چهار ژنرال بازنشسته اسرائیل، غیابا در دادگاهی در استانبول به اتهام سازماندهی حمله به یک کشتی ترکیه که در سال ۲۰۱۰ قصد شکستن محاصره غزه را داشت، محاکمه شدند. در آن حمله ۹ فعال که همگی از شهروندان ترکیه بودند، کشته و شماری نیز مجروح شدند. چنانچه این چهار نفر در این دادگاه محکوم شوند، حکم بازداشت آنها صادر خواهد شد.

زخمی شدن ۳ نظامی صهیونیست

وقوع انفجار در مسیر خودرو گشتی ارتش رژیم صهیونیستی در مرز جنوب نوار غزه باعث زخمی شدن سه نفر از آنها در مرز نوار غزه شد و پس از آن نیز تیراندازی به سمت نیروهای ارتش صهیونیستی صورت گرفت. رژیم صهیونیستی نیز به سمت مبارزان فلسطینی آتش گشود اما گزارشی از وارد آمدن آسیب به این مبارزان مخابره نشده است.

این درحالی است که ارتش اسرائیل اعلام کرد نسخه ارتقا یافته سامانه گنبد آهنین را با هدف مقابله با موشک‌های میان‌برد گروههای مقاومت آزمایش کرد. ارتش اسرائیل اعلام کرد قصد دارد گنبد آهنین را در برابر موشک‌های دوربرد نیز مورد آزمایش قرار دهد.

تهدید به انحلال

وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی تهدید کرد تشکیلات خودگردان فلسطین در صورت مراجعه به سازمان ملل برای دستیابی به کشور غیر عضو این سازمان، منحل خواهد شد.

آویگدور لیبرمن گفت از مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا خواسته است پیام قاطعانه‌ای به محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین بدهد مبنی بر اینکه اینکه در صورت پافشاری عباس برای مراجعه به سازمان ملل، این تشکیلات منحل خواهد شد.

لیبرمن همچنین از کمیته چهارجانبه صلح خاورمیانه نیز خواست زمان برگزاری انتخابات سراسری در مناطق تحت سلطه تشکیلات خودگردان به منظور تعیین جانشین برای عباس که لیبرمن وی را مانعی بر سر راه روند سازش می‌بیند، تعیین کند.

این درحالی است که دبیر کل اتحادیه عرب اعلام کرد: وقت آن رسیده که فلسطین به عنوان کشور غیر عضو در سازمان ملل پذیرفته شود.

نبیل العربی پس از دیدار با محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در پایتخت اردن گفت: با عباس درباره رای گیری طرح قطعنامه ای گفت وگو کردم که قرار است تشکیلات خودگردان در ماه جاری میلادی به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه کند و در صورت تصویب به عنوان کشور غیر عضو در سازمان ملل پذیرفته شود.

از سویی وزیر امور خارجه روسیه گفت: مقامات مسکو خواستار از سرگیری اقدامات گروه چهارجانبه صلح خاورمیانه در ارتباط نزدیک با اتحادیه عرب هستند.

سرگئی لاوروف در جریان مذاکرات خود با وزیر خارجه مصر در قاهره اعلام کرد ادامه وقفه در از سرگیری مذاکرات بین فلسطین و اسرائیل ممکن است باعث پسرفت در حل و فصل مناقشه خاورمیانه شود.

این درحالی است که رژیم‌صهیونیستی اعلام کرد قصد دارد بیش از ۱۲۰۰ واحد مسکونی جدید در دو شهرک صهیونیستی در کرانه باختری بسازد.

این در حالی است که سیاست شهرک‌سازی رژیم‌صهیونیستی با مخالفت‌های بین‌المللی گسترده‌روبرو شده و حتی رویترز نیز اقدام جدید اسرائیل را تقابل با جامعه بین‌الملل خوانده است.

۷۷ کشته و زخمی در انفجار بغداد



سرویس خارجی: شمار قربانیان انفجار انتحاری مقابل یک پایگاه نظامی ارتش در شمال بغداد، به ۲۷ کشته و بیش از ۵۰ زخمی رسید. خبرگزاری رویترز اعلام کرد که شمار کشته‌های حمله انتحاری در بیرون پایگاه ارتش عراق در نزدیکی بغداد به ۲۷ نفر رسیده است. به گفته پلیس عراق شمار زخمی ها بیش از ۵۰ نفر است. از سوی دیگر خبرگزاری فرانسه، شمار کشته‌ها را ۲۵ نفر اعلام کرد و نوشت: به گفته منابع آگاه امنیتی و پزشکی اغلب قربانیان از نیروی پلیس بودند. بر اساس این گزارش، یک خودروی بمب‌گذاری شده، مقابل یک پایگاه نظامی ارتش عراق در شهرک «التاجی» در شمال بغداد منفجر شد.

شرط مالکی

نخست وزیر عراق طی اظهاراتی نسبت به بهبود روابط کشورش با ترکیه ابراز تمایل کرد. نوری مالکی، نخست وزیر عراق در مصاحبه با یکی از شبکه‌های تلویزیونی عراق اعلام کرد: روابط ترکیه و عراق در حال حاضر متشنج است و ما در تلاش هستیم تا در ازای تحقق برخی شروط از جمله احترام ترکیه به عراق و عدم دخالت آنکارا در امور داخلی کشور و نیز ممانعت مقامات آنکارا از نقض حریم هوایی عراق روابط خود را با ترکیه به شکل بهتری تغییر دهیم. مالکی ادامه داد: در صورتی که این شروط از سوی ترکیه رعایت شود شرکت‌های ترکیه‌ای که در عراق فعالیت می کنند از شرایط بهتری برخوردار شده و عراق از آنها استقبال خواهد کرد. نخست وزیر عراق تاکید کرد: در حال حاضر مقامات عراق برای کاهش تیرگی روابط با آنکارا اقداماتی را در دست اجرا دارند، اما این اقدامات برای پایان دادن کامل به روابط متشنج دو طرف کافی نیست. وی با اشاره به پناهنده شدن طارق الهاشمی، معاون سابق رئیس جمهوری عراق به ترکیه که پیشتر به اتهام دست داشتن در پرونده‌های تروریستی به اعدام با چوبه دار محکوم شده، افزود: عراق به هیچ وجه نمی‌تواند برخی از اقدامات ترکیه از جمله پناه دادن به کسی که در کشتار ملت عراق دست داشته و از سوی کشورش به اعدام محکوم شده، بپذیرد. خبر دیگر اینکه، رئیس منطقه کردستان عراق در ادامه سفر خود به کشورهای حوزه خلیج فارس، با امیر قطر در دوحه دیدار کرد. بر اساس این گزارش در فرودگاه بین‌المللی دوحه، «احمد بن عبدالله آل محمود» معاون نخست‌وزیر و وزیر مشاور در امور هیئت دولت از بارزانی استقبال کرد.

همایش جهانی «غدیر»

نخستین همایش بین‌المللی غدیر کار خود را در نجف اشرف، با مشارکت هیات هایی از ۳۴ کشور آغاز کرد. «علی الحجی»، عضو دبیرکلی آستان علوی و رئیس کمیته زمینه سازی برای برگزاری این همایش با اعلام این خبر گفت که تاکنون هیات‌های ۳۴ دولت برای شرکت در این همایش وارد نجف اشرف شدند و در کل ۳۷ دولت برای شرکت در این همایش دعوت شده بودند.

اخضر ابراهیمی: خطر فروپاشی، سوریه را تهدید می کند

سرویس خارجی: فرستاده مشترک سازمان ملل و اتحادیه عرب در سوریه ضمن توصیف وضعیت این کشور به "مصیبت بزرگ"، نسبت به خطر فروپاشی سوریه و روی کار آمدن حاکمان نظامی و شبه‌نظامیان در این کشور هشدار داد.

اخضر ابراهیمی، به اوضاع مردم ساکن حمص و افزایش تعداد کشته‌ها و مجروحان و آوارگان سوری اشاره کرد و گفت: ما در تلاش هستیم قطعنامه‌ای الزام آور را از طریق شورای امنیت صادر کنیم که این قطعنامه بر پایه توافقنامه ژنو باشد و بر اساس آن مذاکرات سیاسی که به تغییر واقعی در سوریه بینجامد، آغاز شود.

وی همچنین نسبت به نبود راهکاری که بتواند سوریه را از مواجه شدن با وضعیتی شبیه سومالی حافظت کند، هشدار داد.

ابراهیمی گفت: نمی‌خواهم بدبین باشم اما وضعیت سوریه واقعا خطرناک است، مردم سوریه از مشکلات زیادی رنج می‌برند و درباره خطر تقسیم این کشور صحبت می‌کنند. من نمی‌خواهم سوریه تقسیم شود اما معتقدم در صورتی که مساله سوریه به شکل درست حل نشود این کشور با خطر تبدیل شدن به وضعیت سومالی روبه‌رو خواهد شد. یعنی خطر فروپاشی کشور و ظهور حاکمان جنگی و شبه نظامیان و گروه‌ها و تشکیلات تروریستی بسیار زیاد است.

فرستاده مشترک سازمان ملل و اتحادیه عرب به سوریه همچنین توافقنامه ژنو را تنها اصل موجود برای حل و فصل وضعیت سوریه دانست و اجرای آن را خواستار شد.

وی در این خصوص گفت: توافقنامه ژنو بر متوقف شدن خشونت‌ها و تشکیل دولتی انتقالی با اختیارات کامل و در نهایت برگزاری انتخابات از سوی سازمان ملل در شرایطی کاملا شفاف و آزاد تاکید دارد.

وی درباره سرنوشت بشار اسد نیز گفت: مردم سوریه دو دسته هستند، گروهی برای باقی ماندن وی در قدرت پافشاری می‌کنند و گروه دیگر تنها شرط مذاکره را برکناری اسد از قدرت می‌دانند اما در سفرهایم به کشورهای مختلف درباره این مساله صحبتی نشد و مقامات این کشورها نیز در خصوص این مساله پیشنهادی ندادند.

از سویی نخست وزیر روسیه در خصوص اوضاع سوریه گفت آینده این کشور باید در دستان مردم این کشور باشد و آنها باید تصمیم گیرنده باشند.

دیمیتری مدودف افزود: اوضاع سوریه باعث نگرانی های بسیاری شده است. موضع مسکو این است که آینده سوریه باید در دستان مردم این کشور باشد به جای آنکه توسط ساختارهای بین المللی یا هرگونه نیروی خارجی تعیین و مشخص شود. بنابراین مهمترین امر و وظیفه ما امروز این است که به مردم سوریه کمک کنیم.

وزیر خارجه روسیه نیز با رد پیش شرط مخالفان مبنی بر کناره‌گیری اسد برای آغاز مذاکرات اعلام کرد با نخست‌وزیر برکنار شده سوریه مذاکراتی داشته و دو طرف به توافق‌هایی دست یافته‌اند.

سرگئی لاوروف در کنفرانس مشترک مطبوعاتی با ناصر جوده، وزیر امور خارجه اردن در امان گفت: مسکو هیچ راهی جز مذاکرات سیاسی میان دولت و مخالفان در سوریه برای پایان یافتن خشونت‌های این کشور نمی‌بیند.

وی همچنین گفت مسکو اطلاعاتی در اختیار دارد که نشان می‌دهد معارضان مسلح سوری مجهز به بیش از ۵۰ موشک «استینگر» هستند.

لاوروف در ادامه از سیاست رسمی ایران مبنی بر مخالفت با هرگونه مداخله خارجی در سوریه و تاکید بر ضرورت حل مسایل این کشور توسط طرف های سوری استقبال کرد.

وی گفت: تهران برای تلاش ها درجهت جلوگیری از مداخله خارجی در امور داخلی سوریه اهمیت فراوان قائل است.

وی افزود: مسایل سوریه با سیاست ایران ارتباط تنگاتنگ دارد.

این درحالی است که کاترین اشتون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با تاکید بر دشوار بودن اوضاع سوریه، از جامعه بین‌الملل خواست برای جلوگیری از ناآرامی های سوریه تلاش کند. وی خاطرنشان کرد: باید تلاش‌های بیشتری برای یکپارچه کردن مخالفان سوری صورت گیرد.

دراین حال دیوید کامرون، نخست‌وزیر انگلیس اظهارداشت: به خاطر اختلافاتی که میان اعضای دائم شورای امنیت درباره سوریه وجود دارد، سازمان ملل در حل‌وفصل بحران سوریه شکست خورد و امیدهای جهان را برای حل بحران این کشور ناامید کرد.

کامرون در این اظهارات که در جمع دانشجویان دانشگاه ابوظبی ایراد کرد، گفت: جامعه جهانی باید به مردم سوریه برای رهایی از بشار اسد کمک کند. نخست‌وزیر انگلیس، اسد را به دیکتاتوری که شمار زیادی از مردم سوریه را قتل عام کرده، توصیف کرد.

خبر دیگر اینکه سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا اعلام کرد ساختار آتی جناح مخالف سوریه هنوز برای امریکا روشن نیست و اطلاع ندارد چه گروه های دیگری برای پیوستن به جناح مخالف سوریه دعوت شده اند.

از سویی «هادی العامری» وزیر حمل و نقل عراق گفت: سلاح های سعودی ارسالی به سوریه از طریق ترکیه به دست عناصر القاعده می‌رسد و آمریکا بارها از این موضوع ابراز نگرانی کرده است.

موضع ایران از نگاه ابراهیمی

اخضر ابراهیمی اظهار داشت: ایران همواره مواضع خود را درباره بحران سوریه واضح اعلام کرده است. وی تاکید کرد: موضعی که من از طرف ایرانی ها شنیده ام این است که آنها معتقدند در سوریه دو طرف درگیر یعنی دولت و مخالفان وجود دارد و بر همین مبنا هر گونه راه حلی باید خواست های دو طرف را موردتوجه قرار دهد.

ابراهیمی افزود: ایران معتقد است در نهایت دو طرف درگیر باید به توافقی برسند که در نتیجه آن خشونتها پایان یابد و انتخابات آزاد و شفاف برگزار شود.

انفجار تروریستی زینبیه

انفجار هنگام جاسازی مواد منفجره در یک خودرو توسط تروریست‌های مسلح در منطقه زینبیه در جنوب دمشق ده‌ها نفر از آنها را به‌کام مرگ فرستاد و شمار دیگری را زخمی کرد.

تروریست‌های مسلح در منطقه «المشتل» در غرب حرم حضرت زینب مشغول جاسازی مواد منفجره در یک خودرو بودند که این مواد منفجر شده و عملیات تروریستی آنها را با ناکامی مواجه کرد.

این انفجار موجب کشته شدن ۱۷ تروریست و زخمی شدن ده‌ها نفر از آنها شد که اکثرا دارای تابعیت‌های غیرسوری و عربی بودند.

منطقه المشتل دمشق بزرگترین و مهمترین مرکز تجمع تروریست‌های مسلح در دمشق و در نزدیکی منطقه زینبیه به شمار می‌آید.

بمب گذاری در مناطق مختلف

مناطق و شهرهای مختلف سوریه شاهد پنج عملیات بمب‌گذاری تروریستی بود که در جریان آن ۲۱ شهروند سوری کشته و ۷۰ نفر زخمی شدند. شدیدترین انفجار در منطقه علوی‌نشین «المزه جبل» در دمشق روی داد. مناطق و شهرهای مختلف سوریه شاهد چندین بمب‌گذاری تروریستی از جمله در دمشق، ریف دمشق و حما بود.

عناصر گروهک تروریستی «ارتش آزاد» سوریه نیز بار دیگر با خمپاره و موشک‌های دست‌ساز یکی از مناطق مسکونی شهر حارم در ادلب را گلوله‌باران کردند که براثر آن ده‌ها شهروند بی‌دفاع که در بین آنها زنان و کودکان هم مشاهده می‌شوند، کشته و زخمی شدند.

ارتش آزادمدعی شد این گروهک قصد دارد برای گشودن پنج جبهه نبرد در سوریه گروهک‌های متفرق و پراکنده خود را متحد می کند.

از سویی نیروهای ارتش سوریه هفت تک‌تیرانداز وابسته به گروهک تروریستی ارتش آزاد را در حلب به قتل رساندند. این تک تیراندازان با استقرار در خانه‌های مسکونی این منطقه اهالی و نیروهای ارتش سوریه را هدف قرار می‌دادند.

خبر دیگر اینکه افراد مسلح، «اسامه اللحام» برادر رئیس پارلمان سوریه را ترور کردند. افراد مسلح همچنین یک سرهنگ ارتش به نام «محمد علی زیدان» را مقابل منزلش در منطقه رکن الدین دمشق ترور کردند.

افراد مسلح درعین حال خط لوله انتقال نفت نزدیک حمص در غرب سوریه را منفجر کردند. این خط لوله نفت مورد نیاز پالایشگاه غرب شهر حمص را تامین می‌کرد.

دراین حال نقص فنی موجب سقوط یک بالگرد ارتش سوریه در شرق شهر «تدمر» از توابع استان حمص و کشته شدن خلبان آن شد.

این بالگرد در حال انتقال هشت نظامی زخمی و دو سرهنگ ارتش سوریه بود که دچار نقص فنی شد و سقوط کرد.

ارتش سوریه ادعای معارضان مبنی بر هدف قرار گرفتن این بالگرد توسط تروریست‌های مسلح و پخش تصاویر و فیلم‌هایی در این ارتباط را تکذیب کرد.

درتحولی دیگر ارتش رژیم صهیونیستی اعلام کرد یک خودرو نظامی این رژیم درارتفاعات اشغالی جولان سوریه هدف تیراندازی از خاک سوریه قرار گرفت. ظاهرا گلوله‌های شلیک شده سرگردان بوده و این حادثه تلفات نداشت.

از سویی روزنامه لبنانی الدیار نوشت: حدود ۲۰۰ هزار مسیحی سوری در پی درگیری های جاری و ناامنی در کشورشان به لبنان آمده و بسیاری از آنها داخل کلیساها سکنی گزیده‌اند.

بیشتر این خانواده ها که از مذاهب سریانی، ارمنی و ارتدوکس هستند، عمدتا از شهر حلب سوریه به لبنان رفته اند و در مناطق حریصا و برج حمود، تحت رعایت کلیساهای کاتولیک و ارامنه لبنان ساکن شده اند.

فرار مشقت‌بار خانواده‌های سوری

بسیاری از نقاط مرزی سوریه از ابتدای بحران سوریه آماج حملات تروریستی قرار گرفته و بسیاری از ساکنان نقاط مرزی را واداشته به دلیل از دست دادن خانه و کاشانه خود آواره کشورهای دیگر از جمله ترکیه و اردن شوند. این تصویر بیانگر اوضاع بسیاری از سوری‌های مقیم مناطق مرزی است ونشان می‌دهد چگونه مردم از بیم بمباران و حملات مرگبار و ربوده شدن توسط گروهک‌های تروریستی با استفاده از ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین ابزار و وسایل از رود «عاصی» عبور می‌کنند تا خود را به خاک ترکیه برسانند.

شورای امنیت شبکه «حقانی» را تحریم کرد

سرویس خارجی: شورای امنیت علاوه بر مسدود کردن حساب‌های بانکی شبکه حقانی در سراسر جهان، نام «قاری ذاکر» را به لیست تروریست‌های خطرناک اضافه کرد.

شورای امنیت سازمان ملل متحد با پیروی از آمریکا مسدود شدن تمام حساب‌های شبکه حقانی و اقدام علیه این گروه تروریستی را تصویب کرد. براین اساس، دارایی های افراد عضو شبکه حقانی در تمامی کشورهای جهان توقیف و سفر آنان به سایر کشورها و فروش اسلحه به آنان ممنوع می‌شود.

«سوزان رایس» نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد در این زمینه گفت: تمام کشورهای دنیا خواهان ریشه کن شدن شبکه حقانی در افغانستان هستند و برای از بین بردن توان نظامی این گروه، آمریکا را همراهی می‌کنند.

وی افزود: شورای امنیت سازمان ملل هر مانعی که صلح در افغانستان را به چالش بکشد از سر راه بر می‌دارد. رایس با اشاره به اینکه بیشتر حملات انتحاری در افغانستان توسط شبکه حقانی انجام شده و طراحی این حملات به عهده قاری ذاکر بوده است، افزود: آمریکا تمام ثروت قاری ذاکر در این کشور را مصادره کرده است. گفته می‌شود، قاری ذاکر فرمانده عملیات‌های انتحاری شبکه حقانی و مسئول حمله به سفارت آمریکا و هند در افغانستان است و به همین علت شورای امنیت سازمان ملل متحد نام وی را به لیست تروریست‌های خطرناک اضافه کرده است.

درهمین حال سرباز آمریکایی که متهم به کشتن ۱۶ غیرنظامی در ولایت «قندهار» افغانستان است برای اولین بار در دادگاهی در آمریکا حاضر و تفهیم اتهام شد.

اعتراض به سکوت سازمان ملل در تحریم دارویی ایران

رئیس سازمان نظام پزشکی با ارسال نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل متحد از سکوت این سازمان در مورد تحریم دارویی کشورمان از سوی کشورهای غربی انتقاد کرد.

به گزارش روابط عمومی سازمان نظام پزشکی، دکتر سید شهاب الدین صدر در این نامه، با اشاره به جایگاه سازمان ملل متحد، به عنوان یک نهاد بین‌المللی مستقل که هدف آن برقراری صلح، امنیت و عدالت در میان کشورها و جلوگیری از جنگ، فقر و شکاف های ناعادلانه در جهان است، آورده است: «اقدام غیرانسانی اخیر کشورهای غربی و اروپایی، با محوریت شرارت آمریکا، در خصوص تحریم اقلام دارویی و تجهیزات پزشکی به کشور ایران، بار دیگر پرده و نقاب از چهره‌های ظالمان و مستکبرین برداشت و مهر تأییدی بر این مدعا شد که انرژی صلح آمیز هسته‌ای ایران، تنها بهانه‌ای است به منظور غارت و هجمهٔ غیرانسانی و ضدبشری بر مردم ایران و انقلاب اسلامی و مردمی آنان.»

در این نامه، ضمن یادآوری حق تمامی ملت ها برای داشتن انرژی صلح آمیز هسته‌ای به منظور تأمین انرژی نسل های امروز و فردا بر پایداری ملت ایران برای دفاع از حقوق قانونی خویش تاکید شده و آمده است: «ملت ایران هزینه تمامی تحریم‌های مالی و اقتصادی و نفتی را خواهد پرداخت و آنچه همواره عامل پیشرفت و ترقی ملت ایران چه در زمان هشت سال جنگ تحمیلی و چه اکنون بوده است، اعتماد به نفس، تکیه بر تولید ملی، تلاش در جهت خودکفایی و اراده راسخ ملت شریف ایران است.» رئیس سازمان نظام پزشکی سپس این سئوال را از آقای بان کی مون پرسیده است که «براساس کدامین قانون و مجوز و بر مبنای کدامین معیار اخلاقی، دینی و انسانی قدرت‌های شیطانی و کشورهای مستکبر، دارو و نیازهای اولیه بهداشتی و درمانی را بر روی کودکان و زنان و مردان یک ملت تحریم می‌کنند و سازمان مللی که جنابعالی در مسند ریاست آن تکیه زده‌اید سکوت اختیار می‌کند؟» صدر همچنین از دبیرکل سازمان ملل پرسید: «آیا سازمان مللی که شورای امنیت آن که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، دارای ساختار و سازوکار غیرمنطقی و غیردموکراتیک و دیکتاتورمآبانه است خواهد توانست امنیت را برای ملت و مردم جهان به ارمغان بیاورد؟»

وی همچنین با یادآوری وظیفه سازمان ملل در دفاع از حقوق مردم بی گناه که سلامت آنها به خطر افتاده از سکوت بی معنا و غیر انسانی این سازمان که راه را برای متجاوزین به حقوق ملت ها هموار می سازد انتقاد کرده است.

کوتاه از سراسر جهان

قربانیان تیراندازی تگزاس از دولت آمریکا شکایت کردند

فارس: خانواده های قربانیان تیراندازی صورت گرفته در پایگاه نظامی فورت هود تگزاس برای دریافت غرامت از دولت شکایت کردند. اعضای خانواده های ۱۴۸ تن از قربانیان این تیراندازی به خاطر حمله‌ای توسط یک روان پزشک ارتش در ۲۰۰۹ میلادی صورت گرفته است، در طرح دعوی خود آورده اند که وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) از مسئولیت قانونی و مالی خود در قبال کشته های این تیراندازی سر باز می زند.

وزیر دفاع روسیه برکنار شد



فارس: رسانه‌های روسی از برکناری «آناتولی سردیوکوف»، وزیر دفاع این کشور خبر دادند. بنا بر این گزارش ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه، آناتولی سردیوکوف را از سمت خود کنار گذاشت و «سرگی شویگو» را جایگزین وی کرد. شویگو پیش از این از سال ۱۹۹۴ تاکنون وزیر امور اضطراری روسیه بوده است.

دیدار نخست وزیر چین و رئیس جمهور فرانسه

فارس: نخست وزیر چین و رئیس جمهوری فرانسه بر تقویت روابط دوجانبه و استراتژیک میان دو کشور تاکید کردند. «ون جیابائو» نخست وزیر چین در دیدار با «فرانسوا اولاند» رئیس جمهوری فرانسه بر لزوم تقویت روابط استراتژیک دو کشور تاکید کرد. جیابائو تصریح کرد که پکن به حل بحران بدهی های اروپا کمک می کند و معتقد است که اتحادیه اروپا با حمایت جامعه بین‌المللی از این بحران خارج خواهد شد. رئیس جمهوری فرانسه نیز که به منظور حضور در نشست دو روزه آسیا و اروپا به لائوس سفر کرده است گفت: فرانسه و چین منافع مشترک زیادی دارند و به مسائل مهم بین‌المللی و منطقه ای نگاه مشابهی دارند.

سارکوزی دادگاهی می‌شود

فارس: رئیس جمهور پیشین فرانسه طی هفته جاری در ارتباط با پرونده تأمین غیرقانونی هزینه تبلیغات انتخاباتی سال ۲۰۰۷ توسط یک ثروتمند فرانسوی، دادگاهی می‌شود. «نیکلا سارکوزی» طی هفته جاری در ارتباط با پرونده «لیلیان بتانکور» وارث شرکت اورئال در بوردو دادگاهی می‌شود. جلسه استماع دادگاه قرار بود جمعه گذشته برگزار شود اما به این هفته موکول شد. قضات فرانسوی به دنبال آن هستند که آیا پول‌های نقدی که در سال ۲۰۰۷ از حساب شرکت آرایشی اورئال برداشته‌شده، صرف تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری سارکوزی شده‌است یا خیر؟

«راسموسن» و امکان برگزاری شورای روسیه–ناتو

فارس: دبیر کل ناتو امیدوار است که نشست بعدی شورای روسیه–ناتو در سطح وزرای خارجه در ماه دسامبر در بروکسل برگزار شود.

"آندرس فوگ راسموسن" با اشاره به اینکه مقامات ناتو هنوز پاسخی از طرف روسیه در خصوص پیشنهادات این سازمان در زمینه همکاری در زمینه سپر موشکی اروپایی دریافت نکرده‌اند، گفت: فعلا در این زمینه ما هیچ پیشرفتی مشاهده نکرده‌ایم، ولی مذاکرات ما با روسیه همچنان ادامه دارد.

عمر البشیر به عربستان رفت

ایسنا: دفتر ریاست جمهوری سودان اعلام کرد، رئیس جمهوری این کشور برای انجام معاینات پزشکی به عربستان رفت. دفتر ریاست جمهوری سودان اعلام کرد که عمر البشیر به دلیل التهاب تارهای صوتی برای معاینه پزشکی به عربستان سفر کرده و به مردم سودان اطمینان می دهیم که حال عمر البشیر مناسب است. وی در عربستان با ملک عبدالله بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان و چند تن از مسئولان عربستانی دیدار می کند.

سازمان ملل درباره فاجعه انسانی میانمار هشدار داد

مهر: سخنگوی سازمان ملل متحد از وضعیت امنیتی در میانمار و ادامه خشونت ها در آن کشور ابراز نگرانی کرده و نسبت به وضعیت بد انسانی دهها هزار آواره در میانمار هشدار داد. «مارتین نسیرکی» سخنگوی دبیرکل سازمان ملل گفت: وضعیت امنیتی در ایالت راخین میانمار بسیار وخیم گزارش شده و بیش از ۱۱۰ هزار نفر که در جریان موج تازه خشونت ها آواره شده اند نیازمند کمک های غذایی فوری هستند. وی با شکننده توصیف کردن وضعیت میانمار خواهان پایان یافتن خشونت ها علیه مسلمانان در این کشور شد.

آنکارا مقابل زندانیان اعتصابی کوتاه آمد

مهر: دولت آنکارا در حالیکه وضعیت زندانیانی که دست به اعتصاب غذا زده‌اند به نقطه حساسی رسیده و واکنش های جدی در جامعه این کشور برانگیخته است، ضمن قبول بخشی از خواسته های آنان در خصوص استفاده از زبان مادری، خواستار پایان یافتن اعتصاب غذای زندانیان شد.

رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه به «سعدالله ارگین» وزیر دادگستری دستورات لازم جهت فراهم کردن امکان قانونی برای دفاع محکومان و زندانیان در دادگاهها به زبان مادری را صادر کرد.

دالایی لاما: چین نیازمند تغییرات اساسی است

ایسنا: رهبر مذهبی بوداییان تبت پایان سانسور، ضرب و شتم و ایجاد وحشت برای خاموش کردن مخالفان دولت چین تحت رهبری جدید این کشور را خواستار شد. «دالایی لاما»، رهبر مذهبی بوداییان تبت به خبرنگاران در یوکوهاما در نزدیکی توکیوی ژاپن گفت: شی جین پینگ، معاون رئیس جمهوری چین که قرار است رئیس جمهوری آتی این کشور و رهبری حزب حاکم را برعهده بگیرد "هیچ راه چاره‌ای" نخواهد داشت مگر آنکه طی سال‌های آتی به تغییر سیاست در کشور بپردازد.

دعوت رسمی از مرسی برای سفر به روسیه

مهر: وزیر امور خارجه روسیه در قاهره ضمن دیدار با رئیس جمهوری مصر دعوتنامه ولادیمیر پوتین برای سفر به روسیه را تحویل وی داد. یاسر علی سخنگوی رسمی ریاست جمهوری مصر اعلام کرد: محمد مرسی رئیس جمهوری مصر با سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه دیدار کرده است. یاسر علی بیان کرد: مرسی این دعوت و سفر در اسرع وقت را پذیرفته است.

از سویی، تواضروس دوم، رهبر جدید قبطی های مصر تاکید کرد: تا هنگامیکه قدس در اشغال صهیونیست ها است، به این شهر سفر نخواهم کرد.

درخواست گروه ۲۰ از اروپا و آمریکا

ایرنا: وزرای اقتصاد گروه ۲۰ در جریان نشست اخیر خود در مکزیک، خواستار اقدام هر چه سریعتر آمریکا و اروپا برای مقابله با بحران اقتصادی حاکم بر جهان شدند.

گروه ۲۰ اقتصاد بزرگ و مطرح دنیا در مکزیکوسیتی پایتخت مکزیک، خواستار اجرای بدون تأخیر استراتژی ضد بحران، از سوی اروپاییان شدند.

ترورمقام بلند پایه حزبی در پاکستان

فارس: پلیس کراچی پاکستان اعلام کرد: افراد ناشناس در حمله تروریستی با شلیک گلوله به سمت خودروی «علامه آفتاب حیدر جعفری» از مسئولان سابق گروه سیاسی –مذهبی مجلس وحدت مسلمین (متعلق به شیعیان پاکستان) وی و یکی از همراهانش را به قتل رساندند.

درپی این حادثه جوانان شهر کراچی با مسدود کردن یکی از خیابانهای اصلی این شهر، شعارهایی علیه آمریکا سر دادند.

بانوی اول فرانسه بیکار شد!

ایسنا: صاحب امتیاز مجله «پاری مچ» که «والری تریرویلر»، بانوی اول فرانسه در آن فعالیت خبری دارد اعلام کرد که دیگر حاضر به تمدید قرارداد کاری با وی نیست. «آرنو لاگاردر»، صاحب امتیاز این مجله با انتقادی بی سابقه از والری تریرویلر، همسر غیررسمی فرانسوا اولاند، رئیس جمهوری فرانسه اظهار داشت: او مانند یک نارنجک ضامن در رفته است.

ایتالیا یک میلیارد یورو از اموال قذافی را پس داد

ایرنا: دادگاه کیفری رم بالغ بر یک میلیارد یورو از اموال معمر قذافی، دیکتاتور مخلوع لیبی را که از مارس سال گذشته بلوکه شده بود، آزاد کرد و این پول به زودی به لیبی بازگردانده می‌شود.

محسن دریجه، رئیس سازمان سرمایه گذاری لیبی در این خصوص گفت: دادگاه کیفری رم دستور آزاد کردن سهام سرمایه گذاری شده دولت سابق لیبی در UniCredit از بزرگ‌ترین بانک‌های ایتالیایی و نیز سازمان هوا فضای "Finmeccanica" را صادر کرده که ارزش این اموال برابر با یک میلیارد یورو است.

درخواست نبیه بری برای تشکیل دولت وحدت ملی لبنان

سرویس خارجی: رئیس مجلس لبنان با اشاره به ترور وسام الحسن رییس بخش اطلاعات نیروهای امنیتی لبنان، گفت: بعد از این حادثه، پیشنهاد ما و ولید جنبلاط رییس حزب سوسیالیست ترقی خواه دروزی، تشکیل دولت وحدت ملی بود ولی تاکنون پاسخی در این مورد از سوی دیگران دریافت نکرده ایم.

نبیه بری که هم پیمان حزب الله است با اشاره به سفر اخیر فرانسوا اولاند رییس جمهوری فرانسه به لبنان گفت: این سفر تنها با هدف حمایت از ایجاد گفتگو درلبنان صورت گرفت تا بدین ترتیب فرصت هایی برای حل مشکلات داخلی در لبنان بوجود آید.

وی با اشاره به حمایت بین المللی از ایجاد گفتگو میان سران لبنانی افزود: همه دنیا با خواست ما مبنی بر ایجاد گفتگو برای حل مشکلات داخلی و ثبات و استقرار لبنان موافق هستند و ما را در این راستا تشویق می کنند؛ کسانی که امروز مخالف گفتگو هستند در دل کینه و خشم دارند. رییس مجلس با اشاره به بن بست در تلاش ها برای حل مشکل دولت لبنان گفت: جریان ۱٤ مارس خواهان گفتگو با دولت، مجلس و حتی میشل سلیمان رییس جمهوری نیست.

درتحولی دیگر جریان المستقبل لبنان به عنوان جدی ترین رقیب و مخالف داخلی حزب الله که پیشتر اعلام کرده بود قبل از استعفای دولت فعلی در هیچ گفتگویی حاضر نخواهد شد، اخیرا رییس این فراکسیون با تجدیدنظر در مواضع خود اعلام کرد ما گفتگوها را متوقف نکرده و متوقف نخواهیم کرد.

نگاهی به جایگاه نظام برنامه‌ریزی کشور

* رسالت برنامه آمایش سرزمین رسیدن به عدالت اجتماعی از دیدگاه دسترسی عادلانه و توزیع فضایی دستاوردهای توسعه، کارایی ناشی از برقراری و تقویت پیوندها و ایجاد یکپارچگی فضایی، تعادل اکولوژیکی و ارتقاء کیفیت زندگی و حفظ و اعتلای هویت منطقه‌ای است

* آمار و برنامه ریزی دو پدیده همزاد و همراه یکدیگر بوده، در عین حال لازم و ملزوم همدیگر هستند و در تعامل با هم معنی و مفهوم می یابند در عین حال بدون آمار و اطلاعات دقیق ،برنامه‌ریزی نوعی انشای اقتصادی است که نمود عینی و عملی نخواهد یافت. این در حالی است که هرگونه اتخاذ تصمیم بهینه مستلزم در اختیار داشتن آمار و اطلاعات صحیح و به هنگام است

* نظام های برنامه ریزی توسعه متعارف در دنیا و الگوهای وارداتی توسعه، اغلب ناقص و بی بنیان و مخرب اقتصاد، فرهنگ و موجودیت ملت‌ها است و امروزه به خوبی روشن است که نظام برنامه‌ریزی توسعه متعارف در تحقق اهداف خود شکست خورده و جهان امروز نیازمند نظم و راه و برنامه جدیدی است

کشور بیش از هر زمان دیگر نیازمند تدبیر و برنامه‌ریزی دقیق و همدلی برای ایجاد فرصت‌ها در جهت پیشرفت کشور است و برنامه ریزی امکان می‌دهد تا تصویر روشنی از آینده کشور ترسیم و روش های مناسب و روشنی را برای این منظور انتخاب کنیم.

به هر حال روش‌های رایج توسعه در دنیا روش‌هایی است که به طور اصولی با اهداف، مبانی فکری و آرمان‌های ما در تضاد است. نظام های برنامه ریزی توسعه متعارف در دنیا و الگوهای وارداتی توسعه، اغلب ناقص و بی بنیان و مخرب اقتصاد، فرهنگ و موجودیت ملت‌ها است.

اساس برنامه‌ریزی توسعه که به کشورهای در حال توسعه صادر شده است، مبتنی بر نگاه غیر دینی، فقدان خودباوری و در جهت منافع استعمار جهانی است.اگر صدها سال در مسیری که این کشورها طراحی کرده‌اند، بدویم ،باز به آنها نمی‌رسیم. امروزه به خوبی روشن است که نظام برنامه‌ریزی توسعه متعارف در تحقق اهداف خود شکست خورده و جهان امروز نیازمند نظم و راه و برنامه جدیدی است.

***افزایش شکاف فقیر و غنی**

افزایش شکاف شمال ـ جنوب و بحران‌ها و نگرانی‌های گوناگون از جمله بحران هویت و خانواده، جنگ‌ها، اشغالگری‌ها و کینه‌ورزی‌ها، مسابقه تسلیحاتی بی‌پایان و بحران اقتصادی، اخلاقی و معنویت و در حقیقت تحقق نیافتن آرمان‌های انسانی همگی از نتایج مدیریت و نظم فعلی حاکم و برنامه‌ریزی توسعه بر جهان است.

اصالت دادن به ابعاد مادی انسان و غفلت از سایر ابعاد او و معرفی موجودی فردگرا، سودجو و مصرفی باعث می‌شود، تا لذت سود ،در جهان اصالت یافته و نیازهای معنوی و اخلاقی او فراموش شود و نظریه تنازع برای بقا در روابط اجتماعی حاکم شود.

امروز طراحی و اجرای هر برنامه‌ای که بر مبانی نظری گذشته استوار باشد، قدم گذاشتن در راه اشتباه و بن‌بست است.

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

تفاهم بر روی تعریف و شناخت دقیق‌تری از انسان و روابط اجتماعی او و سازماندهی برنامه‌ریزی توسعه براساس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تنها راه حل مناسب برون رفت از این چالش است.

یکی از الزامات و مولفه اصلی نظام برنامه ریزی کشور، انجام برنامه‌ریزی آمایش سرزمین است. آمایش سرزمین شامل اقدامات ساماندهی و نظام‌بخشی به فضای طبیعی، اجتماعی و اقتصادی در سطوح ملی و منطقه‌ای است.

برنامه ریزی‌های آمایشی مستلزم تدوین جهت‌گیری های توسعه بلندمدت کشور با تکیه بر قابلیت‌ها، توانمندی ها و محدودیت های منطقه‌ای به گونه‌ای هماهنگ و منسجم است.

این رویکرد زمینه تعامل میان سه عنصر انسان، فضا و فعالیت و ارائه چیدمان منطقی فعالیت‌ها در عرصه سرزمین را فراهم می‌کند. آمایش سرزمین که با رویکرد جامع‌نگر، دورنگر و راهبردی صورت می‌گیرد، نه تنها روابط غیربخشی و بین منطقه‌ای بلکه روابط بخشی ـ منطقه ای مورد توجه قرار می‌گیرد.

در نظام برنامه‌ریزی مبتنی بر آمایش، رویکرد حاکم بر سیاست ها در جهت کاستن از شکاف میان مناطق، توزیع مجدد یا تغییر الگوی رشد جمعیت و فعالیت اقتصادی در فضا و ارتقاء تخصیص منابع است و بر چهار ویژگی زیر استوار است: ویژگی فضایی که نیازمندی ها و ویژگی های مکان ها در آن مدنظر قرار می‌گیرد، ویژگی عدالت که توزیع عادلانه امکانات را مورد توجه قرار می دهد، ویژگی یکپارچگی که لزوم هماهنگی اهداف و اقدامات را مورد توجه قرار می‌دهدو ویژگی جامعیت که لزوم توجه به تمام بخش ها در یک نگرش سیستمی و جامع را بیان می‌کند.

در این چارچوب ،رسالت برنامه آمایش سرزمین رسیدن به عدالت اجتماعی از دیدگاه دسترسی عادلانه و توزیع فضایی دستاوردهای توسعه، کارایی ناشی از برقراری و تقویت پیوندها و ایجاد یکپارچگی فضایی، تعادل اکولوژیکی و ارتقاء کیفیت زندگی و حفظ و اعتلای هویت منطقه‌ای است.

آخرین دور مطالعات آمایش در کشور از سال ۱۳۷۶ شروع و در حال حاضر در مرحله تهیه و تدوین نهایی است. این مطالعات به عنوان سند بالادست اسناد توسعه کشور، الگوی تهیه و تدوین برنامه‌های توسعه ۵ ساله و سایر برنامه‌های توسعه کشور خواهد بود و در کنار سایر برنامه‌ریزی‌های اقتصادی می‌تواند پاسخگوی بسیاری از مشکلات و کمبودهای جامعه باشد.

به نظر می‌رسد ارتقاء جایگاه نظام برنامه‌ریزی کشور به منظور افزایش اثرگذاری آن در فرآیند تصمیم‌سازی‌های کلان ملی مستلزم اقدامات زیر است:

– تقویت پیوند عملکردی میان حوزه‌های برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و نظارت در درون سازمان برنامه‌ریزی کشور و در ارتباط با تمامی دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی.

– تقویت ارتباط میان رویکردهای مختلف برنامه‌ریزی توسعه؛ شامل انواع رویکردهای برنامه‌ریزی بلندمدت سرزمینی با رویکردهای برنامه‌ریزی میان‌مدت و ایجاد نظام یکپارچه برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه سرزمینی.

– ارتقاء نظام نظارت برنامه‌ای از طریق افزودن رویکرد نظارت سرزمینی به رویکردهای موجود در زمینه نظارت شامل نظارت مالی، بودجه‌ای و فنی، به منظور رصد اثرات سیاست‌گذاری‌های ملی و استانی بر توسعه سرزمین و افزایش بهره‌وری از سرزمین از طریق نیل به بهینگی در نظام تصمیم‌سازی در سطوح ملی و استانی.قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه شورای آمایش سرزمین را که با مسئولیت معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری تشکیل می شود، مکلف کرده است، به منظور توزیع متناسب جمعیت و فعالیت ها در پهنه سرزمین با هدف استفاده کارآمد از قابلیت‌های کشور، نظام یکپارچه برنامه ریزی و مدیریت توسعه سرزمینی را طراحی و اجرا کرده و ضمن تصویب برنامه‌ها و طرح های توسعه سرزمینی در سطوح ملی، منطقه‌ای و استانی آمایش را تهیه و به مرحله اجرا در آورد.

معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس‌جمهوری به این منظور با همکاری دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی اقدامات ذیل را در دست اجرا دارد:

بقیه در صفحه ۱۸

تجارت پارسی در اردو بازار

۳۴

گزارش کامران نرجه ، خبرنگار اعزامی اطلاعات به پاکستان

اعضای هیات تجاری و صنعتی ایران با ورود به فرودگاه علامه اقبال و پس از استقبال رسمی توسط حسین بنی اسدی سرکنسول ایران در لاهور و محسن رضا بخاری رئیس سابق اتاق بازرگانی و صنایع لاهور به محل اقامت خود در هتل « آواری» منتقل شدند.

شهر تاریخی لاهور که قدمت زندگی در آن به حدود ۲۰۰۰ سال قبل باز می گردد ،از دوره حکومت ایلخانان مغول به کاخ ها ، قلعه ها ، باغها و مساجد بسیار زیبا آراسته شده و باوجود گذشت صدها سال از دوره سلاطین گورکانی ، همچنان به یک موزه وسیع از ابنیه باستانی شبیه است .

شهر لاهور که حدود ۹/۵ میلیون نفر جمعیت دارد ، با وسعتی قریب به ۶۰۰ کیلومتر مربع از شمال به شهر «گوجرانواله » ، از جنوب به شهر « قصور» ، از شرق به مرز هندوستان و شهر «آمریتسار» در این کشور و همچنین از غرب به شهرهای « شیخوپوره » و «چنیوت » منتهی است .

این شهر به عنوان کانون فعالیت های مذهبی، سیاسی و محل برگزاری گردهمایی های علمی و فرهنگی پاکستان دارای دهها دانشگاه بزرگ و معتبر است .

از مهمترین دانشگاههای لاهور می توان به دانشگاه پزشکی ، مهندسی، علوم انسانی و علوم پایه اشاره کرد که جزو قدیمی ترین مراکز دانشگاهی در شبه قاره هند هستند .

این شهر به خاطر نزدیکی با مرز هند از اهمیت نظامی ویژه ای برخوردار است ، به همین دلیل بیشتر پادگان های نظامی پاکستان در این منطقه مستقرند .

در واقع لاهور یک کانون عظیم اجتماع نیروهای مسلح پاکستان در جوار مرز دشمن دیرین این کشور – هندوستان – است .

با این حال حضور گسترده ابنیه و تجهیزات نظامی در این شهر به بافت زیبای خیابانها و بلوارهای پر درخت لاهور لطمه ای نزده و از جاذبه های توریستی آن نکاسته است .

خیابانهای بزرگی نظیر « مال » ، « جیل » ، «فیروزپور » ، « هال » ، « وحدت » ، « راوی » و «گلبرگ » که یکی از دیگری تمیزتر و زیباتر هستند و سایه سار درختان آنها شباهت زیادی به بلوار چهارباغ اصفهان و خیابان ولیعصر تهران دارد.

هنگامی که چشم انداز مجموعه کاخهای « باغ شالیمار»، « قلعه پادشاهی » ، « چوبرجی» و شکوه و عظمت «موتی مسجد» را به جلوه های لاهور می افزاییم ، می توان به شاهکار معماری مشرق زمین در ایجاد این شهر پی برد .

لاهور همچنین مدفن بزرگمرد جهان اسلام «علامه محمد اقبال » است که مقام معظم رهبری او را ستاره بلند اقبال مشرق می خوانند و در مورد این ادیب شهیر می گویند : « اقبال لاهوری با استغنایی که دارد در مقابل دنیایی سرفرود نمی آورد ، اما دو زانو در مقابل ملت اسلام نشسته ، التماس می کند که بیا خودت را بشناس ، بیا به خودت برگرد و بیا سخن قرآن را بشنو »

شاید روح والای این اندیشمند بزرگ و نگرش های جاویدان فرهنگی اقبال دراین شهر باعث شده که مردم لاهور جزو باسواد ترین جمعیت پاکستان باشند .

هم اینک ۲۴ نشریه بصورت روزانه و ۳۰ نشریه بصورت هفتگی با شمارگانی بیش از ۲ میلیون نسخه در لاهور منتشر می شود که شاخص مناسبی برای ارزیابی رتبه فرهنگی این منطقه است.

نگاهی به جایگاه نظام برنامه‌ریزی کشور

بقیه از صفحه ۱۷

– بازنگری و تصویب اسناد جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین (نظریه پایه توسعه‌استان(ها) و راهبردهای بلندمدت توسعه بخش(ها) از منظر آمایش سرزمین) در شورای آمایش سرزمین.

– پیشبرد مطالعات برنامه آمایش استان.

– پیگیری و پیشبرد مطالعات موضوعی آمایش سرزمین (مطالعات آمایش بخشی).

– بازنگری در ضوابط ملی آمایش سرزمین.

– تدوین نظام یکپارچه برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه سرزمینی.

آمار و برنامه ریزی دو پدیده همزاد و همراه یکدیگر بوده، در عین حال لازم و ملزوم همدیگر هستند و در تعامل با هم معنی و مفهوم می یابند. آمار ،پایه و اساس برنامه ریزی و مهم‌ترین ابزار ارزیابی عملکرد گذشته، حال، برنامه ریزی برای آینده و یکی از عوامل اصلی سیاست گذاری و مدیریت محسوب می شود.

بدون آمار و اطلاعات دقیق ،برنامه‌ریزی نوعی انشای اقتصادی است که نمود عینی و عملی نخواهد یافت. این در حالی است که هرگونه اتخاذ تصمیم بهینه مستلزم در اختیار داشتن آمار و اطلاعات صحیح و به هنگام است.

در واقع هنگامی برای دستیابی به اهداف قادر به برنامه‌ریزی هستیم که آمار و اطلاعات در زمینه امکانات بالقوه و بالفعل فراهم آمده باشد .

در هر جامعه‌ای که دسترسی بیشتری به اطلاعات وجود داشته باشد، قدرت تصمیم‌گیری هم افزایش می‌یابد و با انجام برنامه‌ریزی‌ها شرایط زندگی بهتری فراهم می‌شود.

مستند سازی آمارهای ثبتی و نتایج طرح های آماری رسمی علاوه بر آنکه به نگهداشت حافظه تاریخی هر ملت نسبت به گذشته خویش کمک می کند ، می تواند برای برنامه ریزان و سیاستگذاران با شبیه سازی شرایط اجتماعی و اقتصادی گذشته ، آثار برنامه‌ها و سیاست های در دست اجرا را پیش بینی کند. نظام آمار ملی باید دارای آن چنان کارایی باشد که بتواند در زمان مناسب ، اطلاعات و آمار صحیح و به هنگام را در اختیار تصمیم گیران قرار دهد.

شایسته است در جهت تقویت و ارتقاء نظام آماری، فرایند تولید آمار و اطلاعات در کشور پیوسته مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفته و از ظرفیت‌های برنامه ملی آمار و احکام قانون برنامه پنجم به ویژه مواد ٦٨ و ٥٤ آن به طور کامل در جهت ارتقاء کمی و کیفی نظام آماری کشور به طور کامل استفاده شود.

در اجرای فرمایشات اخیر مقام معظم رهبری در استان خراسان شمالی ،رویکرد معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهوری در تدبیر مسیر پیشرفت و توسعه کشور و حل مسایل اقتصادی بر نگاه علمی، برنامه ریزی مدبرانه و ثبات و استمرار سیاست ها و کار مضاعف و خستگی ناپذیری به معنای کار کیفی، دقیق، برنامه ریزی وکارشناسی شده، مستمر، پیگیر و همراه با مشورت استوار است.

ظرفیت منحصر به فرد اقتصاد ایران

اقتصاد ایران دارای ظرفیت ها و فرصت هایی است که در سطح منطقه جنوب غرب آسیا و حتی جهان منحصر به فرد است. به کارگیری این ظرفیت ها و فرصت ها نه تنها منجر به رشد و اعتلای جامعه ایران اسلامی می شود، بلکه با توجه به شرایط منطقه ای این کشور، می تواند گامی موثر در تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه یاد شده به ویژه خاورمیانه داشته باشد.

برخی از این ویژگی ها عبارتند از افزایش سطح سواد جامعه، قرار گرفتن ۳۵ درصد جمعیت کشور در گروه سنی ۲۹-۱۵ ساله، وجود ظرفیت های لازم برای انجام پژوهش های علمی و فناوری بویژه فناوری های پیشرفته و صنایع نوین، وجود زیربناهای مناسب اعم از مجتمع ها و شهرک های صنعتی در مناطق مختلف، شبکه رو به توسعه راه آهن و جاده های کشور، وجود منابع طبیعی غنی و تنوع اقلیم نظیر ذخایر هیدروکربوری، اراضی کشاورزی(باغی،زراعی و شیلات)، وجود صنایع واسطه ای و غیرواسطه ای در صنایع پتروشیمی در مناطق جنوبی کشور، وجود سواحل جنوبی کشور با اتکا به ذخایر عظیم گاز، وجود توانمندی های فنی و خصوصی در بخش ساختمان، سدسازی و صنایع ساخت تجهیزات و ماشین آلات، وجود شش منطقه آزاد تجاری و شانزده منطقه ویژه اقتصادی، وجود بیش از ٤٠ مرکز رشد و واحدهای فناوری و پارک های علمی و فناوری، وجود آثار و میراث غنی فرهنگی و تنوع اقلیمی، وجود ظرفیت های حقوقی و نهادی جدید برای رشد و شکوفایی از جمله قانون برنامه پنجم، قانون اجرای سیاست های کلی اصل ٤٤ قانون اساسی، قانون هدفمند کردن یارانه ها، و نظایر آن است.

وجود این فرصت ها و ظرفیت ها، زمینه های بسیار مناسبی برای جهش اقتصاد ایران در سطح منطقه ای و جهانی بوده و احساس خود باوری و امید به آینده را حتی در شرایط سخت و دشوار نوید می‌دهد.

این رویکرد را می توان به خوبی در محتوی سند چشم انداز ۲۰ ساله در افق ١٤٠٤ هجری شمسی یافت. دستیابی به اهداف مورد نظر چشم‌انداز بیست ساله با توجه به ضرورت‌های حیاتی شکوفایی اقتصاد کشور، حفظ ثبات، امنیت و ارتقای جایگاه ایران در منطقه و جهان، امری اجتناب ناپذیر است.

در این خصوص اتخاذ راهبردهای مشخص و سیاست‌های اصلی متناظر با آن، شرط رسیدن به اهداف مورد نظر چشم‌انداز است. ارتقاء کارآمدی نظام برنامه ریزی کشور مستلزم ایجاد پیوندهای نظام مند بین سه حوزه نهاد متولی برنامه ریزی، پژوهش (دانشگاه ها و موسسات تحقیقاتی) و آمار و اطلاعات (مراکز رسمی آمار) است، لذا در این بین نیازهای پایه ای برای قرار گرفتن در فرآیند صحیح برنامه‌ریزی باید به دقت شناسایی شود. به طوری که نهاد های پژوهشی و تحقیقاتی باید بر اساس آمار و اطلاعات موجود به بررسی عمیق و کلیدی مشکلات و چالش های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بپردازند و برنامه ریزان دستگاه های اجرایی فراتر از وضع موجود، آینده را برای سیاست گذاران ترسیم کنند تا سیاست های اصولی و منطقی اتخاذ کنند. در نهایت این که نهادهای آماری کشور هم وضع را به درستی ترسیم کنند تا این چرخه به خوبی در طول زمان هم بازخورد و هم پویایی داشته باشد.

شواهد نشان می‌دهد که در حال حاضر در فرآیند برنامه‌ریزی این حلقه نه تنها کامل نیست، بلکه دچار ضعف هایی است که بر ساختار برنامه ریزی تاثیر گذاشته است. همچنین اقتصاد ایران علی رغم برخورداری از امکانات و ظرفیت‌های بالقوه جغرافیایی، منابع انرژی، ذخایر معدنی و منابع انسانی با چالش های عمده و ساختاری دست به گریبان است.

اقتصاد نفتی مهمترین مشکل

این مشکلات، عمدتا ریشه در ساختار اقتصاد مبتنی بر نفت و منابع طبیعی دارد. این ضعف ساختاری و نهادی در کنار اعمال تحریم های مالی و اقتصادی ، اقتصاد کشور را بسیار آسیب پذیر می‌سازد، لذا برای رهایی اقتصاد از شرایط موجود و رفع چالش ها، باید طرحی نو درانداخت. به طوری که اقتصاد کشور باید به نحوی برنامه ریزی و هدایت شود که در مواجهه با شوک های داخلی و خارجی کمترین ضربه را بپذیرد و قوام و دوام این اقتصاد، نیازمند درونی کردن اقتصاد از بعد منابع و عوامل و در نهایت ظرفیت سازی ها از بعد فیزیکی، نهادی و حقوقی است و این رویکرد به عنوان شالوده اقتصادی درونزا در برنامه ریزی ها باید مبنا قرار گیرد.

اقتصاد مقاومتی به معنای ریاضت نیست

اگر مقوله اقتصاد مقاومتی را از این منظر ببینیم، باعث خواهد شد که رویکردها در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها اصلاح شود و حتی آن را از مفهوم اقتصاد ریاضتی متمایز سازد. برای مثال، با نگاهی به عناوین چند سال اخیرشامل «نوآوری و شکوفایی»، «اصلاح الگوی مصرف»، «همت مضاعف و کار مضاعف»، «جهاد اقتصادی» و «تولید داخلی، حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی» به جنبه‌های مختلفی از اقتصاد مقاومتی می‌رسیم.

رویکرد همه این عناوین در درون‌زا شدن اقتصاد نهفته است که فراتر از خود کفایی است. از جمله الزامات برنامه‌ریزی در فضای اقتصاد مقاومتی توجه به این مقوله یعنی نگاه ویژه به استفاده از ظرفیت های اقتصاد داخلی و به کارگیری موثرتر از منابع و عوامل تولید اقتصاد ایران در یک فضای رقابتی و خلق فرصت های جدید برای عوامل تولید ایرانی است.

بر این اساس، اعتقاد به این مفهوم باعث خواهد شد که مقوله اقتصاد مقاومتی در نظام برنامه ریزی کشور منحصر به زمان خاص نباشد، بلکه به صورت عمیق تر در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور معنی پیدا می‌کند.

برنامه ریزی ما برای اقتصاد کشور در قالب راهبردها، سیاست ها و اقدامات اجرایی، باید به نحوی باشد که اقتصاد را در مواجهه با شوک ها مقاوم ترکند و حتی این که فضای فراهم شده ناشی از این شوک ها (حتی تهدید) به طور خودکار تبدیل به فرصت شود،این شگرد و خلاقیت متفکران برنامه ریزی در سطح کلان خواهد بود.

قانون برنامه پنجم بر تحقق کامل نظام تامین اجتماعی، ارتقای سلامت، توسعه روستایی، توازن منطقه و تمرکز زدایی، اصلاح نظام آموزشی، حمایت از تحقیق و توسعه و فناوری‌های نوین، اصلاح ساختار وظایف حاکمیتی، ارتقای درآمد سرانه، بهبود فضای کسب وکار، تقویت و تکمیل زنجیره‌های واسطه‌ای تولید، کاهش وابستگی به نفت، گسترش پایه‌های مالیاتی، استفاده مطلوب از منابع و عوامل تولید و مصرف کالاها و خدمات، ارتقای کیفیت خدمات دولتی، تقویت نظام قضایی و نظایر آن تأکید دارد.

خبرگزاری فارس

جایگاه تولیدات داخلی در بازار رقابت

در حالی کـه کالاهای ریز و درشت تولید کارخانجات خارجی در کشور، گوی سبقت از یکدیگر ربـوده اند، جای خالـی تولیدات داخلـی در ایـن بـازار رقابت به خوبی مشهود است.

به اعتقاد کارشناسـان مسائل اقتصادی، از جمله عوامل متعددی که فرصت و اقبـال را از کالاهای ایرانـی در بـازار رقابت داخلی و خارجی گرفته، در بخش مهم تر، کیفیـت، فناوری، تنـوع در نوع ، قیمت و خدمات پـس از فروش است.

در این زمینه چند تن از تولید کنندگان لـوازم خانگی داخلی در میزگرد ایرنا ضمـن اینکه برابری سطح کیفی تولیدات کارخانجات خود را باور دارند ،راه برون رفت از وضع موجـود در این بخش را تعهد مردم و مسوولان در حمایت از تولیدات داخلی می دانند.

محمـد طحـان پـور رییس اتحادیه کشـوری لـوازم خانگی دراین میزگرد که به منظور بررسی مشکلات سرمایه گذاران و تولید کنند گان داخلی برگزار شـد، می گوید: حمایت از تولید داخلی تا کنون در حد شـعار باقی مانده و کسـانی که باید شـعار حمایت از تولیـد کننده داخلـی را عملی سازند، خودشان خودرو خارجی سوار می شوند و در منزلشان کالا و لوازم داخلی یافت نمی شود.

وی با اشاره به ضرورت حفظ زنجیره تولید و توزیع می گوید: در ارتباط تولید و توزیع، ما حلقه ای از یک زنجیر هسـتیم و این ها از هم منفک نیست، یعنی اگر توزیع نباشـد، تولیـدی وجود نـدارد و بالعکـس ؛ بنابرایـن تلاش ما این اسـت که بـه دلیل آرامـش مردم طـوری رفتار کنیم تـا ارتباط این زنجیره حفظ شود و کارها درست پیش برود.

نامبرده با اشـاره بـه اهمیت بحث کیفیت کالا، از تولید کالای بـدون کیفیت و صـادرات بدون نظـارت دقیـق آنهاانتقـاد کرده و مـی افزایـد: در کشـور، ۱۵۰ کارخانه اجاق گاز و ۲۰۰ کارخانه یخچال سازی و کولرسازی وجود دارد،در حالـی کـه می شـد، ۱۰ کارخانه اجاق گاز داشـته باشیم و کارخانه دار سـعی در افزایش کیفیت داشـته باشـد نـه افزایش کارخانجات.

وی تصریح می کند: به وزیر صنعـت، معـدن و تجـارت باید گفت صـادرات بی کیفیت سـم اسـت و اعتبار کشور را زیر سوال می برد و مشـکل بـرای تولید ما ایجاد می کند و نباید تنها به دلیل ارایـه آمار و ارقام بالا از صادرات چنین اقدامی کنیم.

جعفـر رنجبـر مدیـر یـک شـرکت تولید کننده انواع لوازم خانگی مـی گوید: بنده از سـال ۱۳٤۹ در امـر تولید لوازم خانگی فعالیت داشـته ام و هم اکنون این شرکت دارای شش کارخانه است

وی می افزاید: روند تولید تا ۱۰ سال گذشـته بسیار مطلوب و روبه توسـعه بود اما متاسفانه طی این چند سـال گذشته بنا به دلایل داخلـی و خارجی این شـتاب به سمت کندی پیش رفت.

نامبـرده یادآورمـی شـود: هم اکنون شـاید فقـط ۱۰ درصد ظرفیت هشـت سـال گذشـته را داریم و بـر همین اسـاس میزان تولیدات کارخانه های ما به مراتب کمتر شده است.

وی با اشـاره به مشـکلاتی کـه در عرصـه تولیـد گریبانگیر تولیدکنندگان اسـت، مـی گوید: معتقـدم وقتی در امـر تولید همه چیز آزاد بـوده و هیچ ارزی برای حمایـت بـه تولیدکننـدگان داده نمی شود، نباید حد و مرزی برای میزان ارقام فروشـی کارخانجات توسط تعزیرات مقرر شود.

رنجبـر ادامـه مـی دهـد: نمـی توان کتمان کـرد که در امر تولید وابسـته به ارز نیسـتیم و بر همیـن اسـاس این تفـاوت های ناگهانـی ارز ضربـات جبـران ناپذیری به بدنه اقتصادی کشـور می زند.

وی اظهارمـی دارد: همچنین متاسـفانه هیچ تسهیلات بانکی به تولیدکنندگان صنف ما داده نشده اسـت و بر همین اسـاس معتقدم نبایـد برای عرضه و میزان فروش محصولات خانگـی حد و مرزی تعیین شود.

این تولیدکننده در پاسـخ به دلایل دریافت نکردن تسـهیلات بانکی خاطرنشـان می سـازد: ما یـک تولید کننـده هسـتیم و هر سرمایه ای هم که داریم به این امر اختصاص داده ایم.

وی یادآورمی شود: بانک ها اعلام کرده اند کـه برای دریافت تسـهیلات باید وثیقه ملکی منزل در گرو آنـان بگذاریم تـا اگر به مشکلی برخوردند، سریعتر به پول تبدیل کنند.

رنجبر بـا انتقاد از نحوه ارایه تسهیلات بانکی می گوید: بانک ها از اول به چشـم یک ورشکسـته و کلاهبردار به مـا نگاه می کنند، اول می گویند وثیقه باید مسکونی باشد تا سریعا به پول تبدیل شود، بعد هم واحد مسـکونی ۵ میلیارد تومانـی را ۳ میلیارد تومان قیمت گذاری می کننـد، از آن ۳ میلیارد هم ۷۰ درصدش را ارزیابی می کنند و از آن ۷۰ درصـد، دوبـاره ۷۰ درصدش را تسـهیلات می دهند یعنـی چیـزی حـدود ۳۰ درصد یک خانه ۵ میلیـارد تومانی را به ما تسهیلات می دهند.

وی تاکیـد می کند: این گونه اقدامات به نوعـی درحال از بین بردن تولید کننده هسـتند ، دولت در بودجـه خود اصلا تولید کننده را ندیده اسـت، بـه طوریکه من ۱۲۰۰ تـا کارگر داشـتم و الان به ٤۰۰ نفـر کاهـش داده ام، این در حالی اسـت که دولت میلیاردها ریـال به بنـگاه هـای زودبازده پرداخـت می کند تا کارگر جذب کند ،ولی به سراغ ما نمی آید ، از ما مشکلاتمان را جویا نمی شود تا ما بتوانیم نیروی بیشتری را جذب کنیـم. وی ادامه می دهد: حتی چـوب های لای چـرخ ما را هم برنمی دارد یعنی همیشـه ما مانع داریم و نمی توانیم تولیدات خود را افزایـش دهیم. بعد می خواهیم بـا خارجی ها هم رقابـت کنیم ، باید بپذیریم شرط رقابت، کیفیت اسـت و کیفیت هزینه دارد و باید بهایش را بپردازیم.

اسـدالله جلیلی مدیـر عامل یک شرکت تولید کننده اجاق گاز می گوید: بنده از سـال ۱۳٤۳ در امر تولید لـوازم خانگی همچون بخاری و اجاق گاز بوده ام

وی می گوید: متاسفانه اخیرا با توجه به مسـائل و مشـکلاتی کـه در عرصـه تولیـد گریبانگیر تولیدکنندگان اسـت، این شرکت هم تولیـدات خویـش را کاهش داده استمشکلات زیاد است، وقتی یـک بیماری اتفاق می افتد به این معنی است که ما درست از وقوع آن پیشـگیری نکردیم و حالا درد اتفاق افتاده و شـدید شده است، پس باید به دنبال درمان باشیم.

نامبـرده مـی افزایـد: ما در رابطـه با بحث تولیـدات داخلی؛ دو جبهه داریم، یـک جبهه ملت و یکی جبهه دولت کـه اگر اینها در کنـار یکدیگـر قـرار نگیرند، مشکلات قابل حل نیست جلیلی می گوید: به اعتقاد من، باید لیوان پـر و خالی را با هم دید، الان یک اتفاقـی افتـاده و دلار به حدود ۳ هـزار تومان رسـیده اسـت؛ باید دید علت چیسـت آیا علت واقعا تحریم است، من فکر نمی کنم از تحریم باشد، شاید علت این است که مردم، پشتوانه پولـی خود را سست می بینند و اگر پس اندازی دارند، مـی خواهنـد آن را حفظ کرده و افزایـش دهند،در حـالی کـه بـا خـرید دلار، پـول های خارجی را قوی می کنیم و ارزش پول خودمان را کاهش می دهیم.

وی اضافه مـی کند: بنابراین توصیـه می کنم اگر مـا معتقد به این کشور هستیم، باید از این کار جلوگیری کنیم و بـاز هم تاکید مـی کنـم تحریم باعـث افزایش قیمت نیست .

بلکه فاجعه اینجاسـت که ما ناخواسته و ندانسته سرمایه های خود را به نفع دشمنان به کاربگیریم.

بخش خصوصی خواستار تاسیس بانک طلااست

بخش خصوصی خواستارتاسیس بانک طلا برای حفاظت از طلاها و سپرده‌های مردم و هزینه آنها در بخش‌های اقتصادی کشور شد .

محمد کشتی آرای رئیس اتحادیه طلا و جواهر کشور در گفتگو با مهر اعلام کرد: طلا از آن دسته کالاهایی است که تاثیر به خصوصی در اقتصاد و پول کشور دارد و یکی از پارامترهای ارزش پولی هر کشور ذخایر طلای آن است که اگر این ذخایر از کشور خارج شود، به اقتصاد آسیب وارد می شود

وی با تاکید بر اینکه در نهایت سکه و طلاهایی که انبار شده از منازل خارج می‌شوند، اظهار داشت: این طلاها سرانجام در چرخه تولید و اقتصاد قرار می گیرند .اما باید تدابیری اندیشیده شود تا نگهداری این طلاها در منازل سودی را برای صاحبان آن نداشته باشد که تنها در این صورت، طلاها از منازل خارج می شود.

نامبرده گفت: پیشنهاد ما این است که بانک طلا در کشور تاسیس شود تا از طلاها و سپرده‌های مردم حفاظت کند و طلاها هم در بخش‌های اقتصادی هزینه شود.

وی با بیان اینکه هم اکنون بانک کارگشایی فقط از طلاها نگهداری می کند، اظهار داشت: این بانک متفاوت است و اولین موضوع این است که باید به صورت EPGفعالیت کند و سازمان خاصی را داشته باشد.رئیس اتحادیه طلا و جواهر با اشاره به اینکه ساختار بانک طلا در کشورهای زیادی تعریف شده است، افزود: در این بانک، طلا را به صورت فیزیکی از سپرده گذار تحویل می گیرند و در نهایت هم به همان مقدار به وی تحویل می دهند، به عنوان مثال سپرده گذاری که یک هزار دلار سپرده دارد، درصدی را سود می گیرد و در موعد مقرر هزار دلار خود را تحویل می گیرد، طلا هم به همین شکل است و باید مقدار طلا را دریافت کند.

وی درباره اینکه آیا این پیشنهاد به بانک مرکزی ارایه شده است؟ گفت: در جلسات این موضوع را مطرح کردیم، البته مخالفتی هم نبوده و شاید تاکنون کسی برای این امر اعلام آمادگی نکرده است.

کشتی آرای تصریح کرد: اگر مقامات اقتصادی کشور به فکر بیافتند از طرف صنف طلافروشان و اتحادیه سازوکار آن مشخص شده است، ضمن آنکه در این بانک می توانیم به واحدهای تولیدی وام بدهیم و طلا صادر کنیم، از سوی دیگر به ازای صادرات محصولات طلا، طلا به کشور وارد کنیم.

پیش بینی کاهش نرخ ارز در بهمن و اسفند

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان که کاهش شدید نرخ ارز را پیش بینی کرده بود در برآوردی جدید، موج تازه ای از کاهش نرخ ارز را تخمین می زند و معتقد است، نرخ ارز میزبان نوسان گیران نرخ ارز نخواهد ماند.

محمد حسین ادیب گفت: تاکنون دلار حدود ۵۰۰ تومان کاهش یافته است و این نشان می دهد روند کاهشی نرخ ارز درست دیده شده است،اما کاهش نرخ ارز به سبب یکسری از نبود تعادل ها در محیط اقتصاد کلان در دو مرحله طی ماههای آینده تداوم داشته و در بهمن تا اسفند سال جاری مجدداً تشدید می شود.

ادیب افزود: نقدینگی ۸۵۰درصد طی ۱۰ سال گذشته رشد کرده است، نرخ ارز را طی یکسال گذشته کسانی تعیین می کردند که تبدیل نقدینگی ریالی به ارز را اقتصادی ارزیابی می کردند، اما افزایش ۲۰۹ درصدی نرخ ارز در بازار آزاد ، تقاضای کل در جامعه را به شدت کاهش داده است و از این پس، نرخ ارز را متقاضیان واقعی ارز یا مصرف کننده ارز تعیین می کنند و این به کاهش نرخ ارز می انجامد، تطبیق اقتصاد ایران با دلار آزاد به کاهش تقاضا برای ارز می انجامد.

ادیب گفت: تورم ریالی در آبان ۱۳۹۱ نسبت به فروردین ۱۳۹۰ در ۱۸ واحد مورد بررسی به وسیله من حدود ۵۰ درصد افزایش نرخ ارز بوده است، افزایش نرخ ارز حدود ۲۰۹ درصد و تورم ریالی حدود ۱۰۴ درصد بوده است. فروش ۱۸ واحد مورد بررسی در آبان ۱۳۹۱ نسبت به فروردین ۱۳۹۰، حدود ۱۵ درصد کاهش داشته است به عبارت دیگر، به قیمت های ثابت فروش ۵۹ درصد کاهش داشته است. به نظر می رسد قدرت خرید جامعه حدوداً ۶۰ درصد کاهش یافته است با کاهش ۶۰ درصدی قدرت خرید ، حدود ۶۰ درصد از سیستم توزیع مازاد ارزیابی می شود. فرآیند مذکور به کاهش قیمت سرقفلی و ارزش ملکی واحد های تجاری و اداری می انجامد، ابتدا به ساکن، قیمت املاک تجاری و اداری دچار رکود شده و به قیمت های سابق خریداری ندارد و فروشنده نیز از فروش متناسب با شرایط جدید خودداری می کند، نتیجه رکود در معاملات املاک تجاری و اداری است. ادیب تاکید کرد: با افزایش نرخ ارز و رشد انتظارات تورمی تقاضا در بازار حداکثری بود و فروشنده ای وجود نداشت از سوم آبان که به مرور دلار از ۳۷۰۰ تومان به ۳۲۰۰ تومان رسید انتظارات تورمی معکوس شده و کسانی که به سبب انتظارات تورمی خرید می کردند، از خرید خودداری کرده و خرید به سبب انتظارات تورمی متوقف شده است. در وضع موجود با حذف کسانی که به سبب انتظارات تورمی وارد بازار شده بودند، فقط متقاضیان واقعی در بازار باقی مانده اند و این تعداد به سبب انتظار سقوط بیشتر قیمت ها از خرید خودداری می کنند، تا ۱۰ روز قبل همه خریدار بودند و در وضع موجود خریداری وجود ندارد. این فرایند، در زمینه ارز باعث می شود تا سوداگران ارز و کسانی که به انگیزه گران شدن ارز خریداری می کردند از بازار حذف شوند و فقط متقاضیان واقعی ارز وارد بازار شوند، متقاضیان واقعی ارزهم از بیم سقوط نرخ ارز موقتاً از خرید خودداری می کنند، که نتیجه آن ، کاهش بیشتر نرخ ارز است. این کارشناس یادآور شد: دولت کاهش درآمد ارزی را با افزایش نرخ ارز جبران کرده است و این به کاهش تقاضای کل می انجامد. این فرآیند، پس از سه ماه کاهش دیگری در نرخ ارز را باعث می شود.اقتصاد ایران در حال گذار از صادرت ۲/۳ میلیون بشکه نفت به یک میلیون بشکه است،کاهش صادرات نفت به افزایش نرخ ارز انجامید. بانک مرکزی در سال ۱۳۹۰ حدود ۴۸ میلیارد دلار ارز به نرخ مرجع فروخت، در شش ماهه اول سال ۱۳۹۱هم بانک مرکزی ۲۷ میلیارد دلار ارز به نرخ مرجع فروخت. بانک مرکزی در حال گذار از ارز ۱۲۲۶ تومانی به ارز ۲۵۰۰ تومانی است. از مهر تا آبان ۱۳۹۱ ارز کالاهای زیادی که با ۱۲۲۶ تومان تامین می شد به ارز ۲۵۰۰ تومانی تبدیل شد و این روند همچنان ادامه دارد(به نظر می رسد بر خلاف ادعای اولیه که بخشی از ارز اتاق مبادله ارزی، از محل سهم ۱۴/۵ درصدی شرکت ملی نفت و صادرات پتروشیمی تامین شود اتفاق نیفتاده است).با صادرات یک میلیون بشکه نفت به قیمت بشکه ای ۱۰۶ دلار، درآمد نفت ایران حدود ۳۹ میلیارد دلار است که با کسر ۱۴/۵ درصد سهم شرکت نفت، سهم دولت از صادرات نفت حدود ۳۳ میلیارد دلار است در وضع موجود ارز این موارد به میزان ۱۹ میلیارد دلار با دلار ۱۲۲۶ تومانی تأمین می شود، سررسید تسهیلات ارزی دولتی (به میزان ۱۱ میلیارد دلار طی ۱۲ ماه آینده)، خوراک مرغ ۲ میلیارد دلار، گندم ۳ میلیارد دلار، دارو حدود یک میلیارد دلار ، موارد خاص حدود ۳ میلیارد دلار ، ارز باقی مانده از صادرات نفت سهم دولت در حدود ۱۴ میلیارد دلار است که در اتاق مبادله ارزی به نرخ ۲۵۰۰ تومان به فروش می رسد.

ادامه دارد

تداوم روند نزولی قیمت ارز

رئیس اتحادیه کشوری طلا و جواهر با اشاره به اینکه روند نزولی قیمت طلا و ارز تداوم دارد، گفت: قیمت سکه در بازار فعلی واقعی است.

محمد کشتی‌آرای در گفت‌وگو با فارس با اشاره به اینکه متغیر نرخ ارز عامل اصلی نوسان قیمت سکه و طلا در بازار است، اظهار داشت: قیمت جهانی ارز و نرخ اونس جهانی طلا عامل تعیین کننده قیمت سکه و ارز است.

وی ادامه داد: قیمت ارز در کشور با توجه به شرایط تحریم ، مرکز مبادلات ارزی و عوامل بیرونی متغیر است؛ در چند هفته اخیر با راه‌اندازی مرکز مبادلات ارزی از التهابات این بازار کاسته شد، به نوعی که قیمت ارز در کشور به سمت ثبات و کاهش رفته است.

رئیس اتحادیه کشوری طلا و جواهر با تاکید بر اینکه مرکز مبادلات ارزی تا این لحظه در ثبات بازار موفق عمل کرده است، گفت: نرخ ارز همچنین به همراه قیمت جهانی آن کاهش و همچنین قیمت طلا با توجه به سیاست انبساطی اقتصاد آمریکا و رکود اقتصادی و همچنین کاهش تقاضا طی یک ماه اخیر موجب افت ۳,۵ درصدی قیمت جهانی طلا شد.

پیمان سپاری ارزی یعنی بی‌اعتمادی

عضو هیات مدیره خانه صنعت، معدن گفت: پیمان سپاری ارزی، نتیجه ای جز بی اعتمادی صادرکنندگان به دولت نخواهد داشت.

به گزارش مهر، آرمان خالقی زمزمه احیای دوباره پیمان سپاری ارزی گفت: شیوه پیمان سپاری ارزی در کشور قبلا اجرا شده است و در همان شرایط هم پاسخ مناسبی از این روش برای ارز صادراتی نگرفتیم. حال مشخص نیست زمانی که روشی اجرا و در عمل با شکست مواجه می شود، چه دلیلی وجود دارد که به جای استفاده از روش های بهتر باز هم بر اجرای همان روش شکست خورده پافشاری کنیم؟

آرمان خالقی افزود: اگر این فرض را بپذیریم که کشور در حال حاضر در حال جنگ اقتصادی است که حتما همین گونه است، می توانیم از راهکارها و روش های مناسبی برای مدیریت ارزی کشور استفاده کنیم نه شیوه شکست خورده پیمان سپاری ارزی.

وی ادامه داد: پیمان سپاری ارزی نتیجه ای جز بی اعتمادی صادر کنندگان و دور شدن درآمد صادرات از چرخه تولید نخواهد داشت که این اتفاق انگیزه تولید کنندگان و صادر کنندگان را کم خواهد کرد.

اصلاح و تمشیت نظام پولی و مالی دولت

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در بخشنامه ای به بانک های دولتی، غیر دولتی، شرکت دولتی پست بانک و موسسه اعتباری توسعه ،دستورالعمل نگاهداری انواع حساب برای دستگاه‌های اجرایی، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی را جهت اجرا ابلاغ کرد.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر اساس بندالف ماده۱۲ قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال۱۳۵۱ به عنوان بانکدار دولت، عهده‌دار وظیفه نگاهداری حساب‌های بانکی متعلق به وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، مؤسسات وابسته به دولت و شرکت‌های تابعه آنها و نیز حساب‌های بانکی متعلق به شهرداری‌ها و مؤسسات تابعه شهرداری‌ها و همچنین انجام عملیات بانکی دستگاه‌ها و سازمان‌های مزبور در داخل و خارج کشور می‌باشد.

تا قبل از تصویب و ابلاغ برنامه پنج ساله چهارم توسعه کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بنا به دلایلی، از جمله تعدد و پراکندگی جغرافیایی نهادهای ذی ربط، تمرکز ساختار اداری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تهران و عدم دسترسی به امکانات و فن‌آوری‌های جدید در زمینه بانکداری الکترونیک و سامانه‌های نوین بانکداری، بر اساس اختیارات قانونی مندرج در بند (ز) ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور و ماده۲۲قانون عملیات بانکی بدون ربا، وظیفه نگاهداری حساب‌های دولتی را به بانک‌های عامل دارای قرارداد نمایندگی از طرف بانک مرکزی واگذار می کرد.

لیکن بر اساس بند(د) ماده۱۰ قانون برنامه پنج ساله چهارم توسعه کشور، بنگاه‌ها، مؤسسات و سازمان‌های دولتی و دیگر نهادهای عمومی غیردولتی و شهرداری‌ها برای دریافت خدمات بانکی، رأساً مجاز به انتخاب بانک عامل شده، از این رو نسبت به انتقال حساب‌های خود به بانک‌های مختلف از جمله بانک‌های غیردولتی اقدام کردند.

اجرای قانون فوق، باعث نبود نظارت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر افتتاح و یا انتقال حساب‌های دولتی و به تبع آن بروز مسائل و مشکلات جدی در این زمینه شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- به دلیل تعدد و پراکندگی حساب‌های دولتی، امکان کنترل صحیح و کافی در خصوص وجوه دولتی و حساب‌های مفتوحه جهت نگاهداری آنها وجود ندارد، لذا این وجوه مانند منابع غیردولتی در حساب‌های متعلق به شرکت‌های تابعه دستگاه‌ها نزد بانک‌های کشور، رسوب کرده و دغدغه‌های بسیاری را برای مقامات پولی کشور که به طرق مختلف به دنبال مدیریت بهینه نقدینگی مورد نیاز اقتصاد کشور هستند، ایجاد کرده است. چرا که با رسوب وجوه در حساب‌های دولتی نزد نظام بانکی کشور، بانک‌ها قادر خواهند بود این وجوه را همانند سایر منابع خود به اعطای تسهیلات و ایجاد اعتبار تخصیص دهند.

ناگفته مشخص است که گردش مانده عظیم حساب‌های دولتی منجر به خلق بی‌رویه پول، افزایش بیش از حد نقدینگی و به تبع آن رشد فزاینده تورم می‌شود و البته، خسارات ناشی از افزایش تورم از این بابت، بدون شک به طور مستقیم و یا غیر مستقیم، دامنگیر آحاد مردم می گردد.

۲- به دلیل نبوددسترسی به گزارشات به موقع و دقیق از تمامی حساب‌های دولتی، امکان اعمال نظارت و کنترل مؤثر بر امور خزانه‌داری و بانکداری دولت و کنترل گردش حساب‌های هزینه‌ای و درآمدی دولت میسر نبوده، لذا احصای درآمدهای دولتی با مشکلات جدی روبرو می‌گردد.

۳- به دلیل رسوب وجوه دولتی در حساب نهادهای دولتی و شرکت‌های تابعه آنها نزد شبکه بانکی، در بسیاری از موارد گردش منابع درآمدی و هزینه‌ای نهادهای دولتی با کندی صورت گرفته و امکان تخصیص به موقع منابع مورد نیاز برای انجام معاملات و طرح‌های دولتی سلب می‌گردد.

٤- علاوه بر موارد فوق، نبود نظارت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر حساب‌های دولتی، منجر به بروز مفسده‌هایی چون ایجاد رانت‌های مختلف برای صاحبان حساب‌های دولتی و همچنین بانک‌های افتتاح‌کننده حساب‌های دولتی می‌شود که از آن جمله می‌توان به مطالبه امتیازات و خدمات بانکی خاص از سوی نهادهای ذی‌ربط در ازای انتقال حساب‌های دولتی به بانک مورد نظر و یا درخواست ارایه انحصاری خدمات بانکی نظیر صدور اعتبارات اسنادی و ضمانت‌نامه بانکی به نهادهای ذی‌ربط و پیمانکاران طرف قرارداد با آنها از سوی بانک‌ها، اشاره کرد.

٥- یکی دیگر از مشکلات استفاده از شیوه‌های جاری تخصیص منابع دولتی به نهادها و شرکت‌های ذی‌ربط (حساب‌های سنتی)، بهره‌گیری از ابزارهای سنتی مانند چک است.

استفاده از چک برای پرداخت‌ها موجب کاهش سرعت انتقال وجوه نسبت به روش‌های پرداخت الکترونیک و امکان بروز تخلفاتی چون جعل مبالغ و امضای چک‌ها می‌شود.

در همین حال می‌توان گفت که در سال‌های اخیر، رشد و توسعه چشمگیر فن‌آوری در صنعت بانکداری و تحولات اثربخش در حوزه پرداخت الکترونیک در سطح شبکه بانکی کشور، موجبات تکامل هرچه بیشتر سامانه‌های متمرکز از جمله ساتنا، شتاب، پایا، سحاب و ... را تحت زیرساخت‌های نظارتی، حفاظت‌مالی و امنیتی فراهم کرده است.

لذا با پیوستن بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به شبکه تبادل اطلاعات بانکی (شتاب)، در عمل، موانع سال‌های گذشته جهت انجام وظایف تعیین‌شده برای این بانک در بند (الف) ماده ۱۲ قانون پولی و بانکی کشور برطرف شده است.در نتیجه بانک مرکزی ایران قادر خواهد بود بدون نیاز به ایجاد شعبه و گسترش فعالیت‌های تصدی‌گری در حوزه اجرایی، وظایف قانونی خود را در قالب بانکدار دولت به بهترین نحو ایفا نماید و در جهت ساماندهی وضع حساب‌های دولتی و رفع مشکلات و مسائل فوقا، به ویژه کاهش اثرات مخرب تورمی ناشی از رسوب منابع دولتی در شبکه بانکی کشور، اقدامات لازم و قانونی را صورت دهد.

با عنایت به نکات فوق و در اجرای ماده ۹٤قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه، بانک مرکزی ایران با همکاری معاونت خزانه‌داری کل وزارت امور اقتصادی و دارایی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور، تدوین پیش‌نویس دستورالعمل نگاهداری انواع حساب برای دستگاه‌های اجرایی، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی را در دستور کار خود قرار داد.

نکات حائز اهمیت در این دستورالعمل عبارتند از:

۱- افتتاح تمامی حساب‌های بانکی اعم از ریالی و ارزی برای وزارتخانه‌ها، بنگاه‌ها، مؤسسات، شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی و برای منابع بودجه‌ای مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، صرفاً از طریق خزانه‌داری کل کشور امکان‌پذیر است.

۲- افتتاح تمامی حساب‌های بانکی برای وزارتخانه‌ها، بنگاه‌ها، مؤسسات،شرکت‌ها‌وسازمان‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به آن، صرفاً نزد بانک مرکزی ایران میسر است

۳- وزارتخانه‌ها، بنگاه‌ها، مؤسسات،شرکت‌ها‌وسازمان‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی قادر خواهند بود برای دریافت انواع تسهیلات و خدمات بانکی، به هر یک از مؤسسات اعتباری که مناسب‌ترین خدمات را به آنها ارایه می‌دهند، مراجعه کنند.

٤- جایگزینی حساب‌های موجود وزارتخانه‌ها، بنگاه‌ها، مؤسسات،شرکت‌ها‌وسازمان‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی با حساب‌های متناظر جدید افتتاح‌شده نزد بانک مرکزی، مطابق با شیوه‌نامه‌ای خواهد بود که در مدت سه ماه پس از تصویب این دستورالعمل تهیه می‌گردد. تا زمان افتتاح حساب‌های بانکی جدید نهادهای مزبور نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تعیین بانک عامل جهت نگاهداری حساب‌های مربوط به نهادهای عمومی غیر دولتی بر عهده کمیته پولی و بانکی بانک مرکزی و سایر حساب‌های دولتی بر عهده کمیته‌ای با مسئولیت خزانه‌دار کل کشور است.

٥- لازم به ذکر است که مفاد این دستورالعمل برای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و همچنین وزارتخانه‌ها، بنگاه‌ها، مؤسسات، شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی لازم‌الاجرا بوده و تخلف از آن برای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مجازات‌های انتظامی موضوع ماده ٤٤ قانون پولی و بانکی کشور را در پی داشته و برای سایر نهادهای ذی‌ربط، در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی محسوب خواهد شد.

ادامه دارد

تصمیمات بانک مرکزی برای مهار اضافه برداشت ها

مدیر اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی بانک مرکزی با اشاره به فعالیت‌های بانک مرکزی برای مدیریت نقدینگی، گفت:تمرکز بانک مرکزی بر شیوه‌های مدیریت نقدینگی، از جمله مهار اضافه برداشت‌ها، هدایت خطوط اعتباری و همین طور انتشار اوراق مشارکت است.

دکتر پیمان قربانی در گفت‌وگو با ایسنا ادامه داد: جلسات مستمر و متعددی با بانک ها در همین رابطه برگزار شده و راهکارهای لازم برای مهار اضافه برداشت بانک‌ها دنبال می‌شود.

وی با اشاره به لزوم مهار نقدینگی در کشور و نتایج بررسی‌های انجام شده توسط بانک مرکزی در این زمینه گفت:بانک مرکزی حسب وظیفه ذاتی خود به عنوان تصمیم گیرنده در زمینه سیاست‌های پولی و اعتباری و مجری این امر، اقدامات متعددی را برای سال جاری پیش‌بینی کرده، همچنین گزارش‌ها و پایش‌هایی در زمینه نقدینگی انجام گرفته و تصمیماتی در این رابطه اتخاذ شده است.

وی از جمله این اقدامات را مقابله با اضافه برداشت بانک‌ها و ساماندهی این موضوع، هدایت خطوط اعتباری و کانالیزه کردن آن و انتشار اوراق مشارکت که در هفته‌های پیش مرحله اول آن را داشتیم، بیان داشت.

قربانی افزود: هدف از اجرای این طرح‌ها، تامین نقدینگی متناسب با نرخ‌های اقتصاد کشور و رشد آن مطابق با روند مدنظر بانک مرکزی است.

وی همچنین درمورد هدایت نقدینگی موجود گفت: با توجه به پایش هایی که در مورد رشد نقدینگی و روند آن انجام شده، اقدامات لازم از جمله فروش اوراق مشارکت بانک مرکزی مدنظر قرار گرفته است که در مرحله اول آن در ماه گذشته ۲۵ هزار میلیارد ریال توسط پنج بانک عامل عرضه شد.

از سوی دیگر عضو کمیسیون اقتصادی مجلس و رییس کمیته سرمایه گذاری و پایش اشتغال مجلس گفت: دستگاههای دولتی باید نظارت کامل در پیش، حین و پس از اختصاص ارز به واردکنندگان کالاهای اساسی داشته و پس از پرداخت ارز آنها را به حال خود رها نکنند.

ایرج ندیمی افزود: پس از پرداخت ارز به متقاضیان باید به ریز عملکردشان نظارت شده تا کالاهای اساسی مورد نیاز مردم وارد کشور شود.

رییس کمیسیون فراکسیون تعاون مجلس تاکید کرد: دخالت درباره خروج ارز ضروری بوده تا مشکلی که اکنون پیش آمده بروز نکند چرا که الان به ۵۰ یا ۶۰ قلم کالا ارز ۱۲۰۰ تومانی پرداخت می شود و برخی در خارج از کشور با ۲۰۰۰ تومان سود بیشتر آن را می فروشند.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس یادآورشد: فقط دستگاهی که می تواند بر بازار ارز مدیریت کند دولت است.دولت بر امور اقتصادی و صنعتی اشراف دارد و نظارت نظامند بر این عرصه اساسی است.

رییس کمیته سرمایه گذاری و پایش اشتغال کمیسیون اقتصادی مجلس ادامه داد: برای مثال قطعه ساز به ما می گفت ما قطعه می سازیم در حالی که مشخص شد از چین وارد می کرد و همچنین لوازم خانگی و بهداشتی از چین وارد می شده یعنی از بازار کار ارزان آنجا استفاده می کرده است.

ندیمی ادامه داد: از آن طرف تحرک روانی از سوی رسانه های بیگانه تاثیر دارد و مردم را ترغیب می کنند تا وارد بازار ارز شوند یعنی کسانی که ارز می خواهند متقاضی واقعی ارز نیستند بلکه سوداگرانی هستند که حتی خانه خود را فروخته و ارز می خرند تا مدتی نگه داشته و گرانتر بفروشند.

وی تاکید کرد که برای برون رفت از برخی چالش ها در حوزه ارز، باید متقاضیان واقعی شناسایی و ارز مرجع به آنها ارایه شود.

یک اقتصاددان هم تاکید کرد که رونق تولید؛ تورم نقدینگی را به رشد اقتصادی تبدیل می‌کند.

دکتر غلامرضا اسلامی در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان این‌که تورم و نقدینگی با داشتن ضریب همبستگی بالا رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند، اظهار کرد: هر افزایش نقدینگی نمی‌تواند تورم‌زا باشد و اگر به درستی هدایت و مدیریت شود، کارایی بسیاری را برای اقتصاد به همراه خواهد داشت.

زمان عرضه بلوکی ۳ شرکت بورسی نهایی شد

با اصلاح دستورالعمل معاملات در بورس،زمان و شرایط عرضه بلوک‌های۱۷ درصدی پالایشگاه بندرعباس و حمل و نقل خلیج فارس به همراه ۳۴ درصد ایران ترانسفو برای عرضه در ماه جاری مشخص شد.

به گزارش فارس، بعد از وقفه بیش از یک‌ماهه در عرضه های بلوکی شرکت های بورسی و فرابورسی به دلیل مصوبه شورای عالی بورس مبنی بر تغییر فرایند معاملات عمده و ابلاغ ضوابط جدید این نوع معاملات توسط سازمان بورس، دستورالعمل معاملات در بورس و فرابورس اصلاح شد تا زمینه واگذاری عمده شرکت های دولتی و خصوصی مهیا شود.

براساس این گزارش ، سازمان خصوصی سازی دور جدید عرضه های عمده شرکت ها را با واگذاری ۳۲,۷۱ درصد از سهام ایران ترانسفو شروع خواهد کرد.

این سازمان ابتدا روز ۲۸ آبان بیش از ۴۹۰ میلیون و ٦٦٨ هزار سهم ایران ترانسفو را به قیمت تابلوی بورس در روز عرضه به شرطی که از ۳٦۰ تومان کمتر نباشد، به صورت ۳۰ درصد نقد و باقی اقساط روی میز فروش می گذارد.

این بلوک شامل سهام قابل واگذاری و ۲۸,۳۸ درصد سهام در وثیقه سازمان خصوصی سازی است که با مهلت پرداخت وجه نقد ۳۰ روزه از سوی کارگزاری بانک توسعه صادرات در بازار اول معاملات انجام خواهد شد.

سازمان خصوصی سازی یک روز بعد در ۲۹ آبان هم دست به عرضه ۱۷ درصد از سهام شرکت مشمول اصل ٤٤ پالایشگاه بندرعباس خواهد زد. این عرضه شامل ۲ میلیارد و ۳٤٦ میلیون سهم است که به قیمت تابلوی بورس در روز عرضه به اضافه ۲۰ درصد بشرطی که از ۲ هزار و ۵۲۹ ریال کمتر نباشد ، از سوی کارگزاری خبرگان سهام روی میز فروش گذاشته می شود.

این بلوک بابت رد دیون دولت به بانک ملت و سازمان تامین اجتماعی و به صورت ۳۰ درصد نقد و باقی اقساط سه ساله با مهلت پرداخت وجه نقد ۳۰ روزه عرضه می شود و از قرار معلوم چند متقاضی دارد.

سازمان خصوصی سازی علاوه بر این در آخرین روز ماه جاری هم اقدام به عرضه بلوک ۱۷ درصدی حمل و نقل بین المللی خلیج فارس خواهد کرد که شامل بیش از ٤۹۰ میلیون و ٦٦٨ هزار سهم است.این تعداد سهام به قیمت تابلوی فرابورس در روز عرضه بعلاوه ۲۵ درصد به شرطی که از هزار و ۸۳ ریال کمتر نباشد، به صورت ۳۰ درصد نقد و باقی اقساط از سوی کارگزاری بانک کشاورزی راهی میز فروش خواهد شد.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۳۰۹٤۰/۲	۳۰۹٦۵/٤	۳۰۷٤۹	۲۰۳/٦	۰/٦٦
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۱۷٤۲/٤	۱۷٤۵/۳	۱۷۲٦/۸	۱۵/۸	۰/۹۲
شاخص آزادشناور	۳۷۹٤۳/٤	۳۷۹۷۳/۵	۳۷٦۸۸/۸	۲۷۵/٤	۰/۷۳
شاخص بازاراول	۲۵۲۳۳/۱	۲۵۲٦۲/٤	۲۵۰۸۸/۹	۱۵٦/۵	۰/٦۲
شاخص بازاردوم	٤۵٤۵۰/٦	٤۵٤۸۷/۳	٤۵۰۸۰/٦	۳٦۵/٤	۰/۸۱
شاخص صنعت	۲۵۸٦۲/۵	۲۵۸۸۱/۲	۲۵٦٦۷/۱	۲۰۸/۹	۰/۸۱

آمار آخرین روز معاملاتی(سه شنبه۹۱/۸/۱٦)

مجموع حجم معاملات	۲۸۰/۸٦٤/۰۷٤ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۱/۰۳۱/۵۳۸ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۲٤۷٦۱ معامله
ارزش بازار	۱/٤۰۹/۹۹۵ میلیارد ریال

عرضه های بلوکی سهام در فرابورس

مدیر عامل فرابورس در پی ابلاغ شرایط متقاضیان خرید در معاملات عمده از سوی شورای عالی بورس، از عرضه دو بلوک خبر داد.

به گزارش روابط عمومی فرابورس ایران،امیر هامونی افزود: شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی با سرمایه ۱,۷ هزار میلیارد ریال ،٤۹درصد از سهام شرکت موج تامین ارتباطات پارس معادل ۸٦ میلیون و ٤ هزار و ۸۰۰ سهم را ۲٤ آبان در بازار سوم فرابورس عرضه می کند.

وی ادامه داد: همچنین چهارشنبه هفته آینده سازمان خصوصی سازی ٤,۹ میلیون سهم معادل صددرصد از سهام شرکت کالای پتروشیمی به ارزش ۱۹٤,٦ میلیارد ریال و به نرخ پایه هرسهم ۳۸ هزار و ۹۳۷ ریال به صورت یکجا و نقد یا نقد و اقساط و با شرایط ۳۰ درصد نقد مابقی اقساط سه ساله در بازار سوم عرضه می‌کند.

هامونی افزود: شرکت ملی صنایع پتروشیمی سهامدار عمده شرکت کالای پتروشیمی و شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی ۹۹,۹۹ درصد از سهام شرکت موج تامین ارتباطات پارس را برعهده دارند.

رشد پوشش سود شرکت‌های بورسی در نیمه اول امسال

بررسی کلی اطلاعات ارایه شده شرکت‌ها به فرابورس نشان می دهد که به طور عمده وضع پوشش سود شرکت های فرابورسی در نیمه نخست سال مناسب بوده است.

به گزارش ایسنا، رییس نظارت بر ناشران فرابورسی سازمان بورس و اوراق بهادار با بیان مطلب بالا گفت: این بررسی باید در هر شرکتی به صورت موردی انجام شود، اما در هر حال با توجه به افزایش نرخ ارز، شرکت های صادرکننده، مانند پتروشیمی ها و فولادی ها از وضع بهتر و مناسب تری برخوردار هستند.علی بیک زاده ادامه داد: این شرکت ها صادرات انجام داده و با توجه به تغییر نرخ ارز، سود بیشتری را شناسایی کرده‌اند.

وی به وضع عددی پوشش سود شرکت ها اشاره کرد و گفت: پتروشیمی زاگرس که از پتروشیمی های فعال در فرابورس است، پیش بینی سال ۹۱ را مبلغ سه هزار و ۱۹۳ ریال اعلام کرده بود که در دوره شش ماهه حدود ۳۷ درصد سود خود را محقق کرده است، در حالی که میزان پوشش نیمه نخست پارسال حدود ۳٤ درصد بوده است.

رییس نظارت بر ناشران فرابورسی ابراز داشت: پتروشیمی مارون از پتروشیمی های بزرگ کشور است که در فرابورس پذیرش شده و برای سال ۹۱ به ازای هر سهم مبلغ ۳۵۱۳ ریال سود پیش بینی کرده است. این شرکت موفق شده که در دوره شش ماهه ٤۹ درصد از سود خود را محقق کند. این در حالی است که میزان پوشش سود شرکت در نیمه نخست پارسال، ۳۹ درصد بود.

بیک زاده تصریح کرد: نگاه دیگری به شرکت های فرابورسی نشان می دهد که شرکت ارتباطات سیار ایران، از شرکت های بزرگی است که در فرابورس پذیرفته شده و پیش بینی سود خود را برای سال ۹۱، مبلغ ٤۵۹۰ ریال اعلام کرده است که عملکرد شرکت، پوشش ۵۰ درصدی را حکایت دارد.

وی به عملکرد ذوب آهن اصفهان اشاره کرد و افزود: این شرکت برای سال ۹۱، در شش ماهه نخست به ازای هر سهم ۱۰۰ ریال سود محقق کرده که نشان از پوشش ٦۳ درصدی دارد. در حالی که در شش ماهه پارسال این شرکت زیان ده بود.بیک زاده با اشاره به اینکه صنایع فولاد آلیاژی ایران هم در سال ۹۱ به ازای هر سهم ۲۲۰ ریال سود و پوشش حدود ۷۰ درصدی داشته است، اظهار داشت: پوشش ۷۰ درصدی به این معنا است که در نیمه دوم سال ۳۰ درصد سود قرار است محقق شود که احتمال تعدیل سود را بالا می برد.

وی افزود: شرکت صنعتی معدنی شمال شرق شاهرود هم ۲۲۰ ریال سود پیش بینی کرده که ۵۲ درصد آن را پوشش داده است. همچنین فولاد صبانور هم پوشش ٦٤ درصدی از کل مبلغ سود را داشته است.

وی با اشاره به عملکرد صنایع مختلف در فرابورس گفت: صنعت بیمه به واسطه عملکرد شرکت ها در نیمه نخست سال وضع مناسبی داشته است. در عین حال، شرکت های فعال در بخش ITو فن آوری وضع مناسبی داشته اند. بانک های فرابورسی هم وضع متعادلی در شش ماهه نخست سال داشته اند و به طور تقریبی به بودجه های پیش بینی شده خود رسیده اند.

رییس نظارت بر ناشران فرابورسی سازمان بورس به عملکرد ذوب آهن اصفهان اشاره کرد و افزود: این شرکت پارسال ۳۵ میلیارد تومان زیان داشته که امسال سودده شده است.بیک زاده به عملکرد بانک ها اشاره کرد و ادامه داد: بانک ها و بیمه ها به طور تقریبی در قیاس با سال گذشته روند ثابتی داشته اند.

وی تصریح کرد: اطلاعاتی که شرکت های فرابورسی بر اساس آیین نامه افشا منتشر می کنند، اطلاعات محدودتری نسبت به بورس اوراق بهادار است. برای مثال، شرکت ها پیش بینی های خود را بر اساس عملکرد سه ماهه منتشر نمی کنند و عمدتا اطلاعات واقعی را به بازار منعکس می کنند. بر این اساس لازم است که سرمایه گذاران، تحلیل کاملی روی شرکت ها داشته و با آگاهی کامل تصمیم گیری کنند.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
کنتورسازی‌ایران	۱۳,۵۳۲	(۵۶۳)
مخابرات ایران	۲,۲۴۴	(۹۳)
بیمه البرز	۳,۸۰۰	۷۰
کابل البرز	۱,۰۰۰	(۲۴)
ایران ترانسفو	۲,۰۵۱	۷۸
پارس‌سویچ	۱,۸۶۲	۷۱
موتوژن	۳,۳۵۸	(۴۶)
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۲,۹۸۰	۵۳
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۱,۵۵۷	۰
مجتمع‌صنعتی‌آرتاویل‌تایر	۱,۶۵۰	(۵)
گسترش نفت و گاز پارسیان	۷,۹۳۵	۱۳۹
بیمه پارسیان	۲,۰۹۱	(۳۲)
ایران‌یاساتایرورابر	۴,۶۸۷	۱۷۲
ایران تایر	۱,۲۵۲	۴۸
سرمایه گذاری پردیس	۱,۱۳۳	۰
پمپ سازی ایران	۲,۳۹۰	۱۷
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۹۵۰	(۸)
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱,۳۴۱	(۳۰)
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۲,۷۶۹	(۱۰)
سامان گستراصفهان	۱,۳۱۹	(۵۴)
سرمایه گذاری شاهد	۱,۳۵۰	(۵۶)
سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۷۰۰	(۵۴)
فیبر ایران	۲,۱۰۳	۸۰
صنایع‌کاغذسازی‌کاوه	۵,۵۰۰	(۱۰۰)
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۱,۳۶۴	۵۲
تایدواترخاورمیانه	۲,۵۸۵	۷
حمل‌ونقل‌توکا	۵,۶۰۱	(۴۳)
حفاری شمال	۲,۱۶۰	(۵۶)
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۱,۰۹۸	۴۲
سایپاآذین	۵۰۶	۱۹
ایران خودرودیزل	۹۷۲	(۲۳)
گروه‌بهمن	۱,۱۵۰	(۳۱)
ح . گروه‌بهمن	۲۲۹	۵
پارس خودرو	۶۳۸	(۲۶)
سازه پویش	۸,۹۳۱	(۳۷۲)
قطعات اتومبیل ایران	۱,۲۹۵	(۵۳)
رینگ‌سازی‌مشهد	۸۷۱	۳۰
زامیاد	۶۹۴	(۱۸)
سایپا	۱,۰۰۹	۳۸
الکتریک خودرو شرق	۶۳۴	(۲۶)
فنرسازی‌خاور	۷۳۶	(۳۰)
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۱,۹۴۱	(۸۰)
لنت ترمزایران	۱,۵۰۰	۸
تولیدمحورخودرو	۱,۳۰۰	(۵۴)
مهرکام‌پارس	۴۴۴	(۷)
ایران خودرو	۱,۲۵۰	(۸)
محورسازان‌ایران‌خودرو	۵۱۳	۱۷
سایپا دیزل	۵۸۲	(۱۵)
کارخانجات‌داروپخش	۵,۴۳۲	(۱۰۰)
داروسازی اسوه	۱۱,۱۱۰	(۴۶۲)
البرزدارو	۵,۷۲۶	(۲۳۸)
بیمه دانا	۴,۷۸۷	۰
تولیدموادداولیه‌داروپخش	۸,۸۰۰	(۱۹۴)
داروسازی جابرابن‌حیان	۲,۵۵۳	(۱۰۶)
دارویی رازک	۹,۰۶۰	(۲۷۰)
داروسازی روزدارو	۲,۴۵۱	۹۴
گروه دارویی سبحان	۲,۸۷۲	(۱۱۹)
ح .گروه دارویی سبحان	۱,۵۵۰	(۷۲)
داروسازی سینا	۹,۵۱۷	(۳۸۲)
لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	۶,۳۰۰	(۲۲۴)
داروسازی اکسیر	۵,۸۴۹	(۲۴۳)
دارویی لقمان	۴,۰۳۵	(۱۶۸)
داروسازی کوثر	۱,۴۸۵	(۴۳)
کیمیدارو	۱,۷۳۱	(۷۲)
خدمات‌انفورماتیک	۱۲,۶۰۰	۱۳۴
تجارت الکترونیک پارسیان	۸,۰۰۵	۷
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۲,۶۰۵	(۱۰۸)
مدیریت‌پروژه‌های‌نیروگاهی	۱,۶۵۰	(۱۵)
کارت اعتباری ایران کیش	۸,۲۲۰	(۱۲۴)
سیمان داراب	۴,۰۲۷	(۱۶۷)
سیمان‌ارومیه	۳,۶۵۰	(۱۵۲)

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
سیمان‌سپاهان	۱,۱۹۳	(۴۹)
سیمان تهران	۲,۴۹۵	(۱۰۳)
سیمان‌خاش	۲,۷۶۵	۶۶
سیمان خزر	۲,۱۶۰	۱۲
سیمان دورود	۴,۶۰۲	۰
سیمان‌شاهرود	۲,۴۲۱	(۸۰)
سیمان شرق	۱,۰۴۰	(۳۱)
سیمان شمال	۱,۱۹۹	(۴۹)
سیمان‌اصفهان	۹,۵۵۸	۳۶۷
سیمان صوفیان	۱,۴۱۸	(۵۹)
سیمان‌غرب	۴,۶۸۰	۷۰
سیمان فارس و خوزستان	۱,۴۵۷	۴
سیمان فارس نو	۲,۵۰۰	۲
سیمان سفیدنی‌ریز	۵,۲۵۰	۱۹۱
سیمان‌هرمزگان	۸,۸۲۸	۲۶۴
سیمان‌هگمتان	۲,۶۹۵	(۱۱۲)
سیمان کارون	۲,۹۲۳	(۱۱۲)
سیمان کردستان	۷,۸۰۰	۲۶
سیمان کرمان	۴,۷۰۰	(۹۲)
پالایش نفت تبریز	۵,۶۶۱	۲۰
پالایش نفت بندرعباس	۲,۸۹۰	۱۲
نفت بهران	۸,۱۷۴	(۵۲)
پاکسان	۳,۶۰۰	۴۸
پتروشیمی آبادان	۸,۵۰۳	(۲۶۳)
پتروشیمی پردیس	۴۲,۸۰۰	(۱۷۱)
پتروشیمی خارک	۱۸,۱۵۱	(۲۲۷)
دوده صنعتی پارس	۳,۴۹۷	۱۳۴
تولید سموم علف کش	۲,۰۸۳	۸۰
پتروشیمی‌فارابی	۱۱,۳۰۰	۴۳۴
صنایع شیمیایی فارس	۳,۵۰۰	۳۳
گلتاش	۶,۵۹۸	۲۴۷
لعابیران	۴,۰۰۰	(۲۷)
نفت پارس	۴,۲۵۴	(۶)
کربن ایران	۱,۳۹۹	۵۳
نیروکلر	۹,۵۴۹	(۳۹۷)
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۵,۸۰۶	(۲۴۱)
صنعتی بهشهر	۱۴,۴۵۳	(۶۰۲)
لبنیات پاک	۴,۶۸۵	۱۸۰
پارس مینو	۲,۹۲۰	(۱۲۱)
کشت و صنعت چین چین	۳,۲۱۷	(۱۳۴)
دشت مرغاب	۲,۱۲۱	۸۱
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۲,۵۲۵	۹۵
شهد ایران	۱,۷۴۶	(۶۷)
بیسکویت گرجی	۲,۲۹۸	۶۵
ح . بیسکویت گرجی	۱,۲۱۰	۲۰
مارگارین	۳,۸۰۵	(۱۵۸)
صنایع آذرآب	۱,۸۴۸	(۵۲)
ماشین سازی اراک	۱,۳۰۰	(۲۱)
کالسیمین	۶,۴۲۳	۲۱
آلومینیوم‌ایران	۸,۸۴۰	۲,۴۱۴
مس شهیدباهنر	۱,۰۲۷	۲۶
سپنتا	۳,۴۳۹	۱۳۲
جام‌دارو	۱,۹۶۸	۷۵
فولاد امیرکبیرکاشان	۱,۹۳۴	۷۴
فولاد خراسان	۷,۸۷۴	۳۰۲
فولاد خوزستان	۲۱,۱۲۳	(۵۰۱)
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۶,۷۵۰	(۲۸)
گروه‌صنعتی‌سپاهان	۳,۸۳۲	۱۴۷
ملی سرب‌وروی ایران	۲,۸۴۰	(۶)
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۱,۸۷۰	(۱۶)
ملی صنایع مس ایران	۶,۳۸۱	۲۷۷
نورد آلومینیوم	۳,۱۱۹	۶۳
فولاد مبارکه اصفهان	۳,۵۲۵	۸۷
فولادکاویان	۱,۹۲۶	۷۴
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۱۰,۶۶۴	۴۱۰
قند ثابت خراسان	۴,۸۳۷	۱۸۶
کارخانجات قند قزوین	۱۱,۶۰۰	(۲۷۱)
قند شیرین خراسان	۵,۹۵۷	۲۲۹
شهد	۱۷,۲۷۱	۲۷۹
شکرشاهرود	۶,۵۷۹	(۵۷)
قنداصفهان	۳۴,۲۰۰	۶۴۲

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
قند مرودشت	۱۸,۱۸۹	۶۹۹
قندنقش‌جهان	۱۱,۲۵۵	(۴۶۸)
قند نیشابور	۱۴,۵۰۰	۳۶۷
قندهکمتان	۲۰,۴۰۰	۳۹۷
آبسال	۸۲۷	۳۱
گروه‌صنعتی‌بوتان	۱,۶۸۵	۶۴
پارس خزر	۱,۳۷۱	۵۲
سرما آفرین	۱,۲۹۶	(۵۴)
داده‌پردازی‌ایران	۱,۳۱۵	(۲۷)
ایران‌ارقام	۲,۲۴۷	(۹۳)
پشم بافی توس	۱,۱۷۰	۰
ایران مرینوس	۳,۴۰۰	۲۲
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱,۰۴۰	۰
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۲,۴۳۸	(۱۰۱)
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۵,۴۰۰	۷
بانک انصار	۲,۰۸۱	۱
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۲,۸۳۱	(۱۱۶)
توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۲,۰۸۸	(۸۶)
بانک صادرات ایران	۱,۰۲۰	۱
بانک ملت	۱,۰۱۶	۲
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۹۳۹	۰
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۸۹۸	(۴)
بانک‌پارسیان	۲,۰۵۰	(۲۳)
بانک پاسارگاد	۱,۳۷۸	(۱)
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۹۱۰	۳۵
بانک تجارت	۱,۲۷۳	(۵۳)
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱,۵۴۲	۳۴
سرمایه گذاری پارس توشه	۱,۹۱۰	(۴)
توسعه‌صنعتی‌ایران	۱,۶۰۵	۶۱
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۲,۲۰۵	۳۷
سرمایه‌گذاری سایپا	۱,۱۲۶	(۹)
سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۲,۵۰۰	(۲۷)
سرمایه‌گذاری سپه	۱,۷۰۰	۱۶
بانک سینا	۱,۳۳۷	(۳۴)
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۱,۵۲۰	(۶۲)
ح . گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۴۲۹	(۳۴)
سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۲,۳۹۰	(۲۲)
سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۱,۰۲۶	(۱۴)
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۴,۳۶۰	(۴)
لیزینگ رایان سایپا	۱,۷۱۱	(۱۵)
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۵۹۵	۴۵
لیزینگ‌خودروغدیر	۵۳۵	(۱)
لیزینگ‌ایران	۱,۶۷۵	۶۱
توسعه‌معادن‌وفلزات	۴,۳۵۸	۷۱
سرمایه‌گذاری‌ملت	۴۵۸	۱۷
بانک‌اقتصادنوین	۲,۱۹۰	(۸۶)
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱,۱۳۲	۴۳
سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۱,۴۶۸	(۶۱)
بانک کارآفرین	۱,۳۷۵	(۱۲)
فرآورده‌های‌نسوزآذر	۱,۵۶۵	(۲۵)
باما	۸,۳۵۰	(۱۰۷)
کاشی پارس	۱,۰۶۳	(۴۴)
پشم‌شیشه‌ایران	۲,۲۶۰	۸۶
تولیدی کاشی تکسرام	۸۷۷	(۳۳)
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۹,۳۰۰	۲۰۹
چینی ایران	۲,۹۸۰	(۳۱)
کاشی وسرامیک حافظ	۱,۲۴۱	(۵۳)
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۷,۱۵۵	۱۴۶
صنایع کاشی و سرامیک سینا	۳,۴۰۹	(۱۴۲)
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۱۳,۸۴۴	۱۹۰
کاشی سعدی	۱,۹۸۰	(۶۱)
ذغال‌سنگ نگین طبس	۳,۰۶۹	۳۵
فرآورده‌های نسوز پارس	۱,۲۴۱	۰
فراورده های نسوزایران	۳,۹۰۸	۱۵۰
شیشه و گاز	۱,۳۵۰	۵۱
معدنی و صنعتی گل گهر	۸,۸۳۹	۳۸
معادن‌منگنزایران	۲۱,۴۰۲	۱۸۸
کاشی نیلو	۱,۲۲۸	(۵۱)
تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۱,۱۵۶	۴۴
شیشه همدان	۱,۸۴۹	۴۷

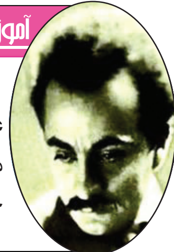
فرهنگی ۱۰۵

چهارشنبه ۱۷ آبان ۱۳۹۱

شماره ۲۵۴۵۰ـ ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات

ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن اسلام و ایران

آموزه



جبران خلیل جبران:

عشق محدود تنها به تصاحب معشوق می اندیشد و عشق بی انتها در جستجوی خویشتن است

سرسخن

کریم فیضی

وجود و ماهیّت فضای مجازی-۳

دیجیتالیسم و تاریخ

از این زوایه، دیجیتالیسم درچارچوب نظام فکری سنتی ما نمی گنجد ولی بخش ها و ابعادی از آن با همین نظام قابل تبیین است هرچند که چنین مکانیسمی از نظر آگاهان مجاز نباشد یا عده‌ای را خوش نیاید. حاصل این شیوه، برداشته شدن گام‌های اولیه برای نزدیک شدن به شیوه‌های درست بحث و تحقیق درباره فرایند فضای مجازی یا دیجیتالیته است. چرا که سایبرنتیک نیز مانند همه واقعیت‌های عرصه فکر و فرهنگ، نیازمند شیوه بحث است و باید روش تحقیق درست درباره آن را دانست و کشف کرد.

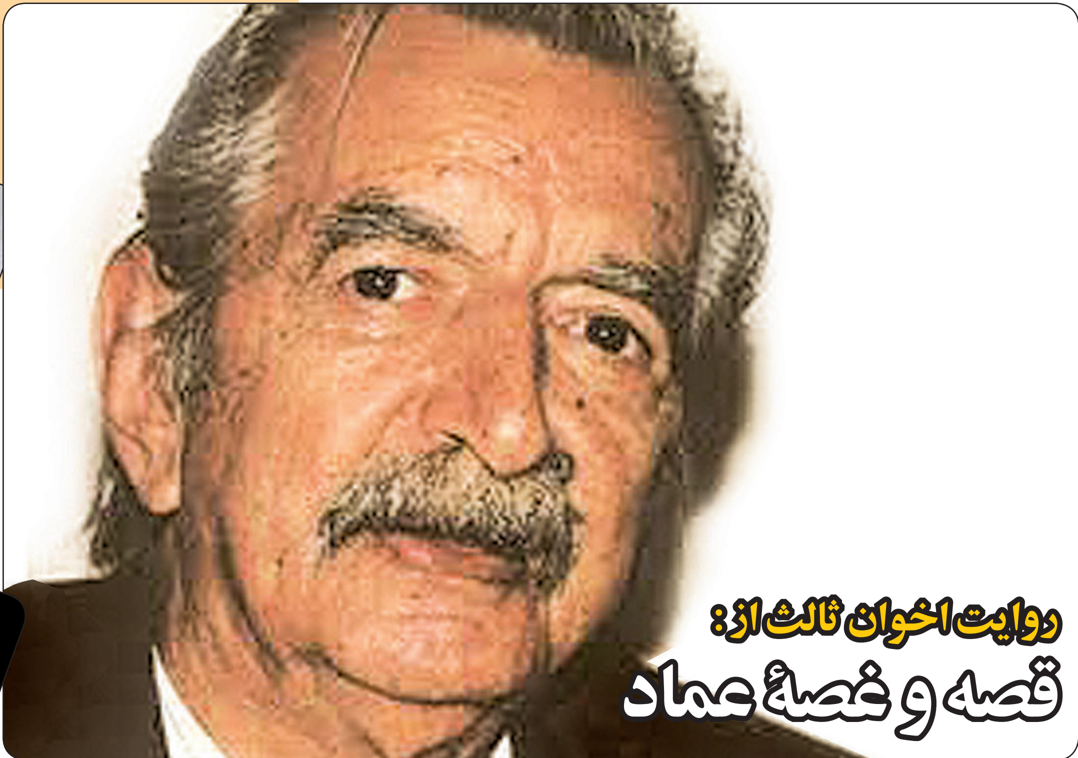
این کشف و دانایی حتی اگر دشوار و محتاج زحمت و زمان هم باشد، عاری از ضرورتهایی چند نیست، چون به تجربه ثابت شده است که: از یک سو، شیوهٔ بحث درست و درست مطالعه کردن بسیار راهگشا و ثمر آفرین است، از سوی دیگر شیوه‌های نادرست و ناصواب و بدون ضابطه و معیار، اگر هم چارچوب‌ها را دچار خدشته و آشوب نکند، دست کم اختلالهایی را در برخی از ساحت‌های عمومی این قبیل بحث‌ها ایجاد می کند که سوءتفاهم به بار می‌آورد و پرسش‌هایی غیر ضروری و منحرف کننده را پیش پای پرسشگران می گسترد که نمی توان به آنها جواب نداد و برطرفشان نکرد. لازمهٔ رفع و دفعشان هم صرف مقادیری زمان است که می تواند صرف نا گفته‌ها شود تا غلط گفته‌ها.

به هر روی، در اینجا بی آنکه ادعای قابلیت مطالعه تطبیقی میان فلسفه متعارف و حقیقت دیجیتالیسم را طرح کنیم، یادآوری این نکته را فرو نمی گذاریم که در قالب ذهنی و زبانی این فلسفه، امکانهایی وجود دارد که می تواند ما را برای بررسی دیجیتالیسم یاری کند. این امکانها میراث تاریخی فلسفه و حتی زبان ما به شمار می روند.

این امکانها، بیش از هر چیزی به شیوه رویارویی ما برمی گردد که در نوع پرسش‌های ما خودش را نشان می‌دهد و از نوع پرسش‌ها، اولاً جایگاه ما و موضع و چشم انداز ما در ادراک و فهم معلوم می‌شود. ثانیاً جوابهایی که به صورت طبیعی رخ می‌نماید، ما را به مقاصد و منازل بعدی این سیر سوق می‌دهد که هرچه باشد، بخش‌های اولیه مباحث نظری فلسفه دیجیتالیزم را شکل می‌دهد.

پرسش ما در مواجهه اولیه با دیجیتالیسم برای آغاز مطالعات و مباحث آغازین می تواند این باشد که: وجود و ماهیت دیجیتالیسم چیست؟ آنچه که وجود این فرایند و ماهیت آن را شکل می‌دهد و می‌سازد، چیست؟ بر اساس نوع پاسخی که به این سؤال داده می‌شود، شیوه ما برای ادامه بحث شکل می گیرد و طبیعتاً خواهیم توانست دیدگاه خودمان را تبیین کنیم. در واقع، این تعریف ما از دیجیتالیسم است که نسبت و جایگاه ما را نسبت به این پدیده روشن می کند و از سوی دیگر به ما می گوید که این رشته را چگونه و تا کجا می توانیم ادامه بدهیم. موضوع یا مطلب مهمی که در اینجا وجود دارد، این است که: آیا دیجیتالیسم قابل تعریف است؟ آیا این فرایند تعریفی دارد که بتوان آن را در کنار تعریف‌های دیگر قرار داد؟ ما در اینجا وارد این بحث ساختار شکنانه نمی‌شویم که معتقد است تعریف شیوه‌ای ناکارآمده است و حاصل آن، از چارچوبهای منطق ارسطویی فراتر نمی‌رود. شاید این نوع از روبرو شدن با دیجیتالیسم و این مواجهه ساختار شکنانه، حاصل خود دیجیتالیسم و برآمده از اصول و فروع آن باشد. اگر چنین باشد، دیجیتالیسم را باید در ساختار بی‌ساختارها وچارچوب مسائل و واقعیت‌های چارچوب گریز طبقه‌بندی کرد. آیا به واقع چنین است؟

در واقع بازگشت سخن به اینجاست که: آیا دیجیتالیسم-فارغ از اینکه تعریف پذیر است یا تعریف گریز-چارچوب دارد یا بی‌چارچوب است؟ هر یک از این دو نظر یا قول، لوازمی دارد که قبول و پذیرش آن در پی می‌آورد. شاید درست و منطقی این باشد که ما دیجیتالیسم را بجای اینکه از پایان و انتهایش مورد ملاحظه قرار دهیم، از ابتدایش بنگریم و ببینیم. به عبارت دیگر: دیجیتالیسم را بجای آنکه از دریچه امروز بازشناسی کنیم، باید از دریچه دیروز مورد تأمل و تعمق قرار دهیم. فرق این دو ملاحظه و مطالعه بسیار جدی و حتی فاحش است، چرا که در نگاه اول دیجیتالیسم، فرآیندی است بی‌تاریخ که می توان با آن تاریخ را نفی کرد، اما در نگاه دوم دیجیتالیسم نه تنها بی‌تاریخ نیست و با تاریخ جنگ وستیز ندارد، بلکه خودش به معنای واقعی کلمه«تاریخ» دارد و تاریخمند است. به نظر می‌رسد، انکار تاریخیت دیجیتالیسم، انکار واقعیت آن است، چرا که ما از هر زاویه‌ای که بنگریم و صاحب هر موضع و نسبتی که باشیم، نمی‌توانیم این واقعیت را نادیده بگیریم که: دیجیتالیسم، به هر معنایی که در نظر گرفته شود، پدیده‌ای بدون مقدمه آنی و دفعی نیست که به ناگاه سر برآورده باشد و ما فوق زمان و مکان و تاریخ و فرهنگ قرار گرفته باشد، بلکه حتما در ادامه واقعیت‌های بشری شکل گرفته است و گذشته و عناصر و اجزاء و واقعیت‌های دیروزی در آن سهم دارد. دیجیتالیسم به عنوان پدیده‌ای تحول آفرین و دگرگونساز، خود در ادامه تحولاتی متعدد شکل گرفته و پدید آمده است که ازآنها می‌توان به عنوان نسل و نسب دیجیتالیه و سایبریسم یاد کرد. حال ما یک قدم به وجود و ماهیت دیجیتالیسم نزدیک شده‌ایم: این پدیده وجودی تاریخی و ماهیتی غیر تاریخی دارد.



روایت اخوان ثالث از:

قصه و غصهٔ عماد

در آمد ساقی نو، باده در دست
خمار هر خمارآلوده بشکست
شکافید او قمرزین شعر دلکش
روان چون آب و سوزان همچو آتش

پیک و پیغام رسید، با این مژده که: «ورقی چند از دیوان عماد، بیشتر و مفصل‌تر از دفترهای پیشین، طبع شده است و همین روزها به بازار خواهد آمد...» گرچه من پیش از دیگران مقدمات این خبر را داشتم ولی با آن آسان‌گیری و بی‌قیدی عماد جان می‌پنداشتم که همین دو سه روز لااقل تا روز قیامت باید منتظر بود، پس معلوم شد که ناشران همتی کرده‌اند، باری، عماد چگونه در نگه‌داری و انتشار شعرهایش سهل‌انگار است و این تنها میراث عزیز حیات و ره‌آورد ارجمندش از سفرهای شیدایی و شور و تامل، در اوراق و دفترهای بی‌شیرازه‌ای که دارد، دستخوش پراکندگی و پریشانی است، و بسیاری این گونه آسان‌گیران دیروز و امروز به علت همین بی‌قیدی چه برسر آثارشان آمده. خوشبختانه عماد هنوز جوان است و در حدی که اگر موجبی و همتی باشد می‌توان هر سال دست کم تا هفت هشت سال ـ انتشار دفتر و دیوانی را از او چشم‌داشت. از قریب سی‌هزار بیت شعر خوش او این کتابش به تخمین تازه نزدیک دو هزار و ششصد هفتصد بیت را دربردارد. اما نشر همین دیوان هم مغتنم است.

من و تو غافلیم و ماه و خورشید
بر این گردون گردان نیست غافل

شاید انتشار این «ورقی چند» او را به شوق آورد که ازین پس همچنین اوراقی چند دیگر نیز به دوستداران شعر خویش نثار کند. یادم است که گاهی با او در این زمینه گفت‌وگو می‌کردم و با لحن ملامت در امر خونسردی معهود او به تقریبی کنایه‌آمیز می گفتم که: اهل کلام باید آن سکوت مطلق محتوم را فراموش نکنند و البته نه روبا او ـ دور از جان عزیزش ـ بلکه در حدیث دیگران این بیت لطیف و بلند عرب را می‌خواندم که چه تعبیر زیبایی از آن حال دارد:

فیا هذا، سرتحل عنقریب / الی قوم کلامهم السکوت

و او می‌گفت: « اگر کنایه به من داری که این آرزوی من است، وعدی است نه وعیدی» پیداست که با این جواب مایوس، دیگر جای سخن نمی‌ماند. اما دربارهٔ مقدمهٔ کتاب، آن روزهایی که کار انتخاب شعرها به پایان رسیده بود، یادم است که عماد خوشتر داشت دیوان بی‌مقدمه منتشر شود،حالا این تغییر عقیده لابد از ناحیهٔ دیگری است. گویا برخی ناشران ما ـ و شاید به تبع ایشان بعضی خریداران کتب نیز ـ خوش ندارند کتابی را بی‌مقدمه ببینند.

ادامه در صفحه۷

مرد بی‌تأخیر

حسینقلی مستعان:

بعد راست ایستاد و چشمهای درشت، سیاه و نافذش را به شیر دوخت. قیافه و رفتار مستعان نشان می‌داد که با هیپنوتیزم آشنایی دارد. وقتی من که در کنار او ایستاده بودم به شیر نگاه کردم، دیدم شیر هم بدون حرکت چشم به چشم مستعان دوخته، از این رو معتقد شدم بزودی حیوان درنده تسلیم نگاه نافذ او خواهد شد. مستعان در همان حالت که به شیر خیره شده بود آرام آرام جلو رفت و فاصله‌اش را با شیر کم کرد. تماشاچی‌ها که متوجه مستعان شده بودند از ما دور شدند تا مزاحم کار او نشوند.



یکبار دیگر به شیر نگاه کردم. آرام و بی‌حرکت نشسته بود، آنچنان که گویی سست شد، و الان است که سرش را روی پاها گذاشته، به خواب برود.

بتدریج فاصله مستعان از میله‌های آهنی جایگاه شیران کم شد، تا آنکه به حدود نیم متر رسید.

اما او باز هم در حال پیشروی بود که ناگهان شیر گردشی به سر بزرگ خود داد و نعرهٔ بلندی کشید. از صدای او تمام وجود من به لرزه درآمد. من و مستعان بی‌اراده قدمی به عقب برداشتیم. اطرافیان ما وحشت زده شدند. شیر بعد از آن نعرهٔ خوفناک بار دیگر آرام شد و به همان حالت قبلی نشست و آرام چشمهایش را به مستعان دوخت. من رو به مستعان کردم. می‌خواستم پیشنهاد کنم از ادامه کار منصرف شود، ولی مستعان که بر خود مسلط شده بود گفت: ـ دیدی؟

گفتم: چه چیز را! گفت: واکنش شیر را؟ او در اثر نیرویی که از چشمهای من به سوی او جریان داشت بدون اراده این عکس‌العمل را نشان داد. این آخرین نیروی مقاومت او بود. حال دیگر تسلیم اراده من است.

با نعرهٔ شیر تمام کسانی که در این قسمت باغ وحش بودند متوجه ما شدند و همگی درجای خود ایستادند تا شاهد بقیه ماجرا باشند. مستعان بار دیگر حالت هیپنوتیزم کردن به خود گرفت. با چشمهای نافذش به شیر خیره شد.

ادامه در صفحه ٦

من؛ چارلی چاپلین-۱۱

تازیانه باچوب

پسرک کوشیده بود از راه پنجره طبقه اول خودش را به پشت بام برساند و از مدرسه فرار کند، و در مقابل نگهبانان مدرسه هم که دنبالش کرده بودند با پرتاب سنگ و بلوط هندی مقاومت کرده بود. این کار وقتی شده بود که ما کوچکترها خوابیده بودیم، و فردای آن روز صبح، بزرگترها داستان عجیبی درباره آن برای ما نقل کردند.

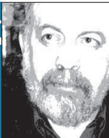
برای جرم‌هایی چنین سنگین، مجازات در روزهای جمعه در سالن بزرگ ژیمناستیک انجام می‌شد. آنجا سالن شومی بود به مساحت تقریباً بیست متر در دوازده متر که سقف بسیار بلندی داشت و در پای هر ضلع آن طناب‌هایی بود که تا تیرهای سقف کشیده شده بود. صبح‌های جمعه، دویست تا سیصد شاگرد هفت ساله تا چهارده ساله وارد آن سالن می‌شدند و در پای سه ضلع سالن مثل سربازان به صف می‌ایستادند. ضلع چهارم ته سالن بود که در آنجا در پشت میزی دراز، به بزرگی میز سفره‌خانه، مقصران می‌ایستادند و انتظار محاکمه و مجازات خود را می کشیدند. در طرف راست آن میز، سه‌پایه‌ای بود که از آن دستبندهای چرمی آویخته بود و در کنار آنها ترکه‌ها و چوب‌های تهدیدکننده‌ای دیده می‌شد.برای جرم‌هایی که زیاد سنگین نبود شاگرد را دمر روی آن میز دراز می‌کردند و یک گروهبان پاهای او را به هم می‌بست و نگه می‌داشت. در همان حال گروهبان دیگری پیراهن او را تا روی سرش بالا می‌زد و شلوارش را پایین می‌کشید.

آن وقت، سروان «هیندرام» یک افسر بازنشسته نیروی دریایی که کمتر از صد کیلو وزن نداشت دستی به پشت می‌زد و با دست دیگرش عصایی به کلفتی شست و به درازی یک متر و بیست سانتیمتر را تکان می‌داد، روی دو پای شاگرد خطاکار می‌نشست، ضمن اینکه درازی عصا را با پهنای لنبرهای پسرک مقایسه می‌نمود. سپس با حرکتی کند و نمایشی عصا را زیاد بالا می‌برد و سوت‌زنان بر سرین خطاکار می‌کوبید. منظره‌ای وحشتناک بود و همیشه شاگردی در صف تماشاچیان از ترس غش می‌کرد و می‌افتاد.



حداقل این ضربه‌ها سه و حداکثر شش بود. هرگاه مقصری بیش از سه ضربه می‌خورد جیغ‌های وحشت‌انگیز می‌کشید. گاه نیز سکوت نگران‌کننده‌ای به او دست می‌داد یا معلوم می‌شد که از هوش رفته است.

ادامه در صفحه ۶




ادب

شهرام انصاری

درنگی در کارنامه حسن حسینی

آبها و مردابها

دیگر هنرمندی حسینی در شعرهایش ابهام است. این ایهام گاه در کلمات نهفته است و در هیئت ایهام و تناسب بروز می‌کند و گاه در کل شعر احساس می‌شود، به گونه‌ای که به درستی روشن نیست شاعرِ کدام جهت از قضیه را در نظر دارد؛ مثلاً در اینجا که خود شاعر نیز باری در شب شعری در مشهد برمبهم بودن آن«اقدام» تاکید داشت: شاعری خانه نداشت/ در خیابان خوابید/ شهرداری سر ذوق آمد و /اقدامی کرد.

اما از ایهامها و تناسبهای زیبا میان کلمات، می‌توان به این موارد اشاره کرد که در اولی میان«شاعر» و «بیت» تناسب است و در دیگری، میان«عَرَض» و«جوهر» و«حرکت» در معنی فلسفی شان: شاعر تشنه/ زدریا می گفت/ اهل بیت سخنش را/ به اسارت بردند و /عَرَضی ذهن مرا ویران کرد/ حرکت جوهری خودکارم پایان یافت

دیگر هنرمندی شاعر در این مجموعه، تلمیح‌ها و تضمین‌های زیباست. به واقع تضمین آنجایی مقبول می‌افتد که شاعر عبارتی را از یک فضا بر می‌دارد و در فضایی دیگر خرج می‌کند. ما اگر مصراع «مرغ باغ ملکوتم، نیم از عالم خاک» منسوب به مولانا را در شعری عرفانی تضمین کنیم، درعمل از کیسه دیگران خرج کرده‌ایم و این کاری است از سرناتوانی. این تضمین وقتی ارجمنداست که در یک فضای دیگر صورت گیرد؛ مثلاً در یک شعر طنز، بدین ترتیب: زاهدی نوبنیاد/ راه و رسم عرفا پیشه گرفت/ لنگ مرغی برداشت/ و به آهنگ حزین آه کشید:/ «مرغ باغ ملکوتم، نیم از عالم خاک»

و این هم یک تلمیح زیبا به ضرب‌المثل معروف«هم خدا و هم خرما»: زاهدی نام خدا را به زبان جاری کرد/ بعد / خرما را خورد!

شاعر ما، چنان‌که باری خود اظهار می‌کرد، شیفتهٔ کشف تضادها در این جهان پرتضاد و تناقض بود. می‌توان با توجه به اینکه طنز بیان هنری تضادهاست، بین این علاقه‌مندی به تضاد و گرایش به طنز در حسن حسینی رابطه‌ای محکم یافت. به راستی طنزهای حسینی غالباً تضاد و تناقضی در خود دارند.

تاجری سر می‌رفت/ شاعری حل می‌شد/ ناقدی نیزه به دست/ در المپیک غم اول می‌شد

حسینی در ادامه این منظومه چند شخصیت نمادین را گردهم آورده است مثل«شاعر»، «تاجر»، «زاهد» و «عارف». اینها با تکرار در پاره‌های گوناگون، به نوعی هویت ثابت و تعریف شده می‌رسند. به واقع نوعی شخصیت‌سازی در منظومه احساس می‌شود که تازگی دارد؛ چنان‌که مثلاً«عارف»، که تاکنون هویتی مثبت داشته است، در اینجا به مدعیان عرفان اطلاق شده و نقشی منفی یافته است. این شخصیت‌سازی از سویی پیوند و ارتباطی میان قطعات مختلف ایجاد کرده است و از سویی دیگر زمینهٔ ایجازشان را فراهم آورده است؛ چون شاعر هر بار لازم نیست هویت این اشخاص را تشریح و توصیف کند. اما از لحاظ درونمایه یکی از نقاط قوت این منظومه این است که در آن به مسائل رایج و معمول جامعهٔ شاعران و در مواردی کل جامعه اشاره شده است. یعنی به راحتی می‌توان برای مفاهیم مطرح‌شده در این شعر مصداقهایی عینی یافت؛ مثلاً شاعرانی که با طی مدارج تحصیلی از ذوق شعری تهی شده‌اند یا شاعرانی که شایعه‌اند و با نقد تکذیب می‌شوند: شاعری شایعه بود/ نقد تکذیبش کرد

بیشتر قطعات این دفتر این جنبهٔ کاربردی را دارند و به همین دلیل به حضور خویش در ذهن مخاطبان ادامه می‌دهند.

ولی نباید انکار کرد که این منظومه یک محدودیت صنفی دارد و کسانی را بیشتر به کار می‌آید که با شعر و شاعری سروکار دارند. البته در مواردی شاعر پای از این دایره بیرون نهاده و به تضادها و ناهنجاریهای اجتماعی پرداخته است: تاجری/ مجلس تفسیر گذاشت/ ابتدا/ فاتحه بر قرآن خواند!

ولی اینها بسیار نیست و هم شاید بدین سبب در بخشهای دوم و سوم منظومهٔ نوشداروی طرح ژنریک نوعی یکنواختی ملال‌آور حس می‌شود که ناشی از محدودیت فضاست. می‌پذیرم که در بخشهای مستقل «طرحهای بی‌خانمان» و «طرحهای زاویه‌نشین» ـ که در انتهای کتاب آمده‌اند ـ فضا دگرگون شده است، ولی اینها دیگر از هیچ نظر به قوت منظومهٔ اصلی نیست. اگر منظومهٔ اصلی نوشدارو بود، اینها مثلاً عرق بهارنارنج است.

هشت: از شرابه‌های روسری مادرم. این کتاب را می‌توان از جهاتی یک گنجشک و جبرئیل دیگر دانست. اگر آنجا محوریت موضوع با کربلا بود، اینجا با مادر است؛ یا وسیع‌تر بگوییم، زن. اینجا نیز یک دسته شعر نو نسبتاً مرتبط با هم را پیش روی داریم با سَبک و طرزی واحد. از این نظر باز با یک اثر شاخص روبه‌روییم؛ اثری که نمی‌توان گفت دیگر شاعران هم نظیر آن را دارند و ما با داشتن کتابهای مشابه، از این بی‌نیازیم.

این قابل توجه است که چند اثر حسن حسینی شاخص و متمایز بوده است، با طرحی مستقل. این طرح نه در تک تک شعرها، که در کل یک کتاب نمود دارد و این خالی از ارزش نیست.

غزلهای حسن حسینی غالباً بدون تاریخ‌اند، ولی به هرحال تجربه‌های پس از همصدا با حلق اسماعیل‌اند و مؤید همان داوری‌ای که پیش از این میان آثار او در قالبهای کلاسیک و نو کردیم، در فقرهٔ «دو» از نقد حاضر. در این غزلها نوعی بازگشت ادبی کم‌رنگ حس می‌شود. شاعر غالباً حرفهای کلی می‌زند، با عناصر کهن.

عاشقی در هوس نمی گنجد
آسمان در قفس نمی گنجد
عشق، یعنی عقاب خاطر ما،
زیر بال مگس نمی گنجد
باده خواریم و رند و شیوهٔ ما
در خیال عسس نمی گنجد

با این همه نباید تک و توک بیتهای زیبا در همان غزلها را نادیده گرفت؛ بیتهایی که خردک‌شرری از خلاقیتهای همیشگی حسن حسینی را دارد:

یک به یک با مژه‌هایت دل من مشغول است
میله‌های قفسم را نشمارم، چه کنم؟

و:

در قفسم آینه‌ای نصب کن
تا پر و بالم دو برابر شود

ولی «آبها و مردابها» کاری است نسبتاً متفاوت و نشانگر خط‌شکنی‌های همیشهٔ شاعر ما. مثنوی از پختگی و قوت زبان، در حدی که از شاعری حرفه‌ای مثل حسینی انتظار می‌رود، برخوردار نیست، ولی از نظر بهره‌مندی از چشم‌دیدهای عینی و تجربه‌های ملموس زندگی ارزشمند است و به گمان من با همه ضعف نسبی در زبان، بر غزلهایی از نوع غزل بالا ارجحیت دارد؛ چون حداقل آن مایه از تمایز نسبت به شعرهای معمولِ روزگار را دارد که آدمی را به خواندن تشویق و ترغیب کند.

از نگاه استاد محقق/ با یاد یدالله سحابی

از این روی او و دو تن از دوستان باوفا و صمیمی‌اش یعنی مرحوم آیت‌الله سیدمحمود طالقانی و مرحوم مهندس مهدی بازرگان زبان به اعتراض به وضع موجود می گشایند و در این راه از مقام و پایگاه ظاهری خود چشم‌پوشی می کنند.

سحابی با این آرزوهای زرّین و نگرانی خاطر که برای تربیت نسل جوان داشت و زندگی پرماجرا و متلاطمی که در بهترین ایّام از عمر خود متحمل شد از کوشش‌های علمی و زمینهٔ رشتهٔ تحصیلی و تدریسی خود باز نیایستاد و در این بعد از زندگی خود خدمات شایانی در ادارهٔ کل معادن و ادارهٔ آبیاری سازمان برنامه و سایر نهادهای کشوری انجام داد و در حقیقت او توانست با یک هماهنگی، ابعاد و جوانب علم و دین و سیاست را در وجود خود یکتا سازد و از هر سه جنبهٔ خود برای تحقّق جامعهٔ آرمانی یا مدینهٔ فاضله و عادله و تربیت نسلی که متناسب با آن مدینه باشد استفاده کند. در سال های ریاستم بر انجمن آثارو مفاخر فرهنگی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی لازم دانست که برای تجلیل از مقام شامخ علمی و فرهنگی این استاد گرانمایه در میان نهمین دهه از زندگی پربار و برکت او مجلسی برگزار نماید که در آن فضایل اخلاقی و سجایای انسانی و خدمات فرهنگی و علمی او مورد بازگویی و بررسی قرار گیرد.

زندگی

آرش تبریزی

نمی گذارم بمیری

من زود پول را شمردم. ۲۷۰ تومان بود. رو کردم به مادرم و گفتم: ۲۷۰ تومان است! مادرم از اینکه پولمان کمتر از آن مقداری بود که دکتر می‌خواست، غرق در شرم شد و واقعاً عرق کرد. ما نمی‌دانستیم در آن لحظه باید چه کار کنیم و دکتر سیخ ایستاده بود و از جایش تکان نمی‌خورد. انگار باید زمین را می‌کندیم و پول درمی‌آوردیم. مادرم وقتی دید دکتر به چیزی کمتر از ۵۰۰ تومان قانع نیست، ساعت خودشِ را از مچ باز کرد تا به عنوان گرو در اختیار دکتر بگذارد. دکتر وقتی دید که واقعاً پولی به همراه نداریم، ۲۷۰ تومان را گرفت و در حالی که غر می‌زد که: پول ندارید چرا می آیید دکتر، ما را به طرف در هدایت کرد که اخراج مؤدبانه بود. وقتی از در خارج شدیم، در را پشت سر ما کوبید و رفت. مادرم که هرگز فکر نمی‌کرد بعد از سالها ارادت غیابی به دکتری که او را مایه نجات تنها پسرش می‌دانست با چنین صحنه عجیب و غریبی روبرو شود، توان ایستادن را از دست داد، بی‌اختیار به دیوار تکیه داد و بر زمین نشست. من با چشمان خودم دیدم که اشک از چشم‌های مادرم جاری شد و چند دقیقه آرام و بی‌صدا گریه کرد. این گریه، گریه بر امید بود و پایان امید. این گریه همه چیز را شست و با خود برد، حتی گردهای سفیدی را که چند دقیقه پیش گرفته بودیم، چون وقتی دست مادرم را گرفتم و برخاستیم تا برویم، آن گرد را با پلاستیکش در برابر منزل دکتر گذاشتیم و به راه افتادیم، تا سرنوشت و دست تقدیر، چه تدبیری در ماجرای این تراژدی غمبار و جانکاه می‌کند.

مگر نرفتید پیش دکتر ابوالقاسم برادران؟ سکوت و تنها قطره اشکی که ناخواسته از چشمم غلتید، چشم‌هایی را که به لب من دوخته شده بود، بهت‌زده کرد. این سکوت و...

ما امید را در خانه‌ای از خانه‌های اعیانی تبریز جا گذاشتیم و به خانه سوت و کورمان در گوشه‌ای دیگر از شهر برگشتیم. وقتی به خانه رسیدیم، غروب شده بود و هوا تاریک بود. اتفاقاً برق‌ها رفته بود و همه جا تاریک بود. کمی دیگر مانده بود تا با محو شدن قرص خورشید، ظلمت شب همه جا را فرا بگیرد. همه منتظر من و مادرم بودند. با آنچه از هنر و معجزه دکتر برادران شنیده بودند، باورشان این بود که مادرم زنده برخواهد گشت، صحیح و سالم. مادرم با بدترین حال ممکن، خودش را به بسترش رساند، آرام دراز کشید و لحاف را بر سر کشید. خواهرانم و دو نفر از خاله‌هایم دور مرا گرفتند. پروین پرسید: چی شد؟ نمی‌دانستم چه جوابی باید بدهم. خاله کوچکترم خدیجه گفت: چرا لال شدی؟ مگر نرفتید پیش دکتر ابوالقاسم برادران؟ سکوت و تنها قطره اشکی که ناخواسته از چشمم غلطید، چشم‌هایی را که به لب من دوخته شده بود، بهت‌زده کرد. این سکوت و این قطره اشک کافی بود تا روح شوم ناامیدی از من و مادرم به آنها و دیگران نیز سرایت کند و همه کار را تمام شده تلقی کنند! پروین این تلقی را تاب نیاورد. دایره ناامیدی ما را شکست، رفت به طرف مادرم که پتو به سر کشیده و به خوبی آرام رفته بود. دست‌های پرحرارت خودش را روی صورت مادرم کشید و آن را در پیشانی مادر ثابت نگاه داشت. همه به پروین نگاه می‌کردند و پروین به مادرم. پروین به چه فکر می‌کرد؟ تصور من این بود که با آنچه پیش آمده بود و در شرایط تیره و تاری که در آن بودیم، پروین نیز باید بپذیرد که راهی جز گریه سر دادن وجود ندارد. در گذر سرد و سنگین لحظه‌ها، هر لحظه منتظر بودم تا بغض پروین بترکد و گریه جانسوزش، مهر پایانی این فاجعه دردناک باشد.

صدای گریه و شیون خواهران و خاله‌هایم پیش درآمد این حادثه بود و تسلیم دردناک و ناخواسته در برابر اتفاقی که نباید می‌افتاد. اتفاقی که برای جلوگیری از آن تمام تلاشمان را به کار بردیم و هرچه می‌توانستیم کردیم. دری نماند که نزدیم. جایی نماند که نرفتیم. نذر و نیازی نماند که نکردیم اما همه چیز بی‌فایده بود. در شرایطی که همه قافیه را باخته بودند، اقتضای همه چیز این بود که دختر بزرگ خانواده، کسی که مادرم را بیش از همه دوست داشتم مادرم نیز او را بیشتر از همه دوست داشت و مورد محبت قرار می‌داد، با پذیرش نشستن فرشته مرگ بر بام این خانه، با گریه و افغان خویش در برابر ناگزیری مرگ و سرودی که فرشته به عنوان ارمغان برایمان تحفه آورده بود، پایان درد و رنج مادرم و آغاز بیچارگی و بدبختی ما را اعلام کند. همه منتظر بودند تا پروین گریه سر دهد. این گریه در حکم تن دادن به قضا بودو تسلیم و شاعری که پروین او را خیلی دوست داشت، گفته بود:

اندر آنجا که قضا حمله کند/ چاره تسلیم و ادب تکمین است.

شاید مادرم نیز در واپسین نفس‌هایی که می‌کشید و حالا در سینه‌اش محبوس بود، همین تسلیم و ادب را از دخترش می‌خواست. آیا پروین نیز به همین موضوع می‌اندیشید؟ آیا دختر رنجور خانواده که از ماهها قبل تمام آرامش و تعادل خودش را گذاشته بود تا مادر را به آغوش خانه و زندگی برگرداند، داشت خودش را به تسلیم و ادب آماده می‌کرد؟ آیا پروین در نظاره عمیق خود به چهره افسرده مادر راه دیگری جز زنگ پایان را به صدا درآوردن، می‌شناخت؟ وقتی پروین دست‌هایش را از پیشانی مادر برداشت و آن را نرم و جدی روی گونه‌های زرد و پریشان او گذاشت و گفت: نه، تو نباید بمیری، من نمی گذارم تو بمیری، معلوم شد که پروین به پایان فکر نمی‌کرد و حاضر به تسلیم نبود.

ادامه دارد

پرده‌داران

احمد بهارلو

علی نصیریان

مردان سینمای ایران/۱۲۱

استاد علی نصیریان فارغ‌التحصیل هنرستان هنرپیشگی تهران در سال تحصیلی ۳۵ـ ۱۳۳۴ است، و سال‌ها کارمند ادارهٔ تئاترِ «وزارت فرهنگ و هنر» بود. نصیریان شاگرد حسین خیرخواه، دکتر مهدی نامدار، مطیع‌الدوله حجازی، اسماعیل مهرتاش، معزدیوان فکری، حبیب یغمایی و شاهین سرکیسیان بود. او فعالیتش را در تئاتر از ۱۳۳۱ در «جامعهٔ باربد» آغاز کرد و در نمایش‌های بلبل سرگشته، امیرارسلان، بنگاه تئاترال، بازرس، آگهی ازدواج، پهلوان کچل، هالو، چوب به دست‌های ورزیل، طلسم حریر و مرد ماهی گیر، استعمال دخانیات ممنوع، مردی که مُرده بود و خود نمی‌دانست، عروسی باقرخان، بازی سیاه، آی بی کلاه آی باکلاه، بهترین بابای دنیا، بیگانه‌ای در خانه، آنتیگون و هفت شب با مهمانی ناخوانده به ایفای نقش پرداخت. در سال ۱۳۳۵ جایزهٔ نخستین مسابقهٔ نمایش‌نامه نویسی را برای نمایش بلبل سرگشته دریافت کرد، و در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴٤ هم‌زمان با فعالیت «تلویزیون ایران» در کانال سوم، در تعداد کثیری نمایش زنده، که توسط گروه تئاتر ادارهٔ هنرهای دراماتیک اجرا می‌شد، بازی کرد و همراه دوستانش موجب شدند که نمایش به خانه‌های مردم راه یابد.

علی نصیریان به همراه عزت‌الله انتظامی، جمشید مشایخی، محمدعلی کشاورز و جعفر والی کارمند ادارهٔ تئاتر بودند و تا سال‌های متمادی اجازه نداشتند در فیلم‌های سینمایی جلو دوربین بروند. حضور آن‌ها در جلو دوربین محدود به ایفای نقش‌های کوتاهی بود که در فیلم‌های تولیدشده در «وزارت فرهنگ و هنر» بازی می‌کردند.

گاو (داریوش مهرجویی، ۱۳٤۸) نخستین فیلمی است که علی نصیریان و دوستانش (عزت‌الله انتظامی و جعفر والی) در آن به ایفای نقش پرداختند. آبرو و اعتبار اکثر آن‌ها دلیلی بود تا در مقابل موج ابتذال «فیلمفارسی» مقاومت کنند و حضور فعالی در سینمای تجاری نداشته باشند.

نصیریانِ فیلم بعدی‌اش را در سال ۱۳٤۹ مجدداً برای داریوش مهرجویی بازی کرد. او همچنین با مهرجویی در نوشتن فیلم‌نامهٔ آقای هالو مشارکت کرد. سومین حضور نصیریان جلو دوربین باز برای مهرجویی بود: سال ۱۳۵۱ در فیلم پستچی. نصیریان در گاو به نقش «مش اسلام» حضوری تحت‌شعاع انتظامی (به نقش «مش حسن») داشت؛ اما در دو فیلم بعدی‌اش در نقش اول ظاهر شد و انتظامی نقش دوم را به عهده گرفت.

نقش‌هایی که علی نصیریان در سینما بازی کرده به نسبت نقش‌هایی که در تلویزیون به او محول شده از پیچیدگی کم‌تری برخوردار بوده‌اند.

او در فیلم‌های آفتاب‌نشین‌ها (مهدی صباغ‌زاده، ۱۳٦۲)، فصل خون (حبیب کاوش، ۱۳۵۹)، جاده‌های سرد (مسعود جعفری‌جوزانی، ۱۳٦٤)، ترنج (محمدرضا اعلامی، ۱۳٦۵) بیش و کم نقش‌های یکسان مرد ساده‌دلِ روستایی را بازی کرد؛ اَما در مجموعه‌های تلویزیونی هزاردستان (علی حاتمی، ٦۵ ـ۱۳۵۸) و سربداران (محمدعلی نجفی، ۱۳٦۲) به نقش‌های فتح‌الله و قاضی شارع شخصیت‌هایی را به نمایش گذاشت که از پیچیدگی بیشتری برخوردار بودند. خود او گفته است آن شخصیت‌هایی که پیچیده‌تر هستند و برای ایفای درست‌تر آن‌ها نیاز به تمرکز و جست‌وجوی بیش‌تری هست مدت طولانی‌تری در ذهن خود آن‌ها را حفظ می‌کند. فتح‌الله و قاضی شارع شخصیت‌هایی بودند که نصیریان با «فاصلهٔ» بازیگر از نقش به ایفای آن‌ها پرداخت. «آقای هالو» یکی از شخصیت‌هایی است که خود او به آن علاقه دارد. تعبیر نصیریان دربارهٔ «آقای هالو نه به معنی آدم احمق، بلکه به معنای آدم راست و رک و صاف و ساده است که ریا ندارد و دروغ نمی گوید».

نصیریان در بحثِ نظریِ دربارهٔ بازیگری معتقد است: تخیل یکی از بزرگ‌ترین میدان‌های عمل برای هنرمند است، و بازیگر به‌طور قطع باید تخیل بسیار قوی و حساسی داشته باشد تا بتواند با مطالعه و مرور شخصیت‌هایی که برای بازی به او پیشنهاد می‌شود زبان و گویش و عملکرد و روان‌شناسیِ رفتار آن‌ها را در ذهن مجسم و برای اجرا مهیا کند.

به‌جز فیلم‌هایی که به آن‌ها اشاره شد خواب‌نامهٔ رحمان سرایدار (خسرو هریتاش، ۱۳۵٤)، مهر گیاه (فریدون گُله، ۱۳۵٤) و ناخدا خورشید (ناصر تقوایی، ۱۳٦۵) فیلم‌های مهم و شاخص‌تری در کارنامهٔ بازیگری نصیریان در سینما هستند.

علی نصیریان در سال‌های دههٔ ۱۳۷۰، با هجوم بازیگرانِ جوان‌تر به عرصهٔ سینما، حضور فعال‌تری در مجموعه‌های تلویزیونی پیدا کرد؛ مجموعه‌هایی مثل گرگ‌ها (داود میرباقری، ۱۳٦٦)، ماشاالله‌خان‌صندوقچهٔ اسرار (داریوش مؤدبیان، ۱۳۷۲) بهشت گمشده (کامران قدکچیان، ۱۳۷٦)، زیرگنبد کبود (بهمن زرین‌پور، ۱۳۷٦) و هم‌شاگردی‌ها (احمد نجیب‌زاده و مسعود شاه‌محمدی، ۱۳۷۷). استدلال خود او این است که «بازیگر بدون تماشاگر معنا ندارد و بازیگر باید با مردم و تماشاگر ارتباط داشته باشد، و طبعاً بهترین نوع ارتباط از طریق تلویزیون است. اگر یک نمایش خوب یک سال هم روی صحنه اجرا شود اثر آن به اندازهٔ یک بار پخش‌شدن از یکی از شبکه‌های تلویزیون است. پس دلیل بارزِ روی آوردن اکثر بازیگرانِ تئاتر به تلویزیون و سینما اقناع‌شدن از طریق تصویر و ارتباط داشتن بیش‌تر با مخاطب است».

علی نصیریان در سال ۱۳۸۰ در برنامه‌ای از سوی «شبکه چهار سیما» جزو «چهره‌های ماندگار» در رشتهٔ بازیگریِ تئاتر و سینما برگزیده شد.

در راه هندوستان

مهاتما گاندی به روایت گاندی/۲۴

اضطراب مذهبی


گاندی

دریافتم چگونه در مسائل دادگستری باید از جنبه بهتر و خوشبینی طبیعت بشری برای حل و فصل قضایا استفاده و کاری کرد که به قلب طرفین راه یافت. دریافتم وظیفه اول هر وکیل عدلیه متحد ساختن طرفین و از بین بردن آثار سوءظن و بغض است.

این حقیقت چنان در خودم موثر افتاد که در طول بیست سال وکالت دادگستری همیشه سعی می‌کردم طرفین دعوا را با هم دوست کنم و آنها را وادار سازم با دوستی و مبحت مشکلشان را از میان بردارند. در جریان کار ضرری نکردم. نه ماداً خسارتی بردم و نه آن که روح و وجدانم دچار ناراحتی گشت.

*

اکنون فرصت آن رسیده بود که دوباره نزد دوستان مسیحی بازگردم و به تجربه‌های خود درباره معتقدات مذهبی آن‌ها بپردازم. آقای باکر نسبت به آینده‌ام نگران شده بود. مرا به کنوانسیون ولینگتون برد. رسم پروتستان‌ها بر این است که هرچند سال یک بار دور هم جمع می‌شوند. به مذاکره و بحث، یا بهتر بگویم، به تهذیب نفس می‌پردازند. می‌شود این اقدام را احیاء مذهبی نامید. کنوانسیون ولینگتون یکی از همین اقدامات بود. ریاست آن را عالی‌جناب آندروموری آن شخص معروف روحانی برعهده داشت. آقای باکر امیدوار بود که محیط مجلس مذهبی و علاقه و اشتیاق شرکت‌کنندگان تحت تاثیرم قرار می‌دهد و سبب می‌شود به مسیحیت درآیم.

ولی آخرین امید او اثر دعا بود. ایمان ثابت و پابرجائی به دعا داشت و عقیده‌اش این بود که خداوند به دعائی که از صمیم قلب و نیت پاک ادا می‌شود چاره‌ای جز استماع ندارد و مسلماً آرزوی خواهان را برمی‌آورد. گاه در این مورد امثله می‌آورد و یک بار جرج مولر اهل بریستول را مثال زد و گفت او چنان معتقد به دعا بود که حتی برای احتیاجات دنیوی و جسمانی خود نیز متوسل به آن می‌شد.

از مدت‌ها قبل به خود می‌آموختم که توجهی به زندگی ظاهر نداشته و در جستجوی ندای باطنی باشم. البته از این اقدام بسیار شاد بودم

با توجه، اما بدون تعصب، به اظهاراتش درباره تأثیر دعا گوش فرا می‌دادم و او را مطمئن می‌ساختم وقتی که دریابم مسیحیت ندایم می‌دهد، هیچ عامل و سببی نخواهد توانست مرا از قبول آن باز دارد. در دادن چنین اطمینان به وی کوچکترین شک و تردید به خود راه ندادم زیرا از مدت‌ها قبل به خود می‌آموختم که توجهی به زندگی ظاهر نداشته و در جستجوی ندای باطنی باشم. البته از این اقدام بسیار شاد بودم. زیرا هرگاه قدمی جز این برمی‌داشتم برایم ایجاد اشکال و رنج می‌کرد.

بالاخره به ولینگتون رفتیم. آقای باکر از داشتن «مرد سیاه»ی چون من به عنوان مصاحب صدمه می‌دید. در بسیاری موارد صرفاً به خاطر من ناراحتی می‌کشید. یک روز ناچار شدیم از مسافرت منصرف شویم. زیرا یکشنبه بود و آقای باکر و دار و دسته‌اش در چنین روزی سفر نمی‌کردند. مدیر هتلی که به آن رفتیم پس از ساعت‌ها مذاکره قانع شد مرا به میهمانخانه راه دهد. ولی به هیچ‌وجه حاضر نشد که به سالن غذاخوری راه یابم. آقای باکر اخلاقاً آدمی نبود که زود تسلیم شود و از میدان در رود. از حقوق مسافرین هتل طرفداری می‌کرد. ولی من هم می‌فهمیدم مشکلاتش چیست. در ولینگتون نزد او ماندم و با این که سعی می‌کرد ناراحتی‌های حاصله از مسافرت و توقف با من را از خودم پنهان سازد، اما خوب به کوچکترین نکته پی می‌بردم.

این کنوانسیون در حقیقت محفلی بود از مسیحیان عابد و متعصب. از مشاهده و استنباط ایمان آن‌ها به راستی لذت بردم. با عالی‌جناب موری ملاقات کردم و دیدم خیلی‌ها برای من دعا می‌کنند. بعضی از سرودهائی را که می‌خواندند دوست داشتم. آوازهای شیرینی بود.

جلسات در ولینگتون سه روز به طول انجامید. در این مدت به نحو احسن به درجه زهد و تقوای عده‌ای که در آن شرکت داشتند پی بردم. ولی هیچ دلیلی نمی‌دیدم تا به استناد آن معتقدات ـ یعنی دین ـ خود را تغییر دهم. اعتقاد به این که با گرویدن به دین مسیح نجات پیدا کرده و به بهشت راه خواهم یافت برای من غیرممکن بود. وقتی که این حقیقت را برای بعضی از دوستان خوب مسیحی خود تشریح کردم یکه خوردند. خوب، چاره جز این نبود. انسانی باید همیشه عین حقیقت را بیان دارد.

مشکلات من عمیق‌تر از این‌ها و بیش از آن بود که بتوانم معتقد شوم عیسی یگانه فرزند خداست که به صورت انسان مدتی به زمین آمده: دیگر آن که فقط مؤمنین به او و پیروانش حیات جاودان خواهند داشت. اگر خدا فرزندی داشته باشد ما همه فرزندان او هستیم.

دیویدلندز

فکر

اشاره: «مسلمین و اقتصاد» حاصل تحقیقات یک استاد غربی است که چاپ آن به معنای تایید یا همسویی با آن نیست.

مسلمین و اقتصاد، به روایت یک محقق غربی

نبوغ کافی نیست

پس از این ماجراها، سرانجام انقلاب فرا رسید، و ناپلئون. باز هم اتلاف وقت و درجا زدن. تنها در سال‌های ۱۸۲۰ بود که فرانسویان توانستند به یاری یک مهاجر انگلیسی، جیمز جکسون، چشم باز کنند و با به دورانداختن تعصب‌های بی‌جا، ساختن فولاد بوته‌ای را آغاز کنند.

آلمانی‌ها همین کار را تقریباً ده سال زودتر و تقریباً بدون کمک خارجی انجام دادند. یوهان کنراد فیشر، ناظر و بازدیدکنندهٔ خستگی‌ناپذیر کارخانه‌های خارجی ـ که نگاه‌ها و حسّ بویایی‌اش همه هجار را می‌پایید ـ تقریباً در ۱۸۰۵ ساخت فولاد بوته‌ای را فرا گرفته بود. برای یادگرفتن آشپزی صنعتی چیزی بیش از نسخه‌ها، نقشه‌ها و حتی حضور ذهن، لازم است.

نبوغ کافی نیست

در سال‌های میانی قرن نوزدهم کنین آلکالوئیدی [گنگنه] برای فرمانروایی بریتانیا در هند اهمیتی حیاتی داشت، چون مالاریا در آنجا بیداد می‌کرد و گروه گروه مردم عادی و نظامیان را می‌کشت. کنین بیماری مالاریا را درمان نمی‌کرد. ولی مسکن خوبی بود. در آن زمان، کنین را از پوستهٔ درخت گنگنه می‌گرفتند که از گیاهان بومی پرو (امریکالاتین) بود. دولت انگلستان تلاش زیادی به خرج می‌داد تا دانه‌های این گیاه را از پرو به دست بیاورد و آنها را به صورت نشا درآورد، و سپس، این نشاها را به مقادیر زیاد در هند بکارد. ولی نتیجهٔ این فعالیت‌ها منفی بود. و، هند همچنان وابسته به واردات گران قیمت کنین از جاوه باقی ماند، خاصه آنکه هلندی‌ها توانسته بودند درخت گنگنه را به طرزی موفقت‌آمیز در آنجا تکثیر کنند. با این حال، انگلیسی‌ها ترجیح می‌دادند که از تولیدات خودشان استفاده کنند.

ویلیام هنری پرکین، متولد ۱۸۳۸ در لندن، پسر یک پیمانکار ساختمان بود و هیچ رابطه‌ای با هند نداشت. پدرش آرزو داشت که پسرش مهندس ساختمان بشود (ترقی اجتماعی)، ولی پسر او از نوجوانی میل داشت به کارهای شیمیایی بپردازد. در سال ۱۸۵۳، این پسر که پانزده سال بیشتر نداشت وارد «کالج سلطنتی شیمی» شد که تازه تاسیس شده بود و مدیریت آن را یک دانشور آلمانی برعهده داشت. این شخص، آگوست ویلهلم هافمن، از شاگرد جوان خود خوشش می‌آمد و او را به عنوان دستیار انتخاب کرده بود. هافمن دستیار جوان خود را به کار مهمی گماشت: یافتن راهی برای تولید آزمایشگاهی کنین. و، پرکین این «مسئله» را با خود به آزمایشگاه کوچکی برد که درخانهٔ خانوادگی‌اش ترتیب داده بود. پرکین راهی برای ساختن کنین پیدا نکرد، ولی بهمی نفهمی به رسوبات نفتا (حاصل از تقطیر قطران زغال‌سنگ) دست یافت ـ آنیلین سیاه ـ و، بعد، آنیلین آبی، یا ارغوانی، را از آن استخراج کرد. (شیمی همواره علم چیزهای ناخواسته بوده است!)

پرکین آنقدر هوشیار بود که به ارزش کشف خود پی‌ببرد. مایع آبی رنگی که به دست آورده بود برای رنگرزی اهمیتی اساسی داشت و پرکین پس از به ثبت رساندن کشف خود، در حالی که هنوز نوزده سال بیشتر نداشت، با کمک‌های مالی پدر و برادر خود به ایجاد کارخانه‌ای برای تولید آنیلین مبادرت ورزید. این در واقع پایان تحصیلات او در کالج سلطنتی بود. از این نخستین خوش‌شانسی تصادفی تا زرنگی‌های هدف‌دار دیگر که او را به صورت یک میلیونر درآورده راه درازی در پیش نبود. امّا پس از مدتی دوباره فیل او یاد هندوستان کرد و به عشق آغازین خود ـ شیمی نظری و کاربردی ـ بازگشت. گذشته از این، صنایع شیمیایی آلمان با جهش‌های بزرگ خود انگلستان را به کلی پشت سر گذاشته بود.

این نخستین رنگ مصنوعی خیر مایهٔ رؤیاهای بیکران بود ـ و سرآغاز صنایع بسیار مهم رنگ‌سازی از زغال‌سنگ. پس از کشف پرکین، شیمی‌دان‌های انگلستان و فرانسه و آلمان و سویس به این کار پرداختند و رنگین کمانی از رنگ‌های مصنوعی گوناگون پدید آمد ـ فوکسین، ماژنتا (برگرفته از نام نبرد خونباری که در محلی به نام ماژنتا رخ داده بود)، طیفی از رنگ‌های ارغوانی، سرخ، صورتی، نارنجی، زرد و نوعی رنگ سبز هیجان‌انگیز که در پرتو نور چراغ گاز آبی رنگ نمی‌شد. این رنگ‌های درخشان به نوبهٔ خود تقاضای پارچه‌های رنگارنگ را افزایش داد و زنان کشورهای اروپایی ثروتمند را



از اسارت پارچه‌های سیاه سنتی آزاد ساخت. (جالب است که امروزه بسیاری از همین زنان بسیار ثروتمند، حتی برای مراسم ازدواج خود، به رنگ سیاه بازگشته‌اند.) با این وصف، اهمیت اساسی پیشرفت شیمی معدنی در تحولات مهم دیگری بود که به سرعت آغاز شد. به واقع، تکنیک‌های جدی به تدریج در شاخه‌های دیگر علم شیمی نیز رواج یافت و سیل محصولات شیمیایی جدید به بازار سرازیر شد: ماده‌های روشنی‌بخش، مواد دارویی (آسپرین، سالوارسان، انواع باربیتورات‌ها، نووکایین و بسیاری دیگر)، مواد مخصوص عکاسی، کودهای مصنوعی و، در آخر خط، پلاستیک‌ها ـ و ناگفته نماند، که همهٔ این‌ها کم‌وبیش حاصل کشفیات تصادفی و غیر ارادی بودند.

از برکت شخصیتی چون پرکین، انگلستان راهگشای این صنعت جدید بود، خاصه آن که برای این کار همهٔ چیزهای لازم را در اختیار داشت. و، پیش از هر چیز دیگر، صنایع شیمیایی سنگین که به طور سنتی انواع اسیدها، مواد قلیایی، و نمک‌ها را تولید می‌کرد. علاوه بر این، تمام اجزای لازم برای ساخت فرآورده‌های مشتق از کربن را هم در اختیار داشت: هیچ کشوری به اندازهٔ انگلستان قطران زغال‌سنگ تولید نمی‌کرد، و این ماده

اهمیت خزانهٔ استعدادهای همراه با نوعی فرهنگ معطوف به تحقیق و توسعه را می‌توان در تاریخچهٔ نیل مصنوعی مشاهده کرد

اولیهٔ مهم در هیچ کجا به ارزانی انگلستان نبود. و، سرانجام، انگلستان بزرگ‌ترین بازار رنگ‌های مخصوص پارچه را هم در حوزه اقتدار خود داشت. با این حال، در کمتر از یک نسل، این صنعت از مرزهای انگلستان گذشت. با قدرت کم‌نظیری در آلمان، فرانسه و تا حدّی سویس مستقر شد. در ۱۸۸۱، آلمان تقریباً نیمی از مواد رنگی مصنوعی دنیا را تولید می‌کرد، و در ۱۹۰۰ بین ۸۰ تا ۹۰ درصد. تولیدکنندگان عمدهٔ آلمان منافعی بیش از ۲۰ درصد در سال به صاحبان سهام تقدیم می‌کردندو در عین حال مبالغ کلانی هم به سرمایه‌گذاری و تحقیقات و تجهیزات جدید تخصیص می‌دادند. این یکی از بزرگ‌ترین و سریع‌ترین تحولات صنعتی در تاریخ بود.

چرا؟ این نقض آشکار قانون «مزیت‌های نسبی» چه دلیلی داشت؟ علت آن بود که به استثنای پرکین و اندک‌شماری آدم‌های مانند او انگلستان دارای شیمی‌دان‌های آموزش‌دیده‌ای نبود که بتوانند به اختراع و نوآوری بپردازند. یا، دست کم، به اندازه‌ای که در کشورهایی مانند آلمان و فرانسه تربیت می‌کردند، شیمی‌دان تحصیل کرده نداشت. بنابراین، هنگامی که چهرهایی مانند (ا.دبلیو فافمن، هنریش کارو، و همکاران آلمانی‌شان انگلستان را به قصد کار پر درآمدتر در آلمان ترک کردند، صنایع شیمیایی انگلستان رو به انحطاط گذاشت. در آلمان، برعکس، کمپانی‌های بزرگ و نیرومندی پدید آمدند و به سرعت شکوفا شدند: هوخست، بازف، بایر، آگفا، و غیره که همگی بر محور شیمی‌دان‌ها و مهندسان بلندپرواز، و با تکیه بر تجهیزات آزمایشگاهی پیشرفته و ارتباط های دانشگاهی سودمند شکل گرفتند.

اهمیت خزانهٔ استعدادهای همراه با نوعی فرهنگ معطوف به تحقیق و توسعه را می‌توان در تاریخچهٔ نیل مصنوعی مشاهده کرد. رنگ نیلی به طور منطقی بهترین نامزد برای تولید مصنوعی بود: یک رنگ بسیار پرمصرف و مشتق از کربن که به طور معمولی آن را با هزینهٔ سنگین از بعضی گیاه‌های مناطق دوردست و ناآشنا (که نیل نامیده می‌شدند) استخراج می‌کردند. در ۱۸۸۰، پروفسور بایر این رنگ را به طور مصنوعی ساخت و آن را به بازف و خوخست فروخت. این دو کمپانی که به یکدیگر احتیاج داشتند، منابع خود را روی هم گذاشتند و شروع به فعالیت کردند. هفده سال بعد، ۱۵۲ کشف و اختراع، و، اندکی بعد، چند میلیون مارک پول نقد را به ثبت رساندند، ولی هنوز هم به تکنیک‌هایی دست نیافته بودند که از لحاظ بازرگانی قابل اتکا باشند. در یکی از بن‌بست‌ها، به ترکیب جدید دست یافتند (که باز هم بانی آن شخص بایر بود)، ولی این ترکیب جدید آنقدر به تولوئن احتیاج داشت که صنعت قطران زغال‌سنگ، بدون سرازیرکردن سیل پردامنه‌ای از محصولات فرعی مانند بنزن و نفتالین به بازار، قادر به تولید آن نبود. ضایعات زیان‌مند همواره یکی از مصیبت‌های صنایع شیمیایی و ساکنان اطراف آنها بوده است. در عین حال، همین فراورده‌های فرعی محرک نیرومندی برای تحقیقات علمی و فنی جدید هم بوده است.

در این مرحله، بازف و هوخست به تکنیکی روی آوردند که در «مدرسهٔ هوخست» زوریخ که آن پلی تکنیک هم می‌نامیدند، شکل گرفه بود و از نفتالین استفاده می‌کرد ـ همان نفتالینی که یکی از فرآورده‌های جانبی و بی‌فایدهٔ تقطیر زغال سنگ بود. ولی همین کار هم بعضی مسائل فنی و تجارتی در پی داشت که حل آنها سال‌ها به درازا کشید. بازف راه خود را در پیش گرفت، و هوخست هم که حق استفاده از فرایندهای آنها را داشت راه دیگری انتخاب کرد ـ راهی که یک بار دیگر براساس یافته‌های پلی تکنیک زوریخ استوار بود. بازف تولید مادهٔ رنگی جدید را زودتر از هوخست شروع کرد (در ۱۸۹۷ در برابر ۱۹۰۴)، ولی تکنیک هوخست بهتر از آب درآمد. در شیمی هم، ماندن کسب و کار، همیشه چند راه برای رسیدن به هدف وجود دارد.

در این مورد هم مانند دیگر موارد، ظهور تکنیک جدید به منزله مصیبت برای روش‌های قدیمی‌تر و اشخاصی بود که با آن روش‌ها نان می‌خوردند. در ظرف سه سال، کمپانی بازف آنقدر رنگ نیلی تولید می‌کرد که تهیهٔ طبیعی آن احتیاج به حداقل ۲۵۰۰۰ جریب زمین زارعی داشت. بازندگان بزرگ در این ماجرا، بومیانی بودند که به کشت نیل طبیعی و صدور آن اشتغال داشتند: ۱۸۷,۰۰۰ تن در ۱۸۹۵ ـ ۱۸۹۶؛ ۱۱,۰۰۰ تن در ۱۹۱۳ ـ ۱۹۱۴، در ظرف این مدت قیمت این رنگ نصف شده بود.

درحدود جنگ جهانی اول، آلمان از لحاظ صنایع شیمیایی جدید، بقیهٔ دنیا را پشت‌سر گذاشته بود ـ آنقدر پشت سر که حتی ضبط و مصادره مدل‌ها و الگوهای ساخت صنایع شیمیایی آلمان در زمان جنگ نیز تا مدت‌های مدید رقیبان آن کشور را به نان و نوایی نرساند. حتی بزرگ‌ترین کمپانی‌های آمریکایی، با آنکه بهترین مهندسان شیمی را در اختیار داشتند، نمی‌دانستند با آن اسناد و مدارک چه کنند یا آن‌ها را چگونه به کار گیرند. بدین‌سان، در طول دو دههٔ اول قرن بیستم، آمریکایی‌ها ناگزیر به استخدام شیمی‌دان‌های آلمانی روی آوردند. و، جاسوسی صنعتی از نو بر زین نشست.

پایان

رویدادهای مهم تاریخ فیزیک

۱۵٦٤ـ گالیلئو گالیلئی در پیزا، ایتالیا متولد می‌شود.
۱۵۹۱ـ تحلیل افسانه‌ای گالیله بر روی برج پیزا.
۱٦۱٦ـ رابرت کاردینال بلارمین حکم به تکفیر گالیله می‌دهد.
۱٦۲۲ـ گالیله سنجشگر را منتشر می‌کند.
۱٦۳۲ـ گالیله گفتگو در باب دو نظام عمده جهانی را منتشر می‌کند. تفتیش عقاید به ناشر گالیله دستور می‌دهد انتشار گفتگو را متوقف سازد.
۱٦۳۳ـ گالیکه در برابر دادگاه تفتیش عقاید قرار می‌گیرد. گالیله در آرچتری.
۱٦۳۸ـ گالیله گفتار در باب دو علم جدید را منتشر می‌کند.
۱٦٤۲ـ گالیله در آرچتری بدرود حیات می‌گوید. ایزاک نیتون در وولستورپ، انگلستان به دنیا می‌آید.
۱٦٦۱ـ نیوتن وارد ترینیتی کالجِ دانشگاه کمبریج می‌شود.
۱٦٦۵ـ طاعون در انگلستان. نیوتن در وولستورپ، تفکر درباره حسابان، گرانش و نورشناخت را آغاز می‌کند.
۱٦٦۸ـ نیوتن استاد کرسی لوکازین ریاضی در کمبریج می‌شود.
۱٦۷۱ـ تلسکوپ بازتابی نیوتن در انجمن سلطنتی به نمایش درمی‌آید.
۱٦۸٤ـ نیوتن De Motu corporum in gyrum را منتشر می‌کند.
۱٦۸۷ـ نیوتن اصول را منتشر می‌کند.
۱٦۹٦ـ نیوتن از کمبریج به لندن عزیمت می‌کند.
۱۷۰٤ـ نیوتن نورشناخت را منتشر می‌کند.
۱۷۲۷ـ نیوتن در لندن بدرود حیات می‌گوید.
۱۷۹۱ـ مایکل فارادی در نیوانگتون، سوری که اکنون جزو لندن است متولد می‌شود.
۱۷۹٦ـ سادی کارنو در پاریس به دنیا می‌آید.
۱۸۰۱ـ توماس یانگ اصل تداخل‌اش را که برمدل موجی نور مبتنی است کشف می‌کند.
۱۸۱٤ـ رابرت مایر در هایلبرون، آلمان متولد می‌شود.
۱۸۱۸ـ جیمز ژول در منچستر، انگلستان متولد می‌شود.
۱۸۲۰ـ آزمایش هانس کریستین اورستد جهت تبیین تولد اثر مغناطیسی از اثر الکتریکی.
۱۸۲۱ـ هرمان هلمهولتز در پوتسدام، آلمان متولد می‌شود. آزمایش فارادی که چرخش الکترومغناطیسی را تبیین می‌کند. آگوستین فرنل نور را به صورت امواجی توصیف می‌کند که در جهت عمود برجهت حرکتشان ارتعاش دارند.
۱۸۲۲ـ رودولف کلاوزیوس در کوسلین، پروس به دنیا می‌آید.
۱۸۲٤ـ کارنو تاملاتی در باب نیروی محرکه آتش را منتشر می‌کند. ویلیام تامسون در بلفاست، ایرلند شمالی متولد می‌شود.
۱۸۳۱ـ فارادی القای الکترومغناطیسی را کشف می‌کند. جیمز کلرک ماکسول در ادینبورگ، اسکاتلند به دنیا می‌آید.
۱۸۳۲ـ کارنو در پاریس بدرود حیات می‌گوید. فارادی قوانین الکتروشیمی را فرمولبندی می‌کند.

گفتگو

هومن ظریف

نکاتی درباره
یادداشت‌های علم

فرض می‌کنیم مخاطبان این سطور، امیر اسدالله عَلَم را نمی‌شناسند. ابتدا بگذارید پدر او را بشناسیم. محمدابراهیم یا شوکت‌الملک، حاکم بیرجند در دوران پادشاهی مظفرالدین شاه قاجار بود. او به خاطر دفع شورش‌های منطقه خراسان و استقلال رأی، با وجود قشون خارجی‌ها، امین رضاشاه پهلوی شد.

اسدالله علم، تنها فرزند پسر اوست.


اسدالله علم

آنچه مهم است در ابتدا عرض شود، این است که آنچه را که امروزه، خواننده محترم به عنوان یادداشت‌های علم در اختیار دارد، متن اصلی خاطرات اوست.

خاطرات او مهم است چون او مشاور و نزدیک‌ترین فرد در لایه‌های درونی زندگی محمدرضا شاه پهلوی بود. یعنی در آذر ماه سال ۱۳۴۵، عَلَم به جای حسین قدسی نخعی به وزارت دربار محمدرضاشاه منصوب شد و در ۲۸ تیر ماه سال ۱۳۵۶ برای آخرین بار نزد شاه می‌رود و سپس برای درمان سرطان به فرانسه می‌رود و ۲۶ فروردین ۱۳۵۷ در ۵۹ سالگی فوت می‌کند. این مسأله نشان می‌دهد که زندگی روزانه محمدرضا شاه پهلوی و طرز فکر و نگرش سیاسی و اجتماعی او چگونه است.

علم در نگارش یادداشت‌ها، مخفی کاری نکرده است، اگرچه احتیاط شرط عقلی بوده و هست. بسیاری از نکات انتقادی را به زبان طنز بیان کرده است و برای اینکه کاغذهایش را باد نبرد، آنها را در سفرهایی که به خارج از کشور داشته است در بانکی سوئیسی حفظ می‌کند.

سخت‌کوشی او در پایان کار توان‌فرسای روزانه و معمولاً نگارش خاطرات در نیمه‌های شب و وسواس او در ذکر جزئیات، یادداشت‌ها را بسیار مغتنم کرده است.

یادداشت‌های اسدالله عَلَم آنچنان صریح و بی‌پرده است که برخی از هوسرانی و جاه‌طلبی‌های خود و نزدیکانش را با آرزوی غفران الهی تذکر داده و مکتوب کرده است!

با توجه به زمان مرگ او و نحوه نگارش یادداشت‌ها، او هرگز مانند بسیاری از مورخان فرصت نیافته است در زمان انقلاب اسلامی یا آغاز دیوان‌سالاری انقلاب، در دست‌نوشته‌های خود، خدشه‌ای وارد کند یا نکته‌ای از این بابت توسط او مصادره به مطلوب شود. او پیش از انقلاب مُرد ولی می‌دانست و اخطار می‌داد که کشتی نابسامان کشور به گِل می‌نشیند و هر از گاهی در یادداشت‌های خود از مماشات و صبر محمدرضا پهلوی گله‌مند بود.

اما اسدالله عَلَم در چه خانواده‌ای می‌زیست. پدر او، امیر شوکت‌الملک مردی بود شیفته هنر و ادب. با شاعران نوآور زمان خود، ایرج‌میرزا و عشقی و برخی نقاشان معاصر ایران، نظیر کمال‌الملک، دوست بود.

با کلنل علینقی وزیری، که پیشگام نوسازی معاصر ایرانی و دو سال از سوی ارتش، مأمور بیرجند بود، دوستی بسیار نزدیک داشت و فرزندان او، کلنل را عمو خطاب می‌کردند. مدتی عبدالحسین شهنازی، نوازنده تار را استخدام و به بیرجند برد و پس از او نیز حبیب سماعی، استاد سنتور، از قشون قائنات و نزد او بود. اسدالله عَلَم در پایان ۱۳۲۴ به حضور شاه معرفی شد و سپس رهسپار زاهدان به عنوان فرمانداری کل سیستان و بلوچستان، شد. اقامت عَلَم در زاهدان باعث شد که او با شیوه کار سازمان‌های اداری و انتظامی پی ببرد و سپس در ۲۴ دی ۱۳۲۸، در دولت محمّد ساعد، به مقام وزارت کشور رسید و جوان‌ترین وزیر پس از مشروطیت شد. سپس در سال ۱۳۲۸ وزیر کشاورزی و در سال ۱۳۲۹، وزیر کار شد. در ۱۳۳۱، عَلَم به سرپرستی املاک پهلوی گماشته شد.

در دولت مصدق، اسدالله عَلَم به بیرجند تبعید شد. سپس در کش و قوس مسائل تاریخی، در ۳۰ تیر ۱۳۴۱، عَلَم به نخست‌وزیری گمارده شد. در آن سالها، و در واقع در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، تظاهرات در اطراف بازار تهران آغاز شد و عَلَم، تلفنی به سپهبد نصیری، دستور تیراندازی داد. خونسردی و قاطعیت اسدالله علم دستور تیراندازی باعث شد که مسئولان انتظامی توانستند، در چند ساعت به این تظاهرات پایان دهند.

ادامه دارد

آیینه

زیر نظر: دکتر محمدکاظم حسینیان

خاطراتی از درون دربار
محمدخان کوتوله؛ قاصد مخصوص

۱۲ نوامبر = ۱۸ ربیع الاول

اندرون در قسمت شمالی قصر است و من تاکنون چندبار داخل آن شده‌ام، گاهی از در نارنجستان که مخصوص رفت و آمد شاه است، گاهی نیز از در معمولی که از راه خیابان در اندرون به در الماسیه منتهی می‌شود. این در اخیر که نیز به اندرون راه دارد هیچ وقت باز نیست و اینکه آن را به این اسم موسوم ساخته‌اند به علت آیینه‌های کوچکی است که روی آن کار گذاشته‌اند و از دور مثل الماس می‌درخشد.

هر وقت که از در نارنجستان داخل شوم به دستور شاه و در این صورت خواجه سرایی به امر او مرا تا اندرون هدایت می‌کند ولی اگر از اندرون مرا برای عیادت مریضی بخواهند از در خارج می‌روم تا به حیاطی که خواجه سرایان در آنجا منزل دارند می‌رسم و پیش آغاباشی که سیاهی بلندبالا و لاغر اندامی حبشی است می‌روم، جناب اعتمادالحرم اگر هم همیشه همراه من همه جا نیاید اقلاً مرا تا دری که در آخر دالانی است هدایت می‌کند و آنجا به خواجه سرایان مخصوص خانمی که باید به عیادت او بروم تحویلم می‌دهد و من از دری که فوراً از عقب به روی ما بسته می‌شود داخل حیاط بزرگی می‌شوم و می‌بینم که یک عدهٔ زیاد زنانی که خود را در چادر سفیدی مثل کفن پیچیده‌اند به فریاد خواجه‌سراها هر کدام به گوشه‌ای متواری می‌شوند و به اطاق‌های خود که همه طرف حیاط را گرفته جز طرف جنوبی که متکی به موزه و نارنجستان است یا به حیاط‌های کوچک‌تر دیگری می‌روند.

در وسط این حیاط بزرگ که باغچه‌هایی مربع شکل دارد و درخت چنارهای بلند و پربرگ در آنها کاشته شده عمارت دو طبقه‌ای است بنام خوابگاه که شاه معمولاً شب‌ها در آنجا استراحت می‌کند.

عمارت خوابگاه که مربع شکل است برروی زمین کم ارتفاعی ساخته شده و دورادور آن غلام گردشی است با ستون‌های عدیده و به‌توسط پلکانی به مرتبه اول راه دارد و در جلوی آن سردری است که به شکل طاق بر روی آن قرار گرفته و در وسط این سردر یک پلکان مرمری است با پانزده پله.

عمارت خوابگاه از بالا منتهی می‌شود به بام مسطحی که در دور آن نرده کم ضخامتی کشیده و روی آن گلدان‌هایی پر از گل گذاشته‌اند و همین کیفیت نمایش و جلوهٔ عمارت را بیشتر کرده.

چهار طرف عمارت با حجاری و سرستون‌های گچی و نقوش گچ‌بری تزئین شده و بر سر در پنجره‌های بیضوی شکل آن از گل و بوته گچ‌بری‌های بسیار زیبا ساخته‌اند و به این ترتیب در تمام طبقات عمارت رعایت شده.

البته کسی که در چنین قصر آرام مجللی که هزار زن به پاسداری آن مشغولند می‌خوابد بهترین خواب‌ها را می‌بیند و به خوش‌ترین وضعی سر بربالین استراحت می‌گذارد.

بلی هزار زن بلکه اگر بتوان به گفته کسی که بی‌اطلاع نبود اطمینان حاصل کرد از این مقدار هم بیشتر!

این عده زن که در اندرون زندگی می‌کنند مثل گله‌ای که به چوپانانی سپرده باشند تحت نظر چهل تن خواجه‌سرای سفید و سیاه‌اند.

شاهنشاه ایران با چنین جاه و جلال شاید حق داشته باشد که پادشاهان دیگری را که ساده و بدون این قیود و دستگاه‌ها زندگی می‌کنند به دیدهٔ تحقیر بنگرد چنانکه ناصرالدین شاه در سفر اول خود به فرنگستان وقتی که ملتفت شد که ویلهلم اول امپراطور آلمان یک زن بیشتر ندارد و ملکه اگوستا را به او معرفی کردند گفت عجب امپراطور آلمان یک زن بیشتر ندارد آن هم به این پیری.

در میان سوگلی‌های اندرون ناصرالدین شاه دو نفر نظر به مشاغلی که در عهدهٔ ایشان گذاشته اهمیت خاصی دارند، یکی انیس الدوله که مأمور پذیرفتن خانم‌های فرنگی محترم است دیگری امینه اقدس که کلیددار خزانه پادشاهی است.

خانم‌های اندرون به چند طبقه منقسم‌اند: طبقهٔ اول زنانی که شاهزاده خانم‌اند و پسرانشان می‌توانند به سلطنت برسند، طبقه دیگر زنان سوگلی که بعضی از ایشان به ملاحظاتی بر شاهزاده خانم‌ها برتری یافته‌اند.

زنان طبقهٔ اول هریک عمارتی مخصوص به خود دارند در صورتی که زنان طبقه دیگر اکثر با هم در یک جا منزل می‌کنند یا اینکه هریک به عنوانی به خدمت یکی از زنان سوگلی منتسب‌اند.

تمام این زنان به نسبت مقامی که در هریک از دو طبقه دارند از شاه مواجب می‌گیرند مگر بعضی از زنان طبقهٔ دوم که خرجشان با حرم‌های سوگلی است و شاه فقط به آنها گاه گاهی انعامی می‌دهد.

تهران که تقریباً دارای ۱۳۰/۰۰۰ نفر جمعیت است در دورادور خود بارویی دارد

لباس زنان اندرون نسبتاً ساده است و تفصیل زیادی ندارد، یلی برتن دارند که جلوی آن را از سینه به پایین با دکمه می‌بندند و تا پایین کمر می‌آید و از زیر آن پیراهن کوتاهی پیداست و زیرجامه‌ای می‌پوشند که از زانو پایین‌تر نمی‌آید و روی آن شلیتهٔ پربادی است.

نیم تنه و پیراهن بقدری کوتاه است که با هر تکان مختصری قسمتی از بالاتنه نمایان می‌شود.

برای آنکه چیزی از قلم نیفتاده باشد می‌گوییم که این زن‌ها غالباً چهارقدی بر سر می‌اندازند و آن را در زیر چانه گره می‌زنند برای آنکه گیسوان زیاد و بافتهٔ ایشان را که روی دوش و پشت سرشان آویزان است مستور دارد بعلاوه بعضی از ایشان جوراب سفید نازکی نیز بپا می‌کنند، خلاصه لباس همه از پیر گرفته تا جوان به همین وضع است.

زنی که می‌خواهد در اندرون حرکت کند چادرنمازی بر سر می‌اندازد و دم در کفش خود را می‌پوشد و حرکت می‌کند اما اگر بخواهد بیرون بیاید حرکت صورتی دیگر دارد به این معنی که به لباس مخصوص تمام زن‌های مسلمان که اجباراً باید همان را در بر کنند در می‌آید تا به آزادی بتواند در کوچه‌ها قدم بزنند.

در کوچه لباس همهٔ زن‌ها یکی است تا آنجا که شناختن ایشان حتی بر شوهرانشان نیز ممکن نیست.

زن بعد از آنکه شلوار بلندی را که آبی تیره و گاهی هم بنفش و اگر سیده باشد سبز است و تا بند پا را می‌گیرد پوشیده چادری سیاه یا نیلی رنگ که آستین ندارد و تا مچ پایین می‌آید و همه اندام را می‌پوشاند بر سر می‌اندازد و صورت را در زیر روبندی مخفی می‌کند و از سوراخ‌های آن که بی‌شباهت به غربال کوچکی نیست می‌بیند و نفس می‌کشد.

اگرچه این لباس رو برای همه زنان ایرانی از جهت شکل و رنگ و جنس پارچه یکی است لیکن نباید تصور کرد که حال لباس زیر هم همین است.

اندرون شاهی مرکز تفنن بازی و آرایشگری زنهاست و از هرجا بیشتر در آنجا بازار آن رواج دارد و جایی است که نمایشگاه مخصوص جواهرات گران‌قیمت و پارچه‌های نفیس و البسه زربفت محسوب می‌شود و هر زنی دربند این است که با چه آرایش و نمایشی رقبای خود را سرافکنده و دوستان خود را شاد نماید. مثلاً اگر زنی می‌خواهد که لباسش از جهت جلوه و جمال منحصر باشد می‌فرستد هرچه از آن پارچه در بازار بدست می‌آید بخرند تا دیگری نتواند از همان لباس داشته باشد و من زنی را می‌شناسم که در عرض یک ماه برای همین قبیل خریدها ۳۰/۰۰۰ فرانک پول داده است.

اما جواهرات که درآرایش جای خود دارد بخصوص در مملکتی مثل ایران که معدن مروارید و فیروزه است و هرکسی یک قسمت مهم از ثروت خود را صرف خرید جواهرات می‌کند.

قیمت جواهراتی را که شاه در روزهای سلام با خود دارد تا صدمیلیون تخمین زده‌اند اگرچه قیمت جواهراتی که بعضی از اهل حرم با خود دارند هرگز به این پایه نمی‌رسد ولی باز آن هم نماینده مبلغ خطیری است.

پیش از آنکه از اندرون خارج شویم باید از محمدخان کوتوله نیز که قاصد مخصوص اعلیحضرت و پیغام بر او پیش اهل حرم است ذکری بکنیم:

نباید تصور کرد که اهمیت این مرد هم به تناسب قد اوست، اگرچه او مؤدب و متواضع است و وقتی که در خیابان‌های گلستان قدم می‌زند دست‌های خود را در آستین کرده بر روی سینه صلیب‌وار می‌گذارد لیکن پیش شاه و نسوان حرم به علت محرمیتی که دارد بسیار متنفذ و مقتدر محسوب می‌شود.

جای این سؤال باقی است که آیا با وجود دیوارهای بلند اندرون و زندگانی صومعه‌نشینی زنان حرم و چادر و روبند و خواجه سرایانی که دائماً مواظب ایشانند این زنان دست از پا خطا نمی‌کنند و مرتکب امری که این همه از آن وحشت دارند نمی‌شوند؟ من که در این باب شک دارم.



حکایت یکی از دختران شاه که فقط نسبت نزدیک او به اعلیحضرت او را از غضب ملوکانه نجات داد و همدستش جابجا به قتل رسید و داستان زن دیگری که به این اندازه با شاه قرابت نداشت و نتوانست موجب حامله بودن خود را بیان کند و نزدیک بود که به قتل برسد همه شاهد صدق این مدعی است.

۱۴ نوامبر = ۲۰ ربیع الاول

شاهزاده ظل‌السلطان پسر ارشد شاه که دو روز است به تهران وارد شده کالسکهٔ خود را پی من فرستاد.

عمارت او که در قسمت شمال شرقی شهر واقع شده در ورودی مجللی دارد که بالاخانه‌ای روی آن است و مثل در خانه هریک از محترمین قراولانی دم در آن پاسداری می‌کنند.

پس از آنکه از این در گذشتیم از حیاط بزرگی که حوض‌های پر آب و باغچه‌های پرگلی دارد می‌گذریم بعد به عمارت اصلی می‌رسیم که درهای بزرگ و سردری بلند دارد. غلامی مرا به تالار بزرگی برد که بزرگی آن از بزرگی عمارت و عظمت مقام صاحب آن حکایت می‌کرد.

بعد از چند لحظه انتظار جهت اعلام ورود من به حضرت والا مرا به اطاقی که نور ضعیفی آنرا روشن کرده بود هدایت نمودند، شاهزاده را دیدم که با تأنّی و وقار مخصوصی به بازی شطرنج مشغول بود عیناً مثل اینکه به حل یکی از معضلات مملکتی مشغول است.

به من گفت که از این بازی اطلاعی داری؟ که من تاکنون هیچ وقت در بازی شطرنج نباخته‌ام. این بیانات را شاهزده با سلاست مخصوص می‌گفت و وقتی که من به او نزدیک شدم مرا به نشستن به پهلوی خود دعوت کرد و لابد قصد او این بود که من مهارت او را در بازی تحسین کنم.

ظل‌السلطان مردی است تنومند و کوتاه قامت و چهل سال دارد، موی سر و سبیل و ابروان او سیاه سیر است و پوست بدنش بسیار تیره رنگ، چشم چپش لوچ و از چهره‌اش سخت‌کشی و رعونت می‌بارد، کلامش کوتاه و قاطع است و می‌فهماند که او به فرمان دادن و مردم را به اطاعت واداشتن عادت کرده است. از این مراتب گذشته او در مملکت مظهر قدرتی است که موجب نگرانی شده و شاه به اشارهٔ صدراعظم علی الاجبار به محدود کردن او قیام نموده است.

پسر ارشد شاه بر تمام جنوب ایران حکومت می‌کند و پایتخت او اصفهان است که در میان پایتخت‌های سابق این مملکت هنوز مقام اول را دارد، ظل‌السلطان در آنجا در حقیقت سلطنت می‌کرده و اختیار جان و مال زیردستان خود را داشته.

این شاهزاده در اصفهان به تهیه قشونی دست زده بود که می‌توانست هر آن او را در اجرای منویاتش کمک کند و اگر روزی می‌خواست چنانکه خود عیناً گفته بود که بر برادر خود یعنی ولیعهد قانونی مملکت بشورد و مدعی سلطنت او شود از او پشتیبانی نماید.

صدراعظم چون از این خیالات ظل‌السلطان اطلاع یافت و دانست که او مقاصدی از این قبیل درسر دارد و وجودش تهدیدی برای آینده مملکت است بعلاوه در بی‌رحمی و افزایش ثروتی که بی‌پایان است از هیچ اقدامی صرف‌نظر نمی‌کند و مردم همه از او در وحشت‌اند شوکت او را هم در هم شکست و از حکومتش انداخت.

شاید جمع مال مرض ارثی تمام قاجاریه باشد چه پدر او و ناصرالدین شاه هم گذشته از جواهرات میلیون‌ها پول نقره و طلا دارد که در کیسه‌های مهر شده در اندرون محفوظ است و شاه گاه‌گاه آنها را که به نظم تمام روی هم چیده‌اند با سر عصا می‌شمارد.

۱۹ نوامبر = ۲۵ ربیع‌الاول

اعلیحضرت امروز به قولی که در راه باب‌نمودن موزه به من داده بود وفا کرد و ناظر خود مجدالدوله را مأمور نمود که با من همراه باشد.

نردهٔ آهنی جلوی سردر و در خود عمارت باز بود، با هم از پله‌ها بالا رفتیم و ابتدا در طرف چپ به تالار بزرگی وارد شدیم که از کثرت آینه‌کاری و چهل چراغ می‌درخشید، این تالار را تالارشوری می‌گویند.

درست در وسط یک تخته قالی اعلی که بر روی زمین افتاده و نقش آن مربع‌هایی است که دورادور آنها گلدان‌هایی ساخته‌اند سه نفر میرزا نشسته و بی‌سر و صدا مشغول تحریرند.

قلمدانی در زیر بازوی چپ و کاغذی در دست چپ بین شست و چهار انگشت باز خود دارند و در دست راست ایشان قلمی نیی است و مثل عثمانی‌ها و عرب‌ها از راست به چپ می‌نویسند ولی برای آنکه به سنی‌ها تشبیه نکرده باشند از بالای کاغذ به نوشتن شروع می‌کنند در صورتی که سنی‌ها از پایین ابتدا می‌نمایند.

در ته تالار مابین دو پنجرهٔ هلالی شکل تخت مشهور طاوس به جلوهٔ تمام می‌درخشد، این تخت گرانبهاترین غنایمی است که نادرشاه بعد از مغلوب‌کردن پادشاه هند از دهلی به ایران آورده است. تخت طاوس به تخت مرمر شبیه است و مثل آن حکم بستر را دارد و جنبهٔ تختی آن کمتر است. در اطراف قسمت افقی تخت به استثنای پایه‌ها که به دو پله مرتبط و بر میزی متکی خزینه آب گرم و ده دقیقه هم بیرون از هر دو داخل حمام که به بخار گرم شده می‌ماند سپس برای او حوله‌های پشمی می‌آورند و او به سربینه می‌آید و تا مدتی در آنجا دراز می‌کشد و گاهی قریب به یک ساعت در آنجا می‌ماند تا خوب بحال بیاید.

بعد از استراحت نوبت آرایش می‌رسد و این کار بسیار دقیق و طولانی است، با حنا ناخن‌های دست و پا را رنگ و با سرمه مژگان را سیاه و بزرگتر می‌کنند و آنها را مصنوعاً تا بالای بینی می‌کشند و واجبی نیز در مورد خود بکار می‌رود، گیسوان را مثل حصیر رشته‌رشته می‌بافند. خلاصه در آرایش زنی که شاه دستمال خود را قبلاً بسمت او انداخته و شب باید آمادهٔ هم بستری باشد از رعایت هیچ‌نکته فروگذاری نمی‌شود... مدت دوام این آرایش نصف روز تمام است.

تهران حمام‌های متعدد به همین وضع دارد لیکن مردم غیرمسلمان نمی‌توانند به آنها قدم بگذارند.

۲۷ فوریه = ۷ رجب

تهران که می‌گویند از کلمهٔ «طاهر» مشتق است در زمستان بهیچ‌وجه شایستهٔ این عنوان نیست زیرا که باران که از بهار تا آخر پاییز اثری از آن در میان نبود این ایام تمام خاک معابر را به گل مبدل ساخته است و برفی که در ماه قبل در شب‌های سرد زمستان باریده و آن را از بام‌ها به کوچه ریخته‌اند در معابر تنگ محلات قدیمی هرگونه عبور و مرور را مشکل ساخته است، تنها ارک از این حالت مستثنی است زیرا که اگر هم برف‌های آن را بیرون نبرده باشند لااقل آنها را در بعضی قسمت‌ها روی هم جمع کرده و راه رفت و آمد را باز نموده‌اند.

تهران که تقریباً دارای ۱۳۰/۰۰۰ نفر جمعیت است در دورادور خود بارویی دارد که آن را منحصراً از گل ساخته‌اند. این بارو به شکل هشت‌ضلعی نامنظم یا بهتر بگوییم مربعی است که چهار دیوار کوچک اضلاع آن را قطع کرده‌اند. امتداد اضلاع این بارو درست شمالی جنوبی یا شرقی غربی است و در هر طرف از چهار جهت آن سه دروازه است که مجموعاً دوازده دروازه می‌شود ولی در ضلع شمالی امروز دو دروازه بیشتر نیست زیرا که دروازه شمیران را در موقع ساختن دیوار شمال شرقی بارو از میان برده‌اند.

هر یک از این دروازه‌ها طاق‌هایی برج‌دار و بلند دارند و آنها را با کاشی‌های الوان مزین ساخته‌اند و شباهت آنها بیکدیگر زیاد است.

ما بین شهر تهران و این بارو فاصله زیاد است چه در هر طرف آن باغ‌های محصور وسیع و اراضی بایر پهناور و مزارع و موستان و قبرستان خانه‌های شهر را از بارو جدا کرده‌اند.

میدان توپخانه که یک عده توپ در آنجا هست و در شمال ارک قرار دارد در حقیقت میدان مرکزی شهر است. از شش دروازه آن که از آنها دو دروازهٔ سمت ارک مهمتر محسوب می‌شود به چهار جهت شش خیابان بزرگ ممتد است که در دو طرف غالب آنها درخت کاشته‌اند و در بیشتر اوقات سال بخصوص در بهار و پاییز از کنار آنها نهر آبی نیز می‌گذرد.

پسر ارشد شاه بر تمام جنوب ایران حکومت می‌کند و پایتخت او اصفهان است که در میان پایتخت‌های سابق این مملکت هنوز مقام اول را دارد

این خیابان‌ها عبارت‌اند از خیابان امین‌السلطان (خیابان علاءالدوله سابق) و لاله‌زار در شمال که از محلات نوساز تهران می‌گذرند، دو خیابان الماسیه و ناصریه در جنوب که به ارک و بازار و محلات قدیمی پایتخت متوجه‌اند، خیابان چراغ‌گاز که از آن هم می‌توان به دروازهٔ شمیران رفت و هم به ایستگاه راه‌آهن شاهزاده عبدالعظیم. خیابان دیگر خیابان مریضخانه است که راه قزوین و اروپا از آنجاست.

اگر خیابان مریضخانه را از طرف مغرب و خیابان چراغ‌گاز را از طرف مشرق امتداد دهیم می‌توان گفت که تهران کهنه در جنوب این خط و تهران نو در شمال آن قرار دارد.

قسمت شمالی تهران به داشتن کوچه‌های زیبا و مستقیم و حیاط‌ها و باغ‌های وسیع و عمارات زیاد ممتاز است بخصوص که تمام سفارتخانه‌های خارجی غیر از سفارت روس که در آخر خیابان چراغ‌گاز در جانب قسمت قدیمی شهر است بقیه در این قسمت شمالی واقع شده.

اگر از میدان توپخانه به سمت شمال دو خیابان شمالی‌جنوبی را بگیریم عمارت صدراعظم و باغ لاله‌زار و سفارتخانه‌های ممالک اروپایی و ممالک متحدهٔ آمریکا و عثمانی و عمارت و ابنیه جهانگیرخان وزیر صنایع و باغ بزرگ امین‌السلطان را در سر راه می‌بینیم.

در برگشتن اگر خیابان سیف‌الدوله خیابان شاه‌آباد را اختیار کنیم به عمارت بهارستان می‌رسیم که امروز اقامتگاه یحیی خان مشیرالدوله است و باغ وسیعی دارد که مدرسه بزرگ سپهسالار با وجود عظمت به هیچ وجه فضای آنرا تنگ نکرده.

کمی فاصله از میدان بهارستان در ضلع جنوب‌غربی کوچه‌ای که از آنجا به لاله‌زار برمی‌گردند منزل شاهزاده ظل‌السلطان واقع است و ظل‌السلطان غیر از این خانه، مالک پارکی است نزدیک باروی شهر قریب به پارک امین‌الدوله.

از میدان بهارستان اگر امتداد خیابان نظامیه را بگیریم طرف دست چپ ما مسجد سپهسالار است بعد از آن به خانه محقر دوست من اعتمادالسلطنه می‌رسیم که بی‌سر و صدا در آنجا در میان کتب خود زندگی می‌کند، طرف دست راست قبرستانی قدیمی است و بعد از آن چند قدمی سفارت روس به خیابان چراغ گاز وارد می‌شویم.

میدان دیگر شهر میدان مشق است که میدانی وسیع و محصور است و در قسمت تازه‌ساز شهر و برای مشق نظامیان ساخته شده و گاهی هم شاه سپاهیان را در آنجا سان می‌بیند. در میدان مشق نزدیک در غربی میدان توپخانه است یعنی همین که چند قدم از این در خارج و در خیابان مریضخانه داخل شدید به در میدان مشق می‌رسید.

خیابان الماسیه که داخل ارک می‌شود و خیابان ناصریه یا خیابان شمس‌العماره یعنی دو خیابان جنوبی میدان توپخانه راه وصول به محلات قدیمی شهراند و در این محلات جز ایرانی کسی دیگر ساکن نیست.

کوچه‌ها و محلات تنگ و پرپیچ و خم است و جمعیتی که چندان پاک و پاکیزه هم نیستند در هر قدم در رفت و آمداند. کثافت آنها بی‌نهایت است مخصوصاً پایین بازار و در کوچه‌هایی که راه میدان قاپوق و میدان مال‌فروش‌ها و محله یهودی‌ها است ممکن نیست که انسان از آنها بگذرد و دائم با بوی عفونت لاشه‌مردار همراه نباشد.

محله بازار در جنوب و جنوب‌شرقی ارک است و اختصاص آن به کوچه‌های طاقداری است که جابجا سقف آنها را برای جریان هوا و رسیدن نور سوراخ کرده‌اند. وجود این طاق‌ها عابرین و کسبه را در تابستان از شدت آفتاب و در زمستان از برف و باران محفوظ می‌دارد.

تمام ایام سال و در هر ساعت از روز از صبح تا غروب این بازارها پر از جمعیت است با این حال شترها و قاطرهایی که بار دارند از آنجا می‌گذرند.

ادامه دارد

ایران

زهیر رضوی | ۶

از میراث مستوفی
صد تومن مواجب

...باید قبض رسیدهای مصارف و مواجب اشخاص تحویل مستوفی شود تا مستوفی دقتهای لازم را در صحت صدور رسیدها به عمل آورد و محاسبه را تنظیم کند و اگر باقی داشته باشد، حاکم نقداً باید به خزانه بپردازد و قبض رسید خزانه تحویل کند که محاسبه باقی و فاضلی نداشته باشد.

بعد از این اقدامات، مستوفی محاسبه نوشته حاضر را به دفترخانه می‌برد تا رسیدگی نهایی در آن عمل آید. مستوفی ضابط اسناد خرج حکماً باید در این رسیدگی نهایی شرکت کند و در ذیل کتابچه این محاسبه، صحت محاسبه و تحویل گرفتن اسناد خرج را تصدیق نماید، سپس به امضای مستوفی‌الممالک و صدراعظم برسد و شاه آخر همه ذیل آن را صحه بگذارد و به حاکم صاحب جمع بدهند. کتابچه این محاسبه که به امضای همه رسیده بود، مفاصای صاحب جمع محسوب می‌گشت که هر وقت در یکی از قلمهای جمع یا خرج آن احیاناً اختلافی ظاهر شود، اصل و سواد آن در دست صاحب جمع و مستوفی حاضر باشد.

دفتری که حاوی سواد محاسبهٔ سالهای گذشتهٔ هر ولایت بود، دفتر محاسبه موسوم بود. دفتر اول و چهارم (جزء جمع و محاسبه) هر ولایت برای مستوفی آن ولایت از لوازم محسوب می‌شد. آن دو دفتر دیگر (دستورالعمل واوراجه) برای مستوفیانی که در رسیدگی نهایی محاسبه‌ها شرکت داشتند، لازم و برای سایرین تا اندازه‌ای که مربوط به قلمروی استیفایی خود آنها بود از لوازم، و زیادتر از آنش تجمل و استحسان به شمار می‌آمد.

مستوفیان مأمور رسیدگی نهایی را، مستوفی پای سند می‌گفتند و عدهٔ آنها از دو سه نفر بیشتر نبود و آنها بودند که باید بروات و فرمانها را قبل از مهر صدراعظم و صحهٔ شاه ثبت و مهر کنند و ضامن صحت آنها باشند. بعد از آنکه فرمانها و براتها از مهر صدراعظم و بالاخره از صحهٔ شاه هم می‌گذشت، باقی مستوفی‌ها پشت آنها را علامت ثبت می‌گذاشتند و مهر می‌کردند.

اینکه در فرمانها نوشته می‌شد: «مقرر آنکه مستوفیان عظام شرح فرمان مبارک را ثبت و ضبط نموده و در عهده شناسند» معنی داشت و مستوفی‌ها هم شرح فرمان را ثبت و ضبط می‌کردند و هم اجرای مدلول آن را برعهدهٔ دولت می‌شناختند و به آن عمل می‌کردند. مثلاً اگر فرمان مواجب بود، هر ساله به خرج یکی از ولایات منظور می‌کردند و اگر فرمان تیول بود، تیولی را از جمع حاکم مستثنا می‌نمودند و هرگاه فرمان اعطای خالصه و اقطاع بود، ده اعطایی را از خالصه‌جات ولایت مجزا می‌کردند و به آن عمل اربابی معمول می‌داشتند. فرمانهای لقب هم مثل این فرامین به ثبت مستوفی‌ها می‌رسید و عهده شناختن آنها به نوشتن این لقب در دفاتر دولتی یا هر جا که اسمی از صاحب لقب باید برده شود بود. حتی برای خطاب جنایی هم باید فرمان صادر شود و تا کسی به این امتیاز ممتاز نمی‌شد، هیچ‌کس این عنوان را جلوی اسم او نمی‌گذاشت.

فرمان برای برقراری چیزهای ثابت صادر می‌شد و خرج استمراری هر ساله برای دولت ایجاد می‌کرد

فرض کنیم می‌خواستند صد تومان مواجب به کسی بدهند یا همین مبلغ را بر مواجب سابق او بیفزایند، شاه باید دستخطی خطاب به شخص اول کشور صادر کند که این مبلغ را در حق او برقرار کنند. این دستخط که همیشه در صدر عریضهٔ ذینفع صادر شده بود، به صدراعظم نموده می‌شد، صدراعظم در حاشیهٔ همان عریضهٔ موشح به دستخط شاه، خطابی به مستوفی‌الممالک در اجرای دستخط می‌نوشت، مستوفی‌الممالک باید یا از اضافه جمع بی‌ضرر مانند دهات تازه آباد (جدیدالنسق) یا از ثلث متوفیات، محلی برای آن تعیین کند و به مستوفی ولایتی که این محل ضرر در آن اتفاق می‌افتاد، امر بدهد که مثلاً از ثلث فلان متوفی یا از اضافه جمع فلان ده جدیدالنسق این صدتومان را برقرار نماید. این مستوفی فرمانی می‌نوشت و در حاشیهٔ آن برقراری این یکصد تومان را در حق این شخص با قید اینکه از چه محلی است و به موجب دستخط شاه و امر مقامات عالیه این مواجب برقرار شده است، در دو سطر کوتاه در حاشیهٔ سمت راست فرمان می‌نوشت و مهر می‌کرد. این فرمان به نظر مستوفیان پای سند که مهر اول می‌کردند می‌رسید و آنها هم دستخط شاه و حکم صدراعظم و مستوفی‌الممالک را می‌دیدند و سپس وارد صحت و سقم محل این مواجب می‌شدند. البته با چهار نفری که داشتند، بخوبی می‌توانستند تفتیش و تشخیص خود را مجری دارند. همین که از هر حیث موضوع بی‌عیب از کار درآمد، فرمان را مهر می‌کردند. صدراعظم که مهر آنها را می‌دید، پشت محل صحه را مهر می‌کرد و شاه فرمان را صحه می‌گذاشت. آن وقت فرمان به مهر چهار نفر از رجال که صدراعظم و مستوفی‌الممالک و صاحب دیوان و منشی‌الممالک باشند می‌رسید. ثبت این چهار مهر، طغرابی به شکل گلابی بود. بعد از همهٔ اینها فرمان به مهر شاه که نزد مهردار بود نیز می‌رسید و آن وقت سایر مستوفی‌ها هم پشت آن را مهر می‌کردند.

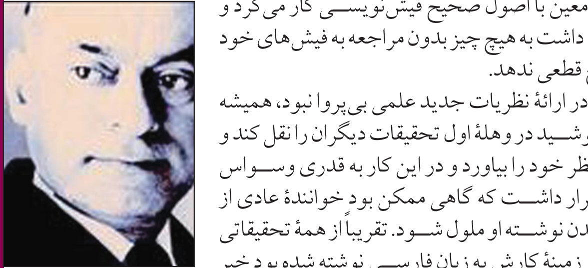
فرمان برای برقراری چیزهای ثابت صادر می‌شد و خرج استمراری هر ساله برای دولت ایجاد می‌کرد و اکثر راجع به دستورالعمل ولایات بود. ولی دولت مصارف فوق‌العاده مانند مخارج بیوتات سلطنتی و ابتیاع پاره‌ای اشیا و انعام و تکلف هم داشت که به خرج دستورالعمل ولایات نمی‌آمد و باید از خزانهٔ مرکزی پرداخته شود. برای این مصارف اگر به طور اعتبار، مبلغی به یکی از بیوتات یا اشخاص داده می‌شد، برات تحویل و گرنه برات صرف یا ابتیاع یا انعام یا تکلف صادر می‌گشت.

معلوم است برات تحویل، چون به رسم علی‌الحساب یا به اصطلاح امروزه وجه گردان یا اعتبار بود، حساب آن را باید بعداً رسیدگی کنند، ولی در سایر صیغه‌ها باید رسیدگی‌های لازم در همان حین صدور برات به عمل آید. طرز رسیدگی به این دو قسمت البته فرق داشت و مستوفی مکلف بود که در هر یک از دو قسمت، یادداشتها و دقتهای لازم را بنماید و در هر حال کلیهٔ بروات هم مثل فرمانها دستخط قبلی و امر صدراعظم و مهرهای اول و صحهٔ شاه و چهار ثبت و مهر طغرابی و مهر کوچکتر شاه را لازم داشت تا قابل پرداخت گردد. تمام این کارها به وسیلهٔ عزب دفتران در تحت ریاست عزب‌باشی انجام می‌گرفت. این عزب دفتران مواجب دولتی داشتند و به علاوه از هر براتی پنج هزار یا یک تومان و هر فرمانی یکی دو سه تومان هم از صاحب کار می‌گرفتند. بیوتات سلطنتی و اشخاصی که به وسیلهٔ براتهای تحویل وجوهی در سال گرفته بودند، باید حساب خود را نسبت به هر سال با اسناد خرج به وسیلهٔ مستوفی مربوط پس بدهند و مثل حکام مفاصا بگیرند و اسناد خرج آنها با تمام تشریفات نزد مستوفی ضابط سند خرج دولتی ضبط شود.

نگارستان

نسترن ملایی

دکتر محمد معین خالق فرهنگ معین / ۴
لغت‌شناس برجسته



معین با اصول صحیح فیش‌نویسی کار می‌کرد و سعی داشت به هیچ چیز بدون مراجعه به فیش‌های خود پاسخ قطعی ندهد.

در ارائهٔ نظریات جدید علمی بی‌پروا نبود، همیشه می‌کوشید در وهلهٔ اول تحقیقات دیگران را نقل کند و بعد نظر خود را بیاورد و در این کار به قدری وسواس و اصرار داشت که گاهی ممکن بود خوانندهٔ عادی از خواندن نوشته او ملول شود. تقریباً از همهٔ تحقیقاتی که در زمینهٔ کارش به زبان فارسی نوشته شده بود خبر داشت و زبان‌های فرانسوی و انگلیسی و آلمانی را خوب می‌دانست و، تا سرحدّ امکان و تا آنجا که آثار و نوشته‌های غربیان را در اختیار داشت، از تحقیقات آنان استفاده می‌کرد. پیوسته در حال مطالعه بود و این نکته از بررسی چاپ‌های متعدد کتاب‌های او، که همیشه چاپ جدید مطالب و مخصوصاً شواهدی افزون بر چاپ قبل دارد، به خوبی مشهود است. (صادقی ۱۳٦٤: ص‌ص ۲۲۰ـ۲۲۲)

صادقی می‌افزاید: معین، با این که بیشتر عمر خود را بر سر تألیف و تصنیف در زمینهٔ ادبیات قدیم و تصحیح متون و تدوین دستور و لغت فارسی نهاده بود، به ادبیات امروز ایران نیز علاقه و توجه داشت. در سال اول دانشکدهٔ ادبیات برای هر یک از دانشجویان موضوعی تعیین می‌کرد و مآخذ مربوط را به آنان می‌داد تا در آن باره رساله‌ای بنویسند. به خاطرم هست که بعضی از این رسالات دربارهٔ شعر نو و ادبیات معاصر ایران بود. آنچه در معین خیلی جالب بود و در کم‌تر کسی از همکاران او دیده می‌شد نداشتن تحجر و تعصب بود. ذهن او همیشه آمادهٔ پذیرفتن مطالب و تحقیقات جدید بود و به هیچ‌وجه با نوآوری مخالفت نداشت. برعکس بعضی از استادان و ادبای ما که فقط برای دانسته‌های خود قدر و غنیمت قایل‌اند و آنچه را دیگران می‌دانند تخطئه می‌کنند و ناچیز می‌شمارند، معین به معلومات و کار دیگران در هر زمینه‌ای که بود احترام می‌گذاشت. از آغاز جوانی، خویشتن را وقف زبان پارسی کرد. دوستانش به کارهای سیاست و ریاست روی آوردند و انواع مشاغل سیاسی و اداری را زیر پای در نوشتند، اما او جز به کتاب و درس دانشگاهش توجهی نکرد. زندگی محقری داشت، در یکی از خیابان‌های شلوغ تهران، در محلهٔ چهارصد دستگاه ژاله، و هیچ‌گاه آرزوی داشتن منزلی در محلات شمالی تهران و قرای دور و نزدیک را در خویش نپرورد. تا همین اواخر، نه چندان دور، با اتوبوس خط رفت و آمد می‌کرد و آرزوی اتومبیل مدل فلان را به دل راه نمی‌داد. (این نکته را من از بعضی شاگردان قدیمی او شنیدم.) با این که فراهم آوردن این گونه وسایل زندگی، برای مردی چون او، خواستنی بود و توانستنی.

با این همه، تصحیح متون خاصه متونی که برای تدریس به‌دانشجویان مناسب باشد همواره یک زمینهٔ عمدهٔ کار اوست و این نکته مخصوصاً ناشی از علاقهٔ او بود به نقش معلمی خویش؛ استادی متون، به همین سبب بود که با دقت و حوصله‌ای کم مانند به تصحیح مجدد و شرح و توضیح لغات و نکات ادبی چهار مقاله پرداخت و آن کتاب را که یک‌بار با حواشی و تعلیقات علامه‌قزوینی هم چاپ شده بود دوباره بادقت فوق‌العاده طبع کرد. طبع یک بخش از جوامع الحکایات عوفی، برگزیده نشر دورهٔ سامانی، و تحلیل هفت پیکر نظامی هم از همین گونه متون است که علاقه به امر تدریس، او را به تألیف آن‌ها واداشت. اما البته نقد متون را دکتر معین منحصر به‌متون درسی نکرد، متن الهیات دانشنامه علایی را به‌طور مستقل، متن منطق دانشنامه را به همراه سید محمد مشکوه و متن جامع الحکمتین، عبهرالعاشقین و شرح قصیدهٔ ابوالهیثم را به کمک هانری کربن تصحیح و نشر کرده. در این کار، دقت فوق‌العاده‌ای که او در ضبط نسخه‌های اساسی و اختلاف قرائت‌ها به کار می‌بست، متونی را که نشر می‌کرد از هر حیث دقیق و قابل اعتماد می‌کند. به‌علاوه علاقه و اهتمام آمیخته به وسواس او در رفع مشکلات لغوی این متون، حواشی و تحقیقاتش را مخصوصاً فوق‌العاده سودمند و آموزنده می‌دارد. سعی در حل و توضیح مشکلات این متون طبعاً گه گاه به‌غور در مسائل علمی ـ تاریخی، حکمت و ادیان می‌کشید و به کار معین رنگ دایره‌المعارف نگاری می‌داد.

اما برجسته‌ترین کارهای دکتر معین، مخصوصاً در زمینه لغت‌شناسی و دستور بود. آنچه معین را مخصوصاً در این دو زمینه توفیق بیشتری می‌داد، غیراز استعداد و ذوق خاص، آشنایی دقیق او بود با متون و تبحر کم نظیر او بود در فرهنگ باستانی ایران. رسالهٔ او در باب مزدیسنا و معاشرت و مصاحبت او با مرحوم پورداوود او را نسبت به زبان و فرهنگ ایران باستان علاقهٔ مند کرده بود. به‌علاوه، معین غیراز آشنایی با ترجمه‌ها و تحقیقات راجع به اوستا خودش هم با زبان پهلوی و پارسی باستان آشنایی کافی داشت. این مزیت تنگیاب را هم واجد بود که آشنایی با زبان پهلوی او را به سودای تسخیر و تصفیه زبان و زیر وروکردن میراث حافظ و فردوسی نینداخت. درهر حال، استاد معین، چند رساله پهلوی را به فارسی نقل کرد. یک چند در آموزشگاه شبانه ایرانشناسی به تدریس زبان پارسی باستان اشتغال جست و حتی چند مقاله تحقیقی هم دربارهٔ مسائل لغوی و ادبی مربوط به زبان پهلوی و پارسی باستان انتشار داد. آشنایی با زبان‌های اروپایی ـ خاصه فرانسوی و انگلیسی که از آن زبان‌ها بعضی رسالات و کتابهای تاریخی و ادبی را هم به فارسی نقل کرد ـ نیز نکته‌ای بود که معین را با تحقیقات امثال بیلی، هنینگ، بنونیست، دمناش و دیگران مربوط می‌داشت و به کارهای خود او در این گونه مباحث نیز عمق و مایه بیشتری می‌بخشید.

البته طرح‌های او راجع به دستور زبان فارسی ناتمام ماند و شاید به این زودی‌هاکسی نتواند این کار را چنان‌که او می‌خواست دنبال کند. اما کار او در زمینه لغت و اشتغال پیوسته او به درس تفسیر متون و همکاری عملی و مؤثرش در تدوین لغت‌نامهٔ دهخدا و استغراق پردامنه‌اش در تصحیح و نشر تعدادی از متن‌های کهنهٔ فارس وی را در آن کار ورزیده کرده بود، خوشبختانه پربار شد. طبع انتقادی جالبی که با حواشی و اضافات و همراه با ذکر اشتقاقات و ریشه لغات، از فرهنگ برهان قاطع نشر کرد تبحر و احاطه کم نظیر و فوق‌العاده او را در مسائل لغوی نشان داد. درست است که هنوز جای یک فرهنگ جامع مبتنی بر ذکر اشتقاق و شواهد تاریخی، آن‌گونه که این مایه تبحر و احاطه او می‌توانست به زبان فارسی هدیه کند خالی است اما فرهنگ خود او ـ فرهنگ معین ـ یک هدیه ارزنده است که دانش و حوصله و تبحر و نبوغ او به جامعه ادبی ما داد.

گفتگو

هومن ظریف

نکاتی درباره
یادداشت‌های علم

فرض می‌کنیم مخاطبان این سطور، امیر اسدالله عَلَم را نمی‌شناسند. ابتدا بگذارید پدر او را بشناسیم. محمدابراهیم یا شوکت‌الملک، حاکم بیرجند در دوران پادشاهی مظفرالدین شاه قاجار بود. او به خاطر دفع شورش‌های منطقه خراسان و استقلال رأی، با وجود قشون خارجی‌ها، امین رضاشاه پهلوی شد.

اسدالله علم، تنها فرزند پسر اوست.

اسدالله علم

آنچه مهم است در ابتدا عرض شود، این است که آنچه را که امروزه، خواننده محترم به عنوان یادداشت‌های علم در اختیار دارد، متن اصلی خاطرات اوست.

خاطرات او مهم است چون او مشاور و نزدیک‌ترین فرد در لایه‌های درونی زندگی محمدرضا شاه پهلوی بود. یعنی در آذر ماه سال ۱۳۴۵، عَلَم به جای حسین قدسی نخعی به وزارت دربار محمدرضاشاه منصوب شد و در ۲۸ تیر ماه سال ۱۳۵٦ برای آخرین بار نزد شاه می‌رود و سپس برای درمان سرطان به فرانسه می‌رود و ۲٦ فروردین ۱۳۵۷ در ۵۹ سالگی فوت می‌کند. این مسأله نشان می‌دهد که زندگی روزانه محمدرضا شاه پهلوی و طرز فکر و نگرش سیاسی و اجتماعی او چگونه است.

علم در نگارش یادداشت‌ها، مخفی کاری نکرده است، اگرچه احتیاط شرط عقلی بوده و هست. بسیاری از نکات انتقادی را به زبان طنز بیان کرده است و برای اینکه کاغذهایش را باد نبرد، آنها را در سفرهایی که به خارج از کشور داشته است در بانکی سوئیسی حفظ می‌کند.

سخت‌کوشی او در پایان کار توان‌فرسای روزانه و معمولاً نگارش خاطرات در نیمه‌های شب و وسواس او در ذکر جزئیات، یادداشت‌ها را بسیار مغتنم کرده است.

یادداشت‌های اسدالله عَلَم آنچنان صریح و بی‌پرده است که برخی از هوسرانی و جاه‌طلبی‌های خود و نزدیکانش را با آرزوی غفران الهی تذکر داده و مکتوب کرده است!

با توجه به زمان مرگ او و نحوه نگارش یادداشت‌ها، او هرگز مانند بسیاری از مورخان فرصت نیافته است در زمان انقلاب اسلامی یا آغاز دیوان‌سالاری انقلاب، در دست‌نوشته‌های خود، خدشه‌ای وارد کند یا نکته‌ای از این بابت توسط او مصادره به مطلوب شود. او پیش از انقلاب مُرد ولی می‌دانست و اخطار می‌داد که کشتی نابسامان کشور به گِل می‌نشیند و هر از گاهی در یادداشت‌های خود از مماشات و صبر محمدرضا پهلوی گله‌مند بود.

اما اسدالله عَلَم در چه خانواده‌ای می‌زیست. پدر او، امیر شوکت‌الملک مردی بود شیفته هنر و ادب. با شاعران نوآور زمان خود، ایرج میرزا و عشقی و برخی نقاشان معاصر ایران، نظیر کمال‌الملک، دوست بود.

با کلنل علینقی وزیری، که پیشگام نوسازی معاصر ایرانی و دو سال از سوی ارتش، مأمور بیرجند بود، دوستی بسیار نزدیک داشت و فرزندان او، کلنل راعمو خطاب می‌کردند. مدتی عبدالحسین شهنازی، نوازنده تار را استخدام و به بیرجند برد و پس از او نیز حبیب سماعی، استاد سنتور، از قشون قائنات و نزد او بود. اسدالله عَلَم در پایان ۱۳۲٤ به حضور شاه معرفی شد و سپس رهسپار زاهدان به عنوان فرمانداری کل سیستان و بلوچستان، شد. اقامت عَلَم در زاهدان باعث شد که او با شیوه کار سازمان‌های اداری و انتظامی پی ببرد و سپس در ۲٤ دی ۱۳۲۸، در دولت محمّد ساعد، به مقام وزارت کشور رسید و جوان‌ترین وزیر پس از مشروطیت شد. سپس در سال ۱۳۲۸ وزیر کشاورزی و در سال ۱۳۲۹، وزیر کار شد. در ۱۳۳۱، عَلَم به سرپرستی املاک پهلوی گماشته شد.

در دولت مصدق، اسدالله عَلَم به بیرجند تبعید شد. سپس در کش و قوس مسائل تاریخی، در ۳۰ تیر ۱۳٤۱، عَلَم به نخست‌وزیری گمارده شد. در آن سالها، و در واقع در ۱۵ خرداد ۱۳٤۲، تظاهرات در اطراف بازار تهران آغاز شد و عَلَم، تلفنی به سپهبد نصیری، دستور تیراندازی داد. خونسردی و قاطعیت اسدالله علم دستور تیراندازی باعث شد که مسئولان انتظامی توانستند، در چند ساعت به این تظاهرات پایان دهند.

ادامه دارد

آینه

زیر نظر: دکتر محمدکاظم حسینیان

خاطراتی از درون دربار
محمدخان کوتوله؛ قاصد مخصوص

۱۲ نوامبر = ۱۸ ربیع الاول

اندرون در قسمت شمالی قصر است و من تاکنون چندبار داخل آن شده‌ام، گاهی از در نارنجستان که مخصوص رفت و آمد شاه است، گاهی نیز از در معمولی که از راه خیابان در اندرون به در الماسیه منتهی می‌شود. این در اخیر که نیز به اندرون راه دارد هیچ وقت باز نیست و اینکه آن را به این اسم موسوم ساخته‌اند به علت آیینه‌های کوچکی است که روی آن کار گذاشته‌اند و از دور مثل الماس می‌درخشد.

هر وقت که از در نارنجستان داخل شوم به دستور شاه و در این صورت خواجه سرایی به امر او مرا تا اندرون هدایت می‌کند ولی اگر از اندرون مرا برای عیادت مریضی بخواهند از در خارج می‌روم تا به حیاطی که خواجه سرایان در آنجا منزل دارند می‌رسم و پیش آغاباشی که سیاهی بلندبالا و لاغر اندامی حبشی است می‌روم، جناب اعتماد الحرم اگر هم همیشه همراه من همه جا نیاید اقلاً مرا تا دری که در آخر دالانی است هدایت می‌کند و آنجا به خواجه سرایان مخصوص خانمی که باید به عیادت او بروم تحویلم می‌دهد و من از دری که فوراً از عقب به روی ما بسته می‌شود داخل حیاط بزرگی می‌شوم و می‌بینم که یک عدهٔ زیاد زنانی که خود را در چادر سفیدی مثل کفن پیچیده‌اند به فریاد خواجه‌سراها هر کدام به گوشه‌ای متواری می‌شوند و به اطاق‌های خود که همه طرف حیاط را گرفته جز طرف جنوبی که متکی به موزه و نارنجستان است یا به حیاط‌های کوچک‌تر دیگری می‌روند.

در وسط این حیاط بزرگ که باغچه‌هایی مربع شکل دارد و درخت چنارهای بلند و پربرگ در آنها کاشته شده عمارت دو طبقه‌ای است بنام خوابگاه که شاه معمولاً شب‌ها در آنجا استراحت می‌کند.

عمارت خوابگاه که مربع شکل است برروی زمین کم ارتفاعی ساخته شده و دورادور آن غلام گردشی است با ستون‌های عدیده و به‌توسط پلکانی به مرتبه اول راه دارد و در جلوی آن سردری است که به شکل طاق بر روی آن قرار گرفته و در وسط این سردر یک پلکان مرمری است با پانزده پله.

عمارت خوابگاه از بالا منتهی می‌شود به بام مسطحی که در دور آن نرده کم ضخامتی کشیده و روی آن گلدان‌هایی پر از گل گذاشته‌اند و همین کیفیت نمایش و جلوهٔ عمارت را بیشتر کرده.

چهار طرف عمارت با حجاری و سرستون‌های گچی و نقوش گچ‌بری تزئین شده و بر سر در پنجره‌های بیضوی شکل آن از گل و بوته گچ‌بری‌های بسیار زیبا ساخته‌اند و به این ترتیب در تمام طبقات عمارت رعایت شده.

البته کسی که در چنین قصر آرام مجللی که هزار زن به پاسداری آن مشغولند می‌خوابد بهترین خواب‌ها را می‌بیند و به خوش‌ترین وضعی سر بربالین استراحت می‌گذارد.

بلی هزار زن بلکه اگر بتوان به گفته کسی که بی‌اطلاع نبود اطمینان حاصل کرد از این مقدار هم بیشتر!

این عده زن که در اندرون زندگی می‌کنند مثل گله‌ای که به چوپانانی سپرده باشند تحت نظر چهل تن خواجه‌سرای سفید و سیاه‌اند.

شاهنشاه ایران با چنین جاه و جلال شاید حق داشته باشد که پادشاهان دیگری را که ساده و بدون این قیود و دستگاه‌ها زندگی می‌کنند به دیدهٔ تحقیر بنگرد چنانکه ناصرالدین شاه در سفر اول خود به فرنگستان وقتی که ملتفت شد که ویلهلم اول امپراطور آلمان یک زن بیشتر ندارد و ملکه اگوستا را به او معرفی کردند گفت عجب امپراطور آلمان یک زن بیشتر ندارد آن هم به این پیری.

در میان سوگلی‌های اندرون ناصرالدین شاه دو نفر نظر به مشاغلی که در عهدهٔ ایشان گذاشته اهمیت خاصی دارند، یکی انیس الدوله که مأمور پذیرفتن خانم‌های فرنگی محترم است دیگری امینه اقدس که کلیددار خزانه پادشاهی است.

خانم‌های اندرون به چند طبقه منقسم‌اند: طبقهٔ اول زنانی که شاهزاده خانم‌اند و پسرانشان می‌توانند به سلطنت برسند، طبقه دیگر زنان سوگلی که بعضی از ایشان به ملاحظاتی بر شاهزاده خانم‌ها برتری یافته‌اند.

زنان طبقهٔ اول هریک عمارتی مخصوص به خود دارند در صورتی که زنان طبقه دیگر اکثر با هم در یک جا منزل می‌کنند یا اینکه هریک به عنوانی به خدمت یکی از زنان سوگلی منتسب‌اند.

تمام این زنان به نسبت مقامی که در هریک

> **تهران که تقریباً دارای ۱۳۰/۰۰۰ نفر جمعیت است در دورادور خود بارویی دارد**

از دو طبقه دارند از شاه مواجب می‌گیرند مگر بعضی از زنان طبقهٔ دوم که خرجشان با حرم‌های سوگلی است و شاه فقط به آنها گاه گاهی انعامی می‌دهد.

لباس زنان اندرون نسبتاً ساده است و تفصیل زیادی ندارد، یلی برتن دارند که جلوی آن را از سینه به پایین با دکمه می‌بندند و تا پایین کمر می‌آید و از زیر آن پیراهن کوتاهی پیداست و زیرجامه‌ای می‌پوشند که از زانو پایین‌تر نمی‌آید و روی آن شلیتهٔ پربادی است.

نیم تنه و پیراهن بقدری کوتاه است که با هر تکان مختصری قسمتی از بالاتنه نمایان می‌شود.

برای آنکه چیزی از قلم نیفتاده باشد می‌گوییم که این زن‌ها غالباً چهارقدی بر سر می‌اندازند و آن را در زیر چانه گره می‌زنند برای آنکه گیسوان زیاد و بافتهٔ ایشان را که روی دوش و پشت سرشان آویزان است مستور دارد بعلاوه بعضی از ایشان جوراب سفید نازکی نیز بپا می‌کنند، خلاصه لباس همه از پیر گرفته تا جوان به همین وضع است.

زنی که می‌خواهد در اندرون حرکت کند چادرنمازی بر سر می‌اندازد و دم در کفش خود را می‌پوشد و حرکت می‌کند اما اگر بخواهد بیرون بیاید حرکت صورتی دیگر دارد به این معنی که به لباس مخصوص تمام زن‌های مسلمان که اجباراً باید همان را در بر کنند در می‌آید تا به آزادی بتواند در کوچه‌ها قدم بزند.

در کوچه لباس همهٔ زن‌ها یکی است تا آنجا که شناختن ایشان حتی بر شوهرانشان نیز ممکن نیست.

زن بعد از آنکه شلوار بلندی را که آبی تیره و گاهی هم بنفش و اگر سیده باشد سبز است و تا بند پا را می‌گیرد پوشیده چادری سیاه یا نیلی رنگ که آستین ندارد و تا مچ پایین می‌آید و همه اندام را می‌پوشاند بر سر می‌اندازد و صورت را در زیر روبندی مخفی می‌کند و از سوراخ‌های آن که بی‌شباهت به غربال کوچکی نیست می‌بیند و نفس می‌کشد.

اگرچه این لباس رو برای همه زنان ایرانی از جهت شکل و رنگ و جنس پارچه یکی است لیکن نباید تصور کرد که حال لباس زیر هم همین است.

اندرون شاهی مرکز تفنن بازی و آرایشگری زنهاست و از هرجا بیشتر در آنجا بازار آن رواج دارد و جایی است که نمایشگاه مخصوص جواهرات گران‌قیمت و پارچه‌های نفیس و البسه زربفت محسوب می‌شود و هر زنی دربند این است که با چه آرایش و نمایشی رقبای خود را سرافکنده و دوستان خود را شاد نماید. مثلاً اگر زنی می‌خواهد که لباسش از جهت جلوه و جمال منحصر باشد می‌فرستد هرچه از آن پارچه در بازار بدست می‌آید بخرند تا دیگری نتواند از همان لباس داشته باشد و من زنی را می‌شناسم که در عرض یک ماه برای همین قبیل خریدها ۳۰/۰۰۰ فرانک پول داده است.

اما جواهرات که درآرایش جای خود دارد بخصوص در مملکتی مثل ایران که معدن مروارید و فیروزه است و هرکسی یک قسمت مهم از ثروت خود را صرف خرید جواهرات می‌کند.

قیمت جواهراتی را که شاه در روزهای سلام با خود دارد تا صدمیلیون تخمین زده‌اند اگرچه قیمت جواهراتی که بعضی از اهل حرم با خود دارند هرگز به این پایه نمی‌رسد ولی باز آن هم نماینده مبلغ خطیری است.

پیش از آنکه از اندرون خارج شویم باید از محمدخان کوتوله نیز که قاصد مخصوص اعلیحضرت و پیغام بر او پیش اهل حرم است ذکری بکنیم:

نباید تصور کرد که اهمیت این مرد هم به تناسب قد اوست، اگرچه او مؤدب و متواضع است و وقتی که در خیابان‌های گلستان قدم می‌زند دست‌های خود را در آستین کرده بر روی سینه صلیب‌وار می‌گذارد لیکن پیش شاه و نسوان حرم به علت محرمیتی که دارد بسیار متنفذ و مقتدر محسوب می‌شود.

جای این سؤال باقی است که آیا با وجود دیوارهای بلند اندرون و زندگانی صومعه‌نشینی زنان حرم و چادر و روبند و خواجه سرایانی که دائماً مواظب ایشانند این زنان دست از پا خطا نمی‌کنند و مرتکب امری که این همه از آن وحشت دارند نمی‌شوند؟ من که در این باب شک دارم.

حکایت یکی از دختران شاه که فقط نسبت نزدیک او به اعلیحضرت او را از غضب ملوکانه نجات داد و همدستش جابجا به قتل رسید و داستان زن دیگری که به این اندازه با شاه قرابت نداشت و نتوانست موجب حامله بودن خود را بیان کند و نزدیک بود که به قتل برسد همه شاهد صدق این مدعی است.



۱٤ نوامبر = ۲۰ ربیع‌الاول

شاهزاده ظل‌السلطان پسر ارشد شاه که دو روز است به تهران وارد شده کالسکهٔ خود را پی من فرستاد.

عمارت او که در قسمت شمال شرقی شهر واقع شده در ورودی مجللی دارد که بالاخانه‌ای روی آن است و مثل در خانه هریک از محترمین قراولانی دم در آن پاسداری می‌کنند.

پس از آنکه از این در گذشتیم از حیاط بزرگی که حوض‌های پر آب و باغچه‌های پرگلی دارد می‌گذریم بعد به عمارت اصلی می‌رسیم که درهای بزرگ و سردری بلند دارد. غلامی مرا به تالار بزرگی برد که بزرگی آن از بزرگی عمارت و عظمت مقام صاحب آن حکایت می‌کرد.

بعد از چند لحظه انتظار جهت اعلام ورود من به حضرت والا مرا به اطاقی که نور ضعیفی آنرا روشن کرده بود هدایت نمودند، شاهزاده را دیدم که با تأنی و وقار مخصوصی به بازی شطرنج مشغول بود عیناً مثل اینکه به حل یکی از معضلات مملکتی مشغول است.

به من گفت که از این بازی اطلاعی داری؟ که من تاکنون هیچ وقت در بازی شطرنج نباخته‌ام. این بیانات را شاهزده با سلاست مخصوص می‌گفت و وقتی که من به او نزدیک شدم مرا به نشستن به پهلوی خود دعوت کرد و لابد قصد او این بود که من مهارت او را در بازی تحسین کنم.

ظل‌السلطان مردی است تنومند و کوتاه قامت و چهل سال دارد، موی سر و سبیل و ابروان او سیاه سیر است و پوست بدنش بسیار تیره رنگ، چشم چپش لوچ و از چهره‌اش سخت‌کشی و رعونت می‌بارد، کلامش کوتاه و قاطع است و می‌فهماند که او به فرمان دادن و مردم را به اطاعت واداشتن عادت کرده است. از این مراتب گذشته او در مملکت مظهر قدرتی است که موجب نگرانی شده و شاه به اشارهٔ صدراعظم علی‌الاجبار به محدود کردن او قیام نموده است.

پسر ارشد شاه بر تمام جنوب ایران حکومت می‌کند و پایتخت او اصفهان است که در میان پایتخت‌های سابق این مملکت هنوز مقام اول را دارد، ظل‌السلطان در آنجا در حقیقت سلطنت می‌کرده و اختیار جان و مال زیردستان خود را داشته.

این شاهزاده در اصفهان به تهیه قشونی دست زده بود که می‌توانست هر آن او را در اجرای منویاتش کمک کند و اگر روزی می‌خواست چنانکه خود عیناً گفته بود که بر برادر خود یعنی ولیعهد قانونی مملکت بشورد و مدعی سلطنت او شود از او پشتیبانی نماید.

صدراعظم چون از این خیالات ظل‌السلطان اطلاع یافت و دانست که او مقاصدی از این قبیل درسر دارد و وجودش تهدیدی برای آینده مملکت است بعلاوه در بی‌رحمی و افزایش ثروتی که بی‌پایان است از هیچ اقدامی صرف‌نظر نمی‌کند و مردم همه از او در وحشت‌اند شوکت او را هم در هم شکست و از حکومتش انداخت.

شاید جمع مال مرض ارثی تمام قاجاریه باشد چه پدر او ناصرالدین شاه هم گذشته از جواهرات میلیون‌ها پول نقره و طلا دارد که در کیسه‌های مهر شده در اندرون محفوظ است و شاه گاه‌گاه آنها را که به نظم تمام روی هم چیده‌اند با سر عصا می‌شمارد.

۱۹ نوامبر = ۲۵ ربیع‌الاول

اعلیحضرت امروز به قولی که در راه باب‌نمودن موزه به من داده بود وفا کرد و ناظر خود مجدالدوله را مأمور نمود که با من همراه باشد.

نردهٔ آهنی جلوی سردر و در خود عمارت باز بود، با هم از پله‌ها بالا رفتیم و ابتدا در طرف چپ به تالار بزرگی وارد شدیم که از کثرت آینه‌کاری و چهل چراغ می‌درخشید، این تالار را تالارشوری می‌گویند.

درست در وسط یک تخته قالی اعلی که بر روی زمین افتاده و نقش آن مربع‌هایی است که دورادور آنها گلدان‌هایی ساخته‌اند سه نفر میرزا نشسته و بی‌سر و صدا مشغول تحریرند.

قلمدانی در زیر بازوی چپ و کاغذی در دست چپ بین شست و چهار انگشت باز خود دارند و در دست راست ایشان قلمی نیی است و مثل عثمانی‌ها و عرب‌ها از راست به چپ می‌نویسند ولی برای آنکه به سنی‌ها تشبیه نکرده باشند از بالای کاغذ به نوشتن شروع می‌کنند در صورتی که سنی‌ها از پایین ابتدا می‌نمایند.

در ته تالار مابین دو پنجرهٔ هلالی شکل تخت مشهور طاووس به جلوهٔ تمام می‌درخشد، این تخت گرانبهاترین غنایمی است که نادرشاه بعد از مغلوب‌کردن پادشاه هند از دهلی به ایران آورده است. تخت طاوس به تخت مرمر شبیه است و مثل آن حکم بستر را دارد و جنبهٔ تختی آن کمتر است. در اطراف قسمت افقی تخت به استثنای پایه‌ها که به دو پله مرتبط و بر میزی متکی خزینه آب گرم و ده دقیقه هم بیرون از هر دو داخل حمام که به بخار گرم شده می‌ماند سپس برای او حوله‌های پشمی می‌آورند و او به سر بینه می‌آید و تا مدتی در آنجا دراز می‌کشد و گاهی قریب به یک ساعت در آنجا می‌ماند تا خوب بحال بیاید.

بعد از استراحت نوبت آرایش می‌رسد و این کار بسیار دقیق و طولانی است، با حنا ناخن‌های دست و پا را رنگ و با سرمه مژگان را سیاه و بزرگتر می‌کنند و آنها را مصنوعاً تا بالای بینی می‌کشند و واجبی نیز در مورد خود بکار می‌رود، گیسوان را مثل حصیر رشته‌رشته می‌بافند. خلاصه در آرایش زنی که شاه دستمال خود را قبلاً بسمت او انداخته و شب باید آمادهٔ هم بستری باشد از رعایت هیچ‌نکته فروگذاری نمی‌شود... مدت دوام این آرایش نصف روز تمام است.

تهران حمام‌های متعدد به همین وضع دارد لیکن مردم غیرمسلمان نمی‌توانند به آنها قدم بگذارند.

۲۷ فوریه = ۷ رجب

تهران که می‌گویند از کلمهٔ «طاهر» مشتق است در زمستان بهیچ‌وجه شایستهٔ این عنوان نیست زیرا که باران که از بهار تا آخر پاییز اثری از آن در میان نبود این ایام تمام خاک معابر را به گل مبدل ساخته است و برفی که در ماه قبل در شب‌های سرد زمستان باریده و آن را از بام‌ها به کوچه ریخته‌اند در معابر تنگ محلات قدیمی هرگونه عبور و مرور را مشکل ساخته است، تنها ارک از این حالت مستثنی است زیرا که اگر هم برف‌های آن را بیرون نبرده باشند لااقل آنها را در بعضی قسمت‌ها روی هم جمع کرده و راه رفت و آمد را باز نموده‌اند.

تهران که تقریباً دارای ۱۳۰/۰۰۰ نفر جمعیت است در دورادور خود بارویی دارد که آن را منحصراً از گل ساخته‌اند. این بارو به شکل هشت‌ضلعی نامنظم یا بهتر بگوییم مربعی است که چهار دیوار کوچک اضلاع آن را قطع کرده‌اند. امتداد اضلاع این بارو درست شمالی جنوبی یا شرقی غربی است و در هر طرف از چهار جهت آن سه دروازه است که مجموعاً دوازده دروازه می‌شود ولی در ضلع شمالی امروز دو دروازه بیشتر نیست زیرا که دروازه شمیران را در موقع ساختن دیوار شمال شرقی بارو از میان برده‌اند.

هر یک از این دروازه‌ها طاق‌هایی برج‌دار و بلند دارند و آنها را با کاشی‌های الوان مزین ساخته‌اند و شباهت آنها بیکدیگر زیاد است.

ما بین شهر تهران و این بارو فاصله زیاد است چه در هر طرف آن باغ‌های محصور وسیع و اراضی بایر پهناور و مزارع و موستان و قبرستان خانه‌های شهر را از بارو جدا کرده‌اند.

میدان توپخانه که یک عده توپ در آنجا هست و در شمال ارک قرار دارد در حقیقت میدان مرکزی شهر است. از شش دروازه آن که از آنها دو دروازهٔ سمت ارک مهمتر محسوب می‌شود به چهار جهت شش خیابان بزرگ ممتد است که

> **پسر ارشد شاه بر تمام جنوب ایران حکومت می‌کند و پایتخت او اصفهان است که در میان پایتخت‌های سابق این مملکت هنوز مقام اول را دارد**

در دو طرف غالب آنها درخت کاشته‌اند و در بیشتر اوقات سال بخصوص در بهار و پاییز از کنار آنها نهر آبی نیز می‌گذرد.

این خیابان‌ها عبارت‌اند از خیابان امین‌السلطان (خیابان علاءالدوله سابق) و لاله‌زار در شمال که از محلات نوساز تهران می‌گذرند، دو خیابان الماسیه و ناصریه در جنوب که به ارک و بازار و محلات قدیمی پایتخت متوجه‌اند، خیابان چراغ گاز که از آن هم می‌توان به دروازهٔ شمیران رفت و هم به ایستگاه راه‌آهن شاهزاده عبدالعظیم. خیابان دیگر خیابان مریضخانه است که راه قزوین و اروپا از آنجاست.

اگر خیابان مریضخانه را از طرف مغرب و خیابان چراغ گاز را از طرف مشرق امتداد دهیم می‌توان گفت که تهران کهنه در جنوب این خط و تهران نو در شمال آن قرار دارد.

قسمت شمالی تهران به داشتن کوچه‌های زیبا و مستقیم و حیاط‌ها و باغ‌های وسیع و عمارات زیاد ممتاز است بخصوص که تمام سفارتخانه‌های خارجی غیر از سفارت روس که در آخر خیابان چراغ‌گاز در جانب قسمت قدیمی شهر است بقیه در این قسمت شمالی واقع شده.

اگر از میدان توپخانه به سمت شمال دو خیابان شمالی‌جنوبی را بگیریم عمارت صدراعظم و باغ لاله‌زار و سفارتخانه‌های ممالک اروپایی و ممالک متحدهٔ آمریکا و عثمانی و عمارت و ابنیه جهانگیرخان وزیر صنایع و باغ بزرگ امین‌السلطان را در سر راه می‌بینیم.

در برگشتن اگر خیابان سیف‌الدوله خیابان شاه‌آباد را اختیار کنیم به عمارت بهارستان می‌رسیم که امروز اقامتگاه یحیی خان مشیرالدوله است و باغ وسیعی دارد که مدرسه بزرگ سپهسالار با وجود عظمت به هیچ وجه فضای آنرا تنگ نکرده.

کمی فاصله از میدان بهارستان در ضلع جنوب‌غربی کوچه‌ای که از آنجا به لاله‌زار برمی‌گردند منزل شاهزاده ظل‌السلطان واقع است و ظل‌السلطان غیر از این خانه، مالک پارکی است نزدیک باروی شهر قریب به پارک امین‌الدوله.

از میدان بهارستان اگر امتداد خیابان نظامیه را بگیریم طرف دست چپ ما مسجد سپهسالار است بعد از آن به خانه محقر دوست من اعتمادالسلطنه می‌رسیم که بی‌سر و صدا در آنجا در میان کتب خود زندگی می‌کند، طرف دست راست قبرستانی قدیمی است و بعد از آن چند قدمی سفارت روس به خیابان چراغ گاز وارد می‌شویم.

میدان دیگر شهر میدان مشق است که میدانی وسیع و محصور است و در قسمت تازه‌ساز شهر و برای مشق نظامیان ساخته شده و گاهی هم شاه سپاهیان را در آنجا سان می‌بیند. در میدان مشق نزدیک در غربی میدان توپخانه است یعنی همین که چند قدم از این در خارج و در خیابان مریضخانه داخل شدید به در میدان مشق می‌رسید.

خیابان الماسیه که داخل ارک می‌شود و خیابان ناصریه یا خیابان شمس‌العماره یعنی دو خیابان جنوبی میدان توپخانه راه وصول به محلات قدیمی شهراند و در این محلات جز ایرانی کسی دیگر ساکن نیست.

کوچه‌ها و محلات تنگ و پرپیچ و خم است و جمعیتی که چندان پاک و پاکیزه هم نیستند در هر قدم در رفت و آمداند. کثافت آنها بی‌نهایت است مخصوصاً پایین بازار و در کوچه‌هایی که راه میدان قاپوق و میدان مال‌فروش‌ها و محله یهودی‌ها است ممکن نیست که انسان از آنها بگذرد و دائم با بوی عفونت لاشه‌مردار همراه نباشد.

محله بازار در جنوب و جنوب‌شرقی ارک است و اختصاص آن به کوچه‌های طاقداری است که جابجا سقف آنها را برای جریان هوا و رسیدن نور سوراخ کرده‌اند. وجود این طاق‌ها عابرین و کسبه را در تابستان از شدت آفتاب و در زمستان از برف و باران محفوظ می‌دارد.

تمام ایام سال و در هر ساعت از روز از صبح تا غروب این بازارها پر از جمعیت است با این حال شترها و قاطرهایی که بار دارند از آنجا می‌گذرند.

ادامه دارد

ایران

زهیر رضوی ٦

از میراث مستوفی
صد تومن مواجب

...باید قبض رسیدهای مصارف و مواجب اشخاص تحویل مستوفی شود تا مستوفی دقتهای لازم را در صحت صدور رسیدها به عمل آورد و محاسبه را تنظیم کند و اگر باقی داشته باشد، حاکم نقداً باید به خزانه بپردازد و قبض رسید خزانه تحویل کند که محاسبه باقی و فاضلی نداشته باشد.

بعد از این اقدامات، مستوفی محاسبه نوشته حاضر را به دفترخانه می‌برد تا رسیدگی نهایی در آن عمل آید. مستوفی ضابط اسناد خرج حکماً باید در این رسیدگی نهایی شرکت کند و در ذیل کتابچه این محاسبه، صحت محاسبه و تحویل گرفتن اسناد خرج را تصدیق نماید، سپس به امضای مستوفی‌الممالک و صدراعظم برسد و شاه آخر همه ذیل آن را صحه بگذارد و به حاکم صاحب جمع بدهند. کتابچه این محاسبه که به امضای همه رسیده بود، مفاصای صاحب جمع محسوب می‌گشت که هر وقت در یکی از قلمهای جمع یا خرج آن احیاناً اختلافی ظاهر شود، اصل و سواد آن در دست صاحب جمع و مستوفی حاضر باشد.

دفتری که حاوی سواد محاسبهٔ سالهای گذشتهٔ هر ولایت بود، دفتر محاسبه موسوم بود. دفتر اول و چهارم (جزء جمع و محاسبه) هر ولایت برای مستوفی آن ولایت از لوازم محسوب می‌شد. آن دو دفتر دیگر (دستورالعمل و اوراجه) برای مستوفیانی که در رسیدگی نهایی محاسبه‌ها شرکت داشتند، لازم و برای سایرین تا اندازه‌ای که مربوط به قلمروی استیفایی خود آنها بود از لوازم، و زیادتر از آنش تجمل و استحسان به شمار می‌آمد.

مستوفیان مأمور رسیدگی نهایی را، مستوفی پای سند می‌گفتند و عدهٔ آنها از دو سه نفر بیشتر نبود و آنها بودند که باید بروات و فرمانها را قبل از مهر صدراعظم و صحهٔ شاه ثبت و مهر کنند و ضامن صحت آنها باشند. بعد از آنکه فرمانها و براتها از مهر صدراعظم و بالاخره از صحهٔ شاه هم می‌گذشت، باقی مستوفی‌ها پشت آنها را علامت ثبت می‌گذاشتند و مهر می‌کردند.

اینکه در فرمانها نوشته می‌شد: «مقرر آنکه مستوفیان عظام شرح فرمان مبارک را ثبت و ضبط نموده و در عهده شناسند» معنی داشت و مستوفی‌ها هم شرح فرمان را ثبت و ضبط می‌کردند و هم اجرای مدلول آن را برعهدهٔ دولت می‌شناختند و به آن عمل می‌کردند. مثلاً اگر فرمان مواجب بود، هر ساله به خرج یکی از ولایات منظور می‌کردند و اگر فرمان تیول بود، تیولی را از جمع حاکم مستثنا می‌نمودند و هرگاه فرمان اعطای خالصه و اقطاع بود، ده اعطایی را از خالصه‌جات ولایت مجزا می‌کردند و به آن عمل اربابی معمول می‌داشتند. فرمانهای لقب هم مثل این فرامین به ثبت مستوفی‌ها می‌رسید و عهده شناختن آنها به نوشتن این لقب در دفاتر دولتی یا هر جا که اسمی از صاحب لقب باید برده شود بود. حتی برای خطاب جنایی هم باید فرمان صادر شود و تا کسی به این امتیاز ممتاز نمی‌شد، هیچ‌کس این عنوان را جلوی اسم او نمی‌گذاشت.

فرض کنیم می‌خواستند صد تومان مواجب به کسی بدهند یا همین مبلغ را بر مواجب سابق او بیفزایند، شاه باید دستخطی خطاب به شخص اول کشور صادر کند که این مبلغ را در حق او برقرار کنند. این دستخط که همیشه در صدر عریضهٔ ذینفع صادر شده بود، به صدراعظم نموده می‌شد، صدراعظم در حاشیهٔ همان عریضهٔ موشح به دستخط شاه، خطابی به مستوفی‌الممالک در اجرای دستخط می‌نوشت، مستوفی‌الممالک باید یا از اضافه جمع بی‌ضرر مانند دهات تازه آباد (جدیدالنسق) یا از ثلث متوفیات، محلی برای آن تعیین کند و به مستوفی ولایتی که این محل ضرر در آن اتفاق می‌افتاد، امر بدهد که مثلاً از ثلث فلان متوفی یا از اضافه جمع فلان ده جدیدالنسق این صدتومان را برقرار نماید. این مستوفی فرمانی می‌نوشت و در حاشیهٔ آن برقراری این یکصد تومان را در حق این شخص با قید اینکه از چه محلی است و به موجب دستخط شاه و امر مقامات عالیه این مواجب برقرار شده است، در دو سطر کوتاه در حاشیهٔ سمت راست فرمان می‌نوشت و مهر می‌کرد. این فرمان به نظر مستوفیان پای سند که مهر اول می‌کردند می‌رسید و آنها هم دستخط شاه و حکم صدراعظم و مستوفی‌الممالک را می‌دیدند و سپس وارد صحت و سقم محل این مواجب می‌شدند. البته با چهار نفری که داشتند، بخوبی می‌توانستند تفتیش و تشخیص خود را مجری دارند. همین که از هر حیث موضوع بی‌عیب از کار درآمد، فرمان را مهر می‌کردند. صدراعظم که مهر آنها را می‌دید، پشت محل صحه را مهر می‌کرد و شاه فرمان را صحه می‌گذاشت. آن وقت فرمان به مهر چهار نفر از رجال که صدراعظم و مستوفی‌الممالک و صاحب دیوان و منشی‌الممالک باشند می‌رسید. ثبت این چهار مهر، طغرابی به شکل گلابی بود. بعد از همهٔ اینها فرمان به مهر شاه که نزد مهردار بود نیز می‌رسید و آن وقت سایر مستوفی‌ها هم پشت آن را مهر می‌کردند.

> **فرمان برای برقراری چیزهای ثابت صادر می‌شد و خرج استمراری هر ساله برای دولت ایجاد می‌کرد**

فرمان برای برقراری چیزهای ثابت صادر می‌شد و خرج استمراری هر ساله برای دولت ایجاد می‌کرد و اکثر راجع به دستورالعمل ولایات بود. ولی دولت مصارف فوق‌العاده مانند مخارج بیوتات سلطنتی و ابتیاع پاره‌ای اشیا و انعام و تکلف هم داشت که به خرج دستورالعمل ولایات نمی‌آمد و باید از خزانهٔ مرکزی پرداخته شود. برای این مصارف اگر به طور اعتبار، مبلغی به یکی از بیوتات یا اشخاص داده می‌شد، برات تحویل و گرنه برات صرف یا ابتیاع یا انعام یا تکلف صادر می‌گشت.

معلوم است برات تحویل، چون به رسم علی‌الحساب یا به اصطلاح امروزه وجه گردان یا اعتبار بود، حساب آن را باید بعداً رسیدگی کنند، ولی در سایر صیغه‌ها باید رسیدگی‌های لازم در همان حین صدور برات به عمل آید. طرز رسیدگی به این دو قسمت البته فرق داشت و مستوفی مکلف بود که در هر یک از دو قسمت، یادداشتها و دقتهای لازم را بنماید و در هر حال کلیهٔ بروات هم مثل فرمانها دستخط قبلی و امر صدراعظم و مهرهای اول و صحهٔ شاه و چهار ثبت و مهر طغرابی و مهر کوچکتر شاه را لازم داشت تا قابل پرداخت گردد. تمام این کارها به وسیلهٔ عزب دفتران در تحت ریاست عزب‌باشی انجام می‌گرفت. این عزب دفتران مواجب دولتی داشتند و به علاوه از هر براتی پنج هزار یا یک تومان و هر فرمانی یکی دو سه تومان هم از صاحب کار می‌گرفتند. بیوتات سلطنتی و اشخاصی که به وسیلهٔ براتهای تحویل وجوهی در سال گرفته بودند، باید حساب خود را نسبت به هر سال با اسناد خرج به وسیلهٔ مستوفی مربوط پس بدهند و مثل حکام مفاصا بگیرند و اسناد خرج آنها با تمام تشریفات نزد مستوفی ضابط سند خرج دولتی ضبط شود.

نگارستان

نسترن ملایی

دکتر محمد معین خالق فرهنگ معین/ ٤
لغت‌شناس برجسته

معین با اصول صحیح فیش‌نویسی کار می‌کرد و سعی داشت به هیچ چیز بدون مراجعه به فیش‌های خود پاسخ قطعی ندهد.

در ارائهٔ نظریات جدید علمی بی‌پروا نبود، همیشه می‌کوشید در وهلهٔ اول تحقیقات دیگران را نقل کند و بعد نظر خود را بیاورد و در این کار به قدری وسواس و اصرار داشت که گاهی ممکن بود خوانندهٔ عادی از خواندن نوشته او ملول شود. تقریباً از همهٔ تحقیقاتی که در زمینهٔ کارش به زبان فارسی نوشته شده بود خبر داشت و زبان‌های فرانسوی و انگلیسی و آلمانی را خوب می‌دانست و، تا سرحدّ امکان و تا آنجا که آثار و نوشته‌های غربیان را در اختیار داشت، از تحقیقات آنان استفاده می‌کرد. پیوسته در حال مطالعه بود و این نکته از بررسی چاپ‌های متعدد کتاب‌های او، که همیشه چاپ جدید مطالب و مخصوصاً شواهدی افزون بر چاپ قبل دارد، به خوبی مشهود است. (صادقی ۱۳٦٤: ص‌ص ۲۲۰ـ۲۲۲)

صادقی می‌افزاید: معین، با این‌که بیشتر عمر خود را بر سر تألیف و تصنیف در زمینهٔ ادبیات قدیم و تصحیح متون و تدوین دستور و لغت فارسی نهاده بود، به ادبیات امروز ایران نیز علاقه و توجه داشت. در سال اول دانشکدهٔ ادبیات برای هر یک از دانشجویان موضوعی تعیین می‌کرد و مآخذ مربوط را به آنان می‌داد تا در آن باره رساله‌ای بنویسند. به خاطرم هست که بعضی از این رسالات دربارهٔ شعر نو و ادبیات معاصر ایران بود. آنچه در معین خیلی جالب بود و در کم‌تر کسی از همکاران او دیده می‌شد نداشتن تحجر و تعصب بود. ذهن او همیشه آمادهٔ پذیرفتن مطالب و تحقیقات جدید بود و به هیچ‌وجه با نوآوری مخالفت نداشت. برعکس بعضی از استادان و ادبای ما که فقط برای دانسته‌های خود قدر و غنیمت قایل‌اند و آنچه را دیگران می‌دانند تخطئه می‌کنند و ناچیز می‌شمارند، معین به معلومات و کار دیگران در هر زمینه‌ای که بود احترام می‌گذاشت. از آغاز جوانی، خویشتن را وقف زبان پارسی کرد. دوستانش به کارهای سیاست و ریاست روی آوردند و انواع مشاغل سیاسی و اداری را زیر پای در نوشتند، اما او جز به کتاب و درس دانشگاهش توجهی نکرد. زندگی محقری داشت، در یکی از خیابان‌های شلوغ تهران، در محلهٔ چهارصد دستگاه ژاله، و هیچ‌گاه آرزوی داشتن منزلی در محلات شمالی تهران و قرای دور و نزدیک را در خویش نپرورد. تا همین اواخر، نه چندان دور، با اتوبوس خط رفت و آمد می‌کرد و آرزوی اتومبیل مدل فلان را به دل راه نمی‌داد. (این نکته را من از بعضی شاگردان قدیمی او شنیدم.) با این‌که فراهم آوردن این گونه وسایل زندگی، برای مردی چون او، خواستنی بود و توانستنی.

با این همه، تصحیح متون خاصه متونی که برای تدریس به‌دانشجویان مناسب باشد همواره یک زمینهٔ عمدهٔ کار اوست و این نکته مخصوصاً ناشی از علاقهٔ او بود به نقش معلمی خویش؛ استادی متون، به همین سبب بود که با دقت و حوصله‌ای کم مانند به تصحیح مجدد و شرح و توضیح لغات و نکات ادبی چهار مقاله پرداخت و آن کتاب را که یک‌بار با حواشی و تعلیقات علامه‌قزوینی هم چاپ شده بود دوباره بادقت فوق‌العاده طبع کرد. طبع یک بخش از جوامع الحکایات عوفی، برگزیده نثر دورهٔ سامانی، و تحلیل هفت پیکر نظامی هم از همین گونه متون است که علاقه به امر تدریس، او را به تألیف آن‌ها واداشت. اما البته نقد متون را دکتر معین منحصر به‌متون درسی نکرد، متن الهیات دانشنامه علایی را به‌طور مستقل، متن منطق دانشنامه را به همراه سید محمد مشکوه و متن جامع الحکمتین، عبهرالعاشقین و شرح قصیدهٔ ابوالهیثم را به کمک هانری کربن تصحیح و نشر کرده. در این کار، دقت فوق‌العاده‌ای که او در ضبط نسخه‌های اساسی و اختلاف قرائت‌ها به کار می‌بست، متونی را که نشر می‌کرد از هر حیث دقیق و قابل اعتماد می‌کند. به‌علاوه علاقه و اهتمام آمیخته به وسواس او در رفع مشکلات لغوی این متون، حواشی و تحقیقاتش را مخصوصاً فوق‌العاده سودمند و آموزنده می‌دارد. سعی در حل و توضیح مشکلات این متون طبعاً گه گاه به‌غور در مسائل علمی –تاریخی، حکمت و ادیان می‌کشید و به کار معین رنگ دایره‌المعارف نگاری می‌داد.

اما برجسته‌ترین کارهای دکتر معین، مخصوصاً در زمینه لغت‌شناسی و دستور بود. آنچه معین را مخصوصاً در این دو زمینه توفیق بیشتری می‌داد، غیراز استعداد و ذوق خاص، آشنایی دقیق او بود با متون و تبحر کم نظیر او بود در فرهنگ باستانی ایران. رسالهٔ او در باب مزدیسنا و معاشرت و مصاحبت او با مرحوم پورداوود او را نسبت به زبان و فرهنگ ایران باستان علاقهٔ مند کرده بود. به‌علاوه، معین غیراز آشنایی با ترجمه‌ها و تحقیقات راجع به اوستا خودش هم با زبان پهلوی و پارسی باستان آشنایی کافی داشت. این مزیت تنگیاب را هم واجد بود که آشنایی با زبان پهلوی او را به سودای تسخیر و تصفیه زبان و زیر وروکردن میراث حافظ و فردوسی نینداخت. درهرحال، استاد معین، چند رساله پهلوی را به فارسی نقل کرد. یک چند در آموزشگاه شبانه ایرانشناسی به تدریس زبان پارسی باستان اشتغال جست و حتی چند مقاله تحقیقی هم دربارهٔ مسائل لغوی و ادبی مربوط به زبان پهلوی و پارسی باستان انتشار داد. آشنایی با زبان‌های اروپایی –خاصه فرانسوی و انگلیسی که از آن زبان‌ها بعضی رسالات و کتابهای تاریخی و ادبی را هم به فارسی نقل کرد –نیز نکته‌ای بود که معین را با تحقیقات امثال بیلی، هنینگ، بنونیست، دمناش و دیگران مربوط می‌داشت و به کارهای خود او در این‌گونه مباحث نیز عمق و مایه بیشتری می‌بخشید.

البته طرح‌های او راجع به دستور زبان فارسی ناتمام ماند و شاید به این زودی‌ها کسی نتواند این کار را چنان‌که او می‌خواست دنبال کند. اما کار او در زمینه لغت و اشتغال پیوسته او به درس تفسیر متون و همکاری عملی و مؤثرش در تدوین لغت‌نامهٔ دهخدا و استغراق پردامنه‌اش در تصحیح و نشر تعدادی از متن‌های کهنهٔ فارس وی را در آن کار ورزیده کرده بود، خوشبختانه پربار شد. طبع انتقادی جالبی که با حواشی و اضافات و همراه با ذکر اشتقاقات و ریشه لغات، از فرهنگ برهان قاطع نشر کرد تبحر و احاطه کم نظیر و فوق‌العاده او را در مسائل لغوی نشان داد. درست است که هنوز جای یک فرهنگ جامع مبتنی بر ذکر اشتقاق و شواهد تاریخی، آن‌گونه که این مایه تبحر و احاطه او می‌توانست به زبان فارسی هدیه کند خالی است اما فرهنگ خود او –فرهنگ معین –یک هدیه ارزنده است که دانش و حوصله و تبحر و نبوغ او به جامعه ادبی ما داد.

نما

ایرج آدیگوزلی

پایان پوچ سلطنت؛ سقوط به روایت یک بیگانه-۷

ساليوان و شاه



شاه افزود: «ما در انگلستان هم خانه‌ای داریم ولی هوای آنجا خیلی بد است.» می‌توانست همانطور که در موارد متعدد گفته بود، بگوید که هرچند همیشه از انگلیسیها توصیه و نظر مشورتی طلبیده و بی‌اندازه نسبت به آنها بی‌اعتماد است. به جای همه اینها با نگاهی که سالیوان آن را «نگاهی پراحساس» می‌نامد به سفیر آمریکا خیره شد. در این حال سالیوان پرسید: «اعلیحضرتا، آیا میل دارید برای ارسال دعوتنامه‌ای از ایالات متحده برایتان اقدام کنم؟»

در این هنگام شاه به جلو خم شد و با هیجانی شبیه به حرکات یک کودک خردسال که به موضوعی علاقه‌مند شده باشد گفت: «وای، این کار را برای من می‌کنید؟ واقعاً این کار را می‌کنید؟»

روایت شاه از این ملاقات تا حدودی متفاوت است. پس از اینکه سالیوان کاخ را ترک کرد شاه با ایرانیانی که به دیدارش آمده بودند به گفتگو پرداخت. با حیرت به آنان اظهار داشت: «آیا می‌دانید سالیوان به من چه گفت؟ می‌گفت باید کشور را ترک کنم.»

امیراصلان افشار رئیس کل تشریفات بعدها گفت: «او نمی‌خواست برود. من این را می‌دانم. من نزدیکترین شخص به او بودم. بیست و چهار ساعت شبانروز را با او می‌گذراندم و هر لحظه مرا احضار می‌کرد. در اوایل ژانویه تصمیم گرفت برای دو ماه به آمریکا برود و سپس به ایران برگردد. به من گفت: «خودت را برای یک سفر دو ماهه آماده کن.» من جامه‌دانهایم را به کاخ فرستادم. از اداره کل تشریفات چند هدیه کوچک و قالی و اشیایی از این قبیل برداشتم. یک هواپیمای پر از اثاث را پیشاپیش خود به آمریکا فرستادیم.»

افشار می‌گوید: «شاه می‌خواست به آمریکا برود زیرا نمی‌دانست سالیوان چه گزارشهایی می‌فرستد و نمی‌دانست در ایالات متحده چه می‌گذرد. می‌خواست با کارتر و اعضای مجلس سنا و سیا گفتگو کند. می‌گفت: می‌خواهم اهمیت ایران را برای آمریکا و خطر افتادن آن را به دست افراطیون برایشان تشریح کنم.»

در عرض ۲۴ ساعت واشینگتن به سالیوان جواب داد که ورود شاه به ایالات متحده را با خوشوقتی می‌پذیرد و شاه می‌تواند در پالم اسپرینگز کالیفرنیا در خانه متعلق به والتر آننبرگ ناشر روزنامه، میلیونر، دوست ریچارد نیکسون، دوست شاه، سفیر سابق آمریکا در انگلستان، اقامت کند. سالیوان دستور داشت شاه را از طرف رئیس جمهوری آمریکا دعوت کند و در ضمن تعداد همراهان او را جویا شود و به واشینگتن اطلاع بدهد. در این هنگام آیت‌الله خمینی اعلام کرد هر کشوری که شاه را از ایران خارج کند به انقلاب کمک خواهد کرد. بنابراین سالیوان گمان می‌کرد با اعزام شاه به آمریکا خواهد توانست نزد مخالفان که اکنون در آستانه پیروزی بودند برای کشور متبوعش امتیازی هم بدست آورد.

در ۱۲ ژانویه سالیوان مجدداً به دیدار شاه رفت. به روایت بعدی شاه، «فضای گرفته‌ای بود. سالیوان گفت دیگر عزیمت من مسئله چند روز نیست بلکه چند ساعت است». شاه می‌گوید سالیوان نگاههای معنی‌داری به ساعتش می‌کرد.

سالیوان این ملاقاتها را به نحو متفاوتی بیاد می‌آورد. در واقع در سرتاسر ماجرای سال آخر شاه، خاطرات باهم فرق می‌کنند. هیچ روایتی، هیچ مقصدی، هیچ وحدت نظر یا هدفی نیست که همه در مورد آن توافق داشته باشند. نمی‌توانست هم چنین باشد، زیرا انقلابی بود که در آن وفاداریها دائماً در نوسان بود، عقاید تغییر می‌کرد، آینده نامعلوم ناگهان به حساب می‌آمد، و مجازاتهای پیش‌بینی نشده نیز مبدل به تهدیدهای وحشتناک می‌شد. محاسبه‌ها به ناچار عوض می‌شد.

تا جایی که سالیوان به یاد دارد شاه از دعوت به آمریکا آسوده خاطر شد و پیشنهاد کرد که باید وارد پایگاه هوایی آندروز در حومه واشینگتن بشود. معمولاً مهمانان رسمی در این محل فرود می‌آیند و سالیوان گمان می‌کرد که شاه امیدوار است در این صورت مورد استقبال رسمی پرزیدنت کارتر یا دیگر مقامات بلندپایه آمریکایی قرار بگیرد.

ادامه دارد

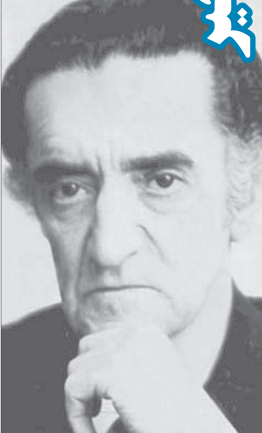
کاروان

علیرضا ملایی

حسینقلی مستعان؛ مردی تا خیر

ادامه از صفحه اول

از تماشاچی‌ها صدا بیرون نمی‌آمد. همه در جای خود ایستاده و به ما دو نفر که با موهای سیاه و چشم و ابروی مشکی در میان دانمارکی‌های مو طلاییِ مشخص بودیم نگاه می‌کردند. احتمالاً به نظر آنها ما دو مرتاض شرقی بودیم که برای اجرای برنامه به باغ وحش کپنهاگ آمده بودیم.



این بار مستعان با اعتماد به نفس بیشتر شروع به کار کرد. او در حالی که به آرامی جلو می‌رفت، زیر لب هم کلماتی بر زبان می‌آورد که من نمی‌فهمیدم اما... بمحض آنکه فاصله او به حد دفعه پیش رسید، شیر مثل صاعقه به طرف نرده‌ها پرید و دستش را به سوی ما حواله کرد. خوشبختانه نرده‌ها مانع شدند صدمه‌ای به ما برسد.

حرکت ناگهانی شیر همه تماشاچی‌ها را دچار وحشت کرد، بجز مستعان را که هنوز هم امیدوار بود با نیروی هیپنوتیزم شیر را تسلیم کند. او می‌خواست برای بار سوم آزمایش را از سر بگیرد که من خواهش کردم این کار را برای روز دیگر بگذارد، چون قرار ما با سایر همسفران و مهماندارها این بود که برای صرف ناهار به رستوران باغ وحش برویم. در میان ابراز احساسات شدید تماشاچیان دانمارکی از آنجا خارج شدیم. آنها شاید فکر می‌کردند قصد ما همین بود، که موفق به انجام آن شدیم. مستعان فقط با این شرط حاضر شد آنجا را ترک کند که من قول بدهم یک روز دیگر شاهد هیپنوتیزم کردن شیر قوی هیکل باغ وحش باشم. او چنان با ایمان راسخ از هیپنوتیزم کردن شیرها صحبت می‌کرد که من قبول کردم هر طور شده یک روز تماشاچی هنرنمایی او شوم.

انجام این برنامه در دانمارک و سوئد و نروژ میسر نشد. او را راضی کردم برنامه را در باغ وحش تهران پیگیری کنیم.

*

دکتر بهزادی ادامه می‌دهد: مستعان بعد از سال‌ها همکاری با مجله تهران مصور در اثر اختلافی که بین آنها به وجود آمد به طور ناگهانی رابطه‌اش را با آن مجله قطع کرد و آخرین پاورقی‌اش را که «توفاهی» نام داشت و یک رمان تاریخی بود به مجله‌ای دیگر برد. او در این موقع بی‌میل نبود با سپید و سیاه همکاری داشته باشد. در آن زمان سپید و سیاه از نظر تیراژ رقیب تهران مصور بود. یک روز مستعان تلفن کرد با هم به باغ وحش تهران برویم تا او شیرها را هیپنوتیزم کند. در آن هنگام هنوز با هیچ مجله‌ای شروع به همکاری نکرده بود. اتفاقاً سفری به خارج در پیش داشتم، بنابراین برنامه را به آینده موکول کردم. سفرم طولانی شد. او همکاری‌اش را با مجلات دیگر شروع کرد. بجای یک مجله در چند مجله مشغول کار شد: امید ایران، فردوسی، اتحاد ملل و مجله رادیو تهران. از آن سو، تهران مصور جای خالی مستعان را با دعوت از صدرالدین الهی که همکار من در سپید و سیاه بود پر کرد.

الهی تخیلی قوی و قلمی شیرین داشت. اهل مطالعه بود و همواره در جریان آخرین تحولات ادبی جهان قرار داشت. اغلب روزها به دفتر مجله می‌آمد و ساعتها درباره ادبیات ایران و سایر کشورهای جهان بحث می‌کردیم. مدتی بعد یک بار دیگر مستعان به من زنگ زد. تصور می‌کردم با شروع همکاری بامجلات دیگر قرارمان را از یاد برده، اینطور نبود. گفت باغ وحش تهران دو شیر قوی هیکل و درنده آورده و او آماده است آنها را هیپنوتیزم کند. چون قول داده بودم، پیشنهادش را پذیرفتم. به اتفاق به باغ وحش رفتیم. ساعتی بعد که از باغ وحش بیرون آمدیم، بین ما قراردادی برای همکاری منعقد شده بود. قرار ما این بود که او هفته‌ای دو داستان، یکی کوتاه و یک شماره‌ای، دیگری دنباله‌دار در سپید وسیاه بنویسد. آن روز مستعان به جای شیرها مرا هیپنوتیزم کرده بود.

همکاری مستعان با سپید و سیاه چند سال ادامه یافت. سپید و سیاه در آن زمان بالاترین تیراژ را در میان مجلات داشت. نوشته‌های مستعان خواننده زیادی پیدا کرد. بعضی مانند «خونخواه مرو» و «دلی در تندباد هوسی» مشهور شد، ولی هیچ‌یک از شهرت داستان‌های «آفت»، «رابعه» و «شهر آشوب» را پیدا نکرد. آنها را مستعان در تهران مصور نوشته بود.

پایان یک رمان: «زمین نو آباد»

رازمیوتنوف خم شد و کلوخه‌ای خاک خشک برداشت و آن را میان دو کف دست نرم سائید و اینک با صدایی که یکسر خفه بود، گفت: ولی تا امروزش باز هم تویی که من دوست دارم، تویی که هرگز فراموش نمی‌شوی و تو تمام زندگی، تکی! می‌دانی که من همه اش وقت نمی‌کنم... اینه که همدیگر را دور دور می‌بینیم... اگر برات ممکنه، همهٔ بدی‌هام را، همهٔ اهانت‌هایی را که به مرده ات کرده ام، به‌ام ببخش!

بی‌حرکت پشت قوز کرده مانند پیران، رازمیوتنوف مدتی دراز آنجا سر برهنه ایستاد، گویی گوشداری می‌کرد و به انتظار پاسخ بود. باد نیم گرم برچهره اش می‌وزید و باران ولرمی تازه باریدن گرفته بود... برق در آن سوی دون شعله‌های سفیدی برمی‌کشید. چشمان عبوس و ناشاد رازمیوتنوف دیگر روبه پایین، روبه آن گور عزیز با کناره‌های فرویخته نمی‌نگریست، بلکه نگاهش درپس حاشیهٔ ناپیدای افق به جایی می‌رفت که ناگهان نیمی از آسمان با شعله‌های ارغوانی روشن می‌گشت و به مانند گرم‌ترین وقت تابستان آخرین طوفان رگبار آن سال، پرشکوه و سرکش درگرفته بود و طبیعت خواب زده را بیدار می‌کرد! (۱۹۵۹-۱۹۳۲)

زمین نوآباد، میخائیل شولوخوف، ترجمهٔ م.ا.بن آذین، ج۲ چاپ اول ۱۳۸۳، انتشارات فردوس/۱۰۴۰

بعدها مهندس والا مدیر تهران مصور گفت: ضربه‌ای که رفتن مستعان به تهران مصور وارد کرد هرگز نتوانست جبران کند. خواننده‌های تهران مصور به نوشته‌های مستعان عادت کرده بودند. زمانه هم فرق کرده بود؛ شوها و سریال‌های تلویزیونی جانشین پاورقی‌های مطبوعات شده بود. اینها باعث شد امیدی که من از همکاری با مستعان داشتم برآورده نشد. شایدخود مستعان هم متوجه ماجرا شد. او که روزگاری در پنج تا شش مجله قلم می‌زد، همکاری خود را با بیشترشان قطع کرد و یک بار دیگر خاموشی انتخاب کرد. شاید اگر فرصت به دست می‌آورد، بعد از چند سال بار دیگر می‌توانست خواننده‌هایش را با نوشته‌های خود جلب کند ولی دیگر چنین فرصتی پیش نیامد.

مستعان نویسنده‌ای منظم، دقیق و پرکار بود. نثری درست، روان و شیرین داشت که حتی مخالفانش نیز نمی‌توانستند منکر آن شوند. دارای تخیلی قوی بود. برخلاف بسیاری از نویسنده‌ها که از افتخارات خود می‌دانستند که بگویند نوشته‌های دیگران را نمی‌خوانند، مستعان قصه‌های تمام مجله‌ها را می‌خواند. هرگز نشنیدم از نوشته کسی بد بگوید، ولی گاهی ادعا می‌کرد فلان نویسنده مضمون قصه‌اش را ـ تمام یا قسمتی از قصه را ـ از فلان داستان او که در فلان تاریخ در فلان مجله چاپ کرده بود گرفته است . بیشتر اوقات که پیگیری می‌کردیم حق با او بود.

مستعان گاهی در هفته ۷ تا ۸ پاورقی و داستان کوتاه می‌نوشت و همه رامرتب و بدون ساعتی تاخیر می‌رساند. به یاد ندارم یک روز هم به بهانه‌ای کار مرا عقب انداخته و یا در غلط گیری ـ همیشه غلط گیری دوم را خودش می‌کرد ـ تاخیر کرده باشد.

مستعان گاهی در هفته ۷ تا ۸ پاورقی و داستان کوتاه می‌نوشت و همه رامرتب و بدون ساعتی تاخیر می‌رساند

شخصیت‌های رمان‌های مستعان شگفت‌انگیز بودند. آثارش خواننده را کنجکاو می‌کرد داستان را تا آخر پیگیری کند. یک روز به او گفتم: «خواننده‌ها از فلان پاورقی شماعصبانی هستند و به وسیله نامه و تلفن اعتراض می‌کنند».خوشحال شد. گفت: «این درست همان چیزی است که من می‌خواهم. اگر بی‌تفاوت بودند نگران می‌شدم». این هم عقیده‌ای بود!

درباره شخصیت‌های داستان‌هایش می‌گفت: «من همیشه شخصیت‌های داستان‌هایم را از میان مردم برگزیده‌ام. کوشیده‌ام تا همچون یک وقایع نگار دقیق یا یک آئینه صیقلی گزارشگر و نمایشگر راستین حوادث و چهره‌ها و زشتی‌ها و زیبایی‌های جامعه وخصوصیات و ریزه‌کاری‌های عصر خود باشم... در این تلاش هدف اصلی من همواره راهنمایی و به‌آموزی و سوق دادن خواننده به فضایل اخلاقی و انسانی بود. هرگز سطری ننوشته‌ام که در آن این تعهد و رسالت اساسی را از عهده برنیامده باشم، زیرا اعتقاد راسخ دارم اگر نوشته‌ای عاری از این آرمان‌خواهی اخلاقی و انسانی باشد، هرچند از نظر هنری به اوج کمال هم برسد، بیهوده و بی‌ارزش است».

با این همه در داستان‌هایش گاهی صحنه‌های بی‌پرده‌ای به چشم می‌خورد. وقتی یادآوری می‌کردم، می‌گفت: «اینها را نباید با مطالب سکسی نویسنده‌های دیگر مقایسه کرد. این راهی است که من برای مبارزه با سکس و انحرافات و مفاسد اجتماعی برگزیده‌ام». این هم عقیده‌ای بود!

مستعان از هرگونه اعتیاد به دور بود. روزی یک دانه سیگار می‌کشید. آن را هم با تیغ نصف می‌کرد برای دو وعده؛ یکی بعد از صبحانه، یکی بعد از ناهار. در ۲٤ ساعت فقط ۳ تا ٤ ساعت می‌خوابید. تمام وقتش صرف تخیل، تفکر، مطالعه و نگارش می شد. وقتی درباره پرکاری او سخن به میان می‌آمدو مخالفانش نوشتن یک کتاب را در یک روز نقطه ضعف او تلقی می‌کردند، مستعان طی گفت‌وگویی با گزارشگر سپید و سیاه گفت: «اگر کسی گرفتار اعتیاد نباشد، مثل من در شبانه‌روز فقط ٤ـ۳ ساعت بخوابد، محیط اطراف را بشناسد، کنجکاو، دقیق و اهل مطالعه باشد و هرچه را می‌بیند درباره‌اش فکر کند، البته که خواهد توانست این همه کار کند. درست است که من کتابی را در یک روز نوشته‌ام اما قبلا چند سال درباره آن فکر کرده بودم».

مستعان در پاسخ کسانی که ادعامی کردند مضمون داستان‌هایش را از فتورمانهای خارجی می گیرد، می گفت: «من بیش از ۲۵۰ سوژه دارم که چون خودم وقت ندارم آنها را بنویسم حاضرم به علاقه‌مندان بدهم»، آنهایی که این تهمتها را به مستعان می‌زدند، شاید نمی‌دانستند نویسنده‌های فتورمانهای خارجی در ادب مقامی بالاتر از مستعان ندارند که او سوژه داستان‌هایش را از آنها اقتباس کند.

مستعان می گفت: ۱۰۰۰ داستان کوتاه و ۲۰۰ کتاب نوشته، او بهترین آثارش را «آفت»، «رابعه»، «شهر آشوب»، «عشق مقدس»، «آتش به جان شمع فتد»، «دلی در تندباد هوسی» و «خونخواه مرو» می‌دانست.

اینها در تهران مصور و سپید و سیاه چاپ شده بود. مستعان مدتی هم به کار نمایشنامه‌نویسی مشغول شد و چند نمایشنامه نوشت که در سالهای بعد از شهریور ۲۰ با موفقیت به روی صحنه آمد. ازجمله آنها باید از «هالو»، «عروس مرمرالملوک» و «شوهرهای مریم خانم» یاد کرد.

حسینقلی مستعان شعر هم می گفت؛ زیبا هم می گفت.اما یکباره دست از این کار کشید. می گفت: علتش را بعداً می گویم که نگفت. برای نمونه ذوق شاعری او قسمتی ازشعری که در شماره مسلسل ۸۲۸ سپید و سیاه مورخ ۲۹مرداد ۱۳٤۸ چاپ شد را در اینجا می‌آورم.

راست گفتی عشق خوبان آتش است
سخت می‌سوزاند اما دلکش است
من کجا و ترک آن مهوش کجا
دل کجا پرهیز از این آتش کجا

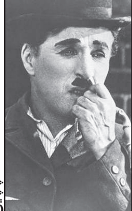
ادامه دارد

شرح

من؛ چارلی چاپلین/۱۱

تازیانه باچوب

ادامه از صفحه اول


چاپلین

این ضربه‌ها چنان آثار فلج‌کننده‌ای داشتند که بایستی فوراً مضروب را تا روی تشک ژیمناستیک ببرند و همانجادرازش کنند و بگذارند لااقل ده دقیقه به خودش بپیچد و ناله کند تا دردش آرام بگیرد. با این وصف، جای خراش و سوختگی سه ضربه که پهن و گلی رنگ بود مثل انگشت رختشور روی کفلش می‌ماند.

اثر تازیانه با چوب فرق داشت. با سه ضربه، قربانی که دو گروهبان نگاهش می‌داشتند، به درمانگاه منتقل می‌شد تا تحت مراقبت قرار بگیرد.

شاگردها همیشه به ما توصیه می‌کردند که هیچوقت تهمتی را انکار نکنیم ولو بیگناه باشیم، چون اگر تقصیر ما را به گردنمان ثابت می‌کردند ما را به حداکثر مجازات تنبیه می‌کردند. از این گذشته ما به طور کلی سر و زبان این را که بتوانیم به قدر کافی در باب بیگناهی خود صحبت کنیم، نداشتیم.

به یاد می‌آورم نخستین صحنه تنبیهی را که شاهد آن بودم. وقتی مدیر و همراهانش وارد شدند من ساکت ایستاده بودم. پشت میز مقصری بود که سعی کرده بود از مدرسه فرار کند. پسره آنقدر ریز و کوچک به نظر می‌رسید که از پشت میز به جز سر و شانه‌ها، جایی از بدنش دیده نمی‌شد. صورتی لاغر و دراز و چشمان درشتی داشت. مدیر با شکوه و وقار تمام کیفر خواست را خواند و آنگاه پرسید: تو مقصری یا مقصر نیستی؟

خطاکار از جواب دادن خودداری کرد و با نگاهی مبارزه‌جویانه به مدیر نگریست. آن وقت او را تا دم سه‌پایه بردند، و چون قدش کوتاه بود گذاشتندش بالای یک صندوق جای صابون تا بتوانند مچهایش را ببندند.

سه ضربه تازیانه بر بدنش زدند و سپس او را برای مراقبت‌های پزشکی به درمانگاه بردند.

پنجشنبه‌ها شیپوری در حیاط تنفس به صدا درمی‌آمد که ما همه بازی را قطع می‌کردیم و مثل مجسمه بر جای خود خشک می‌ماندیم. آن وقت سروان «هیندرام» به کمک بلندگو اسم کسانی را که می‌بایست روز جمعه خودشان را برای تنبیه شدن معرفی کنند، اعلام می‌کرد.

یک روز پنجشنبه با کمال تعجب اسم خودم را شنیدم. هرچه فکر کردم که چه کرده‌ام عقلم به جایی نرسید. با این وصف نمی‌دانم چرا قلبم به شدت می‌زد، شاید برای این که در قلب بدبختی قرار گرفته بودم. روز مجازات پیش رفتم. مدیر گفت: شما متهمید که به مستراح‌ها آتش زده‌اید.

حقیقت نداشت. بچه‌ها چند تکه کاغذ روی آجر فرش کف مستراح آتش زده بودند و درست در آن لحظه که آتش می‌سوخت من وارد مستراح شده بودم، ولی کوچکترین نقشی در این کار نداشتم.

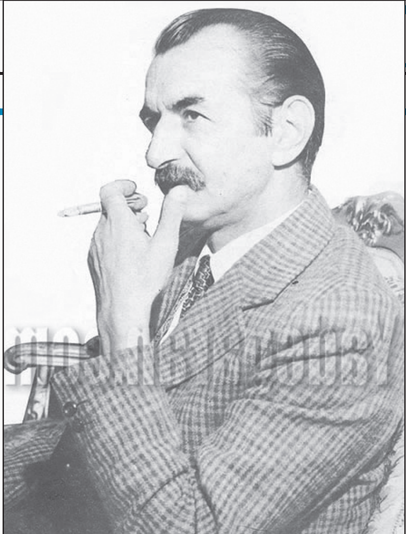
از فرط خشم و ناراحتی و به اغوای نیرویی مقاومت‌ناپذیر من‌من‌کنان گفتم: «مقصرم»! در آن لحظه که مرا به طرف آن میز کذایی می‌بردند تا سه ضربه به کفلم بزنند نه بغض و کینه‌ای در دل داشتم و نه احساس بیعدالتی می‌کردم، بلکه فقط احساسی از یک ماجرای هراس‌انگیز داشتم که می‌خواست به سرم بیاید. درد ضربه‌ها بقدری شدید بود که نفسم را بند آورد، ولی من هیچ جیغ نزدم، و با آنکه از درد فلج شده بودم در آن لحظه که مرا می‌بردند تا روی تشک ژیمناستیک بیندازند و حالم بهتر بشود، حس می‌کردم که بچه شجاعی هستم و پیروزی با من است.

چون سیدنی در آشپزخانه کار می‌کرد، تا آن روز از موضوع اطلاع پیدا نکرد. درست در همان روز با دیگران وارد سالن ژیمناستیک شد و با کمال تعجب مرا پشت میز محاکمه دید که سرم از لبه میز بیرون مانده بود. بعدها برای من نقل کرد که وقتی دید سه ضربه عصا به من زدند، از فرط خشم و ناراحتی گریه کرده بود.

برادر کوچکتر معمولاً وقتی می‌خواست از برادر بزرگترش یاد کند می‌گفت: «داداش کوچولوی من» و همین حرف در او ایجاد غرور می‌کرد و نوعی احساس امنیت به او می‌بخشید.

یاد

روایت اخوان ثالث از
قصه و غصهٔ عماد


عماد در جوانی

ادامه از صفحه اول

و البته قرار این بود که اگر بنا باشد چیزی در این زمینه نوشته شود، من بنویسم، آن هم نه به عنوان معرفی زیرا کار من با این عنوان در خصوص او ، که امروز از مشاهیر غزلسرایان و سخنوران حی و حاضر است و اعرف و اجلی از آن که حاجت به شناساندن داشته باشد، خلاف قاعدهٔ مشهور تعریف خواهد بود، بلکه به عنوان همسایهٔ احوال و همشهری، یا راوی و دوستی آشنا با قصه و غصهٔ او، و کسی که سیر و سرگذشت وی را در شعر و زندگی دیده است. و هم قرار بود که این راوی برای روایت خود مجال گشاده‌ای داشته باشد نه این که کارش فقط در مرز چند صحیفه محدود شود.

باری به هر حال، چون دیدم چندتایی کتب ناقص شبه‌تذکره که در زمان ما تالیف شده از شعر و سرگذشت عماد نقل‌هایی کرده‌اند، اما نقلشان ـ در این مورد نیز مثل همه موارد به علل معلوم فاقد ابتدایی‌ترین مواد و مطالب لازم است، از این رو بر آن شدم از داستان و دستان عماد چند کلمه همراه این دفتر کنم تا لااقل یکی دو خبر دست اول و درست از آغاز کار و زندگی او تا امروز دو یکی دو سطر بی‌شیله پیله در خصوص احوال و آثارش در دسترس و مأخذ کار و استخبار آیندگان باشد.

اگر ضبط دفتر «شناسنامه» را بنیاد شمار بشمریم، عماد از موالید و مردم قرن گذشته است زیرا که در آن دفتر تولد او به سال ۱۲۹۹ شمسی ثبت شده، امّا حقیقت این است که درست در غره همین قرنی که اکنون در اواخر بهار چهل و یکمش هستیم، یعنی به سال ۱۳۰۰ شمسی عماد در طوس (مشهد) خراسان به دنیا آمده است و تا امروز چهل سال شمسی را پشت سر گذاشته، در غزلی به چهل سالگی خود اشاره دارد:

زنگ چل سالهٔ آیینهٔ ما گرچه بسی است
آتشی همدم ما کن که به یک دم ببرد

قرینهٔ دیگر، مطلع مثنوی «نظام» اوست که می‌گوید:

سیصد و بیست که مشمول شدم
از قضا مفلس و بی‌پول شدم...

و معمولاً سال «مشمول» شدن ابناء این آبادی بیست سالگی است. نام و نشان تمام او «عمادالدین حسن برقعی» یا «مبرقعی» است. مادرش به هنگام خوابی، می‌بیند چنان که گویی امام علی‌بن ابی‌طالب (ع) به او می‌گوید: «این فرزند تو همنام پسر ماست» می‌پرسد «کدام یک؟» جواب می‌شنود «حسن، و این سکه هم رونمای اوست، بگیر» می‌گیرد و بیدار می‌شود.

نسب عماد خراسانی به موسی مبرقع پسر امام محمد تقی ملقب به جواد می‌رسد و به همین دلیل خانوادهٔ او برقعی و مبرقعی لقب گرفته‌اند. از این تیره سادات خانواده‌ای در قم نیز ساکنند و در خراسان هم سلسلهٔ معروف بزرگی را تشکیل می‌دهند. عمادالدین حسن‌ما، جد اندر جد از دوسو ـ پدر و مادر ـ سیّد استو خانوادهٔ مادرش از سادات حسینی‌اند و پدرش چنان که گذشت برقعی رضوی.

پدرش مرحوم «سید محمد تقی معین دفتر» از صاحب‌منصبان آستانهٔ رضوی بوده است و مادرش بی بی «حرمت» لطیفه و نادره‌ای چشم و چراغ خاندان. خویشان عماد، خاصه طرف مادری، مردمی صاحب ذوق و اهل فضل و ادب بودند. پدر عماد نیز شعر می گفت و «معین» تخلص می‌کرد ولی اعتنایی به جمع و نشر اشعار خود نداشت، تنها به سائقهٔ ذوق و معتقدات خود گاهی به تفنن طبعی می‌آزمود و بسیار خوش آواز هم بود.

عماد در اوایل امر صباحی چند «شاهین» تخلص گرفته بود، بعد خود «عماد» را برای تخلص برگزید که جزئی از اول نامش بود. در این اوان بود که گاهی شعر خود را این جا و آن جا می‌خواند و مثل کمال‌الدین اسمعیل و پروین اعتصامی و ملک‌الشعراء بهار و بعضی دیگر، بر او تهمت می‌نهادند که شعر دیگرش (پدرش) را به نام خویش می‌خواند زیرا باور نمی‌توانستند کرد که طفلی به آن سن و سال (عماد از نه سالگی به شعر سرودن آغاز کرده است) شعر بهنجار و لطیف و روان بسراید و عماد در محافل دوستانهٔ یکی از دائی‌های خود چند باری امتحان دادو بدیهه‌گویی کرد تا توانست این تهمت را زایل کند و دهان مدعیان را ببندد.

طبع شعر و آواز خوش دو میراث طبیعی ارجمند بود که از معین به پسرش عماد رسید، اما مرگ مهلتش نداد که شکفتن و باروری این دو هنر پسر خود را ببیند و درسال ۱۳۰۶ شمسی هنگامی که عماد شش ساله بود، درگذشت. سه سال پیش از این در سه سالگی عماد از مادر نیز یتیم شده بود و پرورش او پس از مرگ پدر به عهدهٔ عهدجد و جدّهٔ مادریش افتاد، مرحومان سید محمد اقتدارالتولیه و بی‌بی‌زهرا ملقب به بی‌بی عالم. اقتدارالتولیه نیز اهل ذوق و ادب و تفنّن بود. به جمع و پرورش کبوتر و خروس‌های جنگی و مرغ های آموخته و نیز آراستن موزه‌ای از نفایس اشیاء و این قبیل سرگرمی‌ها بسیار علاقه و شوق داشت و در خانه محیط و فضایی خیال‌پرور و نادر به وجود آورده بود. نخستین مشوق عماد به امور ذوقی و شعر و کتاب خواندن، همین جد مادری، مربی دوستدار و صاحب دل او بود و همچنین یکی از دایی‌های او (مرحوم سید حسنعلی تقوی) که عماد را بسیار عزیز می‌داشت و به پرورش طبع و ذوق شعری او اعتناد می‌کرد و برای تشویق و دلگرمی در محافل دوستان خود از عماد شعر می‌طلبید.

اقتدار التولیه و تقوی (که جوان مرگ شد) نیز به زودی عماد را تنها گذاشتند و به رفتگان پیوستند. هنگام مرگ اقتدارالتولیه عماد در حدود سیزده سال داشت و در کلاس ششم ابتدایی درس می‌خواند . از این به بعد سرپرستی عماد که بیش و کم رشدی هم کرده بود به امان همان جده او و امان خدا ماند. من این بی‌بی را از اواخر سال ۱۳۲٤ شمسی به بعد (که ابتدای آشنایی من با عماد بود) گاهی می‌دیدم، رحمت خدا بر او،جانش بود و «آق عماد» و این نام از زبانش نمی‌افتاد. بسیار مهربان و دلسوز و در عین حال همدل و دوست نوهٔ خود بود. گرچه مراقبت او، خاصه چند سال اول پس از مرگ اقتدارالتولیه در راه و رسم زندگی و درس و تحصیل عماد موثر بود، اما این تاثیر چندان نبود که بتواند جوان را به دلخواه پیربار آورد، و حتی نه چندان که بتواند در سال‌های بعد مانع از ترک تحصیل او شود، زیرا دیگر جوانی خوش قد و قامت، بلندبالا و بهره‌مند از موهبت‌های جمال و تندرستی و نشاط ، و خاصه خوش‌آوازی. وانگهی آزاد، لب به می و بوسه آشنا شده، مزه هر چه باداباد چشیده، دیگر کی نهی و پند می‌توانست او را آرام و رام کند آن هم پند و نهی نرم و به آزرم‌زنی ساده‌دل و پیر که می‌شد به او گفت: «بی‌بی جان! باید دو هفته برویم و شبانه‌روز درس حاضر کنیم» و به جای آن می‌شد به نیشابور رفت و «شبی بر مزار خیام» ارمغان آورد، به جای آن می‌شد به خبوشان و کجا و کجا رفت و «ماجرای نیم‌شب» و «عذاب» و چه و چها ارمغان آورد. منتهاش آن بود که هربار بی‌بی بگوید «بروجانم، به امان خدا، اما می‌خواهم سر به راه و معقول باشی، آق عماد» و الحق چه معقول هم بود عماد ما و چه سر به راه. القصه بی‌بی یک روز چشم گشود که دیگر فرزندش به شور و شیدایی در شهر شهره بود و حدیث عشقش و غوغا و نجوای این و آن دربارهٔ او نقل و نُقل محافل خراسان، شعرش که در همه جا.

و اما مرگ این جانشین مادر و غمگسار عماد، در چند سال پیش یعنی ۱۳۲۹ شمسی برای شاعر ما سخت دردناک و جانگداز بود. در شعر «قصه‌های ناتمام» آن جا که از مادر سخن می‌گوید، مقصودش هموست.

عماد یک برادر و دوخواهر دارد که پدرشان یکی‌ست ولی مادرشان جز از مادر عماد است. از میان فرزندان معین دفتر، بلبل خانواده عماد است، چه در شعر و چه در آواز، برادر و خواهران او هیچ یک اهل این سرّ و سرودها نیستند و زندگی آرامی دارند.

گر چه مال و میراثی که از پدر و مادر و جده و دایی به عماد رسید چندان نبود که او را توانگر کند، اما به هر حال تا حدی بود که چارصباحی تا دستش به کاری برسد که هنوز نرسیده بی‌نیاز از فلان و بهمان ، این بی‌مروت ابنای زمان، باشد. هر چند مال در کف او و چون صبر در دل عاشق و آب در غربال قرار نگرفت . می گفت: حیث ظاهر قالب هم معمولاً درست و جا افتاده و به قاعده است،مطلعی دارد و مقطعی و احیاناً تخلصی، و هشت نه بیت یا بیشتر و کمتر نیز در معانی غزلی و غرامی مشحون از مصطلحات رائج این قسم سخن، اما با این همه ـ از چند استثنا که بگذریم ـ غزل خوب و باشور و حال و گرم و گیرا، غزلی که حقیقتا غزل باشد، از کبریت احمر کمیاب‌تر است و عماد ماکان و کوهی ازین جنس کمیاب دارد. سخن را با دو بیت از ادیب پیشاوری آغاز کردم که در خصوص باباطاهر گفته، این جا نیز چند بیت از همو یادم آمد، و چه درست:

شور و وجد آمد غزل را تار و پود
هر که شورش بیش او خوش‌تر سرود
مژه خون پالا نگردد تا که دل
خون نگردد از پی پیمان گسل

آتشی در دیگدان می‌بایدش
تا ز روزن دود بیرون آیدش
خو چه گوید آنکه او «شوریده» نیست
دیده‌اش رنج سهرها دیده نیست؟

دربارهٔ دانش‌پژوه/ کتابخانه، مسجد و گورستان

مرحوم افشار

در سفری که با الهیار صالح و دانش به کاشان می‌رفتیم تا نسخه‌های خطی چند کتاب‌خانه آنجا را ببینیم. پسینی بود که از تهران راه افتادیم و چون دیر شب شد برای آرمیدن به سوی باغ برادر صالح در آران، که فرسنگی بیش از شهر کاشان دوردست نیست، رهسپر شدیم. راه میان کاشان و آران، که کویری است، در آن سال‌ها اسفالته نبود و همیشه رگبارهایی از ریگ روان آن را می‌پوشید. در تیرگی شب، اتومبیل به سختی در ریگ فرو رفت و از حرکت باز ماند. ناچار پیاده شدیم. من از گوشه و کنار مقداری شاخه بوته گز و قیچ کندم که زیر چرخ‌ها بخوابانم تا مگر اتومبیل حرکت کند. دانش که بالای سر من ایستاده بود با نگرانی و التهاب به صالح گفت: آقای صالح، اگر ماشین راه نیفتد فردا چگونه به دیدن و فهرست نویسی نسخه‌ها برویم. صالح گفت: آقای دانش‌پژوه، اکنون به فکر آن باشید که اگر ماشین راه نیفتد در این صحرا چه باید کرد.

افشار می‌افزاید: این خصوصیت عالی در دانش‌پژوه، یعنی شوق و ولع علمی او، گاه به حد هیجان و بر آشفتگی می‌رسد و چنان حالی، به راستی، توصیف ناشدنی است. شوق بیش از اندازه او به کشف تازه‌ها و حقایق علمی موجب آن شده است که حتی به سنت‌های خانوادگی و تربیت طلبی پایبند. نماند تا به حدی که قسمت زیادی از تحقیقات خود را به تألیف فهرست کتبی موسیقی معطوف کرده و کتابی پرداخته است که از امهات کارهای او و از مراجع جهانی در زمینهٔ موسیقی اسلامی است. کاری کرده است که بی‌تردید برتر است از آنچه فارمر، علامهٔ موسیقی‌شناسی اسلامی، انجام داده است. بی‌دلیل نیست که نوبائر آلمانی در مقالهٔ مفصل و عالمانهٔ خود دربارهٔ موسیقی بومی و سنتی ایران، که چند سال پیش در مجلهٔ بسیار مشهور و معتبر Der Islam نشر کرد، نوشت که قسمتی از پیشرفت خود را در تهیهٔ مقاله‌اش مرهون اطلاعات دانش‌پژوه بوده است.

قلم

حمید مجتهدی

زندگی و سرگذشت ژول‌ورن به قلمِ نواده‌اش

من یک آزادمرد هستم


ژول ورن

آنگاه هتزل که پس از مرگ پدرش، به عنوان یک دوست و سرپرست دلسوز جای او را گرفته بود در تاریخ ۱۷ مارس ۱۸۸٦، چشم بر جهان فروبسته بود. سپس نوبت به پل برادرش که در عین حال شفیق‌ترین دوستش محسوب می‌شد رسیده بود تا در تاریخ ۲۷ اوت ۱۸۹۷، روی در نقاب خاک کشد. ژول‌ورن احساس می‌کرد که دنیا از اطراف او می‌گریزد، برای او وضع تازه‌ای به وجود می‌آورد که نمی‌توانست از آن سر دربیاورد و خود را بیش از پیش به وضع دردناکی تنها و بی‌کس می‌یافت. میشل و خانواده‌اش دور از او در پاریس می‌زیستند و او هنوز نمی‌توانست خاطرهٔ تلخ رفتار نامطلوب دخترخوانده‌هایش را نسبت به عروسش فراموش کند و دخترخوانده‌هایش را ببخشد. همه با هم سر جنگ و دعوا داشتند و هیچ نشانه‌ای در دست نبود که روزی آشتی و مسالمت‌جویی جای افتراق و اختلاف را بین افراد خانواده‌اش بگیرد، ژول‌ورن فقط از یک راه می‌توانست به خود تسلی دهد و برای خویش آرامش خاطری ایجاد کند: به خوانندگانش می‌اندیشید، مردمی که هرگز آنان را ملاقات نکرده بود؛ ولی از یک نظر دوستان و علاقه‌مندانش محسوب می‌شدند. در این میان به‌خصوص خاطرش از خوانندگان نوجوانش بیشتر شادمان بود؛ زیرا زندگی خود را مصروف آموزش و محظوظ ساختن آنان ساخته بود. این جمع بیشمار خوانندگان آثارش، خانوادهٔ راستین او به شمار می‌رفتند.

با آنکه ظاهراً در عزلت و تنهایی می‌زیست ولی زندگی‌اش پر و پیمان بود. جاه‌طلبی‌اش از آغاز جوانی این بود که چیز بنویسد و تا آن زمان میلیونها کلمه بر روی کاغذ آورده بود و در جریان این کوشش خستگی‌ناپذیر، شهرتی دنیایی فراچنگ آورده بود. او زندگی‌اش را با هنر نویسندگی‌اش قابل زیستن و سرشار از رضایت‌خاطر ساخته بود. از حرفه‌ای که در پیش گرفته بود خیلی خوشش می‌آمد و آن را واقعاً دوست می‌داشت؛ زیرا می‌دید که برای امرار معاش فقط به یک مداد و چند ورق کاغذ و نه چیزی بیش از آن نیاز دارد. از پدرم شنیدم که تعریف می‌کرد یک روز ژول‌ورن بانگ برآورد: «واقعاً چه حرفهٔ جالبی دارم! من یک آزادمرد هستم.

یک مداد و چند ورق کاغذ سفید با خودم برمی‌دارم و از منزل بیرون می‌روم. از آن پس اختیارم با خودم است و هرجا عشق و میلم بکشد می‌روم، در دامنهٔ تپه‌ای می‌نشینم یا روی دریاچه‌ای پارو می‌زنم و در همان حال به کار خودم ادامه می‌دهم.» او صندوق خود را از طلا انباشته نساخته؛ ولی دست کم توانسته بود زندگی خود و خانواده‌اش را با آبرومندی اداره کند و او هم کسی نبود که پول را به خاطر پول بخواهد و هیچگاه در بند مال‌اندوزی نبود. با همهٔ این احوال، این توفیق و پیروزی که در آن هیچگونه شکی نداشت چنان به نظر می‌رسید که طعمی از شکست نیز بر ذائقه‌اش باقی می‌گذاشت. در همهٔ این پیروزی‌ها، جای یک چیز که ژول‌ورن بیشتر از همه طالبش بود خالی می‌نمود: از احترام و قدردانی سایر نویسندگان و همگنانش آنچنانکه باید و شاید برخوردار نبود.

اغلب این نویسندگان نسبت به آثار او بی‌اعتنا مانده بودند؛ گرچه تنی چند از آنان از جمله شارل بودلر، تئوفیل گوتیه و نویسندگان مصنف آثار پرفروش آن روزها نظیر ژول کلارتی و ژرژ باستار در طول زندگی هنری ژول‌ورن پیوسته در کنارش بودند و از آثارش دفاع می‌کردند. آنسان که شارل ریموند ضمن مقاله‌ای در مجلهٔ موزهٔ خانواده‌ها متذکر شده است:

«ژول‌ورن سلطان بلامنازع قلمرویی است که تسخیر کرده؛ ولی اگر جان کلام را بخواهید او را نمی‌توان یک رمان‌نویس قلمداد کرد. زیرا عشق که اساس و خمیرمایهٔ همهٔ رمانهاست در اغلب آثار ژول‌ورن محلی از اعراب ندارد و فقدانش کاملاً به چشم می‌خورد. در آثار ژول‌ورن، زنان معمولاً نقش درجه دومی برعهده دارند... قهرمانانش فرصتی برای پرداختن به شیطنتهای شیرین رب‌النوع عشق نمی‌یابند.»

کلاره‌تی در کتابی که به سال ۱۸۸۳ تحت عنوان نامداران معاصر نوشته در مقالهٔ مربوط به ژول‌ورن چنین اظهارنظر می‌کند: «من می‌دانم که نویسندگان نازک‌طبعتر که بلندپروازیهای بیشتری دربارهٔ تجزیه و تحلیل ذات و سرشت آدمی در سر دارند، دربارهٔ ژول‌ورن می‌گویند: او یک قصه‌گوست. بله ولی قصه‌گویی که بتواند جملگی افراد یک نسل را مجذوب و فریفته سازد، آنچنانکه ژول‌ورن کرده است، آدمی است که باید او را به حساب آورد. یادتان باشد چه می‌گوییم!» در برابر مدافعان، منتقد هنری و ادبی سرشناس آن روزگار یعنی امیل زولا داستانهای علمی ژول‌ورن را موردحمله و انتقاد قرار می‌داد.

زبانزد



* خانهٔ عروس بزن و بکوب است، خانهٔ داماد خبری نیست.
* خانهٔ عروس عروسی است، خانهٔ داماد خبری نیست!
* خانهٔ قاضی گردو بسیار است، امّا شماره دارد.
* خدا از رگ گردن به بنده نزدیکتر است.
* خدا از قدّت بردارد روی عقلت بگذارد!
* خدا از موی سپید شرم می‌کند.
* خدا اگر بخواهد [بچه] از نر هم می‌دهد.
* خدا اگر می‌خواست جان نو بدهد، جان کهنه را نمی‌گرفت!
* خدا اول حلال کرد، بعد حرام.
* خدا این چشم را به آن چشم محتاج نکند.
* خدا این دست را به آن دست محتاج نکند.
* خدا برف را به قدر بام می‌دهد.
* خدا به قدر قلب هر کس می‌دهد.
* خدا بگیرد جانت را که من بگیرم جایت را!
* خدا به آدم روزی می‌دهد اما نان را با زنبیل از آسمان نمی‌فرستد.
* خدا به ابابیل پوستین داده!
* خدا بیامرزد پدرم را، بیخودی نمی‌گفت: دست ننه‌ات بی‌برکت است!
* خدا بیامرزه مرده‌ها را که آباد می‌کنند زنده‌ها را!
* خدا بینی از خویشتن بین مخواه.
* خدا پاکمان کند، خاکمان کند.
* خدا پدر صاحب خر را بیامرزد!
* خدا پدر کفن دزد اولی را بیامرزد!
* خداپرست شکم‌پرست نباشد.
* خداپرست شوی آن زمان که خود نپرستی.
* خدا پنج انگشت را یکسان نیافریده.
* خدا تخته تراش نیست، به هم‌انداز است.
* خدا تنگ‌روزی می‌کند امّا قحط روزی نمی‌کند.
* خدا جامه دهد، کواندام؟
* خداجان آدم را بگیرد عقل او را نگیرد.
* خدا جای حق نشسته است.
* خدا چشم را برای دیدن داده.
* خدا چشم راست را به چشم چپ محتاج نکند.
* خدا حقِّ بُز بی‌شاخ را به بُز شاخدار وا نمی‌گذارد.
* خدا خراب کند خانه‌ای که بر لب آب است.
* خدا خر را شناخت شاخش نداد.
* خدا خطا می‌بیند عطا قطع نمی‌کند.
* خدا خواسته اگر حضرت عبّاس بگذارد!
* خدا خواه را دوستی باید نه خودخواه را.
* خدا داده را خدا داده است.
* خدا درد داده درمان هم داده.
* خدا درد را به اندازهٔ طاقت می‌دهد.
* خدا درد را به دوستانش می‌دهد.
* خدا دلهای شکسته را دوست دارد.
* خدا دنیا را در شش روز خلق کرده است.
* خدا دنیا را در یک روز خلق نکرده است.
* خدا ده انگشت را برابر خلق نکرده است.

چهل سال پیش...

روز چهارشنبه ۱۷ آبان ۱۳۵۱، مصادف با اول شوال و عید سعید فطر بود و روزنامه اطلاعات منتشر نشد

میراثی که با سند قباله زنان «بیاضه» ماندگار شد

از حدود ۱۰۰ سال پیش، اتاق‌های قلعه بیاضه پشت قباله ازدواج همه دختران روستای بیاضه انداخته شده است تا این ملک باارزش برای همه ماندگار باشد.

به گزارش ایسنا، در شرقی ترین نقطه استان اصفهان، در مرکز کویر طبس در روستای بیاضه، مردهای روستا هنگام زدن قباله همسران‌شان به جای انداختن زمین و خانه پشت آن، اتاقی از قلعه بیاضه را پشت سند می زدند. تا این بنای ارزشمند روستا برای همه اهالی ماندنی و خاص باشد؛ اما این رسم تا زمانی در روستای بیاضه رایج بود که قلعه اتاق و فضای کافی داشت، ولی حالا روستاییان رسم شهرنشین ها را دنبال می کنند، چون حتا اگر بخواهند هم رسم قدیم را داشته باشند، دیگر اتاق باقی نمانده است.



قلعه پنج طبقه بیاضه با حدود ۲۸۰ اتاق و داشتن امکاناتی مانند مسجد، آسیاب و چاه آب و خندقی که دورتادور قلعه را با بیش از ۱۰ متر عرض دربر گرفته بود و حالا پر شده است، تاریخ معاصر را با ۱۵۰۰ سال پیش پیوند می‌زند.

یک عضو خوشه‌سار بوم‌گردی درباره این رسم به خبرنگار ایسنا توضیح داد: در چند قرن اخیر، همه‌مردم روستا اموال باارزش و غله خود را مانند خرما و کشمش در آنجا نگه می‌داشتند و در مواقع خطر مانند حمله راهزنان، اهالی روستا به این قلعه پناه می‌بردند. همچنین در آن زمان، با توجه به نوع ساخت قلعه که خانه فرمانروای روستا در مرکز روستا و به ترتیب طبقه اقتصادی اهالی، دیگر خانه‌ها اطراف آن خانه قرار داشتند، ترتیب قرارگیری اتاق‌های قلعه نیز به همین شکل بود. بعد از مدتی اتاق‌های قلعه که دیگر جزو اموال باارزش روستای بیاضه بودند، پشت سند قباله زنان روستا انداخته می شدند.

مازیار آل داوود ادامه داد: این کار به وضعیت اقتصادی اهالی روستا بستگی داشت؛ هر کسی که از نظر طبقه اجتماعی و اقتصادی بالاتر بود، اتاقی که پشت سند قباله همسرش می انداخت در طبقات بالاتر قلعه قرار داشت و هر کسی که پایین تر بود، اتاق‌های طبقات پایین را می توانست پشت قباله همسرش بیندازد.



قلعه بیاضه –سمیه ایمانیان

او همچنین درباره وضعیت کنونی قلعه بیاضه اظهار کرد: در مرحله نخست مرمت این قلعه، دیوارها و برج قلعه را مرمت کردم؛ ولی بعد از آن، اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان اصفهان ادامه‌مرمت را انجام می دهد. اکنون نیز کار مرمت و بازسازی قلعه در حال انجام است.

قلعه بیاضه باقی‌مانده از دوره ساسانی است که مدتی برادر حسن صباح در آن سکونت داشت. معماری این قلعه منحصربه‌فرد است به گونه‌ای که جدای از پله‌هایی که اتاق‌ها و حجره‌ها را به یکدیگر وصل می کند، گذر اصلی این قلعه از طبقه پنجم تا اول با حالت چرخشی و شیب‌هایی که دارد، به شکل رمپ ساخته شده و هیچ پله‌ای در آن استفاده نشده است.

این قلعه شکلی زیگوراتی دارد و قطب گردشگری روستای «مصر» است که ۱۱ دی‌ماه ۱۳۸۰ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید.

قاب امروز



خانه ای رویایی!

امروز با حـافظ

لعل سیراب به خون تشنه لب یار من است
وز پی دیدن او دادن جان کار من است
شرم از آن چشم سیه بادش و مژگان دراز
هر که دل بردن او دید و در انکار من است
ساروان رخت به دروازه مبر کان سر کو
شاهراهیست که منزلگه دلدار من است
بنده طالع خویشم که در این قحط وفا
عشق آن لولی سرمست خریدار من است
طبله عطر گل و زلف عبیرافشانش
فیض یک شمه‌زبوی خوش عطار من است
باغبان همچو نسیمم ز در خویش مران
کُب گلزار تو از اشک چو گلنار من است
شربت قند و گلاب از لب یارم فرمود
نرگس او که طبیب دل بیمار من است
آن که در طرز غزل نکته به حافظ آموخت
یار شیرین سخن نادره گفتار من است

داستان کوتاه

آیا می‌دانستی؟

آیا می‌دانستی که بسیاری از مشکلات زندگی طبیعی و گذرا هستند. مهم این است که بتوانی با درایت کافی از آنها عبور کنی و به اطرافیانت که با مشکلات جدی دست به گریبانند اجازه دهی تا مسیر اصلی خود را بار دیگر بازیابند.

بسیاری از افراد سرشناس معاصر زندگی‌های عجیبی و غریبی داشتند که شاید هیچ یک از ما حتی نتوانیم آن را تصور کنیم.

آیا می‌دانستی که آلبرت انیشتن تا ۴ سالگی حرف نزد و تا ۷ سالگی و با وجود رفتن به مدرسه قادر به خواندن و نوشتن نبود.

یا نابغه انیمیشن جهان–والت دیزنی–به این علت که سردبیر روزنامه فکر می کرد او فاقد خلاقیت کافی است، از کار اخراجش کرد. نیوتون هم هیچگاه در مدرسه شاگرد زرنگی نبود و توماس ادیسون کاشف جریان الکتریسیته (برق) به کند ذهنی و نداشتن توانایی لازم در یادگیری تمامی مسائل معروف بود. آیا تو هم این مشکلات را داری؟ مسیرت را پیدا کن.

مترجم: آرش میری خانی
منبع: academictips.org

سخنان بزرگان

● ایمان از کردار جدا نیست و عمل از پندار.

جبران خلیل جبران

● هیچ گاه هماورد خویش را کوچک مپندار چون او بهترین دوست توست. او انگیزه پیشرفت و پویش می‌دهد.

اُرد بزرگ

امروز در تاریخ

همه قلمرو امپراتوری روم در آسیا به تصرف ایران در آمد

پس از پیروزی درخشان ایران در جنگ سال ۵۳ پیش از میلاد در منطقه حرّان (کارهه) که ضمن آن کراسوس از اعضای سه گانه شورای عالی ریاست بر روم و پسرش کشته و هفت لژیون رومی منهدم شد، «ارد Orod» شاه وقت ایران از دودمان اشکانی به مداخله در امور روم پرداخت و این مداخله در جریان جنگ داخلی رومیان (سال ۴۹ تا ۴۴ پیش از میلاد) به اوج خود رسید و شاه ایران هردم از یکی از سرداران رومی که بر سر کسب قدرت با هم می‌جنگیدند حمایت و وعده کمک نظامی و اعزام سرباز می‌داد و آتش اختلاف را شعله ور می‌کرد.

«ارد» پس از فروکش کردن اختلاف ژنرال‌های رومی و سپس ترور سزار ژولیوس در سنای روم، تصمیم گرفت پیش از آنکه رومیان در صدد حمله به قلمرو ایران برآیند که قابل پیش بینی بود باقیمانده متصرفات روم در آسیا را بگیرد و جای پای برای رومیان در شرق مدیترانه (اصطلاحا «لوانت Levant») باقی نگذارد.

«ارد» با این هدف، پسر خود «پاکر که رومی‌ها پاکروس Pacorus نوشته اند» را با نیمی از ارتش ایران به سوریه فرستاد و این سپاه در جنگی که هفتم نوامبر سال ۴۰ پیش از میلاد روی داد و ضمن آن ژنرال رومی «دسیدیوس ساکسا» فرماندار سوریه کشته شد رومیان را شکست داد و روز بعد (هشتم نوامبر) بار دیگر سوریه از آن ایران شد. در این عملیات پنج هزار سرباز رومی اسیر شدند.

تلفات رومیان بیش از ۱۱ هزار کشته نوشته شده است. «پاکر» سپس فلسطین و آنگاه حاشیه غربی آسیای صغیر (نواحی ساحل غربی ترکیه امروز) را متصرف شد و جای دیگری برای امپراتوری روم در آسیا باقی نماند. «ارد» پس از این پیروزی به مهستان (سنای ایران) پیشنهاد داد که «پاکر» فرماندار مناطق متصرفه شود که پیشنهاد به تصویب رسید.

توصیه تصفیه دادگستری از قضات مسئله دار

در این روز در سال ۱۳۳۱ در تهران اعلام شد که کمیسیون پنج نفره رسیدگی به صلاحیت قضات دادگستری کار رسیدگی دو ماهه خود را در ۱۱ آبان پایان داده و روی یک سوم از قضات مورد سوء ظن انگشت گذارده و نظر داده که از میان آنان نزدیک به شصت نفرشان باید از دادگستری به ادارات دولتی دیگر منتقل شوند و برخی هم به امور اداری دادگستری بپردازند و در هر حال از صورت قاضی نشسته خارج شوند.

این کمیسیون در پی افزایش شایعات درباره برخی مقامات قضایی و در اجرای لایحه قانونی استخدام قاضی تشکیل شده بود و ماموریت آن محدود به دو ماه بود.

لایحه قانونی دکتر مصدق برای اداره شهرها

لایحه قانونی شهرداریها که ۱۱ آبان ۱۳۳۱ به امضای دکتر مصدق رئیس دولت وقت رسیده بود هشت روز بعد (روزی چون امروز) جهت اجرا به وزارت کشور ابلاغ شد. این لایحه با استفاده از اختیارات دکتر مصدق در ۹۰ ماده و ۱۴ تبصره تنظیم شده بود.

طبق این قانون، هر نقطه از ایران که بیش از پنج هزار نفر جمعیت داشته باشد باید دارای انجمن (شورا) انتخابی باشد و زیر نظر این شورا اداره شود. این قانون به هر شهرداری یک شخصیت حقوقی مستقل داده بود. عده اعضای هر شورای شهر بر حسب جمعیت آن میان ۹ تا ۳۰ نفر تعیین شده بود. شورای تهران باید دارای ۳۰ عضو می‌شد. مهمترین وظیفه شورا انتخاب شهردار بود..

زادروز نویسنده «برباد رفته» پرفروشترین داستان در تاریخ بشر

بانو «مارگارت میچل Margaret Mitchell» نویسنده داستان «برباد رفته» در باره جنگ داخلی آمریکا که یکی از بهترین آثار ادبی قرن ۲۰ است هشتم نوامبر ۱۹۰۰ در شهر آتلانتا به دنیا آمد. وی در طول عمر نسبتا کوتاه خود همین یک داستان را نوشت که به صورت فیلم سینمایی هم درآمده است. داستان برباد رفته پرفروشترین داستان تاریخ بشر است که هنوز هم هر سال بیش از ۲۵۰ هزار نسخه از آن بفروش می‌رسد. این کتاب به ۳۵ زبان ترجمه شده است.

نخستین چاپ کتاب او سی ام ژوئن ۱۹۳۶ انتشار یافت و خود وی ۱۶ اوت ۱۹۴۹ فوت شد. مارگارت برای نوشتن کتاب «برباد رفته» ده سال تمام کار کرده بود. دولت آمریکا به منظور قدردانی از مارگارت تمبری را چاپ کرده و به جریان گذارد.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول سودوکو



آسان ۱۳۱۷ | **دشوار ۶۴۰**

سودوکو (Sudoku) یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون های حل جدول سودوکو:

۱ـ در هر سطر و ستون باید اعداد ۱ تا ۹ نوشته شود بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲ـ در هر مربع ۳×۳ اعداد ۱ تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

آسان ۱۳۱۷

۲					۵		۷	۳
۳	۱		۴				۹	
۷	۴		۳				۱	۲
		۱			۸	۲		
		۴	۷		۲	۳		۱
	۷		۱	۶		۹		
	۵						۸	۴
۴		۳						
			۶	۵		۷		۹

دشوار ۶۴۰

	۹				۸			
۶				۷		۱		
	۳		۶			۴		
۳	۸		۷	۴				
			۲					
۷			۹				۴	۶
	۱			۵		۸		
		۳						۲
	۵		۸	۲			۷	

حل جدول شماره ۱۳۱۶

۱	۹	۷	۵	۲	۴	۶	۸	۳
۴	۵	۸	۳	۹	۶	۲	۱	۷
۲	۶	۳	۷	۱	۸	۹	۵	۴
۸	۴	۲	۹	۷	۳	۱	۶	۵
۹	۷	۵	۱	۶	۲	۴	۳	۸
۶	۳	۱	۸	۴	۵	۷	۲	۹
۵	۱	۴	۶	۸	۷	۳	۹	۲
۳	۲	۹	۴	۵	۱	۸	۷	۶
۷	۸	۶	۲	۳	۹	۵	۴	۱

حل جدول شماره ۶۳۹

۷	۱	۹	۵	۶	۳	۲	۸	۴
۶	۵	۸	۱	۴	۲	۹	۷	۳
۴	۲	۳	۸	۷	۹	۶	۱	۵
۵	۶	۴	۳	۲	۱	۸	۹	۷
۸	۳	۲	۷	۹	۴	۱	۵	۶
۱	۹	۷	۶	۵	۸	۳	۴	۲
۹	۷	۵	۲	۸	۶	۴	۳	۱
۳	۴	۶	۹	۱	۷	۵	۲	۸
۲	۸	۱	۴	۳	۵	۷	۶	۹